

بیرک کارمل

تحکیم حزب و پیوند آن با خلق

باز نشر: راه پرچم

تایپ و دیجیتال سازی: محمد قاسم آسمایی

بیرک کارمل

تکسیم خرب و پیوند آن با خلق

درباره کتاب:

عنوان: بېرک کارمل، تحکیم حزب و پیوند آن با خلق

چاپ نخست: کابل جدی ۱۳۶۲ موسسه نشراتی ح. د. خ. ۱.

نشر دیجیتال: حمل ۱۳۹۷ / اپریل ۲۰۱۸ صفحه انترنیتی **راه پرچم**

بازتایپ و دیجیتال سازی: محمد قاسم آسمایی



تذکر کوتاه

صفحهٔ انترنیتی راه پرچم افتخار دارد که در راستای باز نشر و پخش اسناد، مدارک و نشرات بیانگر کار و پیکار جمهوری دموکراتیک افغانستان و حزب دموکراتیک خلق افغانستان، باردیگر مجموعهٔ بیانیه‌ها، مصاحبه‌ها و گذارش‌های رفیق ببرک کارمل در پلینومهای کمیته مرکزی و نخستین کنفرانس حزبی را با عنوان «تحکیم حزب و پیوند آن با خلق» در دنیای انترنیت همگانی میسازد.

قابل یادآوری است که صفحهٔ انترنیتی راه پرچم، چندی قبل این مجموعه را از طریق وبسایت راه پرچم در اختیار هموطنان قرار داده بوده که متأسفانه نسبت کیفیت پایین سکن و حجم زیاد (MB ۳، ۳۴) امکان دانلود سهل آن با انترنیت ضعیف، مخصوصاً در داخل کشور توأم با دشواری‌های بود؛ برای رفع این معضله و بنابر خواست هموطنان، به بازتایپ آن اقدام و اینک متن تازه با حجم (MB ۳) در اختیار شما قرار داده میشود.

در پیداکردن و همگانی ساختن اسناد، مدارک و نشرات دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان ما را یاری رسانید. همگانی ساختن چنین مدارک و نشرات یک دین و مکلفیت ما است.

گردانندگان صفحهٔ انتر نیتی راه پرچم

ایمیل:

rahparcham@gmail.com

آدرس ما در انترنیت:

<http://rahparcham1.org>

درباره این مجموعه

با سقوط دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان، خصومت و عناد دشمنان و مخالفین بین المللی، منطقی و داخلی آن با مردم وطن و حزب ما، ننتها فروکش نکرد بلکه برای تخریب آرمانها، اهداف و دستاوردهای دولت دموکراتیک و ویرانی وطن و کشتن مردم، شیوه های به مراتب ویرانگری را بکار بردند. جهادی های پایین شده از کوه همانند نیروهای ویرانگر چنگیزی با غصب موسسات دولتی و عامه آنچه را که قابل انتقال بود "غنیمت دانسته" به تصرف شخصی و تنظیمی خویش درآوردند و آنچه را که غیرقابل انتقال بود؛ شکستند و نابود ساختند. بزرگترین جفای تنظیم های جهادی، تسلیم دادن اسناد محرم ادارات دولتی به کشورهای پاکستان و ایران بود.

حامیان بین المللی "مجاهدین"، در آغاز خواستند با برجسته ساختن موجودیت قوای شوروی، مسئولیت جنگ و ویرانی کشور را متوجه جمهوری دموکراتیک افغانستان ساخته و بر همه دستاوردهای بیش از یک دهه دولت دموکراتیک خط بطلان بکشند و پیروزی دست پرورده های خویش را جشن بگیرند.

در مرحله بعدی وسایل ارتباط جمعی وابسته به آنها بشمول نویسندگان، تحلیل گران و ژورنالیستان مخالف دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان خواستند با سکوت و خاموشی در مورد اقدامات آبادانی و سازندگی در جمهوری دموکراتیک افغانستان، آنرا از اذهان مردم محو سازند. آنان حین نوشتن مطالب و تحلیل ها، پیرامون وضع و حوادث افغانستان تلاش داشتند تا از جمهوری داوود به دولت اسلامی ساخته شده از جانب آنها، خیز بزنند و چنین تلقین نمایند که گویا در فاصله سالهای ۱۹۷۹ - ۱۹۹۲ هیچ کاری مثبتی در افغانستان صورت نگرفته است و تنها دوره سیاه بگیروبیند حفیظ الله امین را سمبول و نمونه همه این مدت دانسته اند.

خوشبختانه گذشت زمان و دآوری تاریخ، بیطرفانه است و با سپری شدن هرماه و هرسال، رویداد های دهه هشتاد میلادی قرن گذشته از جنگ تا آبادانی و سازندگی، بیشتر و خوبتر وضاحت یافته و می یابد و مردم طی بیست و شش سال گذشته با چشم خویش می بینند و با پوست و گوشت خود احساس میکنند که همسایه های به ظاهر دوست و مدعی داشتن تاریخ، فرهنگ، زبان و دین مشترک، چرا و برای کدام منظور تنظیمهای جهادی را ایجاد کرده و ارتجاع عرب و جهانخواران بین المللی، روی کدام انگیزه ها و اهداف، بر آنها سرمایه گذاری کرده و امکانات بیحساب پول، سلاح

واطلاعات را در اختیار آنها قرار داده و در سطح بین المللی از آنها حمایه سیاسی و تبلیغاتی می‌کردند و مدعیان "اسلام و آزادی" چه جنایاتی را در مقابل مردم و وطن مرتکب شده و میشوند؟

در راستای توضیح اهداف، خواستها و عملکرد جمهوری دموکراتیک افغانستان و حزب دموکراتیک خلق افغانستان، در عرصه های گوناگون، بازپخش مجموعه از سخنرانی ها، مصاحبه ها و گذارش های رفیق بیرک کارمل رئیس شورای انقلابی و منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان کمک مینماید تا تصویر از کاروپیکار یک دوره از تاریخ کشور بدست آید و زمینه دسترسی را برای مشتقان بررسی بی طرف حوادث کشور فراهم نماید. قاسم آسمایی

حزب دموکراتیک خلق افغانستان جزء جدایی ناپذیر خانواده

احزاب طراز نوین طبقه کارگر است

بیانیه شفاهی در انستیتوت علوم اجتماعی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

۲۴ فبروری ۱۹۸۱

رفقا، جوانان مبارزو انقلابی!

افتخار دارم که خود را در یکی از کانونهای انترناسیونالیستی، در میان نسل بالنده و سازنده دنیای جدید می یابم. نخست اجازه دهید از صمیم قلب سپاسگزاری عمیق و برادرانه، افتخار و سپاس بی پایان خود، حزب، مردم و دولت ج. د. ا. را به پیشگاه بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست لنینی اتحاد شوروی که تحت رهبری شخصیت برجسته لنینیست کبیر ل. ای. بریژنف گشایش یافت و برای اولین بار هیات نماینده گان افغانستان انقلابی در آن شرکت ورزیده اند، ابراز بدارم.

کنگره های حزب کمونیست اتحاد شوروی در تاریخ بشری ریشه های مستحکم رهاییبخش و آزادیبخش بر اساس اندیشه های پرنبوغ بنیانگذاران ایدیولوژی طبقه کارگر دارد و هر مرحله از کنگره های حزب کمونیست اتحاد شوروی در واقعیت امر نه تنها پله های عالیتر نردبان تکامل شگوفان، عظیم و انسانی خلق های بزرگ اتحاد شوروی است، بلکه مراحل تکامل تمام بشریت زحمتکش جهان به شمار می آید.

امروز تمام جهان و بشریت سیاره ما تفکر و اندیشه همه جهان آینده را در مسکو می بینند. بعد از انقلاب کبیر اکتوبر، کنگره های حزب کمونیست اتحاد شوروی در لنینگراد و بعد در مسکو دایر شده است. هر کنگره در واقعیت امر در گنجینه عظیم جهان بینی علمی انقلابی غنای بزرگتری به وجود آورده است. گزارش رفیق گرامی ال. ای. بریژنف با تمام عمق همه جانبه، خلاق از لحاظ تیوریک و پراتیک علمی، مظهر عالیترین تجارب شگوفان خلق کبیر شوراهاست. طوریکه رفیق بریژنف در گزارش خود فرموده: در جهان معاصر دو راه و دو خط مشی وجود دارد یکطرف راه اهریمنی، راه جنگ، بدبختی، تحریکات، تجاوزات و راه کهنه و عقب مانده است، طرف دیگر و مشی دیگر، راه صلح، سعادت و خوشبختی، دینانت، خلع سلاح و آینده پرسعادت و شگوفان بشریت و نسل آینده است. درفش این راه نجاتبخش امروز در وجود بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی در اهتزاز بوده است

و خواهد بود. طوریکه در گزارش آمده: راه طی شده راه پر پیچ و خم و پر از دشواری ها، پر از مشکلات، راه خونین برای سعادت بشریت بوده است و این راه مخصوص اتحاد شوروی کبیر است که بعد از انقلاب کبیر اکتوبر سرنوشت بشریت را تغییر داد.

ما به اویتومسیم انقلابی ایمان راسخ داریم که انقلاب ملی ودموکراتیک ضد فیودالی و ضدامپریالیستی برگشت ناپذیر است وگام به گام در راه پیروزی، سعادت و خوشبختی مردم ما به پیش میرود

من فکر می کنم که هنوز وقت است که در پشت تربیون قرار بگیرم و صحبت های وسیع و همه جانبه نمایم؛ وقت است یعنی چه؟ یعنی اینکه دیروز در بدو امر ابراز داشتیم، یک گزارش خلاق علمی و همه جانبه نه تنها برای خلق کبیر اتحاد شوروی بلکه برای بشریت داده شد. اکنون وقت آن است که کلمه به کلمه، جمله به جمله گزارش را عمیق مورد مطالعه، غور و دقت قرار بدهیم بعد از آنکه از آن آموختیم یا باید بیاموزیم، بعد می توانیم در اندیشه و تفکر جدید ویر اساس ابتکارات جدید در ساحه کار ایدیولوژیک، تربیت سیاسی و در راه مبارزه انقلابی گام های قویتر و مطمئن تر و دقیقتر برداریم.

در آخرین قسمت گزارشی که از طرف رفیق ل. ای. بریژنف به کنگره ارائه شد بالای تربیت ایدیولوژی و سیاسی تأکید به عمل آمد و یکی از وظایف مهم انستیتوت علوم اجتماعی وابسته به کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی خواهد بود تا رفقای را که جهت تحصیل به این انستیتوت اعزام میشوند از لحاظ دانش، تعلیم و پرورش ایدیولوژی و سیاسی بر اساس جهان بینی علمی و انقلابی قویاً مسلح گرداند که وقتی این رفقا به کشورهای انقلابی خود میروند در آنجا بتوانند خلق های میلیونی را در راه انقلاب های رهایی بخش مسلح و نیرومند بسازند.

چقدر آرزو داشتیم که اگر من هم مثل شما افتخار می داشتیم که در انستیتوت علوم اجتماعی وابسته به کمیته مرکزی ح.ک.ا.ش تحصیل می کردم. ولی اکنون وظایف عملی، وظایف انقلابی در کشور ما چنان عظیم و بزرگ است که افتخار نشستن درین کرسی های سرشار از علم و دانش برای من میسر نیست. شما و دیگر انقلابیون جهان که فرصت گرانمایه تحصیل را درین کانونهای دانش و تربیت سیاسی و ایدیولوژیک که یکی از نمونه های بزرگ آن انستیتوت علوم اجتماعی وابسته به کمیته مرکزی ح. ک. ا. ش به دست آورده اید باید با تمام نیرو و جدیت از آن استفاده نمایید

امروز با شما نسل جدید انقلابیون که به حیث نمونه در بین انستیتوت به فراگیری تحصیل انقلابی مشغولید یکبار به گذشته مراجعه می کنیم ویک نکته دقیق را می بینیم: پدران ما با چه مشکلات طاقت فرسا علوم و دانش انقلابی و سیاسی را فرا می

گرفتند به طور مثال در روسیه طی قرن نوزده و اوایل قرن بیست هنوز آثار بنیانگذاران جهان بینی علمی و انقلابی و دیگر نویسندگان بزرگ و انقلابی به زبان روسی ترجمه نشده بود ولی پرولتاریای قهرمان و بزرگ روس نویسندگان بزرگ دموکرات در قرن نوزده داشتند، لیکن تا آن زمان که پلخانوف و مکتبش و بعد از آن ولادیمیر ایلیچ لنین آثارشان به زبان روسی پخش نشده بود، برای انقلابیون آن زمان مشکل بود که تمام جهان بینی انقلابی را به زبان خود فرا گیرند. به این جهت لنین همیشه توصیه می کرد که باید یکی از زبانهای که آثار بنیانگذاران جهان بینی علمی و دیگر انقلابیون و تئوریسین ها به آن نوشته شده باشد، فرا گرفته شود. پرولتاریای روس در زیرزمینی ها با کاغذهای کهنه سعی می کردند که بعضی آثار و نوشته ها را مطالعه کنند. لیکن اکنون می بینیم بزرگترین، بهترین عمیق ترین و همه جانبه ترین علوم بشریت علم نو در اتحاد شوروی شگوفان است و حالا برای نسل موجود تمام آثار وسیع با استادان، معلمین و دانشمندان مجرب نه تنها در خدمت نسل انقلابی فرزندان اتحاد شوروی، بلکه به مثابه يك امر با اهمیت انترناسیونالیستی در خدمت همه مردم جهان قرار گرفته است که ساده ترین نمونه آن درین محفل دیده می شود. نتیجه اینکه وظیفه با اهمیت و قاطع یک انقلابی مقدم تر از همه، فراگرفتن جهان بینی علمی انقلابی است. اما نه جهانی دگم، بلکه جهانی خلاق. با فراگرفتن چنان دانش خلاق که بتوان آنرا در شرایط خاص جامعه و کشور خود تطبیق کرد. در گزارش جدید و ابتکاری که در بیست و ششمین کنگره ح. ک. ا. ش ارائه گردید تصریح شده که بر اساس قوانین عمومی و احکام عام جهان بینی علمی انقلابی در شرایط هر کشور و جامعه راه های انقلاب، تاکتیک و استراتژی انقلاب تفاوت می کند. در حالیکه باید ما از لحاظ تیوری انقلابی و ایدیولوژیک قویاً مسلح شویم، باید توانایی آنرا هم فرا بگیریم که چگونه تیوری انقلابی را با استفاده از تجارب تمام احزاب انقلابی، مترقی، احزاب کمونیستی و کارگری و انقلاب های آزادیبخش می توان در کشور خود و در جامعه خود درفش سرخ انقلاب را برافراشت و همچنین بر مبنای تیوری انقلابی و مترقی باید جامعه خود را همه جانبه و عمیق از لحاظ اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، خصوصیات، عنعنات، سنن، مذهب، ملیت ها، اقوام و قبایل و سوابق تاریخی، کرکتر و خصوصیات مردم درک کرد و شناخت. همچنان نسل پرچمدار و انقلابی هر کشور بر اساس تیوری انقلابی نکته مهمی را باید در نظر داشته باشد و آن عبارت است از ایجاد يك حزب طراز نوین، حزب انقلابی مسلح به ایدیولوژی طبقه کارگر، به جهان بینی علمی انقلابی، بدون موجودیت و تکامل چنین حزبی پیروزی انقلاب امکان پذیر نیست. این یکی از اصول و احکام لنینی است که ولو تمام شرایط عینی در یک جامعه آماده باشد بدون سلاح بران یعنی یک سازمان انقلابی پیروزی انقلاب ممکن نیست. در شرایط کشور ما با استفاده از تیوری انقلابی و ایدیولوژی طبقه کارگر، مردم افغانستان عناصر آگاه و پیشاهنگ طبقه کارگر جوان، حزب طراز نوین خود را شانزده سال قبل ایجاد کرد و علی الرغم یک سلسله

اشتباهات، مد و جزرها و شکست ها باز هم در یک کشور فوق العاده عقبمانده فیودالی و ماقبل فیودالی توانست درفش انقلاب ملی و دموکراتیک ضد فیودالی و ضد امپریالیستی را تحت رهبری حزب طراز نوین یعنی حزب دموکراتیک خلق افغانستان برافرازد. اینجاست که انقلاب افغانستان، پیکار مردم زحمتکش و قهرمان افغانستان و حزب ما به منزله یکی از تجارب نوینی است که کشورهای مشابه و رفقای هم‌رزم ما آنرا نیز می‌توانند مورد توجه و مطالعه خود قرار بدهند و از تجارب آن استفاده نمایند. با در نظر داشت اشتباهاتی که صورت گرفت، در آخرین تحلیل حزب ما با سایر نیروهای ملی و وطنپرست موفق شد که در پیرویه انقلاب ملی و دموکراتیک به پیش رود ولی اگر نیروهای مترقی جهان و بخصوص هر گاه کمک عظیم اتحاد شوروی نمی بود با وجود اراده قاطع خلق ما با وصف اینکه مردم ما دارای یک حزب طراز نوین و جوان مجهز با ایدیولوژی علمی بود باز هم انقلاب ما نه تنها با شکست مواجه می‌شد بلکه بر اساس پلان شوم و ردیالانه ارتجاع و امپریالیزم در رأس امپریالیزم امریکا، شوونیزم چین، انقلاب ما سرکوب و استقلال و آزادی کشور ما نیز از میان میرفت و مورد تجزیه دشمنان قرار می‌گرفت. به این جهت یکبار دیگر به نام مردم افغانستان و از طرف حزب دموکراتیک خلق افغانستان و سایر نیروهای ملی و دموکراتیک سپاسگزاری عمیق خود را به خلق کبیر اتحاد شوروی، دولت اتحاد شوروی، حزب کمونیست اتحاد شوروی، کمیته مرکزی ج. ک. ا. ش و بیروی سیاسی کمیته مرکزی در رأس به رفیق بزرگ ل. ای. بریژنف ابراز میدارم.

رفقا، دوستان مبارز و انقلابی، رفقای انترناسیونالیست!

کانون گرم انترناسیونالیستی شما برای من المهایمبخش است. برای اینکه وقت زیاد شمارا نگرفته باشم و مسایل به صورت مشخص و کانکریت مطرح گردد هر رفیق می‌تواند آزادانه هر سوالی را که داشته باشد مطرح نماید من حاضریم به پاسخ آن بپردازم.

بخش سوالات:

پاسخ به سوال رفیق هندی:

به اطلاع رفقا و دوستان رسانیده میشود که هم‌زمان با تدویر بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی درین روزها ما جشن شصتمین سالگرد دوستی و قرارداد دوستی افغان - شوروی را تجلیل می‌کنیم.

رفیق ماسوال کرد که نقش و تأثیر کمک های اتحاد شوروی و خصوصیاتش به افغانستان چیست؟ برای توضیح این مسئله زمان کوتاهی که ما داریم کافی نیست. توضیح کمک، یاری و همکاری اتحاد شوروی در تمام شئون زندگی مردم ما آنقدر بیکران و بزرگ است که نوشتن آن کتابهای قطوری را ایجاب میکند.

کافی خواهد بود اگر اعلان بکنم که سنگی مستحکم دوستی، کمک و همکاری اتحاد شوروی را با افغانستان ولادیمیر ایلیچ لنین گذاشت فکر می کنم بیشتر ازین کدام ترم واصطلاح از کمک و دوستی افغان شوروی وجود نخواهد داشت.

اگر کمک همزمان اتحاد شوروی و پشتیبانی آن در سال ۱۹۱۹ نمی بود، یعنی هنگامی که مردم افغانستان علیه بزرگترین قدرت امپریالیستی وقت یعنی انگلیس قیام کرده بود موفقیت و پیروزی قابل سوال جدی بود. در تاریخ افغانستان برای نخستین بار قرارداد دوستی و برادری با یک قدرت بزرگ که در آنوقت جمهوری روسیه جوان بود به امضا رسید، و این امر به استقلال سیاسی و اقتصادی ما کمک رسانید.

فهرست کمک های اتحاد شوروی در تمام شئون زنده گی مردم افغانستان اعم از اقتصادی، سیاسی، علمی، تخریکی، فرهنگی و نظامی بسیار وسیع است. هرگاه در کشورها حرفی از صنایع مدرن به میان می آید، اگر شاهره مطرح بحث قرار میگیرد، اگر فارم های زراعتی، مکاتب، پوهنخی های علمی و تخریکی، تخریکم ها، آرت و هنر و حتی پرورش انسان مطرح بحث قرار می گیرد کمک های اتحاد شوروی جای نخستین را داراست. همانطوریکه نخستین بار استقلال افغانستان از جانب اتحاد شوروی به رسمیت شناخته شد، انقلاب اپریل نیز برای اولین بار از طرف اتحاد شوروی به رسمیت شناخته شد. همچنان از طرف اتحاد شوروی در حساس ترین لحظات مرگ و زنده گی، بودنیود، هستی و نیستی، کمک به موقع به مردم افغانستان، به دولت قانونی افغانستان رسید به همین ترتیب همه در افغانستان کمک اتحاد شوروی را در تمام شئون به چشم سر خواهند دید و با پوست و گوشت لمس خواهند کرد مردم ما چنین احساس دارند.

در آغاز صحبت با صراحت اعلام داشتم که اگر کمک به هنگام اتحاد شوروی نمی بود امروز نه تنها دستاوردهای انقلاب ما از میان می رفت بلکه آزادی و استقلال ما نیز برهم می خورد. گمان میکنم این قاطع ترین حرف برای دوستان و حتی کوبنده ترین پاسخ برای دشمنان ما، ارتجاع و امپریالیزم است و خواهد بود.

یقین دارم که امروز رفقا و دوستان از امواج رادیو، تلویزیون و جراید راجع به گزارش رفیق ل. ای. بریژنف در مورد افغانستان عطف توجه کرده باشند، یکباردیگر موقف افغانستان به مثابه یک کشور قهرمان و انقلابی در گزارش ارائه شد که جواب دندان شکن و قاطع برای ارتجاع بین المللی و امپریالیزم در رأس امپریالیزم امریکا، شوونیزم چین و کشورهای مرتجع که علیه افغانستان به تحریکات و تجاوزات دست می زنند، می باشد.

در مورد سوال دیگر پرسنده:

موقف امپریالیزم در خلیج، در بحیره عرب، بحر هند، بحیره احمر، شرق میانه، شاخ افریقا بخصوص در خلیج فارس، چنانکه ل. ای. بریژنف طی سفر خود نیز در پارلمان هند و همچنین در گزارش دیروز که به کنگره بیست و شش ارائه نمود با صراحت، علمی، همه جانبه، عمیق و خلاق پاسخ داده شده است.

به همه گان معلوم است که انحصارات امپریالیستی با اتکا به دکترین کارتر زیر عنوان « حفظ مناطق حیاتی» قوای عکس العمل سریع را با استفاده ازین دکترین های ضد دینانت متمرکز ساخته و در پی تحریکات جنگی است و همه اطلاع دارند که بحریه و قوای بحری امریکا و کشورهای ناتو در خلیج موضع گیری کرده اند . اگر دیروز موضوع گروگان های امریکایی در تهران برای شان بهانه بود اما اکنون که گروگان های نیز نجات یافته اند باز هم در بحر هند، خلیج عرب، خلیج فارس، بحیره احمر و همچنان بر اساس توطئه کمپ دیوید در مصر، عربستان سعودی، عمان، سومالی، کینیا پایگاه های تجاوزکارانه امپریالیستی موجود است. این قدرت صلح و سوسیالیزم و اتحاد شوروی است که اینها را از لحاظ تحریکات جنگی لگام زده صلح را دفاع می کند.

سوال دیگر (هند):

موجودیت هیات نماینده گی امریکا که در کنگره دعوت شده و ارزیابی شما از سیاست امریکا چیست؟

سیاست اداره ریاست جمهوری امریکا چه ریگن که حالا روی صحنه آمده و چه کارتر که در حقیقت دوروی یک سکه اند سیاست انحصارات امپریالیستی و اینان نماینده گان انحصارات جهانخوار امپریالیزم امریکا هستند. نباید فراموش کرد که برای عناصری که انقلابیون اصیل و واقعی هستند مرز مشخص و روشن بین طبقات ستمگر و استثمارگر و طبقات استثمار شونده و ستمدیده وجود دارد. باید توجه کرد که اکثریت خلق امریکا کارگر است و در تحت استثمار و ستم قرار دارند. از آنجای یکه وسایل ارتباط جمعی در انحصار انحصارات بزرگی است برای خلق کارگر امریکا مشکل است که حقایق را درک کنند و تشخیص بدهند.

شرکت هیات نماینده گی حزب کمونیست ایالات متحده امریکا خود نشاندهنده و بیانگر اینست که خلق کارگر امریکا، طبقه کارگر امریکا از خود پیشاهنگ و حزبی دارد. طبقه کارگر امریکا و عناصر آگاه آن در وجود حزب مبارز، دلاور و شجاع خود یعنی حزب کمونیست ایالات متحده امریکامی رزمند. علی الرغم دشواری ها، مشکلات و موانع ی که از طرف اداره امریکا ایجاد میشود باز هم هیات نماینده گی در بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی شرکت می کند و این خود نشان دهنده اینست که حزب کمونیست اتحاد شوروی از اعتبار و پرستیژ عظیم در کره زمین برخوردار است حتی در ایالات متحده امریکا. لذا شرکت هیات نماینده

گی حزب کمونیست ایالات متحده امریکا در بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی خود از لحاظ سیاسی و ایدئولوژیک بالای طبقه کارگر امریکا تأثیر مثبت و ثمربخش دارد.

سوالات رفقای افریقای جنوبی:

۱- جهات اصلی سیاست دولت در راه ایجاد شرایط مادی برای تأمین نیازمندیهای دهقانان کدام است؟

باید تأکید کرد که انقلاب اپریل از لحاظ کرکتر و ماهیت خود یک انقلاب ملی و دموکراتیک ضد فئودالی و ضد امپریالیستی است. از لحاظ اصول مرامی و تیوری انقلابی و پراتیک انقلابی وظیفه اولین، اساسی و عمده انقلاب ملی و دموکراتیک ضد فئودالی را محو تمام بقایای مناسبات فئودالی در دهات تشکیل میدهد. نفوس افغانستان در حدود پانزده و نیم میلیون است که در حدود دومیلیون در شهرها زنده گی می کنند و در حدود دو نیم الی سه میلیون زنده گی قبیله وی، کوچی و نیمه کوچی دارند و ده الی یازده میلیون به صورت مستقیم و غیرمستقیم مربوط به دهات و در ارتباط با زمین و زراعت زنده گی می کنند. به این ترتیب دهقانان نیروی عمده انقلاب ماست، لذا به اساس حکم و قانونمندی انقلاب ماست که باید دگرگونی در حیات دهات با امحای مناسبات فئودالی به وجود آید و این امر صرفاً از طریق اصلاحات دموکراتیک ارضی عملی شده می تواند. البته مسئله اصلاحات ارضی مسئله ساده نیست.

رهبر کارگران جهان در مورد اصلاحات ارضی تأکید می کرد که اصلاحات ارضی با توجه و احتیاط و دقت و بعد از مطالعه عمیق صورت گیرد.

بعد از انقلاب اپریل علی الرغم اشتباهات بزرگ که در زمینه اصلاحات ارضی صورت گرفت باز هم حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان موفق شدند که در حدود هفتصد هزار هکتار زمین را به سه صد هزار خانواده توزیع نماید. از یکسو اشتباهات بسیار جدی در میتود و برخورد اصلاحات ارضی در افغانستان صورت گرفت و از جانب دیگر با ندیت های صادر شده از خارج کشور مخصوصاً از پاکستان و چین و تهدیدی که در برابر دهقانان صورت گرفته، رعب، خوف، وحشت و دهشت در دهاقین به وجود آورد، سبب شد که اصلاحات ارضی ما آنطوریکه مطابق به پلان بود تحقق نیا بد بعد از مرحله نوین انقلاب ثور است که پروگرام مرحله دوم اصلاحات ارضی را با توجه و بر اساس استفاده از تجارب بخصوص اتحاد شوروی و دیگر کشورها و مطابق به پلان علماً تنظیم شده و تحلیل شده طرح کردیم، توأم با نهضت کوپراتیفی و به صورت آگاهانه و داوطلبانه توأم با ارتقای شعور سیاسی و طبقاتی دهقانان و جرگه های دهقانی.

من امیدوار هستم که در مرحله دوم بارفع اشتباهات، ما بتوانیم نیازمندیهای استراتژیک دهقانان افغانستان را تأمین کنیم.

حزب و دولت پس از مرحله نوین انقلاب به خاطر به سر رسانی وظایف مبرم برای رفع نیازمندی ها و بهبود شرایط مادی دهقانان توانست با استفاده از کمک معادل صد میلیون روبل اتحاد شوروی برای رفع احتیاجات اولیه دهقانان از لحاظ رسانیدن تخم بذری، کود و ماشین آلات زراعتی کمک بکنند و از جانب دیگر کوپراتیف ها را تقویه نمایند. کوپراتیف های جدید را ایجاد کنند و قیم حبوبات و محصولات زراعتی را طوری تنظیم کنند که بتواند از لحاظ شرایط مادی به دهقانان کمک برساند و رفع نیازمندی های عاجل آنها را بنماید. حکومت قیم خرید محصولات زراعتی را از دهاقین بالا برد بخصوص در ساحه پخته و لبلبو، قیمت تخم بذری، کود، ماشین آلات زراعتی را پایین آورد تا تسهیلات مشخص به دهاقین صورت بگیرد.

سوال دیگر: خلق افغانستان در مبارزه علیه ضدانقلاب داخلی و خارجی چه اقدامی نموده است؟

در مرحله نوین انقلاب که از آن در حدود پانزده ماه میگذرد باندهای بزرگی ضد انقلاب صادر شده از خارج بخصوص از پاکستان کاملاً محو شده و از بین رفته است.

نیروهای ضدانقلاب داخلی و خارجی با قوای مسلح و قوای امنیتی افغانستان روبرو شده نمیتوانند ما که اشرار می گوئیم یعنی باندهای صادر شده از پاکستان به شکل گروپهای کوچک پنج نفری و ده نفری که در دهات، در شهر ها و شاهرها ما با قطاع الطریقی، ترور، آدمکشی منفجر ساختن پل ها، شفاخانه ها، مکاتب، مساجد و حریق کردن مزارع دست می زنند. علیه این شیوه تروریستی و آدمکشی باندهای ضد انقلاب، پلینوم سوم کمیته مرکزی، شورای وزیران و قرارگاه عمومی مبارزه باضدانقلاب تدابیری اتخاذ کرده اند تا آخرین بقایای تروریست ها و باندها را به کلی محو و نابودسازند لیکن مشکل ما در کجاست؟ اگر این مشکل نمی بود ما میتوانستیم که آخرین فیر تفنگ و آخرین تروریست را از کشور در کمترین زمان از بین ببریم. از آنجاییکه مشکل اساسی ما در بازبودن طبیعی سرحدات کشور ماست با ندیت ها، اشرار و عناصر ضدانقلاب و اجیر و مزدور به کمک امریکا، چین، مصر، پاکستان با مربیون و معلمین و با سلاح های امریکایی، مصری، پاکستانی و چینیایی و با استفاده از پترودالر کشورهای مرتجع عربی، در کمپ ها تربیت و پرورش می شوند و هرروز از سرحدات باز افغانستان داخل کشور ما می گردند یعنی در حقیقت ما با تجاوزات خارجی بایک جنگ اعلان نشده مواجه بوده ایم و تا کنون هستیم نه اینکه مواجه با نبردهای ضدانقلاب در داخل کشور.

سوال:

آیا به علت موجودیت پیروان سابق امین در حزب دو جریان وجود دارد؟

از لحاظ پر نسیب یک نقطه باید به رفقا تصریح شود تا زمانی که طبقات در جامعه است حتی در حزب طبقه کارگر و حزب طراز نوین هم اختلافات و تفاوت های نظر وجود می داشته باشد.

اصل سنترالیزم دموکراتیک به حیث يك اصل زرین، عمده و اساسی در واقعیت امر کلید حل اختلافات درونی حزبی است، درین شك نیست که حزب ما حزب دموکراتیک خلق افغانستان از همان روز اول ایجاد کنگره مؤسس یا کنگره اول بنابر عقب مانده گی جامعه و فقر تیوری و تجربه انقلابی سلسله اختلافات و جود داشت. ولی آنچه جداً موجب بحران در حزب ما شد و انشعاب صورت گرفت؛ نفوذ یک عنصر خاین و يك باند منحرف ضد سوسیالیزم علمی، ضد ایدئولوژی طبقه کارگر در ماسک دروغین سوسیالیزم در ماهیت امر به حیث عمال و اجنت دشمن در داخل حزب است که حفیظ الله «امین» و باند وی بود. با مرحله نوین انقلاب عمال امین و خود او از بین رفت و وحدت حزب از لحاظ رهبری، ایدئولوژیکی، سیاسی، تکتیک و ستراتیژیک و سازمانی تأمین شد. لذا ما در داخل حزب مواجه با دو جریان و یا جریانات نیستیم اما بعضاً وجود بقایای باند خاین امین در حزب درک میشود و از بین میرود. لذا به رفقا و دوستان خود اطمینان میدهم که پروسه وحدت اصولی و ارگانیک حزب ما با گام های متین و استوار به پیش میرود.

سوال رفقای اتریشی:

دشمنان انقلاب افغانستان مدعی هستند که انقلاب ثور خصلت شورشی را داشته است، در سال های اخیر زیربنای انقلاب و تأثیر نیروهای مترقی چگونه توسعه داده میشود وجود دو فرکسیون در حزب چگونه نقش داشت و چگونه وحدت در حزب ایجاد شد؟

- رفقا یکی حرف دشمنان است طوریکه رفقای اتریشی ما گفتند که دشمنان انقلاب افغانستان مدعی هستند که انقلاب ثور خصلت شورشی داشت، مادنبال حرف دشمنان نمی رویم.

دکتورین جدید ریگن بسیار عجیب است که شما درین روز ها هم شنوید. یکی تروریزم بین المللی که آقای ریگن تمام جنبش های ملی و آزادیبخش اجتماعی را همدریف به تروریزم بین المللی قرار میدهد. آیا ما و شما به این ادعای دشمن موافق هستیم؟ طبعاً نه. به هر حال انقلاب اپریل بر اساس اصول عمومی قانون اساسی انقلاب در شرایط مشخص اجتماعی، سیاسی و کلتوری افغانستان علماً به رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان بر اساس اراده بالقوه و بالفعل مردم زحمتکش

افغانستان و به تأیید و پشتیبانی مردم زحمتکش افغانستان که از طرف تمام جهان به رسمیت شناخته شده، به وجود آمد. یکی از اصول اساسی و تعیین کننده هر انقلاب رهایی بخشی اینست که توده های عظیم مردم تا کدام حدود و پیمانانه از انقلاب و حزبی که انقلاب را رهبری می کنند پشتیبانی می نمایند و قتیکه انقلاب اپریل در افغانستان اعلان شد بدون اینکه جنبه مبالغه داشته باشد ما به جرأت گفته می توانیم در همان اوضاع و احوال مردم ما خود گویا و یا شاهد هستند و جهان نیز شاهد است که بیش از نودونه فیصد مردم افغانستان از انقلاب اپریل یعنی انقلاب ثور قاطعانه و جدی پشتیبانی میکردند. با یه اعتراف کرد که بنابر اشتباهات رهبری سابق و تفتین حقیظ الله امین بعد از مدت زمانی اکثریت مردم ضدحکومت استبدادی امین قرار گرفت و بعد از مرحله نوین یا مرحله دوم انقلاب اپریل در مدت بالنسبه کوتاه در مدت پانزده ماهی که سپری میشود حزب و حکومت توانست که زیربنای اجتماعی و سیاسی و حتی اقتصادی انقلاب را تا حدودی که امکان میسر بود تأمین نماید. ده ها هزار از مردم ما گروه، گروه میتنگی ها و جلسات تشکیل می دهند از خط مشی جدید حزب، دولت و جبهه ملی پروطن تأیید و پشتیبانی میکنند. درین شک نیست که در حزب ما در طی شانزده سال وقتاً فوقتاً فرکسیون های متعددی به وجود نیامده باشد، روی همین دلیل لنین علیه فرکسو نیزم همیشه در داخل حزب مبارزه کرد تا آخرین لحظه های زنده گی نوشته ها و آثارش علیه فرکسیون نیزم بوده است. در حزب ما دو فرکسیون عمده واقعاً وجود داشت ولی با این تفاوت که این دو فرکسیون از لحاظ اهداف، مرامنامه، اساسنامه، ایدیولوژی استراتژی عملاً با هم در وحدت بود اگر عمال امین و باند او را عامل ذهنی تثبیت کنیم و کردیم پس عامل اختلاف تاکتیکی بوده و سرانجام باحل اختلافات تاکتیکی وحدت بعد از ده سال در ۱۹۷۷ در حزب تأمین گردید. محصول خلاق و بزرگی این وحدت پیروزی انقلاب اپریل در افغانستان است. ولی باز هم بنابر تفتین امین وحدت در داخل حزب برهم می خورد، انشعاب و فرکسیون نیزم به برهم زدن وحدت یعنی لطمه زدن به انقلاب، به مردم به حزب تأثیر میگذارد ما تجربه تلخ را گذشتانیدیم.

علی الوصف تراژی دی بزرگ و غم انگیز اداره، حکومت ورژیم امین باز هم وحدت حزب دوباره به وجود آمد و انقلاب ما را نجات داد و آنرا وارد مرحله نوین ساخت. اینست رمز پیروزی در وحدت، اما چگونه وحدت صورت گرفت؟ روی حکم و دستور قانونمندی انقلاب با درك رفقای رهبری حزبی و کادرهای ما. این تجربه تلخ و شیرین شکست و پیروزی حزب ماست. هرگاه وحدت در حزب مامی بود. ما پیروزی بودیم و همینکه وحدت بر هم می خورد ما شکست میخوریم.

رفقا و دوستان!

همه شما جوان و کادرهای حزب طبقه کارگر و جنبش کارگری هستید این تجربه را به حضور شما تقدیم کردم که اصل زرین لنینی وحدت طبقه کارگر، اتحاد نیروهای

ملی و مترقی و وطنپرست و دموکراتیک، وحدت نیروهای صلحجو، وحدت طبقه کارگر از اعم مسائل است تا در داخل احزاب خود از صداقت و راستی و براساس روح لنینیزم در راه وحدت سعی و مجاهدت بی امان نماییم.

سوال رفقای کانگو:

در افغانستان نودفصد مردم مسلمان هستند و اسلام به مواضع مستحکم محافظه کارانه استوار است، حزب دموکراتیک خلق افغانستان بر پایه جهان بینی علمی چه نوع فعالیت دارد؟

جواب:

رفقا دیروز گزارش رفیق ل. ای بریژنف پاسخ بسیار خلاق بر مسئله دین و مذهب داد.

حزب ما عمیقاً با تمام عنعنات و سنن و بخصوص دین اسلام احترام فراوان قایل است و این اصل در اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان که چندماه بعد از مرحله نوین انقلاب از طرف شورای انقلابی تدوین شده صریحاً گفته شده است.

در حدود نودونه فیصد بلکه بیشتر در افغانستان مسلمانان زنده گی میکنند و باید اعتراف کرد که باز هم بنا بر اشتباهات رهبری سابق در حزب و دولت در برابر معتقدات دینی مردم افغانستان بی احترامی زیاد صورت گرفت که این مسئله یکی از عوامل دیگر تجرید شدن حزب و دولت از مردم بود.

در مرحله نوین انقلاب اپریل حزب و دولت سعی و مجاهدت فراوان به عمل آورد تا این سوء تفاهم را در میان توده های مردم از بین بردارد. و درین راه پیروز و موفق هم شد و تمام رهبران، کادر ها و صفوف حزب در تمام اماکن مقدسه در مساجد، تکیه خانه ها در هنگام مراسم و مناسک دینی و مذهبی صادقانه شرکت کردند و احترام عمیق به معتقدات دینی مردم زحمتکش افغانستان به عمل آوردند. از طرف حزب و دولت جلسات و کنفرانس های بزرگ روحانیون دایر گردید ریاست شئون اسلامی در چارچوب شورای وزیران ایجاد شد. درین روزها مقدمات و تدارکات ایجاد شورای روحانیون، علما و ملامهای افغانستان گرفته میشود. شورای روحانیون جزء جبهه ملی پدروطن خواهد بود.

سوال دوم:

مسئله بیسوادی یکی از جدی ترین مسایل است در افغانستان تا جایکه اطلاع داریم در بعضی از مناطق افغانستان آموزگاران به قتل می رسند و فامیل هادی ترسند تا فرزندان شانرا در مکاتب شامل کنند آیا به نظر شما اقدامات دولت برای اعزام

معلمین به این مناطق به مشکلات مواجه است و یاخیر؟ حزب ودولت چه نوع اقداماتی را برای تشویق، علاقه مندی وامنیت معلمین اتخاذ نموده ؟

جواب:

رفقا!

نهضت ایجاد کورس های سواد آموزی در افغانستان بعد از انقلاب اپریل آغاز شده و همچنین بسط و توسعه یافته است البته ما به مشکلات تروریزم از طرف باندهای ضدانقلاب بخصوص در برابر پسران و دختران، شاگردان ومعلمین مواجه هستیم به آن پیمانہ دشمن موفق نیست که حیات معارف ما را یعنی از حالت نورمال کاملاً برهم زند نود الی نود و پنج فیصد حیات معارف در کشور فعال است.

سوالات رفقای دنمارك:

در زمینه آموزش زنان وبهبود وضع آنان در جامعه چه اقدامات مشخص اتخاذ میگردد؟

مسئله نهضت زنان در کشور ما از خود تاریخچه پی دارد مگر آنچه واضح و روشن است که حزب طبقه کارگر و همه زحمتکشان افغانستان نقش برجسته پی در نهضت زنان داشته است. اکنون کورس های سواد آموزی داوطلبانه برای زنان ایجاد شده است. در فاکولته ها « کواردنشین» یعنی مردان با زنان یکجا آموزش می گیرند همچنان تا صنوف هشت آموزش یکجایی پسران و دختران موجود است. تساوی حقوق زنان با مردان در تمام شئون زنده گی در اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان اعلان شده است.

سازمان دموکراتیک زنان افغانستان همزمان با تأسیس حزب دموکراتیک خلق افغانستان با سابقه شانزده ساله تحت رهبری رفیق دکتورس اناهیتا راتب زاد عضو بیروی سیاسی ایجاد شده فعالیت های وسیع توده پی خود را تعقیب می کند.

سوال دوم : برخورد محصلان در برابر اهداف انقلاب چیست ؟ جواب : اگر خلاصه بکنم اکثریت محصلان افغانستان یا در سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان شرکت دارند که یک سازمان جنبی حزب ماست و یا اکثریت آنها عضو حزب اند ودر مقابل تمام فعالیت های ضدانقلاب شجاعانه در سنگر حزب، دولت وانقلاب قرار دارند.

سوالات رفقای سوریه:

۱- اخیراً در عربستان سعودی کنفرانس کشورهای اسلامی به کار خود پایان داد نظر شما درین مورد چیست؟

تصامیم این کنفرانس در مورد فعالیت ارتجاع داخلی و خارجی ضد افغانستان چه تأثیری گذاشته است؟

جواب:

نخست از کشور برادر سوریه متشکریم که در کنفرانس کشورهای اسلامی طایف موضعگیری قاطع در دفاع از انقلاب افغانستان داشت. البته تا جاییکه موضعگیری اسلامی در طایف برضد صهیونیسم در دفاع از خلقهای فلسطین و سازمان آزادیبخش فلسطین و ضد امپریالیزم و ضد توطئه کمپ دیوید و ضد سادات و تاحدی به نفع صلح در منطقه و ضدیت با پایگاه های نظامی در منطقه داده شده باشد این جهتی است که ما مثبت ارزیابی می کنیم. ولی عده از کشورهای اسلامی در واقعیت امر وابسته به امپریالیزم بین المللی در رأس امپریالیزم امریکا با میتود بخصوص به اصطلاح "مسئله افغانستان" عامل نفاق در جوامع اسلامی اند. ما "مسئله افغانستان" را از بیخ و بن مورد تردید قرار میدهیم.

سوال دوم:

ما برای نقش حزب دموکراتیک خلق افغانستان ارزش فراوان قایل هستیم چگونه حزب شما نفوذ و اعتبار خود را میان توده ها تقویت میدهد درین راه با چگونه مشکلات مواجه هستید؟

جواب:

این یک اصل لنینی است. مهم اینست که از انقلاب چگونه دفاع صورت می گیرد و انقلاب چطور از خود دفاع میکند.

ما از تیوری لنینی در شکل افغانی استفاده می کنیم.

سوال سوم: درجه مقاومت ضدانقلاب چیست و در امر دفاع از دستاوردهای انقلاب تا کدام اندازه ضدانقلاب سرکوب می گردد؟

جواب:

فکر می کنم که این سوال را قبلاً پاسخ داده باشم.

سوال رفقای پرتغال:

کوچیان در افغانستان در روند انقلابی چه صدمه وارد می کنند و برای جلب کوچی ها در حیات اجتماعی چه امکاناتی وجود دارد؟

جواب:

ما در شرایط کشور خود از لحاظ کوچی ها در روند انقلاب خود به کدام مشکلی جدی مواجه نشده ایم مشکل ناشی از یک موضوع تاریخی و ملی است که همیشه کوچی های افغانستان بنابر تغییر فصل به آنطرف (به طرف پاکستان) بنابر آب و هوای هر سال مهاجرت می کنند. اکنون زیر عنوان به اصطلاح مهاجرین، پاکستانی ها به واسطه قوای نظامی، کوچی ها را محاصره کرده و نمی گذارند به صورت صلح آمیز به وطن خود عودت کنند. البته رفقا و دوستان می دانند که تغییر خصوصیات زنده گی کوچی ها یک امر ساده و آسان نیست و در زمان کوتاه حل شده نمی تواند. لذا مسئله کوچی را یکجا با اصلاحات ارضی و صنعتی ساختن کشور می توان حل کرد. بخصوص با استفاده از تجارب آسیای مرکزی اتحاد شوروی، ما میتوانیم پرابلم کوچی ها را حل کنیم. پروسه حل مسئله کوچی ها بعد از انقلاب ثور آغاز گردیده است و ما توانسته ایم که در اصلاحات ارضی یک عده از کوچیها را ساکن بسازیم و متوطن نماییم البته رشد و انکشاف کوچی ها در شئون مختلف زمان را ایجاب می کند.

سوالات رفقای لبنان:

۱- در باره جبهه ملی پدروطن و تشکیل آن در افغانستان معلومات دهید؟

جواب: از لحاظ پر نسپ جبهه، جبهه ملی و دموکراتیک، جبهه ملی پدروطن و یا هر نام دیگری که باشد ناشی از خصلت و کرکتر سیاسی، تاریخی و ملی هر کشور است قبل از انقلاب ثور چه در مرامنامه حزب و چه در مشی جاری و عمومی حزب و همچنان بعد از انقلاب برای خط مشی حزب و دولت ما بخصوص بعد از مرحله نوین انقلاب ثور بالای تشکیل جبهه ملی پدروطن که تمام نیروهای ملی و دموکراتیک، مترقی و وطنپرست را متحد می سازد به کرات تأکید شده است. چندی قبل اولین کنفرانس نیروهای ملی، دموکراتیک و وطنپرست در کابل دایر گردید که در آن نمایندگان تمام نیروهای ملی، دموکراتیک و وطنپرست، طبقات و اقشار دموکراتیک و ملی کشور، نماینده گان ملیتها، اقوام و قبایل، روحانیون، کارگران و دهقانان، پیشه وران، اهل کسبه، خرده بورژوازی یعنی بورژوازی ملی شرکت داشتند.

همچنان سازمانهای اجتماعی، کلتوری اعم از اتحادیه های صنفی، اتحادیه های کارگری، کوپراتیفهای زراعتی، سازمان دموکراتیک جوانان، سازمان دموکراتیک زنان، اتحادیه ژورنالیستان، اتحادیه هنرمندان، اتحادیه نویسندگان همه درین کنفرانس اشتراک داشتند و کنفرانس کمیسیونی (کمیسیون ندارکات کنگره جبهه ملی پدروطن) را انتخاب کرد که شاید در بهار سال آینده کنگره جبهه ملی پدروطن در کابل دایر گردد از رفقا، دوستان و مهمانان کشورهای دوست دعوت به عمل می آید.

سوال سوم:

نقش نیروهای مسلح اتحاد شوروی در امر دفاع از منافع دولتی افغانستان و نقش نیروهای ملی و وطنپرست در مبارزه علیه باندیتیزم سیاسی کدام است؟

جواب:

قطعات محدود نظامی اتحاد شوروی به حیث يك نیروی احتیاطی علیه تجاوزات خارجی در افغانستان قرار دارد این اردوی قهرمان، خاندوی، نیروهای حزبی و سایر نیروهای ملی و وطنپرست و خود مردم افغانستان هستند که علیه تروریستها، باندهای کوچک صادر شده و باندیتیزم مبارزه میکنند.

سوال سوم: جریان جلب محافل مذهبی و رهبران آن در مبارزه عمومی ملی و وطنپرستی چگونه است؟

جواب:

باوصف اینکه به این سوال قبلاً به طور مؤجز پاسخ داده شده باید نکته خاصی را به شما روشن کنم!

در افغانستان در حدود بیش از دوصد هزار روحانی و ملا وجود دارد ولی از تمام گروه روحانیون قرار اطلاعات دقیقی که ما به دست داریم بیش از یک دو فیصد آنها با ضدانقلاب، شعوری و آگاهانه و آنهم در خارج از کشور مخصوص پاکستان قرار دارند که آنان همیشه ایران و مزدوران سنتی امپریالیستان بوده و اکثریت ملاها یا در سیاست بیطرف بوده یک عده یی از آنان از حزب و حکومت بخصوص از مرحله نوین پشتیبانی میکنند و شماری از آنان از طرف تروریست ها شهید شده اند.

سوالات رفقای ایتالیا:

کشورهای مختلف پیشنهادهای ارائه کردند مبنی بر اینکه موضوع افغانستان از راه مذاکرات حل شود به نظر شما آیا این ابتکارات میتواند در حل سیاسی این موضوع سهمی داشته باشد که در نتیجه نیروهای مسلح اتحادشوروی بیرون کشیده شود. به هرگونه دخالت از سوی کشورهای همجوار و امپریالیزم خاتمه داده شود؟

جواب:

بهترین جواب در برابر این سوال باز هم در گزارش خلاق رفیق ال.ای بریژنف در بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی داده شده است. این تنها از طرف افغانستان براساس ابتکار افغانستان، تأیید و پشتیبانی اتحاد شوروی و کشورهای دیگر برادر سوسیالیستی و دوست بوده که ما پیشنهاد کردیم بخصوصی

(اعلامیه ماه می ۱۹۸۰) که افغانستان حاضر و آماده است در پشت میز مذاکرات بنشیند و براساس حل صلح آمیز سیاسی، مسایل مورد اختلاف را مطرح بحث قرار داده حل و فصل کند. لذا افغانستان هر وقت حاضر و آماده است تنها و تنها با پاکستان و ایران پشت میز مذاکره بنشیند و تمام مسایل را از لحاظ سیاسی حل و فصل کند.

در مورد عودت قطعات محدود نظامی اتحاد شوروی به وطن صلحجوی شان باید گفت تازمانی که تمام انواع و اشکال مداخلات و تجاوزات از خارج در امور داخلی کشور ما از بیخ و بن قطع نگردد و تضمین قوی و نیرومند در میان نیاید، موضوع خروج قطعات محدود نظامی اتحاد شوروی مورد بحث شده نمی تواند.

سوالات رفقای ترکیه :

لطفاً ماهیت نیروهای ضدانقلاب را که در افغانستان زیر نقاب اسلام عمل می کنند توضیح دهید!

جواب :

ماهیت نیروهای ضدانقلاب را که زیر ماسک اسلام علیه افغانستان مبارزه میکنند چگونه باید شناخت! اکنون ببینیم که ازین به اصطلاح مجاهدین اسلامی یا به عباره دیگر که ماسک اسلام را به رخ کشیده کدام کشورها دفاع میکند. این کلید شناخت ماهیت نیروهای ضدانقلاب که زیر ماسک اسلام فعالیت می کنند می باشد. مسلماً این امپریالیزم امریکاست، سادات خاین به امر اعراب، در پشت پرده اسرائیل و شوونیزم توسعه طلب چین در وجود رژیم نظامیگر پاکستان، بقایای ساواک و شاهنشاه ایران و ارتجاع وابسته به امپریالیزم اعراب اینست ماهیت و خصوصیتی که زیر ماسک اسلام در افغانستان نیروهای ضدانقلاب مبارزه میکنند. اگر اینها دوست اسلام اند و اینها در موضع حق قرار دارند، نیروهای که در بالا شمرده شد نیروهایست که از اسرائیل پشتیبانی می کنند، اسرائیلی که محل مقدس مسلمانان را میخواد پایتخت خود بسازد و اعراب فلسطین را سرکوب کند، سازمان آزادیبخش فلسطین را به رسمیت نمیشناسند، این نیروها ضداسلام و ضد مسلمانان هستند. مدافعین این به اصطلاح مجاهدین، زیر نام اسلام فعالیت می کنند در واقعیت امر این شیطان است که ماسک اسلام را پوشیده است.

سوال دوم:

لطفاً در مورد ساختمان و ترکیب جامعه افغانستان معلومات دهید آیا نیروهای ضدانقلابی پایگاه های اجتماعی دارند!

جامعه افغانستان از لحاظ طبقاتی و اجتماعی مرکب است از طبقه جوان کارگر، اقشار دهقانان، پیشه‌وران، اهل کسبه، اقشار روشنفکران، بورژوازی قسم کوچک صنعتی ملی، بورژوازی کوچک، متوسط و این نیروهاست که متحدین طبقه کارگر در اوضاع و احوال انقلاب ملی و دموکراتیک بوده که عبارت از خلق افغانستان می باشد و اینها اند که از حزب، دولت و انقلاب پشتیبانی می نمایند.

در داخل در برابر خلق نیروهای دشمن شامل بقایای نظام فیودالی، ملاکان فیودال و سران مرتجع قبایل و بعضی از روحانیون مرتجع و قشر کمپرادور و بیروکرات های سابقه دار، ارسوکرتهای سابقه می باشد. اینان ضدانقلاب و ضدخلق و در تبنای با ارتجاع منطقه و امپریالیزم و شوونیزم اند. باید گفت که در داخل کشور آنها پایگاه اجتماعی لازم ندارند مگر پایگاه شان در پاکستان، در مصر، چین امریکا و سایر کشورهای مرتجع عربی است یعنی دشمن در داخل پایگاه اجتماعی ندارد در خارج کشور آنان حامیان نظامیگر و تجاوزگر دارند.

سوال سوم:

در روند انقلاب در رابطه با موجودیت قبایل و ملیت های مختلف که زبانهای مختلف دارند به چه مشکلات مواجه هستید آیا حزب برای حل چنین مشکلات راه حل اتخاذ کرده است!

جواب:

البته تا طبقات و ناسیونالیزم است، مشکلات هم می باشد. نمونه زنده حل مسئله ملی را شما در اتحاد شوروی می بینید که از طریق راه حل لنینی می توان به این مشکلات فایق آمد. ما در افغانستان با استقاده از تجارب اتحاد شوروی گام های عملی و سریع روشن بعد از انقلاب ثور بخصوص بعد از مرحله نوین در راه حل مسئله ملی گذاشتیم. انعکاس تساوی حقوق زبانها و ملیت های افغانستان که در اصول اساسی، در اساسنامه حزب در جبهه و دیگر قوانین و چه در عمل، اخبار، زبان، تعلیم و تربیه همه در نظر گرفته شده است، قدم به قدم در ساحه تطبیق آن پیش میرویم.

سوال چهارم:

چگونه و به کمک کی نیروهای ارتجاعی امپریالیستی پروپاگند ضدانقلابی خود را علیه خلق افغانستان به راه می اندازند و وظایف حزب در برابر این پروپاگند های ضدانقلابی چیست؟

جواب: رفقا دوستان میدانند که جنگ ایدیولوژیک و جنگ پروپاگندی امروز در جهان بخصوص طی دو سه سال اخیر با دامن زدن جنگ سرد بیش از پیش تقویت یافته است. ارتجاع، امپریالیزم و شوونیزم از تمام وسایل رذیلانه تبلیغاتی، رادیویی،

تلویزیونی، اخبار و جراید و سایر وسایل مادی، پول و اسلحه و از هر نیرو علیه انقلاب افغانستان استفاده می کنند و تمام ارواح خبیثه ارتجاع بین المللی را بسیج کرده اند، ولی هرگامی را که با ماشین های دروغ پراگنی به تبلیغات خود می گذارند در الجنزار عمیقتر فرو میروند و افکار عمومی جهانیان به این امر پی می برد که همه این تبلیغات دروغ، اتهام و جعل بیش نیست. البته ما هم با کمک دوستان بین المللی خود در رأس اتحاد شوروی بزرگ علیه تبلیغات دروغین دشمنان بر اساس حقایق و ارقام بر مبنای حقیقت و سیاست راستین بی امان و دلاورانه می رزمیم و تمام افسونگری های آنانرا فلج می سازیم.

سوالات رفقای کانادا:

۱- تأثیر انقلاب شور در برابر ملیت های افغانستان چه نوع است آیا حزب جهت حل این مسئله برنامه یی دارد؟

جواب:

تأثیر انقلاب اپریل در سرنوشت ملیت های افغانستان تأثیر يك انقلاب رهاییبخش ملی را دارد. برای حل مسئله ملی برنامه نظری و عملی داریم آن برنامه لنینی حل مسئله ملی است.

سوال دوم:

برخورد کشورهای غیرمتعهد در زمان کنونی با افغانستان چه نوع است؟ آیا برخورد این کشورها با جمهوری دموکراتیک افغانستان تغییر کرده یا خیر؟

البته رفقا از اصول و پرنسپ کشورهای غیرمتعهد آگاهی دارند که بیست سال قبل در بلگراد ریخته شد و مقدمات آن در کنفرانسی باندونگ که اصول آن استوار است در مبارزه علیه امپریالیزم، استعمار کهنه و نو، راسیزم، صهیونیزم به خاطر ایجاد نظم جدید و عادلانه اقتصادی و در دفاع از دیتانت و صلح پرنسپ های کشورهای غیرمتعهد را تشکیل میدهد. افغانستان کشور آزاد، مستقل و غیرمتعهد و از پرنسپ های کشورهای غیرمتعهد در جنبش قاطعانه دفاع می نماید. البته در کشورهای غیرمتعهد سیستم های مختلف سیاسی و اجتماعی وجود دارد که برخورد شان با پرنسپ های جنبش غیرمتعهد تفاوت میکند. لذا آن کشورهایی که در امر غیرمتعهد بودن وفادار و در موضع دفاع ازین پرنسپ ها صادق نیستند ضد افغانستان اند ولی آنکشور هایی که در امر متعهد بودن خود وفادار اند دوست نزدیک و صدیق افغانستان اند و این مایه افتخار و سربلندی افغانستان انقلابی می باشد.

اردوی طرازنوین و آزادیبخش خلق های افغانستان در جبهه وسیع جهانی صلح، آزادی و ترقی قرار دارد

بیانیه شفاهی در اجتماع افسران، سربازان و فعالین حزبی فرقه ۱۱ نگرهار

۳۰ حمل ۱۳۶۰

رفقا، دوستان، نماینده گان سربازان و افسران و خردضابطان قهرمان قوای مسلح آزادیبخش افغانستان انقلابی، قهرمان، آزاد و مستقل!

شما با قلب ها و وجدان های پاك تان مرا در فضایی قرار داده اید که نمیتوانم بیش از یک احساسی عمیق، سپاسگزاری به شما تقدیم بدارم (کف زندهای پرشور باهوراها) با مشاهدات نمونه وی غندتوچی از لحاظ دسپلین، انضباط، تعلیم و تربیت، از لحاظ استقبال واقعاً گرم و انقلابی تمام سربازان، خردضابطان و افسران، برای من سرور بی نهایت عظیم دست داد.

فرزندان قهرمان وطن!

هر روز و هر لحظه در کابل، کمیته مرکزی حزب قهرمانان و شهیدان ما، حزب دموکراتیک خلق افغانستان، حکومت و شورای انقلابی از پیکار قهرمانانه شما در دشوارترین لحظات دفاع از سرحدات و خاک مقدس مان افغانستان، از شرف و ناموس وطن خود اطلاع دقیق و کافی دارند و شما را برای لحظه بی هم فراموش نمیکنند.

من، خود را موظف میدانم که از جانب حزب، حکومت و شورای انقلابی عمیقترین سپاسگزاری خود را به پیشواز سومین جشن انقلاب شکوهمند ثور به شما تقدیم بدارم (هوراهای پرشور)

رفقا و دوستان قهرمان!

البته ما به پیشگاه وطن و خلق خود سرتعظیم فرود می آوریم مگر فراموش نکنیم که امروز افغانستان با نیروهای شیطانی و اهریمنی ضدانقلاب داخلی، ارتجاع منطقه، امپریالیزم، هژمونیزم و کشورهای مرتجع عربی مواجه است. پس بگذار افغانستان قهرمان یکباردیگر سپاس عمیق افغانی، مترقی و انقلابی خود را به پیشگاه دوست بزرگ، همیشه گی و جاویدانی خود اتحاد شوروی نیز تقدیم بدارد. (کف زندهای ممتد و هوراها)

رفقا سربازان قهرمان!

با فهم این نکته که هر افسر، سرباز نیز است، به یک نکته عمیق باید بارها بیندیشیم که افغانستان علی الرغم عقب مانده گی به اساس اراده مردم آزاد افغانستان، به قدرت بازوان فولادین قوای مسلح افغانستان به رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رستاخیز عظیمی را در آسیا برپا داشت. (هوراها و کف زدنها) این رستاخیز عظیم در قلب آسیا در وجود انقلاب ظفر آفرین ثور وبخصوص مرحله نوین آن به صورت برجسته و درخشان تبارز یافت.

علی الوصف اینکه این تذکرات را من بارها ارائه کرده ام لیکن آنرا از جمله آن اصول اساسی می پندارم که باید بارها و بارها تکرار گردد.

بعد از انقلاب ثور بخصوص مرحله نوین آن به صراحت تکرار می کنم و تأکید می نمایم که هر گاه کمک بهنگام اتحاد شوروی نمیبود امروز افغانستان انقلابی، آزاد و مستقل وجود نمیداشت. این مطلب را من در بزرگترین تریبیون بین المللی، در کنگره بیست و ششم حزب کمونیست اتحاد شوروی در کنگره حزب لنین با بانگ رسا و با صراحت به نام مردم افغانستان اعلام داشته ام. (کف زدنها و هوراها)

رفقا، دوستان و افسران قهرمان!

چرا این نکته را باید تأکید کرد و آنرا بر اساس عشق وطنپرستی عشق خدمتگزاری به مردم مظلوم ورنجکشیده افغانستان عمیقاً در عقل و خرد خود تشخیص داد؟ برای اینکه امروز تمام ارتجاع بین المللی، امپریالیزم بین المللی در رأس امپریالیزم امریکا، هژمونیزم مرتد چین، رژیم نظامیگر پاکستان و محافل ارتجاعی پاکستان، این دشمنان کهنه کار مردم افغانستان، وارث استعمار و امپریالیزم انگلیس، ارتجاع اعراب، ارتجاع ایران، ارتجاع داخلی و ضدانقلاب سعی میکنند که انقلاب افغانستان را سرکوب کنند، از کدام طریق؟

ازین طریق که دوستی مستحکم افغانستان و اتحاد شوروی را در گام اول بر هم بزنند و از احساسات مردم افغانستان بنابر عقب مانده گی و بنابر بیسوادی سوء استفاده نمایند. در حالیکه امر مسلم است که افغانستان کشور زحمتکش مسلمان است، مگر علی الوصف آن ما به خاطر داریم يك مرحله غم انگیز و تراژیدی کشور خود را که در وقت نهضت غازی امان الله به وجود آمد و در آن وقت دشمنان ما، استعمار کهنه کار انگریز، زیر همین نامها و با سوء استفاده از عقب مانده گی افغانستان به کمک یک سلسله خانواده های ایجنت و اجیر خود توانست که نهضت جوان انقلابی افغانستان را در نطفه خف سازد.

علی الرغم تمام فشارهایی که ضدانقلاب وارد کرد و سال گذشته از لحاظ اقتصادی

در کشور شرایط مساعد بود. ما در پلان های اقتصادی خود، می توان گفت که موفق و پیروز بودیم.

درین روزهایی که جبهه ملی پدر وطن هم تشکیل خواهد شد، با اتکا به اردوی قهرمان افغانستان، ما تا آخر در مبارزه علیه ارتجاع، امپریالیزم و هژمونیزم برای دفاع از دستاوردهای انقلاب ثور به پیش خواهیم رفت و انقلاب ما ادامه خواهد داشت.

مگر از آنجایی که پاکستان آله و وسیله امپریالیزم و هژمونیزم قرار گرفته است و یک رژیم نظامیگر در آنجا حاکم است یعنی یک رژیم ترور و کودتا، به این مناسبت از خود اختیار و صلاحیت ندارد که بر میز مذاکره بنشیند و ما مسایل را از لحاظ سیاسی حل فصل کنیم. مگر رفقای گرمی، باید به اطلاع شما رسانیده شود که رژیم نظامیگر پاکستان بالای انبار باروت نشسته است.

روز به روز نیروهای وطنپرست، ملی، دموکراتیک و تحول طلب پاکستان با هم متشکل تر شده، مبارزات خود را علیه رژیم نظامیگر پاکستان تقویت و بیش از پیش تحکیم می بخشد.

همچنین به اطلاع شما باید رسانیده شود که در ایران هم وضع بر وفق مرام نیروهای ارتجاعی و امپریالیستی نیست، نیروهای ملی و وطنپرست ایران روز به روز رشد و تکامل مییابد.

همچنین رژیم مائویستی پیکنگ به یک بحران سیاسی و نارضایتی مردم دچار و مواجه است. تضادهای کشورهای امپریالیستی و بحران در کشورهای غرب روز افزون است، تناسب قوا روز به روز به نفع نیروهای صلح، آزادی و ترقی رشد و تکامل میکند. به این ترتیب در مبارزات انقلابی ما، از یک طرف تناسب قوا به نفع ماست از جانب دیگر ما دوستان بزرگی داریم، در رأس اتحاد شوروی بزرگ، که پیروزی انقلاب ثورو آرمانهای آن را، برگشت ناپذیر میسازد.

رفقا!

نکته دقیق و مهم دیگر اینست که: هیچ طبقه، حزب و حتی نابه ها پیشبینی کرده نمی توانند که انقلاب در یک کشور به چه شکل، از کجا شروع و آغاز میگردد؟

انقلاب افغانستان بر اساس پروسه رشد و تکامل جنبش آزادیبخش ملی افغانستان که ابتکار انقلابی را حزب دموکراتیک خلق افغانستان به دست گرفت، در واقعیت امر از کانون پر قدرت، شجاع و وطنپرست اردوی افغانستان آغاز یافت.

رفقای عزیز، افسران هم‌رزم، دوستان محترم! از آنجایی که با اتکا به نیروی اردوی افغانستان، مردم افغانستان تحت رهبری حزب ما، انقلاب آزادیبخش را آغاز کرد،

باز هم وظیفه سنگین درجه اول تاریخ به عهده قوای مسلح افغانستان، به عهده شما جوانان قهرمان افغانستان است تا که انقلاب ملی و دموکراتیک ضدفیودالی و ضد امپریالیستی، به پیروزی نهایی برسد.

پس توجه کنید رفقای عزیز، که اردوی آزادیبخش ما دیگر اردوی طراز کهن نیست، اردوی ما اکنون یک اردوی آزادیبخش مردم افغانستان است و در جای یک اردوی طراز نوین در جبهه وسیع جهانی صلح، آزادی و ترقی قرار دارد.

حرف من این است که اردوی ما تنها و تجریدشده در زیر یونیفورم های نظامی خود نمیتواند زنده گی کند. اردوی ما چون یک قدرت پر تحرک در اعماق توده های مردم یکجا و دوش به دوش باید از دستاوردهای انقلاب و از خاک مقدس خود علیه جنگ اعلان ناشده خارجی برزمد و از وطن و آزادی دفاع کند. توجه بفرمایید، هدف من این است که اکنون اردوی ما از جنرال تا سرباز باید چنان آزموده و آبدیده گردد، چنان تحرک پیدا کند، چنان با مردم بیامیزد که با اتکا به مردم و دوش به دوش با مردم به حیث قدرت عظیم تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان، از یکسو تمام دشمنان افغانستان را که در خاک ما صلح و آرامش را برهم میزنند باید از بیخ و بن محو و نابود سازد و از طرف دیگر قوای مسلح آزادیبخش افغانستان دوش به دوش با مردم افغانستان زنده گی نوین، سعادت مند و خوشبخت را مطابق به اهداف انقلاب به پیش برد.

قوماندانان شرافتمند اردوی قهرمان افغانستان! در این جای شک نیست که در جهان دیروز و امروز بخصوص در اوضاع و احوال جنبشهای انقلابی و آزادیبخش مردمان جهان، احترام گذاشتن، تقدیر معنوی و مادی از شهیدان و قهرمانان مرسوم است.

تمام سربازان، خردضابطان و افسران افغانستان که در سنگرهای پیکار انقلابی تا کنون از دستاوردهای انقلاب ثور دفاع کرده اند، معنأً قهرمانان خلق افغانستان هستند. ولیکن قهرمانی جاویدانی عبارت از آن قهرمانی است که همیشه از یک پیروزی به پیروزی دیگر، از یک سنگر به سنگر دیگر و به قله های شامخ ترقی و آزادی کشور خود نایل آیم.

ببینیم قهرمانان جاویدان کیانند؟ کسانی اند که بدون آنکه لحظه یی به خود ببیندند، همیشه در اعماق وجدان، روح، قلب و شرف خود در باره نسلهای آینده کشور خود، در باره سعادت و خوشبختی مادی و معنوی و رفاه فرزندان، کودکان، پسران و دختران آینده وطن مقدس خود می اندیشند، اینان قهرمانان جاویدان اند.

زنده باد چنین قهرمانان !

خلق زحمتکش و مسلمان افغانستان تکیه گاه خلل ناپذیر دفاع از دستاوردهای انقلاب ماست

بیانیه در جلسه فوق العاده شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان به مناسبت

سومین سالگرد انقلاب ثور ۶ ثور ۱۳۶۰

رفقا و دوستان!

به نماینده گی از کمیته مرکزی ح. د. خ. ا، شورای انقلابی و حکومت ج. د. ا واز جانب خود صمیمانه ترین شادباش ها و تبریکات را به مناسبت سومین سالگرد انقلاب شکوهمند ثور به پیشگاه مردم زحمتکش و شرافتمند افغانستان انقلابی و قهرمان تقدیم میدارم.

سه سال از سرنگونی قدرت فعال مایشائی استثمارگران واز پیروزی انقلاب ملی و دموکراتیک ثور، از ایجاد قدرت حاکمه انقلابی متعلق به توده های مردم در افغانستان میگذرد. پیروزی انقلاب ثور به مثابه نقطه عطف عظیم در تاریخ کهن سرزمین ما، جامعه ما را در مسیر دگرگونی های عمیق انقلابی قرار داده، راه نجات از عقب مانده گی، راه ایجاد جامعه مبتنی بر عدالت واقعی اجتماعی را در کشور ما هموار نمود.

تجربه انقلاب ثور وبخصوص مرحله نوین تکاملی آن نشان داد که ما با گام های بلند به سوی هدف عالی ساختمان جامعه نوین نزدیکتر میشویم و به پیروزی های عظیمی دست می یابیم.

بخصوص بعد از پیروزی مرحله نوین انقلاب، مرحله نجات انقلاب، مردم و وطن که بر همه اشتباهات وخیانت های گذشته ناشی از انحرافات، انقلاب از مسیر اصلی آن در اثر نفوذ عمال وجواسیس دشمن در وجود امین وامینی ها در درون حزب، داغ باطله زده شد اما توانستیم انقلاب را با وجود دشواریها وناهمواری ها، باوجود جنگ اعلان ناشده وتجاوزکارانه امپریالیستی علیه افغانستان انقلابی در تمام جهات به پیش ببریم وبه آن وسعت وعمق بیشتری ببخشیم.

سیر تحولات انقلابی کشور ما نشان دهنده این واقعیت سرسخت است که انقلاب افغانستان شکست ناپذیر است.

انقلاب ملی ودموکراتیک ثور وبخصوص مرحله نوین وتکاملی آن تأثیرات عمیق خودرا در همه عرصه های زنده گی اجتماعی در کشور ما وارد نموده است. احیای اعتماد توده های مردم به حزب وانقلاب، سهمگیری روزافزون نیروهای ملی و ترقیخواه در دفاع از انقلاب ثور ودستاوردهای آن، استحکام بیشتر پایه های اجتماعی حزب و دولت انقلابی ما روی آوری کتله های وسیع خلق به سوی انقلاب، تثبیت نقش رهبری کننده وسازنده حزب دموکراتیک خلق افغانستان در پروسه تحولات انقلابی ودر کلیه عرصه های زنده گی جامعه، اعتلای رو به تزاید پرستیژ واعتبار بین المللی ج. د.ا همه و همه عناصری اند که قویاً نمودار تحکیم پایه های اجتماعی انقلاب ما میباشد. این پدیده های جدید در پروسه انقلاب ما از اهمیت بزرگی برخوردار اند.

این پیروزی ها هنوز پیروزی نهایی نیست. هنوز بسیار مسایل حل نشده در برابر ماست که با اطمینان، انقلاب از عهده حل آنها طوری که زمان وتجربه نشان میدهد، به خوبی بیرون خواهد شد.

امر رشد و تکامل انقلاب ما وتحقق وظایف عظیم تاریخی آن با شرایط مساعد بین المللی رشدعمومی و چگونگی اوضاع در منطقه و جهان ارتباط ناگسستگی دارد. به این جهت ما توجه جدی به مسایل سیاست خارجی را جزء وظایف تاریخی و انقلابی خود می دانیم.

سیاست خارجی اصولی ح.د. خ. ا. ودولت ج. د. ا بر اساس اصول صلح و دوستی، همزیستی مسالمت آمیز میان خلقها وبنای همکاری وحسن تفاهم با کشورهای منطقه و جهان متکی بر تساوی حقوق، احترام متقابله میان کشورها، احترام به حق حاکمیت و استقلال ملی وتمامیت ارضی، عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر، احترام به حقوق ملل در امر تعیین سرنوشت خویش، عام انسلاک، رعایت منشور ملل متحد و پشتیبانی بیدریغ از جنبش های انقلابی وضدامپریالیستی در سراسر جهان استوار است.

ما در اوضاع و احوال کنونی جهان که در اثر تعمیل سیاستهای ماجراجویانه ارتجاع و امپریالیزم، ابرهای تیره تشنج، مسابقات تسلیحاتی وخطر جنگ بر کره زمین سایه افکنده است، مبارزه در راه خلع سلاح وتحدید مسابقات تسلیحاتی را به عنوان وظیفه عمده همه بشریت تلقی مینماییم.

ما معتقدیم که در اوضاع بغرنج کنونی جهان ومبارزه در راه پیروزی پروگرام صلح در دهه جاری که در گزارش لیونید بریژنف دوست صدیق مردم افغانستان به بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی ارائه گردید، میتواند اقدام کلیدی در مبارزه به خاطر صلح عمومی در سالهای هشتاد باشد. ما از این پروگرام حمایت

مینماییم و در راه تحقق آن همراه با همه نیروهای صلح طلب جهان به نبرد خود ادامه خواهیم داد.

هموطنان گرامی، دوستان!

با تکیه بر سیاست خارجی اصولی و صلحجویانه جمهوری دموکراتیک افغانستان، ما طی یکسال گذشته در مناسبات با کشورهای همسایه به اقدامات و ابتکارات مهمی متوسل گردیدیم. در ۲۴ ثور ۱۳۵۹ (مطابق ۱۴ می ۱۹۸۰) حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان پروگرام مشخصی را جهت عادی ساختن اوضاع در منطقه مطرح ساخت، ما به ادامه این ابتکارات، پیشنهادهای سازنده و تکمیل کننده دیگری راچه در مطبوعات و نشرات وچه در تمام پیام های رسمی به کنفرانس کشورهای اسلامی منعقد در طایف و کنفرانس وزرای خارجه کشورهای غیرمتعهد منعقد در دهلی نیز مطرح نمودیم ما آماده گی کامل خود را برای حل اختلافات از طریق مذاکره و آغاز گفتگوهای دوجانبه بیان نمودیم و میتوان گفت که حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان با تمام امکانات، تلاش های گسترده یی را به خاطر عادی شدن اوضاع در منطقه به خرج داده است، تلاشهایی که مبین سیاست روشن صلحجویانه خارجی ماست؛ ما گام های لازم را برداشته ایم. اما اکنون به زمامداران کشورهای همسایه، پاکستان و ایران مربوط است که تا چه حدی با عقل سلیم به مسؤولیت خود در قبال عادی شدن اوضاع در منطقه می اندیشند وچگونگی اوضاع را درک می نمایند و به پیشنهادهای سازنده ما چه پاسخ عملی ارائه مینمایند.

دوستی و برادری مردم افغانستان با خلقهای زحمتکش عالم اسلام همیشه ادامه دارد، بسط و توسعه می یابد. توده های عظیم مسلمانان جهان از انقلاب افغانستان قاطعانه دفاع و پشتیبانی میکنند. فقط حلقه های مزدور ارتجاع و امپریالیزم است که مذبحانه و بیشرمانه علیه مردم زحمتکش افغانستان توطئه مینمایند.

ما استوار و بدون انحراف، مشی اصولی سیاست خارجی خود را در منطقه و جهان تعقیب خواهیم کرد و همچنین به کسی اجازه نخواهیم داد تا در مورد مقدرات جامعه ما و در مورد راهی که مردم ما انتخاب نموده اند، مداخله نماید.

ما یکباردیگر تلاش های امپریالیزم، در رأس امپریالیزم جنایتکار امریکا را در جهت ایجاد تشنج و تشدید مسابقات تسلیحاتی ایجاد و توسعه پایگاه های نظامی، گسیل نیروهای جدید نظامی علیه جنبش آزادیبخش ملی و در مجموع اقدامات تروریستی بین المللی که به وسیله نیروهای امپریالیستی علیه خلق های جهان سازمان داده میشود ولبه تیز آن متوجه نیروهای انقلابی است، به شدت محکوم مینماییم.

خلقهای جهان با صدای پرتوان، قاطعانه اعلام میدارند که: امپریالیزم بین المللی و جنگ طلب در رأس امپریالیزم امریکا از شرق میانه، از خلیج فارس، از بحر هند،

خارج شوید! ارسال اسلحه به پاکستان را قطع کنید! به صدور مزدوران آدمکش
و ضدانقلاب به تجاوز علیه افغانستان انقلابی خاتمه دهید!

ح.د. خ.ا. و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان به روابط با همه کشورهای که
از انقلاب نجاتبخش مردم ما پشتیبانی مینمایند، بخصوص کشورهای سوسیالیستی
در رأس اتحاد شوروی صلحدوست ارج فراوان قایل اند ما در آینده نیز این مناسبات
را که عامل مهمی در راه طرد و دفع تجاوز خارجی و حفظ آزادی، استقلال و ترقی
اجتماعی در کشور ماست بسط و گسترش خواهیم داد.

هموطنان عزیز!

در برابر نسل باوجدان و رسالتمند کنونی، وظایف انقلابی عظیمی قرار دارد.
مضمون عمده این وظایف را ایجاد تحولات عمومی دموکراتیک و تصفیه مناسبات
اقتصادی و اجتماعی از آثار قرون وسطایی فیودالی و ماقبل فیودالی به منظور ایجاد
پایه های جامعه نوین، در کشور، بهبود سطح رفاه مردم، تحکیم پایه های اقتصاد
مستقل ملی، از بین بردن گرسنگی، جهالت، بیسوادی و مرض از طریق عملی ساختن
تحولات اجتماعی - اقتصادی و تأمین دموکراسی در همه سطوح جامعه ما با رعایت
سنن و عنعنات ملی، فرهنگی و مذهبی ملیتها، اقوام، قبایل و گروه های ملی ساکن
کشور ما تشکیل میدهد.

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان به طور اعم در عرصه وظایف
داخلی در ساحه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی امر دفاع از دستاوردهای انقلاب ثور
و حاکمیت دولتی زحمتکشان و استقلال وطن محبوب مان افغانستان، تحکیم دوستی و
برادری میان اقوام، قبایل و ملیتهای افغانستان، تقویت هرچه بیشتر قوای مسلح پر
افتخار افغانستان به مثابه پاسداران وطن و انقلاب، دموکراتیک کردن حیات اقتصادی
و اجتماعی، تمعيل قانونیت دموکراتیک و مبارزه با خودسری ها و بی قانونی ها،
ارتقای سطح رفاه کارگران و دهقانان و سایر زحمتکشان کشور و بهبود شرایط کار
آنان، تأمین کار برای بیکاران، تکمیل و تحکیم ارگانهای امنیت دولتی و ارگانهای
نظم اجتماعی، تحکیم وحدت صفوف حزب دموکراتیک خلق افغانستان و جلب توده
های وسیع زحمتکشان از طریق سازمانهای اجتماعی آنان در چهارچوب جبهه ملی
پدروطن، بالا بردن سطح آموزش، فرهنگی و تربیت فنی و حرفوی مردم و حفظ و رشد
گنجینه های فرهنگی خلق های وطن محبوب مان افغانستان را به مثابه خطوط اصلی
وظایف خود قرار داده است.

مطابق به اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان. باید صدراعظم به حیث
رئیس شورای وزیران تعیین گردد و باید تحولی در دستگاه حکومت و اداره به مثابه
خدمتگار واقعی مردم زحمتکش افغانستان رونما گردد. البته وظیفه کمیته مرکزی
حزب و شورای انقلابی است که در زمینه تصمیم اتخاذ نمایند.

هموطنان گرامی!

ما در شرایط دشواری قرار داریم. میراث های سنگینی از گذشته به جا مانده است. از جانب دیگر دشمنان انقلاب افغانستان اعم از ضدانقلاب داخلی، ارتجاع منطقه، امپریالیزم و در رأس امپریالیزم امریکا در تبنای با هژمونیست های مرتد پیکنگ هنوز به سنگ اندازی در راه انقلاب ما ادامه میدهند. اینها همه عواملی اند که بر دشواریهای ما می افزاید. با آنهم پیروزی هایی را که در جریان پیکار انقلابی به دست آورده ایم، مثبت و عظیم است.

جریان مبارزه با ضدانقلاب گواه بر پیشروی نیروهای انقلابی و موفقیت های چشمگیر ماست، ضدانقلاب و دشمنان مردم افغانستان مغلوب گردیده، اما آنچه را که نباید پنهان کرد اینست که هنوز به هیچ وجه نابود نگردیده است و باید نابود گردد. هنوز مبارزه ما برای پاک کردن دامن مقدس وطن از وجود ناپاک باندهای جنایتکار ضدانقلابی دزدان و غارتگران ادامه دارد.

طی یکسال گذشته ما به اقدامات جدی توفیق یافتیم. ما توانستیم ستون های منظم انقلابی را در کشور علیه نیروهای ضدانقلابی بسیج سازیم. در این نبرد عظیم کلیه نیروهای ملی و مترقی کشور و بیش از همه و مقدم بر همه اعضای حزب ها، به شیوه رزمی کمر بستند و در راه دفاع از انقلاب به سوی جبهات نبرد جهت نابودی کامل دشمنان انقلاب شتافتند. این امر تجربه با اهمیتی برای حزب ما و در مجموع برای جنبش انقلابی کشور ماست.

طی یکسال گذشته اردوی قهرمان افغانستان، خاندوی و قوای امنیتی انقلابی ما توانست به خوبی، مهارت کافی و لیاقت انقلابی را در مبارزه با نیروهای ضدانقلاب از خود نشان دهند.

نیروهای وطنپرست قوای مسلح که نقش برجسته یی را در پیروزی انقلاب ثور و سرنگونی رژیم ضد مردمی ایفا نمود، در مرحله کنونی آماده گی کامل خود را برای دفاع مطمئن و قاطع از انقلاب، حفظ استقلال ملی، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی افغانستان در برابر توطئه های خارجی به اثبات رسانیده است.

هزاران هموطن زحمتکش ما همین اکنون در گروه های مدافعین انقلاب به خاطر تأمین امنیت ساحات و مناطق شان به خاطر مبارزه با اشرار متشکل گردیده اند و قهرمانانه در دفاع از دستاوردهای انقلابی دوشادوش اردوی قهرمان ما، خاندوی، اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان و سازمانهای اجتماعی می رزمند. ما امر گسترش صفوف نیروهای مدافع انقلاب را که نمایندگان سهمگیری فعال مردم در پروسه دفاع از انقلاب است بسیار عالی و مثبت ارزیابی مینماییم.

طی یکسال گذشته وحدت صفوف ح.د.خ. ا تعمیق بیشتر یافت. نقش رهبری کننده حزب تقویت گردید. پایگاه اجتماعی حزب استحکام وگسترش بیشتر کسب نمود. در ترکیب اجتماعی حزب تغییرات قابل ملاحظه به وقوع پیوست که در مجموع ۲۵ تا ۳۰ فیصد اعضای جدید حزب را کارگران، دهقانان، سربازان و دیگر زحمتکشان تشکیل می دهند. حزب از لحاظ کمی کتله های وسیع زحمتکشان را در صفوف خود تنظیم نمود. اتوریته سازمانهای حزبی فزونی گرفته و در مجموع میتوان طی یکسال گذشته از تکامل هرچه بیشتر حزب از روند تحکیم آن به مثابه مسئله مرکزی کار و پیکار انقلابی، یاد آوری نمود.

طی یکسال گذشته زمینه های بهم پیوستگی و اتحاد وسیع نیروهای ملی ودموکراتیک تحت درفش جبهه ملی پدروطن مساعد گردید.

زحمتکشان کشور ما برای بهم پیوسته گی بیشتر در صفوف سازمانهای صنفی و اجتماعی گرد می آیند و به اینگونه تعهد خود را در برابر انقلاب و مردم ادا مینمایند.

ما طی یک سال گذشته توانستیم در جهت تحکیم اقتصاد ملی کشور گامهای استوار برداریم. علی الرغم دشواری ها و فعالیت های خرابکارانه نیروهای ضدانقلاب در سال ۱۳۵۹ حاصلات زراعتی ما مطلوب بود و حجم تولیدات عده یی از مؤسسات دولتی و مختلط به مقیاس سال ۱۳۵۸ افزایش یافت و بعضی از این مؤسسات صنعتی توانستند بیشتر از پلان پیشبینی شده، کار خود را انجام دهند.

برای نخستین بار بودجه سال ۱۳۵۹ بدون کسر تحقق یافت و استفاده حداکثر از منابع مالی کشور صورت گرفت. رونق تجارت و بازار را علی الرغم دشواری ها میتوان بسیار خوب ارزیابی کرد.

در سال ۱۳۵۹ زمینه های رشد سریعتر اقتصاد ملی، کلتور، معارف و صحت شرایط بهتر برای رشد همه جانبه کشور مساعد گردید.

بر پایه همین امکانات و با تکیه بر کمک های بیغرضانه و بی شایبه کشور دوست ما اتحاد شوروی توانستیم طرح پلان رشد اقتصادیا اجتماعی سال ۱۳۶۰ را تنظیم نماییم که با تطبیق آن دگرگونی های با اهمیتی در زنده گی اجتماعی - اقتصادی مردم و در سیمای جامعه ما وارد خواهد گردید. بر پایه همین امکانات توانستیم از آغاز سال جاری دستمزد کارگران و مستخدمان را بالا ببریم.

باید به اطلاع برسانم که همین امروز هیات رئیس شورای انقلابی تصمیم مهمی اتخاذ نمود. به خاطر کمک بیشتر به زارعان کشور جرایم مالیة اراضی سال های ۵۷ - ۵۸ و ۱۳۵۹ آنان که بالغ بر هفتصد و بیست و دو میلیون افغانی میشود، مورد عفو قرار گرفت. از این کمک دولت (۸۶۰) هزار خانواده دهقان که مجموعه ۴،۳ میلیون نفر را احتوا میکند، مستفید خواهند گردید.

همچنان هیات رئیسه شورای انقلابی ۷۰۶ تن زندانی سیاسی را مورد عفو قرار داد و بار دیگر اعلام مینماید که آغوش مادروطن پرافتخار برای فرزندان واقعی کشور باز است. کسانی که سلاح را به زمین بگذارند، صلح و امنیت کشور را بر هم نزنند مطابق به عدالت به آنان برخورد صورت خواهد گرفت.

هموطنان عزیز!

باجرات اذعان میکنیم که مسایل حل نشده فراوان در برابر ما قرار دارد ولی انقلاب توانایی آنرا دارد که در جریان عمل مسایل حل نشده راحل نماید.

ما به نبرد صادقانه و اصولی خود در راه عملی نمودن اهداف انقلاب و تأمین دگرگونی عمیق اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی ادامه میدهیم. ولی مقدم بر همه باید به وظیفه بلاواسطه طرد و دفع تجاوز خارجی که مانع عمده تکامل سریع انقلاب ماست پرداخت حل بسیاری از مسایل انقلاب با تأمین امنیت عام و تام در کشور و جلوگیری از تجاوز جنایتکارانه امپریالیستی ارتباط دارد. ما نبرد با ضدانقلاب را تا سرحد نابودی کامل آن ادامه خواهیم داد. با اطمینان کامل میتوانیم بگوئیم که پیروزی در مبارزه از آن ماست، از آن مردم افغانستان است!

نیروهای ضدانقلاب باید بدانند که شرایط کنونی با دوران نهضت امانی که با توطئه های نیروهای ارتجاع داخلی و خارجی سرکوب گردید، تفاوت عمیق دارد. اگر دیروز نیروهای سیاه ارتجاعی در زیر چتر حمایت استعمار و امپریالیزم توانستند نهضت امانی را سرکوب کنند امروز نمیتوانند تجارب ده ها سال پیش را در شکل دیگر آن علیه نیروهای انقلابی کشور عملی نمایند. اکنون حزب انقلابی نیرومند به مثابه عامل ذهنی آگاه، رهبری جامعه ما را به دست دارد. قوای مسلح آزادیبخش افغانستان و مردم آزاده ما چون یک مشت فولادین از انقلاب دفاع میکنند. اکنون ذهنیت جامعه ما ذهنیت نیم قرن پیش از امروز نیست. اکنون اردوگاه نیرومند سوسیالیستی در رأس کشور کبیر شوراها وجود دارد که تکیه گاه استوار و مطمئن صلح و ترقی را در جهان تشکیل می دهند. اکنون عوامل فراوانی وجود دارد که شرایط کنونی را از دوران نهضت امانی تفاوت می بخشد.

سیرتحولات انقلابی، تأییدی است براین واقعیت روشن جامعه ما که انقلاب افغانستان دیگر شکست ناپذیر است.

نیروی این شکست ناپذیری را اراده خلل ناپذیر اکثریت مردم زحمتکش و مسلمان افغانستان در جهت دفاع از دستاوردهای نجابتبخش انقلاب و پشتیبانی بیدریغ نیروهای صلح و ترقی در جهان تشکیل میدهد اما علی الرغم تمام ناهمواریها و سختی ها از راه مبارزه پی که حزب ما انتخاب نموده است، درست از این راه، به پیروزی نهایی گام به گام نزدیکتر میشویم.

ما با دشواری ها عادت کرده ایم و نه تنها با دشواریها، بلکه با تجربه غلبه بر دشواریها به این امر مربوط به این واقعیت روشن است که تنها با اعمال سیاست اصولی به مثابه یگانه سیاست درست میتوان به پیچیده ترین پرابلم ها پاسخ داد . اینست رمز پیروزی ما!

در پایان میخواهم بگویم بهترین شیوه برگزاری سالگرد انقلاب ثور عبارت است از: تمرکز تمام دقت و توجه کار و عمل برای مسایل حل ناشده انقلاب .

باید دقت و توجه را به روی این مسایل حل ناشده که هنوز فراوان است تمرکز داد و از یک پیروزی به پیروزی دیگر دلیرانه و قهرمانانه به پیش رفت. دست ارتجاع و امپریالیزم از کشور ما کوتاه مردم افغانستان جد آخواهان صلح و امنیت در داخل کشور و منطقه اند!

زنده باد انقلاب، مردم و وطن پرافتخار مان افغانستان انقلابی و باز هم پرافتخار، آزاد و مستقل!

جبهه ملی پدروطن،

مظهر عملی وحدت نیروهای سازنده جامعه نوین افغانستان است

بیانیه در کنگره مؤسس جبهه ملی پدروطن

۲۵ جوزای ۱۳۶۰

نماینده گان محترم، برادران و خواهران!

به نماینده گی از کمیسیون عالی که از طرف نیروهای ملی و وطنپرست افغانستان به تاریخ (۶) جدی برای تدارک و تدویر کنگره مؤسس انتخاب شده بود به شما به مناسبت آغاز کار، تبریک و شاد باش میگویم.

حزب ما و تمام مردم نجیب و آزاده ما اهمیت استثنایی و فوق العاده یی را برای این کنگره قایل اند. نتیجه عمده کار کنگره باید تشکیل جبهه ملی پدروطن باشد که برای نخستین بار در تاریخ پرافتخار و باستانی وطن محبوب و انقلابی ما افغانستان ایجاد میگردد. این جبهه عبارت از سیستم پراعتبار و فعال سازمانهای سیاسی، اجتماعی و توده یی و متشکل از نماینده گان تمام طبقات و اقشار دموکراتیک و ملی جامعه ما خواهد بود که امکان خواهد داد تا انرژی، شورش و انقلابی و مساعی تمام وطنپرستان کشور در امر مشترک اعمار افغانستان نوین و شگوفان باهم متحد و منسجم گردد.

جبهه ملی پدروطن مظهر عملی وحدت نیروها و گروه های اجتماعی، ملیتها و اقوام، قبایل و پیروان مذاهب مختلف ساکن و وطن و احدمان افغانستان عزیز است.

اساس طبقاتی چنین وحدت را اتحاد کارگران و دهقانان به مثابه پایه اجتماعی و سیاسی دولت انقلابی ما تشکیل میدهد. براساس این یگانه مبنای مطمئن و استوار، اتحاد واقعی تمام نیروهای ملی و وطنپرست و وطن ما تأمین میگردد.

به این ترتیب گام نوین در امر بسط و تعمیق انقلاب پرافتخار ثور برداشته میشود و انقلاب وسعت و دامنه گسترده تر می یابد.

ما با رضایت و سپاس، خاطر نشان میسازیم که دوستان ما در خارج از کشور در جایی که مدت هاست سیستم ها و اتحاد های سازمانهای سیاسی، اجتماعی و توده یی وجود داشته و با موفقیت عمل میکنند، تدویر کنگره و تمام امور مربوط به ایجاد جبهه ملی پدروطن در جمهوری دموکراتیک افغانستان را به درستی و به طور شایسته ارزیابی و قدردانی نموده اند. شاهد زنده این امر پیامها و شادباش های دوستانه و

برادرانه بی است که از طرف سازمانهای اجتماعی وتوده بی کشورهای سوسیالیستی وکشورهای غیرمنسلك فرستاده شده است.

اجازه بدهید از جانب نماینده گان کنگره، امتنان قلبی وصمیمانه خودرا به این سازمان ها ابراز داشته اطمینان دهم که تجارب گرانبها و ارزشمند آنها را در امر همبستگی و یکپارچه ساختن توده های وسیع مردم به خاطر ترقی همه جانبه جامعه با دقت مورد مطالعه و آموزش قرار داده با ابتکار و خلاقیت مطابق به شرایط خاص افغانستان از آن استفاده خواهیم کرد.

رفع عقب مانده گی وحصول ترقی ملی واجتماعی ضرورت عام، میرم وحکم جامعه است. همچنان واضح است که تحقق عملی این امر مستلزم خواهان اتحاد همه طرفداران ترقی همه وطنپرستان کشور یعنی وسیعترین توده های مردم و اکثریت قاطع هموطنان میباشد.

وطن محبوب ما افغانستان به چنین اتحادی به خاطر حل پروبلم های حیاتی ضرورت مبرم دارد وما به همین مفهوم با استفاده از تجربه دوستان ما در جهت حصول وحدت توده های وسیع وتأمین شکل معین سازمانی این وحدت صحبت میکنیم.

نماینده گان محترم!

تدویر کنگره وایجاد جبهه ملی پدروطن در کشور ما پایان منطقی کار بزرگی است که کمیسیون عالی تدارك وتامم وطنپرستان انجام دادند وابتکار نماینده گان کنفرانس نیروهای ملی و وطنپرست را با گرمی استقبال نمودند.

در عین زمان ایجاد جبهه، نه تنها حاکی از انجام موفقانه کارسازمانی مربوط میباشد، بلکه نمایانگر نتایج واقعه بزرگی و وسیعی است که انقلاب ما، دولت ما وتامم جامعه ما تحت رهبری مطمئن حزب دموکراتیک خلق افغانستان بعد از انقلاب ثور وبخصوص مرحله نوین آن به دست آورده است.

انعکاس وسیع تصامیم کنفرانس نیروهای ملی ووطنپرست مبنی بر ایجاد جبهه ملی پدروطن در میان توده های مردم ومحافل اجتماعی کشور ما شاهد این امر است. این تصامیم در سراسر کشور پخش گردید. در همه جا از آن با خبر شدند و با عکس العمل وسیع، گرم، فعال ومثبت مواجه شد. صدها هزار فرزند نجیب وشرافتمند وطن ما از ایجاد جبهه پشتیبان نمودند و بعد از (۶) جدی سال گذشته که کنفرانس نیروهای ملی و وطنپرست کمیسیون تدارك کنگره جبهه را انتخاب نمود، ده ها میتنگ بزرگ وتوده بی تشکیل گردید، که اشتراک کننده گان آن به طرفدارای از ابتکار ایجاد جبهه ملی پدروطن قطعنامه هایی به تصویب رسانیده و آماده گی عام وتام خودرا برای شرکت در فعالیت آن ومتحد شدن به خاطر خوشبختی وترقی مردم ووطن ابراز داشتند.

به این ترتیب وسیعترین محافل و اقشار اجتماعی افغانستان آماده گی خود را برای شکل نو و عالیتر اتحاد به دور پروگرام تحولات ملی و دموکراتیک که از طرف حزب ما برای اعمار جامعه شگوفان و پرسعادت پیش گردیده است، اظهار نمودند.

نماینده گان محترم!

ایجاد جبهه ملی پدروطن در جمهوری دموکراتیک افغانستان ناشی از ماهیت انقلاب ملی و دموکراتیک در کشور ما بوده و ضرورت اجرای موفقانه اهداف و وظایف انقلاب آنرا می طلبد.

برای درک بهتر این مطلب باید دید که انقلاب ثور به مثابه انقلاب ملی و دموکراتیک چگونه انقلابی است؟ اهداف و وظایف آن کدام است؟ به خاطر چه و برای چه انقلاب به وقوع پیوست؟

برای پاسخ به این سوالات به اسناد و مدارک اساسی حزب و دولت مراجعه میکنیم . در اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان و تترهای کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان خاطر نشان میگردد که انقلاب ثور به مثابه نتیجه طبیعی مبارزه طولانی زحمتکشان افغانستان به خاطر آزادی واقعی از ظلم استعمارگران، جانب، استثمارگران بیرحم و عقبمانده گی، وظایف عمومی دموکراتیک را در برابر خود قرار میدهد. یعنی محور تمام بقایای فیودالی و ماقبل فیودالی در مناسبات ملی و اجتماعی، تحدید زمینداری بزرگ ملاکی، توزیع زمین به دهقانان بی زمین و کم زمین و کارگران زراعتی، اعتلای اقتصاد ملی، ارتقای سطح زندگی مردم و رشد فرهنگ ملی مردمان ساکن افغانستان، دموکراتیزه ساختن حیات اجتماعی و سیاسی و در عین زمان انقلاب ما دارای خصلت ملی ضدامپریالیستی میباشد و خصوصیات ملی، احساسات عمیق مذهبی، تفاوت ها در سنن و عنعنات مردم، اقوام و قبایل مختلف افغانستان را منعکس میسازد. حصول این اهداف پاسخگوی وسیعترین قشرهای جا معه و اکثریت قاطع مردم است.

به این ترتیب ترقی ملی کشور به برکت تحقق کامل و پیگیر تحولات وسیع دموکراتیک، به مثابه چنان تحولاتی که زحمتکشان و توده های وسیع مردم مستقیماً در آن ذینفع بوده و از آن مستفید میگردد حاصل میشود.

خصلت انقلاب ملی و دموکراتیک ما نوع و شکل دولتی را که در نتیجه آن به وجود آمده است، نیز معین میسازد. پایه این دولت را اتحاد کارگران و دهقانان، پشتیبانی وسیع و اشتراک تمام زحمتکشان، تمام وطنپرستان واقعی و فرزندانشایسته وطن محبوب ما، روشنفکران، سربازان و افسران نیروهای مسلح انقلابی، پیشه وران، کوچیان، روحانیون و وطنپرست، صاحبان صنایع ملی و تجارت ملی تشکیل میدهد.

به این ترتیب دولتی که در نتیجه انقلاب ثور به وجود آمده است بالای اتحاد طبقات، اتحاد نیروهای ملی و وطنپرست اتکا دارد. چنین اتحادی ناشی از خواست و تمایل تمام وطنپرستان افغانستان برای تأمین ترقی همه جانبه وطن، رفع عقب مانده گی و در هم شکستن مقاومت نیروهای کهنه یعنی مثنی از استثمارگران فیودال، سود - خوران، سیاه پرستان، مزدوران اجیر، بیروکراتان عالیرتبه مرتجع نظامی و ملکی سابق که به وسیله امپریالیزم، هژمونیزم و ارتجاع منطقه پشتیبانی می گردند، میباشد. شکل و مظهر سیاسی و سازمانی چنین اتحاد نیروهای ملی و وطنپرست عبارت است از جبهه ملی پدروطن که ما امروز آنرا ایجاد می نماییم.

اهداف و وظایف اساسی جبهه کدام است؟ مقام جبهه در ساختار اجتماعی - سیاسی انقلابی ما کدام است؟

کنفرانس نیروهای ملی و وطنپرست منعقد (۶) جدی ۱۳۵۹ با اتکا بر تحلیل علمی راه ها و اشکال ایجاد اتحاد نیروهای ملی و وطنپرست چنین نتیجه گیری نمود: **جبهه ملی پدروطن** عبارت از سیستم وسیع و توده بی سازمانهای اجتماعی - سیاسی است که ستون فقرات آنرا اتحاد کارگران و دهقانان تشکیل میدهد، طبقات، اقشار و گروه های ملی و دموکراتیک، تمام وطنپرستان، نیروهای اجتماعی، ملی و مذهبی را برای همکاری به خاطر وطن محبوب مان متحد میسازد.

به این ترتیب وظیفه عمده جبهه ملی پدروطن عبارت است از متحد ساختن وطنپرستان کشور و اراده آنان به انرژی و مساعی آنان در امر مشترک اعمار جامعه نوین و شگوفان، دموکراتیک و مترقی در افغانستان.

همچنان وظیفه آن است تا مشی عمومی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، سیاست شورای انقلابی و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان را تبلیغ و توضیح نماید. توده های عضو جبهه و تمام مردم نجیب و شریف افغانستان برای اشترک آگاهانه و فعال در امر ساختمان جامعه عدالت اجتماعی با احترام و رعایت اصول دین مقدس اسلام و در نظر داشت سنن بخصوص تاریخی، ملی، روحی و معنوی مردم ما بسیج و متشکل شوند.

جبهه ملی پدروطن پایه حاکمیت زحمتکشان را در جمهوری دموکراتیک افغانستان تشکیل خواهد داد.

جبهه وظیفه دارد تا وحدت مردم جمهوری دموکراتیک افغانستان را به منظور فعالیت مشترک در راه تحقق پیگیر و کامل رشد انقلاب ملی و دموکراتیک تأمین نماید و به امر تربیت و پرورش و جلب وسیع اتباع افغانستان در اداره امور دولت و جامعه کمک رساند.

در چارچوب جبهه تمام وطنپرستان کشور برای کاروپیکار مشترک در راه آینده پرفروغ و درخشان متحد میگردند.

بدینگونه، جبهه که مولود انقلاب ثور و مخصوصاً مرحله نوین تکاملی آن است خود به عامل تعمیق و رشد بیشتر آن مبدل می گردد.

فعالیت جبهه به جلب نیروهای جدید و توده های وسیع مردم در امر ساختمان اقتصادی و فرهنگی، رشد ابتکارات اجتماعی به نفع مردم و دولت ما مساعدت خواهد کرد و در راه خوشبختی فرزندان امروز و آینده وطن تلاش خواهد ورزید.

فعالیت جبهه به امر تحکیم قدرت دفاعی کشور و بسیج هموطنان دلاور و آزادیخواه وطن در مبارزه به خاطر سرکوب کامل و قطعی ضدانقلاب که تلاش می ورزد چرخ تاریخ را به عقب برگرداند و پیشرفت بیشتر افغانستان را به سوی پیشرفت و ترقی اجتماعی همه جانبه مانع شود، کمک خواهد کرد. این فعالیت به عرصه همبستگی انترناسیونالیستی مردم ما با تمام نیروهای ترقی، دموکراسی و صلح نیز گسترش خواهد یافت. زیرا جبهه مناسبات دوستی و همکاری را با سازمانهای اجتماعی - سیاسی مشابه در خارج از کشور برقرار نموده توسعه خواهد داد.

به این ترتیب، ماهیت و مفهوم فعالیت جبهه را رفع تدریجی عواقب و بقایای عادات منسوخ، عدم اعتماد و عدم همکاری میان نیروها، قشرها و گروه هایی که در مجموع خلق افغانستان را میسازد و جلب تمام هموطنان شرافتمند و وطنپرست برای اشتراک فعال در امر ساختمان افغانستان نوین و سربلند و دفاع از آن در برابر توطئه ها، دسایس و تجاوزات دشمنان انقلاب ثور، تشکیل میدهد.

به همین سبب نیز ما ترکیب جبهه را تنها به سازمانهای اجتماعی توده یی که به حیث مؤسسان جبهه میباشد، محدود نمیسازیم.

آغوش جبهه برای همه وطنپرستان کشور باز است. درهای جبهه برای تمام قبایل و اقوام افغانستان، پیروان مذاهب و جریان های مختلف مذهبی و به یک کلمه، برای همه کسانی که صادقانه سعی می ورزند وطن محبوب ما، به کشور شگوفان و مترقی، آباد و نیرومند مبدل گردد، باز میباشد.

نماینده گان محترم!

حزب ما و حکومت انقلابی خدمتگزار مردم، مسؤولیت تاریخی رسیدن به این هدف نجیبانه را قاطعانه وبدون اندکترین تزلزل قبول نمودند. ما تمام مساعی و نیرو را در راه رفاه و آسایش مردم و خدمت به آن صرف خواهیم نمود.

ما در سیاست خود در مرحله نوین انقلاب ثور، منافع حیاتی و مهم تمام نیروهای ملی و اجتماعی و وطنپرست را به شکل لازم آن مد نظر میگیریم.

ما درین جهت با استواری و جدیت کار خواهیم کرد تا برای طبقه کارگر افغانستان مقامی در جامعه و دولت تامین شود که شایسته و در خور رسالت تاریخی آن باشد و اشتغال کامل و بهبود دایمی شرایط زنده گی این طبقه بر مبنای ترقی تکنیکی و رشد نیروهای مولده میسر گردد.

ما تمام تدابیر لازم را اتخاذ خواهیم نمود تا مهمترین مسئله برای دهقانان افغانستان یعنی مسئله زمین و آب براساس تحولات جدی، مؤثر و سنجیده شده که بقایای فیودالیزم، سودخوری و بیعدالتی تاریخی نسبت به میلیونها دهقان را مطابق به اصول دین مقدس اسلام رفع میکند، به شکل عادلانه، عادلانه و دموکراتیک حل گردد.

یکی از جهات مهم کار ما در آینده نیز تأمین امکانات کامل به پیشه وران، کسبه کاران، دکانداران، تجار کوچک، صاحبان صنایع ملی و تاجران ملی خواهد بود، تا نیرو، قدرت و وسایل خود را برای فعالیت مفید و پربثمر بر اساس قوانین مطمئن و عادلانه در شرایط نظم و ثبات که همه به آن ضرورت دارند، به کار اندازند. ما به روشنفکران و وطنپرست خود اطمینان میدهیم که در افغانستان نوین که هم اکنون به کار اعمار آن آغاز نموده ایم، این تمام اقدامات لازم برای شگوفانی ملت، فرهنگی و فعالیت پربثمر معنوی به خاطر ترقی وطن محبوب انجام خواهد یافت.

ما به روحانیون نجیب اعم از عالمان، خطیبان، مؤذنان و ملایان وطنپرست، به تمام مؤمنان اعم از سنی و شیعه اطمینان میدهیم، که در کشور ما همیشه با احترام و دقت تمام شرایط لازم جهت تعمیل و اجرای آزاد و بلامناص اصول و مناسک دین مقدس اسلام رعایت خواهد گردید.

ما از تمام اقوام و ملیت ها و قبایل دعوت به همکاری وسیع و مؤثر به خاطر آینده تابناک و رفاه همه گانی مینماییم. سیاست حزب و دولت انقلابی و مردمی ما متوجه آن است تا برای تمام مردم نجیب افغانستان شرایط ترقی را فراهم آورد. این سیاست بر اساس احترام صمیمانه و برخورد دقیق و با مسؤلیت نسبت به اصول و سنن تاریخی، معنوی و فرهنگی اقوام، ملیت ها و قبایل پایه گذاری شده است. ما اطمینان داریم قبایل آزاده پشتون که حق دارند به تاریخ پرافتخار و قهرمانانه خود بیبالند، از جبهه ملی پدروطن پشتیبانی مینمایند و تمام ملیت ها، اقوام و قبایل کشور ما اعم از پشتون، تاجیک، ازبیک، هزاره، ترکمن، بلوچ، نورستانی و غیره در امر مشترک و وطنپرستانه، بدون تبعیض و تمایز سهم لازم و شایسته خواهند گرفت.

به این ترتیب وحدت و وسیع و وطنپرستانه مردم شرط ضروری تحکیم و تعمیق انقلاب ملی و دموکراتیک و پیشروی پیروزمندان جامعه ما به شمار میرود. اما این وحدت،

غیرآگاهانه و خود به خودی نه بلکه در نتیجه همکاری حکومت مردمی و تمام وطنپرستان افغانستان به دور حزب و دولت انقلابی پایه گذاری و ایجاد میشود. ما بر درس های که از تاریخ خویش آموخته ایم و بر تجارب عظیم تاریخی که از مبارزات مردم خود، به خاطر آزادی، استقلال، حاکمیت، تمامیت ارضی و ترقی، اندوخته ایم اتکا داریم.

با اطمینان کامل میتوان گفت: یکی از درس های عمده سیاسی تاریخ ما عبارت از آن است که وطنپرستان افغانستان تنها در صورت اتحاد، وحدت و همکاری به پیروزی رسیده و به اهداف مطروحه دست یافته اند.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان به مثابه شایسته ترین وارث بهترین سنن مبارزات آزادیبخش و ضدامپریالیستی نیروهای وطنپرست کشور با طرح وحل مسئله نیروهای ملی و دموکراتیک آرمان های توده های عظیم را منعکس میسازد.

این مبارزات ریشه های عمیق تاریخی مخصوصاً در آنزمانی دارد که مردم ما با تجاوز استعماری بریتانیا مواجه شده، آنرا دفع نمودند. این پیروزی بر استعمارگران انگلیس نه تنها ناشی از قهرمانی پدران و نیاکان ما بود، بلکه مقاومت مشترک و قاطع آنان در برابر تجاوزگران بر مبنای وفاداری به وطن محبوب و همکاری و تفاهم آنان به خاطر امر مشترک نقش عمده را ایفا نمود.

در همین زمان آرزوی شایسته ترین فرزندان افغانستان برای یکپارچه گی و اتحاد ملی وطنپرستانه و وحدت به خاطر استقلال و آینده بهتر و درخشان نضج گرفت و بعد به طور مداوم رشد و تحکیم یافت.

این اندیشه و آرمان در مرحله جنبش اول و دوم مشروطیت، تحقق ریفورم های مترقی امان الله خان، در مبارزات ضد رژیم ترور و اختناق نادرشاه و جنبش دوره هفت شورای ملی و نهضت سال های قبل از انقلاب ثور باقوت هرچه بیشتر تبارز و تجلی یافت. اندیشه اتحاد و وحدت در طرح های برنامه حزب دموکراتیک خلق افغانستان انعکاس و رشد شایسته یافت.

بدیهی است که حزب دموکراتیک خلق افغانستان این اندیشه ها را به شکل میکانیکی در اسناد و پروگرام خود اقتباس ننمود، بلکه برای نخستین بار آنرا با صراحت و روشنی به مثابه طرح علم تنظیم شده و عملاً قابل تحقق در جهت حصول نه تنها آزادی ملی، بلکه آزادی اجتماعی نیز ارائه داشته است.

در برنامه حزب دموکراتیک خلق افغانستان مصوبه سال ۱۳۴۴ آمده است:

«پایه سیاسی حکومت دموکراتیک ملی افغانستان متشکل خواهد بود از جبهه متحد ملی عمومی قدرتهای ترقیخواه، دموکراتیک و وطنپرست یعنی کارگران، دهقانان

و منورین مترقی، اهل حرفه، خرده بورژوازی مالکین خرد و متوسط و بورژوازی ملی (سرمایه دار ملی) که در راه استقلال ملی، تعمیم دموکراسی در حیات اجتماعی و به پایان رساندن جنبش دموکراتیک ضد امپریالیستی و ضد فیودالی، مجاهده ملی و دموکراتیک مینمایند.»

مسایل مربوط به ایجاد جبهه ملی پدروطن به مثابه اتحاد تمام وطن پرستان افغانستان به خاطر ترقی اجتماعی و ملی کشور همیشه در مرکز توجه حزب قرار داشته، بحث وسیع روی آن صورت میگرفت. حزب ما با رسیدن به قدرت دولتی نه تنها طرح و نظریه علما مستدل شده و واقعبینانه جبهه ملی پدروطن را با خود داشت، بلکه پلان مشخص عملی ایجاد آنرا نیز پیش کشید.

بر همین اساس مسایل مربوط به ایجاد جبهه در (خطوط اساسی وظایف انقلابی حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان) منتشره ۱۹ ثور ۱۳۵۷ طرح و انعکاس یافت. متأسفانه درین عرصه نیز در مرحله تسلط امین انحراف از اصول صورت گرفت. طرح اتحاد نیروهای وطنپرست و ملی افغانستان که در گذشته نیز وجود داشت، در عمل به تحقق نپیوست.

شرایط برای ایجاد و شکل گیری سازمانی چنین اتحادی فقط امروز در مرحله نوین تکامل انقلاب ثور هنگامیکه تمام توجه حزب به وحدت صفوف آن معطوف شده است و روزتاروز این وحدت به برکت کاروپیکار مشترک تحکیم می یابد، مساعد گردید. تدویر کارکنگره مؤسس جبهه با صراحت نشان دهنده این واقعیت است.

ماهمه باحقانیت، احساس غرور و سربلندی مینماییم که تنها حکومت انقلابی و مردمی ما قادر به تأمین اتحاد واقعی و همکاری صمیمانه طبقات، اقشار، گروههای ملی و دموکراتیک، قبایل و تمام نیروهای اجتماعی، ملی، مذهبی و وطنپرست میباشد.

اکنون سوالی را طرح میکنیم: کدام شرایط مشخص تاریخی و خصوصیات افغانستان وحدت وطنپرستانه و ملی اکثریت قاطع مردم ما را عملاً ممکن میسازد؟

پاسخ این سوال را میتوان در خصوصیات ساختار جامعه ما و تاریخ آن جستجو کرد. نخست باید خاطر نشان کرد که کشور ما از لحاظ جمعیت و باشندگان خود متجانس نیست. ده ها قبیله بزرگ، تعداد زیادی از ملیت ها و اقوام، ساکنان شهر و ده، باشندگان کشور ما را تشکیل میدهند.

بالتنجه برای آنکه وطنپرستان کشور از تمام بخشهای مردم افغانستان باهم یکجا کار و پیکار نمایند و به خاطر آینده شگوفان و درخشان کشور برزمنده، اتحاد آنان ضروری است.

نباید فراموش کرد که ده ها سال امپریالیزم و ارتجاع بین بخشها و گروه های مختلف ساکنان کشور ما تخم نفاق کاشته و آتش عدم اعتماد و همکاری و حتی دشمنی و خصومت را دامن زده است. در نتیجه وطنپرستان افغانستان تنها با کار، مبارزه مشترك، وحدت عمل و اتحاد میتوانند این میراث شوم گذشته را رفع نموده و نیروی خود را به خاطر تأمین ترقی همه جانبه افغانستان تقویت و تحکیم بخشند.

دشمنان انقلاب ثور و دشمنان وطن محبوب مان امروز نیز از تلاشهای مذبوحانه خود به غرضی ایجاد تفرقه میان بخشهای مختلف مردم، قراردادن آنها در برابر یکدیگر، دامن زدن اختلافات میان اقوام و قبایل و بالاخره تضعیف آزادی مردم در جهت دفاع از انقلاب و مبارزه به خاطر رشد کشور، ابا نمی ورزند. لهذا شکست و در هم کوبیدن قطعی آنها بدون اتحاد و وحدت نیروهای ملی و وطنپرست افغانستان ممکن نیست.

بالاخره، اتحاد و وطنپرستان از این جهت نیز ضرور است که مسایل مبرم و جاری کشور چون تحکیم و تقویت حکومت مردم در محلات، تأمین سرکوبی قطعی ضدانقلاب و رشد تولید صنعتی و زراعتی، تجارت و ترانسپورت را با سرعت و موفقیت حل نماییم. تنها بر چنین پایه یی میتوان زنده گی هر خانواده زحمتکش و تمام مردم را در مجموع بهبود بخشید.

درین رابطه ما با صراحت تمام اعلام میداریم که کشور ما و مردم ما به صلح و آرامش سراسری و وطنی یعنی صلح برای فرد فرد هموطنان ضرورت دارد. ما این طرح را برای آن پیش می کشیم که الترناتیف معقول دیگری وجود ندارد و راه دیگری برای حل معضلات و مسایل مبرم و حیاتی جامعه ما دیده نمیشود.

صلح سراسری و وطنی چیست و ما آنرا چگونه درک مینماییم؟

پیش از همه به معنای تأمین شرایط عادی صلح آمیز و آرام برای غور، بحث و بررسی مسایل موجود و حل و فصل آنهاست، این به معنای قطع تلاشها برای استفاده از سلاح و زور جهت حل اختلافاتی که هنوز در جامعه ما وجود دارد و میباشد. البته تنها فاکت موجودیت تفاوت نظرها موجب تشویش نمیگردد.

زیرا ما برای نخستین بار در طول تاریخ متمدنی کشور در راه اعمار جامعه نوین و عادلانه گام گذاشته ایم، جوانب مشخص این یا آن اقدامی که حین رفتن به این راه اتخاذ میشود، میتواند و باید هم مورد تبادل نظر، جروبحث قرار گیرد و در نتیجه موجب تفاوت نظر معین گردد. بیهوده نیست که میگویند واقعیت در نتیجه مناقشه و مباحثه تبارز میکند و عیان میشود و ما به هیچ وجه از این مناقشات و مباحثات خود را کنار نخواهیم کشید..

برعکس حزب ما و حکومت انقلابی مردم، بعد از این هم از تمام امکانات موجود استفاده خواهند کرد تا حقیقت سیاست ما و هدف ما یعنی خوشبخت و شگوفان ساختن وطن و مردم در همه سطوح، در همه جا و همه وقت توضیح و روشن گردد.

اما تلاشها به منظور تحمیل اراده امپریالیزم و ارتجاع به زور اسلحه بالای مردم ما و تبدیل دیالوگ صلح آمیز دموکراتیک بین افغانان به جنگ خونین و برادر کشی با پاسخ دندان شکن و قاطع تمام نیروهای ملی و وطنپرست افغانستان مواجه میگردد و چنین تلاشها محکوم به شکست کامل و ننگین است.

ما هیچگاهی از توضیح حقایق به آنانی که بنا بر فریب، جور و ستم ایجنت های امپریالیزم و ارتجاع از راه درست منحرف شده اند، باز نخواهیم ایستاد. از همین رو نیز به منظور اتحاد هر چه کاملتر همه ساکنان سرزمین باستانی و مقدس ما جهت تأمین شرایط عادی صلح آمیز و آرام برای دیالوگ دموکراتیک میان آنان، ما صلح سراسر وطنی را پیشنهاد میکنیم و تنها به این ترتیب ما میتوانیم مسایل امروز و فردا را به نفع هر فرد و همه گان حل نماییم.

همه اینها به معنای حل و اجرای وظایف اساسی انقلاب ملی و دموکراتیک در پراتیک بر مبنای عمل و فعالیت مشترک نیروهای ملی و وطنپرست است. این وظایف با توسعه و تحکیم وحدت عمل این نیروها همراهی میشود. اینها یکی با دیگری ارتباط دارد، زیرا منطق زنده گی، منطق تکامل انقلاب و پیشروی عمومی ما به سوی افغانستان پر سعادت و شگوفان، به سوی فردای درخشان چنین حکم میکند.

نماینده گان محترم !

ما ضرورت اصولی و امکانات عملی ایجاد وحدت ملی و وطنپرستانه را به خوبی درک نموده با روشنی می بینیم. ما همچنان از مشکلاتی که در این راه وجود دارد کاملاً آگاه هستیم، فکر میکنیم وظیفه عمده، ضرورت رفع جدایی تاریخی است که به وسیله امپریالیزم، ارتجاع داخلی و منطقه در رابطه میان نیروهای ملی و اجتماعی کشور ما ایجاد گردیده است. اجرای این امر از طریق تأمین یکپارچه گی واقعی این نیروها بر مبنای اصول انقلاب ثور و به نفع رشد و تعمیق آن امکان پذیر است.

در حصول این امر ما بر یک سلسله عوامل عینی و ذهنی اتکا داریم که به حل وظیفه تاریخی ما مساعدت میکند.

نخست این که ساختار اجتماعی جامعه ما نسبتاً کمتر مورد تأثیر مناسبات سرمایه سالاری قرار گرفته است. ما با ایجاد اتحاد ملی و وطنپرستانه در مرحله انقلاب ملی و دموکراتیک از امکاناتی که ناشی از این وضع است، استفاده نموده و از صاحبان وطنپرست صنایع، تجار، پیشه وران و همچنان از سران و رؤسای قبایل، علماء، ملایان، روحانیون و از همه کسانی که علاقه مندی دارند و حاضر اند درین کار نجیبانه

سهم خود را ادا نمایند، به خاطر اعمار افغانستان شگوفان و سعادت‌مند در اجرای امر مشترک دعوت مینماییم.

در واقعیت هم باید گفت که حتی در مرحله اول انقلاب ثور ضربات مرگبار به طبقه اساسی استثمارگر، فیودالان، ملاکان فیودال استثمارگر و سودخوران بزرگی وارد گردید.

اکنون ما وظیفه سرکوبی کامل باندهای ضدانقلابیون و ایجنت‌های امپریالیزم و ارتجاع منطقه را با موفقیت انجام میدهیم.

ما به رشد تحولات ارضی انقلابی به نفع اکثریت قاطع مردم افغانستان یعنی دهقانان زحمتکش ادامه میدهیم. از بین رفتن کامل فیودالان، سودخوران و بقایای مناسبات فئودالی در زنده‌گی ما فقط مربوط به زمان است و ضمناً باید گفت که این زمان از لحاظ تاریخی کوتاه خواهد بود.

اما در باره سرمایه ملی باید خاطر نشان کرد که در افغانستان به آن درجه رشد خود نرسیده است که انحصارات و خانواده‌های کمپرادور بزرگ و طفیلی ایجاد گردد و پیوند وابسته‌گی سرمایه ملی بزرگ با انحصارات بین‌المللی امپریالیستی در شرایط تسلط این انحصارات رخ دهد.

سرمایه ملی افغانستان عمدتاً مربوط به صاحبان صنایع و تجار متوسط و کوچک است که در ترقی کشور، رفع عقبمانده‌گی و حصول سطح شایسته رشد اقتصادی، تخیلی و فرهنگی ذینفع میباشند.

همه اینها به آن معنی نیست که ما موجودیت و درجه حدت تضادهای اجتماعی را که در جامعه ما وجود دارد، به درستی و به طور شاید و باید ارزیابی نمیکنیم، بیشتر از آن ما هرگز فکر نمیکنیم که با رفتن جامعه به پیش این تضادها خود به خود از میان میروند و هموار میشوند.

اما خصوصیات ساختار جامعه کنونی افغانستان اجازه میدهد که در مرحله تحولات ملی و دموکراتیک تمام نیروهای ملی و وطنپرست متحد شوند زیرا این دگرگونیها با منافع اساسی و طویل‌المدت آنها مطابقت دارد.

دوم - علی‌الرغم آنکه دشمنان همیشه به دامن زدن سنت منفور دوری جدایی، عدم همکاری و عدم اعتماد در مناسبات بین اقشار مختلف مردم، گروههای ملی و اجتماعی، اقوام و قبایل کشور پرداخته‌اند، اما همواره در هنگام تهدیدات دشمنان برای استقلال وطن سنت نجیبانه مبارزه مشترک وطنپرستان افغانستان به خاطر سعادت وطن و آینده پر فروغ آن نیز وجود داشته و بارها این سنت پرافتخار پیروز

شده است. حکم تاریخ است که این سنت پر بها امروز در مرحله نوین انقلاب ثور به طور قطعی پیروز گردد.

ما باید ضمن ایجاد و تحکیم اتحاد ملی و وطنپرستانه ازین عامل مساعد و سنت شریفانه کاملاً استفاده نموده بران اتکا نماییم.

سوم - اگر در گذشته ها جریان اتحاد وطنپرستان افغانستان راه خود را علی الرغم مخالفت و سیاست محافل حاکمه می گشود و با مقاومت این محافل مواجه میشد، اما اکنون همه چیز به طور قاطع و برگشت ناپذیر در جهت مساعدت با این جریان تغییر یافته است، زیرا سیاست حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حکومت انقلابی ما شرایط لازم و ضروری را ایجاد مینماید تا چنین اتحادی در عمل تحقق پذیرد و به نیروی فعال حرکت ما به پیش مبدل گردد. اجازه بدهید پیرامون این مطلب با تفصیل بیشتر صحبت نمایم.

کار ایجادگر حزب و توده های وسیع مردم در مدت هفده ماهی که از پیروزی مرحله نوین انقلاب ثور میگذرد نتایج بینظیری را در جهات عمده تحولات ملی و دموکراتیک به بار آورده است.

این امر اجازه داد تا اوضاع عمومی در کشور عادی و با ثبات گردد و نخستین تدابیر محسوسی در جهت بهبود وضع طبقه کارگر و تحکیم و تقویت سیستم تأمین مردم از لحاظ مواد خوراکی، مواد سوخت و کالاهای مورد نیاز اولیه اتخاذ گردد.

حکومت انقلابی به مثابه ارگان بیانگر منافع طبقه کارگر، دهقانان، تمام زحمتکشان و تمام وطنپرستان افغانستان، بالای تحقق پروگرام وسیع تدابیر و اقدامات در عرصه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در جهت تأمین هرچه بیشتر ترقی مادی و معنوی کشور ما و بهبود زنده گی و معیشت هر خانواده زحمتکش و تمام مردم نجیب ما با شدت و حرارت کار مینماید.

درین ضمن ایجاد فضای قانونیت، احترام به حقوق و آزادی های اتباع براساس رعایت قوانین عادلانه دولت ما و احترام به دین مقدس اسلام در ضمن تأمین شرایط لازم برای مؤمنان جهت اجرای مناسک مذهبی اهمیت خاصی را دارا میباشد.

اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان، قوانین و فرمان های شورای انقلابی که بر اساس آن تصویب شده است، حقوق، شرف و کرامت همه فرزندان مردم قهرمان ما را احیا و تضمین نموده و دموکراتیزه ساختن تدریجی و پیگیر همه جهات زنده گی دولت و جامعه، تأمین این دموکراتیزه ساختن را در عمل پیش بینی مینماید. نتیجه کار انجام شده را استقرار مناسبات نوین، احترام، اعتماد، همکاری و برادری میان تمام نیروهای ملی و وطنپرست افغانستان در فعالیت مشترک و شریفانه شان به خاطر وطن محبوب تشکیل میدهد. وطنپرستان افغانستان در عمل به حقانیت و

درستی سیاست حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حکومت انقلابی معتقد گشته و به این سیاست به مثابه تجلی و بیان آرمان ها و آرزوهای خود و یگانه امکان واقعی اعمار جامعه عدالت اجتماعی و ترقی همه جانبه در سر زمین باستانی ما مینگرد.

واضح است که مساعی زحمتکشان و توده های وسیع مردم در جهت ایجاد جامعه نوین و شگوفان افغانستان باید سازمان یافته، منظم و توحید گردد، در صف مشترک به سوی هدف واحد. این است یکی از مهمترین شرایط حصول آن. این است یکی از مهمترین مسایل لحظه جاری.

وطنپرستان افغانستان وظایف خود را در اوضاع و احوال موجود به روشنی میبینند و به خوبی درک مینمایند. آنان هر چه فشرده تر به دور حزب دموکراتیک خلق افغانستان این پیشاهنگی شناخته شده طبقه کارگر و کلیه زحمتکشان، نیروی رهبری کننده و هدایت کننده جامعه و دولت ما، متحد و یکپارچه میگردند. آنان به طور دایمی سطح آگاهی خود، سازماندهی و دسپلین را بلند میبرند. در ظرف اندک زمانی کنگره ها و کنفرانسهای اتحادیه های صنفی، کوپراتیفها و سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان، سازمان دموکراتیک زنان افغانستان، اتحادیه های نویسندگان، ژورنالیستان و هنرمندان تشکیل گردید و موفقانه پایان یافت در جریان این گردهمایی های وسیع و توده یی و فاداری و وطنپرستان افغانستان به امر ترقی ملی و اجتماعی، پشتیبانی کامل آنان از حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حکومت انقلابی به روشنی و صراحت کامل متبازر گشت.

جرگه های قبایل افغانستان مظهر قانع کننده یی از وحدت نیروهای ملی و وطنپرست کشور بوده درین جرگه های پر اعتبار، سران، رهبران و افراد قبایل که در تاریخ کشور نقش مهم و پرافتخار داشته اند، تفاهم کامل خود را نسبت به سیاست حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حکومت انقلابی، نسبت به مساعی که به منظور تحکیم و توسعه تحولات در جهت تأمین ترقی همه جانبه وطن صورت میگیرد، با صراحت و روشنی بیان داشتند. شکی نیست که اقوام و قبایل افغانستان مقام شایسته و سزاوار خود را در اتحاد نیروهای ملی و وطنپرست احراز خواهند کرد.

انقلاب عمیقاً ملی و دموکراتیک ثور مظهر پرتوانی از اراده مسلمانان زحمتکش افغانستان برای استقرار عدالت واقعی اجتماعی است. علمای دینی، ملایان، و روحانیون نجیب و وطنپرست از طریق شورای عالی علما و روحانیون افغانستان سهم شایسته خود را در امر مشترک اعمار افغانستان نوین و شگوفان و اتحاد مسلمانان و وطنپرست که اکثریت قاطع مردم ما را میسازند، ادا مینمایند.

همکاری سودمند، ثمربخش و سازنده به نفع ترقی کشور بین ارگان های حکومتی و صاحبان وطنپرست صنایع ملی در چارچوب شورای مشورتی اقتصادی مربوطه و شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان، موفقانه رشد مییابد.

در کشور فعال شدن عمومی حیات اجتماعی سیاسی بر مبنای قانونیت، اعتماد و همکاری مطمئن بین وطنپرستان، نیروهای اجتماعی ملی و مذهبی عملاً به مشاهده میرسد. همین نیروها هستند که اکثریت قاطع مردم افغانستان را میسازند و به طور قاطع در راه آینده، راه عدالت اجتماعی و ترقی همه جانبه قرار گرفته اند.

بر همین پایه است که در برابر دیده گان ما وحدت وسیع مردم، اتحاد واقعی و همکاری مؤثر این نیروها به وجود می آید. به این ترتیب آرمان تاریخی بهترین فرزندان مردم در باره اتحاد عمیق و صمیمانه تمام وطنپرستان کشور جامه عمل میپوشد.

اکنون مسئله تشکل سازمانی این اتحاد مطرح است زیرا تمام اجزای اساسی متشکله آن یعنی سازمانهای اجتماعی توده یی به وجود آمده است.

اجازه بدهید، در رابطه با این موضوع فهرست مؤسسين دسته جمعی جبهه را که ارگان های رهبری آنها به نماینده گی از توده های عضو سازمانهای خود به کمیسیون عالی تدارك کنگره مؤسس جبهه ملی پدروطن در خواست تحریری مبنی بر آماده گی عضویت در جبهه و همکاری همه جانبه جهت رشد و تحکیم آن تقدیم داشته اند، اعلام بدارم.

اعضای دسته جمعی مؤسس جبهه ملی پدروطن جمهوری دموکراتیک افغانستان عبارتند از:

- حزب دموکراتیک خلق افغانستان.
- اتحادیه های صنفی افغانستان.
- اتحادیه های کوپراتیوی افغانستان .
- سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان .
- سازمان دموکراتیک زنان افغانستان .
- اتحادیه نویسندگان افغانستان .
- اتحادیه ژورنالیستان افغانستان .
- اتحادیه هنرمندان افغانستان .
- سازمان صلح، همبستگی و دوستی افغانستان .
- شورای مشورتی اقتصادی جمهوری دموکراتیک افغانستان .

- شورای علما و روحانیون افغانستان.

- جرگه نماینده گان قبایل .

اجازه دهید از طرف کمیسیون عالی تدارك و از جانب شما نماینده گان محترم به همه اعضای مؤسس جبهه ملی پدروطن ابراز امتنان عمیق نموده اظهار یقین نمایم که ابتکار نجیبانه آنها در فعالیت عملی مستقیم شان در چارچوب کنگره ، تجلی شایسته و رشد لازم خواهد یافت.

به این ترتیب وظیفه ایجاد اتحاد وسیع و وطنپرستان افغانستان در عمل ناشی از مجموع شرایط نوین اجتماعی، سیاسی و اقتصادی میباشد. تنها واقعیت تدویر کنگره مؤسس جبهه ملی پدروطن در مرحله نوین انقلاب ملی و دموکراتیک ثور امکانات عظیم و مساعد و دورنمای حصول چنین وحدتی را به خوبی و به روشنی متجلی میسازد.

اکنون باید به تحقق این امکانات پرداخت. جبهه ملی پدروطن رابر مبنای درك روشن و صریح از اهداف و وظایف آن ایجاد میکنیم.

نماینده گان محترم!

اکنون به آخرین مسئله یعنی اینکه اهمیت سیاسی ایجاد جبهه ملی پدروطن در چیست؟ می پردازیم.

اگر آنچه را که گفتیم جمع بندی کنیم به این نتیجه میرسیم که ایجاد جبهه ملی پدروطن تنها يك از دیاد ساده تعداد سازمانهای اجتماعی - سیاسی که قبلاً تشکیل و فعال شده اند، نیست، گرچه این سازمان بزرگترین آنها خواهد بود. اهمیت اصولی تشکیل جبهه ملی پدروطن جمهوری دموکراتیک افغانستان بسیار بزرگی است.

پیش از همه باید گفت که این حادثه شاهد جدید وقایع کننده بی از عادی شدن عمومی اوضاع در کشور ما، استحکام دولت انقلابی ما، اعتماد و احترام توده های وسیع و در واقعیت امر تمام مردم نجیب و آزاده ما به آن میباشد.

دوم اینکه: تشکیل جبهه تجلی و بیان نیرومند وحدت استحکام یابنده و رشدیابنده نیروهای ملی و وطنپرست افغانستان بر مبنای اصول انقلاب ثور، سیاست حزب دموکراتیک خلق افغانستان و مساعی وطنپرستان و مبارزان راه اعمار افغانستان سعادت مند و شگوفان میباشد.

سوم اینکه: تشکیل جبهه به معنی گام جدی در امر یکپارچه گی و برادری وسیعترین نیروهای اجتماعی و ملی افغانستان بر مبنای دموکراتیک و بر پایه احترام و تحکیم حقوق و آزادی های اجتماعی آنان است.

با این اقدام امکانات هر وطنپرست افغانستان برای گرفتن سهم شایسته در امر شگوفانی وطن توسعه یافته و با فعالیت در چارچوب سازمان وسیع توده یی و دموکراتیک جبهه ملی پدروطن این سهم افزایش خواهد یافت.

چهارم اینکه: تشکیل جبهه باروشنی ووضاحت نشان میدهد که انقلاب پرافتخار ثور درین مرحله قادر است مسایل اجتماعی بزرگ و پیچیده را حل نماید و اشکال کاملاً نوین اتحاد تمام نیروهای ملی ووطنپرست را به وجود آورد.

ما وطنپرستان افغانستان با حل این مسایل، خود را برای انجام وظایف آینده در رابطه با حصول هدف عمده ما، یعنی اعمار جامعه عدالت اجتماعی، ترقی و شگوفانی در افغانستان آماده میسازیم.

نماینده گان محترم!

ما با ایجاد جبهه ملی پدروطن در افغانستان گام فوق العاده مهم را در امر اتحاد و یکپارچه گی ملی و اجتماعی کشور برداشته ایم.

اما این یکی از نخستین گامهای آغاز بزرگ تاریخی درین جهت است. البته تشکل سازمانی و ساختمان عملی جبهه بسیار مهم است. لیکن تأمین مؤثریت فعالیت آن یعنی تبدیل جبهه به جزء متشکله و ضروری سیستم اجتماعی و سیاسی کشور نیز اهمیت کمتر ندارد.

جبهه باید به آنچه ضرور است یعنی اتحاد مؤثر وطنپرستان کشور به خاطر سعادت و ترقی وطن میدل گردد. به این ترتیب ما با ایجاد جبهه، تعیین اهداف، وظایف و ساختار آن، همه با هم باید متوجه باشیم تا کار جبهه از محتوای واقعی و لازم برخوردار باشد. جبهه که مطابق به خواست زنده گی تشکیل گردیده است باید وسیله اصولی و مؤثر تغییر و تحول این زنده گی به طرف بهبود و پیروزی باشد.

زنده باد وحدت نیروهای ملی و وطنپرست افغانستان!

زنده باد جبهه ملی پدروطن!

ما پیروز میشویم!

**روابط برادرانه بین جمهوری دموکراتیک افغانستان
و جمهوری سوسیالیستی چکوسلواکیا به نفع صلح در جهان
و تحکیم مواضع جنبش جهانی کارگری می باشد**

بیانیه در ضیافت پراگ

۲ سرطان ۱۳۶۰

رفیق محترم گوستاف هوساک، رفقای عزیز!

اجازه بدهید مراتب امتنان عمیق و صادقانه قلبی خود را به مناسبت پذیرایی گرم و صمیمانه‌ی بی که از ما در کشور زیبا و پرافتخار شما به عمل آمد و به خاطر کلمات گرم و رفیقانه‌ی بی که به استقبال از ما بیان شد، به شما رفیق محترم گوستاف هوساک، شما رفقای عزیز حاضر درین ضیافت و همه کمونیست‌ها و مردم زحمتکش و با شهامت چکوسلواکیا تقدیم بدارم من خصوصاً از اقامت خود درین سرزمین مسرورم که قبلاً نیز درینجا بوده‌ام و موقع آنرا یافتم تا با خلق شما و کشور تان از نزدیک تجدید دیدار کنم.

ما به این دعوت حزب کمونیست و دولت چکوسلواکیا به مثابه مظهر عالی و درخشان دوستی بزرگی که خلقها، احزاب و دولت‌های ما را به هم پیوند میدهد ارج می‌گذاریم ما یقین داریم که بازدید هیات افغانی از کشور برادر چکوسلواکیا گام مهمی است در راه تحکیم بازهم بیشتر رشته‌های نیرومند دوستی و برادری بین خلقهای هر دو کشور. دوستی بزرگ موجود بین کشورهای مایک حادثه جدید نبوده، بلکه به مثابه یک عنعنه ریشه دار در تاریخ معاصر کشور ما روابط دوستانه بین کشورهای ما وجود داشته است. لیکن بعد از پیروزی انقلاب ثور بخصوص مرحله نوین تکاملی آن این دوستی در سطح کیفی نوینی قرار گرفت.

کمک‌های برادرانه و سیاست انترناسیونالیستی چکوسلواکیای سوسیالیستی در قبال مردم افغانستان سنگپایه نیرومند این دوستی را در همه حال و هر نوع شرایطی تشکیل داده است.

ما از رکود و عقب مانده‌گی به سوی تحولات اساسی انقلابی به پیش می‌رویم. درین پیکار عظیم و همه جانبه، کشور پرافتخار شما در کار ساختمان پایه‌های مادی و فنی جامعه نوین وسیع با روحیه عمیق انترناسیونالیستی، مردم ما را یاری می‌رساند. کمک‌های برادرانه چکوسلواکیای سوسیالیستی همچنان و بخصوص کمک‌های عظیم و نجاتبخش اتحاد شوروی بزرگ و دیگر کشورهای برادر، نه تنها در

رفع مشکلات مبرم کنونی، ما را کمک میکند، بلکه پایه های مطمئن رشد عمومی کشور ما را تحکیم و تکمیل مینماید. همه این کمک های برادرانه جمهوری سوسیالیستی چکوسلواکیا باعث امتنان عمیق مردم ما نسبت به خلق برادر چکوسلواکیا میگردد.

رفقا!

انقلاب ملی و دموکراتیک ثور که نتیجه قانونمند و طبیعی مبارزات طولانی و خستگی ناپذیر مردم ما و پاسخ طبیعی به ضروریات تکامل جامعه ما میباشد، با الهام از مبارزات عنعنوی آزادی خواهانه مردم ما، در نتیجه ارادهٔ راسخ و پشتیبانی بیدریغ توده های وسیع مردم و مساعدت تناسب نیروها در سطح جهانی به نفع صلح، ترقی و سوسیالیزم، به همت افسران و سربازان دلیر اردوی افغانستان تحت رهبری مستقیم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان به پیروزی رسید. مردم ما این پیروزی بزرگ را سرآغاز تحقق آرمانهای شریفانه خویش در جهت تأمین عدالت اجتماعی، رفاه همه گانی، ترقی کشور و تعمیل دموکراسی به نفع توده های عذابدیده مردم و یک فکتور عمده تحکیم صلح و آرامش در منطقه و جهان میدانستند به همین جهت موج عظیمی از پشتیبانی و حمایت از انقلاب، سراسر جامعه درد کشیده و ستمدیدهٔ ما را فراگرفت. در نتیجه پیروزی انقلاب، قدرت برای اولین بار در تاریخ کهنسال کشور به زحمتکشان و به نماینده گی از آنها به حزب دموکراتیک خلق افغانستان این پیشاهنگ طبقه کارگر و همه زحمتکشان کشور تعلق گرفت.

انقلاب ملی و دموکراتیک ثور با جهتگیری قاطع به نفع زحمتکشان کشور وظایف پر افتخار حفظ استقلال، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی، انجام دگرگونیهای عمیق اقتصادی، اجتماعی، تحقق آرمانهای دموکراتیک توده های مردم و تعمیل دموکراسی به نفع توده ها را با در نظر داشت و مراعات جدی عنعنات، رسوم و سنن پسندیده ملی تمام ملیتها، اقوام، قبایل و گروه های ملی ساکن کشور کنثیر المله ما به عهده دارد.

انقلاب ملی و دموکراتیک کشور ما بخصوص پس از مرحله نوین کاملی خویش با دستاوردهای عظیمی که در پی دارد مردم ما را از عقب مانده گی کنونی نجات داده و تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان راه پیشرفت ملی اجتماعی کشور ما را از طریق تطبیق میتودهای سالم و اصولی و انجام ریفورمهای دموکراتیک با در نظر داشت مرحله کنونی رشد جامعه ما بادرک منطقی و با قدمهای مناسب بدون عجله بدون کوتاهی از انجام وظایف، می گشاید. انقلاب ما از رژیمهای گذشته، عقب مانده گی های فراوانی را به میراث برده است. ما نخواهیم توانست همه این مشکلات را در مرحله کنونی حل نماییم. هدف ما آنست تا پروبلمهای موجود را بررسی نموده تشخیص بدهیم و با حل بخشی از آنها بنای حل مجموع این پرو بلما را پی ریزی نماییم.

وظایفی که امروز در برابر حزب و دولت انقلابی ما قرار دارد بی نهایت سنگین، بغرنج و پرمسئولیت می باشد. ما مصمم هستیم وظایف انقلابی خود را تا سرحد پیروزی نهایی به پیش ببریم. افغانستان انقلابی در سطح جهانی در یک جبهه وسیع و همبسته انقلابی و ضدامپریالیستی، همه وظایف خویش را ادا خواهد نمود.

ما در همه عرصه های حیات اجتماعی وزنده گی حزبی خویش در جهت پایان بخشیدن به عملکردشیوه های بیروکراتیک، استبدادی و غیراصولی تلاشهای بزرگی به کار برده ایم و در جهت تجدید ساختمان سازمانهای حزبی و تجدید حیات حزبی به پیروزیهای معینی دست یافته ایم. ما عمیقاً معتقد هستیم که پیروزی انقلاب تنها و تنها تحت رهبری دقیق یک حزب نیرومند و واحد اصولی امکان پذیر است. ما بعد از گذشتادن شش پلینوم با اهمیت کمیته مرکزی چنین حزب واحد نیرومند را ایجاد نموده ایم، حزب ما هر روز با سرعتی فزاینده فعالیت های خود را در جهت تطابق کامل با نورمهای اصول زرین تشکیلاتی طراز نوین عیار میسازد و وظایف خود را به مثابه رهبر واقعی جامعه انجام میدهد.

عمده ترین وظیفه کنونی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان عبارتست از استفاده از همه امکانات به خاطر تأمین امنیت در کشور. دشمنان ما زنده گی عادی مردم ما را بر هم میزنند تا به زعم خود عدم قابلیت حزب ما را در امر اداره امور نشان بدهند. دشمنان ما در تلاش هستند تا با ایجاد بی نظمی های وحشیانه، فضای عدم اعتماد، ناآرامی و اخلال را در جریان مراودات روزمره مردم به وجود بیاورند. ولی ما به اتکای اراده مردم خود و نیروی عظیم حزب خود به شکست نهایی ضدانقلاب ایمان داریم. این ایمان ناشی از قانونمندی جریان تحول پروسه انقلابی، واقعات جامعه ما، نادرستی راه ضدانقلاب و حقانیت راه ماست. برخورد ما در قبال کسانی که متأسفانه امروز فریب دشمنان وطن و انقلاب ما را خورده اند، با نرمش و انعطاف است و در برابر دشمنان سوگند خورده انقلاب قاطع و برگشت ناپذیر و مردم ما حتی بخشهای فریب خورده آن بیشتر از پیش متقاعد میگردند که هدف عمده و نهایی حزب ما عبارتست از بهبود وضع زنده گی زحمتکشان، رهایی از چنگال مناسبات غیر عادلانه و فرتوت فیودالی و ماقبل فیودالی و ایجاد جامعه آزاد، آباد، مترقی و شگوفان، جامعه یی که در آن انسان های آزاد، صحتمند، آگاه، متعهد و شرافتمند زنده گی خواهند کرد.

بعد از پیروزی مرحله نوین انقلاب ما، انقلاب در مسیر اصولی تکامل خویش قرار گرفت و از نظر ستراتیژی و تاکتیک اسناد مهمی از قبیل اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان و تئزهای کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان به مناسبت دومین سالگرد انقلاب ثور نافذ گردید که اهداف نزدیک و دورنماهای تکامل جامعه ما را انعکاس میدهد. راه های پیروزی انقلاب ما را گشوده اشتباهات گذشته را تصحیح مینماید.

ما در جهت احیای مجدد فضای آرامش زنده گی عادی مردم خود به نحو مثبت گام برداشته و برمیداریم، مادر راه تأمین عدالت اجتماعی مبتنی بر قانون و قانونیت به اقدامات لازم متوسل شده‌ایم. تصویب اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان از طرف شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان به مثابه قانون اساسی مؤقت کشور ما رکن مهمی را در امر پروسه ایجاد پایه های حقوقی و قانونیت دموکراتیک در کشور ما تشکیل می‌دهد. درین سند پراعتبار ملی اصل مساوات در حقوق، ایجاد زمینه های لازم جهت انجام وظایف، آزادیهای دموکراتیک برای همه ملیت ها، اقوام، قباایل و گروه های ملی ساکن کشور ما، تضمین شده است.

رفقای عزیز!

درین مرحله از تکامل جا معه ما تحت درفش انقلاب ملی و دموکراتیک طیف وسیعی از اقشار و طبقات جامعه ما از ثمرات انقلاب مستفید گردیده اند. چنانچه افزایش در دستمزدهای کارگران، اجیران و ماموران پایین رتبه، تدابیر مشخص جهت کمک به دهقانان از قبیل بالا بردن قیمت مواد تولیدی عمده آنان، به راه انداختن پیکار وسیع علیه بیسوادی، کوشش در جهت تأمین امکانات وسیع به خاطر دسترسی مردم به ارزشهای فرهنگی و تأمین خدمات صحی به پیمانانه وسیع و غیره مؤید این امر است.

رفقا!

انقلاب ما در مرحله ملی و دموکراتیک قرار دارد و کشور ما یک کشور تیبیک زراعتی میباشد. بنابراین ما توجه عمیق و همه جانبه ی به دهقانان و مسئله ارضی معطوف می‌داریم. علی الرغم اینکه مرحله اول اصلاحات ارضی در شرایط مغشوشی عملی گردید. صاحب زمین شدن ۲۹۶ هزار خانوار دهقانی و در مجموع یازده میلیون دهقان رادر پی داشت. ما در مرحله کنونی با اصلاح اشتباهات سنگین گذشته و تکمیل پروگرام اصلاحات ارضی با دقت و احتیاط فراوان ولی بدون از دست دادن فرصت، حرکت میکنیم. اگر ما تا کنون نتوانسته ایم در زمینه حل همه مشکلات مبرم مردم خود به طور کامل به موفقیت برسیم، در درجه اول ناشی از جنگ اعلان ناشده امپریالیستی بر علیه کشور ما میباشد این جنگ اعلان ناشده دارای ابعاد و جوانب وسیعی بوده و زنده گی عادی مردم ما را بر هم زده است. دشمنان افغانستان انقلابی در تلاش هستند تا با تطبیق نقشه های شوم حیوانی خویش مانع تطبیق پلان های انکشافی و رشد جامعه ماگردند. ولی حزب دموکراتیک خلق افغانستان با به دست گرفتن ابتکار عمل به بسیج وسیع نیروهای حزب و مردم در جهت نابودی ضدانقلاب و تأمین شرایط لازم جهت رشد آتیه کشور پرداخت.

ما در جهت احیای مجدد حیات اجتماعی و ایجاد سازمانهای متناسب در همه سطوح جامعه به ابتکارات مقتضی دست زده ایم. هم اکنون سازمانهای اجتماعی نیرومندی در کشور ما بر علاوه انجام وظایف معمول، صفوف نیرومندی را در جهت دفاع از

انقلاب و دستاوردهای انقلابی تشکیل می‌دهند، سازمانهای دموکراتیک جوانان و زنان، اتحادیه‌های صنفی جمهوری دموکراتیک افغانستان، اتحادیه کوپراتیف‌های زراعتی، اتحادیه‌های هنرمندان، شعرا و نویسندگان و ژورنالیست‌ها و غیره توده‌های وسیعی از مردم ما را در صفوف خود متحد ساخته‌اند.

رفقا!

ما به حل پرابلمهای حاد و مبرم کنونی از قبیل انجام اصلاحات ارضی، حل مسئله ملی، دموکراتیزه ساختن وسیع زنده‌گی اجتماعی و تأمین وحدت عمل نیروهای ملی و وطنپرست کشور، در ارتباط بهم و با در نظر داشت این امر که حل یکی به حل دیگری یاری میرساند، می‌پردازیم.

در زمینه همه مسایل مبرم کنونی، ما در حدود امکانات به ابتکارات و اقدامات لازم دست زده ایم. ما همواره معتقد بوده ایم که بدون سهمگیری توده‌های مردم در امر تعیین سرنوشت جامعه، تطبیق پروگرامهای انکشافی، اقتصادی و اجتماعی امکان پذیر نیست. ما در جهت اعتلای درجه سهمگیری نماینده‌گان تمام طبقات، اقشار، گروه‌ها، محافل و نیروهای مردمی از هیچگونه کوششی دریغ نورزیده ایم. ما بعد از زحمات فراوان شباروزی و ایجاد زمینه‌های لازم بالاخره توانستیم جبهه ملی پروطن را به مثابه مرکز تجمع تمام نیروهای ملی و وطنپرست و شخصیت‌های با وجهه اجتماعی در جامعه و متعهد در برابر مردم خود، ایجاد نماییم.

در کشور ما از گذشته‌های دور به اینسو عنعنه جرگه‌ها وجود داشته است. ما به این شیوه عنعنوی حل مسایل مبرم اهمیت زیادی قایل هستیم و استفاده معقول از آنها را یکی از مراحل نوین شکل سازماندهی توده‌ها میدانیم. این جبهه یکی از عالیترین مظاهر تعمیل دموکراسی به نفع توده‌ها و سهمگیری آنان در امور اداره دولت و جامعه میباشد. تأسیس جبهه ملی پروطن با در نظر داشت سنن پسندیده ملی و تاریخی کشور ما به معنای آن است که مردم مادر وحدت گسست ناپذیر به خاطر ترقی، شگوفانی و خوشبختی وطن خود وارد مرحله نوینی از کار و پیکار پرثمر میگردند. تشکیل این جبهه نشاندهنده این امر است که استقرار نظام نوین انقلابی از پشتیبانی توده‌های وسیع مردم برخوردار بوده از منافع آنها نماینده‌گی و دفاع مینماید.

ما تشکیل این جبهه را گام مهمی در راه تحکیم پایه‌های عدالت اجتماعی و تأمین امکانات بیشتر و سریعتر در جهت اعتلا، شگوفانی و خوشبختی مردم خود میدانیم. این حادثه مهم حیات سیاسی و اجتماعی کشور ما، امکانات و شرایط جدیدی را جهت همکاری‌های صادقانه، همه‌جانبه و مؤثر تمام وطنپرستان در تقاضا متقابل به خاطر ترقی کشور تأمین صلح در منطقه به وجود می‌آورد و تمام تلاشهای حبله‌گرانه دشمنان وطن و انقلاب ما را بیشتر از پیش به ناکامی مواجه میسازد. مؤجز اینکه تشکیل جبهه ملی پروطن به مثابه نیروی محرکه با اهمیتی به توسعه و تشدید فعالیت

های همه جانبه مردم ما نه تنها در مقیاس کشور ما به خاطر حل پرابلمهای موجود، بلکه در سطح منطقه و جهان، بخصوص در جهت تأمین صلح پایدار، پایان بخشیدن به مسابقات تسلیحاتی، لگام زدن به محافل جنگ طلب و توسعه و تحکیم دیتانت کمک میکند.

تشکیل جبهه ملی پدروطن مبارزه دشوار ما را در برابر جنگ اعلان ناشده ارتجاع، امپریالیزم و هژمونیزم نیروی بیشتر می بخشد.

به همه گان مبرهن است که کشورها در معرض چنین جنگ غیر عادلانه قرار دارد. اعزام مزدوران اجیر آدمکش حرفه وی خارجی و باندهای ضدانقلابی مسلح به کشور ما به منظور ترور افراد بیگناه، به آتش کشیدن مکاتب، شفاخانه ها و مؤسسات عام المنفعه و تخریب پلها، سرکها و غیره و برهم زدن فضای آرامش اجتماعی جهت جلوگیری از تجمع توده ها و مردم به دور دولت انقلابی و کوشش در جهت باز گرداندن نظم منسوخ اجتماعی و اهداف عمده این جنگ بیرحمانه را که با همه موازین و حقوق بین المللی مغایرت دارد، تشکیل میدهد. از پیروزی نظامی درین جنگ که بگذریم به صراحت باید گفت: که پیروزی نهایی با ماست. این پیروزی بر پایه تجرید کامل ضدانقلاب و توسعه حمایت توده ها از رژیم ما بی نیاز از اثبات است. تشکیل جبهه ملی پدروطن نشان میدهد که ما حمایت وسیع مردم را با خود داریم. علی الرغم پیروزی های فراوانی که فرا راه ما قرار دارد، باید گفت که دشمنان ما در ضدیت با انقلاب ملی و دموکراتیک کشور ما میکوشند فعالیت های ضدانقلابی خود را انجام دهند. این امپریالیزم و ارتجاع بین المللی است که در برابر ما صف می بندد. بنابراین ما باید مساعی خود را در جهت جلب بیشتر و اصولی حمایت دوستان بین المللی یعنی نیروهای مترقی و انقلابی از افغانستان سوق دهیم.

مردم افغانستان درین مبارزه مقدس تنها نبوده و همه کشورهای صلحدوست جهان و همه نیروهای مترقی و انقلابی عصر ما، جامعه کشورهای سوسیالیستی، چکوسلواکیای برادر و وطن کبیر لنین اتحاد شوروی و این دوست صدیق ملی و تاریخی ما، در کنار افغانستان انقلابی قرار دارند. ما میرزمیم تا صلح و امنیت پایدار در کشور و منطقه ما تأمین گردد. سیاست خارجی دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان مبتنی بر اصول همزیستی مسالمت آمیز، عدم مداخله در امور داخلی دیگران، حسن همجواری، مبارزه در راه پایان بخشیدن به مسابقات تسلیحاتی و به پیروزی رسانیدن دیتانت می باشد. ما از پیشنهاد های مشخص عملی و صادقانه دولت اتحاد جماهیر شوروی که توسط رفیق لیونید ایلچ بریژنف شخصیت برجسته انقلابی معاصر و شامپیون صلح، به منظور کاهش مسابقه تسلیحاتی ذره وی، تحکیم دیتانت و امنیت بین المللی و صلح جهانی مطرح شده است، پشتیبانی نموده تطبیق آنها را گامهای اساسی در جهت تخفیف تشنجات بین المللی تأمین فضای صلح آمیز در جهان میدانیم. دولت انقلابی افغانستان در زمینه حل اوضاع پیرامون افغانستان که در

نتیجه مداخلات و تجاوزات ارتجاع منطقه، امپریالیزم و هژمونیزم در امور داخلی کشور ما به وجود آمده است، به ابتکارات لازم و مشخص دست زده است که از آن جمله میتوان از اعلامیه مؤرخ ۱۴ ماه می ۱۹۸۰ و تأکید مجدد آن در اعلامیه ۱۳ می ۱۹۸۱ دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان نام برد. ما پیشنهادهای مشخص و واقعبینانه‌یی را جلو گذاشته ایم که هدف از آن حل سیاسی اوضاع اطراف افغانستان و عادی ساختن مناسبات با کشورهای همجوار یعنی پاکستان و ایران بر اساس احترام متقابل به حاکمیت و تمامیت ارضی یکدیگر، مساوات و منافع متقابل میباشد. حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان پیشنهاد کرد تا تمام مسایل مربوط به حل سیاسی از طریق مذاکرات مستقیم مطرح گردد، ما حتی موافقه کردیم تا از مساعی جمیله سرمنشی سازمان ملل متحد استفاده نماییم.

مع الأسف حلقه های حاکمه پاکستان در حالیکه در برابر ضرورت یک حل سیاسی سکوت اختیار کردند، نه تنها از دادن جواب مثبت به ابتکارات ما خودداری وزریدند، بلکه کاملاً راه دیگری را در پیش گرفتند: راه تسلیح پاکستان از پنجه پا تا دندان به آنها داخل يك معامله وسیع تسلیحات با ایالات متحده امریکا شدند که هدف از آن پیشبرد نقشه های تجاوزکارانه علیه افغانستان است.

ولی ما حکمرانان پاکستانی را از ضرب المثلی یادآور میشویم که میگوید: «آنچه میکاری درو خواهی کرد». این نکته را باید بدانند که تمام نقشه های آنها که برای تخریب انقلاب افغانستان در همدستی با ضد انقلابیون کشیده اند، محکوم به شکست است.

حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان یکباردیگر از حلقه های حاکمه پاکستان میخواهد تا از جهت گیری ماجراجویانه ضدافغانی دست بردارند و مداخلات خود را در امور داخلی افغانستان قطع نموده برای حل صلح آمیز و سازنده معضلات منطقه به میز مذاکره بیایند.

افغانستان يك عضو فعال جنبش عدم انسلاک بوده و همراه با سایر اعضای مترقی این جنبش، مبارزات مستدام خود را فعالانه علیه پالیسی های امپریالیستی که مبتنی بر دکتاد میباشد به خاطر محوکامل همه بقایای کلونیالیزم، نیوکلو نیالیزم و نژادپرستی ادامه خواهد داد.

رفقا!

خوشوقتیم از اینکه روابط برادرانه بین کشورهای مادر سطح عالی قرار داشته و به نفع صلح در جهان و تحکیم مواضع جنبش جهانی کارگری به طور روز افزون رشد مینماید. ما حمایت انترناسیونالیستی را که توسط شما رفیق گوستاف هوساک، در شانزدهمین کنگرس حزب کمونیست چکوسلوواکیا تأکید گردید، به نظر امتنان

مینگریم و به نوبه خود برای مردم چکوسلواکیا همه پیروزیها را در تطبیق پروگرام انکشاف اجتماعی و اقتصادی مصوبه این کنگرس آرزو میکنیم.

روابط موجود میان جمهوری دموکراتیک افغانستان و جمهوری سوسیالیستی چکوسلواکیا با معیارهای دقیق روابط انترناسیونالیستی احزاب برادر تطابق داشته مسیر تکامل خود را به نحو مطلوب می پیماید.

ما یکبار دیگر مراتب سپاس عمیق و امتنان بیکران حزب دموکراتیک خلق افغانستان، حکومت و مردم افغانستان را از کمیته مرکزی حزب کمونیست چکوسلواکیا که شما رفیق گرامی، گوستاف هوساک شخصیت شناخته شده جنبش جهانی کارگری در رأس آن قرار دارید، حکومت چکوسلواکیا و مردم زحمتکش، با شهامت و دلیر چکوسلواکیا که درین روزگار دشوار مردم ما را با کمک های برادرانه و بی شایبه خود یاری میرسانند، ابراز میداریم.

بگذار دوستی بزرگ و برادرانه موجود بین جمهوری دموکراتیک افغانستان و جمهوری سوسیالیستی چکوسلواکیا به نفع مردمان هر دو کشور، صلح، ترقی و عدالت اجتماعی بیشتر و وسعت و رشد یابد.

اجازه دهید جام خود را به صحت منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونیست چکوسلواکیا، رئیس جمهوریت سوسیالیستی چکوسلواکیا رفیق گوستاف هوساک، به صحت رفقای چکوسلواکی، به خاطر دوستی برادرانه و بزرگ افغان چکوسلواکیا، به خاطر جمهوری سوسیالیستی چکوسلواکیا، به خاطر همبستگی انترناسیونالیستی همه نیروهای انقلابی جهان و به خاطر استقرار صلح جاودان در سیاره ما، بلند کنیم.

ما به دوستی بزرگی که با خلق چکوسلواکیا داریم، ارج فراوان قا یلیم

بیانیه در ضیافت براتیسلوا

۴سرطان ۱۳۶۰

رفقا و دوستان گرامی!

اجازه بدهید، اولتر از همه به مثابه حامل بهترین پیامها و نیات نیک رفیقانه اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان مردم افغانستان انقلابی بهترین دروهای گرم و پرشور برادرانه را نثار شما نمایم و مراتب امتنان عمیق خودرا به خاطر پذیرایی گرم و دوستانههایی که از هیات افغانی در سرزمین زیبا، باستانی و پرافتخار سلواک های قهرمان به عمل آمد به شما واز طریق شما به همه مردم دلیر ومهمان نواز سلواک تقدیم بدارم. بخصوص در این لحظات، روزهای دشواری را به یاد می آورم که در سرزمین زیبای شما به حالت تبعید به سر می بردم ویک لحظه هم از مهمان نوازی، محبت و صمیمیت رفیقانه شما و دوستان شخصی عزیز سلواکی خود بی نصیب نبودم. همواره بهترین احساسات سیاسیگزاری را نسبت به حزب کمونیست سلواکی و شما سلواک های قهرمان به مثابه جزء لاینفک چکوسلواکیای شگوفان سوسیالیستی ودوست پرافتخار افغانستان انقلابی در اعماق قلب خود حفظ خواهم نمود.

اعضای هیات حزبی ودولتی جمهوری دموکراتیک افغانستان که بنابر دعوت کمیته مرکزی حزب کمونیست چکوسلواکیا و حکومت جمهوری سوسیالیستی چکوسلواکیا به کشور پرافتخار شما سفر مینمایند، در هر قدم با موجی از احساسات گرم مهمان نوازی و صمیمیت انقلابی مواجه میباشند که خاطرات گرم پرشور این مسافرت را همواره در قلب خود حفظ خواهند نمود.

ما به دوستی بزرگی که میان کشورهای ما، در همه ساحات زنده گی اجتماعی، اقتصادی وفرهنگی وجود داشته وبعد از پیروزی انقلاب ملی ودموکراتیک در کشور ما به مرحله کیفی نوینی ارتقا یافته است، ارج بی پایان قایل هستیم. این دوستی بزرگ بعد از پیروزی مرحله نوین تکاملی انقلاب ما وپایان بخشیدن به دوران انحراف ننگین در مسیر پروسه انقلابی در کشور ما، به دوستی برادرانه و طراز عالی مبدل گردیده است. دوستی افغانستان وچکوسلواکیا برپایه های مستحکم اصول انترناسیونالیستی وهمکاری های همه جانبه اقتصادی، فنی وفرهنگی استوار بوده به صورت مستدام توسعه و تحکیم می یابد.

مردم کشور ما به اعتقاد نیرومند وخدشه ناپذیر به این دوستی بزرگ وبا علاقه مندی

فراوان از پیشرفت های کشور چکوسلواکیای برادر خشنود میشوند.

مردم افغانستان با غرور و سربلندی تمام در افتخارات عظیم بین المللی کشور شما خود را به مثابه برادر و دوست جدایی ناپذیر کشور شما شریک میدانند.

مردم افغانستان به گذشته قهرمانانه مردم سلواک افتخار مینمایند. قیام قهرمانانه ضدفاشیستی سال ۱۹۴۴ سلواک ها با شرکت رفیق ارجمند گوستاف هوساک در مقام رهبری آن، نه تنها برای مردم سلواک و در مجموع کشور پرافتخار چکوسلواکیا مایه سربلندی است، بلکه تمام مردم آزاد، ترقیخواه و ضد فاشیستی جهان منجمله مردم عذابدیده کشور انقلابی ما آنرا جزء گنجینه افتخارات بزرگ بین المللی مشترک برای همه انقلابیون جهان میدانند. به شما دوستان ارجمند میرهن است که حزب دموکراتیک خلق افغانستان از بدو تأسیس خود همواره و بلاانقطاع در راه انجام وظایف انترناسیونالیستی خویش رزمیده است. هریک از اعضای حزب ما روحیه عمیقاً عجیب با روح انترناسیونالیزم دارد. وفاداری ما به امر انترناسیونالیزم که ناشی از اعتقاد راسخ ما به اصولیت و ضرورت این اصل میباشد، در جریان عمل و تجربه انقلاب ما به سان صخره های کوه های کشورمان استحکام یافته است.

با وفاداری به همین اصل زرین روابط احزاب طرازنوین طبقه کارگر و احزاب مترقی و انقلابی جهان است که همه احزاب حاکم کشورهای برادر سوسیالیستی، احزاب طبقه کارگر کشورهای سرمایه داری و جنبش های آزادیبخش ملی، در صدر همه، کشور کبیر شوراهای در ردف مدافعین انقلاب رهایی بخش کشور ماقرار دارند.

مردم ما سپاس بیکران نسبت به اردوی قهرمان شوروی در قلب خود دارند. موجودیت قطعات محدود نظامی شوروی در کشور ما نقشه سپاه و شوم دشمنان انقلاب، مردم و وطن ما را مبنی بر تبدیل نمودن افغانستان به گورستان نیروهای انقلابی و در درجه اول حزب قهرمان ما و مرکز توطئه و تجاوز علیه جنبش های آزادیبخش منطقه ما، مواجهه به شکست قطعی ساخت.

از اینجاست که تمام نیروهای اهریمنی ارتجاع، امپریالیزم و هژمونیزم همه امکانات خود را در جهت ضدیت با انقلاب ما و دستاوردهای نجاتبخش آن معطوف داشته اند. امروز کشور ما در معرض يك جنگ اعلان نشده بسیار بیرحمانه از تجاع و امپریالیزم که با رهبران مرتد پیکن در تیانی اند، قرار دارد. این جنگ اعلان نشده علیه کشور ما که از لحاظ قوانین بین المللی جنایتکارانه و ضد انسانی است، دارای ابعاد بسیار گسترده و جهات گوناگون میباشد. از اعزام گروه های مزدور، آدمکش خارجی و باند های فراری ضدانقلابی گرفته تا ارسال سیل سلاحها و اسعار خارجی و به راه انداختن توطئه های شیطانی و تبلیغاتی دروغین و اتهامات خاینانه به خاطر اخلال نظم اجتماعی و کشتار بیرحمانه کودکان و سالخورده گان بیگناه کشور و تخریب پلها، سرکها و شفاخانه ها، به آتش کشیدن مکاتب، مساجد و غیره. ولی مردم

ما بادرک ماهیت عمیقاً و حشیانه باندهای ضدانقلابی به صورت فزاینده بی علیه آنها دست به مبارزه بی امان می زنند.

انقلاب ما به صورت مستدام قابلیت حیاتی و نیروی عظیم ابتکاری خود را در جهت این امر که یگانه الترناتیف ممکن و منطقی برای کشور ما میباشد، به اثبات میرساند. انقلاب مادر مرحله نوین تکاملی خویش توانست همه نیروهای سالم، اصولی، ملی و وطنپرست کشور را در چارچوب جبهه ملی پدروطن به مثابه تکیه گاه اساسی دولت انقلابی گردآورده و نیروی عظیمی را در جهت دفاع از دستاوردهای انقلابی مردم ما تشکیل بدهد.

به شما دوستان ارجمند اطمینان میدهم که مردم ما از یکسو به سرکوبی باندهای ضدانقلابی می پردازند و از جانب دیگر ویرانی های ناشی از رژیم های مستبد سلطنتی، اشرفی و خابن گذشته را ترمیم نموده به ساختمان پایه های مستحکم جامعه نوین در کشور ما مشغولند. ما در این کار بزرگ و پیکار دشوار، همواره کمک های بی شایبه و بزرگ کشورهای دوست و منجمله کمک های وسیع و برادرانه چکوسلواکیای برادر را با خود داشته و همبستگی وسیع خلق برادر چکوسلواکیا را در کنار خویش احساس میکنیم.

دوستان ارجمند، رفقای عزیز!

ما به کشور خویش با خاطرات گرانبها و شورانگیزی از سفر کنونی چکوسلواکیای برادر که اقامت در سلواکی زیبا، بخش دیگر آنرا تشکیل میدهد، برمی گردیم. اجازه بدهید مراتب سپاس و امتنان بی پایان خود را به کمیته مرکزی حزب کمونیست سلواکی و مردم سلواکی به مناسبت استقبال گرم و مهمان نوازی برادرانه آنان به نماینده گی از هیات همراهانم ابراز بدارم.

به پیروزی باز هم بیشتر و بیشتر حزب کمونیست سلواک!

به خاطر چکوسلواکیای نیرومند و شگوفان سوسیالیستی!

به خاطر دوستی پایدار، همیشه گی، بزرگ و برادرانه بین احزاب، دولت ها و مردمان ما!

به خاطر همبستگی انترناسیونالیستی!

به خاطر صلح و دوستی ملل در سیاره ما!

تبدیل قوای مسلح به قوای مسلح توده‌یی، مدرن و دارای قابلیت عالی محاربوی از وظایف اساسی ما در عرصه نظامی است

بیانیه در جلسه فعالین حزبی قوای مسلح

۲۵ اسد ۱۳۶۰

رفقای عزیز!

بیروی سیاسی کمیته مرکزی ح. د. خ. ا ملاقات امروزی را با فعالین حزبی اردوی ج. د. ا، خاد و خاندوی، رهبری حزبی و نظامی ولایات، زونها و گروپهای دفاع از انقلاب نهایت مهم و حیاتی میداند.

در اوضاع و احوال کنونی کشور عمده ترین، حیاتی ترین و اساسی ترین وظیفه کمیته مرکزی ح. د. خ. ا، شورای انقلابی ج. د. ا، تمام ارگان های حزبی، دولتی و نظامی عبارتست از دفاع مسلحانه از دستاوردهای انقلاب ثور، شکست کامل عناصر ضد انقلاب داخلی و خارجی و فراهم آوری شرایط صلح آمیز برای کارسازنده مردم قهرمان افغانستان.

برای تحقق این امر بسیج تمام نیروها در جهت سرکوبی نهایی دشمنان جمهوری دموکراتیک افغانستان از اهم مسایل است. حوادثی که بعد از انقلاب ثور گذشته است، صحت و درستی مشی را که توسط پلینوم های کمیته مرکزی ح. د. خ. ا تدوین شده به اثبات رسانیده است. زحمتکشان کشور ما با وجود مشکلات فراوان تحت رهبری پیشاهنگ رزمنده خویش ح. د. خ. ا در اعمار زنده گی نوین به پیروزی های انکار ناپذیر نایل گردیده اند. اقتصاد ملی کشور به صورت عموم مطابق به مشی که توسط کمیته مرکزی ح. د. خ. ا در جهت رفع عقب مانده گی اقتصادی، ثبات و تحکیم سکتور دولتی و بهبودسطح زنده گی مردم تدوین شده بود، انکشاف و تکامل مییابد. تدابیر در زمینه تشویق و رشد تولید، ارتقای عواید زحمتکشان و تدوین سیستم واحد شاخص های پلان شده اتخاذ گردیده است.

تحکیم بازهم بیشتر همبستگی تمام اقشار جامعه ما صورت گرفته، پایه اجتماعی انقلاب بسط و توسعه مییابد. در کشور جبهه ملی پدروطن به مثابه معتبر ترین سازمان توده یی و سیاسی که میلیونها وطنپرست را در جهت اشتراک در اعمار افغانستان نوین، متحد میسازد تأسیس گردید.

تأسیس جبهه ملی پدروطن یکی از شواهد دیگر نقش بر آب ساختن تلاشهای دشمنان

برای تحمیل نظام های منفور سابق از طریق توسل به اسلحه، ترور و زورگویی بالای مردم میباشد. اکثریت جمعیت کشور وبخصوص طبقه کارگر، دهقانان، پیشه وران و دیگر اقشار زحمتکش، تحولات اجتماعی و اقتصادی را که در کشور صورت گرفته حمایت و پشتیبانی می نمایند. اعتبار و حیثیت جمهوری دموکراتیک افغانستان در عرصه بین المللی رشد می یابد.

موفقیت های مهم در ساحت نظامی نیز رونما گردیده و قوای مسلح ج.د.ا از دستاور های انقلاب ثور به نحو شایسته یی دفاع می نمایند. پرسونل قوای مسلح در مبارزه سرسختانه علیه دشمنان مردم زحمتکش ما قهرمانی ها و از خود گذری ها را تبارز داده صدها افسر، خرد ضابط و سرباز اردو و خاندوی به اخذ نشان ها و مدال های دولتی مفتخر گردیده اند و میگردند.

در نتیجه تدابیر نظامی که در جریان یکسال بعد از پلینوم سوم کمیته مرکزی ج.د.خ.ا اتخاذ شده است انسیاتیف ستراتیژیکی کاملاً به دست حکومت و قوای مسلح کشور انتقال یافته است. باندهای بزرگی ضدانقلاب سرکوب گردیده، بقایای آنها در چارچوب گروههای خرد و کوچک پراکنده شده، قسماً در بین اهالی منحل گردیده اند.

خاد و خاندوی در مبارزه علیه عناصر ضدانقلاب نقش بزرگی ایفا نموده و فعالیت آنها هدفمندتر گردیده است. کارکنان خاد و پرسونل خاندوی روز به روز لانه های عناصر ضدانقلاب را کشف نموده مردانه گی، شهامت و صداقت به امر حزب و انقلاب از خود نشان میدهند. انکشاف و تکامل اوضاع در افغانستان به صورت مقنع نشان میدهد که مردم ما ثابت قدم و بدون انحراف، زنده گی نوین را اعمار مینمایند. آنچه در ساحت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، کلتوری و دیگر رشته های زنده گی انجام یافته و یا مییابد جوابگوی منافع اساسی زحمتکش کشور میباشد. مارا تکامل خود را، راه از بین بردن سیستم فرتوت فیودالی، راه اعمار جامعه عادلانه نوین، راه انقلاب ثور انتخاب نموده ایم و بی هراس و بی امان در این راه شریفانه و انسانی به پیش میرویم.

هیچ نیرویی در جهان، هیچ دسیسه و توطئه امپریالیستی و هژمونیست، هیچ افترا، تهمت و پروپاگندامپریالیستی، ما را ازین راه منحرف ساخته نمیتواند. ما در مبارزه عادلانه خویش پیوسته همبستگی دوستان مطمئن و وفادار و از همه اولتر دوست بزرگ و حقیقی ما اتحاد شوروی را احساس کرده و میکنیم.

ملاقات اخیر اینجانب با رفیق ل.ا. بریژنف منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی صدر هیات رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی و دوست بزرگ مردم افغانستان مثال گویای دوستی خلل ناپذیر افغان شوروی میباشد.

امروز ما یکبار دیگر سپاس عمیق خود را به مردم قهرمان شوروی به پاس کمک های

برادرانه انترناسیونالیستی که در لحظات مشکل و حساس تاریخ ما، لحظاتی که مسئله مرگ و زنده گی انقلاب و وطن ما، لحظاتی که مسئله عقیم ساختن توطئه ها و مفکوره های جنایتکارانه امپریالیزم امریکا و متحدین چینی آن مطرح میباشند، به عمل می آید ابراز میداریم.

نیروهای وطنپرست افغانستان و همه کسانی که استقلال و آزادی کشور را گرامی میدارند هرگز این کمک های برادرانه را فراموشی نخواهند کرد. انقلاب ما شکست ناپذیر است و موفقانه به پیش می رود، ولی باید به صراحت گفت که مبارزات قهرمانانه مردم افغانستان به خاطر اعمار زنده گی نوین در شرایط دشواری ادامه دارد. امپریالیزم جهانی در رأس ایالات متحده امریکا، نیروهای هژمونیستی و ارتجاعی که از موفقیت های مردم ما خشمگین گردیده اند کمافی السابق به فعالیت های تجاوزگرانه و وحشیانه خود در برابر انقلاب ثور ادامه میدهند و دخالت های آشکار آنها در امور کشور ما قطع نگردیده و این نیروهای سیاه، جنگ پلید را بر ضد ما به راه انداخته و با ندهای ضدانقلاب را تریبه و مسلح نموده به کشور ما صادر میکنند.

اجیران و اشنگتن و بیکن به گشتار صدها انسان دست زده و به سوختن اماکن، مکاتب حاصلات و ربودن موآشی دوام میدهند. از سلاح هایی که برای رهنان داده شده بر ضد شاگردان، زنان، پیرمردان و اطفال استفاده مینمایند.

دشمن در پهلوی اعمال رهنانه خویش، پروپاگند زهر آگین ضدانقلابی را به پیش میبرد و با استفاده سوء از ناسیونالیزم ارتجاعی فیودالی کوشش میکند تا دوستی افغان شوروی را به نام ساخته و اعتماد مردم و منسوبین عسکری را نسبت به ح. د.خ. ا. و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان از بین برده و شرایط ترس و بی اعتمادی را در کشور ایجاد نماید.

بیروی سیاسی کمیته مرکزی ح. د. خ. ا. ارتقای نقش و نفوذ حزب را در حل مسایل نظامی، بالا بردن سطح رهبری حزبی در تمام پروسه مبارزه علیه ضد انقلاب، گام نخستین جهت نابودی دشمنان انقلاب ثور ارزیابی میکند مسایل بنیادی تکامل اردو، خاردنوی، ارگانهای امنیتی و فعالیت آنها در جهت برقراری نظم انقلابی در کشور در آینده نیز باید مطابق به سیاست حزب و برپایه اسناد مرامی، رهنمودها و دستورهای آن حل و فصل گردد. توجه خاص باید به تکامل تمام حلقه های سازمان نظامی و انکشاف اردو، خاردنوی، خاد، انتخاب و تعیین کادرها، ارتقای شعور و بیداری انقلابی آنها، هماهنگ ساختن فعالیت سریع تمام سازمانهای دولتی، اجتماعی و نظامی جهت شکستن مقاومت دشمنان طبقاتی ما معطوف گردد.

بیروی سیاسی کمیته مرکزی ح. د.خ. ا. مبارزه پیگیر را به خاطر وحدت اصولی، ارگانیک و کامل صفوف حزب جهت حل و فصل مؤثر مسایل اصولی مبارزه علیه

عناصر ضدانقلاب موضوع حیاتی میدانند. تأمین وحدت حزبی، مشی اساسی فعالیت تمام ارگانهای حزبی اساس انکشاف موفقانه دولت و تمام حیات اجتماعی را تشکیل میدهد. یکباردیگر میخواستیم خاطر نشان سازیم که سرنوشت وطن ما و انقلاب ثور به وحدت و کار هماهنگ شده همه اعضای ح.د. خ. ا وابسته گی دارد. فراموشی این پرنسیپ اساسی یعنی فراموشی اصل تقویه روز افزون وحدت حزب به معنای خیانت به آرمانهای والای انقلاب میباشد.

کمیته مرکزی ح.د. خ. ا. کراراً تقاضا نموده است که از فرکسیون بازی و گروپ بندی در سازمانهای حزبی به صورت قاطعانه جلوگیری به عمل آید و مخالفین وحدت، دهشت افگنان و جاه طلبان از عضویت حزب دموکراتیک خلق افغانستان اخراج گردند. در ضمن در بعضی از سازمانهای حزبی این خواستهای حزب مراعات نگردیده و یکتعداد از اعضای ح.د. خ. ا. بنابر خواست خویش به جناح های قبلی از اتهامات متقابل، دروغگویی و افترا منصرف نگردیده اند. لذا وقت آن رسیده است که فعالین حزبی تمام ارگانهای حزبی و سیاسی باید از گفتار به کردار پرداخته و قاطعانه از فرکسیونبازی و گروپ بندی جلوگیری نمایند.

ریاست عمومی امور سیاسی اردوی ح.د.ا. ارگانهای سیاسی خاندوی و قوای امنیتی در استقرار فضای مساعد اخلاقی در داخل کلکتیف های حزبی و مناسبات رفیقانه بین اعضای ح.د. خ. ا. که سابقاً به گروپهای مختلف تعلق داشتند، باید نمونه مثال بوده و مطابق به خواست زمان سازمانهای حزبی را در جهت تحقق خط مشی حزب مبنی بر تحکیم همه جانبه وحدت و فشرده گی صفوف خویش رهبری نمایند و بیروی سیاسی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. به مقصد توحید مساعی سازمانهای حزبی و دولتی تمام نیروهای وطنپرست و بیسیج امکانات مادی و معنوی کشور در جهت سرکوبی کامل دشمن، ایجاد شورای دفاع ج.د.ا. را ضروری دانست. همچنان شورای دفاع ایجاد قرارگاه های محلی و ولایات و ولسوالی ها را لازمی می شمارد.

در صلاحیت شورای دفاع ج.د.ا. تحت رهبری بیروی سیاسی تمام قدرت دولتی و رهبری نظامی و اقتصادی داده شده است و شورای مذکور فعالیت تمام مؤسسات دولتی، نظامی، سازمانهای حزبی، صنفی و جوانان را در جهت دفاع از دستاوردهای انقلاب ثور منسجم خواهد کرد.

رفقا! دفاع مطمئن از انقلاب همچنان با تقویت و تحکیم هرچه بیشتر اردو ارتباط دارد. قوای مسلح ج.د.ا. است که در ثبات اوضاع در کشور نقش عمده را بازی نموده و تکیه گاه مستحکم حزب و دولت ج.د.ا. در جلوگیری از توطئه های دشمنان و دفاع از دستاوردهای مقدس زحمتکشان کشور میباشد.

تبدیل اردو به اردوی توده یی، مدرن، تعلیم یافته و دارای قابلیت عالی محاربه وی، اینست وظیفه عمده مان!

باید توجه خاص به تحکیم ارتباط توده های وسیع زحمتکشان با اردو مبذول گردد و باید هر تبعه کشور ما در وجود اردو، دوست و مدافع مطمئن خود را ببیند. وحدت اردو و مردم ضامن تمام پیروزی های ما بر دشمنان انقلاب میباشد.

رفقا!

اداره سیاسی اردو در سیستم تعلیم و تربیه سیاسی حزبی اعضای اصلی و آزمایشی ح.د.خ. ابتکار پراهمیت از خود نشان داده است. تقریباً در پنجصد گروپ درسی اساس های ایدیولوژی علمی، مسایل مربوط به دفاع از انقلاب و اعمار جامعه نوین در ج.د.ا تدریس میگردد. هیات قوماندانی سیاسی قوای مسلح باید به صورت جدی در بهبود امور پرورشی در قطعات و جزء و تاهای بزرگ اقدام نماید و توجه اصلی در بین ساحه جهت تحکیم همه جانبه وضع مورال به سیاسی پرسونل و ارتقای آگاهی انقلابی در بین منسوبین و انزجار نسبت به دشمنان طبقاتی معطوف گردد. باید تبلیغ قهرمانی های سربازان، خردضابطان و افسران در امر دفاع از انقلاب در امور ایدیولوژیکی، سیاسی و پرورشی اردو به پیمانانه وسیعتر صورت گیرد.

ما قانون مدالها و نشانها را نافذ کردیم. ممکن است که ما لقب قهرمان ج.د.ا را برای اعطا به وطنپرستانی که در مبارزه علیه دشمنان انقلاب از خود شهادت بسیار عالی نشان داده اند، تثبیت نماییم. اتباع کشور ما مخصوصاً جوانان باید قهرمانان ملی و وطنپرستان را شناخته، از آنها آموخته و از نمونه های شان در کار و پیکار انقلابی سر مشق بگیرند.

در تربیت نظامی و وطنپرستانه جوانان نقش س.د.ج.ا باید ارتقا یابد. قوماندانان ارگانهای سیاسی و ارگان های محلی حزبی ابتکار سازمانهای س.د.ج.ا را در جهت تشکیل گروه های داوطلب جوانان همه جانبه حمایت و پشتیبانی نموده و از آنها مواظبت نمایند.

لازم است یاد آور شویم که دشمن امروزی مانند دشمن سال گذشته نیست. نابودی باندهای بزرگ اشرار در جریان یک سلسله عملیات آنها را مجبور ساخت تا تاکتیک خود را تغییر داده و به ترور و خرابکاری ایدیولوژیکی، اقتصادی و نظامی بپردازد.

دشمن دست به پروپاگندهای حيله گرانه و مکارانه میزند، از احساسات مذهبی مردم سوء استفاده کرده و با تهمت های خصمانه علیه انقلاب ثور عمل میکند، روحیه ضد شوروی را خلق مینماید و دروغهای زیادی را علیه دوست صدیق ما اتحاد شوروی می بندد.

حیات روزمره خواستار تقریه کار ایدیولوژیکی ما میباشد. لازم است مبارزه تعرضی را علیه پروپاگندهای دشمن به پیش ببریم، اهداف ارتجاعی و چهره حقیقی آنها را

افشا کنیم. باید حقیقت در باره انقلاب ثور و کمک های برادرانه اتحاد شوروی در امر تأمین امنیت ج. د. ا عمیقتر و وسیعتر تشریح و توضیح گردد.

وظایف تشدید مبارزه علیه عناصر ضدانقلاب و شکست قطعی آنها خواستار ارتقای بازهم بیشتر فعالیت مثبت ارگانهای امنیتی و خارتدوی میباشد. آنها باید به طور قاطعانه، شجاعانه و فعالانه عمل کرده و در دفاع از دستاوردهای انقلاب بیداری کامل داشته باشند و به وقت و زمانش پلان ها و اندیشه های عناصر ضد انقلاب را افشا و خنثی نمایند.

قوای خارتدوی در عمل باید به حیث قطارهای تکمیل شده و محارب حزب تبدیل گردد و با افتخار وظایف تأمین آرامش و امنیت زحمتکشان را در کشور انجام دهد.

حل مسائل پرمسئولیت مربوط به تشدید مبارزه علیه عناصر ضدانقلاب زیادتیر مربوط به شکل بهتر کار با کادرهاست. پوشیده نیست که سیاست توسط اشخاص در عمل پیاده میگردد، به این جهت تقویه بعدی کادرهای حزبی، دولتی و نظامی شرط قطعی پیاده کردن سیاست نظامی ج. د. خ. ا در عمل میباشد.

ما توانستیم درین ساحه به نتایج معین برسیم. تا اندازه یی ثبات کادرها در اردو و خارتدوی صورت گرفته است، مهارت مسلکی و سیاسی آنها ارتقا یافته است و پروسه تکمیل افسران و فادار به وظایف انقلابی در قوای مسلح به پایان میرسد.

بیروی سیاسی کمیته مرکزی، ارگانهای حزبی و دولتی، ریاست های وزارتخانه ها و دوایر را مؤظف می سازد تا قاطعانه خط مشی اصولی را در مسایل مربوط به کادرها تطبیق نمایند، یعنی کادرهای حزبی، دولتی و نظامی را نظر به خصوصیات سیاسی، کارهای عملی و وفاداری شان به انقلاب ثور و قابلیت سازمان دادن مبارزه اکتیف علیه دشمنان طبقاتی، مورد ارزیابی قرار دهند. در شرایط نظامی توجه اصلی ارگانهای حزبی و دولتی باید در جهت مسئله تعلیم و تربیه و پرورش کادرهای افسران آزموده سیاسی، پیکارجو، لایق، جدی، فعال و وفادار به امر انقلاب، و وحدت حزب اصولیت و دولت معطوف گردد.

کمیته مرکزی ج. د. خ. ا و دولت انقلابی مواظبت دایمی را نسبت به کادرهای افسران در جهت بهبود وضع مادی، معنوی، شرایط زنده گی و ارتقای آموزش و پرورش شان در فضای وفاداری به آرمانهای انقلاب ثور نشان داده و میدهد. در پهلوی آن، حزب و دولت از وزارت دفاع ملی، ستر درستیز و ریاست عمومی امور سیاسی، بلند بردن حس مسئولیت کادرهای افسران را در تطبیق وظایف محوله شان در حل و فصل مسایل مشخص مربوط به تحکیم قابلیت محاروبی قطعات و جزءاتام های بزرگ می طلبد.

لازم است مبارزه قطعی و بدون سازش علیه سستی و سهل انگاری در مقابل وظایف

مبارزه وی، مبارزه علیه میتودکار داخل اطاق و کاغذ پرانی صورت گیرد. سعی شود تا هر افسر، هر قوماندان و هر کارکن سیاسی باید وضع حقیقی امور را در قطعات و جزئیات نامها بداند. همیشه در بین کتله های سربازان بوده، به مادونان عطف توجه کرده طبیعت و حالت شانرا مطالعه نموده و انسیاتیف آنها را در امر دفاع از انقلاب و نابودی دشمنان طبقاتی انکشاف دهد.

رفقا!

تمام کارها هنگامی موفقیت بار می آورد که ما کتله های وسیع زحمتکش را به خاطر مبارزه علیه دشمنان بسیج نماییم. اما برای رسیدن به این مقصد لازم است که کارسیاسی در میان توده ها وبالخاصه در میان دهقانان به صورت فوق العاده تقویه گردد. به همین اساس مرکز ثقل تمام امور حزبی و سازماندهی حزب باید به ولسوالی ها، علاقه داریها، قرا، دهات و مناطق قبیله وی انتقال یابد.

ما باید در مقابل خود وظیفه قرار بدهیم که هر قریه و هرده به دژ و قلعه غیرقابل تسخیر برای دشمنان تبدیل گردد. به همین مقصد باید به طور سریع و بدون وقفه به تأسیس سازمانهای دفاع از انقلاب در محلات مسکونی و در مؤسسات و به تشکیل سیستم دفاع خود به خود منطقوی بپردازیم و قرارگاه های هماهنگی کننده ولایتی و ولسوالی باید نقش مهم را ایفا نماید و وظیفه اصلی آنها عبارت از تأمین اشتراك مساعی دایمی با کمیته های حزبی ارگانهای قدرت دولتی، جزءتوام های خاوندوی، خاد و گروه های دفاع از انقلاب جهت کشف و از بین بردن مستقلانه گروپهای تخریبکار و رهن می باشد.

در آن مناطقی که از وجود اشرار پاک گردیده است باید طور پیگیر و وظایف مربوط به اصلاحات ارضی و آبیاری حل و فصل گردد و به تطبیق عملی مصوبه کمیته مرکزی و شورای وزیران ج.د. ا در مورد ادامه اصلاحات ارضی و تقسیم بندی جدید و عادلانه زمین و سهمیه آب به دهقانان اقدام به عمل آید.

در جریان پیشبرد اصلاحات ارضی، در قدم اول زمینها به فامیل های منسوبین اردو و خاوندوی داده شود. مهم است که تمام وزارتخانه ها، دوایر، کمیته های ولایتی و ولسوالی و ارگانهای دولتی در بین مردم نفوذ کرده و از نزدیک مواظب تأمین مواد ضرورت اولیه برای اهالی باشند. لازم است کار با اقوام بهتر و بهتر شود. به عنعنات، رسوم و رواجهای قومی، احترام زیادتر به عمل آید. اشکال میتودهای پیشبرد کارسیاسی در بین اقوام وسیعتر انکشاف یابد و به این مقصد به طور وسیع از جرگه های قومی در محلات استفاده گردد.

لازم است شکل اساسی کار حزبی و سیاسی جهت تحکیم ارتباط ج.د.خ. ا با توده های مردم بهتر ساخته شود. باید به صورت قابل ملاحظه فعالیت گروپهای تبلیغ و

ترویج در میان مردم بخصوص از طریق ارتباط با ملایان، قریه داران، ریش سفیدان و مشران قبایل بسط و توسعه داده شود.

رفقا!

بالاخره بیروی سیاسی کمیته مرکزی به سازمانهای اجتماعی و توده بی که بیانگر منافع تمام طبقات و اقشار و طنپرست افغانستان محسوب میگردند و نقش بزرگی را در مبارزه علیه باندهای مزدور ایفا میکنند، اهمیت بزرگی قایل است. در کشور سازمانهای سیاسی، اجتماعی و توده بی تأسیس شده است. تأسیس جبهه ملی پدر وطن که در آن تحت رهبری ح. د.خ. تمام نیروهای مترقی جامعه ما جهت اعمار حیات نوین و دفاع از دستاوردهای انقلاب متحد شده اند، پدیده افتخار آمیز در زنده گی مردم ماست. در شرایط حملات مسلحانه بلاانقطاع عناصر ضد انقلاب، سازمانهای اجتماعی و توده بی باید متوجه ایجابات و مقتضیات زمان نظامی وحل و فصل آن مسایل سیاسی و نظامی باشند. اتحادیه های صنفی، سازمانهای دموکراتیک جوانان و زنان، اتحادیه های روشنفکران مترقی نباید از مبارزه خسته گی ناپذیر جهت دفاع از قدرت مردمی دور باشند. باید زیادتز از عنعنات پسندیده خلق ها و قبایل کشور ما و مقدسات دین اسلام حسن استفاده کرده، در افشای کسانی که تحت شعارهای دروغین مدافعین اسلام ماسک به رو میکشند، اما در عمل به مقابل اتباع صادق کشور، بر علیه اراده و منافع مردم زحمتکشما تعرض می نمایند، مساعی به خرج دهند .

حزب در شرایط کنونی و وظیفه مهم سازمانهای اجتماعی را در بسیج ده ها و صدها هزار زحمتکش به مبارزه آگاهانه علیه باندهای جنایتکار و در پرورش وطنپرستی جوانان و اتباع کشور می بیند. کار آنها باید توسط شعار « همه برای دفاع از انقلاب و محو ضدانقلاب » تعیین گردد.

این وظیفه خصلت اصولی دارد که باید سازمانهای اجتماعی، در حدود امکانات خود فعالانه به اردو، خاد و خاندوی در مبارزه علیه دشمنان طبقاتی کمک نمایند. لیکن از این امکانات به صورت کامل استفاده به عمل نیامده است. نقص مهم درین است که فعالیتهای سازمانهای اجتماعی فقط در شهر کابل و یکعه از شهرهای بزرگ مربوط میشود. در ولایات و محلات این کار به طور ضعیف پیش برده میشود و بالای توده های وسیع زحمتکش کم مؤثر است. باید این نواقص وضعف در کار سازمانهای اجتماعی هرچه زودتر بر طرف گردد.

همچنان در مبارزه عمومی علیه عناصر ضدانقلاب نقش فعال را وسایل اطلاعات جمعی ایفا میکند. این وسایل یک سلاح قوی حزب در بسیج توده ها، منسوبین اردو، خاد و خاندوی غرض نابودی باندهای اجیران به شمار میرود. قابل یاد آوری است که روزنامه های مرکزی، رادیو و تلویزیون موضوعات نظامی را پخش نموده و

کارنامه های قهرمانان منسوبین عسکری را در راه دفاع از انقلاب در معرض نمایش می گذارند.

رفقا!

نکات و نتایج اساسی و فورمولبندی شده بی که توضیح گردید همه و همه ناشی از تجزیه و تحلیل اوضاع، احوال و حقایق نظامی و سیاسی در کشور و استقامت های مشخص کار ما جهت امحای قاطع و کامل نیروهای ضدانقلاب میباشد که انعکاس دهنده و نظر بیروی سیاسی حزب ما به شمار میرود.

اجرای وظایف داده شده از طرف حزب جهت تحکیم بازهم بیشتر اردو، خاردوی و خاد در مورد تشکیل و سازماندهی مبارزه علیه عناصر ضدانقلاب خواستار کار خستگی ناپذیر سازمانهای حزبی، دولتی، اجتماعی، مؤسسات نظامی و بسیج همه نیروهای اقتصادی سیاسی کشور میباشد.

بیروی سیاسی کمیته مرکزی و شورای انقلابی ج.د. ا عقیده راسخ دارد که اردوی قهرمان ما، خاردوی و ارگانهای امنیتی دولتی ما و تمام نیروهای وطنپرست، با احساسی مسئولیت عالی با شرافت و وجدان وطنپرستانه در مقابل انقلاب و مردم آزاد افغانستان، استقلال ملی کشور را حفظ و امنیت وطن خود را تأمین مینمایند. این امر جوابگوی منافع عالی و آرمان های دیرینه زحمتکشان جدا میباشد.

ما یکبار دیگر سپاسگزاری عمیق خود را به کمیته مرکزی حزب لنینی و دولت اتحاد شوروی که با درک عمیق پرابلمهای ما، در امر اعمار زنده گی نوین، دفاع از انقلاب ثور و کمک های همه جانبه و بی غرضانه جهت پیروزی نهایی انقلاب ما سهم گرفته اند، اظهار می نماییم.

زنده باد انقلاب پرافتخار ثور و حزب دموکراتیک خلق افغانستان رهبر و الهامبخش آن!

زنده باد دوستی جاودانه و خلل ناپذیر افغانستان و اتحاد شوروی!

زنده باد قوای مسلح قهرمان ما، مدافع پرافتخار دستاوردهای انقلاب ثور!

پیروزی کامل، قاطع و نهایی بر عناصر ضدانقلاب حتمی است!

پیروزی مرحله نوین انقلاب، یکبار دیگر استقلال، حاکمیت ملی و

تمامیت ارضی ما را از خطر نابودی نجات داد

بیانیه به مناسبت شصت و دومین سالگرد استرداد استقلال کشور

۲۷ اسد ۱۳۶۰

هموطنان شریف، خواهران و برادران عزیز!

فردا ما یکی از بزرگترین و شورانگیزترین حوادث تاریخ سرزمین مقدس خود را تجلیل مینماییم و اجازه بدهید به مناسبت شصت و دومین سالگرد پیروزی بزرگی تاریخی مردم افغانستان، یعنی استرداد استقلال کشور را از تحت سلطه امپراتوری استعماری انگلیس از جانب کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان و از جانب خود به همه شما از صمیم قلب شاد باش بگویم.

ما شصت و دومین سالگرد استقلال وطن پدری خویش را در شرایطی برگزار میکنیم که مردم ما یکباردیگر در معرض آزمایش نوین تاریخی قرار دارند. امروز مردم آزاده وطن انقلابی ما به خاطر دفاع از استقلال، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی کشور و دستاوردهای نجاتبخش انقلابی خویش دلیرانه و برگشت ناپذیر در برابر تجاوزات و مداخلات بیشرمانه ارتجاع، امپریالیزم و هژمونیزم به نبرد نهایی برخاسته اند. استقلال افغانستان در شرایطی به دست آمد که قاره آسیا تازه راه بیداری و پیکار ضد استعماری را در پیش گرفته بود. حوادث انقلابی در برخی از کشورهای قاره آسیا در تحت تأثیر مستقیم انقلاب کبیر اکتوب، تناسب نیروها را به نفع آزادی خلقها و اضمحلال تدریجی سیستم مستعمراتی امپریالیزم تغییر داده بود. در چنین شرایطی وطنپرستان افغانستان با الهام از مبارزات دلیرانه مشروطه خواهان اول برای بار نخست درفش آزادی را در آسیا برافراشته و درین جاده پیکار مقدس به سر مشق و نمونه برای مبارزات استقلال طلبانه خلقهای قاره آسیا بخصوص خلقهای مسلمان مبدل گردید.

استقلال افغانستان ساده و آسان به دست نیامده بلکه بهترین فرزندان رشید وطن با شور و عشق سوزان به آزادی و دلهای پراز مهر وطن، با دادن جانهای شیرین و ریختن خونهای پاک خود در یک نبرد عادلانه و حماسه آفرین، بزرگترین قدرت استعماری آن وقت را به شکست اقتضاح آمیز واداشتند و در قلب آسیا زنگ پر توان آزادی را به صدا در آوردند. مردم قهرمان و آزادی وطن باستانی ما با دفاع از

استقلال، حاکمیت و شرف ملی خود در برابر تجاوزگران امپریالیستی سهم شایسته بی را در راه مبارزه به خاطر در هم کوبیدن سیستم سلطه استعماری قاره آسیا ادا کردند.

هموطنان شرافتمند و انقلابی!

مردم سلحشور و با شهامت افغانستان در طول تاریخ باستانی کشور خود همواره از استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور خویش، چون مردمک چشم دفاع نموده و درین راه مقدس از دادن هیچ نوع قربانی دریغ نورزیده اند.

اتحاد و وحدت عمل همه نیروهای تحول طلب، آزادیخواه، انقلابی و وطنپرست کشور یکی از سنن مبارزات آزادیخواهانه مردم ما را و رمز پیروزی آنان را در مبارزه علیه استعمار امپریالیستی انگلیس، تشکیل میدهد. دشمن در هرگونه شرایطی با حیله و نیرنگهای گوناگون وحدت عمل و وطنپرستان یعنی وثیقه پراعتبار مبارزه و پیروزی آنها را مورد حمله قرار داده است.

استقلال افغانستان که به قیمت خونهای پاک فرزندان خلف خلق تحت رهبری فرزندان وطن غازی امان الله به دست آمد مدتی بعد، در اثر توطئه ها، دسایس و مداخلات امپریالیزم انگلیس در امور داخلی کشور ما در معرض خطر نابودی قرار گرفت.

امپریالیزم انگلیس به کمک ایجنتها و عمال خویش و با استفاده از عقب مانده گی کشور و تعمیم خرافات و تعصبات، با حیله، نیرنگ، عوامفریبی، ایجاد تفرقه و در اثر توطئه های شیطانی خویش، اغتشاشات و بینظمی ها را در کشور ما سازمان داد و سرانجام چاکر شناخته شده خویش یعنی نادر مستبد را بر اریکه سلطنت نشاند و عملاً استقلال کشور ما را در معرض نابودی قرار داد.

نیروهای سیاه ارتجاعی وابسته به انگلیس با استفاده نامشروع از دین مقدس اسلام، اذهان توده های مردم را در باره ماهیت دولت امانی مغشوش ساخت و در نتیجه فضای بی اعتمادی و خصومت را نسبت به آن ایجاد نمود. هموطنان ما به یاد دارند که چگونه عمال امپریالیزم انگلیس چون لارنس، در میان مردم با دیانت، صادق و شریف ما به تحریکات خاینانه دست زدند.

هموطنان عزیز!

امروز نیز ارتجاع، امپریالیزم، مزدوران و عمال بیشرم آنها، علیه استقلال و آزادی مردم ما خاینانه توطئه مینمایند و باز هم از همان سلاحهای شناخته شده دیروزی استفاده نموده امیدهای پوچ و بی پایه بی را به خاطر برگرداندن جریان تاریخ کشور ما با روح شیطانی خود پخش میکنند. ولی غافل ازینکه به حکم زمان و به اراده مردم ما انقلاب ما برگشت ناپذیر است. اما امروز در شرایطی به سر میبریم که موجودیت

جنبشهای آزادیبخش ملی، جنبش عظیم کارگری جهانی و اردوگاه صلح به مثابه تکیه گاه شکست ناپذیر و عظیم همه نیروهای انقلابی جهان تغییر برگشت ناپذیری را به نفع نیروهای آزادی و استقلال ملی، دموکراسی و ترقی اجتماعی در جهان پدید آورده اند. ما امروز در شرایطی به سر میبریم که اندیشه های پیشرو عصر ما با نفوذ وسیع در میان توده های مردم به نیروی بزرگ مادی انقلابی مبدل گردیده است.

مبارزات دلیرانه مردم مادر سالهای بعد از حصول استقلال و تسلط خانواده مستبد سلطنتی، اشرافی و وابسته به استعمار، هرگز به سردی نگرانی و پایان نپذیرفت. در ادامه همین مبارزات دشوار مردم ما بود که انقلاب ثور به پیروزی رسید و راه تحقق استقلال واقعی کشور ما گشوده شد. با پیروزی انقلاب ملی و دموکراتیک ثور مبارزات ترقیخواهانه مردم ما ابعاد گسترده و نوینی کسب کرد و توده های وسیع مردم ما به سوی انقلاب و حفظ دستاوردهای آن جلب شدند. با تکیه بر همین سنن شریفانه مبارزه انقلابی مردم ما، به انحراف ننگینی که در مسیر انقلاب سازمان داده شده بود، خاتمه داده شد. پیروزی مرحله نوین و تکاملی انقلاب یکباردیگر استقلال و حاکمیت ملی، تمامیت ارضی و دستاوردهای انقلابی ما را از خطر نابودی نجات داد و فصل نوینی را در برابر مردم ما در جهت تحکیم استقلال ملی و اعمار جامعه نوین، شگوفان و انسانی گشود.

دشمنان دیرینه سعادت و آزادی مردم ما امروز هم با غلظیدن در دامان کثیف و آلوده به ننگ و جنایت امپریالیزم میخوانند کشور ما را در لجنزار بدبختی، تباهی و وابسته گی به استعمار و امپریالیزم بکشانند. جنگ اعلان نشده علیه مردم ما که به صورت مستدام از طریق پاکستان به وسیله امپریالیزم در رأس امپریالیزم امریکا و دستیاران چینی آن تغذیه میگردد، هدف دیگری را جز نابودی استقلال و حاکمیت ملی کشور ما، تجزیه سرزمینی پر افتخار باستانی ما و نابودی دستاوردهای انقلابی مردم ما تعقیب نمی نماید.

مردم ما با اتحاد برادرانه و وحدت عمل انقلابی در برابر این تجاوز خاینانه ارتجاع، هژمونیزم و امپریالیزم به پا خاسته و از وطن محبوب و دستاوردهای انقلاب دفاع می نمایند. ما درین نبرد برحق و دشوار تنها نیستیم. همانسان که جمهوری جوان شوروی در تحت رهبری ولادیمیر ایلیچ لنین دوست بزرگی ملل شرق و مسلمانان زحمتکش، اولین کشوری بود که استقلال و حاکمیت کشور ما را بلافاصله بعد از حصول آن به رسمیت شناخت و دست دوستی را به سوی مردم ما دراز نمود، امروز هم اتحاد شوروی بزرگ، ما را در مبارزه عادلانه ما علیه مداخلات و تجاوزات امپریالیزم، ارتجاع منطقه و هژمونیزم یاری میرساند.

اتحاد شوروی با اعطای کمک بموقع در جواب درخواست مقامات قانونی و ذیصلاح دولتی و حزبی جمهوری دموکراتیک افغانستان، در دشوارترین لحظات تاریخ

کشور ما، مردم ما را در امر دفاع قاطع از استقلال و حاکمیت ملی یاری نموده و بزرگترین خدمت تاریخی را به مردم ما انجام داده است. اگر کمک بموقع و برادرانه اتحاد شوروی نمی بود امروز به طور قطع از استقلال افغانستان چیزی بجا نمانده بود. این واقعیت سرسخت تاریخی را دشمنان و ارونه جلوه داده در زمینه با پیش می تمام قلب و واقعیت مینمایند. ولی تاریخ شاهد خواهد بود که استقلال وطن ما از گزند تجاوزات بیگانگان، به اراده مردم قهرمان افغانستان و به کمک برادران شوروی محافظ گردید و اکنون تحکیم میگردد.

هموطنان عزیز!

اکنون در مرحله نوین و تکاملی انقلاب ثور، درفش استقلال واقعی، انقلاب و کار و پیکار سازنده و شور آفرین انقلابی بر فراز کشور کهن و محبوب ما با غرور و افتخار آفرینی در اهتزاز است.

زحمتکشان افغانستان تحت بیرق اندیشه ها اهداف انسانی انقلاب ثور در صفوف جبهه ملی پدر وطن به رهبری حزب پیشناز و یکپارچه خویش، حزب دموکراتیک خلق افغانستان به خاطر دفاع از دستاوردهای انقلابی خویش، در راه حفظ و تحکیم استقلال و حاکمیت ملی کشور و در راه اعمار جامعه نوین میرز مند. درین نبرد زنده گی ساز و دشمن سوز، قهرمانی های مردم ما، اردوی پرافتخار، خاوندوی وارگانهای امنیتی کشور در تحت رهبری کمیته مرکزی حزب ما ضامن پیروزی ماست.

ما، در این لحظاتی که شصت و دومین سالگرد استرداد استقلال سرزمین مقدس خود را تجلیل مینماییم، درودهای آتشین و پر شور خود را نثار آن راد مردانی مینماییم که در راه حصول شرف، آزادی و استقلال وطن جام شهادت نوشیده اند.

درود پرشور به روان پاک شهدای راه آزادی!

زنده باد مردم آزاده و شرافتمند افغانستان!

زنده باد وطن محبوب ما افغانستان آزاد، مستقل، انقلابی، سربلند و پرافتخار!

زنده باد صلح و آزادی خلقهای جهان!

جوانان دلیر میهن، مدافعین سر سپرده انقلاب، و طن

و منافع زحمتکشان افغانستان

بیانیه در جلسه فعالین س.ج.د.د. در قوای مسلح

۱۷ سنبله ۱۳۱۰

جوانان سرباز، رفقای ارجمند و گرامی!

مایه خوشی است که امروز با شما نماینده گان جوانان دلیر و شجاع، با آنانی که جوانی خود را به مبارزه در صفوف اردوی قهرمان ما به خاطر سعادت و آزادی مردم نجیب وطن عزیز ما وقف نموده اند، فرصت ملاقات دست داد. امروز وظیفه مقدستر و مهمتر از دفاع مسلحانه از دستاوردهای انقلاب شکوهمند ثور، نابودی کامل ضدانقلاب و فراهم ساختن شرایط مسالمت آمیز برای کار صلح آمیز و سازنده مردم زحمتکش افغانستان وجود ندارد.

این صدا و فریاد سهمگین و توفنده مردمان انقلابی و زحمتکش افغانستان است.

به نماینده گی از بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، هیات رئیسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان و از طرف خود حضور شما را در اولین جلسه فعالین سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان در قوای مسلح خوشی آمدید میگویم و مراتب خوشنودی و رضایت عمیق خویش را به خاطر آنکه شما در چنین لحظه نهایت حساس انقلاب با چنین علاقه مندی قلبی، با شور و هیجان انقلابی نقش و مقام خویش را در حل و فصل این وظیفه تاریخی تعیین می نمایید، اظهار نمایم. درین اواخر در زندگی مردم زحمتکش افغانستان و حزب دموکراتیک خلق افغانستان تغییرات و تحولات بسی مهم رخ داده است.

به مقصد بسیج ساختن همه نیروهای دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان و مردم کشور جهت امحای ضدانقلاب با تصویب بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، شورای دفاع جمهوری دموکراتیک افغانستان تشکیل شد، که در صلاحیت آن تمام قدرت دولتی کشور متمرکز گردیده است. در این اواخر از طرف شورای دفاع، تصمیم مهمی در زمینه تقویه قوای مسلح و ارگان های محلی دولتی، جهت تأمین فعالیت اتخاذ گردیده است.

همچنان برای اولین بار بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند ثور جلسه فعالین حزبی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در قوای مسلح دایر گردید. در این جلسه در محیط نهایت صمیمانه و برادرانه وظایف اردو، خدمات اطلاعات دولتی، خاندوی، ارگان

های حزبی و دولتی جهت تشدید مبارزه علیه ضدانقلاب مورد غور و بررسی قرار گرفت. تدویر جلسه فعالین حزبی يك گام مهم در سازماندهی مبارزه علیه دشمنان طبقاتی بوده است. این جلسه تحت شعار مبدل ساختن کشور به یک اردوگاه محاربه‌ی آزادیبخش، بسیج همه نیروهای حزب، دولت و مردم به خاطر دفاع از انقلاب صورت گرفت.

همه اجراءات مطروحه در زمینه استقرار ثبات اوضاع در کشور مورد قبول تأیید همه اشتراک‌کننده‌گان جلسه واقع گردید.

ضمناً در کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ملاقات‌های مهم با پرسونل اداری قوای مسلح، قوماندانان و کارکنان سیاسی عالی‌رتبه، نماینده‌گان ذیصلاح کمیته مرکزی در زونها، منشی‌های کمیته‌های ولایتی و والیان صورت گرفت. این ملاقات‌ها تشخیصی نکات ضعیف در فعالیت ما و تعیین وظایف مبرم و دورنما‌های این وظایف را میسر ساخت.

نتایج این ملاقات‌ها بدون شک و تردید، محرک جدید در مبارزه ما علیه دشمنان طبقاتی خواهد بود. یقین کامل دارم که جلسه شما عامل مهم دیگری در امر ارتقای درجه فعالیت سازمانهای جوانان اردو جهت متحد ساختن سپاهیان جوان و وطنپرست در اطراف حزب دموکراتیک خلق افغانستان، این پیشاهنگی رزمنده و پرورنده ایمان تزلزل‌ناپذیر به حقانیت مبارزه و آماده‌گی برای وقف همه نیروها جهت نیل به پیروزی نهایی بر دشمن، خواهد بود.

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان در عرصه بین‌المللی هم یک سلسله ابتکارات صلح‌آمیز را مطرح نموده‌اند. از آنجای که تجاوزات مسلحانه به خاک مقدس کشور عزیز ما افغانستان مانند گذشته عمده‌تاً از قلمرو پاکستان صورت می‌گیرد، دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان يك بار دیگر پیشنهاد نمود که با دولت پاکستان مسایل مربوط به عادی ساختن روابط جانبین مورد غور و بررسی قرار داده شود. همچنان به مقصد برقرار نمودن روابط دوستانه با کشور ایران، ما آماده‌گی خویش را برای پیشبرد مذاکرات در زمینه تأکید نموده‌ایم. این همه ابتکارات صلح‌آمیز متوجه قطع مداخله مسلحانه ارتجاع سپاه امپریالیستی در امور داخلی افغانستان، کسب تضمین بین‌المللی برای امنیت جمهوری جوان ماست.

رفقا!

مدت زمانی که از پیروزی انقلاب شکوهمند ثور مخصوصاً مرحله نوین آن گذشته است، به صورت عام و تام صحت خط‌مشی را که از طرف پلینوم‌های کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان طرح و تدوین شده به اثبات رسانیده است. علی

الرغم مشکلات متعدد زحمتکشان کشور عزیز ما تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان پیشاهنگ طبقه کارگر و همه زحمتکشان افغانستان به موفقیت های چشمگیری در جریان اعمار زنده گی نوین نایل آمده اند.

اقتصاد کشور به صورت عموم بر طبق خط مشی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان مبنی بر احیای هرچه زودتر اقتصاد ملی، تقویه و تحکیم سکتور دولتی و بهبود سویه زنده گی مردم انکشاف می یابد.

در زمینه تشویق از دیاد تولیدات، افزایش عاید زحمتکشان و در مورد به وجود آوردن سیستم واحد مشخصات پلان، اقدامات مهمی اتخاذ گردیده است. در حصه انکشاف فرهنگ، صحت عامه و معارف گام های مهمی برداشته شده است و ما اکنون با مباحث خاطر نشان میسازیم که جوانان وطنپرست کشور با شور، هیجان و شوق آگاهانه، با شهامت و دلیری باطنی شان به اجرای مشکلترین وظایف پرداخته و در ضمن نمونه های حیرت آور و درخشان زحمتکشی و رزمجویی از خود نشان میدهند.

مادروطن، جوانان خود را با مناطقی میفرستد که آنها تحت رگبار آتش دشمنان، به استخراج نمک و زغال سنگ ادامه میدهند، افتخار باد به چنین جوانان افغان! این جوانان زمانی که اوضاع ایجاب نماید در نبرد دلاورانه و شجاعانه، وفاداری خویش را به آرمانهای والای انقلاب و آماده گی دایمی برای فدا نمودن جان های عزیز و جوان خویش به خاطر پیروزی عدالت و حق بر باطل در خاک پاک و وطن محبوب خود به اثبات میرسانند.

بعضاً مرمی دشمن شور و هیجان انقلابی، جوانی و زنده گی شیرین مبارز جوان را قطع مینماید، با آنها صفوف شان روز تاروز وسیعتر، روح رزمنده آنها توفنده تر میگردد دست های توانای شان سلاح به کف داشته را بازم محکمتر میفشارد.

نسل ارشد انقلابیون ما از جوانان قهرمان خود، از تمایل و کارنامه های قهرمانانه شان، از آماده گی دایمی آنان برای پیروی راه حزب و انقلاب شکوهمند ثور افتخار و مباحث مینماید و این امر مهمترین منبع تزلزل ناپذیر ما را در امر پیروزی نهایی میسازد.

رفقا!

قانون تکامل جامعه بشری، قانون انقلاب های آزادیبخش جهان این امر را به اثبات رسانیده است که این جوانان استند که در صف مقدم مبارزه در راه آزادی و عدالت جان های شیرین خود را فدا میکنند.

علی الرغم کوشش های عظیمی که از طرف حزب ما به عمل آورده میشود، در اثر فعالیت های امپریالیست های ایالات متحده و سایر دشمنان مردم نجیب افغانستان در

خاک کشور محبوب ما خونریزی ادامه دارد. گذشته از آن مزدوران ضدانقلابی که توسط ایالات متحده و همدستان چینیایی شان تحریک میگردند، کوشش مینمایند که مساعی خود را متحد ساخته، نیروهای خود را متمرکز نموده و ذخایر سلاح و اعاشه باندهای اشرار را در آمادگی برای توطئه و دسایس جدید تأسیس کنند. جنایت های وحشیانه دشمنان ادامه دارد.

اشرار مسلح، مکاتب، مساجد و خانه ها و حاصلات زراعتی را طعمه حریق ساخته، اطفال و موسفیدان را به قتل رسانیده، اموال و دارایی های مردم را چور و چپاول کرده و حشمتاکترین جنایات را اجرا مینمایند تا مردم را تهدید کرده، آنها را از مزایای انقلاب بی بهره ساخته و تمایل مردم نجیب افغانستان را به آزادی و خوشبختی در خون غرقه کنند. دشمن نهایت مزورانه و حیله گرانه عمل می نماید. آنان نه فقط به اجرای اعمال تروریستی و دهشت افگنی دست میزنند بلکه می خواهند از طریق تخریبکاری ایدیالوژیک، دروغبافی و تضعیف و گمراه نمودن آگاهی طبقات، اراده متین مردم افغانستان را شکسته ایمان به آینده درخشان را در وجود آنها متزلزل سازد.

دشمنان تلاش می ورزند که بین اقوام و قبایل و ملیت های ساکن وطن نفاق انداخته بر علیه پربهاترین دستاوردهای ما یعنی دوستی افغان و شوروی افترا نمایند. این دوستی بی شایبه و انتر اسیونالیستی که اکنون به شکل همبستگی پیکارجویانه در آمده و در مبارزه علیه دشمنان جمهوری دموکراتیک افغانستان آبدیده گردیده است، دستاورد ذی قیمت و گرانبهای مردم ما میباشد.

ملاقات اینجانب با رفیق لیونید ایلچ بریژنف، دوست بزرگ مردم افغانستان، منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و صدر هیات رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی که در این اواخر صورت گرفت، بیانگر درخشان تزلزل ناپذیری این دوستی بوده است. ما مراتب تشکرات عمیق و سپاسگزاری خویش را به کمیته مرکزی حزب و دولت شوروی اظهار مینماییم که با درک عمیق مشکلات و پرابلم های ما در امر اعمار زنده گی نوین و دفاع از استقلال و تمامیت ارضی و از دستاوردهای انقلاب شکوهمند ثور برخوردار کرده کمک های همه جانبه و بی شایبه را در نیل به پیروزی نهایی انقلاب اجرا مینمایند.

این کمک ها از قلوب پاک فرد فرد مردم شوروی، سپاهیان اردوی قهرمان شوروی که و وطنپرست و انترناسیونالیست هستند، ناشی میشود.

ناگفته نماند، هر خلقی که به راه تحولات انقلابی گام میگذارد یعنی در خلقی که برای نجات و رهایی از یوغ استثمارگران و جانب به پامی خیزد با مقاومت سرسختانه دشمنان طبقاتی مواجه میگردد.

این قانونمندی انقلاب های اصیل طبقاتی است، زحمتکشان، يك طبقه ويا طبقات و يا اقشار ستمگر واستثمارگر را از کشور خود محو میسازند، طبعاً دشمنان طبقاتی زحمتکشان به سهولت و آسانی جا را از لحاظ قدرت حاکمه، از لحاظ نظام اقتصادی اجتماعی به زحمتکشان نمیگذارند، درك این اصل يك درك علمی است.

طوریکه تاریخ شاهد است انقلاب، یعنی انقلاب اجتماعی همیشه باضدانقلاب برخورد مینماید. تاریخ این حقیقت را به اثبات رسانیده است. مصایب و مشکلات عظیم، محرومیت ها و قربانی های بزرگ را مردم قهرمان اتحاد شوروی بعد از انقلاب کبیر اکتوبر متحمل گردیده اند، ولی خلقهای آن از طریق مبارزه در طول زمان کوتاه راه صدها ساله را پیموده و به مثابه پیشاهنگ مبارز به خاطر صلح و امنیت جهان و دوست بی شایبه همه خلق های کره زمین که در عرصه مبارزه به خاطر عدالت، آزادی و ترقی به پا خاسته اند، مبدل گردیده است.

همچنان شهامت و دلآوری مردم قهرمان ویتنام بینظیر بوده است. امپریالیست های غربی در طول ده ها سال می خواستند ویتنام انقلابی را به زانو در آورند، مگر خود به زانو در آورده شدند.

امپریالیزم امریکا این دشمن حيله گر و نیرومند، خاك این کشور قهرمان را به آتش کشیده، میلیونها نفر مبارز را از بین برده ولی بر مردم ویتنام و اراده آهنین آنان برای کسب آزادی فایق آمده نتوانست.

خلق های انگولا، نیکاراگوا و حبشه، مردم قهرمان فلسطین با ایستاده گی، پایداری و مقاومت قهرمانانه علیه نیروهای امپریالیستی به خاطر آینده شگوفان مبارزه مینمایند.

این گونه مثالها حاکی از آنست که زنده گی نوین فارغ از ستم و بیعدالتی به سهولت به دست نیاید و باید در مبارزه سرسختانه حاصل گردد. این مبارزه مستلزم کار و پیکار همه نیروها و فداکاری به خاطر آزادی و سعادت انسان زحمتکش میباشد. هر جوان شرافتمند و عاشق به وطن و مردم باید این حقیقت را به خوبی درك نماید.

در تاریخ کشورما و درخاطره نسل های آینده تا ابد اسامی آنهایی که امروز در صفوف مبارزین انقلابی قهرمان می جنگند و اسامی آنهاييکه به خاطر فردای درخشان جان خود را فدا مینمایند، جاویدان حفظ خواهد گردید. نسل های آینده کشورما این قهرمانی و کارنامه های امروزه وطنپرستان جوان را به مثابه معیار زنده گی قبول نموده در قلوب خود آنها را مجسم ساخته و به حیث سنگ محک وفاداری به مادر وطن، حزب و مردم نجیب افغان از آن استفاده خواهند نمود.

وطن آنانی را که درین لحظه حساس کناره جویی جسته و به دفاع از آینده درخشان

وطن جانبداری ننمایند ، نخواهد بخشید. تاریخ ایشان را به دست فراموشی هم پرده و مانند دشمنان خونخوار آنان را تقبیح خواهد نمود.

همه شما حضار گرامی در این کار نامه ها و تحولات عظیم سهیم بوده و با کار، پیکار، خون وزنده گی خویش صفحات پرشکوه تاریخ وطن ما را مینویسید. انقلاب شکوهمند ثور و حقیقت جریان انقلاب یکباردیگر حقانیت گفتار رهبر بزرگ پرولتاریای جهان را مبنی بر اینکه ، تسخیر قدرت سیاسی از حفظ آن آسانتر است ، به ثبوت میرساند.

تمام نیروهای ضدانقلاب و ارتجاع منطقه که توسط امپریالیست های امریکایی و هژمونیهایی چینی حمایه میگردند، با شدت تام کوشش مینمایند تا ستم، فقر، جهل و بیسوادی را که در طول قرون متمادی روح آزاده مردم شریف افغانستان را تعجیز و تعذیب مینمود، حفظ کنند.

آنانی که فکر می کنند پیروزی در مبارزه به خاطر آینده شگوفان خود به خود، بدون کار و پیکار قهرمانانه ده ها و صدها هزار وطنپرست به دست می آید، سخت در اشتباه هستند.

شما باید به خوبی بدانید که دفاع از دستاوردهای انقلاب شکوهمند ثور امریست که بیش از همه به خود مردم نجیب افغانستان متعلق میباشد. بنابر این مساعی هر فرد افغان در این مبارزه بایدروز افزون گردد. و باید خود مردم افغانستان از انقلاب آزادیبخش خود قهرمانانه دفاع کنند و این حکم پدر وطن ماست. باید به صراحت به شما جوانان اعلام بدارم و همچنان به جهانیان اعلام میداریم که قطعات محدود اتحاد شوروی به حیث یک نیروی ریزرف و ذخیره در برابر تجاوزات ارتجاع خارجی امپریالیستی در افغانستان میباشد. لیکن امر دفاع از انقلاب، مبارزه علیه اشراک و دزدان و دهشت افگان و ساختمان جامعه اقتصادیاجتماعی نوین به عهده شما جوانان افغانستان میباشد.

چنین تمایل اکثریت اهالی کشور، منجر به تأسیس جبهه ملی پدر وطن شده است که تأسیس این سازمان یکباردیگر گواه به شکست کوشش های دشمنان برای احیا و تحمیل نظام منفر گذشته با استفاده از زور سلاح و ترور میباشد.

ما خوشبین هستیم، بنابراین عقیده داریم که مردم نجیب کشور ما توانایی آنرا پیدا خواهند نمود که همه بارهای سنگین ستم گذشته را از دوش خود بر کنار نموده باروح سرشار از کار و پیکار و مطمئن به فرادی شگوفان ، به اعمار زنده گی نوین خواهند پرداخت.

بهترین دلیل این حقیقت عبارت از آنست که نسل جوان کشور ما روز به روز به صورت فعال تر در جریان تطبیق وظایف حیاتی قرار گرفته و ضمناً خواص و صفات

عالی از قبیل قاطعیت، شجاعت، مردانه گی و قهرمانی را از خود نشان داده اند . جوانان کشور با تشکیل سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان پخته گی سیاسی خویش را تبارز داده نشان دادند که بهترین نماینده گان جوانان از عهده اجرای وظایف کبیر و پرمسؤولیت عاجز نخواهند ماند.

آماده گی وطنپرستان جوان برای پیروی از مسیر انقلابیون نسل ارشد و برای مبارزه به خاطر شگوفانی آرمان های والای انقلاب شکوهمند ثور بیش از همه در ایفای موفقانه وظیفه سپاهیان جوان در قوای مسلح قهرمان جمهوری دموکراتیک افغانستان تبارز مینماید.

نقش عمده در دفاع از انقلاب در مبارزه علیه دشمنان انقلاب به جوانان وطنپرست تعلق میگیرد. صرف اردوی مجهز به سلاح و وسایط مدرن که پرسونل آن متشکل و از نظر سیاسی دارای آگاهی عالی باشد قادر است تا نیروهای اهریمنی دشمنان را شکست داده آنها را کاملاً نابودسازد.

اردو، خدمات اطلاعات دولتی و خآرندوی از جمله آن نیروهایی در جمهوری جوان ما به شمار میروند که مردم به آنها چشم امید دوخته آنها را منحصیث نیروی رهایی بخش ومدافعین راستین خود تلقی مینمایند.

قوای مسلح ما وفاداری وایمان خویش را به اهداف و آرمان های والای انقلاب شکوهمند ثور به ثبوت رسانیده و درحال حاضر از دستادورهای آن شجاعانه دفاع کرده دشمنان انقلاب را نابود مینمایند. سربازان وطنپرست وشجاع ما در مبارزه سرسختانه علیه دشمنان مردم زحمتکشافغانستان از خود قهرمانی واز خودگذری نشان میدهند. صد هاتن از افسران، خردضابطان وسربازان اردو، کارکنان خاد و خآرندوی به اخذ نشان ها ومدال های دولتی مفتخر گردیده اند.

ابتکار ستراتیژیکی کاملاً دردست دولت وقوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان میباشد. باندهای بزرگی ضدانقلابی از بین برده شده وبقایای این باندها به گروپ های خرد وکوچک پراکنده شده اند. دشمن به ترور، تخریب راه ها، تهدید اهالی وایجاد اوضاع وخیم ومتشنج در کشور مبادرت ورزیده است. لیکن به مقصد نیل به پیروزی نهایی مردم نجیب کشورو قوای مسلح قهرمان ما باید اجراءآت خستگی ناپذیر دیگری را تکمیل بدارند و ساحه فعالیت سازمانهای جوانان اردو در این زمینه واقعاً بی پایان است.

در شرایط مبارزه حاد طبقاتی، ما به دسپلین متین نظامی ضرورت داریم که به حد اعظمی بر آگاهی انقلابی استوار باشد. تعمیل این آگاهی به توده های وسیع منسوبین اردو از وظایف مهم شما کادرها وفعالین جوان در قوای مسلح میباشد.

شما باید در واقعیت امر به مثابه معاون و همکار نزدیک قوماندانان، کارکنان سیاسی و سازمانهای حزبی بوده اردوی ما را به یک ارگانیزم یکپارچه و پرقدرت مبدل ساخته، آنرا تابع يك اراده واحد نموده و مساعی ده ها، صدها و هزارها نفر را جهت به دست آوردن هدف مورد نظر یعنی امحای نیروهای ضدانقلاب جلب نمایید. شما وظیفه دارید که در نهاد هر سرباز جوان حس مسؤولیت به خاطر سرنوشت انقلاب شکوهمند ثور و مردم زحمتکش افغانستان را پرورش داده با نمونه های از مردانه گی و شجاعت شخصی تان توده های سربازان را به قهرمانی و فداکاری تشویق نمایید.

اردوی جمهوری دموکراتیک افغانستان بر اساس ایدیالوژی طبقه کارگر استوار بوده و از منافع کارگران و دهقانان زحمتکش و روشنفکران مترقی و سایر وطنپرستان دفاع مینماید. هیچکس نباید این واقعیت را فراموش کند و شما فعالین جوان باید نزدیکترین همکار حزب در تربیه و پرورش نظریات و عقاید انقلابی سربازان باشید تا آنان بتوانند از مواضع طبقاتی درک نمایند که دوستان آنها و دشمنان شان کی ها میباشند و علیه کی باید به خاطر آینده درخشان مبارزه نمود. نیروهای ما به اندازه زیادی افزایش خواهد یافت به شرطی که هر وطنپرست جوان اردو از دل و جان آرمان های والای انقلاب شکوهمند ثور را قبول نماید.

تطبیق این ضرورت، مستلزم بلند بردن درجه پرورش سیاسی و سواد میباشد. مبارزه علیه بیسوادی، ساحه مسؤولیت کار سازمانهای جوانان و فعالین آنها را در اردو تشکیل میدهد. اردو بهترین مکتب پرورش سیاسی و آموزش سواد میباشد. درس **بخوان، کارکن و از انقلاب دفاع کن!** اینست شعار هر سرباز و وطنپرست جوان افغان. سرباز باسواد، یک مبارز آگاه بوده و وظایف و اهداف انقلاب را زودتر درک نموده و موقف خویش را در این مبارزه به طور درست تشخیص میدهد. سرباز بیسواد خارج از سیاست و دور از تحولات انقلابی قرار دارد و نمی فهمد که این مبارزه سرسختانه برای کدام هدف صورت میگیرد. ازین نقیصه نیروهای سیاه ارتجاع وسیع استفاده سوء مینمایند.

رفقای جوان ارجمند!

وطن، سلاح و وسایط محاربه ای مدرن را به دست شما سپرده است و آنکس و وطنپرست آگاه بوده میتواند که با فراگرفتن تکنیک این سلاح و وسایط از آن در محاربه به طور ماهرانه استفاده نماید. استعمال ماهرانه سلاح دست داشته با اندوخته آگاهی سیاسی، سرباز جوان و وطنپرست ما را شکست ناپذیر می سازد.

رفقای سرتیر و جوان افغان! باید دشمنان انقلاب از نیروی شما، از قدرت شما، از غرش طوفانزای شما در هراس و وحشت بیفتند و شما را به مثابه نیروی ضربتی قوی و قاطع در همه نقاط کشور تصور نمایند.

به شما اخپوری ها، تانکیستها، استحکام چپها، توپچی ها و هوابازان شجاع خطاب مینمایم، دشمن باید مهارت محاروبی و قدرت ضربتی عالی شما را با گوشت، پوست و استخوان خود احساس نماید و از صحنه زنده گی مردم افغانستان برای ابد محو گردد.

قدرت اردوی ما در وحدت با مردم نهفته است. اردو از علاقه و پشتیبانی مردم برخوردار است بهترین فرزندان مردم سلاح در دست به خاطر آینده روشن و تابناک افغانستان مبارزه مینمایند. ما باید روز به روز این وحدت را مستحکم ترسازیم. مردم واردوی که متحداً به سوی هدف واحد به پیش میروند، شکست ناپذیرند. هریک از شما جوانان باید همیشه و به صورت پیگیر دوستی افغان و شوروی و همکاری محاروبی قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان را در دفاع از آزادی، استقلال و انقلاب با سربازان قطعات محدود قوتهای شوروی توسعه داده، این دوستی را مانند مردمک چشم محافظه و به این وسیله سهم شایسته یی را در امر تحکیم مزید این دوستی ادا نمایید.

رفقا!

در حال حاضر وظیفه مهمتر از نابودی هرچه زودتر و کاملتر نیروهای ضدانقلاب و فراهم ساختن شرایط صلح، آرامش و مهیا نمودن کار مسالمت آمیز به مردم زحمتکش افغانستان وجود ندارد.

زنده باد انقلاب شکوهمند ثور!

زنده باد حزب دموکراتیک خلق افغانستان رهبر و الهامبخش انقلاب ما، حزب پرافتخار ما، حزب واقعا قهرمانان و شهیدان راه نجات زحمتکشان افغانستان!

زنده باد دوستی جاویدان ه و خلل ناپذیر افغان شوروی!

زنده باد قوای مسلح قهرمان جمهوری دموکراتیک افغانستان این پاسدار صدیق و مدافع مطمئن انقلاب شکوهمند ثور، پاسدار صدیق و مدافع مطمئن آزادی و استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی افغان ها و کشور افغانها!

زنده و پیروز باد سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان همکار رزمنده حزب دموکراتیک خلق افغانستان در کارنامه های حماسه آفرین، قهرمانانه و وطنپرستانه تاریخی آن!

رفقا!

جوانان سر باز و قهرمان افغان! همه با حزب، با دولت با مردم خود با انقلاب خود

با تمام نیروهای خود بازوبه بازو و شانه به شانه محکم و فشرده به پیش به سوی
محوکامل و قاطعانه دشمنان انقلاب آزادیبخش زحمتکشان افغانستان!

راه پیش

تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق خاندوی افغانستان قهرمان و نمونه را در جمهوری دموکراتیک افغانستان خواهیم ساخت

بیانیه شفاهی هنگام توزیع مدالها برای افسران و سربازان خاندوی که از خود قهرمانی نشان

داده اند

۲۲ سنبله ۱۳۶۰

رفقا دوستان سرباز، منسوبین خاندوی قهرمان افغانستان انقلابی! نخست دروهای گرم و سلامهای رفیقانه کمیته مرکزی حزب پر افتخار ما ح. د.خ.ا، هیات رئیسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان و دروهای و شادباشهای خود را حضور شما رفقای قهرمان و فداکار وزارت داخله جمهوری دموکراتیک افغانستان تقدیم میدارم.

جای افتخار تمام است که شما منسوب به وزارت داخله نوین افغانستان استید. با اظهار تأسف، اگر به خاطرات غم انگیز وزارت داخله کهنه افغانستان مراجعه کنیم دیده میشود که مردم رنجکشیده افغانستان، چه شکنجه های طاقت فرسایی را از طرف وزارت داخله، زیر نام ژاندارم و پولیس، بخصوص بعد از استقرار سلطنت سلسله مستبد نادرشاه، کشیده اند.

ظلم و استبداد وزارت داخله دیروز، که به وسیله ژاندارم و پولیس، علاقه دارها، ولسوالها، والیان و تحت امر صدراعظم های خونخواری چون هاشم خان و دیگران بر مردم افغانستان تعمیل شده است، فراموش ناشدنی است. مردم کشور از ظلم عاملین زندانها و بازداشتگاه ها، در کوچه ها و بازار، در خانه، در ده، در شهر، مزارع و دفاتر، نه احساس مصئونیت شرف و زنده گی میکردند، نه میتوانستند مصئونیت ناموسی، ملکیت و آزادی داشته باشند. این خصوصیت وزارت داخله کهنه، خود يك لکه درشت ننگی بردامن طبقات حاکم ستمگر افغانستان بود. تا قبل از انقلاب ثور، به شمول دوره استبداد، ترور و اختناق «امین»، وزارت داخله افغانستان آله و وسیله شکنجه مردم بود. شرف، ناموس و آزادی مردم تحت پاشنه های آهنین وزارت داخله قرار داشت.

وزارت داخله کهنه، نه تنها حافظ و نگهبان منافع طبقات حاکم استعمارگر و ستمگر فیودالی، متنفذین مستبد محلی و سلاطین خونخوار مرتجع بود بلکه کارمندان آن خود جلادان سنگدلی برای زحمتکشان کشور بودند.

پس از مرحله نوین انقلاب ثور، اگر فردی از کارمندان وزارت داخله بدون درک عمیق وجدانی، بدون درک فجایع گذشته وزارت داخله بخواهد به میتود، محتوا و شکل قدیم وظایف خود را اجرا نماید متوجه باشد که در واقعیت امر، ادامه دهنده کار همان وزارت داخله ضد خلق و ضد دموکراسی باقی خواهد ماند. من ایمان راسخ دارم که چنین افرادی بعد از این در وزارت داخله جمهوری دموکراتیک افغانستان راه نخواهند داشت.

من اطمینان کامل دارم که تمام شما رفقای فداکار، شریف و وطنپرست، دست به دست هم داده، چنین کسانی را که تصادفی در وزارت داخله نوین ما باقی مانده باشند، و یا داخل شوند، از وزارت داخله بیرون خواهید ریخت.

دیگر در باره سوابق ننگین ماشین اداره دولتی کهنه کشور و بخصوص وزارت داخله آن نمی پردازم. وظیفه ارگانهای سیاسی وایدیالوژیک وزارت داخله جمهوری دموکراتیک افغانستان است که در این زمینه رساله ها تدوین نمایند و به پیشگاه مردم افغانستان ارائه دارند و در مقابل وزارت داخله نوین وزارت داخله جمهوری دموکراتیک افغانستان را که تحت رهبری ح. د. خ. ا، حزبی که عقل، شرف و وجدان ماس، حزبی که پیشاهنگ طبقه کارگر و زحمتکشان افغانستان است، کار می کند، به صورت نمونه مترقی و طراز نوین به پیشگاه زحمتکشان در نظر و عمل ثابت نمایند. وزارت داخله جمهوری دموکراتیک افغانستان تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان، حزب شهیدان، تحت رهبری حکومت جمهوری دموکرا-تیک، افغانستان، حکومت واقعاً دموکراتیک و انقلابی مردم ما، وظایف دموکراتیک، ملی و انقلابی خویش را نه تنها در نظر، بلکه در عمل و به صورت مشخص در سنگرها، کوچه ها و جاده ها به مردم کشور به انجام رسانند. خاندنوی باید با افتخار، چون سلاح نیرومند، در دست حزب و دولت باشد.

رفقای عزیز به مناسبت صحبت امروزی، القاب نظامی معمول وزارت داخله را مرور کردم، دیده میشود که ریشه این القاب در افعال «ساتل»، «چارل» و «سمول» پشتو نهفته است و «چارل» یعنی نظارت کردن و دیده بانی کردن و «خاندنوی، یعنی پیش قراولی که دیده بانی می کند، «ساتل، یعنی نگهبانی کردن و «سمول» یعنی تنظیم کردن و سازمان دادن. ببینید رفقا، که کلمات دارای مفهوم وسیع پشتو چگونه در القاب نظامی وزارت داخله وارد شده است، که فهم واقعی مفهوم هر کلمه کافی است که وظایف مقدس و عالی فرد، فرد کارمندان وزارت داخله ج.د.ا را صریح و روشن سازد.

دیروز، محتوای وظایفی که از معنای این کلمات متجلی بود به نفع طبقات ستمگر و استعمارگر، یعنی برای حفظ منافع سلاطین، اربابان فیودال، سرمایه داران و بیروکراتان فاسد آن دستگاه به کار برده میشد و این وظایف علیه توده های زحمتکش

مردم قرار می‌گرفت. ولی امروز، به برکت انقلاب ملی و دموکراتیک مان که در آن ح. د. خ. ا به مثابه پیشاهنگ طبقه کارگر و همه زحمتکشان میهن قدرت سیاسی را به دست دارد، خارندوی موظف به دیده بانی و نظارت از حفظ منافع و مصالح توده های میلیونی زحمتکشان است. بالاتر از این شرف و افتخار، برای انسان جامعه ما وجود ندارد که او در راه حفظ منافع توده ها زحمتکش وطن خود، به حیث يك انسان بیدار، دیده بان و نگهبان شجاع قرار داشته باشد.

همچنان این نیز افتخاری بزرگی است که خارندوی ما محافظ نیرومند، هوشیار و فداکار برای حفظ منافع و مصالح اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی توده های مردم کشور میباشد.

یکی از رهبران دوران انقلاب کبیر اکتوبر «درژنسکی» می گفت: قوای امنیتی کشور که خارندوی را هم احتوا می کند، باید مغز سرد، قلب گرم و دست پاک داشته باشد. مغز سرد یعنی، هوشیار، خردمند، بادرك سلیم برای درست و صحیح سازمان دادن و دشمن را درست تشخیص کردن. قلب گرم یعنی قلب انسانی، قلب باعاطفه، قالب و ظنپرست توأم با عشق به مردم و انقلاب. در شرایط کنونی جمعند این صفات در وفاداری به انقلاب و دستاوردهای آن، آماده گی برای دفاع از آن تحت رهبری و وفاداری به حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان منعکس است. برای خارندوی انقلابی، حکم مغز یعنی خرد و دانش، قلب و وجدان به مثابه دستور و فرمان است. لیکن در پهلوی مغز سرد و هوشیار و قلب گرم، باید دست پاک نیز داشت. در برابر فرد فرد اتباع کشور، در برابر یک گل و یک درخت میهن، در برابر ثروت های مادروطن و در برابر يك وجب خاک جمهوری دموکراتیک افغانستان نباید ذهن ما، قلب ما و دست ما ناپاک باشد. این است خصلت و ظنپرستانه و انقلابی که خارندوی طراز نوین ما باید آنرا دارا باشد.

اکنون ما بایک جنگ اعلان ناشده امپریالیزم در رأس امپریالیزم امریکا و ارتجاع منطقه باهمدستی هژمونیزم چین مواجه هستیم. علی الوصف اینکه ما سیاست صلحجویانه و نجیبانه را دنبال می کنیم، باز هم دشمنان انقلاب و وطن، به تحریکات و تجاوزات علیه انقلاب ما و دستاوردهای آن ادامه می‌دهند. اینجاست که امر بزرگتر و عظیمتر یعنی حفظ استقلال ملی، تمامیت ارضی و حاکمیت ملی ما مطرح می‌گردد. اینجاست که وظیفه سنگین خارندوی تبارزمی نماید، که وظیفه نه تنها دفاع از مصئونیت مردم زحمتکشی ماست؛ بلکه ما باید از شرف، ناموس و خاک مقدس خود دفاع کنیم.

امروز مبارزان و مدافعان انقلاب و میهن، مایه افتخار انقلاب ما جمهوری دموکراتیک افغانستان و حزب دموکراتیک خلق افغانستان اند. از آنجمله خارندوی که علی الرغم دشواریها، کجروی ها ناملایمات و کمبودی ها، باز هم قهرمانانه

وظایف خود را اجرا می کنند و از انقلاب و دستاوردهای آن دفاع می نمایند. در شرایطی که هر چه زودتر، سریعتر، قویتر و پرتوان تر باید بقایای تروریستها، باندیتها، قطاع الطریقان و آدمکشان را از کشور محو و نابود سازیم. بخش عمده وظایف به عهده کارمندان قوای قهرمان خاندوی ماست. همچنان یقین دارم که رفقا این مسئله را نیز درک کرده اند، که در شرایط کار صلح آمیز در کشور نیز، تأمین امنیت و مصئونیت کشور و مردم از دهات تا قریه ها و شهرها تا فابریکها و مزارع، به عهده خاندوی طراز نوین، خواهد بود. البته از کمکهای سازنده اتحاد شوروی بزرگی سپاسگزاریم، که یاری رسان ما در خدمت ما به مردم، در حفظ آزادی و استقلال و در دفاع از خاک مقدس ما و مصئونیت و امنیت کشور ما، بوده اند.

رفقا، کارمندان عزیز خاندوی ببینید، هموطنان ما که روزها سوی کار میروند و شبها برای استراحت به خانه بر میگردند و میخوابند، تأمین مصئونیت شان را چه کسی به عهده دارد؟ آنان با اطمینان به کی باید احساس مصئونیت نمایند؟ آنان فقط و فقط به اطمینان به خاندوی و وزارت داخله کشور، با آرامش زنده گی می کنند و احساس مصئونیت می نمایند. زهی بدبختی زهی بدبختی یک کشور، که وزارت داخله و خاندوی آن خواب باشد، یا خود ضد مردم باشد. دشمنان انقلاب چرا از لباس خاندوی برای مقاصد شوم و ننگین استفاده کرده به خانه های مردم جهت دستبرد به مال و جان آنها حمله می نمایند. واضح است: برای آنکه خاندوی به پیشگاه مردم بدنام و بی اعتماد گردد.

وقتی که خاندوی و وزارت داخله نزد مردم اعتماد خود را از دست میدهد، تأمین امنیت و مصئونیت مردم بینهایت مشکل میگردد و حتی شاید ناممکن شود تا حدی که باید نام و تشکیلات خاندوی و وزارت داخله را از تشکیلات کشور خارج ساخت.

این خاندوی است که هم در شرایط جنگ با ضدانقلاب و هم در شرایط کار صلح آمیز، وظیفه از بین بردن دزدان، شرارت پیشه گان و اوباشان را که شیرازه نظم جامعه را بر هم میزنند، به عهده دارد.

رفقا! توجه کنید که چه وظایف سنگین و بس مهم در برابر خاندوی قرار دارد. ولی دیده میشود که در زمینه وظایف، سهل انگاری هایی صورت میگیرد و جای امور جدی انقلابی را حرکت روی هوا، هوسها و آمال شخصی می گیرد و لباس مقدس خاندوی لکه دار میشود. رفقا، برای انسانهای که وجدان بیدار انقلابی داشته باشند، شما احساس کرده باشید که این امر چه درد سنگینی در بر دارد در این مسایل از لحاظ اخلاق و کرکتر خاندوی، امری مهم است. در پهلوی فراگیری ایدیولوژی طبقه کارگر، با بدسطح تربیت، شعور، درک سیاسی، شناخت منافع زحمتکشان و شناخت جامعه و وطن را بالا برد. خاندوی باید دارای شخصیت طراز عالی نسبت به تمام اتباع کشور، نسبت به تمام کارمندان حزبی و دولتی و هم خود دارای کرکتر

پاك ووالا باشد. انقلاب ما، زحمتكشان ما، دولت و حزب ما، چنین خاندوی را آرزومند است.

رفقا! آیا حاضرید چنین خاندوی را برای آینده به وجود آرید و رشد دهید؟ یقیناً حاضر استید علی الرغم میراث بدی که برای ما باقی مانده است، شما بخصوص پس از مرحله نوین انقلاب کارهای بزرگ قهرمانانه انجام داده اند. قهرمانیهای بزرگتر و فداکاری های زیادتر لازم است تا بتوان در قلوب و عقول مردم جای گرفت و این امر در طی سالها میسر میشود.

به صورت قطع اطمینان میدهم که تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان و به کمک دوستان ما، خاندوی قهرمان و نمونه را در ج. د.ا خواهیم ساخت.

رفقا، باهم به مثابه یک مشت آهنین، بادسیلین آهنین و آگاهانه با هوشیاری و پیگیری، پاك و نجیب، تحت درفش و رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان، دولت و حکومت ج. د.ا گام به گام در راه ایجاد افغانستان نوین، مترقی و شگوفان، افغانستان که دیگر در آن ستم و استثمار وجود نخواهد داشت، پیش میرویم و خاندوی ما در جهت خدمت به منافع حزب و انقلاب و در جهت حفظ وحدت پولادین حزبی خود قرار خواهد داشت.

افسران جوان و انقلابی ما نقش عمده‌ی بی در توده‌ی بی ساختن

اردوی قهرمان ما دارند

بیانیه در محفل تقویض دیپلوماها ومدالها برای فارغان موسسات تعلیمی نظامی

۱۷ عقرب ۱۳۶۰

رفقا، افسران و محصلان مبارز وجوان!

امروز در زندگی قوای مسلح پرافتخار ما، روز باشکوه وسرورانگیز است. مؤسسات تعلیمی نظامی ما، یک گروه کادرهای جدید افسران جوان و تحصیل کرده را به اردوی انقلابی وپرافتخار، اردوی آزادیبخش مردم افغانستان تقدیم مینماید.

برای من جای مسرت است که به نماینده گی از بیروی سیاسی کمیته مرکزی ح.د. خ. ا و هیات رئیسه شورای انقلابی و از جانب خود به مناسبت موفقیت های شما در امر به سر رسانیدن پیروزمندانه تحصیلات عسکری از صمیم قلب تبریک و شادباش گفته موفقیت های بیشتر شما را در خدمت پرافتخار عسکری تان آرزو کنم.

رفقای دوستان گرامی!

شما در لحظه حساس تاریخی در صف فعالترین وفادار ترین مدافعین انقلاب پرافتخار ثور جاهای خودرا خواهید گرفت. وظیفه مبارزه مسلحانه برضد دشمنان انقلاب، نابودی کامل باندهای عناصر ضدانقلاب، اشرار وایجاد شرایط صلح آمیز برای کار خلاق مردم افغانستان از همه چیز مهمتر است.

اگر تاریخ به قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان نقش قاطعی در این امر مقدس سپرده است، پس واضح وروشن است که وظیفه افسر چنین اردوی انقلابی به چه اندازه عظیم وپرافتخار میباشد وچه مکلفیتهای پر مسؤولیت به دوش شما دوستان عزیز محول شده است.

جای مسرت وخوشی است که جشن افسران جوان که به طور عنعنوی از آن همه ساله تجلیل مینمایم، امسال با جشن بزرگ تمام زحمتکشان جهان یعنی تجلیل از شصت وچهارمین سالگرد انقلاب سوسیالیستی اکتوبر مصادف شده است.

اجازه دهید که به نماینده گی از شما رفقای عزیز که در این تالار باشکوه حضور دارید، به دوستان شوروی ما تبریکات گرم وصمیمانه را تقدیم نموده به نماینده گان دوست کبیر وصمیمی ما اتحاد جماهیر شوروی، وطن اکتوبر کبیر، وطن رهبر

پرنیو غ آن ولادیمیر ایلیچ لنین، احساسات عظیم، محبت و احترام بی پایان را ابراز
بدارم.

اکتوبر کبیر، آغاز عصر جدید تاریخ بشریت و عصر تجدید انقلابی تمام جهان را
بنیان گذاشت. اگر چه این مدت از نگاه تاریخ کوتاه است، لیکن به طور واضح و
آشکار نیروی حیاتی عظیم اندیشه های انقلابی را که بر مردم جهان نفوذ کرده است،
به اثبات رساند. برای مردم قهرمان افغانستان، اهمیت اکتوبر نه تنها در آن است که
برای ما سیر پیکار و مبارزه، راه آینده تابناک را روشن ساخته است، بلکه اکتوبر
کبیر به طور قانع کننده نشان داد: مردمی که از یوغ و زنجیر اسارت نجات یافته،
شکست ناپذیر است.

دشمنان افغانستان آزاد باید بدانند که تمام دسایس خصم آلود و توطئه های شان نقش
بر آب گردیده و انقلاب پر افتخار ثور ما شکست ناپذیر است.

علی الرغم مقابله سر سختانه دشمنان طبقاتی ما، سال چهارم است که کشور ما، به
طور پیگیر زنده گی نوین را اعمار مینماید. زحمتکشان جمهوری دموکراتیک
افغانستان تحت رهبری پیشاهنگ خود یعنی حزب دموکراتیک خلق افغانستان به
موفقیت های چشمگیر در حل وظایف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نایل آمده اند. در
دشواری ترین شرایط وضع داخلی و بین المللی، نظر به خط مشی تعیین شده از طرف
حزب و دولت، اقتصاد ملی کشور بسط و توسعه مییابد.

اصلاحات ارضی دموکراتیک دوام دارد. حقوق و معاش بسیاری از کارگران و
ماموران افزایش یافته است، پایه و اساس اجتماعی انقلاب مستحکمتر گردیده و رو
به تکامل است. متحد شدن نیروهای مترقی و وطنپرست تمام ملیت ها، اقوام و قبیایل
به دور حزب دموکراتیک خلق افغانستان در چارچوب جبهه ملی پدروطن جریان
دارد حیثیت و اعتبار جمهوری دموکراتیک افغانستان در صحنه بین المللی از دیداد
مییابد.

با اطمینان کامل میتوان گفت که سیاست داخلی و خارجی حزب دموکراتیک خلق
افغانستان مورد قبول و پشتیبانی گرم قشرهای وسیع کارگران، دهقانان، روشنفکران،
روحانیون، تاجران و وطندوست، کوچی ها و تمام ملیت ها، اقوام و قبیایل افغانستان
عزیز ما گردیده است. در عین زمان این سالها، سالهای سرشار از مبارزه سرسخت
در امر دفاع از دستاوردهای انقلاب ثور بوده است.

نیروهای وطنپرست کشور و تمام مردم زحمتکش ما، در مقابل اعمال تجاوزگرانه
عناصر ضدانقلاب که از طرف امپریالیزم امریکا و تمام نیروهای ارتجاعی منطقه
و جهان حمایت میشوند، به خاطر جنگ انقلابی به پا خاسته اند. در این مبارزه
مسلحانه، حقیقت تاریخی به طرف مردم ماست. این مبارزه عادلانه ما مورد پشتیبانی

وسیع تمام نیروهای مترقی جهان قرار گرفته است. هرچند که دشمنان و تخریبکاران انقلاب به صورت جنون آمیز به هیجان آمده اند، باز هم موفقیت و پیروزی کامل و نهایی ما حتمی است.

میخواهم خاطر نشان سازم که در مبارزه مسلحانه مردم ما علیه دشمنان انقلاب، نقش قاطع به عهده قوای مسلح قهرمان ماست. آنها با افتخار نام عظیم اردوی انقلابی را به اثبات رسانیده و به موفقیت های بیشتر و بیشتر، نایل گردیده اند. با عملیات فعال محاروبی قطعات و جزو تانک های بزرگ اردو به دشمنان ضربات قابل ملاحظه وارد شده و باندهای بیشمار اشرا را از بین برده شده است. عناصر ضدانقلاب جای پای خود را از دست داده اند. آنها مجبور به تغییر تکتیک و مانور شده اند، در بین اهالی پنهان میشوند، مگر بسیاری از باندهای اشرا مقاومت خود را بیهوده دانسته با درک ضعف خود، سلاح خود را به ارگانهای دولتی تسلیم مینمایند. بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب، هیات رئیسه شورای انقلابی و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان سهم قوای مسلح را در حل و وظایف دفاع از انقلاب به طور عالی ارزیابی میکنند. سربازان خردضابطان و افسران مادر مبارزه علیه دشمنان از خود شجاعت و قهرمانی نشان میدهند.

بیش از یک هزار از منسوبین اردو به اخذ مدالهای عالی دولتی نایل شده اند. برای من جای مسرت است یادآور شوم که بسیاری از افسران فارغ التحصیل ماه حمل سال جاری موفق به اخذ مدال شده اند و افسران جوانی که در این تالار باشکوه حضور دارند، در دوره تحصیلات خود، آن وقت که شرایط ایجاب کرده اسلحه به دست، دلیرانه در مقابل اشرا رزمیدهند.

در این مبارزه برحق و فدا کارانه، بسیاری از سربازان و افسران، به نام سعادت و خوشبختی آینده مردم ما، سعادت و خوشبختی نسلهای آینده افغانستان از نیرو و حتی از جان شیرین خویش دریغ نورزیده اند، افتخار به قهرمانان و مدافعان شجاع انقلاب!

مردم قدر شناس و نسل جوان ماهیچگاه قهرمانی های آنان را فرامونخواهند کرد.

رفقا! باوجود موفقیت های بی پایان در امر مبارزه با عناصر ضدانقلاب، وضع در کشور به حالت وخیم تا کنون باقی مانده است. دشمن هنوز به صورت کامل از بین نرفته است، علاوه بر نیروهای امپریالیستی جهان و ارتجاع که در رأس آن ایالات متحده امریکا، چین، پاکستان، ایران، مصر، عربستان سعودی و دیگر رژیم های ارتجاعی قرار دارند، کمک های خود را به دشمنان مردم ما زیاد ترساخته اند. آنها به صورت بیشمارانه و به پیمانه وسیع دشمنان ما را با اسلحه مدرن و جدید تسلیح نموده، در اردوگاه های متعدد، باندهای مزدوران جدید را تربیه کرده به سرزمین مقدس ما میفرستند. این نابکاران در خاک مقدس ما اعمال وحشیانه را انجام داده، پیران و کودکان ما را به قتل رسانیده، شفاخانه ها و مکاتب را آتش زده و به اقتصاد ملی

خسارات بیشمار وارد آورده اند. باید به جنایات خون آشام دشمن خاتمه داد. هیچیک وطنپرست صادق وطن ما نباید که با اعمال وحشیانه این آدمکشان و دزدان سابقه دار که مزدوران اجیر امپریالیزم بوده مانع اعمار زنده گی باسعادت ما میشوند، این اواخر یک سلسله تدابیر بس بزرگ سیاسی اتخاذ کرده است. شورای دفاع جمهوری دموکراتیک افغانستان که دارای اختیارات عام و تام است، به مقصد بسیج کلیه نیروهای جمهوری دموکراتیک افغانستان غرض سرکوبی قاطعانه عناصر ضد انقلاب تأسیس شده است. وظایف تشدید مبارزه علیه عناصر ضدانقلاب در جلسه فعالین حزبی حزب دموکراتیک خلق افغانستان مورد بحث و پشتیبانی عام و تام قرار گرفته و برای تطبیق بلانحراف آن، از طرف تمام سازمانهای حزبی، ملکی و نظامی تصمیم لازم اتخاذ شده است. در کمیته مرکزی حزب ما ملاقات پراهمیت و مهم با هیات های اداری، قوماندانان و کارکنان سیاسی اردو، خاد، خاندوی، آمرین زونها، منشی های کمیته های حزبی ولایتی، والی ها و کارکنان سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان در قوای مسلح صورت گرفته است.

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان توجه خاصی و مواظبت دایمی نسبت به اردوی ما منحصراً نیروی اصلی در مبارزه علیه دشمنان انقلاب ثور میبذول میدارد و به برکت کمک اتحاد شوروی، اردوی ما با اسلحه و تخنیک محاروبی مدرن و عصری مجهز شده و میشود. به طور دوامدار نقش و نفوذ سازمانهای حزبی و سازمانهای سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان در اردو افزایش یافته است. در بین افسران، خردسایبان و سربازان تعداد اعضای آزمایشی و اصلی حزب دموکراتیک خلق افغانستان زیاد میگردد و کارهای عظیم جهت پخته گی ایدیولوژیکی پرسونل و محو بیسوادی جریان دارد. یک سلسله اقدامات مهم جهت بلند بردن حیثیت کادرهای افسران و تأمینات مادی آنها اتخاذ شده است و تقریباً سوم حصه افسران به ترفیع نوبتی خویش نایل شده در حدود پنج صد نفر که تعداد بیشتر شان افسران جوان استند به صورت فوق العاده ترفیع کرده اند.

سهیمه توزیع زمین به افسران و فامیلهای شان محدود نگردیده، زمین و آب به نوبت اول به کسانی داده میشود که علیه دشمنان میروند.

امید بزرگ مردم، حزب و دولت ما به افسران بوده، کارهای بازهم مؤثرتر و فعالتر کادرهای افسران را انتظار دارند. یکی از مقتضیات مهم امروزی ما که کادرهای افسران در آن نقش عمده دارند عبارت از تأسیس اردوی توده یی است که در مفهوم عام آن باید ماهیتاً مردمی عصری، خوب تعلیم و تربیه دیده و دارای قابلیت محاروبی عالی باشد.

قبل از همه لازم است که اردو طبق تشکیل اکمال شده تعلیم و تربیه عالی، سیاسی و محاروبی که به ایجابات پیشبرد عملیات محاروبی موفقانه جواب بدهد، ترتیب و تنظیم یابد. و از همه زیادتیر متوجه تعلیم و تربیه سیاسی و محاروبی مجلوبین جدید احتیاط گردیده، کوشش شود که از جمله سربازان و خردضابطان که امسال ترخیص میشوند، تعداد زیاد شان داوطلبانه ادامه خدمت را قبول نمایند و از فرار سربازان جداً جلوگیری به عمل آید.

منافع دفاع از دستاوردهای انقلاب ما، خواستار ارتقای همه جانبه و مؤثر پیشبرد عملیات محاروبی علیه باندهای ضدانقلاب میباشد.

حزب و دولت اعتقاد کامل دارد که کادرهای افسران از خودابتکار و فعالیت بیشتر نشان داده و تمام معلومات عسکری و تجارب عملی خویش را متوجه پیشبرد عملیات محاروبی باز هم مؤثرتر و نابودی هرچه زودتر باندها و عناصر ضدانقلاب در هر محل و زمانی که پیدا شوند، میسازند.

در شرایط کنونی، مسدود کردن سرحدات جمهوری دموکراتیک افغانستان با پاکستان و ایران نقش عظیمی را داراست، زیرا دشمنان انقلاب ثور از ناتوانی و عدم موجودیت تجارب قوای سرحدی ما سوء استفاده نموده بدون هیچ نوع ممانعت از سرحدات ما باندهای مسلح و کاروان های اسلحه و مرمی عبور کرده و بقایای باندهای اشراک شکست خورده به مقصد نجات جان خود از محو و نابودی کامل، دوباره به خارج میروند.

وظیفه پرافتخار و مقدس ما، عبارت از تبدیل قوای سرحدی به نیروی قاطع و مطمئن و مدافع شجاع سرحدات جمهوری دموکراتیک افغانستان میباشد. شرط حتمی بلند بردن قابلیت محاروبی اردو و نابودی کامل عناصر ضدانقلاب، عبارت از تأمین وحدت و یکپارچه گی سازمانهای حزبی در اردوست.

افسرانی که اعضای اصلی و آزمایشی حزب دموکراتیک خلق افغانستان میباشند، موظف اند در صف اول مبارزه تأمین وحدت حزب دموکراتیک خلق افغانستان علیه فرکسیونبازی و گروپ بندی قرار بگیرند. البته غیرحزبی های نظامی ما داوطلبانه اعضای جبهه ملی پدروطن محسوب میگردند.

رفقای عزیز! لازم میدانم که در زمینه وحدت ارگانیک و واقعی حزب دموکراتیک خلق افغانستان چند حرفی علاوه کنم:

از اینجا و آنجا بعضی از رفقا ناآگاهانه، در حقیقت امر، فریب تبلیغات دشمنان را که از رادیو های خارج صورت میگیرد، میخورند. اینجاست که باید رفقای جوان ما، خون تازه اردوی ما، متوجه امر بینهایت عظیم و سهمگینی در زمینه وحدت اردوی افغانستان، تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان، تحت رهبری دولت و

حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان در پیوند با مردم باشند و باید وحدت اصیل خود را، وحدت واقعی خود را، تأمین نمایند.

طوری‌که حفیظ الله امین ناامین میگفت که وحدت ما تاکتیکی است، نه، بلکه اکنون باید تمام رفقا این اصل را درک و تشخیص بدهند که وحدت، اصل اساسی، قانون اساسی، همیشه گی و جاودانی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، پیشاهنگ طبقه کارگر و تمام زحمتکشان افغانستان به شمار میرود.

رفقا! کسانی‌که وحدت را به مثابه تاکتیک تلقی میکنند، جای شان همانجایی است که امین و امینی ها قرار گرفته اند.

رفقا من با تمام مسؤولیت، به پیشگاه شما اعلام میدارم که پروسه وحدت ارگانیک حزب دموکراتیک خلق افغانستان گام به گام با متانت و با اطمینان کامل به پیش میرود و پرورش، رشد و تکامل خود را درست و اصولی طی مینماید.

چهار اصل وحدت در حزب ما روز به روز رشد و تکامل عالی مینماید:

وحدت ایدیولوژیکی ما، یعنی وحدت از لحاظ تئوری مترقی و تیوری انقلابی، رفقا، آیا کسی درینجا پیدا میشود یا در خارج ازین تالار که با تیوری انقلابی و ایدیولوژی طبقه کارگری به حزب طراز نوین، موافقت نداشته باشد و تا اکنون ما چنین صدایی را نشنیده ایم، پس وحدت ایدیولوژیکی حزب ما برقرار و مستقر است.

اصل دوم، وحدت سیاسی و معنی وحدت در خط مشی جاری و خط مشی عمومی، یعنی وحدت از لحاظ تکنیک و استراتیژی، تا کنون هیچکس در حزب پیدا نشده که از لحاظ خط مشی سیاسی حزب دموکراتیک خلق افغانستان مخالفت خود را رسماً یا شفاهی در جلسات حزبی انتقال داده باشد، لهدا ما می بینیم که وحدت سیاسی موجود است، یعنی وحدت از لحاظ تکنیک و استراتیژی، یعنی خط مشی سیاسی جاری و عمومی کاملاً در وحدت است.

- اصل دیگر وحدت سازمانی است. ما به خوبی می بینیم که تمام رفقای ما اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان فعالانه در سازمانهای اولیه خود اشتراک می ورزند، و از تصامیم و فیصله های مقامات بالایی حزب اطاعت می کنند، همچنان به این ترتیب به ملاحظه میرسد که وحدت سازمانی در حزب پروسه تکامل خود را درک و اصولاً تعقیب می نماید.

همچنان وحدت رهبری، من به پیشگاه رفقا، بعد از مرحله نوین تکامل انقلاب ثور ابلاغ میدارم که تمام فیصله ها، تمام تصاویب، در پلینوم های کمیته مرکزی و چه در بیروی سیاسی، چه در دارالانشا چه در هیات رئیسه و شورای انقلابی، چه در شورای وزیران، به اتفاق آراء تصویب، حل و فصل گردیده است .

به این ترتیب با وضاحت دیده میشود که وحدت حزب دموکراتیک خلق افغانستان در عرصه نظامی و ملکی پروسه واقعی، ارگانیک، اصولی و لنینی خود را طی مینماید. ولی اینجا و آنجا بنابر نفوذ دشمن، و بنابر شرایط عینی عقب مانده گی جامعه، که هنوز شرایط فیودالی و ماقبل فیودالی بر روحیه اش نفوذ دارد، بعضی از عناصر در داخل حزب پیدا میشوند که انضباط و دیسپلین حزبی را رعایت نمی کنند و دست به خرده گیری، خرده کاری و محفل بازی می زنند.

حزب آگاه است. رهبری تمام این عناصر را می شناسد ولیکن موقتاً بنابر اصولیت برای چنین اشخاص مجال و فرصت داده میشود که خود را تجدید تربیت نمایند. خود را تصحیح کنند در غیر آن با شهپر نیرومند حزب ما از عرصه زنده گی سیاسی خارج خواهند شد.

به این ترتیب کسانی که به وحدت حزب دموکراتیک خلق افغانستان جفا می کنند، آگاهانه و یا ناآگاهانه خیانت می کنند و اینها در پیشگاه مادروطن غیر قابل عفو هستند، لذا اول وحدت حزب دموکراتیک خلق افغانستان، هم در عرصه نظامی و ملکی و هم بسیج تمام نیروهای متحد در جبهه ملی پدروطن، با قدرت و اتکای اردوی قهرمان افغانستان، در پیوند نزدیک با توده های مردم برای محو و نابودی کامل ضدانقلاب و اشرا و باندهای صادر شده از خارج، اینست راه ما!

هرگاه فرزندان افغان این اصل را تماماً به صورت دیالکتیکی پیوند ندهند و به خرده کاری و خرده گیری دست بزنند و به خود خواهی ها و جاه طلبی ها و مقامپرستی ها بپردازند این امر دیگر برای رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان قابل تحمل بوده نمیتواند

رفقا، دوستان!

دوستی و همکاری برادرانه با اتحاد شوروی کبیر ضامن پیروزی انقلاب ثور میباشد. این اصل را هم به موازات وحدت حزب، بسط و توسعه جبهه ملی پدروطن، وحدت اردوی قهرمان افغانستان، با انضباط آهنین، تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان، همه با دوستی برادرانه با اتحاد شوروی، ناگسستی است.

مردم ما از کمکهای انترناسیونالیستی و بیغرضانه قطعات محدود اتحاد شوروی در امر دفع دشمنان افغانستان به طور شایان، قدردانی مینمایند. وظیفه ملی و بین المللی تمام افسران است که این دوستی را حفظ کنند. همبستگی محاروبی قوت های افغان شوروی را تحکیم بخشند و تمام پرسونل اردو را با روحیه وطنپرستی و انترناسیونالیستی، برادری تمام اقوام و ملیتها و قبایل جمهوری دموکراتیک افغانستان و وفاداری به دوستی افغان شوروی، پرورش نمایند. موفقیت در جنگ انقلابی بدون سرباز مبتکر و آگاه امکان پذیر نیست.

به این سبب یکی از مهم ترین وظایف افسران آن است که رزمنده گان وفادار در راه سعادت و خوشبختی مردم و مدافعان فعال و آگاه را برای دفاع از دستاوردهای انقلاب تربیه و پرورش نمایند. و همچنان لازم است که خردضابطان و سربازان را بارو حیه انزجار و نفرت عمیق نسبت به دشمنان تربیه نموده به دشمنان طبقاتی رحم نکنند.

زمان ایجاب مینماید که هر سرباز، خرد ضابط و افسر بارو حیه عالی و فعالانه انقلابی دارای دسیلین متین و اطاعت کامل باشد.

ما باید با روحیه انقلابی کار کنیم. همه چیز برای نابودی دشمنان است. اینست دستور، حکم و مقتضیات زمان ما!

رفقای گرامی، افسران، فارغ التحصیلان عزیز!

در پوهنتون های عسکری، شما معلومات سیاسی عسکری، مسلکی و پخته گی ایدیولوژیکی را کسب نموده اید، اما فعلا خود زنده گی، قهرمانی های روزمره اردوی ما و کارهای محاروبی آن، معلم اصلی و ممتحن سختگیر شما میباشد. هر یک از شما به وظیفه مشخص قوماندانی سیاسی و تخنیکی تعیین میشود. در هر جایی که خدمت می نمایید در هر شرایطی که قرار میگیرید، باید همیشه به خاطر داشته باشید که شما مربوط به سپاه افسران اردوی انقلابی جدید که هدف یگانه آن دفاع از منافع مردم زحمتکش است، میباشید و خود خصلت چنین اردو خصوصیت عالی مسلکی و سیاسی را که هر یک از شما داشته باشد، تعیین مینماید.

شما باید در عمل انتقال دهنده گان سیاست حزب در اردو شوید! به طور مصرانه سعی نمایید تا در جزو تاهای شما جمعیت های واحد و یکپارچه تأسیس شود که در هر نوع وضع جهت امحای باند های ضدانقلاب قادر به اجرای وظایف محاروبی باشد.

میخواهم خاطر نشان سازم که مهمترین فعالیت افسران، کار با پرسونل است. افسرانی که دارای پخته گی ایدیولوژیکی و دارای وفاداری بی پایان به حزب و مردم بوده به طور ماهرانه از تخنیک محاروبی استفاده مینمایند و موفقیت در هر نوع عمل را به دست میاورند. هیچگاه این امر را فراموش نکنید که باید آمترین سختگیر و دلسوز باشید. دایماً به ضروریات و خواست های مادونان خویش توجه و مواظبت نمایید. نزدیکی و احترام به شخص سرباز باید نیاز طبیعی هر یک از شما باشد.

شدت مبارزه مسلحانه، اسلوب و میتو دهای ابلیسانه یی که دشمن از آن استفاده مینماید و خواستار آنست که بر معلومات نظامی تخنیکی موجوده خویش قناعت نکرده آنرا هر لحظه بسط و توسعه بخشید. لازم است تا به طور کامل از نیرو و قدرت سلاح خود استفاده کرده و عملیات محاروبی را به طور ماهرانه سوق و اداره نموده، دشمنان را حتماً از بین ببرید. همیشه به خاطر داشته باشید که موفقیت ها در مبارزه علیه

دشمنان زمانی امکان پذیر است که شما دارای اراده متین، نیروی ابتکار، استقلال داورى، دسپلين عالی شخصی، اطاعت، دلاوری، جدیت، شجاعت و قهرمانی بی پایان در محاربه باشید. من اطمینان کامل دارم که هر یک از شما روز به روز این خصوصیات فوق العاده عالی را به طور مؤثر توسعه و تحکیم خواهید داد. افتخار انقلابی، شایسته گی افسر اردوی طراز نوین را باید به طور عالی حفظ کرد، اجرای وظیفه عسکری را مقدس شمرد.

رفقا!

فارغ شدن از پوهنتون عسکری، نه تنها رویداد مجلل و پرافتخار برای فارغ التحصیلان است، بلکه برای قوماندانان و کارکنان سیاسی، هیات محصلان و استادان و مؤسسات عسکری نیز میباشد. آنها برای شما نه تنها معلومات خود را بلکه برای هر يك شما دل و جان خود را داده اند و همچنان برای آموزش و آگاهی طبقاتی و ایمان راسخ به آرمان های انقلاب ثور، کار عظیمی انجام داده اند. اجازه دهید، از طرف شما، به نماینده گی از کمیته مرکزی حزب ما و شورای انقلابی به معلمان و استادان شما نسبت فراغت گروه جدید افسران تبریک گفته از کار نجیبانه و افتخارآمیز شان از صمیم قلب تشکر کنم.

هیچ تردیدی نیست که آنها در آینده هم کیفیت پروسه تعلیمی و آموزشی را ارتقا داده به طور مصرانه خصوصیات محاربوی مورال عالی افسران آینده اردوی قهرمان ما را تکمیل مینمایند.

در حالیکه شما را به راه نیک مشایعت میکنم، اجازه دهید که با اطمینان کامل ابراز بدارم که شما فارغ التحصیلان پوهنتون های عسکری و بنوونخی عسکری، با افتخار اعتماد کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و مردم قهرمان افغان را با خود دارید. لذا باید مقام شایسته یی را در صف عسکری اخذ نمایید و سهم قابل ملاحظه یی را در امر ارتقای احضارات محاربوی قوای مسلح پر افتخار ما جهت نابودی سریع عناصر ضدانقلاب بگیرید.

به آرزوی موفقیت های بزرگ و سعادت شخصی تان!
زنده باد انقلاب پرافتخار ثورو حزب دموکراتیک خلق افغانستان این نیروی رهبری کننده و الهامبخش آن!

زنده باد دوستی خلل ناپذیر و جاودان افغان شوروی!
زنده باد قوای مسلح قهرمان ج. د.ا این پاسدار و فادار و مدافع مطمئن و شجاع انقلاب ثور!

رفقا، دوستان همه یکجا دست به دست، به پیش در راه نابودی قاطع و کامل عناصر ضدانقلاب!

مردم ما، سازمان همبستگی خلقهای آسیا و آفریقا را مظهر اتحاد تمام جنبش های انقلابی و رهایی بخش این قاره میدانند

بیانیه هنگام افتتاح دهمین اجلاس هیات رئیسه سازمان همبستگی خلقهای آسیا و آفریقا در

کابل

۲۷ عقرب ۱۳۶۰

مهمانان گرامی، دوستان، نماینده گان محترم و رفقای عزیز!

مقدم بر همه، اجازه دهید ورود شما نماینده گان پر اعتبار مبارز در راه صلح، ترقی اجتماعی، آزادی، عدالت و حقوق بشری را که به خاطر ابراز همبستگی پیکارجویانه باافغانستان انقلابی که هم اکنون آماج ننگین ترین دسایس تجاوزات و مداخلات مسلحانه امپریالیزم و شوونیزم قرار دارد به وطن انقلابی را به نمایندگی از کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، شورای انقلابی و مردم افغانستان و از طرف خود شادباش بگویم و گرم ترین دروهای انقلابی رابه همبستگی تقدیم بدارم.

زحمتکشان افغانستان انقلابی به کار این کنفرانس که نمودار همبستگی پایدار خلقهای برادر با مردم ما در مبارزه آن علیه جنگ اعلان ناشد امپریالیزم بین المللی به سرکردگی امپریالیزم جهانخوار ایالات متحده امریکا، هژمونیت های خاین چین، ارتجاع عرب و منطقه، به خاطر صیانت از تمامیت ارضی، استقلال و حاکمیت ملی کشور ما می باشد، به دیده قدر نگریسته ایمان کامل دارند که این کنفرانس ضربه گیج کننده پی دیگری به امپریالیزم هار ایالات متحده امریکا، رهبران چین مائویست، ارتجاع منطقه و ارتجاع عرب وارد خواهد نمود.

جنگ اعلان ناشده ارتجاع و امپریالیزم علیه افغانستان دموکراتیک و انقلابی پک پدیده مجرد نبوده، بلکه بخشی از تهاجم وسیع امپریالیزم بین المللی علیه نیروهای صلح و ترقی اجتماعی جهان است. کلید پیروزی در این نبرد عظیم تاریخی فقط و فقط تحکیم و توسعه هرچه بیشتر همبستگی رزمجویانه سه نیروی انقلابی دوران ما، سیستم جهانی سوسیالیزم، جنبش نجاتبخشی طبقه کارگر کشورهای سرمایه داری و جنبش های رهایی بخش ملی در سراسر جهان به انکای مبارزه دلیرانه مردم قهرمان کشور ما به خاطر آزادی، سعادت و بهروزی توده های مردم میباشد.

سازمان همبستگی خلق های آسیا و آفریقا که امروز جهت پشتیبانی از مبارزه برحق مردم ما در کابل، مرکز کشور انقلابی ما به تذکار بیستین سالگرد ایجاد جنبش عدم

انسلاک، گردهمایی کنونی را تشکیل داده است، از آغاز فعالیت خود در دفاع از مبارزه خلقهای مظلوم برای رهایی از سلطه خونین استعماری قرار داشته و به مبارزه کشورهای جوانی که به کسب استقلال سیاسی نایل گردیده اند، کمک نموده است.

زحمتکشان افغانستان انقلابی سهم بزرگی سازمان همبستگی خلقهای آسیا و آفریقا را در تحکیم، توسعه و گسترش پیوندهای پیکارجویانه میان جنبش های آزادیبخش ملی و جنبش عدم انسلاک با کشورهای سوسیالیستی ارج گذاشته بر آن است که این جنبش همبستگی نوع بخصوصی از همکاری و تأثیر متقابل سه نیروی انقلابی عصر ماست که در پیشاپیش آن سیستم جهانی سوسیالیزم و در صدر اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی قرار دارد.

تناسب نیروهای طبقاتی در عرصه بین المللی به طور روزافزون به سود تعمیق دیتانت، صلح، دموکراسی، ترقی اجتماعی و سوسیالیزم و به زیان جنگ و امپریالیزم، راسیزم، آپارتاید، فاشیزم و صهیونیزم در تغییر است. امپریالیزم ایالات متحده آمریکا با اینکه باشکست های شدیدی روبرو روگردیده است از خط مشی ماجراجویانه ضد صلح و روگردان نیست. امپریالیزم آمریکا با برنامه های نظامی تولید اسلحه نیوترونی و طرح جنگ هستوی محدود در قاره اروپا که اخیراً ریگن رئیس جمهور این کشور پیرامون آن تذکراتی داد، تروریزم بین المللی، تدارکات و آماده گی های نظامی، مسابقه لجام گسیخته تسلیحاتی و سیاست احیای جنگ سرد که در اثر آن پیچیده گی ها و تشنجاتی در مناسبات بین المللی پدید آمده است نگرانی جدی تمام نیروهای صلح دوست جهان را بر انگیزخته است. اما از برکت سیاست صلح اتحاد شوروی، سیاستی که با ماهیت جامعه سوسیالیستی پیوند ارگانیک دارد، نقشه های امپریالیزم نقش بر آب گردیده و برطرف کردن و دورساختن فاجعه خطر يك جنگ هستوی و تثبیت استوار اصول همزیستی مسالمت آمیز در مناسبات بین المللی به پیمانیه زیاد پیروز گردیده است.

دوستان عزیز، رفقا!

امپریالیزم ایالات متحده آمریکا و کلیه نیروهای هار ارتجاع بین المللی و هژمونیت های پیکنگ از بدو پیروزی انقلاب ملی و دموکراتیک ضد فیودالی و ضد امپریالیستی ثور و بخصوص مرحله نوین تکاملی آن با تلاش های مذبحخانه در راه پیشرفت اقتصاد اجتماعی کشور ما سنگ اندازی نموده و با سازمان دادن و ایجاد اردوگاههای آموزش جنگی و تربیه اجبران مزدور ضدانقلابی افغانستان در سرزمین پاکستان که این کشور به مثابه تخته خیز تجاوز و مداخله نظامی امپریالیزم بین المللی علیه کشورها عمل میکند، سبوتاژ و تخریب را به راه میان دازند. اما علی الرغم تمام دسایس بی شرمانه امپریالیزم و هژمونیزم، مردم ما در راه ساختمان جامعه نوین

به کار و پیکار انسانی خویش ادامه می‌دهند. هم اکنون رشته های اقتصاد ملی کشور به صورت هماهنگ رشد میکند، کار تولید بسیاری از رشته های صنایع که به کمک برادرانه کشورهای سوسیالیستی اعمار گردیده اطمینان بخش است. به همین ترتیب آهنگ رشد تولیدات زراعتی يك میزان قابل ملاحظه رشد را نشان می‌دهد.

پروژه اجرای وظایف عمومی انقلاب ملی و دموکراتیک ما در مرحله کنونی بخصوص با تحقق اصلاحات ارضی که هم اکنون وارد دومین مرحله خود گردیده باعث تحکیم پایه های اقتصاد ملی و بالابردن ارتقای سطح زنده گی زحمتکشان متناسب به قوانین تکامل اجتماعی گردیده است. جمع بندی کار خلاقه پرتلاش و خستگی ناپذیر که حزب دولت انقلابی ما در عرصه رشد اجتماعی و اقتصادی انجام داده است و طرح و تدوین پلان های انکشافی نشان می دهد که اثرات عظیم کمک های انتر ناسیونالیستی و بی شایبه کشور بزرگ شوراهای در آن برجسته می‌باشد.

از برکت سیاست خردمندان و سنجیده حزب دموکراتیک خلق افغانستان یعنی حزب طبقه کارگر و همه زحمتکشان افغانستان اطمینان و اعتقاد زحمتکشان کشور به انقلاب به صورت روز افزون بارور می‌گردد. درین میان برگشت هزاران هموطن عذاب دیده ما به وطن انقلابی شان نمودار منطقی وضع است. یکی از دستاوردهای بزرگ کار خستگی ناپذیر حزب و دولت انقلابی ما توسعه پایگاه های اجتماعی انقلاب ملی و دموکراتیک افغانستان است که در وجود جبهه ملی پدر وطن تجسم مادی یافته و به صورت مستدام دامنه و گسترش بیسابقه می یابد. پیامد منطقی مساعی حزب و دولت در مجموع جامعه ما همانا تأمین قانونیت دموکراتیک و انقلابی در کشور ماست.

دوستان عزیز و رفقا!

اقدامات پیروزمندان کنونی ما در جهت اعتلای اقتصادی و اجتماعی به عنصر پر اهمیت استحکام تشکیلاتی و ایدیولوژیک حزب ما ارتباط منطقی دارد. حزب ما از لحاظ استحکام سازمانی به یک حزب رزمنده و بانضباط مبدل گردیده است. در دوران های دشوار نبرد انقلابی که تا کنون حزب ما از سرگذشتانده است، همه اعضای حزب به خوبی پخته گی سیاسی، آبدیده گی انقلابی، وفاداری به آرمان حزب و وطنپرستی را از خود تبارز داده اند. اعضای حزب ما بادرک دقیق از شرایط کشور، منطقه و جهان و از دشواری برای نوسازی اجتماعی - اقتصادی جامعه ما واقف اند. مسلماً این وضع سطح عالی سازماندهی، تسلیل و وحدت را از ما مطالبه دارد ما با بسیج تمام نیروها در يك صف واحد با استحکام بخشیدن پیهم حزب و یگانه گی آن وظایف دشواری را که در برابر ما قرار دارد، بدون شك باشایسته گی انقلابی به سرانجام آن خواهیم رساند، وحدت آهنگین حزب ما تأمین گردیده و دیگر گرایش های ناسالم و زینابخش نمی تواند در آن رخنه کند. این پروژه در حال تکامل دایمی

است و توقف دريك نقطه اندیشه ما نیست و باید رشد کرد. برای ما این یک قانون عام است که به صورت قطع استثنا نمی پذیرد.

دوستان عزیزو رفقا!

سیاست خارجی جمهوری دموکراتیک افغانستان بر پایه اصول همزیستی مسالمت آمیز میان سیستم های اجتماعی - اقتصادی متفاوت، وفاداری به اصل عدم انسلاک و همبستگی رزمجویانه بین المللی ما، پیوسته به مثابه یک کشور صلحدوست برای حفظ و تحکیم مناسبات دوستانه با سایر کشورها بخصوص کشور های همسایه بر مبنای احترام متقابل به استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر به طور خسته گی ناپذیر سعی کرده به صورت پیگیر از تلاش های مشترک تمام کشور ها و خلهای صلحدوست جهان در جهت تأمین صلح، خلع سلاح ، آزادی، ترقی اجتماعی و همکاری های متقابلاً سودمند بین المللی بین ایشان پشتیبانی نموده از هیچگونه مساعدت درین راه دریغ نمیکند.

دوستان گرامی و رفقا !

پراتیک روزمره میلیون ها انسان زحمتکش سیاره ما نشان میدهد که صلح، از مبرم ترین نیازهای عصر ماست و با منافع آتیه تکامل تمدن بشریت انطباق کامل دارد. تاریخ نه چندان دور، تاریخ خود ما، تاریخ قرن بیست نشان میدهد: آوانی که دشمنان انسان، جنگ را بر بشریت تحمیل نموده اند، در آتش مصیبت زا و غم انگیز آن کودکان معصوم نیز بیرحمانه سوخته اند. نباید به جنگ افزوزان اجازه داده شود تا فجایع ننگین گذشته را تکرار کنند. باید به تمام کانون های جنگ و تشنج امپریالیستی در سیاره ما، که نسل حاضر و کودکان ما را در کام خود بیرحمانه فرومیبرد، پایان داده شود.

بر پایه درك این واقعیت است که میلیون ها انسان زحمتکش سرزمین ما خواستار صلح و همبستگی با همه مردمان صلحدوست جهان اند و پیگیرانه در راه تأمین امنیت بین المللی و خلع سلاح و صلح در منطقه و جهان پیکار میکنند. امر صلح باوصف فتنه گری دشمنان آن پیروز شدنی است.

جمهوری دموکراتیک افغانستان بر آن است که پرابلم های گرهی در روابط بین المللی تنها و تنها می تواند از طریق مذاکرات سودمند و توأم با حسن نیت حل و فصل گردد. حزب و دولت انقلابی ما عمیقاً معتقدند که شرق میانه، جنوب و جنوب غرب آسیا، شرق دور، بحر هند و خلیج فارس نباید به مثابه مراکز تشنج و منبع خطرات جنگ برای خلهای منطقه و بشریت در مجموع باقی بمانند و باید تمام پایگاه های نظامی امپریالیزم ایالات متحده امریکا درین مناطق منحل و برچیده شود ما از تبدیل بحر هند به منطقه عاری از اسلحه هستوی جداً حمایت میکنیم. راه بیرون رفت از معضله

شرق میانه را تنها در صورت بیرون رفتن عساکر اسرائیلی از سرزمین های اشغالی اعراب و تأمین حقوق حقه خلق فلسطین به شمول تشکیل دولت مستقل فلسطین میدانیم :

افغانستان انقلابی همواره از داعیه برحق خلق عرب فلسطین پشتیبانی نموده و خواهد نمود . باید تذکر داد که پیشنهادهای صلح اتحاد شوروی در پارلمان هند که از طریق بیانیه رفیق لیونید ایلچ بریژنف انعکاس یافت، یگانه الترناطیف برای برگشت بحر هند به حوزه صلح است. پیشنهادهای مطروحه در کنگره بیست و ششم حزب کمونیست اتحاد شوروی مورد تأیید همه جانبه ماست. در این ارتباط باید خاطر نشان گردد که پروگرام صلح دهه هشتاد که در گزارش رفیق لیو نید بریژنف فورمولبندی شده، یگانه الترناطیف در برابر سیاست مسابقه تسلیحاتی و سیاست احیای جنگ سرد امپریالیزم است. ما در فعالیت در سیاست خارجی خویش محتویات این پروگرام جامع صلح دهه هشتاد را کاملاً تأیید پشتیبانی نموده در زمینه با اتحاد شوروی و تمام نیروهای صلحدوست جهان مساعی همه جانبه خویش را متمرکز می سازیم. این پیشنهادهای و ابتکارات با منافع روند سیاست صلح و امنیت بین المللی در مطابقت کامل بوده به نیروهای جنگ طلب و تجاوز کار لگام میزند.

حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان این پرنسیپ را در تمام مجامع بین المللی از جمله در سی و ششمین جلسه نوبتی اسامبله عمومی ملل متحد طرح کرده و مورد حمایت جدی قرار داده است. افغانستان انقلابی حمایت کامل خود را از خلقهای آزادی کشور های افریقا، آسیا و امریکای لاتین که به خاطر آزادی، ترقی و صلح به پا خاسته اند، ابراز داشته و فعالیت های شیطنانی امپریالیزم را در جهت توطئه گری علیه این خلقها با نفرت و غیظ محکوم نموده و آنرا خطر جدی در راه صلح جهانی تلقی کرده است همین اکنون جهانیان شاهد یکی از بیشرمانه ترین توطئه های تجاوزگرانه امپریالیزم امریکا در قبال کیوبای قهرمان، این جزیره پرافتخار صلح و آزادی در امریکای لاتین میباشند. ما در حالیکه تهدید علیه کیوبای قهرمان را با نفرت محکوم نموده و آنرا تهدید جدی علیه صلح جهانی و در درجه اول تهدید مستقیم علیه استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشورهای امریکای لاتین میدانیم، از جهانیان می طلبیم تا علیه این بازی خطرناک ضد انسانی به پاخیزند.

دوستان عزیز ورفقا!

به صورت مشخص و فورمولبندی شده باید یادآور شوم که افغانستان پیشنهاد سازمان ملل متحد را در زمینه تدویر یک کنفرانس بین المللی در باره بحر هند در اواخر سال ۱۹۸۱ در کولمبو که هدف آن اعلام بحر هند به منطقه صلح است وهمچنان پیشنهاد سه کشور هند وچین، ویتنام سوسیالیستی، جمهوری مردم کمپوچیا و

جمهوری دموکراتیک مردم لاوس را در مورد اعلام منطقه هندوچین، آسیا و بحر هند به مثابه منطقه صلح جداً پشتیبانی و حمایت مینماید.

حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان بر پایه سیاست خارجی صلحجویانه خود برای حل و فصل مسالمت آمیز اوضاع اطراف افغانستان که در اثر تجاوز و مداخله نظامی ارتجاع بین المللی متشنج گردیده است و برای برگرداندن مجموع اوضاع منطقه به حالت عادی که امپریالیزم تشنجزا آنرا دامن میزند، پیشنهادهای مشخص طرح نموده است. اعلامیه تاریخی چهارده می ۱۹۸۰ حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان حاوی اقدامات و تدابیر مشخص برای عادی ساختن اوضاع و مناسبات میان کشورهای همسایه جمهوری دموکراتیک افغانستان، پاکستان و ایران است که متأسفانه با حسن نیت متقابل مواجه نگردیدیم.

اعلامیه بیست و چهار اگست ۱۹۸۱ حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان پیرامون حل و فصل سیاسی و ابتکارات صلح آمیز مورد استقبال کشورها و نیروهای مترقی در سراسر جهان قرار گرفت. این اعلامیه که حاوی ابتکارات جدید عملی و مشخص حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان است به مثابه يك سند با اعتبار که انعطاف لازم برای حل و فصل سیاسی اوضاع پیرامون کشورها در آن برجسته است و آماده گی صادقانه ما را در جهت رفع پرابلم ها نشان میدهد ارزیابی گردید. باوجود پیشنهادهای جدی و عملی ما حکومت پاکستان برای انجام مذاکرات در زمینه حل و فصل سیاسی اوضاع اطراف افغانستان و بهبود مناسبات میان دو کشور از جانب خود دست به هیچ اقدام عملی نزده است. اوضاع در منطقه نه تنها بهبودی کسب ننموده بلکه بیشتر به وخامت گراییده است و فعالیت های تخریبی و تجاوزگرانه علیه کشور ما همچنان ادامه دارد. در حالیکه حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان ابراز آماده گی نموده است تا در هر زمان در مذاکرات دو جانبه و یاسه جانبه در حضور و غیاب سر منشی ملل متحد و یا نماینده آن با کشورهای همسایه پاکستان و ایران برای حل و فصل سیاسی معضلات وارد مذاکره شود.

مبارزه پیگیر و مداوم حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان در جهت بیرون رفت از اوضاع و احوال موجوده در منطقه که ناشی از وجود توطئه ها، مداخلات و تجاوزات امپریالیزم، ارتجاع و هژمونیزم علیه کشور ما میباشد و رفع تمام معضلات نشانه یی از سیاست خارجی صلحجویانه ماست. این امر به پرستیژ بین المللی دولت انقلابی ما افزوده است. اعلامیه بیست و چهار اگست ۱۹۸۱ حتی دشمنان ما را واداشته است تا اعتراف کنند که این پیشنهادها انعطاف لازم راه ها و وسایل عملی حل پرابلم هارا به صورت جامع و مشخص در خود گنجائیده است.

دوستان و رفقا!

جمهوری دموکراتیک افغانستان که خود یکی از بنیادگذاران جنبش عدم انسلاک بوده است، عقیده دارد که جنبش عدم انسلاک به مثابه یک جریان عمده در سیاست های بین المللی بر پایه موضعگیری و اقدامات ضدامپریالیستی آن وپیکار در راه صلح و امنیت بین المللی از حیثیت وپرستیژ عالی در سطح جهانی برخوردار است. تکامل اوضاع بین المللی واقدامات خطرناک اردوگاه جنگ و امپریالیزم از جنبش عدم انسلاک می طلبد تا در جبهه جهانی مبارزه برضد امپریالیزم در کنار متحد طبیعی خود اردوگاه صلح و سوسیالیزم قرار گرفته و اشتباهی سیری ناپذیر جنگی، تشنج و مسابقه تسلیحاتی امپریالیزم را لگام زنند.

جمهوری دموکراتیک افغانستان درین روز تاریخی اعلام همبستگی پیکارجویانه بین المللی سازمان همبستگی خلقهای آسیا و افریقا را با مردم و انقلاب افغانستان صمیمانه آرزومند است تا همه ملل صلحدوست جهان تمام مردمان کشورهای غیرمنسلاک، زحمتکشان کشور ما را که در مبارزه دشوار علیه مداخلات و تجاوزات امپریالیزم بین المللی و در رأس آن امپریالیزم جنایت پیشه امریکا و برتری جویان خاین چین و در راه تحولات بنیادی اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی جانبازان می رزمند، پشتیبانی نمایند. ما به پشتیبانی عظیم خلق ها از انقلاب خود ارج می نهیم و برآنیم که این پشتیبانی می تواند به نیروی عظیم مادی در مبارزه عادلانه ما علیه امپریالیزم مبدل گردد.

حزب و دولت انقلابی مادر تجربه تاریخی و مشخص خویش دریافته است که همبستگی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای برادر سوسیالیستی و تمام نیروهای ضدامپریالیستی که نه تنها افغانستان انقلابی، بلکه تمام جنبش های آزادیبخش ملی در سه قاره آسیا، افریقا و امریکای لاتین از آن به صورت همه جانبه برخوردار اند، نقش عظیمی را در امر دفاع از دستاوردهای انقلاب، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی جمهوری دموکراتیک افغانستان در برابر تجاوز و مداخله خارجی ایفا نموده است.

تاریخ جنبش های آزادیبخش ملی در قرن ما پیوسته پشتیبانی همه جانبه اتحاد شوروی را در مبارزه ضد امپریالیستی و به خاطر آزادی ملی و ترقی اجتماعی با خود داشته است و هم اکنون این بخش عظیم جنبش انقلابی دوران معاصر با اطمینان به پشتیبانی بیدریغ کشور بزرگ شوراها اتکا دارد.

افغانستان انقلابی کمک های بی شایبه و عظیم دوست تاریخی خود اتحاد شوروی را از زمان تحصیل استقلال وطن ما تاکنون بخصوص در حساس ترین دوره تاریخ کشور ما که دستاوردهای انقلاب ثور تمامیت ارضی، استقلال و حاکمیت ملی ما در معرض خطر قرار گرفته بود، پیوسته گرامی میدارد.

رفقا و دوستان عزیز!

حزب دموکراتیک خلق افغانستان، مردم و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان تدویر اجلاس هیات رئیسه سازمان همبستگی خلق های آسیا و آفریقا را در کشور ما بسیار با ارزش ارزیابی نموده معتقد اند که همبستگی رزمجویانه خلق های آزاد شده در مبارزه به خاطر صلح، دموکراسی و ترقی اجتماعی، امریست ضروری.

ما معتقد هستیم که تدویر این کنفرانس در کشور انقلابی ما در اوضاع و احوال کنونی گام بسیار بااهمیتی را در جهت تشکل و بسیج هر چه وسیعتر تمام نیروهای ترقیخواه، صلح پسند منطقه و جهان و تشدید مبارزات برحق ضد امپریالیستی آنها به خاطر صلح و ترقی اجتماعی تشکیل میدهد.

مردم کشور ما با وضاحت احساس مینمایند که تدویر این کنفرانس یکی از عالیترین مظاهر زنده و گویای همبستگی بیدریغ انقلابی و برادرانه سازمان همبستگی خلقهای آفریقا و آسیا با مردم عذابدیده ما در مبارزه عادلانه ولی دشوار و ذوجوانب آن میباشد. ماسپاس بیکران انقلابی را به این مناسبت نسبت به همه اعضای این سازمان برادر در اعماق قلب خود زنده نگه میداریم.

نسل های خوشبخت و سعادت مند آینده کشور ما به این کنفرانس به مثابه يك تلاش مقدس انسانی در جهت کمک به مبارزه ترقیخواهانه مردم ما با سپاس خواهند نگرینست.

سپاس بیکران به سازمان همبستگی خلقهای آسیا و آفریقا !

زنده باد همبستگی انقلابی بین المللی !

زنده باد صلح، دموکراسی و ترقی اجتماعی !

مرگ بر امپریالیزم جنگ طلب و تجاوزگر !

روند انقلابی در جمهوری دموکراتیک افغانستان رشد و تعمیق مییابد

گزارش به پلینوم هفتم کمیته مرکزی ج.د.خ. ۱

۱۶ قوس ۱۳۶۰

رفقای عزیز!

هفتمین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان روی مسایل فوق العاده مهمی بحث می نماید. ما باید با در نظر داشت وضع موجود کشور، وظایف نوبتی حزب را در عرصه بهبود هر چه بیشتر امور کمیته های حزبی، ارگان های قدرت دولتی و همه سازمانهای اجتماعی معین سازیم و در مورد پیشنهاد دائر بردعوت کنفرانس سرتاسری حزبی تصمیم اتخاذ نماییم.

تجربه کار و مبارزه ما گواه آنست که پروسه انقلابی در افغانستان به اوجگیری خویش ادامه میدهد. اندیشه های انقلاب شکوهمند ثور، پشتیبانی بیشتری را در بین هموطنان ما کسب نموده است. پایه اجتماعی انقلاب رشد و توسعه می یابد. پشتیبانی از مبارزه بر حق مردمان افغانستان از جانب نیروهای مترقی نیز روبه تزاید است. برگزاری جلسه هیات رئیسه سازمان همبستگی خلقهای آسیا و افریقا در کشور ما، مظهر درخشان و تازه این امر است.

امروز حزب و دولت انقلابی ما، در چنان مرحله یی از تکامل خویش قرار دارد که به ما امکان میدهد تا همه مسایل مربوط به تحکیم حزب و ارگان های قدرت دولتی و جلب توده ها در جهت انقلاب، اداره اقتصاد و غیره را مسؤولانه تر و ماهرانه تر حل نماییم. ما با حفظ احترام نسبت به کادرهای خویش وظیفه داریم تا انضباط و دسپلین در قسمت کارهای محوله شان را بالا ببریم. ما مبارزه واقعی را علیه هرگونه بی مسؤولیتی، بی دسپلینی، مظاهر فرکسیونبازی و عدم ابتکار اعلام میداریم. ما مسؤولیت عظیمی را به خاطر سرنوشت وطن متقبل گردیده ایم. این امریست پرزحمت و سنگین، مگر شریفانه. همانا این امر باید معیار انضباط ما را نسبت به

کادرها و مسؤولیت های شان در برابر چگونگی کارها تعیین نماید. باید ما در روشنایی همین امر در پلینوم وظایفی را که در برابر حزب و دولت قرار دارد، بررسی نما ییم.

در ساحه سیاسی مهمترین وظیفه عبارت است از استحکام حزب دموکراتیک خلق افغانستان، این پیشاهنگ طبقه کارگر و همه زحمتکشان کشور که پروسه مثبت تحکیم و یکپارچگی صفوف آن جریان دارد.

در جریان شش ماه اول سال جاری در حدود ده هزار عضو آزمایشی به حزب دموکراتیک خلق افغانستان پذیرفته شده اند و همچنان در طی همین مدت یکعده اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان بنابر دلایل گوناگون از تشکیل حزب بیرون شده اند.

بخشی از این رفقا در راه وطن، انقلاب و حزب قهرمانانه جانهای شیرین و پاک خویش را فدا نموده اند. مردم، وطن و حزب هیچگاه قهرمانی و جانبازی این سرسپرده گان راه انقلاب را فراموشی نمی کنند. روان شان شاد باد!

عده پی هم نسبت اعمالی که مغایر اساسنامه حزب دموکراتیک خلق افغانستان مرتکب شده بودند از عضویت حزب اخراج گردیدند.

بالاخص این امر مهم است که تعداد نماینده گان و طبقات پیشرو جامعه ما در حزب زیاد گردیده است. چهل فیصد کسانی را که در نیمه اول امسال به صفوف حزب قبول گردیده اند، کارگران، پیشه وران و دهقانان تشکیل میدهند. در ولایاتی که از نگاه صنعت و زراعت پیشرفته اند، این رقم از پنجاه فیصد تا هفتاد و پنج فیصد بالا می رود. ضرور است تا کمیته های حزبی و سازمانهای اولیه در آینده نیز کار در جهت رشد صفوف حزب و بهبود ترکیب کیفی آنرا با توجه خاص به پذیرش کارگران و دهقانان و پیشه وران تکمیل نمایند و بهبود بخشند. در اردو و خاردنوی صفوف حزب باید عمدتاً به حساب پذیرش سربازان و خردصابطان رشد یابد. در موقع پذیرش اعضای جدید به صفوف حزب، کمیته های حزبی و ادارات امور سیاسی کار را به خاطر برگزیدن اشخاص وفادار به امر انقلاب ثورانهایی که در مبارزه به خاطر استقرار قدرت مردمی از خود پایمردی نشان داده، مکتب تربیه سازمان دموکراتیک جوانان، سازمان دموکراتیک زنان، اتحادیه های صنفی و کوپراتیف ها را گذرانده اند، شدت بخشند.

مبارزه به خاطر وحدت حزب بخش مهم کار حزبی را تشکیل میدهد. متأسفانه عناصر و مظاهر فرکسیونبازی و محفل بازی هنوز هم به نظر میخورد، که همیشه از جانب حزب بررسی و ارزیابی اصولی نمی گردد.

ما همه در راه امر مشترک و واحد پیکار مینماییم. به خاطر خوشبختی خلق افغانستان و ترقی وطن می رزمیم و باید این کار را با صفوف یکپارچه انجام دهیم. لازم می افتد تا باز هم متذکر شویم که فعالیت فرکسیون و تخریبی با بودن در حزب توافق ندارد و این قانون را باید به صورت جدی و حتمی تطبیق کرد.

همزمان بر ماست تا کار تربیت، پخته گی سیاسی و ورزیده گی ایدیولوژیک اعضای حزب را شدت بخشیم. این کار از آنجا ضرور است که اولاً: حزب دموکراتیک خلق افغانستان هم از لحاظ تجربه تاریخی و هم از لحاظ تجربه سن اعضای خویش جوان است. ثانیاً: از جهتی که صفوف حزب سریع رشد می یابد ضرورت است تا اعضای جوان اصلی و آزمایشی حزب را به صورت فعالتر به کار روزمره حزبی و اجتماعی جلب نمود، کیفیت پیکار جوانه شانرا در امر اجرای وظایف و دستورهای مشخص ارتقا بخشید و این کیفیت را در وجود شان پرورانید.

رفقا!

در این اواخر کار زیادی به خاطر بالا بردن سطح امور سازماندهی سازمانهای حزبی، تقویت رهبری کمیته های حزبی ولسوالی، ناحیه وی، شهری، ولایتی و تکمیل ساختار ارگانه های حزبی صورت گرفته است. نفوذ و اعتبار کمیته های حزبی رو به افزایش است و اکنون مسایل مربوط به تثبیت و تحکیم قدرت دولتی، عملی ساختن جلب و احضار به قوای مسلح، بهبود کار مؤسسات و ادارات را به صورت عینی تر بررسی می گردد و فعالین حزبی در همه تدابیر و اقدامات مربوط مبارزه با ضدانقلاب نقش پیشاهنگ را ایفا میکنند.

به برکت تدابیر اتخاذ شده، طی مدت اخیر ثبات کادرها تقویت یافته، اما کار بزرگی، دقیق و پرزحمتی در جهت توسعه کنترل کمیته های حزبی در امر انتخاب، تقرر و تربیه کادرها در همه حلقه های حزب و دستگاه دولتی پیش روست.

مصوبه بیروی سیاسی، حلقه کارمندان رهبری را که شامل مقامات مورد منظوری کمیته مرکزی اند معین می سازد. کمیته های حزبی ولایتی، شهری، ناحیه وی ولسوالی نیز چنین کاری را باید انجام دهند. این کارمندان صرف با فیصله ارگان های حزبی تغییر و تبدیل شده میتوانند. همچنان بسیار مهم است، تا آنها که در کمیته مرکزی، شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان و کمیته های ولایتی چنین مسؤولیتی را در این بخش عمده فعالیت، به عهده دارند، از خود مهارت و پشتکار در برقراری نظم واقعی در امر انتخاب و تقرر کادرها نشان دهند. در موقع انتصاب در این یا آن مقام رهبری، تنها و تنها کیفیت سیاسی و جدیت در کار کارمندان را و همچنین سعی و کوشش آنها را در جهت انجام کارها در راه خیر خلق و حزب به وجه شرافتمندانه و درست، ملاک قضاوت خویش قرار دهند.

بیروی سیاسی ضرور میداند که به منظور دموکراتیزه ساختن هر چه بیشتر کار کمیته های حزبی، بالا بردن سطح کار دسته جمعی اعتبار و صلاحیت تر کیب کمیته های ولایتی، شهری، ناحیه وی و ولسوالی حزب دموکراتیک خلق افغانستان را توسعه بخشید. پیش کشیدن آمران مؤسسات و سازمانها، نماینده گان صدیق طبقه کارگر، دهقانان، روشنفکران، قوای مسلح اعم از اردو، خاوندی و خاد، سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان و سازمان دموکراتیک زنان افغانستان که خود را کارمندان خوبی نشان داده اند، ترکیب ارگان های رهبری ما را از لحاظ کیفیت غنا بخشیده اند، تحرک جدیدی را در کار کمیته های حزبی به وجود آورده و ارتباطات با مردم را وسیعتر ساخته اند. برای بالا بردن جدیت و پشتکار در امور، مناسب است تا در یک سلسله کمیته های ولایتی و شهری حزب، سازمانهای اولیه یی که تعداد اعضای زیاد دارند، از جمله اعضای کمیته های حزبی یک بیرو یا کمیته اجراییه به تعداد پنج تا هفت نفر انتخاب گردند. بیروی سیاسی در مورد این مسایل فیصله ها و تصامیم بخصوص صادر مینماید.

جبهه ملی پدروطن و سازمانهای اجتماعی که با حقوق اعضای دسته جمعی جبهه شامل آن میباشند و تحت رهبری حزب کار می کنند، جای بس مهمی را در سیستم موزون سیاسی ایجاد شده در کشور ما، اشغال میکنند. کمیته های حزبی باید توجه دایمی به فعالیت شان نمایند و از آنان بخواهند تا سطح جدیت و فعالیت خویش را بالا ببرند. ارتباطات با توده های وسیع زحمتکشان، جوانان، زنان و با همه اهالی کشور را عملی سازند. حزب و دولت را در به سر رساندن تحولات اجتماعی یاری رسانند و صلح سراسری ملی پایدار را برای اهالی وطن مشترک ما تأمین نمایند.

رفقا!

در شرایطی که تبلیغات خصمانه به کمک دروغها و افتراها متوجه گمراه ساختن محافل اجتماعی افغانستان و جهان نسبت به ماهیت تحولات انقلابی در جمهوری دموکراتیک افغانستان میباشد و سعی دارد وحدت صفوف حزب و ارتباط آنرا با توده های مردم ضعیف سازد، کار ایدیولوژیک در زمینه سیاست حزب دموکراتیک خلق افغانستان اهمیت فوق العاده عظیمی کسب مینماید.

وظیفه آنست که تا ندای حزب و انقلاب را به گوش هر باشندۀ افغانستان، تا هر نقطه مسکونی رسانید. همه اقشار مردم، هر شخص مسلمان را در جهت زنده گی آگاهانه فعال و بیدار ساخت. در حال حاضر کار فعال سیاسی حزب در میان توده های دهقان و در قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان اهمیت به سزایی کسب نموده است و موجودیت و عدم موجودیت دولت دموکراتیک منوط به کسب اعتماد توده هاست. به این منظور اعضای کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، مقامات رهبری حزبی، سازمانهای اجتماعی، همه اعضای حزب باید به کار سیاسی در میان توده

ها جلب شوند. بر ماست تا در این امر ابتکارات زیادی از خود نشان داده و سرانجام دشمن را به شکست کامل ایدئولوژیکی مواجه سازیم.

ورزیده گی فکری اعضای حزب در این شرایط اهمیت به سزایی دارد. کمیته مرکزی حزب چندی قبل مصوبه یی راجع به بالا بردن آماده گی ایدئولوژیک و تیوریک اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان صادر کرد و در نظر گرفته شد تا در حلقه ها و سیمینار های تیوریک مسایل مربوط به سیاست داخلی و خارجی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، ساختمان حزب و جنبشهای آزادیبخش ملی عمیقاً فرا گرفته شود. هر عضو حزب دموکراتیک خلق افغانستان باید خوب درک کند که وی بعد از آموزش، این مسایل مؤظف است تا به صورت روزمره اندیشه های تیوری علمی و سیاست حزب و دولت را به گوش جمعیت زحمتکشان و ساکنان اطراف خویش برساند. حال لحظه یی فرا رسیده که این خواست به پیمانۀ کامل توسط اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان اعم از رهبری تا صفوف، انجام داده شود.

رفقا!

ما تجربه کار گروه های تبلیغاتی را مثبت بررسی مینماییم. نظر به فیصله کمیته مرکزی قرارگاه رهبری آنها تحت ریاست رفیق زیری منشی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ایجاد گردید. سه گروه تبلیغاتی سرناسری کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و شورای انقلابی، تشکیل شده است. اما کار این گروه ها هنوز برنامه و ترتیب لازم ندارد و همیشه به صورت مؤثر عمل نمیکند. بر ما لازم است تا نقش کمیته های حزبی را در ارتقای مؤثریت این زاده های انقلاب که عملاً نقش بخش های حزب را عهده دارند بالا ببریم و برای رهبری آنها کادرهای حزبی تحصیل یافته و دارای فهم سیاسی را گسیل نماییم. چنین گروه ها در چارچوب وزارت دفاع و وزارت امور داخله جمهوری دموکراتیک افغانستان ایجاد گردیده اند. وظیفه ماست تا آنها را کمک نماییم و فعالیت شانرا با پلان مشترک و موافق با پلان کمیته های حزبی جهت دهیم.

حزب باید همه سازمانها و کمیته های خود را، سازمانهای دولتی و اجتماعی را برای بهبود کار ایدئولوژیکی سیاسی و تربیه وی بسیج نماید.

سخنرانان کمیته های حزبی کارهای زیادی در این جهت میتوانستند انجام دهند و ما چنین تجربه یی داریم، به طور مثال: بیانیه های سخنرانان کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، کمیته شهری کا بل در هنگام ایجاد جبهه ملی پدروطن، انعکاس وسیعی به وجود آورد. اما با صراحت باید گفت که سخنرانی های ایشان جنبه موقتی داشت. برخی از مقامات رهبری حزبی و دولتی لجوجانه نمی خواهند در میان توده ها بروند و کمیته های حزبی نیز اصولیت لازم را درین مسئله از خود نشان نمیدهند. باید کار سیاسی دامنه دار در میان توده ه ، معیار زنده گی، خصلت

وسبک حزبی هر عضو ومقام حزبی گردد. ضرورت مبرم به امر تشدید تبلیغ و ترویج به وجود آمده است. لازم است تا بهترین کادرهای حزبی به این کار سوق داده شوند.

باید با تمام اشکال ومیتوذهای کارسیاسی فیصله های حزب رادر مورد منافع مبرم وحیاتی زحمتکشان منجمله در مورد اصلاحات ارضی، مذهب، پشتیبانی دولت از روحانیون وطنپرست برابری واقعی همه ملیت ها و اقوام در میان توده ها هرچه وسیعتر توضیح نمود. باید ماهیت ضدمردمی امپریالیزم، هژمونیزم چین، ارتجاع بین المللی وضدانقلابیون داخلی را به صورت فعال وجدی برملا ساخت. لازم است تا تربیه وطنپرستانه و انترناسیونالیستی توده های زحمتکش وخصوصاً جوانان را از ریشه بهتر ساخت.

رفقا!

وسایل اطلاعات جمعی وظایف فوق العاده پرمسؤولیتی دارد. کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در این ساحه کار هرچه بیشتر رادر جهت افزایش نقش مطبوعات، رادیو و تلویزیون در تعمیق پروسه انقلابی به پیش برده خواهد برد. درین مورد نیز کار بسیار باید صورت گیرد. در آینده نزدیک آژانس باختر به حیث یک بخش مستقل در سطح وزارت وبا حقوق وزارت مبدل خواهدشد که تحت رهبری مستقیم کمیته مرکزی وشورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان کار خواهد کرد. در نظر است تا شعبات آن در داخل و در خارج کشور توسعه یابد. ما در نظر داریم تا اداره نشرات رادیو- تلویزیون راچون کمیته دولتی مستقل جدا ساخته و امور اداره آنرا بهبود بخشیم.

اکنون در این ساحه عمده آنست تاحزبیت عالی در مطبوعات، نشرات رادیو و تلویزیون تأمین گردد. لازم است کار بسیار صورت گیرد تا کیفیت عالی فعالیت همه وسایل اطلاعات جمعی ارتقا یابد.

کمیته های ولایتی حزبی به طور قابل ملاحظه بی رهبری مطبوعات ونشرات رادیویی محل را که طی یک سال ونیم ارگان های مستقیم ایشانست ومستقیماً جوابگوی کار آن نزد کمیته مرکزی حزب میباشد، بهبود بخشند.

رفقا!

پروسه احیا ورشد مطبوعات نوین انقلابی آنقدرها ساده نیست. این پروسه در آینده نیز خواستار تمرکز مساعی کمیته های حزبی وهمه کارمندان ایدیولوژیک میباشد. برای اینکه در کشور سیستم واحد دولتی رساندن وپخش مطبوعات که چندی قبل ایجادشده، بتواند به صورت منظم وظایف را انجام دهد، هنوز کار بسیار باید صورت گیرد. این امریست سیاسی وما تحمل آنرا نداریم که سخنان پیکارجویانه حزب ما با

تأخیر زیاد برای توده ها برسد و گاهی هم به کلی نرسد. نظر به فیصله کمیته مرکزی، وزارت خانه ها و اداراتی که رساندن و پخش مطبوعات را تأمین می کنند، باید به صورت فوری تدابیر عملی را جهت از بین بردن نارسایی ها و کمبودی ها در این امر فوق العاده مهم، اتخاذ کنند.

رفقا! به این ترتیب طوری که در اسناد رهبری کننده حزب ما تذکر یافته است، همه

کار ایدیولوژیک باید جهت به انجام رساندن مبارزه با ضدانقلاب و مداخلات خارجی تقویت و تشدید گردد. این کار باید موجب اوج شور و شوق انقلابی در وجود توده ها شود و در آخرین تحلیل، پشتیبانی اکثریت باشندگان کشور را از قدرت انقلابی در افغانستان تأمین نماید. باید سطح آگاهی ایدیولوژیک اعضای اصلی و آزمایشی حزب دموکراتیک خلق افغانستان را ارتقا بخشید و نقش سازمانهای حزبی را در کار ایدیولوژیک و تربیوی بالا برد.

رفقا!

درین اواخر کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حکومت یک سلسله تدابیری را جهت تحکیم و بالابردن قدرت محاروبی قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان در ساختن تشکیلات نظامی اتخاذ نمودند. به خاطر هماهنگی مساعی ارگان های حزبی، دولتی، اردو، خاندوی و خدمات اطلاعات دولتی در مبارزه با ضدانقلاب، شورای دفاع تشکیل گردید.

فیصله نامه در مورد جلب و احضار دوره های احتیاط به خدمت عسکری عملی میگردد. به منظور تکمیل کادرهای صاحبمنصبان پایین رتبه، ضمیمه بی در مورد اعطای رتبه های دریم بریدمن، دوهم بریدمن و لومری بریدمن به کارمندان نظامی و اشخاصی که در عملیات جنگی با اشرار پایمردی و جدیت به خرج داده اند بدون در نظر داشت در چه تحصیل شان، به تصویب رسیده است، کار در جهت باقیماندن داوطلبانه سربازان و خردضابطان برای مدت اضافه تر از موعد و همچنان جلب و جذب شان جهت خدمت در خاندوی گسترش یافته است. جلسه فعالین حزبی و قوماندانی عالی قوای مسلح با اشتراک رهبران حزب و دولت دایر گردید. برگزاری جلسات فعالین حزبی به خاطر شدت بخشیدن مبارزه با ضدانقلاب در همه ساحات صورت گرفته است.

وظیفه دیگر ما در امر تحکیم قوای مسلح عبارت است از بالا بردن آماده گی پیکار جویانه و سیاسی همه کتگوری های نظامیان، بالا بردن مهارت و ابتکار حزبی افسران، بهبود همه جانبه کار حزبی و سیاسی با افراد اردو و خاندوی. این است مسئله مرکزی در امر بالا بردن قدرت محاروبی قوای مسلح. این مسئله خواستار مساعی مشخص، پیگیر و با پشتکار نه تنها مقامات فرماندهی، سیاسی سازمانهای

اولیه قوای مسلح، بلکه کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان، همه کمیته های محلی و ارگان های قدرت اداری میبایشد.

ریاست عمومی امورسیاسی اردوی جمهوری دموکراتیک افغانستان، ادارات و شعبات سیاسی مؤظف اند تا توجه بخصوص خویش را به ایجاد نزدیکی روحی و فکری افسران، خردضابطان و سربازان معطوف سازند. باید همه روزه کارسیاسی فعال و پیشرونده میان همه طبقات و اقشار جامعه و همه مردمان و اقوام ساکن جمهوری دموکراتیک افغانستان با روحیه و وطنپرستی و برادری، بادر نظر داشت موازین دین مقدس اسلام و کار در جهت مبارزه با بیسوادی پیش برده شود.

رفقا!

در ارتباط با وضع اقتصادی کشور باید گفت که با وجود مقاومت شدید از طرف ارتجاع داخلی و خارجی، تحولات معین اجتماعی و سیاسی در کشور تحقق می پذیرد.

با عملی نمودن فیصله های پلینوم چهارم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در مورد پرابلم های ساختمان اقتصادی در سیاست اقتصادی خصوصاً در ساحه سیاست ارضی و در رابطه با سکتور خصوصی یک سلسله اصلاحات وارد گردید. مصوبه بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان در مورد اصلاحات ارضی در جمهوری دموکراتیک افغانستان به تصویب رسید. تدابیر و اقدامات جهت تحکیم سکتورهای دولتی و کوپراتیفی در زراعت اتخاذ گردید. کمک ها به شکل دادن تخم های بذری، کود کیمیایی و وسایل طور قرضه به دهقانان صورت میگیرد. دستمزد کارگران و کارمندان کم درآمد بالا برده شد، ماکولات کارگران و مامورین سکتور دولتی ازدیاد حاصل نمود. تدابیر جهت ساختمان منازل مسکونی مجهز، بهبود خدمات صحی کارگران، تدارک مواد خوراکی و دیگر مواد مورد ضرورت اولیه، اخذ میگردد، تجدید و تعویض سیستم اداره دولتی عملی میگردد. قانون شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان تصویب شده و یک سلسله فعالیت های قانونگذاری در مورد کمیته دولتی پلان گذاری، بعضی وزارت ها و ادارات صورت گرفته است. همچنان قانون ارگان های محلی قدرت و اداره دولتی به معرض قضاوت افکار عامه گذاشته شده است.

طی سال جاری حاصلات خوب مواد عمده زراعتی جمع آوری شد. وضع مالداری به حال استقرار حفظ گردید. طی نیمه سال اول پلان استخراج زغال سنگ، تولید کود، مواد آهن کانکریت، ترمیم موتر و وسایل تخنیکی راه سازی، تولید انساج پنبه، گوشت، روغن نباتی و طبع کتب عملی گردید. از مقدار بارهای حمل ناشده از

بندر حیرتان به طور قابل ملاحظه کاسته شد. حجم خدمات وسایل مخابراتی کمی فزونی یافت یک سلسله پروژه های اقتصادی به کار آغاز کرد.

در پهلوی آن، مشکلات زیادی در اقتصاد موجود است. صدمات مادی که توسط اعمال ضدانقلاب به صنعت، زراعت، ترانسپورت و مخابرات وارد گردیده زیاد میباشد. عوامل عینی چون تفوق سکتور خصوصی در تولیدات ملی، عدم موجودیت تجربه رهبری در شرایط جدید، کمبود کادرهای ماهر نیز نقش خود را دارد. وظایف عمده در ساحة اقتصاد امروز از نیازمندی های مبرم کشور در مرحله فعلی تکامل آن ناشی می گردد. بر ماست تا در زمینه اعتلای تولیدات صنعتی ملی و تولید محصولات در سکتور دولتی و مختلط موفق گردیم. ضرورت است تا توسعه تولید محصولات صنعتی که اقتصاد ملی سخت به آن نیازمند است، افزایش منابع صادراتی و حصول اسعار خارجی و همچنان افزایش درآمد های بودجه دولتی به حساب ارتقای مؤثریت اقتصادی و از دید سود مؤسسات صنعتی تأمین گردد. در یک، یک و نیم سال آینده ضرور است تا تمرکز اعظمی منابع مالی، مادی و نیروی کار در مهمترین رشته ها و مؤسسات اقتصادی دولت و عمدتاً در پروژه های تحت ساختمان و تجدید ساختمان صورت گیرد.

در ساحة ترانسپورت و وظایف اساسی را کار نورمال جاده های بزرگی مواصلاتی، ساختمان و ترمیم سرك ها، اعمار مؤسسات دولتی خدمات تکنیکی برای موترها تشکیل میدهد. لازم است تا تدابیر مشخص جهت جلب وسیع ترانسپورت خصوصی در امر انتقال بار های دولتی اتخاذ گردد.

مطابق به اوضاع واقعی باید مسئله از نو آغاز نمودن و توسعه حجم کارهای جیولوژیکی و انکشاف گاز، نفت و معادن جامد، احیا و رشد بیشتر مؤسسات استخراج زغال، نفت، نمک، مواد ساختمانی، تولید سمنت و اعمار مؤسسات جدید تولید انرژی و تصفیه نفت مدنظر گرفته شود.

بر ابلم مهم رشد صنایع ماشینی و دستی را در سکتور خصوصی که نقش قابل ملاحظه در رفع نیازمندی های مردم کشور به کالاهای مورد مصرف وسیع و تأمین اشتغال اهالی دارد، نباید فراموش کرد. به این منظور باید از تخفیف ها مزایایی که بنابر تصمیم دولت برای رشد سکتور خصوصی داده میشود، استفاده وسیع به عمل آید.

رفقا!

طوری که شما میدانید کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حکومت یک سلسله اقدامات به منظور تسریع اجرای اصلاحات ارضی نموده، پروگرام تحقق عملی آن تصویب شده و مراحل کار و وظایف وزارت ها و ادارات مشخص گردیده است. همراه با آن نتایج حاصله هنوز کم است. اوضاع موجود خواهان فعالتر ساختن

این کار و اجرای هدفمند و سیستماتیک آنست. لازم است تا توجه خود را معطوف به آن سازیم که تاخیر سال ۱۳۶۰ اشتباهاتی که در مرحله اول سر زده بود، تصحیح گردد.

آهنگ و مؤثریت اصلاحات ارضی تا حد قابل ملاحظه‌ای مربوط به قانون توزیع آب و استفاده از آن، تنظیم مناسبات اجاره داری زمین است که تنظیم آن تا کنون مطابق به سنن قدیمی صورت می‌گیرد باید تکمیل طرح و تصویب این قانون را سرعت بخشید.

در حال حاضر کمیته دولتی پلان گذاری طرح پلان رشد اقتصادی و اجتماعی کشور را در سال ۱۳۶۱ تهیه می‌نماید. این امر مهمی در زنده گی اقتصادی کشور است و وزارت ها و ادارات باید حین طرح مسوده های پلان ها تصامیم و فیصله های کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان را در مورد رشد اقتصاد، رهنمای عمل خویش قرار دهند. وظایف پر شدت ولی واقعی را در ساحه تولید محصولات صنعتی و زراعتی مطرح نمایند.

رفقا!

کاملاً بدیهی است که تکامل بعدی انقلاب ثور، جلب هر چه بیشتر توده های زحمتکش به سوی آن تا حد زیادی مربوط به حل موفقانه مسایل اجتماعی و فرهنگی میباشد. حزب سیاست خود را در سمت رفع نیازمندیهای مردم به مسکن، مؤسسات فرهنگی و تنویری، امحای بیسوادی، رشد علوم، صحت عامه و ورزش به صورت پلان شده تحقق خواهد بخشید.

چنانکه روشن است امحای بیسوادی و بالا بردن سطح تعلیمات عمومی مردم اهمیت فراوانی برای اعمار موفقان جامعه نوین در افغانستان دارد. کار بزرگی برای تجدید بنای سیستم تعلیم و تربیه ملی در پیش روست. باید این سیستم واحد، دموکراتیک برای همه اقشار و طبقات اجتماعی و ملیتهای جمهوری دموکراتیک افغانستان یکسان قابل دسترسی باشد.

در عرصه فرهنگی لازم است ایجاد و توسعه بیشتر شبکه مؤسسات فرهنگی و هنری که تأمین کننده اعتلای دایمی سطح سیاسی و فرهنگی مردم باشد، ادامه داده شود. یکی از مهمترین وظایف در سطح عمومی دولت عبارت از بهبود خدمات طبی و تنویر اهالی از لحاظ حفظ الصحه میباشد. باید به تدریج شبکه وسیع و گسترده مؤسسات تداوی، معاینه، وقایه، حفظ الصحه، مؤسسات ضد اپیدمی و ادویه فروشی های دولتی مخصوصاً در دهات، ایجاد گردد.

رفقا!

در مرحله کنونی تکامل انقلاب مناسبات ملی و قبیله وی اهمیت بخصوص کسب مینماید. حزب و حکومت انقلابی مشی مبنی بر رشد مساویانه همه ملیت ها و اقوام و قبایل و جلب اقلیتهای ملی را به تحولات انقلابی کشور به طور پیگیر تحقق می بخشند. حزب در ساحه سیاست ملی خود را مؤظف دانسته تا اصول عمده این سیاست راطی سند جداگانه یی طرح کند و اعلام بدارد. این امر برای استقرار اوضاع سیاسی در داخل کشور و تکامل جامعه نوین اهمیت به سزای سیاسی خواهد داشت. با در نظر داشت اهمیت این مسئله مسودات اعلامیه های خطاب به ملیت ها و اقوام و قبایل کشور طرح گردیده به پلینوم حاضر جهت بررسی ارائه میگردد.

حزب در فعالیت عملی خود بعد از این نیز تدابیر مشخص عملی را در جهت تأمین احترام و دفاع از دین مقدس اسلام و آزادی تضمین شد، اجرای مناسک مذهبی که در «اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان» اعلام شده است و اتخاذ خواهد کرد. در عین زمان حزب از هرگونه تلاش به غرض سوء استفاده از مذهب را به مقصد اهداف غرض آلود ضد دولت و ضد مردم، جلو گیری مینماید.

ما باید ضمن تحقق پیگیر و مصرانه مشی استراتیژیک حزب در اجرای وظایف تاکتیکی، انعطاف پذیری نشان دهیم. در این امر می توان و حتی باید هم به مصالحه، البته در حدود مجاز و معقول با حفظ وفاداری به اصول پرداخت. این امر با همه بخش های فعالیت ما منجمله مسایل ملی و قبیله وی و مخصوصاً با ارتباطات و تماس های ما با گروه های مختلف که وظایف مترقی را در برابر خویش قرار داده اند، رابطه دارد.

علی الرغم اختلافات در اشکال و میتودهای مبارزه، ما باید نقاط مشترك را دریابیم و آنها را در اجرای وظایفی که در برابر وطن واحد ما قرار دارد و در مبارزه به خاطر صلح سراسری ملی فعالتر جلب نماییم. تمایلات و مساعی ما در راه جلب به خاطر انجام وظایف مترقی به یک مسیر مبارزه به خاطر آینده تا بناک مردم ما از طرف آنها به درستی درک و قبول خواهد شد و امکان خواهد داد تا ماسک «مدافعین مردم و اسلام» از چهره دشمنان واقعی، کینه توز و مکار انقلاب و وطن محبوب ما برداشته و دریده شود.

رفقا!

طوری که می بینید در برابر ما وظایف بسیار بزرگ و پرمسؤولیت در جهت تحکیم هرچه بیشتر حزب، یکپارچه گی صفوف آن، تحکیم و ارتقای اوتوریت ارگانهای محلی دولت، افزایش مسؤولیتهای شیان به خاطر همه امور در جمهوری دموکراتیک ما، موجوداست. باید کوشش جدی تری به خاطر جلب اقشار وسیع مردم خصوصاً دهقانان، در جهت انقلاب، در کشور به خرج داد. این امر اساسیست که به ما اجازه

میدهد تا به صورت هرچه مؤثرتر به حل پروبلم های اقتصادی و تأمین تدریجی شرایط بهتر زنده گی برای مردم بپردازیم.

خود زنده گی، پر وسه رشد انقلاب شکوهمند ما، اجراءات و فعالیت های حزب و دولت ضرورت تدویر کنفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان را در دستور روز قرار میدهد.

از زمان تدویر نخستین کنگره حزب دموکراتیک خلق افغانستان تقریباً هفده سال می گذرد. در طول این مدت حزب راه طولانی، پیچیده و دشوار و پیکارجویانه تشکیل، رشد و تحکیم را پیمود. تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان در کشور ما انقلاب شکوهمند ثور به پیروزی رسید، که امکانات وسیعی را برای خلق های وطن ما در امر دموکراتیزه ساختن پیگیر زنده گی اجتماعی و اداره دولتی رشد و توسعه سریع اقتصاد و فرهنگ ملی به میان آورد و وظیفه عمده ستراتیژیک پروگرام اول حزب یعنی به دست گرفتن قدرت سیاسی و انتخاب راه رشد دموکراتیک و ملی کشور به انجام رسید. در ظرف سالهای که از کنگره اول حزب دموکراتیک خلق افغانستان گذشت، حزب از حالت یک سازمان اپوزیسیونی و نسبتاً محدود برآمد و به حزب برسر اقتدار، پیشاهنگ سیاسی شناخته شده طبقه کارگر و همه زحمتکشان، نیروی رهبری کننده سیستم جدید سیاسی جامعه و دولت ما، مبدل گردید.

طی این سال های مبارزه بی امان به خاطر آینده تابناک وطن ما، حزب در فعالیت عملی خویش مرام حزب دموکراتیک خلق افغانستان و سند مصوبه سال ۱۳۵۹ یعنی «تذاهای کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان به پیشواز دومین سالگرد انقلاب ثور» را که حیثیت برنامه را دارا بوده، ملاک عمل قرار داده است. این اسناد نقش عظیم و مثبتی را در رشد درک تیوریکی و فعالیت عملی حزب ایفا کرد. بر مبنای این اسناد کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان سیاست خویش را استوار ساخته، فیصله های مهمی صادر کرد. کار عملی را به خاطر ساختمان و تحکیم حزب، رهبری سازمانهای اجتماعی و ارگان های اداری دولتی سازمان داده و تحولات اقتصادی و اجتماعی را در کشور انجام داد. محتوای اساسی این اسناد همین حال نیز در دستور روز قرار دارد.

در عین حال زنده گی و تجربه مبارزه انقلابی، وظایف جدیدی را در مقابل حزب قرار داده، خواستار حل اصولی و دسته جمعی سلسله مکمل مسایل مهمی که تعیین کننده خط مشی سیاسی و فعالیت عملی حزب در مرحله کنونی انقلاب است، میباشد. طی زمان یکه از تصویب «تذاهای کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان به پیشواز دومین سالگرد انقلاب ثور» گذشت، حزب ما تجربه جدید و پرارزشی در امر رهبری امور اجتماعی و دولتی کسب نموده است. همه میدانیم که همراه با آن ما مشکلات بزرگ، مسایل حل نشده زیادی در کار سازماندهی و سیاسی میان توده

ها، در راه تأمین ارتباط ناگسستگی حزب با اقشار وسیع مردم و تکمیل روابط اجتماعی و اقتصادی در کشور داریم. اینها همه باز هم به بحث و فیصله دسته جمعی ضرورت دارد. مسئله عمده برای حزب و دولت انقلابی در شرایط کنونی همانا فعالیت سازنده کار سازماندهی و سیاسی پرتحرک وزنده در میان توده ها، جهت بهبود زنده گی مردم و دستیابی به پیشرفت و ترقی همه جانبه وطن میباشد.

در این ارتباط ضرورت عینی برای تدویر کنفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان پیش آمده است، تا «برنامه عمل» آینده نزدیک را طرح نماید. همچو برنامه که با تفکر دسته جمعی آماده میگردد، اساسیست برای یکپارچه گی هرچه بیشتر صفوف حزب به دور کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، و تحکیم وحدت حزب همچنان این برنامه امکان آنرا می دهد تا شعارهای مشخص و روشن طرح و اهداف طویل المدت و جهات کار حزب با اقشار مختلف اجتماعی کشور ما تعیین گردد تا بر اساس آن همه اقشار جامعه برای حل پلان شده و پیشرونده و وظایف انقلاب ملی و دموکراتیک در مرحله کنونی و تکامل آن، متحد ساخته شوند.

از این جهت بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان برای حل اینهمه مسایل پیشنهاد مینماید، تا در ماه های نزدیک کنفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان دایر گردد. لازم است در این کنفرانس روی تحکیم سازمانی و سیاسی هرچه بیشتر حزب و تأمین ارتباط ناگسستگی آن با توده های وسیع مردم بحث صورت گرفته و وظایف معین گردند. تصویب برنامه عمل برای آینده نزدیک در کار کنفرانس جای مرکزی را خواهد داشت.

طی مدتی که از تدویر پلینوم دوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و تصویب اساسنامه حزب ما گذشت، حزب ما تجربه معینی اندوخته، در سازمانهای حزبی اشکال و میتودهای جدید کار نمایان گردیده است. پروسه تکمیل ستروکتور سازمانهای حزبی ادامه دارد. کمیته های ولایتی و در شهر های بزرگ کمیته های ناحیه وی حزب ایجاد شده است، تغییرات در حقوق و وظایف کمیته های حزبی دارای صلاحیت های مختلف به وجود آمده است. ضرورت می افتد تا این همه در سند اساسی حزب که تنظیم کننده زنده گی داخل حزبی یعنی اساسنامه حزب است، تجسم یابد. به این منظور به نظر ما مفید است تا در این کنفرانسی یک سلسله تعدیلات و تکمیلات در اساسنامه موجود حزب، وارد آید.

در این کنفرانس اسناد دیگری که اهمیت بزرگی برای کشور ما و حزب ما دارد، میتوانند به تصویب برسند. آماده گی برای کنفرانسی سرتاسری و برگزاری آن باید به تبلیغات وسیع سیاسی که وظیفه دارد هرچه فشرده تر صفوف حزبها را یکپارچه سازد، بهترین نماینده گان وطن ما و توده های وسیع زحمتکشانش را به دور آن متحد نموده و اوج جدید پامردی انقلابی را در وجود اعضای اصلی و آزمایشی حزب

برانگیزد، مبدل گردد. به سررساندن این امر وظیفه اساسی همه کمیته ها و سازمانهای حزبی و همه اعضای حزب میباشد.

رفقا!

در اخیر لازم می افتد، تا بار دیگر تذکر داده شود که برگزاری این مجمع مهم سیاسی که در مورد آن امروز باید تصمیم بگیریم، باید رشد هرچه بیشتر سطح همه امور را در حزب و دولت تأمین نماید و به تحکیم وحدت حزب و ارتقای نقش رهبری کننده آن در جامعه و دولت کمک نماید و وسیله نیرومندی برای یکپارچه گی حزب و مردم به دور کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دولت انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان باشد.

اهدای نشان «خورشید آزادی» مظهر سپاسگزاری عمیق مردم افغانستان به خلقهای اتحاد شوروی و دولت اتحاد شوروی است

بیانیه هنگام اهدای نشان «خورشید آزادی» به ل. بریژنف

۲۰ قوس ۱۳۶۰

رفیق گرامی لیونید ایلیچ بویژنف! رفقا و دوستان نهایت محترم!

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، شورای انقلابی، حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان و مردم افغانستان وظیفه نهایت پر مسؤولیت و بسیار پرافتخاری را به عهده من گذاشته اند که انجام آن باعث سرور بی حد من است و آن اینکه به مناسبت جشن پرافتخار (سالگرد) شما نشان عالی جمهوری دموکراتیک افغانستان نشان «خورشید آزادی» را به شما تفویض کنم و احساس گرم دوستی برادرانه، احترام عمیق و سپاس صمیمانه ابراز نمایم.

اعطای این نشان مظهر سپاسگزاری بیکران مردم افغانستان به همسایه و دوست خود، مردم بزرگی اتحاد شوروی، حزب کمونیست لنینی و شخصاً به شمار رفیق منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، صدر هیات رئیسه شورای عالی اتحاد جما هیر سوسیالیستی شوروی لیونید ایلیچ برژنف گرامی است.

شما را رفیق گرامی بریژنف، در همه گوشه های دور افتاده کشور ما به عنوان دوست بزرگ، صمیمی و مطمئن مردم افغانستان میشناسند.

در شرق ما میگویند «آهن را آتش و دوستی را زمان می آرماید»، زمان نشان داد که دوستی خلقهای افغانستان و اتحاد شوروی که دارای ریشه های عمیق تاریخی میباشد برای همیشه مستحکم و خپل ناپذیر است.

چنانکه تاریخ مبارزه افغانستان به خاطر آزادی ملی و ترقی اجتماعی شواهد است، اتحاد شوروی همیشه در اولین فرصت دست برادری و همکاری را در دشوارترین مراحل تکامل کشور ما پیش نموده است.

مبارزه قهرمانانه مردم افغانستان علیه استعمار بریتانیا به ظهور افغانستان مستقل، دارای حاکمیت ملی، سربلند و پرغرور در صحنه بین المللی منتج شد. حکومت اتحاد شوروی به رهبری لنین بزرگ پیش از دیگران و برای نخستین بار این استقلال را به رسمیت شناخت.

بعد از آن استقرار مناسبات دیپلماتیک افغان شوروی و همچنان انعقاد قرارداد دوستی، نه تنها تلاش‌های دیوانه‌وار امپریالیست‌ها را به غرض تجرید افغانستان در عرصه سیاست خارجی خنثی ساخت، بلکه تا حد زیادی باعث شناسایی بین‌المللی، استقلال دولتی و حاکمیت ملی کشور ما گردید.

در تعداد زیادی از مناطق افغانستان میتوان پروژه‌ها و ساختمان‌های مختلف را که سمبول واضح کمک بی‌شایبه همسایه شمالی و برادر به مردم افغانستان و سمبول نزدیکترین همکاری اقتصادی اتحاد شوروی و افغانستان به شمار میرود، مشاهده نمود.

اتحاد شوروی با پیروی از اندیشه‌های جنبش مترقی و کارگری و با تعقیب اصول انترناسیونالیزم واقعی، کمک وسیعی را به جمهوری دموکراتیک افغانستان بعد از پیروزی انقلاب ثور ۱۳۵۷ مبدول داشته است.

پشتیبانی اتحاد شوروی نیرومند از مبارزه قهرمانانه مردم آزادی‌دوست افغانستان در آن هنگامی که نیروهای سیاه امپریالیزم، هژمونیزم و ارتجاع منطقه جنگ اعلان‌ناشده‌یی را علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان به راه انداختند، واقع‌گرانه است. ما بارها اعلام داشته ایم و اعلام میداریم که بدون این پشتیبانی، دیگر افغانستان انقلابی، آزاد، مستقل و غیرمنسلک وجود نمی‌داشت.

این پشتیبانی نتیجه سیاست واقعاً علمی و دورنگر حزب کمونیست اتحاد شوروی به رهبری لنینست آمده، انترناسیونالیست و فادار، سیاستمدار مدبر و شخصیت دولتی بزرگ معاصر رفیق لیونید ایلیچ برژنف است.

شما رفیق گرامی لیونید ایلیچ برژنف ضمن قرار داشتن در مقام رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی و در راس دولت نیرومند جهان با تمام فعالیت خود سهم عظیم و بی‌کران در تیوری و پراتیک جنبشی جهانی کمونیستی و کارگری و مبارزه آزادیبخش ملی خلقها ادا مینماید.

روشن است که شما به چه انرژی، اعتقاد و هدفمندی، اندیشه‌های جاویدان مارکسیزم لنینیزم را به خاطر صلح در سراسر جهان، استقرار همزیستی مسالمت‌آمیز کشورهای دارای نظام‌های اجتماعی مختلف، تحکیم وحدت و همکاری نزدیک احزاب کمونیستی و کارگری، پشتیبانی وسیع از خلقهای که به خاطر استقلال، آزادی و ترقی اجتماعی مبارزه مینمایند، به خاطر سوسیالیزم و کمونیزم، سعادت و رفاه نسل حال و آینده انسان‌های سیاره ما عملی میسازید.

در سال‌های پرمشقت و دشوار جنگ با آلمان فاشیستی شما از همان آغاز در صفوف مدافعان نخستین کشور سوسیالیستی در جهان قرار گرفتند و تا آخرین روز جنگ همیشه در سنگر مقدم نبرد قرار داشتید.

در سال های جنگی قابلیت شما به حیث قوماندان عسکری، کارمند سیاسی پر شور و شخصیت دارای شجاعت بزرگ با وضاحت نمودار گردید. در جبهات جنگی، با سهم شایسته یی را در شکست کامل اشغالگران فاشیستی ادا نمودید.

نام شما رفیق گرامی بریژنف در تمام قاره های کره زمین بسیار مشهور است و دائماً با کلمات صلح، آزادی، برابری و عدالت ارتباط داده میشود و سمبول ایمان به آینده بهتر محسوب میگردد.

تمام زنده گی آگاهانه شما با حزب لنینی ارتباط گسست ناپذیر دارد و نمونه درخشان خدمت به امر بزرگ لنین، به مردم خود، به نفع اعمار کاملترین جامعه مترقی است.

جشن سالگرد شما رفیق گرامی بریژنف نه تنها برای حزب کمونیست اتحاد شوروی و دولت شوروی بلکه برای همه بشریت مترقی سیاره ما گرامی و میمون است. شما شخصیت شناخته شده و برجسته جنبش بین المللی کمونیستی و طبقه کارگر بین المللی هستید و در رأس نخستین دولت سوسیالیستی که همه افراد باوجدان روی زمین با امید بزرگی برای آینده صلح آمیز و سعادت مند به آن مینگرند، قرار دارید.

کار خسته گی ناپذیر شما متوجه تحقق بخشیدن به اندیشه های عالی و اهداف شریفانه یی است که محتوای اساسی سیاست لنینی صلح، سیاست دوستی، برادری و همبستگی با تمام نیروهای مترقی را میسازد.

حزب کمونیست اتحاد شوروی در تحت رهبری مدیرانه شما، مردم شوروی را به سوی پیروزی های نوین، در راه اعمار جامعه کمونیستی هدایت میکند. فعالیت این حزب ستاره قطب نمای روشنی برای مردمان مترقی شرق است که به خاطر آزادی ملی و اجتماعی خود میرزمند.

ما، رفیق گرامی بریژنف همیشه توجه دقیقی را که شما به سرنوشت مردم افغانستان دارید، احساس مینماییم. این توجه برای ما پشتوانه عظیمی در مبارزه به خاطر اعمار جامعه نوین، عادلانه و شگوفان بوده احساس امتنان صادقانه و سپاسگزاری عمیق را در قلب هر فرد کشور ما بر می انگیزد.

رفیق گرامی لئو نید ایلچ بریژنف برای من جای رضایت بزرگ و واقعی است که یکبار دیگر به نام مردم افغانستان، کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، شورای انقلابی و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان و از جانب شخص خود درین روز پرشکوه نسبت این جشن فرخنده به شما تبریک گفته از ته قلب صحت کامل تانرا برای سال های طولانی آرزو نمایم.

پیوندهای دوستی و برادری میان مردم افغانستان و مردم بلغاریای سوسیالیستی هرچه بیشتر گسترش و تحکیم می یابد

بیانیه در ضیافت صوفیه

۲۵ قوس ۱۳۶۰

رفیق محترم تودور ژیفکوف، رفقای عزیز!

اجازه می خواهم سپاس و امتنان صمیمانه خود را به مناسبت پذیرایی گرمی که از ما در کشور پرافتخار و زیبای شما به عمل آمد و به خاطر سخنان رفیقانه‌ی بی‌شائبه‌ی از ما ادا شد به شمار رفیق تودور ژیفکوف، رفقای عزیز حاضر درین ضیافت، همه کمونیست‌ها و مردم زحمتکش بلغاریای سوسیالیستی تقدیم بدارم. مسرورم از اینکه این بازدید فرصتی را مساعده ساخت تا با کشور بلغاریای سوسیالیستی که تحت رهبری خردمندانانه حزب کمونیست بلغاریا به رهبری شمار رفیق گرامی به پیشرفت‌های عظیم تاریخی جهانی در امر ساختمان بنیاد‌های مادی و تخنیکی جامعه پیشرفته سوسیالیستی نایل گردیده است و با زحمتکشان کشور شما از نزدیک آشنا شدم.

ما به این دعوت رفیقانه که مظهر ناب‌ترین همبستگی رزمجویانه و خدشه‌ناپذیر حزب کمونیست و دولت مردمی بلغاریا با حزب مردم و کشور ماست ارجح می‌گذاریم. ما بر آنیم که بازدید هیات عالی‌رتبه حزبی و دولتی جمهوری دموکراتیک افغانستان از کشور برادر بلغاریای سوسیالیستی گام مهم تاریخی در جهت تحکیم و گسترش پیوند‌های دوستی و برادری میان خلق‌های دو کشور است. مسلماً دوستی کشور‌های ما یک پدیده نوین نبوده بلکه به مثابه سنت دیرین و ریشه‌دار در تاریخ کشور ما درخشش خاص داشته است که این امر پس از پیروزی انقلاب ملی و دموکراتیک ثورو بخصوص مرحله نوین و تکاملی انقلاب در عالیترین سطح تکامل کیفی نوین آن ارتقا نموده است.

کمک‌های بی‌شائبه و سیاست انترناسیونالیستی بلغاریای سوسیالیستی در دوران‌های دشوار زنده‌گی زحمتکشان کشور ما آن شالوده‌تزلزل‌ناپذیری است که این دوستی بزرگ کشور‌های ما بر آن پایه استوار است و ما را در امر غلبه بر عقب‌مانده‌گی دیرینه که میراث شوم و نکبت‌بار گذشته است و در کار ساختمان جامعه نوین کمک میکند. امروز سیستم جهانی سوسیالیزم به نیروی عظیم جاذبه و منبع الهامبخش برای دگرگونی‌های زنده‌گی اجتماعی بر مبنای نوین مبدل گردیده است که اثرات تعیین

گر در مجموعه پروسه تکامل تاریخی جهانی جامعه بشری می گذارد. از برکت موجودیت سیستم جهانی سوسیالیزم و در رأس آن کشور بزرگ شوراهاست که کشور هایی که سمت تحولات انقلابی را انتخاب نموده اند در امر ساختمان جامعه نوین و تحکیم دستاوردهای ناشی از آن به پیشرفت های چشمگیر نایل گردیده اند.

رفقای گرامی!

انقلاب ملی و دموکراتیک ثور پیامد منطقی عملکرد قوانین تکامل اجتماعی و پاسخ طبیعی به نیاز تکامل جامعه ماست. مسلمانان پیروزی عظیم تاریخی زحمتکشان وطن ما که به رهبری خلاقه حزب ما، حزب دموکراتیک خلق افغانستان، حزب طبقه کارگر و همه زحمتکشان افغانستان انجام یافت، عوامل مساعد خارجی یعنی تعیین روزافزون تناسب نیروهای طبقاتی در عرصه بین المللی به نفع نیروهای صلح، دموکراسی، ترقی اجتماعی و سوسیالیزم نقش عظیمی را ایفا نمود، زیرا امروز اردوگاه صلح و سوسیالیزم است که سمت اساسی تکامل تاریخی بشریت را معین می کند. هموطنان زحمتکش و عذابدیده ما این تحول عظیم کیفی را در تاریخ سالمند سیاسی کشور خود که برای نخستین بار حاکمیت سیاسی زحمتکشان به رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان این پیشوای آبدیده سیاسی طبقه کارگر کشور ما و همه زحمتکشان استقرار یافت، با صمیمیت شادباش گفتند. انقلاب ملی و دموکراتیک ثور و بخصوص مرحله نوین تکاملی انقلاب که ره آورد منطقی آن رهایی زحمتکشان کشور ما از زیر یوغ استبداد طراز فاشیستی است با توجه به سنن ملی و رسوم ملیت ها، اقوام و گروه های ملی کشور کثیرالمله ما گامهای مطمئن و استوار در جهت ترقی و اعتلای وطن برداشته و با به کار بستن شیوه های دموکراتیک متناسب به آهنگ رشد اجتماعی و ظایف انقلابی را تحقق می بخشد. ساختمان جامعه نوین در کشور ما با دشواری ها و مسایل بفرنجی که از متن زنده گی پدید می آید، همراه است که حل آنها برخورد سنجشمنده، علمی و خلاقانه را از ما می طلبد، زیرا در روند بازسازی جامعه اکثریت زحمتکشان سهم می گیرند و برخورد ذهنی نادرست و مجرد از زنده گی اثرات ناگوار و منفی در پروسه آتیه تکامل جامعه میگذارد.

حزب ما برپایه در این واقعیت است که در تعیین اهداف و شیوه های ساختمان جامعه نوین با تمام قدرت می کوشد از تکرار اشتباهات زیانبخش پیش از مرحله نوین تکاملی انقلاب که متأسفانه هنوز نتایج تلخ آن بار دوش این مرحله انقلاب است، جداً اجتناب شود.

حزب ما درین زمینه به پیروزی های معین که میتوان آنرا اطمینانبخش ارزیابی نمود نایل آمده است و از برکت سیاست علم تنظیم شده حزب ما که مسؤولیت خطیر رهبری ساختمان جامعه نوین را به عهده دارد پروگرام های کنونی و آینده ما در

مورد تحکیم حاکمیت زحمتکشان و حزب ما به مثابه رهبر آن تنظیم گردیده است. این اقدامات حزب و دولت انقلابی ما در جهت ساختمان جامعه نوین بر پایه کار بست خلاق اندیشه های پیشرو عصر ما با شرایط مشخص جامعه ما بنیان دارد و از تجارب غنی و پر بار تاریخی جهانی سیستم جهانی سوسیالیزم و در پیشاپیش آن اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و مجموعه جنبشی انقلابی دوران معاصر فیض گرفته است.

پروگرامهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ما در مرحله نوین تکاملی انقلاب که بر پایه محاسبه دقیق شرایط اوبژکتیف و سوبژکتیف جامعه ما تنظیم شده است میتواند نمونه عالی از تأمین پیوند منطقی این برنامه ها با پراتیک اجتماعی باشد و توانسته است نیروی سازنده بخش های عمده زحمتکشان را در ساختمان جامعه نوین بسیج و رهبری کند.

هدف اساسی پروگرامهای انکشاف اقتصاد ملی و اجتماعی ما ارتقای سطح مادی و فرهنگی زنده گی زحمتکشان بر پایه آهنگی رشد در تولیدات صنعتی و زراعتی، بالابردن مؤثریت کار در تمامی عرصه های تولیدی است. با اینکه تحقق این پروگرام ها در اثر خرابکاری های ضدانقلاب صادر شده از آنسوی سرحدات ما بعضاً با موانع مواجه میگردد با آنهم یک آهنگ رشد بالنسبه مطمئن افزایش درین زمینه ها وجود دارد. تجارب مشخص حزب ما نشان میدهد که وارد کردن اراده فردی و تمایلات ذهنی در مسایل میرم اقتصادی تا چه حد زیان آور و گران تمام میشود. سیاست حزب ما با منافع تمام زحمتکشان کشور ما انطباق کامل دارد و به همین جهت است که روزتاروز سهمگیری توده های وسیع زحمتکشان در امر تحقق پروگرامهای انقلابی ما برای بازسازی کشور ابعاد گسترده تر کسب میکند.

تمامی این اقدامات از برکت قدرت رزمنده گی حزب ما از نیروی ایمان خدشه ناپذیر آن در امر خدمت به زحمتکشان و سیاست اصولی ما که یگانه سیاست درست است و سرچشمه میگردد. حزب ما اکنون از لحاظ تشکیلاتی و ایدئولوژیک یک حزب یکپارچه و با انضباط فولادین، رسالت تاریخی خود را به مثابه رهبر آگاه جامعه به شایسته گی و وجه احسن انجام می دهد.

یکی از عمده ترین وظایف حزب دموکراتیک خلق افغانستان و جمهوری دموکراتیک افغانستان تأمین امنیت عام و تام در کشور است. ما درین زمینه علی الرغم تلاش جنایتکارانه ضدانقلاب که وحشیانه و دزدانه زنده گی آرام ما را بر هم میزنند به پیروزی بزرگی دست یافته ایم، ضدانقلاب به شکست قطعی محکوم است، این حکم آمرانه زمان ماست.

پیروزی مرحله نوین و تکاملی انقلاب شرایط را برای تحقق اصول قانونیت دموکراتیک و تحکیم آن مساعد ساخت. در این مرحله انقلاب اسناد مهمی از جمله

اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان تصویب گردید که گام بزرگی در زندگی سیاسی کشور ماست.

رفقای عزیز!

در مرحله کنونی تکامل جامعه ما یکی از بزرگترین دستاوردهای آن تشکیل جبهه ملی پدروطن جمهوری دموکراتیک افغانستان است که به عنوان یک ضرورت، به ابتکار حزب ما و تحت رهبری آن تحقق پذیرفت. تشکیل این جبهه رویداد پراهمیتی در تاریخ کهنسال کشور ماست که برای نخستین بار تمام نیروهای ملی، وطنپرست و ترقیخواه کشور ما را تحت درفش واحد ملی به خاطر دفاع از شرف و ناموس و وطن برای طرد و دفع تجاوز و مداخله مسلحانه امپریالیسم و ارتجاع و به خاطر سهمگیری در امر ساختمان جامعه نوین به هم پیوند داد.

تشکیل این جبهه عالیترین مظهر تحقق دموکراسی، گام مهم در تحکیم عدالت اجتماعی و ضربه کوبنده به ضدانقلاب است. جبهه ملی پدروطن افغانستان با اینکه از مدت تاسیس آن زمان کمی سپری گردیده است، توانسته با جبهه پدروطن بلغاریای سوسیالیستی و دیگر کشورهای برادر سوسیالیستی ارتباط محکم و برادرانه برقرار سازد و از تجارب آنان در امر رسالت عظیم تاریخیش استفاده برد.

رفقای عزیز!

جهانبان امروز ناظر جنگ وحشیانه اعلان نشده امپریالیسم بین المللی به سرکرده گی امپریالیسم جهانخوار ایالات متحده امریکا، هژمونیزم چین، ارتجاع عرب و ارتجاع منطقه علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان است که پاکستان درین میان نقش تخته خیز تجاوز و مداخله نظامی را علیه کشورها ایفا میکند. این امر، صلح و امنیت را در منطقه ما و بالنتیجه در جهان جداً با خطر مواجه میسازد. جمهوری دموکراتیک افغانستان به تاسی از اصول سیاست خارجی صلحجویانه خویش که مبنی بر سیاست همزیستی مسالمت آمیز، حسن همجواری با کشورهای همسایه، احترام به حق حاکمیت ملی و عدم مداخله در امور یکدیگر و عدم انسلاک و همبستگی رزمجویانه بین المللی و برضد امپریالیسم و جنگ و مبارزه در راه صلح، خلع سلاح و دیتانت استوار است برای حل و فصل سیاسی اوضاع اطراف افغانستان به ابتکارات بزرگ تاریخی که با منافع روند صلح در منطقه و جهان مطابقت کامل دارد، مبادرت ورزید، پیشنهادهای مورخ چهارده می ۱۹۸۰ و پیشنهادهای دوازده اگست سال ۱۹۸۱ و پیشنهادهای اخیر ما که با استقبال وسیع محافل اجتماعی و سیاسی واقعبین جهان روبرو گردید از انعطاف لازم و تدابیر مشخص حل و فصل سیاسی پرابلم برخوردار بوده دربرگیرنده حل علمی این اختلافات است که متأسفانه با حسن استقبال از جانب همسایه گان مواجه نگر دیدیم.

ما یکباردیگر از رژیم نظامیگر ضیاء الحق که کشور پاکستان را به پایگاه تجاوز و مداخله نظامی علیه افغانستان انقلابی و آزاد تبدیل کرده می‌طلبیم تا از آن اقداماتی که به طور قطع با صلح و امنیت در منطقه ما و جهان وفق نمیکند دست برداشته و به ندای صادقانه ما برای حل و فصل سیاسی پرابلمهای منطقه پاسخ مثبت دهد. ادامه وضع موجود در منطقه تنها به نفع امپریالیزم و هژمونیزم است که سیاست تشنج و جنگی را دنبال میکند. افغانستان انقلابی به مثابه یک کشور غیرمنسلك همراه با سایر کشور های غیرمنسلك در جبهه جهانی مبارزه علیه سیاست جنگی و تشنج امپریالیستی قاطعانه می‌رزند. جهان ما شاهد هماهنگی مبارزه جنبش عدم انسلاک با اردوگاه صلح و ترقی اجتماعی متحد طبیعی این نهضت است که علیه امپریالیزم و برای صلح و امنیت بین المللی، کاهش تشنج، خلع سلاح و دیتانت مبارزه میکند، دورنمای تکامل این پروسه بسیار زیاد نوید بخش است.

اوضاع بین المللی در اثر سیاست احیای جنگ سرد، تدارکات جنگی، مسابقه تسلیحاتی لگام گسیخته هسته‌وی، برنامه‌های تولید بم نیوترونی که ماهیت ضدبشری آن کاملاً مشهود است، اسلحه کیمیاوی و بیولوژیکی، اعمار سیستمهای نوین اسلحه کشتارجمعی، تجاوز و شانتاژ امپریالیزم ایالات متحده امریکا به وخامت انفجار آمیزی کشانیده شده است. سیاست امپریالیزم امریکا آشکارا به پایه‌ی تقابل نظامی با اردوگاه صلح و سوسیالیزم و سرکوب مسلحانه جنبش خلق‌ها بنیاد دارد. طفره روی از مذاکرات سازنده پیرامون تحدید اسلحه استراتژیکی هستوی، حل سیاسی منازعات بین المللی، برچیدن پایگاه‌های نظامی از کشورهای خارجی و برطرف کردن علل موجودیت بسترهای داغ تشنج علایم مشخصه سیاست خارجی ایالات متحده امریکا است. این کشور با تکیه بر سیاست از موضع زور و سیاست چماق بزرگ نیروی و اکنش سریع دوصدوسی هزار نفری را تشکیل داده است تا در امر سرکوب جنبش‌های آزادیبخش ملی و حفظ آن نواحی که مناطق «منافع حیاتی» ایالات متحده گردیده است مداخله کند.

مرحله موجود در عملکرد سیاست احیای جنگ سرد ایالات متحده امریکا به صورت فزاینده خطر جنگ گرم را افزایش داده است.

شایان توجه است که اخیراً رونالد ریگن از احتمال جنگ محدود هستوی در اروپا بدون آنکه این کشور تجاوزگر از آن متأثر گردد، سخن گفت و بدون تردید بر پایه این محاسبه ضد بشری است که ایالات متحده امریکا در صدد استقرار ششصد راکت هستوی با برد متوسط و وسایل هستوی پایگاه‌های مقدم امریکا در اروپا برآمده است.

اروپا تنها آماج سیاست ضدسلاح ایالات متحده امریکا نیست. این کشور همراه با چین هژمون نیست که بر بنیاد اظهارات رسمی رهبران این دو کشور، هیچگاه تا این حد پیرامون مسایل عمده بین المللی نزدیک نبوده اند اوضاع را در مناطق مختلف آسیا

به وخامت انفجاری کشانیده اند. ایالات متحده آمریکا با ایجاد شبکه های وسیعی از پایگاه های نظامی در مصر، صومال، کینیا، عمان و اسرائیل و کسب امتیازات برای تأسیس پایگاه های نوین برای جا به جا کردن نیروی واکنش سریع برای سرکوبی جنبش آزادیبخش ملی عرب و جنبش مقاومت عرب فلسطین و دسیسه کمپ دیوید وضع را در شرق میانه به بن بست کشانیده اند.

در بخش جنوب غرب و جنوب شرق آسیا تلاشهای گسترده امپریالیزم امریکا، اروپای غرب و متحد استراتژیك آنها، شوونیست ها، برای کشانیدن هرچه بیشتر کشورهای انجمن ملل جنوب شرق آسیا (آسیان) به سازمان سیاسی نظامی مشهود است تا ازین سازمان به مثابه وسیله برای مقابله با روند انقلابی درین منطقه جهان استفاده کنند. درین مورد ما قاطعانه از پیشنهادهای سه کشور هندوچین، ویتنام سوسیالیستی، جمهوری مردم کمپوچیا و جمهوری دموکراتیک مردم لاوس دفاع می کنیم و آنرا یگانه الترنتایف برای صلح و آرامش در منطقه جنوب شرق آسیا میدانیم ما بر آنیم که وحدت کوریا از طریق مسالمت آمیز باید تأمین گردد و تمام پایگاه های نظامی ایالات متحده امریکا در جنوب کوریا منحل شود و عساکر این کشور بخش جنوب کوریا را ترک گویند.

ایالات متحده امریکا یکدست با رژیم نژادپرست پرتوریا کشورهای جبهه مقدم را پیوسته مورد تهاجم قرار داده است و از ادامه اشغال غیرقانونی نامیبیا توسط نژادپرستان آفریقای جنوبی حمایت میکند از تقویض استقلال به نامیبیا به رهبری سواپو ممانعت به عمل می آورد. تلاشهای ایالات متحده امریکا در جهت کشانیدن جامعه کشورهای آفریقای غربی به یک سازمان سیاسی نظامی ادامه دارد. به همین گونه امپریالیزم ایالات متحده امریکا تمام دسایس جهنی را علیه قبرس به کار انداخته است. هدف عمده امریکا برگردانیدن کامل این جزیره به پایگاه عمده راکتی و هوایی ناتو و کشانیدن آن به این پیمان تجاوزگر است.

این تلاش های امپریالیستی خطر فزاینده را برای تمام کشورهای این منطقه به بار آورده است، ما بر آنیم که باید وحدت قبرس، حاکمیت و استقلال ملی این کشور احترام شود و تمام پایگاه های نظامی خارجی منحل و عساکر خارجی از این کشور اخراج گردند.

پایگاه دیگوگارسیا در بحر هند و پایگاه امریکا در اوکیناواای جاپان صلح و امنیت را در بحر هند و بحر الکاھل وسیع سبوتاژ میکند، باید این پایگاه هما منحل گردند.

وضع در امریکای لاتین در اثر تهدید امریکا به استعمال نیروی نظامی علیه کیوبای قهرمان و مداخله در امور داخلی السلوادور، نیکاراگوای گرینادا و کشورهای حوزه کارابین به وخامت کشانیده شده است. ایالات متحده امریکا باید به تمام تهدیدات

نظامی در امریکای مرکزی و لاتین پایان داده و حق کشورها را در تعیین سرنوشت شان احترام گذارد.

حزب ما که از مدت ها به اینسو با علاقه مندی خاص اوضاع پولند را تعقیب نموده با رعایت آن اقدامات اخیر شورای دولتی جمهوری پولند را به خاطر پایان بخشیدن به حوادث ایجادشده در اثر تحریکات و توطئه های عناصر راستگرای افراطی ارزیابی می نماید. ما اقدامات آتی شورای دولتی پولند را به رهبری یاروزلسکی به منظور در تحت نظم آوردن اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پولند که به قیمت خون میلیون ها تن از بهترین فرزندان آن کشور به دست آمده است و به یقین حفظ قانونیت و اداره نظم اجتماعی را به همراه خواهد داشت به موقع، عادلانه و قانونی می دانیم.

این اقدامات صرفاً مربوط به امور داخلی کشور مستقل پولند بوده، آنهایی که در ما و رای سرحدات پولند، در غرب به فکر توطئه علیه مردم پولند هستند به هدف شوم خویش دست نخواهند یافت.

مردم پولند قادر خواهد بوداز این آزمون جدید تاریخی سرفراز به در آمده و به شایسته گی در قبال وضع کنونی که دارای اهمیت خاص تاریخی برای سرنوشت آنها میباشد، برخورد نموده با قاطعیت به راه برگشت ناپذیر خود در جهت صلح و سوسیالیزم به پیش خواهندرفت.

منافع حیاتی مردم پولند به موجودیت آن کشور در پیمان وارسا و در میان خانواده مشترک همه کشورهای سوسیالیستی ارتباط ناگسستگی دارد. مستحکمترین تضمین برای خوشبختی تاریخی و حیاتی مردم پولند را دوستی خلل ناپذیر برادرانه با همه کشورهای سوسیالیستی و بخصوص اتحاد شوروی که این دوستی در مبارزه علیه فاشیزم نضج یافته است، تشکیل میدهد.

همه انسان های شرافتمند روی زمین اقدامات اخیر رهبری پولند سوسیالیستی را تأیید و پشتیبانی می نمایند.

رفقای عزیز!

تکامل اوضاع بین المللی ضرورت مبرم مبارزه مشترک تمام کشورها و مردمان صلحدوست جهان را در مبارزه علیه سیاست جنگی و تجاوز امپریالیستی و برای صلح و امنیت بین المللی می طلبد. ما جداً معتقد هستیم که میتوان از برکت موجودیت سیستم جهانی سوسیالیزم و در رأس کشور بزرگ شوراهای که از همان بدو پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر از نخستین فرمان صلح تا پیشنهادهای صلح مطروحه در کنگره بیست و ششم حزب کمونیست اتحاد شوروی نیروهای امپریالیزم را مهار کرد و صلح پایدار را که با منافع بشریت پیوند سرشتی دارد تأمین نمود.

جمهوری دموکراتیک افغانستان پیوسته در فعالیت های سیاست خارجی خود از پیشنهاد های سازنده اتحاد شوروی در مورد اعلام دهه هشتاد به نام دهه صلح که در کنگره بیست و ششم حزب کمونیست اتحاد شوروی در بیانیه رفیق لیونید ایلچ برژنف منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و صدر هیات رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی انعکاس یافت قاطعانه پشتیبانی نموده در راه تحقق آن در جبهه جهانی مبارزه برای تأمین صلح و امنیت بین المللی تعمیق روند دیتانت ، کاهش تنشج و تقابل نظامی و خلع سلاح می رزمند.

ما همچنان عمیقاً معتقد هستیم که تقاضانامه بیست و هشت جون سال ۱۹۸۱ شورای عالی اتحاد شوروی به پارلمان ها و مردمان جهان میتواند اثرات بزرگی در جهت تأمین صلح بگذارد.

حزب و حکومت انقلابی ما پیشنهاد های پنج فقره یی رفیق بریژنف را که در پارلمان هند ارائه شد، یگانه التر ناتیف برای تأمین صلح و ثبات در بحر هند و حوزه خلیج فارس میداند.

جمهوری دموکراتیک افغانستان از تدویر کنفرانس بین المللی برای حل پرابلم خاورمیانه به شرکت اتحاد شوروی و سازمان آزادیبخش فلسطین این یگانه نماینده قانونی مردم عرب فلسطین پشتیبانی نموده معامله ننگین کمپ دیوید و طرح به اصطلاح خود مختاری فلسطین را که توطئه یی علیه موجودیت فلسطین مبارز و قهرمان است، تقییح میکند.

اما برآنیم که بدون حق تعیین سرنوشت و تشکیل دولت مستقل ملی فلسطینی، اخراج عساکر اشغالگر اسرائیل از سرزمین های اشغالی عرب و احترام به حق حاکمیت و استقلال کشور لبنان که پیوسته سرحدات پذیرفته شده بین المللی این کشور مستقل مورد تهاجم نظامی اشغالگران اسرائیل قرار میگیرد، صلح نمیتواند در شرق میانه به میان آید.

درین میان اشغالگران متجاوز اسرائیلی به تشویق و با برخورداری از حمایت همه جانبه امپریالیزم ایالات متحده امریکا دست به الحاق ارتفاعات جولان زده است که این اعمال و حرکات توسعه طلبانه و جنگ افروزانه وسیع به وخامت اوضاع در شرق میانه دامن میزند. اما این عمل تجاوزگران، سیاستمداران ماجراجوی اسرائیل را با قاطعیت محکوم نموده خواهان اخراج عساکر اسرائیلی نه تنها از ارتفاعات جولان بلکه از همه سرزمینهای اشغالی عرب میباشیم.

بدون تردید کنفرانس بین المللی در کولمبو که باید تدویر گردد گام بزرگی در تبدیل بحر هند به حوزه صلح بوده و از پشتیبانی قاطع ما برخوردار است.

جمهوری دموکراتیک افغانستان به مثابه یک کشور صلحدوست همراه با اردوگاه صلح و سوسیالیزم، جنبش عدم انسلاک و تمام مردمان صلحدوست جهان علیه سیاست تجاوزگرانه و ضد صلح امپریالیزم و علیه استعمار، استعمار نو، فاشیزم، نژاد پرستی و آپارتاید و برای صلح خلع سلاح، کاهش تشنج بین المللی در این مبارزه عظیم رهایی بخش با نیروهای صلحدوست جهان است.

رفقا! مسرورم از اینکه روابط برادران دو کشور ما در سطح عالی از دوستی خدشه ناپذیر و پایدار به نفع صلح و ترقی اجتماعی ارتقا نموده است، ما حمایت بزرگی انترناسیونالیستی را که در کنگره دوازدهم حزب کمونیست بلغاریا در سخنرانی رفیق تودور ژیکوف بازتاب یافت به دیده سپاس و قدر نگریسته و به نوبه خود پیروزی های مزیدی را برای زحمتکشان جمهوری مردم بلغاریا در امر تحقق پروگرامهای انکشاف اقتصادی و اجتماعی مصوب دوازدهمین کنگره حزب کمونیست پرافتخار بلغاریا آرزو میکنیم.

ما یقین کامل داریم که دوستی دو کشور به نفع مردمان ما و صلح و ترقی اجتماعی بیشتر رشد میکند.

روابط میان جمهوری دموکراتیک افغانستان و جمهوری سوسیالیستی بلغاریا بر مبنای انترناسیونالیسم پرولتری رشد و تقویت مییابد

بیانیه در ضیافت وار نای بلغاریا

۲۸ قوس ۱۳۶۰

رفقا و دوستان! اجازه بدهید، به نماینده گی از کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، حکومت، مردم زحمتکش و قهرمان جمهوری دموکراتیک افغانستان صمیمانه ترین شادباش و درودهای گرم انقلابی را به شما رفقا و از طریق شما به مردم زحمتکش بلغاریا سوسیالیستی تقدیم نمایم.

دیدار از کشور زیبا، پیشرفته و شگوفان جمهوری سوسیالیستی بلغاریا از زادگاه شخصیت بزرگی انقلابی گیورگی دیمتروف برای ما نهایت جالب، مسرتبخش و با اهمیت است. میخواهم یکبار دیگر از مهمان نوازیهای گرم و صمیمانه رفقای بلغاریا اظهار تشکر نموده، پیروزی های عظیم مردم قهرمان بلغاریا را در امر تکوین جامعه رشد یافته سوسیالیستی آرزو نمایم.

رفقا!

انقلاب ثور که تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان و به اتکای اراده اکثریت مردم زحمتکش کشور ما به پیروزی رسید، آغاز فصل نوینی در تاریخ چنددهه ارساله سرزمین ما و در زندگی مردمان رنج دیده و بلاکشیده افغانستان به حساب می رود. با پیروزی انقلاب ثور، افغانستان راه رشد مستقلانه را در جهت براندازی کلیه عقب ماندگی های قرون وسطایی و پایه گذاری جامعه نوین عدالت اجتماعی که در آن برای همیشه به ستم و استثمار پایان داده شده و انسان زحمتکش به سرنوشت خویش حاکم گردیده است در پیش گرفت. انقلاب افغانستان راه ایجاد دگرگونی های عمیق و بنیادی را در کشور ما هموار نمود.

اما اندکی پس از پیروزی انقلاب افغانستان، ارتجاع و امپریالیسم در تباری با کلیه همدستان خاین خویش طریق مقابله با انقلاب ثور و نابودی دستاوردهای انقلابی را در افغانستان در پیش گرفتند و تمام نیرو را به کار بستند تا از رشد پیروزمندانه انقلاب ما جلوگیری به عمل آورند.

امپریالیسم و در رأس امپریالیسم جنایتکار ایالات متحده امریکا در چارچوب ستراتیژی تجاوزکارانه مقابله با انقلاب ما نه تنها جنگ اعلان ناشده راعلیه

افغانستان انقلابی آغاز نهاد و با ارسال باندهای ضدانقلابی این جنگ تجاوزکارانه اعلان نشده را مداوماً وسعت داد، بلکه کوشید تا با نفوذ جواسیس خطرناک خود در حزب ما مانند حفیظ الله امین که در چهره ما و رای انقلابی تبارز مینمود، ضربات سنگینی را بر پیکر انقلاب ما وارد نموده و به اینگونه انقلاب ثور را از مسیر اصلی آن منحرف و دچار وقفه و شکست سازد.

نقشی را که منحرفان به سردمداری حفیظ الله امین به سود منافع ستراتیژیک امپریالیزم و در رأس امپریالیزم ایالات متحده امریکا ایفا نمودند یکی از تجارب تلخ در روند جنبش های انقلابی، درس آموزنده برای رونده گان راه انقلاب در کشور است.

اما ستراتیژی امپریالیزم در رأس امپریالیزم امریکا در مقابله با انقلاب افغانستان سر انجام تحقق نیافت و به شکست فزاینده منتهی گردید. دیکتاتوری خونین امین در بیست و هفت دسامبر ۱۹۷۹ از هم فروپاشید و انقلاب ثور وارد مرحله نوین تکاملی آن گردید که این خود ضربت مرگبار و شکننده‌ی بود که بر فرق امپریالیزم امریکا این دشمن اصلی مردم افغانستان وارد آمد.

پیروزی های عظیم نیروهای ترقیخواه و وطنپرست کشور ما در برابر تجاوزات و مداخلات بیگانه گان بعد از سرنگونی رژیم جنایتکار امین با کمک بی شایبه، بیغرضانه، برادرانه و رفیقانه اتحاد شوروی کبیر که به خواست قانونی حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان مطابق به قرارداد دوستی و همکاری دسامبر ۱۹۷۸ میان افغانستان و اتحاد شوروی و ماده (۵۱) منشور سازمان ملل متحد پاسخ مثبت داد، ارتباط ناگسستگی دارد. کمک اتحاد شوروی به افغانستان انقلابی آنهم در شرایط دشواری که دستاوردهای انقلاب، تمامیت ارضی و حاکمیت ملی افغانستان در خطر جدی قرار گرفته بود به حیث یکی از نمونه های بر جسته همبستگی رزمجویانه بین المللی در عمل میباشد.

دوستان محترم!

هنوز تجاوز امپریالیستی علیه افغانستان انقلابی ادامه دارد. هنوز صدور ضدانقلاب از ما و رای مرزهای کشور ما صورت میگیرد و بلااثر اینجا و آنجا نظم و آرامش زنده گی مردم ما مختل میگردد. هنوز کلیه هرم های امپریالیستی در منطقه ما به خاطر ناکامی انقلاب افغانستان مورد استفاده قرار میگیرد و هنوز توطئه وسیع تجاوزگرانه در منطقه ما صلح و امنیت را به مخاطره افکنده است.

حزب دولت انقلابی ما با وجود فشارسنگین تحریکات ضدانقلابی که به رهبری امپریالیزم، هژمونیزم و ارتجاع صورت میگیرد، توانسته است در جهت تثبیت، تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلابی همگام های بلندی بردارد.

در این زمینه اجمالاً میتوان در عرصه های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی از پایان کلیه نابسامانیها و میراث های شوم و دوران دیکتاتوری گذشته، احیای آزادیها و حقوق دموکراتیک، تطبیق قانونیت انقلابی، تصویب اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان به مثابه قانون اساسی موقت در کشور، احترام به عقاید دینی و مذهبی و رسوم و عنعنات پسندیده ملی، رعایت اصل کانون خانواده، تأمین امنیت و مصئونیت شخصی افراد، تحکیم روند وحدت نیروهای ملی و اجتماعی تحت درفش جبهه ملی پدروطن که زحمتکشان کشور ما را اعم از نیروهایی که در چارچوب سازمانهای مختلف مشتمل بر اتحادیه های صنفی، کوپراتیف های زراعتی، سازمانهای دموکراتیک جوانان و زنان، اتحادیه های روشنفکران خلاق، شورای علما و روحانیون، جرگه های اقوام و قبایل انجمن های صلح، دوستی و همبستگی، اعضای کمیسیون های مشورتی اقتصادی مشتمل شده و سایر نیروهای ملی و دموکراتیک را در بر میگیرد و از پیروزی های وسیع در مبارزه با ضدانقلاب و حکیم قدرت مردمی در کشور یادآوری نمود.

حزب و دولت انقلابی ما همچنان قادر گردیده است تا اقدامات مشخص را به سود توده های زحمتکش مردم و اعتلا و رشد جامعه به میدان عمل بکشاند. هم اکنون مرحله نوین اصلاحات دموکراتیک ارضی در جهت تصحیح و ادامه مرحله اول در کشور ادامه دارد. پیروزی های ما در زمینه حل مسایل کشاورزی، جنبش کوپراتیفی را متحد میسازد. رشد تولیدات زراعتی و کمک به دهقانان در زمینه فروش مساعد محصولات تولیدی مربوط آنان قابل یاد آوری است. همچنان باید از تدابیر مهم در زمینه تشکل زحمتکشان کشور در چارچوب اتحادیه های صنفی، افزایش دستمزد کارگران از بیست و چهار الی پنجاه فیصد و عقد قراردادهای جمعی میان کلکتیف های زحمتکشان و مؤسسات تولیدی که بر پایه آن نقش کارگر آن در رهبری پروسه های تولیدی تثبیت میگردد و تدوین قوانین عادلانه و دموکراتیک در زمینه کار و حقوق کارگران در ساحه جنبش کارگری افغانستان تذکر داد.

پلان هایی رویدست گرفته شده است که در نتیجه آن ما خواهیم توانست به عقب مانده گی دیرپای سده ها در افغانستان پایان دهیم و مقدمات ایجاد جامعه نوین عدالت اجتماعی را در کشور فراهم سازیم. آنچه تاکنون عملی گردیده از اهمیت فراوانی برخوردار است. زیرا در کشور ما نمیتوان به دگرگونیهای انجام شده در سمت تأمین حقوق مردم، پایان دادن به کلیه اشکال ستم و بیعدالتی، گسترش معارف و فرهنگ نوین، ایجاد اقتصاد مستقل ملی و تأمین وحدت نیروهای مردم کم بهاداد. کاری که تا کنون در کشور ما انجام یافته تنها و تنها در نتیجه پیروزی انقلاب و رهبری حزب انقلابی میسر بوده است و بس.

رفقای گرامی! سیاست خارجی جمهوری دموکراتیک افغانستان بر مبنای اصول همزیستی مسالمت آمیز، تعهد همبستگی رزمجویانه بین المللی و صلح استوار است

پیشنهادهای چهارده می ۱۹۸۰ و بیست و چهار اگست ۱۹۸۱ جمهوری دموکراتیک افغانستان مبنی بر حل سیاسی او ضاع پیرامون افغانستان به خوبی نشان دهنده سیاست صلحدوستی حزب و دولت انقلابی ما میباشد.

ما از همسایه گان خود درخواست نموده ایم تا باعقل و خرد به حوادث ببیندیشند و نگذارند تا تشنج در منطقه ما ادامه یابد.

ما با انعطاف پذیری کامل آماده گی خود را برای مذاکرات دوجانبه و یا سه جانبه نشان داده ایم . ما ابراز داشته ایم که در مذاکرات میان افغانستان و همسایه گان آن میتواند سرمنشی سازمان ملل متحد و یا نماینده وی شرکت نماید. هیچکس نمی تواند از آماده گی اصولی ما به خاطر حل سیاسی اوضاع اطراف افغانستان و استقرار صلح در منطقه انکار نماید. اما آماده گی ما برای مذاکرات به هیچ وجه مبین ضعف ما نیست. ما نیروی کافی برای دفاع از خود داریم و مردم ما به نیروی حزب و دولت خود با اطمینان، اتکا دارند.

رفقا!

ما در عرصه سیاست خارجی معتقدیم که تناسب نیروها در عرصه جهان به سود جبهه ضد امپریالیستی و به زیان امپریالیزم تغییر نموده است. پیروزی خلقها در مبارزه علیه امپریالیزم طی ده سال گذشته بهترین شاهد ادعای ماست . پس از شکست مفتضحانه امپریالیزم امریکا در ویتنام، شاهد برچیدن تسلط غارتگرانه امپریالیزم و پیروزی انقلابها در دوازده کشور جهان منجمله در ویتنام جنوبی، نیکاراگوا، زیمبابوی و افغانستان هستیم و این خود نشان میدهد که مبارزه خلقهای محروم در مقابل امپریالیزم و استعمار از قوت بیشتری برخوردار گردیده است.

سقوط رژیم های فاشیستی در اسپانیا، پرتغال و یونان، سمتگیری سوسیالیستی در بیست کشور جهان با یکصد و پنجاه میلیون نفوس و از هم گسستن زنجیرهای استبداد وستم در کشورهای مختلف جهان همه و همه نمونه های عمده پیروزی خلقها در مقابله با ارتجاع و امپریالیزم می باشند. در برابر شکستهای پیهم امپریالیزم، این کشورهای سوسیالیستی، جنبش طبقه کارگر بین المللی و جنبش های آزادیبخش خلقهاست که نیرو میگیرد و پیروزی های عظیمی را کسب مینماید. متناسب با پیروزی های عظیم خلقها، امپریالیزم اینک یکبار دیگر تلاش مینماید تا بنا به گفته یی پس از شفایابی زخم های کهن تجاوز علیه نیروهای پیشرو و انقلابی را شدت بخشد و به گفت شیطان بزرگ سیاست تجاوزکارانه امپریالیستی دالس، اتموسفیر هیجان انگیز اوضاع روانی دوران جنگ را به وجود آورد.

خصوصیت مهم لحظه کنونی سیاست جهانی را تلاش های مذبحانه امپریالیزم در جهت مقابله با دستاوردهای صلح و تشدید تشنج تشکیل میدهد. امپریالیزم و در

پیشاپیش آن امپریالیزم جنایتکار ایالات متحده میکوشد با دامن زدن به تشنج سیاسی از پیشروی روند دیتانت جلوگیری نماید جهان را به دوران جنگ سرد و مسابقات تسلیحاتی بکشاند. پیروزی های جنبشهای رهایی بخش ملی را سد شده زمینه های ناکامی این جنبش هارامساعد سازد. از پیروزی های کشورهای که راه رشد مستقل ملی را در پیش گرفته اند جلوگیری نماید و از نزدیکی آنان با کشورهای سوسیالیستی ممانعت به عمل آورد.

امپریالیزم هم اکنون برای مقابله با خلقها، نیروی وسیعتری را در عرصه های اقتصادی، نظامی و تبلیغاتی به کار انداخته است.

در منطقه ما وضع وخامت بیشتری کسب نموده است. تلاش های امپریالیزم در زمینه ادامه جنگ میان عراق و ایران، بسیج بیش از پیش رژیم های ارتجاعی عرب، کمک نظامی بلاعوض وفوری پنجمصد میلیون دالری به پاکستان وقرضه ۲،۵ میلیارد دالری بانک جهانی به پاکستان، کمک آشکار به ضدانقلاب افغانستان در پاکستان، تبدیل دیگوارسیا به بزرگترین پایگاه تجاوز نظامی امریکا در منطقه بحر هند، آماده گی انگلیس برای در اختیار گذاشتن پایگاه نظامی عظیم آن کشور در قبرس برای ارتشی تجاوزی ایالات متحده، مذاکرات میان امریکا و مصر، امریکا و پاکستان برای ایجاد دو پایگاه نظامی جدید درین دو کشور وبخصوص کمکهای نظامی اخیر عربستان سعودی به پاکستان در مورد خرید چهل طیاره اف-۱۶ جنگنده ایالات متحده و غیره همه وهمه نشان می دهد که نقشه جهانی تجاوزگرانه توسط امپریالیزم در رأس امپریالیزم امریکا بخصوص علیه انقلاب ما و جنبش های آزادیبخش در منطقه در کار است. در مناطق دیگر نیز وضع به همین منوال است.

اما ما معتقدیم که امپریالیزم در شرایط کنونی نه با تهدید جنگ محدود اتمی، نه با تولید بم نیوترون، نه با ایجاد پایگاه ها ونیروگاههای جدید نظامی، نه با افزایش ژاندارمهای منظوقوی ونه با محاصره های اقتصادی و جنگ روانی، نمیتواند نیروی عظیم خلقهای جهان را از پا در بیاورد.

سیل عظیم نبرد در جریان است و این نبرد هرروز منسجم تر، متحد تر و نیرومندتر میگردد. ما در برابر کلیه تلاشهای تجاوزگرانه امپریالیزم به نیروی میلیونی توده های مردم باور داریم و مطمئنیم که میتوان به این تلاشها لگام زد.

در اوضاع واحوال کنونی جهان باید جبهه صلح را نیرومند تر ساخت. توجه جدی به پیشنهادهای صلح اتحاد شوروی که در بیست وششمین کنگره حزب کمو نیست اتحاد شوروی توسط رفیق لیونید بریژنف مطرح گردید تنها وتنها راهی است که میتواند زمینه های نیل به پیروزی را در مقابله با نوحه سرایان جنگی امپریالیستی میسر سازد. ما به آینده خوشبینیم وبا اعتقاد صریح اعلان میداریم که تلاش های تب

آلودامپریالیزم مبنی بر جلوگیری از مبارزه خلقها در راه ترقی، عدالت، دموکراسی و صلح محکوم به شکست حتمی است.

رفقا و دوستان عزیز!

ما به پیروزی های خلق قهرمان بلغاریا تحت رهبری حزب کمونیست بلغاریا ارج فراوان قایلیم، معتقدیم که پیروزی های مردم بلغاریا به رهبری خردمندانانه حزب کمونیست و مجموعه اقدامات آگاهانه یی وابسته است که از همان سپیده دم انقلاب سوسیالیستی ۱۹۴۴ در کشور شما آغاز گردید.

ما در شرایطی که روابط میان جمهوری دموکراتیک افغانستان و جمهوری سوسیالیستی بلغاریا، غنای کیفی وسیعی کسب نموده بیش از پیش بر مبنای انترناسیونالیزم پرولتری تقویت می یابد امر استحکام بیشتر دوستی و همکاری میان احزاب، حکومت و مردمان هر دو کشور رامفید وسازنده تلقی مینماییم. استفاده از تجارب حزب کمونیست بلغاریا راهی که مردم بلغاریا به خاطر ایجاد جامعه نوین طی نموده اند برای ما از اهمیت و سیعی برخوردار است.

رفقای گرامی!

اجازه بدهید، در پایان یکباردیگر از مهمان نوازی گرم وصمیمانه شما تشکر نموده پیروزی های عظیم تان را در راه شگوفانی هر چه بیشتر جامعه سوسیالیستی پیشرفته در کشور تان آرزو نمایم.

ما معتقدیم که مردم قهرمان بلغاریا خواهند توانست در پرتو مصوبات دوازدهمین کنگره حزب کمونیست بلغاریا به پیروزی های باز هم عظیم وعظیمتری نایل گردند.

زنده باد دوستی میان خلقهای افغانستان و بلغاریا!

زنده باد انترناسیونالیزم پرولتری!

کارت عضویت حزب دموکراتیک خلق افغانستان

را چون شرف خود حفظ میکنیم و آنرا مظهر وحدت خدشه ناپذیر حزب قهرمان خود میدانیم

بیانیه هنگام دریافت کارت عضویت نمبریک ج. د.خ. ۱.

۱۲ جدی ۱۳۶۰

اعضای محترم بیروی سیاسی، اعضای محترم اصلی و علی البدل کمیته مرکزی! قبل از همه می خواهم به بیروی سیاسی نسبت افتخاری که بخشیده اند و کارت نمبریک عضویت حزب محبوب، حزب قهرمانان و شهیدان ما را به من اعطا نموده اند، صمیمانه و از ته قلب سپاسگزاری عمیق ابراز نمایم. این امر مرا در مبارزه به خاطر تکامل بیشتر انقلاب ثور، تحکیم حزب سرکوبی قطعی نیروهای ضدانقلاب، نیروی نوین و قدرت بیشتر میدهد. امروز برای من واقعاً یکی از پرشکوه ترین و مسعود ترین روزهای فراموشی ناشدنی زنده گی است.

من همیشه هدف زنده گی خود را در خدمت به حزب و مردم دیده ام و می بینم و هیچگاهی برای یک لحظه نیز از این هدف دور نمی شوم. با حصول کارت حزبی، من می خواهم به کمیته مرکزی و بیروی سیاسی آن، همه اعضای اصلی و آزمایشی حزب دموکراتیک خلق افغانستان اطمینان دهم که بعد ازین نیز همه نیرو و توانایی خود را در راه امر بزرگ حزب و اعمار جامعه عدالت اجتماعی، ترقی و شگوفانی در افغانستان به خرج خواهم داد.

رفقای گرامی! آغاز توزیع کارت عضویت در حزب دموکراتیک خلق افغانستان مصادف با هفدهمین سالگرد تأسیس حزب ماست. ما این جشن و این سالگرد را در شرایط غیر عادی استقبال مینماییم. نیروهای سیاه امپریالیسم، ارتجاع بین المللی و منطقه با فرستادن آدمکشان حرفوی و باندها به کشور ما به جنگ اعلان نشده علیه ما دوام میدهند. آنها می خواهند بدینترتیب چرخ تاریخ را به عقب بازگردانند. ولی این هوس را به گورستان خواهند برد. مردم افغانستان با وضاحت هرچه بیشتر میدانند که این به اصطلاح «مبارزان راه ایمان» در عمل اهداف شوم، ننگین و پلیدی دارند به همین سبب نیز دهقانان، کارگران، روشنفکران و جوانان هرچه بیشتر به

صفوف مدافعین انقلاب پیوسته و سلاح به دست از دستاوردهای انقلاب ثور دفاع می نمایند.

تعداد هرچه بیشتر افراد به این امر معتقد می شوند که سیاست حزب دموکراتیک خلق افغانستان واقعاً بیانگر منافع مردم است.

تعداد هرچه بیشتر افراد شریف و نجیب سرنوشت خود را با حزب دموکراتیک خلق افغانستان پیوند میدهند تا در صفوف آن به خاطر آینده شگوفان و تابناک، به خاطر سعادت مردم و ایجاد افغانستان نیرومند مبارزه نمایند. تصادفی نیست که در ظرف مدت زمان کمتر از یک و نیم سال تعداد اعضای حزب ما بیشتر از دو چند شده است. تعداد قابل ملاحظه اعضای جدید را کارگران و دهقانان می سازند. این امر شاهد افزایش اعتبار حزب دموکراتیک خلق افغانستان است، ما باید در آینده نیز رابطه حزب را با مردم تحکیم بخشیم.

توزیع کارتهای عضویت حزبی نمونه سال ۱۳۶۰ که امروز آغاز می گردد، حادثه مهمی در تاریخ حزب ما به شمار میرود. این واقعه بزرگی سیاسی بیانگر نیروی رشدیابنده حزب دموکراتیک خلق افغانستان و استحکام سازمانی آن است. به نوبه خود این امر باید به یکپارچه گی و وحدت بیشتر صفوف حزبی، ارتقای مسؤولیت هر عضو اصلی و آزمایشی حزب، تحکیم دسپلین، رعایت و اجرای جدی تر مطالبات اساسنامه حزب دموکراتیک خلق افغانستان مساعدت نماید. امر ثبت اعضای حزب نیز بهبود می یابد.

من باز هم سالهایی را به خاطر می آورم که حزب محبوب ما تأسیس گردید. در آنوقت در شرایط مخفی و تعقیب رژیم های ارتجاعی ما می توانستیم در باره کارت عضویت حزبی فقط آرزو نماییم. مرحله نوین انقلاب ثور امکان داد تا این آرزو و خواست تحقق یابد و در عمل پیاده گردد. اعتقاد راسخ داریم، همه کسانی که افتخار دریافت این سند عالی و پراعتبار را می یابند، آنرا با شایسته گی و شرافتمندی با وقار و اعتبار در طول زنده گی حفظ خواهند کرد و نام عالی عضو حزب دموکراتیک خلق افغانستان را بلند نگه خواهند داشت و اعضای اصلی و آزمایشی حزب دموکراتیک خلق افغانستان کارت های عضویت اصلی و آزمایشی را بر اساس برخورد عادلانه، عینی و ارزیابی همه جانبه فعالیت و اشتراک شان در سازمانهای حزبی دریافت خواهند داشت. کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان به طور خاص خاطر نشان میسازد که در این کار نباید به هیچگونه تخلف از اصول و موازین اساسنامه و به هیچ نوع اعمال نادرست اجازه داده شود. به یک کلمه توزیع کارتهای حزبی يك عمل تخنیکي نه، بلکه مجموعی از تدابیر و اقدامات در جهت تحکیم بیشتر سازمانی صفوف حزبی است. امروز باید در این باره باصراحت سخن گفت تا تمام سازمان

ها و کمیته های حزبی و وظایفی را که در برابر شان قرار دارد هر چه روشنتر درک کنند.

رفقای گرامی، هم‌زمان عزیز مبارزه انقلابی!

امروز شما نخستین کسانی هستید که کارت عضویت حزب پرافتخار ما را دریافت میدارید، مسلم‌المستحق این افتخار بزرگ هستید در این امر شناسایی خدمات شما در برابر حزب دموکراتیک خلق افغانستان، اشتراک فعال شما در ایجاد قوام و تکامل حزب و کار بزرگی که اکنون هر کدام شما در رهبری حزب و دولت انجام میدهید، تجلی می‌یابد. من قلباً به شما نسبت این حادثه پرشکوه تبریک گفته اظهار اطمینان کامل مینمایم که شما بر خدمات و فعالیت خود به نفع حزب دموکراتیک خلق افغانستان، دولت ما و مردم ما چندین برابر خواهید افزود.

با سرور و خرسندی بی‌پایان و با احساس مسؤولیت کامل من این وظیفه پرافتخار را که بیروی سیاسی سپرده است، انجام میدهم.

دریافت کارت عضویت حزب محبوب مان برای هر عضو اصلی و صدیق آن

حادثه پر اهمیت است و افتخار والایی به شمار میرود

بیانیه هنگام توزیع کارتهای عضویت حزب به اعضای کمیته مرکزی و یکتعداد نمایندگان

زحمتکشان

۲۰ جدی ۱۳۶۰

رفقای گرامی!

جای مسرت است که این اندک زمان بعد از توزیع کارت های عضویت حزب به رفقای اعضای بیروی سیاسی و دارالانشا کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان طبق پلان مرتبه به توزیع کارت های عضویت به اعضای اصلی و علی البدل کمیته مرکزی و یک تعداد از نماینده گان زحمتکشان میپردازیم. از بیروی سیاسی حزب ما که باز هم انجام این کار مطبوع و مسرتبخش را به من سپرده است صمیمانه ابراز امتنان مینمایم. دریافت کارت عضویت حزب محبوب مان برای هر عضو اصولی و صدیق آن حادثه بزرگ و پر اهمیت است و افتخار والایی به شمار میرود مخصوصاً که این افتخار در صف نخستین کسان میسر گردد، توزیع کارت های حزبی که سلسله آن با تفویض کارتها به اعضای بیروی سیاسی، این قرارگاه پیکارجوی رهبری حزب قهرمانان و شهیدان ما آغاز گردید، حادثه بسیار با اهمیت در حیات حزبی بوده نتایج ثمر بخش و مفیدی برای تحکیم صفوف حزب و بهبودی کار سازمانی خواهد داشت.

من درین باره که توزیع کارت های عضویت حزب یک عمل تخنیکی نه بلکه مجموعی از تدابیر و اقدامات دارای اهمیت فوق العاده سیاسی و سازمانیست سخن گفتم. اکنون میخواهم بار دیگر تأکید نمایم که این اقدام باید به ارتقای قابلیت رزمنده گی حزب و در مجموع تربیت سیاسی و سازمانی اعضای آن و افزایش اعتبار حزب و تقویت هرچه بیشتر در وحدت ارگانیک آن مساعدت نماید و صفوف حزب را هرچه منزله تر و پاکیزه تر سازد.

رفقای محترم!

در امر نیل به این خواستها، کمیته مرکزی حزب به مثابه ارگان با صلاحیت و عالی رهبری آن نقش بخصوص و فوق العاده دارد. کمیته مرکزی باید همیشه هسته یکپارچه و فشرده یی باشد که تمام اعضای حزب به دور آن به خاطر انجام وظایف

تاریخی خویش حلقه زده و وحدت و به هم پیوسته گی صفوف خود را استحکام بخشند. کمیته مرکزی باید همیشه نمونه و سمبول وحدت و رعایت دسپلین عالی حزبی باشد. روابط میان اعضای کمیته مرکزی حزب باید نمونه و بیانگر آن مناسبات طراز عالی نوین باشد که در نهایت حزب ما بر اساس جهانی بینی خود برای استقرار آن در سراسر جامعه مبارزه مینماید. خلاصه کمیته مرکزی باید نمونه برجسته و پراعتباری از رعایت بلاانحراف موازین اساسنامه و اصول ایدیولوژیک حزب و مثال بارز وحدت ایدیولوژیک، سازمانی و سیاسی آن باشد.

به آرزوی بسط و تکامل چنین خصوصیات و ممیزات در کمیته مرکزی پیکارجوی حزب محبوب مان، حزب دموکراتیک خلق افغانستان به همه اعضای اصلی و علی البدل آن به مناسبت حصول کارت عضویت حزب صمیمانه تبریک میگویم و موفقیت های بزرگی شانرا در فعالیت شریفانه به خاطر امر برحق حزب، مردم، وطن و اعمار جامعه نوین و شگوفان در کشور باستانی ما افغانستان عزیز میخواهم و همچنان بر فقایبی که بنابر فعالیت نمونه وار حزبی افتخار حصول کارت عضویت حزبی را در صف کمیته مرکزی در یافته اند قلبه تبریک میگویم. اکنون اجازه دهید توزیع کارت های عضویت حزبی را به اعضای کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان به ترتیب الفبا آغاز نمایم.

انقلابیون واقعی آنچه را که در برابر خود طرح می کنند، به سر می رسانند

بیانیه در کنفرانس سازمان حزبی شهر کابل

۲۹ دلو ۱۳۶۰

رفقای گرامی!

نماینده گان محترم نخستین کنفرانس سازمان حزبی شهر کابل!

قبل از همه به نماینده گی از کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، بیروی سیاسی آن واز جانب شخص خود بهترین درودها وشادباش ها را به شما شایسته ترین رفقای انتخاب شده از طرف بزرگترین سازمان حزب دموکراتیک خلق افغانستان، به شما نماینده گان نخستین کنفرانس سازمان حزبی شهر کابل تقدیم میدارم و نسبت اینکه از من دعوت به عمل آمده است تا در کار کنفرانس شما اشتراک نمایم، امتنان قلبی وصمیمانه خود را ابراز مینمایم.

با رضایت عمیق خاطر نشان میسازم که در این سالون، در بین شایسته ترین نماینده گان حزب، رفقای دیده می شوند که سالهاست از همان بدو بنیانگذاری حزب محبوب در صفوف آن رزمیده اند واز خم وپیچ های طولانی مبارزه گذشته اند. برای من جای نهایت مسرت است که با عده زیادی ازین رفقا شخصاً آشنایی دارم ومدت قابل ملاحظه یی باهم در سنگرهای مختلف کار نموده ایم. همراه با رفقای نسل پیشین حزب، تعداد زیادی از رفقای جوان، نماینده گان نسل بالنده از میان کارگران، پیشه وران، روشنفکران به حیث نماینده گان کنفرانس انتخاب شده اند واینجا حاضرند. این باهم بودن نسل های کنهسال ونوجوان در حزب ما شاهد انکار ناپذیر وحدت و نیروی آن، را بطه آن با مردم ومنبع پایان ناپذیر تکمیل صفوف آن است.

رفقای گرامی!

این مدت تقریباً چهار سال از آنروز تاریخی می گذرد که بنابر اراده مردم و تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان انقلاب ظفرمند ثور به پیروزی رسید و به حیات رژیم های فرتوت و ننگین استثمارگران خاتمه داده شد.

چه چیزی را مدت تقریباً چهار سال به اثبات رسانید؟

در این مدت حزب ما ودولت جمهوری دموکراتیک افغانستان گام های مؤثری را در جهت تحقق تحولات بنیادی اجتماعی - اقتصادی به نفع زحمتکشانشان کشور

برداشتند. مدت زمان سپری شده نشان داده که علی الرغم مشکلات ودشواریها، علی الرغم مقاومت دیوانه وار وکارشکنی دامنه دار ضدانقلاب اعم از داخلی وخارجی، با وجود جنگ اعلان ناشده از تجاع، امپریالیزم وهژمونیزم علیه افغانستان، انقلاب ما به رشد پیروزمندانه خود ادامه میدهد وسنگرها ومواضع نوین را فتح میکند. اینست نتیجه گیری عمده سیاسی از جریان چهار سال بعد از پیروزی انقلاب ثور.

باید خاطر نشان ساخت که حزب دموکراتیک خلق افغانستان پیوسته به رشد خویش ادامه داده، صفوف آن توسعه یافته ووحدت و به هم فشرده گی آن تحکیم پذیرفته است.

باید به اطلاع رفقا، نماینده گان کنفرانس برسانم که در سال جاری در عرصه های مبارزه با ضدانقلاب، رشد اقتصاد ملی وتحقق تحولات اجتماعی موفقیت های قابل ملاحظه به دست آمده است، نیروهای مسلح قهرمان جمهوری دموکراتیک افغانستان به کمک و پشتیبانی هرچه فزونتر اهالی، ضربات سنگین وهلاکتبار را به باندهای صادر شده ضدانقلاب وارد نموده اند که با استقبال گرم مردم افغانستان ودوستان ما در عرصه بین المللی وسراسیمه گی وخشم ارتجاع وامپریالیزم مواجه شده است.

چنانکه تحلیل مقدماتی نتایج رشد اقتصادی سال جاری نشان میدهد تولید محصولات ناخالص ملی وعاید ملی نسبت به سال ۱۳۵۹ افزایش یافته و در تولید یکمده زیادی از محصولات مهم صنعتی چون زغال سنگ، انرژی برق، سمنت، مواد تعمیراتی، محصولات آهنی وغیره ازدیاد به عمل آمده است. مخصوصاً این امر اهمیت زیاد دارد که سهم زراعت ومالداری در رشد محصولات ناخالص ملی افزایش یافته است. مثلاً تولید گندم، جو، جواری، برنج، گوشت وشیر بالا رفته، تعداد حیوانات مانند گاو وگوسفند بیشتر شده ومقدار زیاد تر پشم تولید گردیده است. در نتیجه تدابیر مشخص حزب ودولت افزایش تولید پخته ولبلبودرسال جاری بالترتیب رقم بیست وسه اعشاریه یک وبیست وهشت اعشاریه شش فیصد را نسبت به سال گذشته نشان میدهد. اینها تنها به معنی افزایش تولید مواد غذایی برای مردم ونباتات صنعتی نیست، بلکه ازین وضع نتیجه گیری مهم سیاسی به دست می آید به این معنی که قسمت اساسی اهالی کشور یعنی توده های دهقانی به صورت فعالتر از گذشته از حزب ودولت انقلابی خود پشتیبانی مینمایند زمینه های بیشتر کار صلح آمیز وپرثمر مهیا گردیده است. علی الرغم تلاش های دشمنان انقلاب وباندهای اجیر مسلح که میکوشند محصولات دهقانان را از بین ببرند واز زرع نباتات به صورت تخنیکی جلوگیری نمایند، باز هم دهقانان ما تولید محصولات زراعتی را بالا برده و به این ترتیب پایه های اقتصادی کشور را تحکیم بخشیده اند.

باز هم میخواهم تأکید نمایم که این وضع حاکی از آنست که دهقانان به اهداف ومقاصد شریفانه ونجاتبخش انقلابور بیشتر وبهتر از پیش پی برده به صراحت بیشتر میدانند

که حزب و دولت از منافع شان دفاع مینمایند و به خاطر آرامش و بهبود زنده گی شان مبارزه میکنند. این امر تصادفی نیست که در محلات دهقانی و دهات هر چه بیشتر گروه های مدافعین انقلاب و گروه های مقاومت تشکیل میگردد، دهقانان مسلح به اردو و خاردوی در سرکوبی ضدانقلاب و دادن پاسخ دندان شکن به آنها فعالتر کمک مینمایند.

باید تأکید نمود که در همه پیروزی های ما، در عرصه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و دفاع از دستاوردهای انقلاب ثور پشتیبانی و کمک های بی شائبه و فراوان دوست بزرگی ما اتحاد شوروی سوسیالیستی مانند گذشته، نقش بزرگی، ارزشمند و استثنایی داشته است. یکباردیگر به نام مردم افغانستان، به نام اعضای حزب ما از حزب کمونیست اتحاد شوروی، دولت شوروی و مردم برادر شوروی ابراز سپاس و امتنان بی پایان مینماییم.

حزب همه اقدامات و تدابیر لازم را جهت بهبود شرایط زنده گی کارگران، دهقانان و پیشه وران و دیگر اقشار زحمتکش انجام داده و میدهد. روند اجرای اصلاحات دموکراتیک ارضی با در نظر داشت اوضاع احوال مشخص کشور ادامه دارد. از آغاز سال جاری دستمزد کارگران و مستخدمان در سکتور دولتی و مختلط افزایش یافته است. به این ترتیب حزب و دولت به وعده هایی که به مردم میدهند وفادار بوده در تحقق آنها صادقانه سعی می ورزند.

البته ما هنوز دشواری ها و پرورلم های فراوانی پیشرو داریم و وظایف سنگین و بیشماری وجود دارد که باید انجام شود.

اگر تا کنون نتوانسته ایم همه آنچه را در این فرصت آرزو داریم انجام دهیم، علت آن خرابکاری ضدانقلاب، ارتجاع، هژمونیزم و امپریالیزم در رأس امپریالیزم جهانخواار امریکاست که با ادامه جنگ اعلان نشده علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان و صدور باندهای مسلح به قلمرو کشور ما از آنسوی سرحدات، صلح و آرامش را بر هم میزنند و کار صلح آمیز مردم ما را مختل میسازند.

ما به آینده با باور، اعتماد، خوشبینی و روحیه انقلابی مینگریم، زیرا حق و عدالت در جهت ماست، زیر احزاب به خاطر آنچه که با زنده گی فرد فرد جامعه ما ارتباط دارد یعنی به خاطر تأمین صلح و آرامش سراسری ملی و همه گانی، رفع عقب ماندگی، محو بیسوادی، بیکاری و بیماری و اعمار جامعه نوین و شگوفان در افغانستان مبارزه مینماید.

رفقای عزیز! سازمان حزبی پایتخت زیبای کشور ما، شهر باستانی کابل که چندین هزار عضو اصلی و آزمایشی رادر صفوف خود دارد، بزرگترین بخش حزب

دموکراتیک خلق افغانستان را تشکیل میدهد. تاریخ سازمان حزبی شهر کابل سرشار از سنن عنعنات پرافتخار انقلابی است.

در کابل حزب ما تأسیس گردید و نخستین کنگره آن دایر شد. خلاصه میتوان گفت که همه حوادث و وقایع مهم در زنده گی حزب ما با کابل ارتباط دارد. کابل مرکز حوادث انقلابی کشور بوده و است.

انقلاب ثور و مرحله نوین تکامل آن از کابل آغاز گردید. همه اینها مسؤولیت بخصوص را به عهده کمیته حزبی شهر، کمیته های نواحی، سازمانهای اولیه حزبی و اعضای اصلی و آزمایشی حزب در شهر کابل میگذارند. خوشبختانه سازمان حزبی شهر کابل در همه فعالیت های خود نقش پیشرونده یی را که داشته و دارد به اثبات رسانیده است.

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان فعالیت سازمان حزبی شهر کابل و کمیته حزبی شهر کابل را، ارزیابی شایسته مینماید.

در تحت رهبری کمیته حزبی شهر کابل در مرحله نوین انقلاب ثور کارهای زیادی در امر مبارزه با ضدانقلاب، تحکیم صفوف حزب، پذیرش اعضای جدید به آن از میان کارگران و حل مسایل اجتماعی - اقتصادی صورت گرفته است. مخصوصاً باید یادآور شد که در پذیرش اعضای جدید آزمایشی در سازمانهای حزبی شهر کابل تعداد کارگران رو به افزایش است. کمیته مرکزی حزب این روش را تأیید و تقدیر مینماید.

اعضای اصلی و آزمایشی مربوط سازمان حزبی شهرکابل در امر مبارزه با ضدانقلاب فعالاً نه سهم میگیرند. در ظرف شش ماه اخیر سازمان حزبی شهر کابل دوهزار نفر از اعضای خود را برای خدمت در اردو و بخاندوی فرستاده است. صدها نفر از اعضای اصلی و آزمایشی حزب هرروز در کار حفاظت از مؤسسات دولتی و مؤسسات اقتصادی و تأمین نظم اجتماعی اشتراک میورزند.

سازمان حزبی شهر کابل به سازمانهای حزبی ولایات کشور نیز کمک فعال مینماید. در حال حاضر بیش از پنجصد نفر از اعضای حزب مربوط سازمان حزبی شهر کابل به حیث سپاهیان انقلاب مصروف کار و پیکار انقلابی در ولایات میباشند. ما همین امروز در کنفرانس راجع به مبارزه قهرمانانه گروه سپاهیان انقلاب که در حال حاضر در کندهار باشجاعت و مردانه گی به کار تبلیغی و کمک در امر تحکیم ارگان های محلی مصروف اند گزارشی را استماع نمودیم. موفقیت ها و پیروزی های هرچه بیشتر این رفقا را در امر شریفانه شان آرزو میکنیم.

اکنون در کمیته حزبی شهر کابل اشکال جدید کار در امر اجرای تحولات اقتصادی و اجتماعی به وجود آمده است. باید در آینده نیز این سمت کار را رشد داد، زیرا بعد

از گرفتن قدرت سیاسی در برابر حزب وظایف نوین اقتصادی و اجتماعی که در گذشته وجود نداشت، مطرح شده است. هر عضو حزب باید در اجرای این تحولات مسؤولیت بیشتری احساس نماید.

چندی قبل همه ما شاهد حادثه برانزنده و برجسته‌ی بی بودیم. به تاریخ هجده جدی بنابر ابتکار کمیته حزبی شهر کابل روز دوستی و همکاری برگزار شد و در این روز عنعنہ قدیم و پر ارزش مردم ما حشر با محتوای نوین انقلابی غنی گردید. هزاران همشهری کابل که در این روز از کمک‌های مادی و طبیی مستفید شدند و کسانیکه در کار هموارسازی، جغله اندازی و ترمیم ده‌ها کیلومتر سرک، پالک‌کاری و ترمیم مساجد و غیره سهم گرفتند، مواظبت غمخواری واقعی حزب و دولت را احساس نمودند. این ابتکار و وطنپرستانه باید در سراسر کشور تعمیم یابد و از جانب همه اعضای اصلی و آزمایشی حزب، کمیته‌ها و سازمانهای حزبی مورد پشتیبانی قرار گیرد.

ضمن خاطر نشان ساختن اهمیت کار سازمانهای حزبی شهر کابل در ساحة اجرای وظایف اقتصادی باید گفت که در کابل همه وزارت‌ها و ادارات مرکزی بزرگی جمهوری دموکراتیک افغانستان تمرکز یافته است و کار درست این ادارات بالای تمام کشور تأثیر می‌اندازد. از اینرو سازمانهای اولیه وزارت‌خانه‌ها و ادارات مرکزی مسؤولیت بزرگی را در تنظیم بهتر امور و بهبود کار، مبارزه علیه بقایای گذشته از جمله بیروکراسی، بینظمی و کندی در کار و غیره به عهده دارند. در عین زمان نباید اجازه داد که سازمانهای حزبی جانشین دستگاه اداره دولتی گردند و به جای آن کار نمایند، بلکه آنرا رهبری و به بهبود و تکمیل فعالیت آن کمک نمایند و با میتود تأثیر حزبی در بهتر شدن امور سهم فعال بگیرند. هر عضو حزب مکلفیت دارد که نه تنها خودش بهتر کار نماید، بلکه سعی و زرد تا اطرافیان و همکاران خود را نیز به کار درست و مؤثر سوق دهد.

در رابطه با این امر تجارب مثبت و مفیدی مخصوصاً در کار نواحی سوم، پنجم و هفتم و یکمده سازمانهای اولیه وجود دارد. کمیته شهر کابل حزب باید توجه خود را معطوف به آن سازد که این تجارب مثبت و مثمر تعمیم یابد و از طرف نواحی و سازمانهای اولیه دیگر نیز به کار برده شود.

رفقا! آخرین موضوعی را که می‌خواهم مطرح نمایم، صحبت روی مسئله تحکیم صفوف حزب و وحدت آن است.

با تدویر کنفرانس حزبی شهر کابل کار بررسی نتایج هفتمین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و انتخاب نماینده گان برای کنفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان به پایان میرسد. جلسات عمومی سازمانهای اولیه، کنفرانس‌های سازمانهای حزبی نواحی، ولسوالی‌ها، شهرها و ولایات نه تنها حادثه

بزرگی در زنده گی حزب بود، بلکه مدرسه تربیت واقعی اعضا و کادرهای حزب به شمار می‌رود، زیرا در تاریخ حزب چنین انتخابات و کار عظیم سازمانی و آماده گی مربوط به آن برای نخستین بار صورت گرفته است.

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان با دقت تمام نتایج این کمپاین عظیم سیاسی را مطالعه و ارزیابی میکند و تعمیم می‌بخشد و عنقریب جمع‌بندی خواهد نمود. اما همین اکنون نیز میتوان بعضی نتیجه‌گیری‌ها را بیان نمود:

۱- در اکثریت قاطع سازمانهای حزبی کار جلسات و انتخاب نماینده گان مطابق رهنمودهای کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، باسطح عالی سازمان دهی، وحدت، حاضری و فعال بودن اعضای حزب صورت گرفت. این امر بدان معنی است که وحدت حزب ما تحکیم می‌یابد. پختگی سیاسی اعضای اصلی و آزمایشی آن ارتقا حاصل مینماید و اعضای حزب فعالیت کمیته مرکزی خود را تأیید و پشتیبانی مینمایند.

۲- اما علی‌الرغم شرایط دشوار کنونی به توسعه و رشد دموکراسی داخل حزبی دست زدیم که بر حق بودن و درست بودن این تصمیم حزب نیز به اثبات رسید، زیرا جریان انتخابات جهات مثبت و منفی قوی و ضعیف فعالیت ما را برملا ساخت.

۳- جریان جلسات و انتخابات با صراحت نشان داد که هنوز هم ضعف‌ها، نقایص و کمبودهای در کار تربیتی با اعضای اصل آزمایشی حزب موجود میباشد و در وجود بعضی از اعضا گرچه خوشبختانه تعداد شان اندک است ولی هنوز هم امراض سابق یعنی فرکسیون بازی و محفل پرستی به مشاهده میرسد. اعمال نادرست این افراد منحنی مجموع عبارت بود از آنکه می‌خواستند در جلسات، پراگنده گی، فضای متشنج و نامطمئن را ایجاد نمایند و تلاش می‌ورزیدند نظر شخصی خود را در برابر آرای اکثریت قرار دهند. بعضی از این افراد تا سرحد فعالیت‌های ضدحزبی پیش رفتند و به اعمال ناجایز مانند شانناژ و تحت فشار قرار دادن رفقا دست زدند. فکر میشود که چنین اعمالی نباید بدون بررسی و رسیده گی از جانب کمیته‌ها و کمیسیون‌های کنترل و نظارت حزبی باقی ماند. در باره چنین افراد چه میتوان گفت؟

صرف نظر از مقاصد وانگیزه‌های این افراد، فعالیت آنها آگاهانه و یا غیرآگاهانه، لطمه عینی به منافع حزب وارد مینماید. اکنون وظیفه جدی کمیته‌های حزبی است تا برای رفع نقایص و کمبودها، تحکیم انضباط، دسپلین و وحدت حزبی، ارتقای سطح آماده گی و پخته گی سیاسی و ایدیولوژیک اعضای اصلی و آزمایشی و تقویت کار تربیتی سعی بیش از پیش نمایند.

البته حزب مصمم است که دامان خود را از وجود اشخاصی که منافع حزب را مدنظر نمی‌گیرند، خلاف مشی آن عمل مینمایند، انضباط و مقررات حزب را رعایت نمیکند

و نمی خواهند اشتباهات خود را رفع و از زیر بار اشتباهات گذشته بیرون آیند، پاک سازد.

باید با صراحت گفت که علی الرغم هرگونه طوفان شدید، ما کشتی مقصود خویش را به ساحل امید خواهیم رسانید.

در امر تحکیم صفوف و سازمانهای حزب دموکراتیک خلق افغانستان، نقش مهمی را توزیع کارت های حزبی که در سازمان حزبی شهر کابل آغاز شده و تا اخیر سال آینده به پایان خواهد رسید، ایفا مینماید.

انجام این امر مهم از تمام سازمانهای اولیه، کمیته های نواحی و کمیته شهری حزب توجه جدی و همه جانبه را تقاضا دارد و باید منتج به نتایج پراهمیتی در سراحه بهبود امور مربوط به ثبت اعضای حزب، تقویت فعالیت و ارتقای مسؤولیت هر عضو حزب گردد.

کارت عضویت حزب عزیزترین و پراعتبارترین سند برای هر عضو حزب قهرمانان و شهیدان ماست و من یقین دارم هر عضو با دریافت آن بر فعالیت خود در جهت تحقق آرمان ها و اهداف حزب دموکراتیک خلق افغانستان به نفع توده های زحمتکش و ارتقای حیثیت و اعتبار حزب خواهد افزود.

رفقای عزیز، همزمان گرامی مبارزه انقلابی!

در آینده بسیار نزدیک کنفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان دایر میگردد. در این کنفرانس پر اهمیت ترین مسایل ارشد حزب ما مورد بررسی قرار میگردد و سند حایز اهمیت فوق العاده یعنی برنامه عمل تصویب میشود که سمت فعالیت حزب را برای سالهای متمادی تعیین خواهد کرد. در برابر هر کدام از ما و شما وظایف بزرگ، پیچیده و مهم قرار میگردد. از هر کدام ما صرف انرژی عظیم و نیروی بزرگ تقاضا برده میشود تا حزب بتواند وظایف مطروحه را با موفقیت و سربلندی انجام دهد. ولی ما میدانیم که مشکلات و دشواری های غیرقابل عبور وجود ندارد و انقلابیون واقعی آنچه را که در برابر خویش طرح می نمایند، به سر میرسانند و هیچ چیزی سد راه شان شده نمیتواند. من اطمینان کامل دارم که حزب ما و مردم ما علی الرغم تلاش های مذبحخانه دشمنان، زنده گی نوین و مرفه را در کشور اعمار مینمایند. یقین دارم که سازمان حزبی شهر کابل سهم شایسته خود را در این امر بزرگی و تاریخی ایفا خواهد کرد.

در پایان برای همه رفقای نماینده کنفرانس سازمان حزبی شهر کابل، تمام اعضای اصلی و آزمایشی آن، برای هریک از شما رفقای عزیز همسنگر موفقیت ها و پیروزی های بازم بیشتر و بزرگتر را در امر مبارزه شریفان، تان، در راه

خدمتگزاری به وطن و به مردم، در راه تحقق آرمان های کبیر حزب قهرمان تان
آرزو میکنم.

زنده باد حزب دموکراتیک خلق افغانستان که تحت رهبری آن مردم سربلند و غرور
آفرین ما ضدانقلاب را کاملاً محو می سازند و زنده گی سعادتمند و شگوفان را ایجاد
مینمایند!

راه کبیر

اتحاد کارگران و دهقانان ضامن رشد انقلاب شور،

تا آخرین مراحل تکاملی آن میباشد

بیانیه در جلسه مسوولین وزارتها و ارگانهای محلی حزبی و دولتی ج.د.د درباره ادامه اصلاحات

ارضی دموکراتیک در ج.د.د ۱

۴حوت ۱۳۶۰

رفقای گرامی!

انقلاب ملی و دموکراتیک شور که در تحت رهبری حزب ما به پیروزی رسید، انجام اصلاحات دموکراتیک ارضی را به مثابه یک هدف اساسی و ضرورت عمده به پیش کشید.

حزب ما بر ضرورت انجام این اصلاحات قبل از پیروزی انقلاب نیز پیوسته تأکید میورزید و مبارزات دامنه داری را درین عرصه سازمان داد، زیرا نظام های فیودالی و ماقبل آن برای سالیان متمادی از رشد سریع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه ما جلوگیری مینمود و اکثریت نفوس کشور را که دهقانان تشکیل میدهد به فقر و تنگدستی مشقت بار و به ورشکسته گی و افلاس شدیدی مواجه کرده بود.

اکنون نیز امپریالیزم و ارتجاع فیودالی زیر پرده به اصطلاح دفاع از دین اسلام و اطمینان های دروغین تلاش میورزند که دهقانان زحمتکش ما را فریب بدهند و کماکان بیرحمانه استثمار نمایند. ولی ضربات کمرشکنی بر مناسبات عقبمانده اجتماعی و اقتصادی در دهات کشور وارد آمده است و دهقانان زحمتکش دیگر نمیتوانند بار مشقت های زنده گی را که از جانب باندهای جنا یتکار و دهشت افکن ضدانقلابی بر آنان تحمیل میگردد، تحمل نمایند.

پس از پیروزی مرحله نوین انقلاب، کشور ما وارد مرحله تحولات مهمی گردیده است. میلیون ها انسان جامعه ما زنجیرهای برده گی چندین هزارساله را بر می

اندازند و در شاهره‌های اعتلای اجتماعی و ملی قرار می‌گیرند. یکی از عمده‌ترین پدیده‌های کنونی کشور ما را خواست اساسی دهقانان زحمتکش برای زمین و آب که با مجموع مبارزات طبقاتی در کشور در آمیخته شده است، تشکیل می‌دهد.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان که مبتنی بر ماهیت طبقاتی و مبتنی بر سیاست مترقی خویش در راه بر آورده شدن آرزوهای دیرینه تمام زحمتکشان کشور مبارزه می‌نماید، ادامه تطبیق اصلاحات دموکراتیک و عادلانه ارضی را به نفع دهقانان زحمتکش کشور به مثابه یکی از اساسی‌ترین، عمده‌ترین و مبرمترین وظایف انقلابی خود تلقی می‌کند.

بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان تصمیم اتخاذ نمودند که جلسه‌ی کنونی را دایر نمایند تا نتایج فعالیت‌های مربوط به آماده‌گی برای ادامه اصلاحات ارضی ارزیابی گردد و وظایف عمده‌ی که در جهت تطبیق عملی آن در پیش است طرح و تعیین شود.

از آغاز مرحله تکاملی انقلاب که مرحله نوین کیفی و مهم در تاریخ مبارزه حزب و مردم ما محسوب می‌شود بیش از دو سال می‌گذرد و پیروسی انقلابی در افغانستان نیرومندتر شده است. اکنون دیگر امر جاودانی بودن و به پیروزی رسیدن نهایی انقلاب ثور برای همه ثابت گردیده است.

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، شورای انقلابی و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان یک سلسله اسناد مرامی، رهنمودها، فرمانها و قوانین مهم را در باره اصلاحات ارضی و آب در کشور مورد تصویب قرار داده‌اند.

به تاریخ سی جوزای سال ۱۳۶۰ کمیته مرکزی حزب و شورای وزیران مصوبه‌ی را درباره اصلاحات ارضی در جمهوری دموکراتیک افغانستان به تصویب رسانیدند که در آن سیاست ارضی و زراعتی حزب در مرحله کنونی فورمولبندی گردید. وظایف اساسی در عرصه اصلاحات ارضی و آب تشخیص و تعیین شد و کمیسیون کمیته مرکزی و شورای وزیران در زمینه ادامه اصلاحات عادلانه و دموکراتیک ارضی تأسیس گردید.

به منظور تحقق مصوبه مذکوره و تطبیق تدابیر پیشبینی شده، شورای انقلابی و حکومت ضمیمه نمبر (یک) فرمان نمبر (هشت) قانون آب و مقرر استفاده از آب در زراعت را به تصویب رسانید.

کمیسیون کمیته مرکزی و شورای وزیران تا کنون چهار جلسه دایر نموده و طی آنها، پروگرام تدابیر عملی ادامه اصلاحات ارضی، که تطبیق چهار پلان عملیاتی را پیشبینی مینماید به تصویب رسیده و نتایج بازرسی وضع زمینداری و استفاده از زمین

و آب در ده ولسوالی مربوط به نه ولایت کشور تحلیل و ارزیابی گردیده و تصامیم لازم در زمینه اتخاذ شده است.

رفقا!

به این ترتیب اسنادی که جهت تطبیق عملی اصلاحات ارضی و آب ضروری است آماده گردیده و کارهای مقدماتی انجام یافته است. با شناسایی و پشتیبانی حقوق مشروع کلیه دهقانان و زمینداران برای زمین و آب، حزب و حکومت جداً مصمم اند تا اهداف عمده انقلاب ملی و دموکراتیک را به طور قاطعانه تحقق بخشند و دهقانان بی زمین، کارگران زراعتی و کوچیان نیازمند را با دادن زمین و آب از حقوق شان بهره مند سازند و تاحدودی که امکان پذیر باشد در چارچوب قانون، سهمیه زمین دهقانان کم زمین را افزایش دهند.

ولی با ابراز تأسف باید خاطر نشان ساخت که هنوز تعدادی از وزارتخانه ها و دوایر مربوط و ارگانهای محلی حزبی و دولتی حدود مسؤولیت های خود را به درستی درک نکرده اند و امکانات موجوده را به منظور تحقق تدابیری که جهت انجام اصلاحات ارضی و آب اتخاذ گردیده است مورد استفاده قرار نداده اند.

چنانکه در عده بی از ولایات جهت تحقق مصوبه تاریخی سی جوزای ۱۳۶۰ کمیته مرکزی و حکومت در باره اصلاحات ارضی در جمهوری دموکراتیک افغانستان و مصوبه کمیسیون کمیته مرکزی و شورای وزیران مورخ چهارده سنبله سال جاری تدابیر لازم اتخاذ نگردیده است. کمیته های حزبی بعضی از ولایات موضوع استفاده از زمین و زمیندارای و رویهمرفته وضع زراعت رادر مجموع مورد ارزیابی و تحلیل عمیق قرار نمیدهند و فعالیت کمیته های ولسوالی، مدیریتهای عمومی زراعت و اصلاحات ارضی ولایات و هم اجراءات گروپ های عملیاتی را که از کابل اعزام میشوند به صورت سطحی و ضعیف رهبری و کنترل مینمایند. عده بی از کمیته های حزبی ولایات مسئله مربوط به تطبیق اصلاحات ارضی را جزء فعالیت های فرعی و کم اهمیت می شمارند.

به طور مثال در ولایات وردک، کاپیسا، لغمان، پکتیکا، جوزجان و نیمروز تا همین اکنون کمیسیونهای ولایتی انسجام تطبیق اصلاحات ارضی ایجاد نگردیده است. در یازده ولایت کشور تا کنون دو، دو ولسوالی مورد نظر را جهت اجرای پالان عملیاتی نمبریک تعیین و تشخیص نکرده اند. دوازده ولایت از پذیرفتن گروپ های عملیاتی ابا ورزیده و یا اینکه به خواست های مقتضی وزارت زراعت و اصلاحات ارضی جواب مثبت ارائه نداشتند. در بعضی موارد مسؤولان رهبری در تعدادی از ولایات به شرایط و اوضاع ولایات مربوط خویش اشاره نموده سعی می ورزند تا خود را از فقدان ابتکار و سستی در فعالیت تبرئه نمایند. چنین بهانه تراشی ها جداً بی اساس میباشد. اشتراك و سهمگیری وزارتخانه ها و سازمانهای اجتماعی در زمینه

اجرای تدابیر مربوط به اصلاحات ارضی کاملاً غیرکافی است. لازم است که اینها چنین روش‌ها و شیوه‌های برخورد غیرمسئولانه را اصولاً تغییر دهند و مسئله اصلاحات ارضی و آب را به مثابه یکی از مهمترین و عمده‌ترین کارهای حزبی و دولتی تلقی نمایند و برای اجرای موفقیت آمیز آن از تمام امکانات موجود استفاده مؤثر با عمل آورند.

فعالیت‌های توضیحی، تبلیغی و تربیتی در میان دهقانان در باره اهداف سیاست ارضی حزب و وظایف اصلاحات ارضی و آب نیز کاملاً قناعتبخش نمی‌باشد. کمیته‌های تبلیغ و توضیح درباره اصلاحات ارضی صرف در برخی از ولایات و ولسوالی‌ها موجود است. کمیته مرکزی حزب اکیداً لازم به تذکر میداند که در اجرای این امر بسیار مهم کلیه سازمانهای حزبی در مراکز ولایات، ولسوالی‌ها و علاقه‌داری‌ها و سازمانهای اجتماعی مانند سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان، اتحادیه‌های صنفی افغانستان و بخصوص شورای مرکزی کوپراتیف‌های زراعتی افغانستان باید سهم بارز و بسیار فعال بگیرند.

همچنان وسایل اطلاعات جمعی، مطبوعات، رادیو و تلویزیون باید به امر مهم اصلاحات ارضی توجه خاص و دایمی مبذول نمایند. مواد تبلیغاتی باید طوری تهیه و ترتیب شود و موضوع اصلاحات ارضی و آب و سایر تحولات اقتصادی و اجتماعی در کشور برای دهقانان و کلیه زحمتکشان باید طوری قابل فهم و واضح عرضه و تشریح گردد تا آنان با شور و شوق در راه تحقق اهداف تعیین شده تهییج و بسیج گردند. وسایل اطلاعات جمعی باید به مثابه تربیون واقعی و انعکاس دهنده تجارب مترقی در عرصه اجرای دگرگونی‌های انقلابی خدمت نمایند.

قوای مسلح پرافتخار ما این پاسدار راستین دستاوردهای انقلاب ثور که بر ضد دشمنان حاکمیت مردمی ما، قهرمانانه می‌رزمند باید در امر تأمین امنیت جهت اجرای تدابیر عملی اصلاحات ارضی و آب فعالانه شرکت ورزند. قطعات نظامی خاندوی، نیروهای امنیتی و گروه‌های مدافعین انقلاب در محلات در حالیکه وظیفه اجرای فعالیت‌های امنیتی و پاک‌سازی قرا و دهات را از وجود کثیف‌باند‌های جنایت‌کار برعهده دارند باید به کارمندان حزبی و دولتی که مسؤول انجام وظایف اصلاحات ارضی و آب هستند پیگیرانه و دوامدار کمک و همکاری نمایند.

به منظور اجرای وظیفه بسیار مهم و مبرم ادامه تطبیق اصلاحات عادلانه و دموکراتیک ارضی که در برابر ما قرار دارد باید:

۱- در ولایات و محلاتی که تاکنون کمیته‌های انسجام برای تطبیق اصلاحات ارضی و آب، کمیته‌های انقلابی دهقانی و کمیسیون‌های توضیحی و تبلیغی اهداف و وظایف اصلاحات ارضی و آب ایجاد نگردیده است، به عنوان یک وظیفه فوری و عاجل تدابیر برای تأسیس آنها اتخاذ گردد.

۲- بر اساس ارزیابی وضع استفاده از زمین و آب که هم اکنون در جریان است به تقسیم و توزیع زمین و سهمیه آب که تثبیت و تشخیص گردیده است اقدام به عمل آید.

۳ - اشتباهات و نواقصی که در حین تطبیق مرحله اول اصلاحات ارضی رخ داده است، رفع و اصلاح گردد و معضلات و اختلافاتی که در بین دهقانان و زمینداران در مورد تقسیم زمین و آب به وجود آمده است به نحو عادلانه و دموکراتیک حل و فصل گردد.

۴- توزیع اسناد ملکیت زمین برای همه زمینداران آغاز شود.

۵ - برای تشدید فعالیت تولیدی، تدارکاتی و عرضه محصولات کوپراتیف های زراعتی موجود تدابیر مؤثر اتخاذ و به طور تأخیر ناپذیر در عمل تطبیق گردد و در محلاتی که شرایط مساعد موجود است با رعایت جدی پر نسیب های داوطلبانه کوپراتیف های جدید تأسیس شود و دهقانان در آنها جلب و شامل گردند.

۶- برای دهقانان و زمینداران اعم از اینکه در کوپراتیف های زراعتی متشکل گردیده اند و یا به صورت انفرادی به کشت و زرع، اشتغال دارند باید کمک های همه جانبه مالی، مادی و تخنیکی فراهم گردد.

در آینده نزدیک پروگرام کشت بهاری در سراسر کشور که اخیراً از جانب شورای وزیران مورد تصویب قرار گرفته است آغاز میگردد. کلیه ارگانهای محلی حزبی و دولتی، وزارت زراعت و اصلاحات ارضی و سایر وزارتخانه ها و دوائر باید برای تطبیق این پروگرام احساس مسؤولیت نموده توجهات لازم را مبذول بدارند و بدون قید و شرط و بهانه جویی وظایف محوله خویش را انجام دهند تا اینکه حتی یک جریب زمین قابل زرع هم بدون کشت و بلااستفاده باقی نماند.

رفقا!

وظایف عمده ای که در عرصه تطبیق اصلاحات ارضی و آب در برابر ما قرار دارد، تمام اعضای کمیته مرکزی، کلیه وزرا، همه مسؤولین زونها، کارمندان مسؤول حزبی و دستگاه های دولتی را چه در مرکز و چه در ولایات، ولسوالیها و علاقه داریها مؤظف میسازد تا به منظور انجام موفقیت آمیز این وظایف، مسؤولانه کار و فعالیت نمایند. هریک از مسؤولان مربوط حزبی در ولایات، ولسوالی ها و علاقه داریها در زمینه اجرای اصلاحات ارضی و آب مسؤولیت فردی دارند و مورد بازخواست قرار خواهند گرفت.

حزب و حکومت در برابر هر نوع عدم ابتکار، بیکاره گی و لاقیدی جداً باز پرس به عمل خواهند آورد و چنین اعمال را به مثابه تخلف از انضباط و دسپلین حزبی و دولتی

و بی‌اعتنایی در برابر وظایف حزبی و اداری تلقی نموده و به حیث‌گریز از وظایف خویش در برابر مردم ارزیابی خواهند کرد.

ما به کارگران رزمنده خویش خطاب مینماییم و اظهار میداریم تا اتحاد خود را با دهقانان زحمتکش تقویت بخشند که این امر ضامن رشد و توسعه پروسه انقلاب در کشور ماست. دهقانان تنها میتوانند در اتحاد با کارگران، تحت رهبری حزب پرولتری به اهداف مشترک طبقاتی خویش نایل آیند. وحدت کارگران و دهقانان پیروزی انقلاب افغانستان را آخرین مراحل تکاملی آن می‌تواند تضمین نماید.

ما به دهقانان زحمتکش خویش اعلام میداریم که اکنون دیگر شما از آینده محروم نیستید. سیاست مترقی ارضی حزب، سیاست شماسست. اصلاحات ارضی و آب قبل از همه به خاطر تأمین عدالت اجتماعی و به خاطر برآورده شدن آرمان‌ها و آرزوهای دیرینه شما عملی میگردد.

ما مرحله اول مسئله ارضی را در شرایط کنونی فقط از طریق اجرای اصلاحات ارضی دموکراتیک و عادلانه پارو حیه ضد فیودالی و امحای مالکیت بزرگ بر زمین میتوانیم حل نماییم و حزب درین مرحله میتواند بر تمام دهقانان و زمینداران به صورت مجموعی اتکا نماید. حل کامل مسئله ارضی خواهان شرایط پیشرفته دیگری است که در دستور روز ما قرار ندارد. ولی در هر حال فعال ساختن خود دهقانان زحمتکش و اتکا به نیروی انقلابی آنان به رشد متمدادی خود آگاهی آنها مسئله اساسی است. بنابراین حزب باید در میان دهقانان کار وسیع تبلیغی، توضیحی، سیاسی و تربیتی را سازمان بدهد و هرگاه حزب متناسب با اوضاع و احوال مشخص در میان دهقانان با در نظر داشت خصوصیات محلی و سایکو لوژی دهقانان هر محل به شکل سیستماتیک تبلیغ نماید و حکومت انقلابی با تمام وسایل دست داشته خویش به آنها کمک برساند میتوان نتایج بزرگ سیاسی، اجتماعی و اقتصادی از انجام اصلاحات ارضی به دست آورد.

هدف اساسی ما از ادامه تطبیق و تعمیق اصلاحات دموکراتیک ارضی در کشور عبارت است از امحای مناسبات عقب مانده فیودالی و ماقبل فیودالی، تأمین زمین و آب برای دهقانان زحمتکش، رشد تولید محصولات زراعتی و هموار کردن راه برای رشد و توسعه مبارزات طبقاتی در دهات و توام ساختن آن به مبارزه همه زحمتکشان کشور در راه ساختمان پایه‌های اساسی جامعه نوین فارغ از استثمار انسان از انسان.

ساختمان جامعه نوین مبتنی بر عدالت اجتماعی و وظیفه مقدسی است که در برابر همه وطنپرستان و همه مردم قرار دارد. ما از کارگران دهقانان، روشنفکران و وطنپرست، تاجران و سرمایه داران ملی، روحانیون و پیشوایان مذهبی، بزرگان قبایل، افسران و سربازان قوای مسلح، اعضای حزبی و عناصر غیرحزبی و همه

وطنپرستان حقیقی وطن عزیز مان افغانستان دعوت مینماییم که بیایید برای دفاع از دستاوردهای انقلاب ثور، برای تحقق بخشیدن به دگرگونی های مترقی اجتماعی و اقتصادی در کشور، به خاطر رشد اقتصاد و کلتور وطن، به خاطر ارتقای سطح زنده گی مردم و برای ایجاد افغانستان شگوفان ، تمام نیرو و توانایی خویش را به خرج دهیم.

**رزمنده گان سرسپرده راه توده ها،
راه فرزندان گلگون کفن حزب پرافتخار دموکراتیک خلق افغانستان را
ادامه میدهند**

بیانیه هنگام برداشتن پرده از روی بنای یادگاری قهرمانان انقلاب

۲۲ حوت ۱۳۶۰

رفقا!

امروز در آستانه تدویر کنفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان این رویداد تاریخی در زندگی مردم و حزب ما، از روی بنای یادگاری که به خاطر گرامیداشت خاطره قهرمانان و رزمنده گان که با خون خود سنگرهای نبرد را لاله گون ساخته اند و در پای سوگند انقلابی خود جان داده اند اعمار گردیده، پرده بر میداریم.

خاطره قلب هایی که با تپیدن خود نبض زمان را سیراب ساختند، سینه هایی که با هوراهای آتشین خود آماج رگبار مسلسل شدند، قامت های افراشته پی که رو به خورشید ظفر به خاک غلتیدند تا راه سپیده ها را به روی خلقهای ما باز سازند، همیشه، تا ابد، در قلب ما، در روان ما، در ایمان و وجدان ما زنده و جاوید است.

ما به این فرزندان گلگون کفن خود می گوئیم: انقلابیون جان به کف حزب دموکراتیک خلق افغانستان و رزمنده گان سرسپرده راه توده ها، راه تانرا، راه سرخ و شریف تا نرا، راه آرمانهای نجیب تانرا با پیگیری و صداقت بیهراسی و بیبیاک ادامه میدهند و افغانستان انقلابی را سرزمین شگوفه ها و ستاره ها می سازند.

رفقای انقلابی!

انقلاب ثور که به بهای جانهای پاک هزاران هزار فرزند سرافراشته مردم ما به پیروزی رسیده است، چرخشگاه تاریخ پرافتخار سرزمین آزاده ماست، با انقلاب ثور دولت طراز جدید که پاسخگو و بیانگر آرمانهای دیرین سال خلقهای زحمتکش جامعه ماست، به وجود آمد و زمینه های تحقق خواست های مردمان ما فراهم گردید.

خلقهای به پا خاسته افغانستان تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان در برابر دشواریها، توطئه ها، خیانتها و تجاوزات امپریالیزم و ارتجاع منطقه، دلیرانه

رزمیدند و با به پیروزی رساندن مرحله نوین تکاملی انقلاب ثور، مردم، انقلاب و وطن را نجات دادند.

مردم ما با عزم راسخ و اراده خلل ناپذیر، راه تحولات اجتماعی و اقتصادی را برگزیده و در راه اعمار جامعه نوین که شالوده آنرا آزادی، عدالت، برادری و برابری تشکیل میدهد، پیگیرانه و قهرمانانه می‌رزمند.

پروسه تحقق آرمانهایی که در پای آنها خون هزاران هزار جوان ما ریخته شده است و بهترین فرزندان مردم ما به خاطر آنها با ترانه ظفر به لب در آغوش خاک خوابیده اند، پیروزمندان به پیش می‌رود، خاطره پیکار قهرمانان قرن‌ها در قلب و روان مردمان ما جا خواهد داشت و نام آنها ترانه های همیشه گی و مانده گار نسل‌های بعدی خواهد بود.

بنایی را که امروز اساس گذاشته ایم، نماد سپاسگزاری خلق‌های افغانستان و حزب دموکراتیک خلق افغانستان از دلیری انقلابی و عشق بیکران قهرمانان راه توده ها و پیروزی انقلاب بوده، بزرگداشتی است از جان فشانی همه شهیدان گلگون کفن انقلاب ثور و مرحله نوین آن.

با احترام بیکران به قهرمانی شهیدان راه آزادی و انقلاب، سوگند می‌خوریم که به آرمانهای بزرگ انقلاب ثور وفادار خواهیم بود و همه هستی خود را به خاطر تحقق این آرمانها و خوشبختی زحمتکشان افغانستان خواهیم داد.

افتخار جاویدان به سرسپرده گان و شهیدان راه انقلاب !

کنفرانس سرتاسری حزب، انعکاس روشن تکامل حزب و افزایش نقش آن در جامعه و دولت است

بیانیه افتتاحیه کنفرانس سرتاسری ح.د.خ.ا

۲۲ حوت ۱۳۶۰

رفقای نماینده!

کنفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان به کار خود آغاز مینماید. اوضاع تاریخی طوری جریان یافت که فقط امروز، زیاده از هفده سال بعد از نخستین کنگره حزب، این گردهمایی بزرگ و عالی سرتاسری حزب ممکن گردید. خود واقعیت تدویر کنفرانس حزبی اهمیت تاریخی را برای تمام حزب و مردم ما دارد. کنفرانس باید راهی را که حزب طی نموده است، عمیقاً مورد تحلیل قرار دهد و به مسایل اساسی، حیاتی و مهمی که حال و آینده وطن محبوب مان به آن وابسته گی دارد، پاسخ علمی ارائه کند.

تصامیم کنفرانس، مشی عمومی، ستراتیژی و تاکتیک مبارزه حزب را به خاطر نوسازی انقلابی افغانستان معین خواهد نمود.

کنفرانس ما، نتیجه پر افتخار مبارزات قهرمانانه بهترین و شایسته ترین فرزندان مردم نجیب و آزادمنش ما به خاطر آینده درخشان و سعادت مند است. بسیاری از آنان جانهای شیرین خود را در راه این مبارزات از دست داده اند که خاطره تابناک آنان برای ما همیشه گرامی و عزیز است و در صفحه تاریخ مبارزات و پیروزی های حزب مادر امر اعمار افغانستان نوین و شگوفان، آباد و سربلند زنده و جاوید خواهد ماند. پیشنهاد مینمایم که به خاطر بزرگداشت روان این سرسپرده گان و قهرمانان راه وطن، مردم و انقلاب به پا خاسته یک لحظه سکوت نماییم.

رفقا!

امروز در این تالار شایسته ترین فرزندان و گلهای سرسبد حزب ما، بهترین نماینده گان که در جلسات و کنفرانس های حزبی انتخاب شده اند حضور دارند. اینان کسانی اند که به امر حزب، انقلاب و مردم وفاداری بی پایان دارند. حزب به برکت مساعی آنان کار و پیکار قهرمانانه و خستگی ناپذیر و از خود گذری ده ها هزار عضو خود، با اتکا بر پشتیبانی و کمک همه وطنپرستان کشور با اطمینان و سربلندی، رسالت تاریخی خویش را انجام داده و مردم ما را در راه ترقی ملی و اجتماعی رهبری میکند.

تدویر کنفرانس سرتاسری حزب انعکاسی روشن وقانع کننده رشد ایدیولوژی سیاسی و سازمانی حزب، تحکیم بیشتر وحدت صفوف آن و افزایش نقش آن در جامعه و دولت است.

اجازه دهید، بنابر سفارش بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، صمیمانه ترین و گرمترین شادباشها را به شما رفقای عزیز و گرامی برسانم و کار پرثمر و موفقانه تانرا آرزو کنم.

رفقا!

در طول سالهای متمادی، ما در مبارزات و پیروزی های خود تنها نبوده ایم. حزب ما بخش انفکاک ناپذیر روند نوسازی انقلابی جامعه است که در مقیاس سراسری جهان گسترش می یابد. دوستان واقعی ما قبل از همه دوست و برادر بزرگ ما اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی همیشه و در همه حالات به طور بلاتغییر و انحراف ناپذیر از کمک نجیبانه و شریفانه انترناسیونالیستی خود به ما دریغ نکرده اند. توجه آنها به مبارزات ما پشتیبانی و مساعدت مادی و معنوی آنها به ما کمک می نماید تا در برابر نیروهای متحد دشمنان که جنگ اعلان ناشده بی را علیه ما به راه انداخته اند و میخوانند وطن ما را به گذشته و نظام قرون وسطایی عقب رانند و مردم ما را از مهمترین حق اجتماعی یعنی حق انتخاب آزادانه طرز زنده گی محروم سازند مقاومت کنیم و پیروز شویم.

تعداد زیادی از پیام های شادباش احزاب انقلابی، دوستان واقعی و مطمئن ما عنوان کنفرانس رسیده است. اجازه دهید، پیام شادباش حزب بزرگ لنین و حزب کمونیست اتحاد شوروی را قرائت نمایم.

همچنان پیام های کمیته های مرکزی احزاب حاکم کشورهای سوسیالیستی، احزاب کمونیستی و کارگری احزاب و جنبشهای انقلابی دموکراتیک، کنفرانسهای سازمانهای حزب خود ما، جبهه ملی پدر وطن و تمام سازمانهای شامل آن نیز عنوان ی کنفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان موصلت نموده است. همه اینها به ما در امر مبارزه انقلابی نیرو، شور شوق نوین انقلابی می بخشند. اجازه دهید، از جانب شما به مناسبت این پیام ها و ابراز همبستگی انترناسیونالیستی شان با کار و پیکار انقلابی و شریفانه ما، مراتب امتنان عمیق را ابراز نمایم. ما از صرف هیچ گونه مساعی و انرژی دریغ نخواهیم کرد تا تمنیات نیک دوستان را در عمل پیاده کنیم.

گزارش کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان به

کنفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان

۲۲ حوت ۱۳۶۰

رفقای نماینده! در مدت زمانی که بعد از کنگره اول حزب دموکراتیک خلق افغانستان سپری شده، حزب ما راه طولانی و پیچیده، افتخار آمیز و پر خم و پیچ را طی نموده است. تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان انقلاب ظفرنمون ثور به پیروزی رسید که وطن محبوب مان افغانستان باستانی و سربلند را در شاهراه رشد ملی - موکراتیک قرار داد.

بعد از هفتم ثور در مدت زمان کوتاه از لحاظ تاریخی تغییرات و تحولات عمیق در کشور رخ داده، رشد این پروسه ادامه دارد. به تسلط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی فیودالان و سودخوران بزرگ پایان داده شد. اصلاحات ارضی و آب به نفع توده های اساسی دهقانان و کوچیان تحقق می پذیرد. سکتور دولتی در صنایع و ترانسپورت توسعه و تحکیم مییابد. حزب و حکومت با پیگیری و استواری برای تحکیم و تثبیت فضای قانونیت، احترام به حقوق و آزادیهای اتباع کشور کار مینمایند. همه زمینه های لازم جهت اجرای آزاد و بلا مانع مناسک مقدس مذهبی برای مؤمنان فراهم و تأمین میگردد.

اکنون دیگر مردم بیشتر از هر وقت دیگر معتقد گردیده اند که سیاست ما واقعاً در مسیر حل پروبلم های اقتصادی، اجتماعی و معنوی به نفع آنان متوجه است. نتیجه کار انجام شده در همه عرصه ها عبارتست از استقرار مناسبات نوین، احترام، اعتقاد، همکاری و برادری بین تمام نیروهای ملی و وطنپرست افغانستان در فعالیت نجیبانه و مشترک شان به خاطر وطن عزیز ما افغانستان انقلابی.

به این ترتیب یکباردیگر این حقیقت به اثبات رسیده است که سیاست حزب دموکراتیک خلق افغانستان یگانه سیاست درستی است که بیانگر منافع اساسی، نیازمندیها و آرمان های خلق ما میباشد.

چرخش انقلابی از عقب مانده گی به سوی ترقی همه جانبه در افغانستان خشم و غضب و وحشیانه و مقاومت دیوانه وار امپریالیزم و ارتجاع را برانگیخته است. آنها به مداخله وسیع در امور داخلی ما دست زده و ترور، آدمکشی و قتل و قتل را به راه انداخته اند و جنگ برادر کشی را تحریک مینمایند و از هیچ وسیله یی برای استقرار مجدد حاکمیت استثمارگران و محروم ساختن مردم ما از مزایای خوشبختی و ترقی

دریغ نمیکنند. بنابر همین جنایات و مداخلات دشمنان انقلاب افغانستان است که تحولات اجتماعی و اقتصادی با سرعت کمتر از آنچه که پیشبینی شده بود رخ میدهد و دشواریهای جدی در کار صنایع، زراعت، امور انرژی و ترانسپورت به وجود میآید.

بنابر همین جنایات و مداخلات هنوز هم خونریزی دوام دارد و هموطنان ما رنج و عذاب میکشند. اوضاع و احوال کنونی از حزب دموکراتیک خلق افغانستان به مثابه حزب انقلابی حاکم، صراحت هدف، قاطعیت عمل و کار عظیم سازمانی را می طلبد. به همین سبب نیز تصویب برنامه عمل که باید پایه وحدت و یکپارچه گی بیشتر و نزدیکتر صفوف حزب و بسیج تمام نیروهای ما را برای اجرای وظایف انقلاب ملی و دموکراتیک و حراست از دستاوردهای آن تشکیل دهد، لازم است.

سند مرامی جدید از آنرو نیز ضرور است که وظیفه عمده ستراتیژیک برنامه اول، مرام حزب دموکراتیک خلق افغانستان یعنی کسب قدرت سیاسی، انجام یافته است. اکنون در برابر حزب وظایف نوین قرار دارد. بنابراین هدف عمومی کنفرانس سرتاسری حزب ما را طرح فورمولبندی این وظایف و تعیین طرق مشخص پیشروی جنبش ما تشکیل میدهد.

در مدتی که از تدویر دومین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و تصویب اساسنامه فعلی حزب میگذرد تجارب معینی در کار درون حزبی اندوخته شده و اشکال و میتوذهای نوین کار در سازمانهای حزبی به وجود آمده است. ساختار سازمانهای حزبی تکمیل میگردد و بهبودی حاصل مینماید. کمیته های ولایتی و در شهرهای بزرگ کمیته های ناحیه وی ایجاد شده است. در حقوق و وجایب کمیته های حزبی و اجدصلاحیت های مختلف تغییرات رخ داده است. همه اینها باید در سند اساسی که زنده گی درون حزبی را تنظیم مینماید یعنی در اساسنامه حزب دموکراتیک خلق افغانستان انعکاس یابد. بنابراین به نظر مامفید است که بعض تغییرات و تعدیلات در اساسنامه کنونی حزب آورده شود.

در کنفرانس اسناد دیگری که برای کشور و حزب اهمیت خواهد داشت، نیز به تصویب خواهد رسید.

رفقا!

آماده گی برای کنفرانس سرتاسری حزب به کمپاین عظیم سیاسی مبدل شد که حزب ما را نیرومندتر و به هم فشرده تر نمود. رابطه آنرا با توده های وسیع مردم توسعه و تحکیم بخشید و باعث شورو شوق انقلابی جدید اعضای اصلی و آزمایشی حزب گردید و حزب را با تجربه نوین غنی ساخت. از آنجایی که مسوده برنامه عمل قبلاً

تکثیر شده و رفقای نماینده آنرا در نزد خود دارند اجازه دهید، به ارزیابی نکات اساسی آن و جهات اساسی فعالیت عملی حزب ناشی از محتوای برنامه پردازیم.

ماهیت انقلاب ملی و دموکراتیک در افغانستان و خطوط اساسی تکامل آن:

رفقا!

ما ضمن طرح فورمولبندی برنامه عمل حزب و سیاست عملی ناشی از آن هدف ساده و روشن را در برابر خویش قرار داده ایم تا مردم خود را سعادتمند و کشور خود را شگوفان سازیم. ماهیت انقلاب ثور و همه فعالیت حزب دموکراتیک خلق افغانستان را نیز همین امر روشن و صریح تشکیل میدهد اما حصول این هدف عالی به یکباره گی و فوری ممکن نیست. گذار از عقب مانده گی شدید به سوی ترقی همه جانبه مستلزم زمان و مساعی آگاهانه و پلان شده تمام مردم، تحت رهبری پیشاهنگ سیاسی شان یعنی حزب انقلابی حاکم یعنی حزب ما، حزب دموکراتیک خلق افغانستان است. مرحله یی از لحاظ تاریخی ضروری و ناگزیر این پروسه انقلاب ملی و دموکراتیک میباشد. انقلاب ما پاسخ به نارضایتی و نفرت افزایش یابنده تاریخی از جانب وسیعترین نیروهای اجتماعی زحمتکشان، روشنفکران و افسران مترقی، سربازان، قبایل، اقوام و ملیتها علیه سیاستهای ارتجاعی و خودخواهانه رژیم های ضد مردمی بود. این انقلاب ملی دموکراتیک است که دارای خصلت ضد امپریالیستی می باشد.

انقلاب ما وظایف عمومی دموکراتیک ذیل را در برابر خود قرار میدهد :

محو تمام بقایای فیودالی و ماقبل فیودالی، تحدید مالکیت بزرگ زمینداری و توزیع زمین به دهقانان کم زمین و بی زمین و کارگران زراعتی، اعتلای سطح اقتصاد ملی، ارتقای سطح زنده گی مردم، رشد فرهنگهای ملیت ها، اقوام و قبایل افغانستان و دموکراتیزه ساختن عمیق و پیگیر حیات اجتماعی و سیاسی.

در عین زمان انقلاب ما خصلت ملی دارد زیرا خصوصیات ملی، احساسات عمیق مذهبی، سنن تاریخی و فرهنگی و ارزشهای معنوی خلق های ساکن کشور و اهدمان افغانستان انقلابی را منعکس میسازد. ما نسبت به این سنن و ارزشها با احترام برخورد میکنیم و همه آنچه را که نسل های پیشین به وجود آورده اند و خوب و مترقی است با دقت تمام حفظ مینماییم و بسط و تکامل میدهیم.

من باید یکبار دیگر خاطر نشان سازم که انقلاب ما وارث تاریخی مبارزات طولانی گذشته و وطنپرستان افغانستان به خاطر آینده بهتر و سعادتمند است. این مبارزات مخصوصاً تحت تأثیر تغییرات ریشه یی که در سراسر جهان و در منطقه ما به برکت پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر تقریباً شصت و پنج سال قبل و تغییر بعدی تناسب نیروها در عرصه جهانی به نفع صلح و ترقی همه جانبه رو نما گردید، تقویت و تشدید یافت. در کشور عزیز ما افغانستان در همین وقت جریانات نوین پدید آمد

وسریعاً رشد نموده نیروهای ترقی و آزادی تقویت یافت. هنوز در آغاز قرن ما دموکرات‌های برجسته افغان چون جلال آبادی، طرزی و دیگران به مثابه طرفداران معتقد ترقی واقعی و طن، مردم را دعوت به وحدت ملی به نام آینده بهتر و تابناک مینمودند. جنگ سوم افغان و انگلیس وحدت و وطنپرستانه را تقویت بخشید و باعث اعتلای نیرومند جنبش دموکراتیک گردید و همه نیروهای مترقی کشور را فعال ساخت.

ادامه ورشد بعدی این جریانات را نهضت مشروطه خواهی اول، اصلاحات مترقی امیرامان الله، نهضت دوم مشروطه خواهی، نهضت دوره هفتم شورای ملی و جنبش مردم افغانستان به خاطر اصلاحات دموکراتیک علیه سیاست مستبدانه رژیم‌های ارتجاعی تشکیل میدهد.

همه اینها شاهد گویای موجودیت نیازمندی عظیم تاریخی مردم ما به ترقی واقعی و همه جانبه بود. در نتیجه رشید نیرومند همین نیازمندی‌های جامعه، حزب ما به وجود آمد که مبارزات پیگیر، استوار و قهرمانانه آن به پشتیبانی تمام نیروهای ملی و وطنپرست سرانجام منتج به پیروزی انقلاب ظفرنمون ثور گردید.

رفقا!

انقلاب ثور به صورت خود به خودی نه، بلکه بر اساس تیوری علمی و انقلابی و قانونمندیهای عام انقلابات اجتماعی و تلفیق خلاقانه این قانونمندیها با خصوصیات اقتصادی، تاریخی، ملی و معنوی افغانستان محبوب به وسیله حزب به پیروزی رسید. این خصوصیات که مشخصه روند انقلابی کشور ما را میسازد، کدامها اند؟

قبل از همه باید خاطر نشان نمود که انقلاب افغانستان نه تنها در شرایط عقب مانده گی شدید رخ داد، بلکه در اوضاع و احوالی گسترش می یابد که باید دایره وسیعتری از پروبلمها نسبت به بعض کشورهای دیگر حل گردد. یعنی بر علاوه معضلات عام اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باید پروبلمهای ملی، مذهبی و قبیله‌یی و غیره را نیز حل نماید. حل همه این مسایل برخورد متعادل و انعطاف پذیر را از جانب حزب و حکومت انقلابی می طلبد.

علاوه بر آن انقلاب ثور هم به شکل مسالمت آمیز و هم به شکل غیرمسالمت آمیز یعنی به شکل مبارزات مسلحانه حزب و مردم علیه تجاوز امپریالیزم، هژمونیزم، پیکنگ، ارتجاع منطقه و ضدانقلاب داخلی آغاز شده رشد می یابد.

همچنان باید خاطر نشان نمود که تکامل انقلاب ملی و دموکراتیک بعد از پیروزی آن هموار و یکنواخت نبوده است. انقلاب نه تنها با انحرافات و اشتباهاتی که در آغاز صورت گرفت، بلکه با مداخلات و تجاوزات سازمان یافته از خارج نیز مواجه گردید. در نتیجه بسیاری از وظایف مطروحه اجرا نگردید و تحولاتی که آغاز شده

بود به انجام نرسید. بنابراین در مرحله کنونی انقلاب ما باید برنامه اقدامات وسیع در راه تحکیم دستاوردهای انقلاب، بهبود وضع مادی زحمتکشان، ادامه اصلاحات ارضی و آب، بهبود امور مربوط به تأمین مردم از لحاظ کالاهای مورد ضرورت اولیه، رشد تجارت، فرهنگ و معارف تحقق پذیرد.

نکته مهم قابل یادآوری اینست که انقلاب ثور در کشوری رشد می یابد که اکثریت مردم آنرا پیروان دین مقدس اسلام تشکیل میدهند. ارتجاع در داخل افغانستان و خارج از مرزهای آن همه تلاشها را نموده و مینماید تا در میان مسلمانان متدین احساس نفرت را نسبت به انقلاب و حزب دموکراتیک خلق افغانستان برانگیزد. بنابراین حزب مساعی جدی را به خرج خواهد داد تا آرمانها و اهداف عالی و شریفانه آن به مسلمانان متدین و به درجه اول به زحمتکشان به درستی و به طور عمیق تفهیم گردد.

خصوصیت قابل ملاحظه دیگر هم اینست که انقلاب ما در کشوری دارای ترکیب مغلق ملی و قبیله بی رشد و گسترش می یابد. در گذشته ها، رژیم های استبدادی و ارتجعی از این خصوصیت به غرض تقنین، تفرقه اندازی و ایجاد دشمنی ها میان قبایل، ملیت ها و اقوام مختلف استفاده می نمودند تا مواضع همه آنها را تضعیف نمایند و به این ترتیب به عمر ننگین و تسلط جابرانه خود بر آنها ادامه دهند. حزب و حکومت انقلابی جدی ترین توجه را به حل درست و معقول این پروبلم پیچیده که از گذشته به میراث مانده است، معطوف خواهد داشت.

رفقا!

فهم درست خصوصیات انقلاب ما و توفیق خلاق آنها با قانونمندی های عام تحولات انقلابی در سیاست حزب اهمیت بزرگی اصولی دارد. موفقیت سیاست عملی و پیروزی این امر را بسته به چنین در درست است.

حزب بر اساس تحلیل از واقعیت های جامعه ما چنین نتیجه گیری مینماید که پروبلم های موجود کشور و انقلاب نه به یکباره گی و فوری بلکه مرحله به مرحله قابل حل میباشند، تکامل انقلاب باید پیشرونده پیگیر و بر طبق پلان باشد. هر مرحله بی از تکامل آن فقط بعد از اجرای وظایف مرحله قبلی آغاز شده میتواند.

حزب در عین زمان که به فراجهبیدن از مراحل، گسست از واقعیت و شتاب بیمورد را اجازه نمیدهد، هیچگونه وقفه را نیز در تحولات انقلابی افغانستان تحمل نمیتواند به توقف در یک نقطه و تعویض عمل انقلابی به گفتار انقلابی اجازه داده نمیشود. حزب متکی بر این تصمیم خلل ناپذیر است که به تدریج، وضع مادی مردم را بهبود بخشد، بیسوادی را محو کند، معارف، صحت عامه و فرهنگ را رشد دهد و در کشور آرامش، قانونیت و نظم انقلابی را تأمین نماید.

حزب ضمن تأمین گذار پیگیر از مراحل انقلاب ملی و دموکراتیک، علیه هرگونه تلاش به غرض قرار دادن یک مرحله در برابر مرحله دیگر است. بعد از پیروزی انقلاب ثور سمت عمومی حرکت به پیش تعیین شده بود. در مرحله نوین و کنونی انقلاب این حرکت از سوژکتیویزم و انحراف مربوط به آن آزاد گردیده، محرکه های نیرومند نوین یافته و قاطعانه در جهت تعیین شده به پیش می‌رود. ایجاد اساسهای سیستم نوین سیاسی که بیانگر ماهیت دموکراتیک انقلاب میباشد، از دستاوردهای انقلاب ثور است. این سیستم علاوه بر ارگانهای قدرت دولتی، جبهه ملی پدروطن را به مثابه پایه قدرت زحمتکشان در جمهوری دموکراتیک افغانستان یکجا با تمام سازمانهای اجتماعی، توده یی شامل آن یعنی اتحادیه های صنفی، سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان، سازمان دموکراتیک زنان افغانستان، کوپراتیفهای دهقانی، اتحادیه های روشنفکران مبتکر، شورای علما و روحانیون، جرگه های قبایل و غیره نیز در بر میگیرد.

سیستم نوین سیاسی ایجاد شده عمل میکند. حزب در آینده نیز به بهبود، دموکراتیزه ساختن و تحکیم ارتباطات آن با مردم توجه جدی خواهد داشت.

حزب همیشه معتقد بوده و معتقد است که مسئله قدرت سیاسی مسئله عمده و اساسی انقلاب است. انقلاب ثور قدرت دولتی طراز نوین را که عبارت از حاکمیت زحمتکشان و تمام وطنپرستان کشور میباشد به وجود آورد. پایه و اساس این حاکمیت را که بیانگر منافع اساسی و آرمانهای توده های وسیع مردم است، اتحاد نیروهای عمده اجتماعی جامعه ما یعنی کارگران و دهقانان تشکیل میدهد. این اتحاد راهمه زحمتکشان، همه وطنپرستان واقعی و تمام فرزندان شایسته وطن ما، روشنفکران و سربازان قوای مسلح انقلابی، پیشه وران، تاجران و کارفرمایان ملی، شخصیتهای مذهبی، قبایل، اقوام و ملیت های افغانستان پشتیبانی می نمایند و عملاً در آن اشتراک دارند.

اعمار افغانستان نوین را در شرایط جنگی اعلان نشده و تحمیلی امپریالیزم و ارتجاع ادامه میدهیم. به همین سبب نیز، ما به امر تأمین و تقویت بیشتر قدرت و قابلیت دفاع از وطن و دستاوردهای انقلابی، تحکیم و مصئون ساختن این دستاوردها، جلوگیری و خنثی نمودن موفقانه و قاطعانه تلاشهای نیروهای امپریالیستی و ارتجاعی برای استقرار مجدد تسلط استثمارگران، اهمیت درجه یک را قابل هستیم. در رابطه با این امر طرح برنامه عمل حاوی سیستمی از تدابیر مؤثر و سنجیده شده است که قبل از همه تحکیم بیشتر اردو، خاردوی، ارتقای سطح آماده گی رزمی و سیاسی آنها و تحکیم و توسعه رابطه آنها را با مردم به مثابه امر حیاتی برای انقلاب پیشبینی مینماید.

حاکمیت انقلابی مردم دستاورد عمده انقلاب پیروزمند ثور است. در عین زمان این حاکمیت ابزار عمده سیاسی برای تعمیق و تکامل بیشتر انقلاب، بسط و توسعه تحولات

اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به نفع توده های وسیع مردم و سپر مطمئن دفاع از دستاوردهای انقلاب در برابر دسپایس و توطئه های ارتجاع خارجی و داخلی است.

بنابراین مهمترین و مبرمترین وظیفه حزب و قدرت انقلابی را به انجام رساندن سرکوبی ضدانقلاب مسلح، استقرار و تحکیم بیشتر و مطمئن تر حاکمیت انقلابی در ساحاتی که هنوز «جنگ اعلان نشده» نیروهای ارتجاعی دوام دارد و تأمین صلح پایدار سراسری ملی در کشور تشکیل میدهد. نظریه صلح پایدار سراسری ملی که از جانب حزب ما طرح گردیده است بیش از همه به معنی تأمین شرایط عادی، صلح آمیز و آرام جهت شور و بحث مشترک روی پروبلمهای موجود و حل این پروبلمها میباشد. فقط چنین شرایطی میتواند راه را برای تحقق کامل تمام مجموع تحولات اجتماعی اقتصادی مطروحه در برنامه عمل باز نماید.

برخورد ما نسبت به مسئله ماهیت و اهداف انقلاب ثور چنین است. ما باید همیشه به یاد داشته باشیم که آرزوها و آرمان های بسیاری از نسلهای مردم ما و بهترین و شایسته ترین فرزندان آن که با دلاوری و شجاعت، مردانه گی و سرسپرده گی به خاطر آزادی و شگوفائی وطن محبوب مان پیکار نموده اند، در جریان تحولات انقلاب ما تحقق می پذیرد. برای همه اعضای حزب و وطنپرستان کشور افتخار عظیم است که به خاطر این امر زنده گی و کار و پیکار دایمی و پیگیر نمایند. این سالهای پرافتخار و مشحون از قهرمانی ها در تاریخ کشور مقام برازنده را خواهند داشت و نسلهای شرافتمند آینده قهرمانان و سرسپرده گانی را که سنگ بنای اعمار حیات نوین رادر کشور گذاشته اند هیچگاه فراموش نخواهند کرد.

رفقا!

حزب ما قدرت سیاسی را بنابر اراده و به خاطر منافع مردم به دست گرفت. همین امر هم خصلت، جهات و اهداف سیاست حزب را در عرصه های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی معین میسازد. تحقق این سیاست در عمل بر بهبود زنده گی مردم ما و هر خانواده افغان تأثیر عظیم خواهد نمود.

ما در طرح این سیاست بر نتایج واقعی که بعد از پیروزی انقلاب ثور و مخصوصاً مرحله نوین آن به دست آمده است، متکی بودیم. این نتایج در طرح برنامه عمل به طور مفصل تشریح شده است. بنابراین من فقط میخواهم نکات ذیل را که برخورد اصولی حزب و حاکمیت انقلابی را به مسایل رشد اقتصادی و اجتماعی مشخص میسازد، خاطر نشان کنم.

قبل از همه باید در نظر داشت که در کشور ما اشکال و سیستم های مختلف اقتصادی چون سکتور دولتی در صنایع و زراعت سکتور کوپراتیوی در ده و در شهر، سیستم سرمایه داری دولتی خصوصی (سکتور مختلط) سرمایه داری خصوصی در

صنایع، ترانسپورت زراعت و تجارت، تولید کالای کوچک در شهر و ده (دهقانان و پیشه‌وران)، اقتصاد سنتی دهقانان به شکل طبیعی و نیمه طبیعی و اقتصاد قبیله‌یی از لحاظ عینی به وجود آمده و وجود دارند.

در مرحله انقلاب ملی و دموکراتیک این شکل چندین سیستمی اقتصاد حفظ می‌شود. ما تصمیم نداریم که بدون نیازمندی و به شکل مصنوعی روند از بین رفتن این سیستم‌ها را که از لحاظ تاریخی به وجود آمده است، تشدید بخشیم. برعکس مادر سیاست اقتصادی و اجتماعی خود با پیگیری و حوصله، در آن جهت کار خواهیم کرد که از امکانات همه اشکال و سیستم‌ها به نفع رشد نیروهای مولده کشور و رفاه مردم استفاده کامل نماییم. به این ترتیب پروبلم مهم اجتماعی نیز حل می‌گردد: یعنی ما به هم نزدیک شدن اقشار و گروه‌های مختلف اجتماعی و ملی را که در عقب این سیستمها قرار دارند، تقویت و تسریع می‌بخشیم. بالاخره رشد نیروهای مولده، معمول ساختن تخنیک و تکنالوژی معاصر، رشد معارف و فرهنگ اجازه می‌دهد تا این وضع چندین سیستم رافع نماییم. نقش عمده را در این روند سکتور دولتی خواهد داشت.

به برکت افزایش پلان شده و تدریجی نقش و اهمیت سکتور دولتی و پلان گذاری در اقتصاد کشور و دادن رجحان به سکتور دولتی همه منابع اقتصادی به طور کاملتر و مؤثرتر در امر عمومی ترقی، ارتقای سطح رفاه مادی زحمتکشان و تحکیم قدرت دفاعی کشور مورد استفاده قرار خواهند گرفت. اما حزب و دولت آن تدابیر لازم را اتخاذ خواهند کرد که تجدید بنای اقتصاد چند سیستمی به ضرر انسان زحمتکش نه بلکه بر اساس بهبود شرایط زنده‌گی و کار و ارتقای سطح مادی و فرهنگی وی صورت گیرد.

رفقا!

برنامه‌های اجتماعی و اقتصادی حزب ما برنامه‌هایی اند، ریالیستی و به هم پیوند یافته که بر اساس شرایط و امکانات موجود متکی میباشند. به همین سبب نیز است که حزب ما توجه دایمی را به پروبلمهای اقتصادی کشور معطوف داشته و همه کارهای ممکن را برای تحکیم اقتصاد، افزایش تولیدات صنعتی، پیشه‌وری و زراعتی و بهبود تجارت انجام میدهد، طبعاً اجرای همه این وظایف بزرگی در مدت کوتاه ممکن نیست. بر علاوه شرایط و اوضاع و احوال کنونی یعنی ادامه جنگی اعلان نشده امپریالیزم و ارتجاع منطقه اجرای آنرا دشوارتر میسازد. اما حزب و حکومت انقلابی اعلام میدارند که: ما آرزو نداریم و نخواهیم گذاشت آنچه که امروز ممکن است به نفع مردم انجام شود به آینده نامعین موکول گردد.

عقب مانده‌گی و عدم رشد افغانستان خصلت موقتی و گذرا دارد. کشور ما افغانستان دارای منابع و ثروت‌های سرشار طبیعی، مقدار کافی زمین حاصلخیز که از جمله اکنون کمتر از نصف آن تحت زراعت قرار دارد و م دارای مردم زحمتکش، با

استعداد، شرافتمندوں آزاده میباشد. حزب مطمئن و معتقد است که در آینده نزدیک وطن ما به کشور رشد یافته از لحاظ اقتصادی مبدل خواهد شد که دارای صنایع پیشرفته و متنوع، زراعت پر بهره و قوی و مردم مرفه، سعادت‌مند، توانا، باسواد و باصحت، تأمین شده از لحاظ مادی و رشد یافته از لحاظ سیاسی، خواهد بود.

رفقا!

در برنامه عمل با در نظر داشت خصوصیات اقتصاد افغانستان توجه بخصوص نسبت به پروبلمهای رشد زراعت و بهبود وضع دهقانان معطوف شده است.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان در سیاست ارضی خود متکی بر این نتیجه گیری است که تنها از طریق محو سیستم فیودالی میتوان دورنمای وسیع را برای تولید زراعتی باز نمود و از امکانات بزرگی در این عرصه استفاده کرد. حزب و دولت، مرام و مشی مبتنی بر حل دموکراتیک مسئله ارضی را به اشتراک مستقیم دهقانان و افزایش نقش آنان در این امر حیاتی با پیگیری و استواری تعقیب خواهند کرد.

به نظر ما مناسبات نوین ارضی باید چگونه باشد؟ بدهی است که این مناسبات در بر گیرنده تحدید معقول اندازه زمین يك فرد خواهد بود تا به منافع دیگران که نیازمندی طبیعی به زمین دارند، ضرر نرسد. ملکیت هر شخصی که به طور میراثی و یا در نتیجه اصلاحات ارضی صاحب زمین میشود در هر حالت به اندازه بی که قانون پیشبینی مینماید، تضمین میگردد. این مناسبات نوین يك هدف خواهد داشت و آنهم ایجاد چنان شرایطی در زراعت است که مطابق به عدالت اجتماعی و اصول دین مقدس اسلام بوده دهقانان زحمتکش صاحب مقدار کافی زمین برای زنده گی شایسته خود و خانواده های شان و افزایش تولیدات زراعتی باشند. به این منظور به دهقانان در امر دریافت قرضه ما و کمک های فنی اگرونومی و وترنری مساعدت خواهد شد. همچنان کود کیمیایی، تخم بذری و ابزار زراعتی با شرایط سهل در اختیارشان گذاشته خواهد شد. به دهقانان در امر امحای بیسودی و رشد خدمات فرهنگی و غیره کمک های وسیع صورت خواهد گرفت.

دولت انقلابی ما چنانکه بارها اشاره نموده ایم، منافع مولدین محصولات و اموال مورد نیاز مردم را در نظر گرفته، احترام میکند و به افزایش و رشد آن هرگونه کمک را می نماید. ما همچنان وظیفه خود می شماریم تا کار عظیمی را در جهت آباد ساختن، آبیاری و تحت زرع قرار دادن زمینهای جدید، استفاده از تخنیک معاصر به مقیاس وسیع، استفاده از میتودهای پیشرفته سازماندهی کار، زرع و جمع آوری حاصلات انجام دهیم و مؤسسات زراعتی دولتی را به حیث مراکز تعمیل این میتودهای پیشرفته ایجاد نماییم و رشد دهیم. تنها با این ترتیب میتوان مسئله تشدید آهنگ رشد زراعت، تأمین مردم از لحاظ مواد غذایی و صنایع از لحاظ مواد خام را به مطمئن ترین و مؤثر ترین شکل حل نمود.

حزب و دولت انقلابی به رشد انواع مختلف کوپراتیف های دهقانی اعم از کوپراتیف های تولیدی، تهیه خدمات و فروش محصولات، مساعدت خواهند کرد. ضمن تحقق این سیاست اصل داوطلبانه بودن عضویت در کوپراتیف ها اکیداً مراعات میشود. به هیچگونه اجبار اجازه داده نخواهد شد. زنده گی و تجربه خود دهقان به وی خواهد آموخت که در کوپراتیف منافع وی بهتر و کاملتر از کار تنهایی و خارج از کوپراتیف تأمین میگردد. هیچکس از امکان بهتر زیستن امتناع نخواهد ورزید و همین امکان در کوپراتیف برای دهقانان میسر میگردد.

حزب ضمن طرح سیاست ارضی خود، سنن و عنعنات مردم و احکام دین مقدس اسلام را در نظر دارد. انقلاب با توزیع زمین و آب که قبلاً به استثمارگران و سود خوران تعلق داشت، به نیازمندان، تهیدستان و خانواده های دهقانی کثیر العده به طور عاقلانه و مطابق به اصول، ضمن تحدید اندازه زمین افراد و آرزوی تاریخی همه دهقانان یعنی آرزوی تأمین عدالت و به دست آوردن زمین و ب را برآورده میسازد. به این ترتیب، برای نخستین بار در تاریخ کشور ما، دهقانان امکان می یابند تا آزادانه برای خود و به نفع جامعه که عضو کامل الحقوق و قابل احترام آن شمرده میشوند، زحمت بکشند.

رفقا!

اعمار افغانستان نوین و شگوفان به طور گسست ناپذیر با رشد صنایع، ترانسپورت و مواصلات ارتباط دارد. صنایع پایه مادی ترقی وطن، رفع عقب مانده گی ایجاد اقتصاد پیشرفته، هماهنگی و متوازن را میسازد. بدون دستگاهاها، ماشینها و برق پیشرفت و ترقی واقعی وجود نخواهد داشت و نیازمندیهای خانواده های مردم ما برای زنده گی عادی و شایسته انسانی مرفوع نخواهد شد. به همین سبب نیز حزب و حکومت انقلابی تأمین رشد و توسعه متداوم و پیشرونده صنایع، امور انرژی، ترانسپورت، مواصلات و مخابرات را به حیث پایه و عرصه اساسی اقتصاد کشور ما بخش انفکاک ناپذیر و مهم برنامه عمل و سیاست ناشی از آن می‌شمارند.

اما وضع و امکانات خود را با واقعینی و به طور ریالیستی ارزیابی مینماییم. به همین اساس هم پلان های مطروحه رشد اقتصادی ما خصلت ریالیستی و قابل تطبیق را دارند. بر مبنای همین پلان ها در آینده ما میتوانیم به تحقق برنامه وسیعتر اقتصادی آغاز نماییم تا تبدیل افغانستان به کشور دارای صنایع و زراعت معاصر، پر بهره و بار آورد تأمین گردد.

رفقا!

درینجا باید با صراحت تمام بگویم که اهداف برنامه یی و دورنمایی و اشتیاق تحقق آن نباید مانع دیدن و پی بردن به وظایف عاجل و روزمره گردد و آنچه را که امروز

به طور بلاوقفه باید انجام دهیم از نظر پنهان نماید. ضرور است که تمام فابریکه ها، کارخانه ها و معادن به صورت نورمال کار نمایند. این وضع نباید دیگر تکرار گردد که مؤسسات علی الرغم موجودیت موادخام و نیروی کار باز هم متوقف مانده و یا به قدرت تولیدی کامل کار نکنند. نیروی حاکمیت انقلابی در قابلیت آن برای حل سریع حادثترین، مبرمترین و حیاتی ترین مسایل است.

رشد نیروهای مولده کشور که به وسیله حزب و حکومت انقلابی پیشبینی می شود و تحقق می یابد تغییرات مثبت را در ساختار اجتماعی کشور ما به وجود خواهد آورد. سیاست اجتماعی حزب ما این تغییرات را منعکس میسازد و به این امر کمک می نماید که دستاوردهای انقلاب به همه زحمتکشان و تمام نیروهای وطنپرست تعلق داشته باشد و به متحد شدن آنان بر مبنای خواست ترقی جامعه مساعدت کند.

به برکت پیروزی انقلاب ثور و سیاست اجتماعی معقول حزب، نقش و اهمیت طبقه کارگر افغانستان در زنده گی جامعه به تدریج ولی به صورت متداوم افزایش می یابد. کارگران ما از طبقه مورد استثمار رژیم های فئودالی، بورژوایی و سرمایه داران بزرگ به طبقه یی مالک دسته جمعی وسایل تولید در سکتور دولتی مبدل گردیده اند. حزب و دولت انقلابی در آینده نیز سعی خواهند کرد که کارگران مصروف در سکتور دولتی در شرایط انقلاب ملی و دموکراتیک نیروی سریعاً رشد یابنده و به بهترین وجه سازمان یافته را تشکیل دهند و سیاست اقتصادی حزب و دولت که متوجه ایجاد پایه صنعتی استوار، دینامیک و رشد یابنده و تقویت و توسعه سکتور دولتی است، به این امر مساعدت خواهد کرد. رشد کمی و کیفی طبقه کارگر افغانستان که در نتیجه تعقیب چنین سیاستی عاید میگردد، بر همه عرصه های زنده گی اجتماعی تأثیر فزاینده خواهد داشت و نقش رهبری کننده حزب را تقویت خواهد بخشید.

ما معتقدیم که زنده گی، کار و پیکار مشترک و باهمی همه نیروهایی را که منافع وطن محبوب مان برایشان عزیز و ارزشمند است، می طلبد.

يك سوال مطرح میکنم: کی وجه نیروهایی در ترقی وطن ذینفع نیستند؟ آیا کارفرمایان ملی و تاجران ملی در رشد و ترقی واقعی وطن ذینفع نیستند؟ آیا قبایل، اقوام و ملیت های مختلف کشور در این امر ذینفع نیستند؛ البته که همه شان ذینفع میباشند. به این ترتیب رشد و تکامل در شرایط صلح سراسری ملی به همه ما، به تمام مردم نجیب افغان نستان امکان می دهد تا بهتر از امروز زنده گی نماییم. اما حزب و حکومت به خوبی میدانند: برای اینکه وحدت ملی و وطنپرستانه واقع استوار و خلل ناپذیر باشد به اساس و پایه مستحکم سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ضرورت دارد. چنین اساسی در طرح برنامه عمل در نظر گرفته شده است. در این طرح همه

طبقات، افشار، گروه ها، قبایل، اقوام و ملیت هما بیان و انعکاس شایسته منافع اساسی خود و طرق درست، معقول و مشخصی تأمین پلان شده و تدریجی آنرا خواهند یافت.

در رابطه با این مطلب لازم است که به موازات ایجاد مؤسسات بزرگ دولتی که اساس و مبنای صنعتی افغانستان نوین را تشکیل میدهد، از امکانات سکتور مختلط و خصوصی قبل از همه برای توسعه تولید امته مورد مصرف مردم استفاده هرچه کاملتر صورت گیرد.

دولت انقلابی جهت همکاری طویل المدت مؤثر و در عین حال مفید سکتور خصوصی و سرمایه داران ملی با دولت هم در چارچوب سکتور مختلط و هم به شکل طرف معامله انفرادی اساسهای اقتصادی و حقوقی لازم را به وجود آورد. دولت از سکتور خصوصی ملی، نه تنها رعایت کامل و بلاشرط قوانین کشور را انتظار دارد، بلکه خواهان برخورد آگاهانه به معضلات و نیازمندی های دولت و جامعه و اشتراك در حل و رفع آنها از طریق به کار انداختن منابع و سرمایه گذاری در پروژه های ضروری بر اساس شرایط متقابلاً مفید نیز میباشد. مؤثریت چنین همکاری در آخرین تحلیل باید در اعمار مشترك و بهره برداری مشترك از مؤسسات صنعتی، خطوط مواصلاتی، منازل مسکونی، ترانسپورت و در ایجاد محلات جدید کار، بهبود زنده گی مردم، استقرار قیم و بالاخره در ترقی عمومی اقتصاد ملی کشور انعکاس یابد.

حزب و دولت در سیاست اجتماعی خود به سازماندهی و تنظیم همکاری مؤثر و طویل المدت با تاجران کوچک و پیشه وران توجه بزرگی معطوف داشته و نقش حیاتی و مهم آنرا در امر رفع نیازمندی مردم به محصولات و کالاهای مورد ضرورت اولیه به درستی درک نموده در عمل به اجرای این نقش مساعدت میکنند.

دولت اشکال گوناگون تعاون و همکاری میان پیشه وران و تاجران کوچک را بر اساس جذاً داوطلبانه، به منظور افزایش سهم آنها در تولید کالا های مورد ضرورت و رشد تجارت و به نفع توده های مصرف کننده و خود پیشه وران و تاجران کوچک تشویق خواهد کرد. به منظور رشد سکتور خصوصی، اشکال همکاری مفید چون شرکت های سهامی مختلط و سیستم دریافت قروض با شرایط سهل تشویق خواهد شد. رشد دینامیک همه سکتور های اقتصادی که یکدیگر را تکمیل نمایند باید به امر رفع عقب مانده گی کشور و ایجاد اقتصاد ملی مؤثر و با ثبات مساعدت کند.

من یکبار دیگر تأکید مینمایم که ما از جانب دولت خود به سرمایه داران ملی، تاجران کوچک و پیشه وران همکاری مستدام، طویل المدت و شرافتمندانه را پیشنهاد میکنیم و ما از آنها نیز چنین همکاری را که در سهمگیری لازم و به خرج دادن مساعی در جهت آبادانی وطن و رفاه مردم انعکاس می یابد، انتظار داریم. به این ترتیب و با چنین شکل آنها به اشتراك کننده گان روند تحولات ملی و دموکراتیک در افغانستان مبدل گشته و در تمام طول این مرحله این موقف را حفظ خواهند کرد.

رفقا! سیاست اجتماعی و اقتصادی ما که ناشی از ماهیت انقلاب ملی و دموکراتیک است متوجه تحکیم و تقویت وحدت و همکاری تمام طبقات، اقشار و گروه های ملی و دموکراتیک مردم افغانستان می باشد. این سیاست اساس های لازم را برای تقویت و افزایش مؤثریت همکاری دولت انقلابی با روشنفکران به منظور توسعه سهمگیری آنان در رشد علوم، تکنیک، ادبیات، هنر و بالاخره در تأمین ترقی همه جانبه وطن، به وجود می آورد. ما به این واقعیت که بهترین نماینده گان و بخش قابل ملاحظه روشنفکران در مواضع تیوری پیشرو انقلابی قرار گرفتند، با قدردانی می نگریم. حزب و دولت انقلابی در آینده نیز مساعی پیگیر و هدفمند را به خرج خواهند داد تا اهمیت و کمیت روشنفکران انقلابی در نتیجه پیوستن بهترین نماینده گان زحمتکشانشان به صفوف آنان افزایش یابد.

رفقا!

اکنون بعضی از جوانب و مسایل سیاست ملی را بررسی مینماییم. این سیاست موقتی و گذرا نبوده بلکه ناشی از ماهیت انقلاب ملی و دموکراتیک شور است.

در طول تاریخ متمدنی و وطن ما و جمهوری دموکراتیک افغانستان نخستین دولتی میباشد که ترقی واقعی مادی و معنوی همه اهالی کشور، تأمین برابری کامل و واقعی حقوق و فراهم آوری امکانات رشد همه جانبه برای همه ملیت ها و اقوام و قبایل کشور را هدف خود قرار داده است. برای همه آنان امکانات مساویانه جهت اشتراك در امور اجتماعی و دولتی، در تحقق تحولات انقلابی و دفاع از وطن محبوب مان تأمین و تضمین میگردد، ضرورت عینی مشترك برای همه ملیت ها، اقوام و قبایل افغانستان یعنی تأمین رشد و ترقی مادی و معنوی روند نزدیکی، همکاری، تفاهم متقابل، دوستی و برادری آنان را ایجاد و تقویت مینماید. سیاست حزب و دولت انقلابی ما نیز متوجه همین هدف است.

ضمناً باید خاطر نشان کرد که حزب و دولت انقلابی هم در حال حاضر و هم در آینده سنن، عنعنات و رسوم تاریخی، مذهبی و فرهنگی ملیت ها، اقوام و قبایل افغانستان را رعایت و احترام نموده و خواهند نمود. حفظ و رشد جهات پسندیده و با ارزش در میراث فرهنگی و سنن تمام ملیت ها، اقوام و قبایل تأمین و تضمین میگردد.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان با قدردانی و احترام به نقش و اهمیت قبایل پشتون در تاریخ وطن ما و دفاع از سرحدات آن و با احترام به سنن، عرف، عادات طرز زندگی شان در رابطه با قبایل مذکور از سیاست اعتماد، صلح و همکاری که ناشی از ماهیت انقلاب ثور و مطابق به اصول و اندیشه های دین مقدس اسلام می باشد، پیروی مینمایند.

رفقا!

برخورد اصولی ما نسبت به حل مسایل اقتصادی و اجتماعی مرحله کنونی انقلاب چنان است که در بالا تذکر رفت. تحقق و اجرای کامل این وظایف به جامعه ما امکان خواهد داد تا به مرحله عالیتر تکامل مادی و معنوی دست یابد.

هموطنان ما زنده گی بهتر خواهند داشت. خودشان و اطفال شان از نعمت سواد بهره مند خواهند گردید و نسبت به حال حاضر از امکانات به مراتب بیشتر در ساحه تعلیم و تربیه و صحت استفاده خواهند نمود. دولت و جامعه خواهند توانست به نسل آینده، جوانان، نوجوانان، زنان و کهنسالان توجه، مواظبت و مساعدت بیشتر نمایند. تفاهم متقابل و همکاری میان نیروها، اقشار و گروه های مختلف اجتماعی و ملی تقویت خواهد یافت و وحدت و وطنپرستانه آنان و اتحاد شان به دور حزب دموکراتیک خلق افغانستان تحکیم حاصل خواهد نمود. بنابراین ما به آینده با خوشبینی، اعتماد و اطمینان دی نگریم و از همه وطنپرستان دعوت مینماییم که به خاطر این آینده تابناک و درخشان از صرف هیچ مساعی دریغ ننمایند.

رفقا! برای حزب ما، رشد معنوی مردم و تأمین ترقی فرهنگ و علوم کشور یکی از مهمترین ساحات به شمار میرود.

پیروزی انقلاب ثور شرایط و مقدمات ضروری را برای اینکه ثروت و ارزش های فرهنگی، علوم و هنر ملی و جهانی در اختیار توده های وسیع مردم قرار گیرد، فراهم آورد. روشن است که برای به در رساندن این امر زمان طولانی و مساعی بزرگ و هدفمند حزب و تمام جامعه لازم است. در کشورها دشواری ها و پروبلم های خاصی در عرصه کار اید یولوژیک وجود دارد که ناشی از کثیرالاشکل بودن اقتصاد ما، عدم تجانس جامعه ما، ساختار پیچیده ملی و قبیله ای، بقایا و مظاهر هنوز هم قوی نظرات و اندیشه های مختلف استثمار و ارتجاعی و تأثیرات ناسیونالیزم و نفاق ملی گذشته، میباشد. اکثریت مردم ما بیسواد و یا کم سواد میباشدند. همه این دشواری ها و پروبلم ها در نتیجه تجاوز اید یولوژیک امپریالیزم و ارتجاع منطقه علیه افغانستان تقویت شده و پیچیده تر میگردد.

کار همه وسایل رسوخ اید یولوژیک بر توده های مردم باید مطابق به مطالبات مرحله کنونی و مراحل بعدی انقلاب تقویت یابد و فعالتر گردد. کار اید یولوژیک سیاسی، تعلیمی و تربیتی باید به طور پلان شده و مجموعی گسترش یابد و به امر تثبیت و رشد نظرات و اندیشه های انقلابی، نورم ها و اصول اخلاق مترقی، را بطه نوین نسبت به کار، رشد همه جانبه ابتکارات زحمتکشان به مقیاس وسیع و اشتراک فعال مردم در امر دفاع از دستاوردهای انقلاب مساعدت نماید.

نخستین گام های موفقانه در این جهت برداشته شده است. بر مبنای تحولات انجام شده ضربات محکمی بر مواضع ریشه های ایدئولوژی فیودالی، بقایای پراکنده گی ملیوخرابکاری های ایدئولوژیک امپریالیزم وارد آمده است. سطح آگاهی زحمتکشان با سرعت ارتقا می یابد و وحدت و وطنپرستانه شان تحکیم حاصل میکند. بنابر ابتکار حزب مبارزه همه گانی ملی جهت امحای بیسوادی آغاز یافته گسترش می یابد.

رفقا!

امحای تدریجی بیسوادی برای دولت و آینده آن اهمیت استثنایی دارد. ضرورت است در آینده نیز معارف و تعلیمات به طور پیگیر رشد یابد. در عین زمان اینکار را نباید منحصر به کسب يك مجموع معین دانستی ها و معلومات شمرد. حزب و دولت انقلابی وظیفه خود میدانند که انسان ها را با درک درست از پروسه ها، پدیده ها و حوادثی که در جهان و در داخل کشور رخ میدهد مجهز ساخته سمتگیری درست سیاسی آنان را تأمین نمایند. بنابراین معارف و تعلیمات عمومی مردم باید به طور گسست ناپذیر به امر فراگرفتن و دانستن اساسهای تیوری انقلابی پیشرو ارتباط داشته باشد.

یکی از مهمترین وظایف را تربیت زحمتکشان با روحیه عشق به وطن، وحدت ملی و وطنپرستانه، وفاداری به اندیشه های مترقی اجتماعی و همبستگی انترناسیونالیستی و با روحیه آشتی ناپذیری با بقایای فیودالی و جدایی طلبی، ایدئولوژی بورژوازی و ناسیونالیستی تشکیل میدهد، به همه این آمال فقط بر اساس اشتراك وسیع زحمتکشان در امر تحقق و تحکیم تحولات ملی، دموکراتیک و دفاع از آن میتوان نایل آمد.

رفقا!

در طرح برنامه عمل، سیاست حزب در رابطه با دین مقدس اسلام با وضاحت و صراحت فورمولبندی شده است.

همه ما می بینیم و میدانیم که این مسئله توجه بخصوص دشمنان وطن و انقلاب را جلب نموده است. آنها تلاش های زیادی به خرج میدهند تا ماهیت سیاست ما را نسبت به اسلام و مسلمانان متدین و ارونه جلوه دهند و مسخ کنند. دروغ پراگنی بی حد و حدود، شیوه های رذیلانه و زهر آگین، سلاح دشمنان است. آیا اسلام ترقی را رد مینماید؟ آیا اسلام عدالت را نفی میکند؟ و آیا اسلام ریختن خون مسلمانان را تقبیح نمیکند؟ اما یکبار دیگر خاطر نشان میسازیم که انقلاب ثور به مثابه انقلاب عمیقاً ملی و دموکراتیک تمایل و خواست نیرومند توده های مسلمان افغانستان را برای استقرار عدالت اجتماعی و برابری واقعی منعکس میسازد. همین تمایل هم یکی از بزرگترین ارزش ها و مهمترین سنن دین مقدس اسلام را تشکیل میدهد.

تجربه کشورهای اسلامی چون جمهوری دموکراتیک مردم الجزایر، سوریه، لیبیا، جمهوری دموکراتیک مردم یمن و بالاخره تجربه خود ما به اثبات میرساند که تحولات انقلابی نه تنها با محتوای اجتماعی اسلام ودعوت تاریخی آن به عدالت برابری ومحو استثمارانسان به وسیله انسان در زنده گی اجتماعی منافات ندارد، بلکه برعکس زمینه های لازم را برای تحقق عملی این احکام مطابق به آرزوهای تاریخی توده های وسیع مردمان مسلمان و با درك درست واستفاده درست از ارزش های اسلام، فراهم میسازد. حزب دموکراتیک خلق افغانستان ودولت جمهوری دموکراتیک افغانستان بر مینای اصول و اهداف انقلاب ثور یکباردیگر رسماً اعلام میدارند که در جمهوری دموکراتیک افغانستان تمام حقوق و آزادی های مسلمانان و روحانیون و علمای شریف ووطنپرست تضمین شده است. پشتیبانی دولت از تمام موسسات وشخصیت های مذهبی وتمام مؤمنان در رابطه با فعالیت های مذهبی و مساعی شان در جهت برقراری عدالت اجتماعی و برابری تمام مسلمانان در حیات اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی تأمین گردیده است.

جمهوری دموکراتیک افغانستان از وضع مساجد ومؤسسات مذهبی، زیارتگاه ها و سایر اماکن مقدسه مسلمانان مواظبت دایمی نموده وبرای متولیان وروحانیون، آزادی فعالیت را تأمین میکند. به امر ادای فریضه حج مسلمانان مساعدت صورت گرفته احترام به اعیاد وایام مذهبی رعایت میگردد.

در کشور ما مطابق به اصول مقدس دین اسلام آزادی کامل اجرای مناسک مذهبی برای پیروان سایرادیان که مخالف اصول انساندوستی وهومانیزم نباشد و به امنیت ومصنونیت جامعه لطمه وارد نکند، نیز تأمین میشود.

اما حزب دموکراتیک خلق افغانستان ودولت انقلابی هیچگاه با تلاش های دشمنان انقلاب ومردم ها که میخواهند از دین مقدس اسلام به غرض انحراف افغانستان از راه انتخاب شده استفاده نمایند سازش نخواهند کرد. ما در عمل ثابت میسازیم که ترقی اجتماعی وملی با اسلام تضاد ندارد، بلکه فعالیت جنایتکارانه عناصری که نمی خواهند ویانمیوانند اسلام را درست درک کنند، مخالف اسلام وعلیه آن میباشد.

حزب بعد از این نیز به طور پیگیر وصادقانه ازسیاست خود مبنی بر احترام به احساسات مذهبی مردم مسلمان ما پیروی خواهد کرد. حزب در آینده نیز برنامه تحولات در جهت بهبود شرایط زنده گی را به خاطر ایجاد جامعه عادلانه وشگوفان در سرزمین باستانی ما تحقق خواهد بخشید.

رفقا!

حزب ما کار خود را در عرصه ایدیولوژیک، معارف، تعلیم وتر بیه، علوم و فرهنگی مانند دیگر عرصه ها به خاطر تحکیم وحدت ملی وطنپرستانه مردم افغانستان، به

خاطر ترقی همه جانبه وطن و به نفع مردم و آینده سعادت‌مند دنبال مینماید. تمام فعالیت حزب دموکراتیک خلق افغانستان به خاطر همین هدف عالی و شریفانه صورت میگیرد. حزب ما به خاطر همین هدف، زنده گی و مبارزه مینماید.

رفقا!

حزب دموکراتیک خلق افغانستان هسته مرکزی سیستم اجتماعی، سیاسی افغانستان و نیروی رهبری کننده و هدایت کننده جامعه ما میباشد، زیرا با تیوری پیشرو انقلابی مجهز بوده و منافع کارگران، دهقانان و تمام زحمتکشان کشور را منعکس می‌بازد و مشی سیاسی و استراتژی و تاکتیک مبارزه به خاطر آینده سعادت‌مند کشور ما را طرح و عملی مینماید. حزب ما سازمان یافته ترین نیرو از لحاظ ایدئولوژیک، به هم فشرده ترین گردان پیشرو جامعه ماست که با وسیع ترین توده های مردم ارتباط گسست ناپذیر دارد.

با رشد نیروهای مولده جامعه و تغییر مناسبات اجتماعی، نقش رهبری کننده حزب و نفوذ و تأثیر آن بر توده های وسیع دایم ارتقا و افزایش خواهد یافت. بنابر این مهمترین جهت در کار سیاسی حزب عبارت از تأمین رابطه گسست ناپذیر با مردم میباشد که منبع نیروی حزب و قابلیت حیات آنرا منعکس میسازد. کار سیاسی حزب، در مجموع همه کمیته ها و سازمانهای اولیه حزبی، هر عضو اصلی و آزمایشی حزب باید متوجه آن باشد تا توده های وسیع مردم را در جهت تحکیم و دفاع از دستاوردهای انقلاب، استقرار صلح سراسری ملی در کشور و اجرای بعدی تحولات ملی و موکراتیک به نفع وطن و مردم به دور حزب متحد ساخته بدنبال آن کشا ند.

امر عمده توسعه پایگاه اجتماعی انقلاب و جلب نیروها، گروه ها و سازمانهای مترقی برای اشتراك فعال در تحقق تحولات انقلابی میباشد. امروز مسئله اتحاد حادتر از همیشه عرض وجود نموده است. در این امر باید قادر به مصالحه بود، البته در حدود معقول و براساس اصول، علی الرغم تفاوت های معین در نظرات، ما باید نقاط مشترک را در یابیم و نیروها را در امر اجرای وظایفی که در برابر ما قرار دارد و در راه مبارزه به خاطر استقرار صلح سراسری ملی فعالتر جلب نماییم.

باید خاطر نشان کرد که بعد از تبدیل شدن حزب به حزب حاکم اهمیت کار ایدئولوژیک شدیداً بالا رفته است. قبل از همه فقط حزب ماست که مسؤولیت اساسی را در جهت تعمیم تیوریک مرحله کنونی انقلاب و دورنمای آن به عهده دارد. حزب با اتکا بر تیوری پیشرو انقلابی و تجربه خود، بادرک عمیق از زنده گی جامعه مراحل نزدیک و دور تکامل جامعه و دولت را روشن میسازد و پیشبینی میکند.

مهمترین جهت کار ایدئولوژی ها را تشکیل آگاهی انقلابی توده ها تحکیم اعتقاد آنان به برحق بودن اندیشه ها و سیاست حزب تشکیل میدهد. این کار کمک میکند تا توده

های مردم به مبارزان فعال به خاطر امر انقلاب مبدل گردند.

دولت به وسیله آگاهی توده ها نیرومند است. دولت آنوقت نیرومند است که توده ها همه چیز را بدانند، در باره همه چیز قضاوت نمایند و به راه هر کار آگاهانه بروند، در عین زمان، ما باید مبارزه با ایدیولوژی خصمانه را فعالتر و متعرض تر سازیم. همیشه به یاد باید داشت که در آنجایی که حرف حق به صدا در نمی آید، ممکن است حرف دروغ به گوش رسد.

رفقا!

نیروی حزب انقلابی در سازمان آن و وحدت و یکپارچه گی آن است. راه تاریخی و تجربه سیاسی حزب دموکراتیک خلق افغانستان با صراحت و وضاحت به اثبات میرساند که پیروزی و موفقیت تنها و تنها در وحدت عمل تأمین میگردد. هنگامیکه وحدت مختل گردد، حزب دچار ضعف و شکست میشود و حتی وجود آن مواجه با خطر می گردد. در شرایط کنونی حزب ما بیشتر از هر وقت دیگر نیازمند وحدت گسست ناپذیر و ارگانیک است.

تنها به این شرط حزب میتواند نقش رهبری کنند خود را در تعمیق و دفاع از انقلاب ایفا نماید.

تنها به این شرط حزب می تواند مردم شریف و آزادی دوست ما را موفقانه و پیروزمندان به دنبال خود، به سوی آینده سعادت مند بکشانند.

حزب معتقد است که هرگونه تلاش به غرض برهم زدن وحدت و یکپارچه گی صفوف حزبی، مظاهر فرکسیو نیزم و گروه پرستی در تضاد با نقش عالی حزب به مثابه پیشاهنگ سیاسی و نیروی رهبری کننده جامعه است. منافع اساسی و مسوولیت تاریخی حزب در برابر مردم هرگونه مظاهر فرکسیونبازی و گروه پرستی را مغایر نام پرافتخار عضو حزب شد مرده و موجودیت در صفوف آنرا غیر ممکن میسازد.

رفقای نماینده حزب ما، پیشاهنگ طبقه کارگر و کلیه زحمتکشان افغانستان است. ما باید همیشه مواظب آن باشیم که صفوف حزب به وسیله بهترین، فعالترین و آگاهترین نماینده گان زحمتکشان تکمیل گردد. این امر منبع عمده حیات و سلامت حزب، نیرو و قابلیت کار و پیکار آنرا تشکیل میدهد. باید به پاک و منزه نگهداشتن صفوف توجه بخصوص معطوف گردد. باید در برابر نفوذ افراد تصادفی متمایل به انارشیزم، دسپلین ناپذیر و آلوده با ایدیولوژی بیگانه موانع مطمئن را ایجاد کرد.

یکی دیگر از مسایل کلیدی در فعالیت حزب را کار با کادرها تشکیل میدهد. وظیفه عمده کمیته های حزبی را در این زمینه جستجو تربیت و بالا کشیدن سازمان دهنده گان خوب و کادرهای عمیقاً وفادار به انقلاب و مردم میسازد. باید با تمایلات و بقایای

مضر فرکسیونبازی عدم اعتماد، سکتاریستی نسبت به اعضای جدید حزب، انتخاب وانتصاب کادرها بر اساس خویشاوندی، محل پرستی و مشخصات سمتی و قومی، جداً و با قاطعیت بیشتر مبارزه نمود. خصوصیات سیاسی و عملی عمده ترین معیار برای انتخاب وانتصاب کادرهاست. پابندی وفاداری به این اصل، نیرومندی حزب را نشان داده اتوریته آنرا در میان مردم ارتقا می بخشد. همه اینها و بعضی مسایل دیگر حیات درون حزبی در طرح برنامه عمل انعکاس یافته است بعضی از آنها که زنده گی درون حزبی را تنظیم مینمایند باید در اساسنامه حزب نیز منعکس گردند.

حزب به مثابه پدیده اجتماعی مانند ارگانیزم زنده بی است که در رشد و تکامل دایمی بوده سکون و وقفه را نمی پذیرد. حزب نباید وحق ندارد به آنچه که به دست آورده است، اکتفا نماید. تحلیل انتقادی از دستاوردها، برخوردارانتقادی از فعالیت خود علامت جدی بودن حزب و هر عضو آن، علامت قدرت و قابلیت حزب برای پیشاهنگی بودن است. بنابراین کمیته ها و سازمانهای اولیه حزبی موظف اند که به منظور تکمیل و بهبود اشکال و میتودهای فعالیت خود، افزایش دایمی مؤثریت و از تقای سطح عمومی کار و پیکار خود همه مساعی ممکن را به خرج دهند.

تصویب برنامه عمل بدون شك همه کار حزبی را به سطح نوین و عالیتر ارتقا خواهد بخشید. وظیفه ماست تا هرگام و هرپلان خود را با برنامه عمل مطابقت بخشیده و وظایف مشخص خود را در رابطه با آن انجام دهیم.

رفقا!

بررسی و تصویب برنامه عمل اهمیت اصولی را برای حزب، دولت و جامعه دارد. در برنامه، ارزیابی تیوریک و برخورد عملی حزب ما نسبت به پروبلماهای مرحله کنونی انقلاب ملی و دموکراتیک در افغانستان و دورنمای نزدیک آن بیان شده است.

این سند رهنمایی و تعمیمی، مطابق به شرایط و اوضاع و احوال کنونی در حزب، کشور و منطقه طرح گردیده، زیرا حزب ما، دولت انقلابی و محافل وسیع اجتماعی کشور ما راه بزرگی را طی نموده و تجربه نوین سیاسی، اجتماعی، ایدئولوژیک از اقتصادی را مخصوصاً بعد از پیروزی انقلاب ثور کسب کرده اند. طرح برنامه عمل کاملاً خصوصیات مرحله حاضر یعنی مرحله تحقق تحولات ملی و دموکراتیک و مبارزه در راه دفاع از آنرا منعکس میسازد. ما هنوز به اجرای مجموع تحولات ملی، دموکراتیک دست نیافته ایم. ولی ما با پیگیری وثبات تحولاتی را انجام داده و می دهیم که یگانه اساس ضروری و درست برای اجرای مجموع وظایف ملی و دموکراتیک در آینده به شمار می رود. ما حتماً این وظایف را انجام میدهیم زیرا با اعتماد و اطمینان و موفقیت اساس آنرا گذاشته ایم. هنگامیکه ما از مرحله کنونی یعنی مرحله بی که برنامه عمل برای تشخیص و اجرای وظایف مربوط به آن طرح گردیده است، سخن میگوئیم، همین مطلب را در نظر داریم. مطابق به آن در طرح برنامه

عمل توجه اساسی به این امر صورت گرفته است که چطور و چگونه ماهیت سیاست حزب در تدابیر مشخصی برای تحقق این سیاست انعکاس یابد زیرا ما به مثابه حزب حاکم در امر تحقق کامل وظایف مطروحه در سند مرآمی خود مسؤولیت عام و تام در برابر تاریخ و مردم داریم، هیچگاه نباید فراموش کرد که تاریخ و مردم در باره ما نه تنها بر اساس اهداف و اصول ما هر قدر هم عالی و نجیبانه باشد، بلکه بر اساس قابلیت ما برای تحقق و اجرای عملی آنها به نفع همه گان قضاوت خواهند کرد.

برنامه عمل حزب دموکراتیک خلق افغانستان با صراحت و به طور کامل منافع اساسی نیروهای محرکه عمده انقلاب یعنی طبقه کانگر، دهقانان، روشنفکران انقلابی، توده های وسیع زحمتکش را منعکسی میسازد. در عین زمان راه ها و طرق واقعی، درست و ممکن افزایش نقش آنان را در حزب دولت و جامعه بیان میکند.

کشور ما آماج تجاوز بیشرمانه و غیرموجه از خارج که باعث بینظمی و خونریزی میگردد، قرار گرفته است. انسان های کشور ما انتظار صلح سراسری ملی و اوضاع عادی را دارند و تشنه شرایط مساعد جهت کار صلح آمیز و سازنده میباشند. ما باید کار نماییم و باز هم کار نماییم. خسته گی و آرامشی، ترس و هراس را به خود راه ندهیم و هیچگاه کار امروز را به فردا نگذاریم. باید کار کنیم و پیروز شویم، برای همین منظور هم به برنامه عمل ضرورت داریم.

اهداف و مقاصد ما روشن و صریح است. ما آنچه را میخواهیم که اکثریت قاطع مردم سربلند و آزادهها تقاضا دارد، یعنی ما حفظ آزادی و استقلال کشور، ترقی و شگوفانی وطن محبوب خود را آرزو داریم. ما به احساسات مذهبی هموطنان خود احترام می گذاریم و با تمام وسایل و امکانات سعی خواهیم کرد شرایطی تأمین گردد که در آن هر فرد شریف کشور بتواند آزادانه و سعادت مند زنده گی و کار کند، نان، لباس و سرپناه داشته باشد و از صلح در کشور و خوشبختی خانواده خود لذت ببرد.

اما مشتی از دشمنان حقیر پست، مزدوران و همد ستان منفور و ناچیز فیودالان، سرداران و سودخواران و مرتجعین سرنگون شده و امپریالیسم بین المللی، در راه تحقق آنچه که مردم به آن نیاز دارند، سنگ اندازی میکنند، آنها مساجد، مکاتب، شفاخانه ها را به آتش می کشند، مواد غذایی مردم را غارت میکنند، در کار مؤسسات و ترانسپورت اختلال وارد مینمایند، مانع کشت و زراعت مردم میشوند و اهالی ملکی و بی دفاع را ترور میکنند. همه این جنایات و اعمال کثیف را تحت نام دفاع از عقیده، ایمان و آزادی و وطن انجام میدهند. ننگ بر این روسیاهان و دروغ پردازان!

بگوئید کی و چگونه احساسات مقدس مسلمانان متدین ما را زیر پا میگذارد و کی آنها را در اجرای مناسک دینی ممانعت میکند؟ کی مردم زحمتکش ما را نمی گذارد که

به آرامی و سعادت زنده گی کنند؟ جواب روشن است. آنهایی که جنگ اعلان ناشده علیه افغانستان را ادامه میدهند.

متأسفانه بخشی از اهالی بنابر اجبار و یا فریب و بعضی بنابر عدم درک اهداف و مقاصد حزب و دولت انقلابی هنوز هم در باندهای اشرار عضویت دارند و به جنگ برادرکشی دست میزنند و به این ترتیب مرتکب گناه بزرگ در برابر اسلام و وطن میگردند. همه این اعمال نا آرامی و وخامت را در اوضاع نظامی و سیاسی کشور به وجود آورده باعث دشواری های جدی در کار صنایع، زراعت، ترانسپورت و تجارت می گردد.

برنامه عمل و هم اوضاع کشور ضرورت تمرکز توجه تمام حزب، ارگان های دولتی و همه سازمانهای اجتماعی شامل جبهه ملی پروطن را در حل و اجرای وظایف مبرم و درجه یک به وجود آورده است.

قبل از همه کمیته های حزبی و ارگان های قدرت دولتی هم در مرکز و هم در محلات موظف اند که مساعی خود را متوجه مبارزه با ضدانقلاب مسلح و استقرار و تحکیم پایدار حاکمیت مردم در محلات سراسر کشور سازند. این مهمترین امر همه حزب و تمام مردم است.

بنابراین ضرورت است تا سیستم واحد و مجموعی دفاع از انقلاب و مردم متشکل از اردو، خارتندی، گروههای مدافعین انقلاب، ملیشه های قبایلی، گروه های مقاومت محلی و قطعات دفاع منطقه وی ایجاد گردد. باید با قاطعیت، پیگیری و جسارت بیشتر گروه های وطنپرستان را ایجاد کرد و تحکیم بخشید تا در هر ولایت و هر ولسوالی فعال باشند. باید عملکرد مؤثر و مطمئن گروه های دفاع را در هر مؤسسه و قریه و دیگر محلات مسکونی تأمین نمود. مردم ماسنن پرافتخار دفاع از حیثیت و شرافت خود را دارند. بگذار زمین در زیر پاهای باندیت ها، مزدوران و همدستان ارتجاع بین المللی و همه کسانی که زندگی صلح آمیز و آرام را در وطن محبوب مان مختل میسازند، به آتش مبدل گردد. کمیته های حزبی در ولایات، شهرها و ولسوالی ها باید به این امر توجه جدی و قطعی نمایند تا توده های مردم هرچه پیگیرتر و هرچه قاطع تر امر دفاع از انقلاب را به دست خویش گیرند و آنرا تا پیروزی نهایی به سر رسانند. باید کنترل مؤثر حزبی بر عملکرد پرثمر این سیستم در مجموع و برتأمین ارتباط همکاری و کمک متقابل حلقه های مختلف آن تحقق پذیرد.

اردو، خارتندی و خدمات اطلاعات دولتی، حلقه اساسی و قاطع رادر تأمین پیروزی قطعی بر ضدانقلاب تشکیل میدهند. کمیته مرکزی حزب، شورای انقلابی و شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان به تحکیم آنها توجه دایمی دارند.

سطح تجهیز تخنیکی و آماده گی رزمی قطعات و جزواتم های اردو و خارتندی به

طور قابل ملاحظه ارتقا یافته است و اکثریت سربازان، خردصابان و افسران وظایف و مسؤولیت های خود را در برابر وطن و انقلاب به طور شرافتمندانه انجام میدهند. در عین حال در اكمال و آماده سازی قطعات و جزئیات های اردو، خاردنوی و ارگان های خدمات اطلاعات دولتی هنوز هم امر حل مسائل اعمار و تحکیم قوای مسلح و ارگان های امنیتی و حفظ نظم اجتماعی، مربوط به تمام حزب و همه سازمانهای اجتماعی است. قوای مسلح را باید تحکیم بخشید. دائماً با کادر جدید تکمیل نمود و سطح آماده گی سیاسی و رزمی آنرا بالا برد، باید به آن توجه و مواظبت دایمی نشان داد و روابط آنرا با توده های وسیع مردم تحکیم بخشید.

ما همه در مدتی بعد از پیروزی انقلاب و مخصوصاً مرحله نوین آن چیز های زیادی را آموختیم. اکنون باید با جسارت و قاطعیت مرکز ثقل کار و پیکار آگاهانه و روزمره را به ولایات، ولسوالی ها و قریه ها انتقال دهیم. وظیفه عمده ارگانهای مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، دولت انقلابی، وزارت ها، ادارات و جبهه ملی پدر وطن باید تأمین همین امر باشد.

رفقا!

مساعی که حزب و مردم در راه دفاع از انقلاب و حصول پیروزی کامل بر دشمنان انقلاب به خرج میدهند باید به طور گسست ناپذیر با بهبود همه کارها در عرصه اقتصاد توأم باشد. ما همه باید به درستی و روشنی بدانیم و درک نماییم که موفقیت در امر رشد اقتصاد، در اجرای اصلاحات ارضی و آب، در حل پروبلم های حاد اجتماعی کلید جلب اعتماد توده ها و جذب آنان به سوی حزب و امر انقلابی به شمار میرود.

این امر را نباید موقوف به سرکوبی کامل ضدانقلاب و استقرار صلح سراسری ملی نمود. مردم باید همین امروز مواظبت و غمخواری حزب و دولت انقلابی و مزایای نظام نوین اجتماعی را احساس نمایند. تا کنون ما توانسته ایم فقط دستمزد کارگران و مستخدمان و ماکولات کارمندان دولتی را بالا ببریم. مصارف عمومی دولت برای این کار مجموعاً يك ملیارد و پنجصد میلیون افغانی را در سال احتوا میکند. اما برای گامهای بعدی در حل مسایل اجتماعی ضرورت به افزایش مؤثریت تولید در همه عرصه ها و سکتورهای اقتصاد است.

در چه جهتی باید مساعی حزب و دولت انقلابی را تمرکز بخشید؟ نزدیکترین و وظیفه ما را تأمین با ثبات تولیدات در صنایع و زراعت با رفع دشواری های موجود تشکیل میدهد. حزب باید همین امر را وظیفه عمده خود بداند، زیرا همین امر یعنی حل مسایل حاد اقتصادی و اجتماعی جبهه عمده مبارزه را به خاطر افغانستان نوین و شگوفان تشکیل میدهد.

در حال حاضر کمیته های حزبی در ولایات ولسوالی ها و ارگان های قدرت دولتی در محلات باید توجه خود را به امور مربوط به کشت بهاری معطوف دارند. باید تدابیری به منظور تأمین امنیت و مصئونیت، بذل کمک به دهقانان و کوپراتیف ها به شکل تخم بذری، کود کیمیاوی، ابزار کار و وسایل تخنیکی طرح و تحقق پذیرد.

همزمان با آن و در همه جایی که ممکن است باید اجرای اصلاحات ارضی و آب مطابق به تصاویر بیرونی سیاسی، شورای انقلابی و شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان ادامه یابد. باید در تحقق این مهمترین امر برای دهقانان زحمتکش به صورت پیگیر و مصرانه کار نمود.

اکنون مسایل مربوط به کار صنایع، ترانسپورت، انرژی، مواصلات و مخابرات را مورد ارزیابی قرار میدهم:

کمیته های حزبی ولایات، شهرها، ولسوالی ها، ارگانهای دولتی و قبل از همه وزارت ها و ادارات مرکزی موظف اند در جهت تجدید فعالیت تمام مؤسسات و پروژه های اقتصادی که به وسیله دشمنان تخریب و یا زیانمند شده اند تمام مساعی خود را متمرکز و متوجه سازند. باید به زودترین فرصت فابریکه سمند هرات، فابریکه های نساجی کندهار و هرات، فابریکه قند و بعضی از تأسیسات آبیاری یعنی آن مؤسساتی را که درجه بالاتر آماده گی دارند، فعال ساخت. این مؤسسات باید کار کنند و محصولات مورد ضرورت را در اختیار مردم بگذارند. کمیته مرکزی حزب و شورای وزیران باید کنترل را تشدید بخشیده از رهبران وزارت ها و ادارات مرکزی و ارگان های دولتی در محلات جداً باز پرس به عمل آورند. با صراحت حرف می زنیم: بسیاری رفقای حزبی هنوز در کار مؤسسات صنعتی، ترانسپورت، انرژی و مواصلات کمتر وارد هستند و به حل پروبله های اقتصادی در ولایات، شهرها و ولسوالی ها کمتر توجه مینمایند، کمیته های حزبی مسایل مربوط به زنده گی اقتصادی را به ندرت مورد بررسی و ارزیابی قرار میدهند و به غلط چنین می پندارند که این امر فقط مربوط به ارگان های حکومتی است. اقتصاد عین سیاست است. ضمناً باید خاطر نشان کرد که این کار سازماندهی دایمی و خستگی ناپذیر همه اعضای حزب را می طلبد.

در رابطه با این امر فکر میشود که یکی از پلینوم های نوبتی کمیته مرکزی حزب باید به بررسی مسایل اقتصادی اختصاص یابد. درین پلینوم باید نه تنها تدابیر مشخص به منظور رشد و تقویت اقتصاد اتخاذ گردد، بلکه میتودها و اشکال رهبری فعالیت اقتصادی به وسیله حزب نیز معین شود. قرار معلوم در همین پلینوم باید مسایل مربوط به بهبود و تکمیل پلان گذاری اقتصاد نیز مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد، زیرا این امر مهمترین شرط رشد اقتصاد کشور در مجموع به شمار می رود.

رفقا! آماده گی برای کنفرانس سرتاسری حزبی آزمایش جدی دستاوردهای ما در همه عرصه های زنده گی و بدیهی است که در ساحه زنده گی حزب نیز بود. این

جریان نشان داد که حزب واقعاً هم هسته مرکزی تمام سیستم نوین اجتماعی و سیاسی را تشکیل میدهد. حزب از لحاظ کمیت رشد نموده، از لحاظ سازمانی تحکیم یافته و به حق نقش نیروی رهبری کننده جامعه ما را ایفا مینماید.

در اردو شصت فیصد کسانی که جدیداً به عضویت آزمایشی پذیرفته شده اند منشا کارگری و دهقانی دارند. این نتایج بدی نیست. باید در آینده نیز توجه جدی به رشد کمی صفوف حزب نمود. اما بهبود ترکیب کیفی حزب نیز اهمیت کمتر ندارد. چه کسانی باید به درجه اول به عضویت حزب پذیرفته شوند؟ پاسخ روشن و ساده است. آنانی که باسینه فراخ خود از انقلاب دفاع مینمایند، آنانی که با کار و خون خود پیروزی را به دست می آورند. باید کارگران، دهقانان و پیشه وران، سربازان و خردصابطان اردو و خاندنوی را بیشتر از همه به حزب پذیرفت. البته برای اینکار ضرورت است تا شرایط معین پذیرش در حزب طرح و مهیا گردد.

میخواهم در مورد یک پروبلم مهم دیگر که در مرحله کنونی اهمیت بخصوصی را در امر ساختمان حزبی کسب مینماید صحبت کنم.

اکنون کمیته های ولایتی، شهری، ناحیوی و ولسوالی حزب مؤظف اند کار پذیرش اعضای جدید و آرایش نیروهای حزبی راطوری سازمان دهند که در هر مؤسسه، در هر گروه تولیدی، در هر علاقه داری و قریه و در هر محل مسکونی شهر ها سازمان حزبی وجود داشته باشد. همین حلقه ها هم اساس و پایه حزب را تشکیل میدهند. و کمیته های حزبی باید به سازمانهای اولیه حزبی توجه دایمی و فراینده داشته باشند.

تنها به این ترتیب میتوان تأثیر و نفوذ دایمی و همه جانبه حزب را بر توده ها تأمین نمود.

قبل از کنفرانس سرتاسری حزب جلسات و کنفرانس های حزبی در سازمانهای اولیه، ولسوالی ها، نواحی، شهر ها و ولایات دایر گردید. چنین جلسات و کنفرانسها در قطعات و جزو تمام های اردو، خاندنوی و خاد نیز تشکیل گردید. در جریان این کمپاین، حزب در کار سازمانی و سیاسی تجربه قابل ملاحظه کسب نمود، زیرا چنین جلسات و کنفرانس ها برای نخستین بار در حزب ماصورت گرفت. در اکثریت مطلق سازمانهای حزبی جلسات و کنفرانس ها با نظم و دسپلین عالی و سطح بسیار بلند حاضر بودن و فعال بودن اعضای اصلی و آزمایشی حزب دایر گردید. این امر حزب را تحکیم و غنای تجربه بخشید.

البته این کار بدون دشواری ها و کمبود ها نگذشت. در بعضی از سازمان ها حین بحث بر مسئله اول اجندا یعنی در باره نتایج هفتمین پلینوم کمیته مرکزی و وظایف سازمانهای حزبی در رابطه به آن، جلسات و کنفرانس های حزبی در گزارش ها با واقعیت موجود و آنچه که باید سازمان حزبی انجام دهد، تفاوت داشت. اکثر این وضع

ناشی از عدم تجربه فعالین حزبی بود، اما در این وضع ما باید متوجه آن نیز باشیم که بعضی از کمیته های حزبی به اجرای وظایفی که در برابر شان قرار دارد هنوز به طور مشخص و معین نمی پردازند.

به این ترتیب همه ما باید جدی ترین نتیجه گیری ها را نماییم و در جهت بهبود طرز ها میتوده های فعالیت کمیته های حزبی هر چه پیگیر تر کار کنیم.

از جانب دیگر آماده گی برای کنفرانس سرتاسری حزب نشان داد که در مسایل مربوط به تحکیم سازمانی حزب، تربیت و پرورشی ایدیولوژیک و اعتقاد حزبی و دسپلین حزبی در بین اعضای اصلی و آزمایشی حزب، هنوز هم نقایص جدی وجود دارد. در جریان بحث بر کاندید های نماینده گان برای کنفرانس های حزبی بالاتر، قبل از همه در اردو و څارندوی و بعضی وزارت ما خود مرض کهنه و سابق یعنی فرکسیونیزم باز به مشاهده رسید. بعضی از اعضای حزب با به فراموشی سپردن دسپلین و انضباط حزبی تلاش ورزیدند که در جلسات، فضای متشنج را به وجود آورده جلسات را به سوی اعمال نادرست و ناشایسته و نادیده گرفتن رهنمودهای کمیته مرکزی در مورد طرز انتخاب نماینده گان سوق دهند. بعضی صریحاً تا سرحد موعظه و تبلیغ در راه تطبیق مقررات دموکراسی گنبدیده بورژوازی در حیات حزب انقلابی، پیش رفتند. از گلوی این افراد آواز بیگانه گان و دشمنان بیرون می آید. آنها تسلیم توطئه های دشمن گردیده اند که با اشتیاق تمام پراکنده گی و اشاعه عدم اعتماد، عدم اطمینان، شکاکیت و خصومت را در صفوف حزب ما میخوانند.

چنانکه شما میدانید این پلان ها بار دیگر نقش بر آب شدند. کمیته مرکزی و همه اعضای سالم و اصولی حزب همیشه وحدت حزب را تحکیم و دسپلین و سطح سازمانی آنرا ارتقا می بخشند. ما با رضایت خاطر نشان میسازیم که اعمال نادرست بعضی از افراد از جانب اکثریت مطلق سازمانهای حزبی رد گردید. فکر میکنیم باید در رابطه با این رفقا از حوصله و توجه کار گرفت و با ایشان صحبت نمود و اصول حیات حزب انقلابی و اهمیت دسپلین و سازمان پذیری را تفهیم و توضیح کرد. اگر آن هم کمک نکرد در آن صورت جز اینکه تدابیر پیش بینی شده در اساسنامه در موردشان تطبیق گردد، راه دیگری باقی نمی ماند.

«افرادی که تابع دسپلین نمی گردند و تصامیم حزب را زیر پا میگذارند، نمی توانند متعلق به حزب باشند. حزب در نتیجه دسپلین، انضباط و سازمان پذیری اعضای خود نیرومند است.»

میخواهم یکبار دیگر خاطر نشان سازم که ما باید به خاطر تحکیم وحدت حزب حوصله فراخ داشته و بالاتر از رنجش های کوچک باشیم. به نیروی خود اعتماد داریم و به آن می بالیم. اما حوصله در برابر مرض کهنه فرکسیونبازی از هر جانبی که تبارز نماید، حوصله در برابر دسپلین نا پذیری و سازمان شکنی نمیتواند بی حد

و حدود باشد. هنگامی که این وضع حزب را متضرر میسازد و به اتوریته عالی آن لطمه وارد میکند، ما باید این افراد بی مسؤولیت را که در برابر سرنوشت حزبی بی تفاوت اند و تکبر شخصی شانرا بالاتر و عزیزتر از اتوریته حزب میدانند، از دامان حزب به دوران دازیم. حزب فقط در نتیجه تصفیه عناصر دارای روحیه ماجراجویانه و بی مسؤولیت، تقویت و تحکیم می یابد.

اکنون در حزب کار بزرگ تهیه و توزیع کارت های حزبی جریان دارد. این حادثه مهمی در زنده گی حزب است. وظیفه جدی کمیته های حزبی است تا از این کار وسیع جهت تحکیم وحدت و ایجاد نظم نمونه وار در امور حزبی استفاده کامل نمایند.

در فعالیت بیروی سیاسی، دارالانشا و شعبات کمیته مرکزی حزب توجه زیادی به امر انتخاب، انتصاب و پرورش کادرها صورت می گیرد، زیرا کارمندان ی که شامل فهرست مقامات مورد منظوری کمیته های حزبی اند، سازمان دهنده گان سیاسی توده ها و رهبران مهمترین بخش های کار به شمار میروند. در باره اهمیت کار با کادرها و ضرورت بهبود آماده گی آنان در پلینوم های کمیته مرکزی و مصوبات بیروی سیاسی و دارالانشا بارها سخن گفته شده است. میخوام یکباردیگر خاطر نشان سازم که کمیته های حزبی مؤظف اند با هرگونه تحریف و انحراف از سیاست حزب در مورد کادرها قاطعانه مبارزه نمایند، زیرا محتوای همه کارما، مؤثریت آن و اتوریته خوب مربوط به این امر است و مهمترین معیار برای ارزیابی کادرها خصوصیات عملی و سیاسی آنان است. ما باید ترکیب چندین ملیتی کشور را بیشتر و بهتر مدنظر گرفته و به امر انتصاب نماینده گان شایسته ملیت ها، اقوام و قبایل مختلف در پست های پر مسؤولیت، در ارگان های حزبی و دولتی هم در مرکز و هم در ولایات مساعدت کنیم.

رفقای نماینده! موفقیت امر بزرگ ما، تکامل بیشتر انقلاب و دفاع از دستاوردهای آن به طور قاطع مربوط اشتراک توده های وسیع مردم، فعالیت، پشتیبانی و آگاهی آنان است. به همین سبب نیز برای حزب و دولت انقلابی در عرصه ایدیولوژیک کار توده یی و سیاسی به منزله وسیله عمده جلب زحمتکشان و توده های وسیع مردم و قبل از همه کارگران و دهقانان به اشتراک فعال در اجرا و تحکیم تحولات انقلابی و دفاع از آن، در مقام نخست قرار دارد. در طرح برنامه عمل نیز توجه لازم به این امر میذول شده است. در مصوبات پلینوم ها، بیروی سیاسی و دارالانشا کمیته مرکزی اصول و میتودهای اساسی کار توده یی، سیاسی، تبلیغی و ترویجی طرح و فورمولبندی گردیده است.

من در باره بعضی از مهمترین وظایف در این عرصه که با تصویب برنامه عمل و دیگر اسناد کنفرانس ارتباط دارد، صحبت می نمایم.

قبل از همه باید تمام سیستم آموزش حزبی به سطح بالاتر ارتقا یابد. هر عضو حزب باید اساسهای تیوریک سیاست حزب را عمیقاً فرا گیرد و خوب بداند که چگونه این سیاست را در عمل پیاده نماید و به شکل قابل فهم به دیگران توضیح دهد. به آموزش حزبی و پخته گی ایدیولوژیک اعضای اصلی و آزمایشی جوان حزب باید توجه بخصوصی صورت گیرد. بنابر شرایط ایجاد و رشد حزب ما جوانان و اعضای جدید بیش از نصف کمیت آن را تشکیل می دهند.

اکنون برای حزب وظیفه یی مهمتر از آن وجود ندارد که حرف انقلابی خود را به گوش هر فرد هموطن ما برساند و تمام اقشار مردم و هر فرد مسلمان را به کار و زنده گی آگاهانه و فعالانه جلب نماید. برای این امر کار ایدیولوژیک را باید به طور مشخص و به اشکال گوناگون انجام داد تا حقایق مربوط به انقلاب ثور و سیاست حزب به همه اقشار و گروه های مردم با در نظر داشت خصوصیات، وضع سنن، نظرات و اندیشه ها، سطح تعلیمی و فرهنگی آنان برسد، این حقایق باید برای همه قابل فهم باشند. هم سرکوب هر چه سریعتر ضدانقلاب و هم موفقیت در امر اعمار افغانستان نوین وابسته به کسب اعتماد توده هاست. بنابراین برای کار سیاسی در میان توده ها باید نیروی تمام حزب و رهبران حزب، سازمانهای اجتماعی و ارگان های دولتی جلب گردد.

اکنون در این کار مرحله نوین آغاز می گردد. همه توجه باید به تبلیغ هدفمند و وسیع تصامیم و فیصله های کنفرانس سرتاسری حزب معطوف و متمرکز گردد. ماهیت برنامه عمل، نتیجه گیریها و احکام اساسی آن در باره راه های تکامل جامعه ما، سیاست حزب و دولت انقلابی باید به گوش هر فردی از هموطنان مارسانده شود. حرف زنده و پرجاذبه مبلغ و مروج حزبی سلاح عمده ماست. کمیته های حزبی موظف اند تمام فعالین حزبی را در این جهت بسیج نمایند و سعی به خرج دهند تا مردم، اسناد مرامی حزب را عمیقاً درک کنند و برنامه عمل حزب دموکراتیک خلق افغانستان در کارنامه های فعالانه توده های وسیع تجلی یابد. ضمناً باید با جسارت، قاطعیت و وسعت بیشتر از اشکال تعرضی کار تبلیغی و ترویجی که مفیدیت آن در عمل به اثبات رسیده است، استفاده نمود. این کار را در میان اهالی که در زیر ستم ضدانقلاب قرار داشتند و یا هنوز قرار دارند، به طور فعالتر باید انجام داد.

وسایل اطلاعات جمعی نقش بزرگی را در اجرای این وظیفه به عهده دارند. در این اواخر برای ارتقای مؤثریت نشرات، مطبوعات رادیو، تلویزیون و تقویت رهبری حزب بر آنها کار زیادی صورت گرفته است. اکنون زمان آن فرارسیده است که فعالیت آنها شدید افزایش یابد. آنها باید اندیشه های حزب و محتوای اسناد مرامی آنرا به شکل ساده و قابل فهم به همه اقشار جامعه ما برسانند. آنها باید به مفهوم کامل کلمه مبلغین، ترویج کننده گان و سازمان دهنده گان دسته جمعی باشند.

همزمان با آن اوضاع و احوال تقویت و تشدید مبارزه علیه خرابکاری های ایدیولوژیک دشمنان و افشای ماهرانه و به موقع دروغ پراگنی خصمانه آنان را که میخواهند سیاست حزب دولت ما را تحریف نمایند، می طلبد.

زمانی که ما در آن زنده گی می کنیم، مصرانه خواهان آنست که کار ایدیولوژیک وقف و وظیفه اساسی یعنی به پا خاستن توده هادر مبارزه علیه ضد انقلاب، اتحاد آنان به دور حزب و تقویت تصمیم آنان برای به انجام رساندن امر تحولات انقلابی گردد.

رفقا! حزب دموکراتیک خلق افغانستان معتقد به این امر است که رشد و تکامل موفقانه و پیشرونده تحولات انقلابی در کشور ما نه تنها با شرایط داخلی بلکه با شرایط خارجی نیز ارتباط دارد. بنابراین حزب و دولت انقلابی سعی می ورزند مساعدترین شرایط سیاسی خارجی را برای تحقق این تحولات و زنده گی مردم تأمین نمایند. اما برای اینکار صلح ضرور است. اراده خلل ناپذیر و عمل پیگیر در دفاع از تحکیم صلح در منطقه و سراسر جهان، جهت عمده و اساسی در برخورد حزب و دولت انقلابی ما نسبت به امور بین المللی است. این امر ماهیت سیاست خارجی ما را معین می سازد.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان در فعالیت سیاست خارجی خود معتقد به این واقعیت اند که حاکمیت و آزادی افغانستان، سعادت و شگوفانی مردم افغانستان تنها در صورت تحکیم و رشد دایمی دوستی برادرانه و همکاری ثمربخش با اتحاد شوروی بزرگ تأمین شده میتواند. این دوستی و همکاری سنگ بنای سیاست خارجی افغانستان نوین و عامل حیاتی مهم را در دفاع از وطن محبوب مان و تحولات جاری انقلاب ثور می سازد.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان به تعمیق و توسعه روابط برادرانه با احزاب حاکم، حکومتات و مردمان کشورهای سوسیالیستی، اهمیت فوق العاده یی را قایل اند و دستاوردهای این کشورها را در اعمار جامعه نوین با قدردانی ارزیابی می کنند. ما تصمیم کامل داریم که در آینده نیز مناسبات دوستی برادرانه و همکاری سنتی را با اتحاد شوروی بزرگ و سایر کشورهای سوسیالیستی در عرصه های اقتصادی، تجارتي، فرهنگی، علمی، تخنیکي و غیره به مثابه شرط ضروری در راه پیشرفت و وطن خود رشد و توسعه دهیم و تعمیق بخشیم.

کشور ما، اصول و منشور سازمان ملل متحد را به طور جدی و بلاانحراف احترام و رعایت میکند و تصمیم دارد با این موقف مناسبات خود را با تمام کشورها صرف نظر از نظام سیاسی و اجتماعی آنها بر اساس اصول احترام به حاکمیت و استقلال ملی، تساوی حقوق، تمامیت ارضی، عدم تعرض و عدم مداخله در امور داخلی بنیاد گذارد.

در عین زمان ما به هیچ کسی اجازه نمی دهیم که در امور داخلی کشور آزاد و مستقل ما مداخله نماید. در رابطه با این موضوع می خواستیم در باره یکی از آخرین اقدامات ریگن که مداخله صریح در امور داخلی کشور ماست، صحبت نمایم.

مردم افغانستان اقدام تفتین آمیز و توطئه گرانه اداره ریگن را در مورد اعلام به اصطلاح «روز افغانستان» در اول حمل، با شدت، خشم و نفرت بیکران تقبیح می نمایند. ما به خوبی می دانیم که از این به اصطلاح «روزها» برای کشورهای دیگری که در راه رشد مستقل از امریکا و در راه تحولات بنیادی قرار گرفته اند، مانند به اصطلاح «روز پولند»، «روز چکوسلواکیا»، و غیره و غیره، بسیار زیاد اعلام شده و اکنون هیچکس آنها را بیاد ندارد. در مورد به اصطلاح «روز افغانستان»، نیز چنان خواهد شد

مردم افغانستان با گذشت هر روز در امر دفاع از دستاوردهای انقلابی، در راه ارتقای سطح زنده گی خود، در جهت محو بیسوادی، فقر، عقبمانده گی و اعمار زنده گی شگوفان و عادلانه گامهای متین و استوار بر میدارند و به پیروزی های بزرگ و بزرگتر دست می یابند. ما هر روز در مبارزات پرافتخار خویش سنگر های نوین را فتح می نماییم. با گذشت هر روز دشمنان افغانستان، به شکست های ننگینتر و شرم آورتر مواجه می شوند و مردم ما درفش مبارزات انقلابی را هرچه بلند تر و پر غرورتر به اهتزاز در می آورند.

اینست روزهای واقعی و پرافتخار مردم افغانستان و ما ضرورتی به «روز» دیگر و تحمیلی از جانب ریگن ها نداریم.

دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان وفاداری و پابندی تغییر ناپذیر خود را به اصول جنبش عدم انسلاک که کشور ما از همان آغاز به مثابه یکی از بنیاد گذاران در آن اشترک نموده است، تأیید و تأکید مینماید.

کشور ما و مردم ما در راه تحکیم، رشد و توسعه مناسبات مفید، دوستی و همکاری با کشورهای و مردمان برادر مسلمان در مبارزه مشترک به خاطر صلح جهانی، خلع سلاح، حقوق بشر و ترقی بشریت سعی پیگیر خواهند نمود. حزب، دولت و مردم افغانستان وحدت و همبستگی خود را با تمام مردمان جهان در امر مبارزه مشترک به خاطر صلح، دیتانت بین المللی، خلع سلاح، منع و امحای سلاح هستوی، به خاطر دوستی خلقها، آزادی، دموکراسی، حقوق بشر و ترقی اجتماعی علیه نیروهای امپریالیزم، تجاوز و ارتجاع به طور پیگیر و با ثبات تحکیم خواهند بخشید. ما از مبارزات شریفانه همه مردمان تحت ستم به خاطر آزادی، استقلال و ترقی ملی و اجتماعی همه جانبه پشتیبانی می نماییم.

رفقا! برخورد ما نسبت به مسایل بین المللی که در برنامه عمل بیان شد، طوری است

که در بالا از آن ذکر رفت و چنانکه می بینید این موقف بر مبنای اصولی استوار است که حزب قبلاً نیز وفاداری و پابندی خود را به آن اعلام نموده بود. اینها اصول آزمون شده و مطمئن همبستگی انترناسیونالیستی، همزیستی مسالمت آمیز و عدم انسلاک اند. ما با حل پروبلم های بین المللی که امروز کشور ما مستقیماً با آن مواجه است، نیز از همین موقف برخوردار می نماییم. ما به مساعی خود در جهت جستجوی طرق صلح آمیز حل این پروبلمها و تدویر مذاکرات میان افغانستان و همسایه گان آن، پاکستان و ایران، ادامه میدهیم. این امر مطابق به منافع اساسی و طویل المدت مردمان کشورهای ما و هم منطقه است.

حکومت و مردم جمهوری دموکراتیک افغانستان احساسات عنعنوی، احترام و دوستی را نسبت به مردمان هند ابراز میدارند. جمهوری دموکراتیک افغانستان در آینده نیز برای تحکیم و رشد مناسبات حسن همجواری با هند سعی پیگیر خواهد کرد.

حکومت و مردم جمهوری دموکراتیک افغانستان به برقراری مناسبات با کشورهای و مردمان برادر اسلامی تو جه بزرگ مبذول خواهند داشت و در جهت بهبود بیشتر این مناسبات به نفع مردمان ما و همه مردمان مسلمان آسیا و صلح جهانی و ترقی بشریت سعی خواهند کرد.

جمهوری دموکراتیک افغانستان سیاست معاملات مجزا تجریدی را در شرق میانه رد می کند و از مبارزات خلقهای کشورهای عربی به خاطر محو عواقب تجاوز امپریالیستی و صهیونیستی کاملاً پشتیبانی می نماید.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان در آینده نیز از همه امکانات در عرصه سیاست خارجی، در منطقه و در عرصه بین المللی برای مساعدت به دیتانت بین المللی و تحکیم فضای همکاری و اعتماد در جهان استفاده به عمل خواهند آورد.

رفقا! تصویب برنامه عمل حادثه تاریخی در زنده گی حزب و کشور ماست. این برنامه که نتایج راه طی شده به وسیله حزب را تعمیم می بخشد، حاوی تحلیل تیوریک مرحله کنونی انقلاب ملی و دموکراتیک میباشد و رشد و تعمیق انقلاب را روشن می سازد. برنامه عمل با اتکا بر مواضع تیوری پیشرو انقلابی جهات کار عملی را نشان داده برای فهم و درک خلاق و واقعیت های موجود جا معه ما و برای جستجوی اشکال، میتودها و طرق نوین و هر چه مؤ ثرت ر اجرای وظایف مطروحه، مبنای علمی را به وجود می آورد.

تصویب و تحقق پیگیر و کامل برنامه عمل اهمیت بزرگ بین المللی نیز خواهد داشت. عادی شدن اوضاع در کشور ما، تحکیم نظام انقلابی بر اساس تحولات ملی و دموکراتیک انجام شده و سرکوبی ضد انقلاب مسلح به معنی گرفتن سهم قابل ملاحظه

در استقرار اوضاع در منطقه ، در قاره آسیا در عرصه بین المللی به طور مجموع است. این امر به ایجاد شرایط جهت تقویت و تحکیم همزیستی مسالمت آمیز و همکاری مفید که همه مردمان جهان در آن ذینفع اند، مساعدت می کند.

زنده باد حزب دموکراتیک خلق افغانستان، پیشاهنگ سیاسی مردم ما، نیروی سازمان دهنده و هدایت کننده نظام نوین اجتماعی در کشور ما!

همه دست به دست هم تحت درفش پرافتخار انقلاب ثور به پیش، به سوی پیروزی های نوین به پیش! در راه وحدت آهنین خدشه ناپذیر حزب ما به پیش!

ما پیروز می گردیم!

کنفرانس سرتاسری، پخته گی و توانمندی حزب ما را در ارزیابی

و تحلیل واقعیت‌های موجود و تبیین مشی اصولی نشان داد

بیانیه در مراسم اختتام کار کنفرانس سرتاسری ح.د.خ.ا.

۲۴ حوت ۱۳۶۰

رفقای نماینده !

مهمانان محترم!

کنفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان به پایان کار خود میرسد. همه ما و کسانیکه در طی این دو روز واقعاً تاریخی در این تالار حاضر بودیم اکنون حق داریم احساس غرور و رضایت خاطر نماییم. جریان شور و بحث بر طرح برنامه عمل و تعدیلات و تکمیلات اساسنامه حزب علاقه مندی و دلچسپی عالی نماینده گان، وحدت نظر و -تفکر آنان را در ارزیابی احکام و -محتویات عمده و اصولی این مهمترین اسناد برای حزب و -مردم نشان داد.

کنفرانس با وضاحت و روشنی خاصی پخته گی ایدئولوژیک، تیوریک حزب ما، قابلیت و قدرت آنرا برای ارزیابی عینی واقعیت های موجود و تعیین مشی عمومی جنبش و پیشرفت نشان داد. یقین کامل داریم که توده های وسیع مردم ما این امر را ارزیابی شایسته خواهند نمود و با رگ، پوست، گوشت و استخوان خود، با عقل و وجدان خود خواهند پذیرفت و در راه تحقق آن از صرف هیچ نیرویی دریغ نخواهد کرد.

تعداد زیادی از کمیته های حزبی، فعالین حزبی و نماینده گان کنفرانس پیشنهادها و نظریات خود را نسبت به مسوده اسناد مطروحه فرستاده اند. البته این نظریات و پیشنهادها در مورد ماهیت اسناد مذکور نیست و ماهیت آنها را تغییر نمیدهد. این امر یکبار دیگر سطح عالی وحدت نظر و وحدت ایدئولوژیکی را نشان داد که حزب ما به آن دست یافته است. من فکر می کنم که به بیروی سیاسی وظیفه داده شود این نظریات پیشنهادها را دقیقاً مورد غور و ارزیابی قرار داده و حین تهیه متن نهایی اسنادی که از طرف کنفرانس تصویب میگردد، آن را حد اعظم مد نظر داشته باشد. این نظریات و پیشنهادها تجربه عملی را که سازمانهای حزبی در محلات اندوخته اند منعکس میسازد و بنابراین قابل توجه و دقت میباشد. اجازه دهید از رفقای که در شور

و بحث پیرامون این اسناد بسیار معتبر و با ارزش برای زنده گی و فعالیت حزب اشتراک ورزیدند، صمیمانه ابراز امتنان نمایم.

رفقا!

کنفرانس ما سطح رشد یابنده و فزاینده وحدت حزب را با وضاحت نشان داد. فضای کنفرانس و شور و شوق انقلابی که در طی دو روز در این تالار حکمفرما بود شاهد گویای این امر است. هر یک از بیانیه دهنده گان در باره پروبلم ها و مسایلی که به همه حزب مربوط است سخن گفتند. این امر سبب سرور همه ما و ایجاد حسن اعتماد مبنی بر اینکه بعد از این نیز سراسر حزب ما متحدانه و یکپارچه به پیش خواهد رفت، میگردد. بگذار این فضای وحدت در سراسر حزب، در همه سازمانهای حزبی ما حکمفرما باشد. رفقا تنها به این صورت حزب میتواند رسالت تاریخی خود را به مثابه پیشاهنگی واقعی مردم در مبارزه به خاطر آینده درخشان وطن به سر رساند.

رفقا!

در برابر ما وظایف عظیم و مبارزات وسیع قرار دارد. وحدت حزب و یکپارچه گی مردم را به دور حزب، تنها با عمل تحکیم بخشید. صحبت ها و گفتار های عام در این امر کمک نمی کند. ما به خوبی میدانیم که تصویب برنامه عمل فقط آغاز حرکت ما در راه ترقی است. این فقط آغاز کار است اما بدون این امر نمیتوان به مراحل بعدی گام گذاشت. بنابراین مساعی حزب، همه حلقه ها و سازمانهای آن، حکومت و ارگان های قدرت دولتی در محلات در گام اول باید متوجه اجرای وظایف در جه یك در جهت تحکیم دستاوردهای انقلاب و احیا و رشد اقتصاد و حل مسایل تأخیر ناپذیر اجتماعی گردد. برای حزب ما امر مهمتری از جلب توده های وسیع مردم زحمتکش ما به حل و اجرای این مسایل و وظایف وجود ندارد. این امر عمده است و جبهه اساسی مبارزه به خاطر سعادت وطن را تشکیل میدهد.

رفقای گرامی!

کنفرانس سرتاسری حزب ما با پشتیبانی وسیع نیروهای مترقی جهان مواجه شد. پیام ها و تبریکاتی که از جانب احزاب، جنبش ها و سازمانهای برادر و دوست به ما مواصلت نموده است، جای هیچ شک و تردید را باقی نمی گذارد که نیروهای واقعی انقلابی و مترقی عصر ما اند، دوستان واقعی ما اند، همبستگی انترناسیونالیستی مردم جهان با ماست!

رفقای گرامی!

اجازه دهید تا به نام حزب و از جانب مردم نجیب و آزادی دوست افغانستان از این دوستان گرامی ابراز امتنان صمیمانه نمایم و اعلام دارم که:

دوستان عزیز! شما با پشتیبانی از ما، از انقلاب و از حزب ما به راه خطا نرفته اید، ما در آینده نیز دوستان شایسته شما خواهیم بود زیرا پیروزی از آن ماست.

رفقا!

در این روز پرافتخار و پرشکوه من به نام تمام اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان و همه وطنپرستان کشور به دوست و متحد بزرگ و مطمئن ما اتحاد شوروی، به حزب لنینی کمونیست اتحاد شوروی و قرارگاه پیکارجوی آن، کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در رأس شخصیت برجسته دولتی و سیاسی معاصر دوست بزرگ مردم افغانستان رفیق لیونید ایلیچ برژنف خطاب نموده میگویم:

رفقای ارجمند! دوستان گرامی! برادران عزیز! امروز هر وطنپرست افغان عمیقاً میداند که بدون دوستی جاویدان و خدشه ناپذیر با اتحاد شوروی سعادت و آزادی افغانستان تأمین شده نمیتواند. در قلب، عقل و وجدان هر وطنپرست واقعی افغانستان، هر عضو واقعی و وفادار حزب ما وطنپرستی و سوو تیزم، جدایی ناپذیر اند. ما وعده میدهیم، هیچکس و هیچ چیز ما را از راهی که انتخاب نموده ایم نمی تواند برگرداند. افغانستان به سرزمین شگوفان و سعادت مند مبدل می گردد. کشور ما همیشه برادر، دوست و متحد وفادار اتحاد شوروی بزرگ خواهد بود!

رفقا! با ختم کار ما از جانب کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان و از طرف خود به همه شماررفقای نماینده و از طریق شما به همه اعضای اصلی و آزمایشی حزب ما موفقیت و پیگیری را در راه تحقق کامل فیصله ها و تصامیم کنفرانس سرتاسری حزب محبوب مان در همه عرصه ها و ساحات فعالیت شریفانه تان آرزومی نمایم.

به همه شما موفقیت ها و پیروزی های بزرگ را در این امر حیاتی و مهم برای همه حزب و تمام مردم شرافتمند افغانستان آرزو می نمایم.

زنده باد حزب دموکراتیک خلق افغانستان! زنده باد انقلاب پرافتخار ثور!

**بهار نو و سال نو. بهار زنده گی سعادت‌مند خلق ما ،
بهار آبادانی وطن و بهار کار و افزایش محصولات
برای دهقانان زحمتکش کشور خواهد بود**

بیانیه به مناسبت آغاز سال ۱۳۶۱

۲۹ حوت ۱۳۶۰

هموطنان گرامی !

خواهران و برادران عزیز!

حلول سال نو، جشن باستان نوروز و میله دهقان را از صمیم قلب به همه مردم زحمتکش شرافتمند کشور شادباش می‌گوییم. تجلیل از نوروز، در تاریخ دیرینه ما به منزله روز تاریخی و باستانی، به مثابه جشن کار و به عنوان آغاز بهار یکی از سنن و عنعنات شایسته و پسندیده مردم ماست.

نوروز و آغاز بهار که مردم ما به رسم نیاکان آزاد خویش آنرا گرامی میدانند امیدها و آرزوهای نو را به خاطر زنده گی بهتر و کار بیشتر در ذهن هر باشنده سرزمین باستانی ما بارور می‌سازد.

هموطنان عزیز!

یکسال دیگر از تاریخ نوین کشور ما که با پیروزی انقلاب شکوهمند ثور تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان آغاز گردیده است، گذشت و ما اینک در آستانه سال دیگری قرار داریم. سالی که گذشت برای مردم زحمتکش کشور ما پیروزی‌ها، دستاوردها و دورنماهای عظیم و پراهمیتی را به همراه داشت. پیروزی‌ها و دستاوردهای که بشارت دهنده سیر رشد یا بنده تحولات انقلابی و حرکت جامعه ما به سوی آینده‌های تابناک می‌باشد.

طی سالی که گذشت مردم ما تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان گامهای استواری به سوی آینده سعادت‌مند و شگوفان، به سوی ایجاد جامعه عادلانه نوین و به سوی ترقی و پیشرفت همه جانبه اجتماعی برداشتند. در سالی که گذشت ما توفیق یافتیم تا سلسله تدابیر و اقدامات وسیعی را در جهت گسترش پروسه تحولات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، تحکیم قدرت مردمی، تأمین وحدت و یکپارچه گی مردم زحمتکش کشور و در جهت ایجاد امکانات نوین به خاطر همکاری میان

نیروهای مختلف اجتماعی و ملی به منصفه اجرا در آوریم. در نتیجه همین مساعی و فعالیت های همه جانبه که در یکسال صورت گرفته اوضاع در کشور ما ثبات بیشتر کسب نموده، نظم نوین اجتماعی استحکام و تقویت پذیرفت و دشمنان انقلاب، مردم و وطن ما به شکست های فضیحت باری مواجه شدند. میتوان به صراحت اظهار داشت که کار انجام یافته طی یکسال گذشته با همه دشواری ها و ناهمواری ها، راه انقلاب، راه مردم، راه نیل به آینده شگوفان را هرچه بیشتر مشخص نموده و اکنون بیش از هر زمان دیگر حقانیت امر شکست ناپذیری انقلاب به همه گان روشن گردیده است. به طور کلی در ظرف یکسال میتوان از عوامل مثبت نوینی در سمت تقویت پایه های انقلاب، تثبیت و تحکیم دستاوردهای انقلابی و حل بسیاری از مسایل فراوان حل ناشد، در روند انقلاب سخن گفت.

هموطنان شرافتمند! !

در سال گذشته، جبهه ملی پدروطن جمهوری دموکراتیک افغانستان به مثابه پیروزی عظیم حزب و دولت مبنی بر گردآوری کلیه نیروهای ملی و ترقیخواه تحت درفش انقلاب و یکی از دستاوردهای پر ارج انقلاب ملی و دموکراتیک افغانستان ایجاد گردید. بدین ترتیب حزب دموکراتیک خلق افغانستان موفق گردید به انجام یکی از تعهدات بسیار مهم خود یعنی ایجاد جبهه واحد ملی متشکل از کلیه نیروهای اجتماعی، ترقیخواه و وطنپرست کشور توفیق یابد.

هم اکنون جبهه ملی پدروطن جمهوری دموکراتیک افغانستان به مثابه پایه حاکمیت انقلابی زحمتکشان در کشور نقش عظیمی را تحت رهبری حزب دموکراتیک افغانستان در سمت تأمین سهمگیری عملی و واقعی نیروهای مترقی، دموکراتیک و وطنپرست در امر رهبری ساختمان جامعه عادلانه نوین ایفا نموده به خوبی منافع کلیه طبقات، اقشار و گروه های اجتماعی جامعه ما و منافع تمام ملیت ها، اقوام و قبایل ساکن وطن محبوب مان افغانستان انقلابی را منعکس میسازد.

هموطنان عزیز!

ما معتقدیم که مبارزه در راه رفع عقب مانده گی اجتماعی و اقتصادی از طریق تأمین دگرگونی های انقلابی و وظیفه عمده حزب و دولت انقلابی را در اوضاع و احوال کنونی تشکیل میدهد. تأمین دگرگونیهای انقلابی به عدم رشد طولانی و عقب ماندگی دیرپای قرن ها در کشور پایان خواهند داد.

در سال گذشته تلاش صورت گرفت تا جهت اعتلای سطح رشد نیروهای مولده و تسریع آهنگ رشد اقتصادی در کشور، اقدامات لازم عملی گردد، مکرراً اظهار میگردد اگر فعالیت های خرابکارانه دشمنان انقلاب افغانستان که میخواهند رشد اقتصادی کشور را فلج نمایند نمیبود و جنگ اعلان نشده امپریالیستی علیه انقلاب

و مردم ما ادامه نمی داشت پیروزی های ما در عرصه رشد اقتصادی و اجتماعی به مراتب عظیم تر، مثبت تر و وسیعتر میبود. با آنهم ارزیابی وضع اقتصادی کشور نشاندهنده آنست که با تطبیق پلان رشد اقتصادی و اجتماعی سال ۱۳۶۰ موفقیت هایی در عرصه انکشاف اقتصادی به وجود آمده و عملاً اقدامات اقتصادی به سود استحکام پایه های رشد اقتصاد ملی و ثبات نسبی اقتصاد در جمهوری دموکراتیک افغانستان انجام پذیرفته است. شاخص های رشد اقتصادی در سال ۱۳۶۰ امیدوار کننده و مثبت تلقی میگردد به طور نمونه در سال ۱۳۶۰ محصول ناخالص داخلی به مقیاس سال ۱۳۵۹ به اندازه یک اعشاریه پنج فیصد و عاید ملی تولید شده به اندازه دو اعشاریه چار فیصد افزایش یافته است.

در ظرف سال ۱۳۶۰، هفده پروژه به بهره برداری آغاز نمود درین میان نه پروژه خارج از پلان شامل گردیده است. طی سال گذشته هشتاد و هفت اعشاریه هفت فیصد بودجه انکشافی از منابع داخلی تمویل گردید که به مقیاس سال ۱۳۶۰ چهارده اعشاریه پنج فیصد بیشتر است.

در سال گذشته به تعداد سی و دو پروژه از طرف شورای عالی اقتصادی منظور گردیده و در حجم دوران تجارت خارجی فزونی به عمل آمده است.

در سال ۱۳۶۰ محصول ناخالص بخش زراعت و مالداری به مقیاسی سال قبل به اندازه سه اعشاریه یک فیصد رشد نموده است و همچنان حجم تولیدات زراعتی در سال ۱۳۶۰ به تقریب تمام محصولات به استثنای پخته خام و لبلبو بالاتر از سطح تولید سال ۱۳۵۷ میباشد.

این ارقام نمونه وی به طور عمده بیانگر این امر میباشد که ما توانسته ایم گامهای ممکن را در زمینه رشد اقتصادی کشور برداریم و زمینه های استقرار نظم ملی و دموکراتیک را در زنده گی اجتماعی و اقتصادی مساعد نماییم.

هموطنان گرامی، دهقانان زحمتکش!

اقدامات حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان در زمینه ادامه اصلاحات دموکراتیک ارضی و توزیع عادلانه آب برای دهقانان در جریان سال گذشته حایز اهمیت جدی است ما به خاطر حل مسئله زمین و تحولات ارضی و آب به سود دهقانان زحمتکش و توجه به نیازمندی های زراعت تدابیری را در معرض اجرا گذاشتیم که بدون شك تأثیرات وسیعی را در زنده گی زحمتکشان دهات و رشد سکتور زراعت در کشور وارد خواهد نمود. در سال ۱۳۶۰ علاوه بر سلسله مکمل اقدامات برای رفع اشتباهات و نواقص مرحله اول اصلاحات ارضی توجه به عمل آمد تا کمک ها و مساعدت های دوامدار از لحاظ تهیه تخم بذری، کودکیمیای و ماشین آلات زراعتی به دهقانان ادامه یابد.

یکی از تدابیر مهم دیگر در سال ۱۳۶۰ به سود دهقانان زحمتکش کشور عبارت است از عفو جرایم مالیاتی سال های ۱۳۵۷، ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ که در نتیجه آن هفتصد و شصت هزار خانوار دهقانی از تأدیه هفتصد و بیست و دو میلیون افغانی جرایم مالیاتی معاف گردیدند. با صدور مصوبه بیروی سیاسی و کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان در باره اصلاحات ارضی در جمهوری دموکراتیک افغانستان، سعی به عمل آمد تا حق ملکیت دهقانان بر زمین تضمین و شرایط مساعدی برای استفاده مؤثر از زمین ایجاد گردد. بنابر اهمیت اصلاحات ارضی عادلانه دموکراتیک در کشور، کمیسیون مشترک کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان ایجاد گردید که عملاً پروگرام اقدامات عملی در مورد ادا مه و تطبیق اصلاحات دموکراتیک ارضی را تقویت کرد و به معرض اجرا در آورد.

در سال گذشته علاوه بر نشر ضمیمه نمبریک فرمان شماره هشت که خود اقدام ضرور و مؤثر دیگری بود، قانون آب و مقررده استفاده از آب در زراعت نافذ گردید که به اساس آن حق لا ینفک دهقانان بر زمین و آب تثبیت گردید و چگونه گی توزیع آب برای آبیاری در زراعت به اشتراک خود دهقانان و با در نظر داشت رسوم و عنعنات محلی میان دهقانان صورت میگیرد.

در زمینه توجه حزب و دولت انقلابی به سرنوشت دهقانان زحمتکش و رشد سکتور زراعت در کشور باید از اقدامات وسیع عملی در سمت رشد جنبش کوپراتیوی در دهات، پروگرام ایجاد کوپراتیف های نمونه وی زراعتی، ایجاد و تکمیل ستیشن های میکانیزه زراعتی و اقدامات دیگر نام برد.

دهقانان زحمتکش!

حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان تلاش نموده و تلاش می نماید تا در دور دست ترین محلات کشور آن چنان شرایطی را به وجود آورد که دهقانان زحمتکش و شرافتمند کشور ما بتوانند مرفه، آرام، سعادتمند و خوشبخت زنده گی نمایند.

به نواقص اشتباهات گذشته در زمینه حل مسئله آب و زمین پایان داده شده است. دیگر در جمهوری دموکراتیک افغانستان زمین و آب به دهقانان تعلق دارد. دیگر محصول کار دهقانان نه به فیودال های اربابان و سودخواران، بلکه به خود آنان تعلق دارد. حالا بر دهقانان زحمتکش کشور است تا در راه آبادانی وطن و شگوفانی آن سهم گیرند باز هم ما از دهقانان زحمتکش کشور دعوت به عمل می آوریم تا هیچ گوشه یی از زمین های خود را بدون زرع باقی نمانند محصولات زراعتی را به سود خود، مردم جامعه و دولت افزایش دهند و از زمین و محصولات خود شجاعانه و دلیرانه دفاع نمایند.

دهقانان زحمتکش!

با پیوستن به گروه های مدافعین انقلاب از امنیت مناطق تان دفاع نمایید و نگذارید تا دشمنان جنایتکار انقلاب، با آتش زدن خرمنها، مساجد، مدارس، مکاتب و منازل تان زنده گی آرام تان را بر هم زنند.

هموطنان گرامی!

همچنان در سال ۱۳۶۰ معاش کارگران و اجیران بیست و شش تا پنجاه فیصد و ماکولات کارگران، مستخدمین و مامورین به پنجاه فیصد افزایش داده شد و سهم طبقه کارگر کشور در رهبری پروسه های تولیدی از طریق عقد قراردادهای دسته جمعی به مثابه یکی از عناصر پراهمیت نوین در عرصه تولید تأمین گردید. ما در سال گذشته شاهد پیدایش عناصر نوینی در عرصه کار و تولید بودیم. برای نخستین بار مسابقات کار در عرصه تولید صورت گرفت و در نتیجه ده ها مؤسسه تولید توانستند پلان های تولیدی را تطبیق کنند و حتی بیشتر از آن، از پلان سبقت جستند علاوه بر مسابقات کار در طی سال گذشته طبقه کارگر جوان کشور با گسترش ابتکارات در فعالیت های تولیدی یکبار دیگر تعهد خود را در برابر آرمان های انقلاب تازه نمودند.

در سال گذشته به خاطر تأمین امنیت عام و تام در کشور و جلوگیری از جنگ اعلان ناشده امپریالیستی که امپریالیزم در رأس امپریالیزم ایالات متحده امریکا در همدستی با ارتجاع منطقه و هژمونیست های پیکن هنوز هم بیشرمانه آن را ادامه میدهد اقدامات گسترده بی صورت گرفته است. قوای مسلح قهرمان جمهوری دموکراتیک افغانستان اعم از اردو خاوندی و خدمات اطلاعات دولتی برای تأمین امنیت، مصئونیت مردم و تأمین صلح سراسری ملی ضربات مرگباری به دشمنان انقلاب افغانستان وارد نموده اند.

در جریان سال گذشته در کنار قوای مسلح قهرمان ما ستون های دفاع از انقلاب یعنی سپاهیان انقلاب که به خوبی تلاش جانبازان اعضای قهرمان حزب دموکراتیک خلق افغانستان را در فعالیت کار و پیکار آنان دارد، گروه های مدافعین انقلاب و کدک های مستقل جوانان به شیوه رزمی کمر بستند و به پاسداری شجاعانه از دستاوردهای انقلابی حماسه های بزرگی آفریدند.

هم اکنون جبهه دفاع از انقلاب نیروهای مردمی وسیعی را که در پیشاپیش اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان قرار دارند دربر می گیرد و نشاندهنده آنست که انقلاب ما توانایی کافی برای دفاع از خود دارد و در اینجاست رمز شکست ناپذیری آن. پیروزی های ما در مبارزه با ضدانقلاب با ارزش و مثبت است، ولی ضدانقلاب شکست خورده هنوز هم اینجا و آنجا به تخریب، ترور و دهشت افگنی می پردازد و تلاش می نماید تا از گسترش دستاوردهای انقلابی جلوگیری نماید.

همچنان باید اضافه نمود که امپریالیزم با ادامه صدور ضدانقلاب هنوز دست از تلاش های فتنه گرانه ضد جمهوری دموکراتیک افغانستان نکشیده است.

امپریالیزم می کوشد تا همه تشنج را در منطقه به وسیله دست نشانده گناوابسته خود دامن زند و به این ترتیب سیاست تجاوزکارانه ضدانقلابی، ضد افغانستان و ضد شوروی را در منطقه کماکان ادامه دهد. امپریالیزم در رأس امپریالیزم ایالات متحده امریکا در حالیکه از شکست ناپذیری انقلاب افغانستان آگاهی دارد تنها و تنها جنگ اعلان ناشده علیه افغانستان انقلابی را به خاطر منافع طویل المدت تجاوزگرانه در منطقه ادامه میدهد.

هموطنان گرامی!

ریگن رئیس جمهور ایالات متحده امریکا در این اواخر کوشیده است تا استراتژی تجاوز علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان را با عنوان به اصطلاح روز افغانستان بعد نوینی بدهد.

این تلاشها بخشی از سیاست تجاوز و مداخله در امور داخلی کشور آزاد و مستقل ما افغانستان انقلابی میباشد.

میخواهم یکباردیگر تصریح نمایم که آقای ریگن و امثال او نمیتوانند ویا نمیخواهند بدانند که زنده گی بر مجموعه تلاشهای ضدانقلاب افغانستان، داغ باطله زده است. مردم ما درفش مقدس مبارزه به خاطر ایجاد جامعه نوین را تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان به پیش خواهند برد و آنانی که میخواهند راه پیکار انسانی و مقدس ما را سد نمایند چیزی جز شکست و سرافگنده گی نصیب شان نخواهد شد.

در اینجا لازم است اظهار نمایم که پیروزیهای به دست آمده در پاکسازی دامن پاك وطن از وجود ناپاك ضدانقلاب صادر شده از خارج نشان دهنده آنست که سیاست تجاوزکارانه و مداخله گرانه امپریالیزم در افغانستان به شکست قطعی انجام یده است.

در سال گذشته هزاران تن از هموطنان زحمتکش ما شجاعانه به صفوف قوای مسلح پیوستند و هزاران هموطن فریب خورده ما به کشور عودت نمودند. در بسیاری از محلات دور دست کشور مردم خود در تأمین امنیت مناطق خود سهم گرفته و با ایجاد گروه های مدافعین انقلاب ضربات مدهشی بر دشمنان انقلاب، مردم و وطن وارد آورده اند.

اینها همه عواملی هستند که به صورت واضح مبین افزایش تقویت مداوم و فزاینده اعتماد برحق توده های میلیونی مردم به حزب و دولت انقلابی ما میباشد مردم زحمتکش کشور ما در تجربه روزمره خود یافته اند که سعادت و خوشبختی آنان

وابسته به پیروزیهای انقلاب و گسترش تحولات انقلابی بوده سرنوشت توده های مردم با سرنوشت انقلاب پیوند ناگسستنی دارد.

هموطنان گرامی!

در سال ۱۳۶۰ هفتمین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان مصوبه بی را در ارتباط با تساوی حقوق اقوام و ملیت های ساکن کشور اعلام نمود اهمیت تاریخی این مصوبه در آنست که برای نخستین بار ملیت ها و اقوام ساکن کشور عملاً امکان آنرا می یابند تا در فضای برادری، برابری، وحدت و یکپارچگی بدون هیچگونه ستم و تبعیض و در پرتو همکاری و حسن تفاهم به کار و فعالیت آزادانه و برادرانه جهت ایجاد جامعه شگوفان و عادلانه نوین در جمهوری دموکراتیک افغانستان بپردازند.

همچنان باید یادآوری نمود که مادر آخرین روزهای سال ۱۳۶۰ شاهد پیروزی عظیم و پراهمیت دیگری یعنی تدویر کنفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان بودیم.

تدویر کنفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان حادثه بس مهم و بزرگی در پروسه تکامل حزب دموکراتیک خلق افغانستان و در امر گسترش تحولات انقلابی در جمهوری دموکراتیک افغانستان میباشد. کنفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان، برنامه عمل حزب دموکراتیک خلق افغانستان و وظایف مبرم کنونی در زمینه تحکیم حزب و تقویت روابط آن با مردم را به تصویب رسانید.

کنفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان با اتخاذ تصامیم فوق العاده مهمی متکی بر تحلیل و ارزیابی همه جانبه و عمیق از مرحله کنونی تکامل انقلاب ملی و دموکراتیک ثور، چگونگی تأمین پیروزی کامل بر ضدانقلاب و استقرار صلح سراسری ملی را به عنوان وظیفه عمده ما در اوضاع و احوال جاری تصریح می نماید.

برنامه عمل حزب ما راه پیشرفت همه جانبه اجتماعی و نیل به رشد اقتصادی و اجتماعی را در کشور مشخص نموده است. برنامه عمل حزب ما که به منظور تحقق پیگیر همه جانبه اجتماعی و نیل به رشد ملی و دموکراتیک در جمهوری دموکراتیک افغانستان به تصویب رسیده سند مرامی است که بر پایه آن جامعه عادلانه نوین در کشور استقرار خواهد یافت و سایه فقر و بدبختی و هرگونه تیره روزی از زنده گی زحمتکشان بلا کشیده وطن ما رخت بر خواهد بست.

تدویر کنفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان که در سطح عالی وحدت و یکپارچه گی دایر گردید، پاسخ قاطع و دندان شکنی بود که بر مجموع تبلیغات امپریالیستی که میخواستند اوضاع را در کشور ما دگرگونه جلوه دهند وارد

آورد. باردیگر تیر نیات شوم وشیطانی دشمنان ما به سنگ خورد. کنفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان گام مهم نوین در جهت تحکیم نقش رهبری کننده وسازمان دهنده حزب دموکراتیک خلق افغانستان در جامعه ما میباشد.

نماینده گان کنفرانس به صورت جدی با تایید عام وتام از مشی سیاسی وفعالیت عملی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، تأیید متفق الرای برنامه عمل و اسناد مطروحه در کنفرانس، آماده گی شانرا برای عملی نمودن بلاوقه وظایف انقلابی ابراز داشتند ویکباردیگر تعهد خودرا در برابر حزب و مردم برای شرکت فعال در تحولات انقلابی تأکید نمودند.

هموطنان گرامی !

سیاست خارجی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ودولت جمهوری دموکراتیک افغانستان مبتنی بر اصول صلح، همزیستی مسالمت آمیز، کاهش تنشجات بین المللی، عدم انسلاک ومناسبات دوستی وهمکاری متقابل با خلقها وکشورهای جهان مبتنی بر احترام به استقلال ملی، تمامیت ارضی وحاکمیت ملی کشورها بوده که کماکان ادامه خواهد یافت. این سیاست مورد استقبال نیروهای مترقی جهان قرار گرفته است.

ما بر پایه سیاست خارجی اصولی وصلحدوستانه جمهوری دموکراتیک افغانستان آماده گی همیشه گی خودرا به خاطر تأمین صلح وآرامش در منطقه وجهان ابراز داشته ایم. هم اکنون هیچ کسی نمیتواند از واقعیت انکار ناپذیر تلاشهای صلحجویانه جمهوری دموکراتیک افغانستان معطوف بر ایجاد مناسبات دوستانه وهمکاری متقابل بر مبنای احترام به استقلال ملی، حاکمیت ملی وتمامیت ارضی با همسایه گان ما در منطقه چشم پوشی نماید. اعلامیه ۲۴ اگست ۱۹۸۱ حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان به ادامه پیشنهادهای صلح آمیز ۱۴ می ۱۹۸۰ جمهوری دموکراتیک افغانستان یکباردیگر اصول صلحجویانه سیاست خارجی جمهوری دموکراتیک افغانستان را به همه جهانیان ثابت ساخت. در اعلامیه بیست وچهار اگست ما انعطاف پذیری بیشتر، برخورد واقعبینان حل مسایل از طرق صلح آمیز و مؤثریت اقدامات به خاطر تأمین آرامش در منطقه به خرج داده شده و با خطوط روشن به همه گان واضح گردیده است.

متأسفانه هنوز همسایه گان ما آماده گی لازم را در جهت ایفای نقش شان در این مورد نشان نداده اند امیدواریم آن چنانکه بارها متذکر گردیده ایم همسایه گان ما بتوانند با عقل سالم، خونسردی و واقعبینی سیاسی حساسیت وضع را در منطقه درک نموده بر ای مذاکرات سالم وسازنده با جمهوری دموکراتیک افغانستان آماده گردند و گامهای لازم در جهت تأمین همکاری وتفاهم متقابل بر دارند.

رمز سرسختی و شکست ناپذیری حزب و انقلاب ما، نه تنها به پشتیبانی توده های میلیونی و مردم از انقلاب، بلکه به جبهه جهانی دفاع از انقلاب افغانستان بسته گی دارد. اما با افتخار اعلام میداریم که جبهه جهانی دفاع از انقلاب افغانستان تواناتر از گذشته تقویت و وگسترش می یابد.

مردم ما طی سال گذشته شاهد برگزاری دهمین جلسه هیات رئیسه سازمان همبستگی خلقهای آسیا و افریقا در کابل پایتخت کشور آزادی مستقل و انقلابی ما بودند.

تدویر این جلسه یکبار دیگر به همه گان نشان داد که کلیه نیروهای صلح و ترقی جهان با ما اند و پیگیرانه از انقلاب افغانستان دفاع مینمایند.

ما در سال گذشته پیروزی های مثبتی را در عرصه بین المللی به دست آوردیم. تلاش دشمنان ما که میخواستند افکار عامه جهانیان را در مورد انقلاب افغانستان مغشوش نمایند نتوانسته اند اراده مصمم و خلل ناپذیر بشریت مترقی را در مورد ادامه فعال پشتیبانی و همبستگی قاطعانه با انقلاب ما خدشه دار سازند.

ما یقین کامل داریم که روز تاروز و همراه با پیروزی تحولات انقلابی در افغانستان جهانیان اهداف شوم هیستری ضد افغانستان را که توسط امپریالیست ها دامن زده میشود به خوبی درک خواهند نمود.

هموطنان عزیز، خواهران و برادران!

فعالیت ما در یکسال گذشته مارا اطمینان می بخشد که در کشور محبوب و انقلابی مادیری نخواهد بود که درخت انقلاب ثمرات محسوس و ارزنده یی را برای مردم زحمتکشی وطن به بار آورد.

ما معتقدیم که پیروزی نهایی با مردمان زحمتکش خواهان صلح، آزادی و پیشرفت است نه با دشمنان خلق. راهی که ما بر گزیده ایم راهیست بس دشوار، ناهموار و مشحون از فراز و نشیب ها و اما آنچه روشن است این واقعیت میباشد وزنده گی خود به آن گواهی میدهد که پیروزی با ماست و پیروزی با ما خواهد بود، زیرا انقلاب ما نتیجه منطقی یک ضرورت تاریخی است و بیانگر مدافع آن نیروهای اجتماعی میباشد که بالنده ترین نیروهای جامعه مانند و آینده بیگمان به آنان تعلق دارد. ولی روشن است که هیچکس قادر نخواهد بود که مسایل فراتر از دستور تاریخ راحل نماید و ما تنها توانایی آنرا داریم که به حل مسایلی بپردازیم که تاریخ در مرحله کنونی رشد جامعه در برابر ما گذاشته است. ما تمام نیروی خود را به کار خواهیم بست تا به نیاز تاریخ و جامعه، به وظایفی که مرحله موجود تکامل در برابر ما قرار میدهد پاسخ شایسته و عملی ارائه نماییم.

ما هنوز در آغاز شاهراه دگرگونیهای ملی ودموکراتیک قرار داریم. در برابر ما راه طولانی در پیش است ما با هرگامی که به سود مردم زحمتکش وشرافتمند کشور خودمی برداریم عملاً وبه طور واقعی به سوی ایجاد جامعه نوین عدالت اجتماعی، به سوی ایجاد جامعه فارغ استثمار فرد از فرد نزدیک و نزدیکتر میگردیم.

ما یقین کامل داریم که مردم زحمتکش افغانستان تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان خواهند توانست به پیروزی های بازهم بیشتر وبهتر دست یابند وبه کلیه عواملی که اسباب عقب مانده گی اجتماعی، فقر وبدبختی زحمتکشان را مساعد مینماید پایان دهند.

بهار نوی در پیش است. این بهار نو با اطمینان برای مردم ماکار صلح و امنیت را به ارمغان خواهد آورد زیرا حزب ودولت انقلابی ما مصمم اند در جریان سالی که فرامیرسد با تطبیق پروگرامهای همه جانبه رشد اقتصادی واجتماعی ومبارزه با دشمنان انقلاب صدای هر سانحه یی را که زنده گی باشنده گان سرزمین مقدس ما را تهدید مینماید خفه سازند وامکانات وزمینه های بیشتری را برای کار، مبارزه وزنده گی صلح آمیز فراهم آورند.

بهارنو وسال نو، بهار زنده گی سعادتمند خلق ما، بهار آبادانی وطن وبهارکار و افزایش محصولات برای دهقانان زحمتکش کشور خواهد بود.

ما به آینده با خوشبینی مینگریم واطمینان راسخ داریم که مردم ما در سال آینده در پرتو برنامه عمل حزب دموکراتیک خلق افغانستان وتصامیم والای ح. د. خ. ا و دولت ج. دا به پیروزی ها و دستاوردهای نویی دست خواهند یافت.

هموطنان زحمتکش، خواهران وبرادران!

زمان آن فرا رسیده است تا امروز یکباردیگر هنگامیکه سال نو وبهار نوی را با همه امید ها وآرزوها استقبال مینماییم ، بیشتر از پیش کمر ببندیم وهر یکی به سهم خود در پیکار عظیم و مقدسی که همین حالا در کشور ما جریان دارد. نقش خودرا همه به طور شایسته ولازم ایفا نماییم. آینده به مردم زحمتکش وطن ما مربوط است ودر اثر کار امروزی است که فردای خوشبخت وسعادتمند در افغانستان انقلابی و قهرمان بنیان گذارده میشود.

مردم وطن!

یکجا وبا هم به خاطر کار هرچه بیشتر، به خاطر پیروزی نهایی وکامل بر ضدانقلاب ودشمنان وطن، به خاطر شگوفانی کشور محبوب وباستانی ما جمهوری دموکراتیک افغانستان وبه خاطر آرامش و رفاه مردم زحمتکشافغانستان، به پیش!

ما اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان
تمام افتخارات زنده گی خود را به طور ارگانیک و بهم پیوسته
با حزب، انقلاب و مردم خویش میدانیم

بیانیه هنگام در یافت نشان «خورشید آزادی»

۵ ثور ۱۳۶۱

رفقای بسیار عزیز و گرانقدر! درین لحظاتی که شما رفقای عزیز اعتماد نموده نشان د «آزادی لمر» یا «خورشید آزادی» را به من اعطا می کنید، سراپا وجودم را احساس مسؤولیت عظیم در پیشگاه حزب مردم، انقلاب و وطن فرا گرفته است. فرا گرفته است.

میخواهم به پاس این اعتماد بزرگ شما از صمیم قلب تشکر نمایم.

با احساس مسؤولیت عظیم به شما اطمینان میدهم که تقدس این اعتماد بزرگ رفیقانه را که خود یکی از مظاهر وحدت حزب، دولت و مردم آزاد وطن محبوب مان افغانستان انقلابی است، با تمام وجود و توان چون عقل، شرف و وجدان خویش حفظ خواهیم کرد. تفویض نشان «خورشید آزادی» مرا در برابر مسؤولیت باز هم بزرگتری به خاطر انجام وظایف محوله قرار میدهد.

در زنده گی انسان ها لحظاتی وجود دارد که بزرگترین خاطره حیات را ایجاد مینماید. برای من این اعتماد بزرگ شما یعنی تفویض نشان «خورشید آزادی» که زیباترین سمبول مبارزات پیگیر و فداکارانه بهترین فرزندان حزب و مردم و شهیدان قهرمان گلگون کفن حزب و مردم ما در طول سال های متمادی میباشد، یکی از شورانگیز ترین خاطرات تمام عمرم خواهد بود.

من این افتخار بزرگ را اولتر از همه از آن حزب محبوب و دولت انقلابی ما میدانم. در تمام طول عمرم هدفی بزرگتر و شریفانه تر از خدمت واقعی به مردم عذابیده کشور ما نداشته ام.

تمام زنده گی، توان، عقل و وجدان خود را از آن حزب محبوب ما دانسته و درین راه از هیچگونه کوششی دریغ نورزیده در آینده نیز دریغ نخواهم کرد. ما اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان تمام افتخارات زنده گی خود را به طور ارگانیک و بهم

پیوسته با حزب، انقلاب و مردم خویش میدانیم. جدایی از حزب و از منافع مردم در حکم سقوط و تباهی و در حکم تهی شدن زنده گی از محتوای زنده و اساسی آن میباشد.

درین لحظات بیشتر از هر وقت دیگر یاد آن رفقای عزیز زنده میشود که در راه وطن، انقلاب و مردم جان های پاك و شیرین خود را فدا کرده و راه خوشبختی مردم ما راهموار ساخته اند، «خورشید آزادی» این سمبول آزادی واقعی کشور ما، قهرمانی های آن دلیر مردان و شیر زنان شهید نیز میباشد، که با سپاس فراوان به روان پاك شان درود می فرستیم.

رفقای گرامی!

چهار سال از روزی می گذرد که انقلاب شکوهمند ثور به مثابه سر آغاز تحولات ملی و دموکراتیک صفحه نوینی را در تاریخ مردم کشور محبوب ما افغانستان گشود. در طول این مدت ما توانستیم علی الرغم دشواری ها، گام های استواری برداریم.

حزب ما از لحاظ کمی و کیفی رشد و تحکیم یافته، اتوریته و نفوذ آن در میان توده های مردم ارتقا یافت. حاکمیت نوین انقلابی که متکی بر نیروی زحمتکشان میباشد در سراسر کشور استحکام یافت، دگرگونی های عمیق در ساحات اقتصاد، سیاست و فرهنگی رونما گردید.

قابل یاد آور است که اگر ضدانقلاب داخلی و خارجی جنگی اعلان ناشده خویش را که درد و رنج بی پایانی را برای مردم ما به بار آورد به راه نمی انداخت، طبعاً پیروزی های ما بیشتر می بود.

دشمنان انقلاب ما علی الرغم توسل به شیوه های جنگی و سیاسی خرابکارانه، قادر نخواهند بود خورشید آزادی را که بر فراز سرزمین باستانی ماطلوع نموده، خاموش سازند.

اراده خلل ناپذیر حزب و مردم مادر امر دفاع از آزاد، استقلال و آینده آفتابی کشور محبوب ما افغانستان، کمک های بی شایبه و همه جانبه کشور برادر و همسایه بزرگ شمالی ما کشور کبیر شور اها و سایر کشورهای سوسیالیستی و همه نیروهای مترقی جهان، ضامن پیروزی درین مبارزه بر حق ماست.

امروز با پذیرفتن این نشان عالی و پرافتخار می خواهیم به شما رفقای گرامی و به حزب قهرمان و به همه مردم پیکار جوی ما اطمینان بدهم که در راه مبارزه به خاطر منافع زحمتکشان و به سر رسانیدن وظایف محوله برنامه عمل حزب از نیرو و قدرت خویش دریغ نخواهم کرد.

عمده ترین شرط حفظ شایستگی برای هریک از انقلابیون عبارتست از کارخستگی

ناپذیر و مداوم در جهت منافع مردم، پاسخگویی به خواست های برحق آنان و اتخاذ شیوه های سالم مبارزه. ما انقلابیون افغانستان به اتکا همین اصل توانسته ایم به مثابه گردان پیشاهنگ طبقه کارگر و همه زحمتکشان کشور ما عمیق ترین احساس اعتماد و اطمینان توده های زحمتکش را که در طول سال های متمادی در زیر بارستم طبقاتی و ملی رژیم های گذشته رنج می کشیدند، حاصل نماییم.

بگذار، همه نیرو، انرژی، عقل و احساس ما در خدمت مردم باشد!

بگذار، حزب محبوب ما جاودانه در قلب ما جاداشته باشد!

در اخیر، عمیقترین مراتب تبریکات و شادباش های گرم خود را به مناسبت حلول چهارمین سالگرد انقلاب شکوهمند ثور به شما و به تمام مردم آزاد افغانستان انقلابی که خورشید آزادی در آن میدرخشد ابراز میدارم.

پل دوستی، قلب های مردمان افغانستان انقلابی و شوروی بزرگ

را با رشته های محکمتر دوستی می پیوندد

بیانیه هنگام افتتاح «پل دوستی»

۲۲ ثور ۱۳۶۱

رفیق محترم شرف رشیدوف عضو علی البدل بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و منشی اول کمیته مرکزی حزب کمونیست جمهوری ازبکستان، اعضای محترم هیات عالیرتبه اتحاد شوروی، دوستان گرامی شوروی و افغان، اشتراک کننده گان این گردهمایی فراموشی ناپذیر ما!

اجازه دهید، قبل از همه دروهای گرم و برادرانه کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، شورای انقلابی و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان را به شما برسانم.

ما هیچگاه از راهی که انتخاب نموده ایم، بر نمی گردیم. با استواری از دستاوردهای انقلاب ثور دفاع می نماییم و به طور پیگیر ثابت قدم در راه بهبود زنده گی مردم خود سعی می ورزیم. ما همیشه به دوستی با اتحاد شوروی و فادار خواهیم بود.

رفقای محترم!

امروز ما شاهد یکی دیگر از حوادث پرشکوه در تاریخ مناسبات میان کشورهای خود و میان مردمان خود می باشیم. بهره برداری یکی از مهمترین پروژه های همکاری افغان شوروی، پل برای ترانسپورت موتر و دارای خط آهن بالای دریای آمو قبل از موعد آغاز می گردد.

اهمیت پل بالای دریای آمو برای رشد اقتصاد ما در مجموع و برای بهبود سیستم ترانسپورت و تجارت، واقعه عظیم است. ولی ما اعمار این پل رانه تنها از نظر کمک اقتصادی و تخنیکی اتحاد شوروی به افغانستان می بینیم، بلکه حرف برسر امر بزرگتر و مهمتر است. اعمار این پروژه و تکمیل آن یک سال قبل از موعد اولیه پیشبینی شده در سطح واقعه انترناسیونالیستی اتحاد شوروی، مناسبات کاملاً نوین همسایه گی نیک و دوستی میان کشورها و مردمان ما را، که لینن بزرگ بنیان آن را گذاشت، منعکس می سازد.

بعد از انقلاب ثور و مخصوصاً بعد از مرحله نوین آن مناسبات ما دائماً توسعه و تعمیق یافته سرشار از محتوای نوین می گردد و عرصه ها و ساحات نوین سیاست، اقتصاد، همکاری نظامی، فرهنگ، معارف و غیره را در برمی گیرد. این است انترناسیونالیسم واقعی در عمل.

مردم افغانستان هیچگاهی کمک بی شایبه و همه جانبه بی را که اتحاد شوروی به وطن محبوب ما در امر دفاع از استقلال ملی و حاکمیت ملی ما مبذول داشته است فراموش نمی کنند. ما همیشه به یاد خواهیم داشت که نخستین دست محکم و مطمئن کمک و پشتیبانی، سوی ما، از جانب اتحاد شوروی بزرگ، کشوری که جامعه کمونیستی را اعمار می نماید، دراز شده است.

دوستان گرامی!

اجازه دهید، از حزب کمونیست اتحاد شوروی، حکومت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و همه مردم شوروی به خاطر کمک عظیم و بی مانندی که کشور شما در جمهوری دموکراتیک افغانستان می کند، امتنان و سپاسگزاری عمیق و صمیمانه ابراز نمایم.

همچنان می خواهم از کار قهرمانانه تمام گروه ها، انجنیران، تخنیکران، کارگران و همه آنانی که در طرح ریزی و اعمار پل، تهیه اجزا و قسمت های مختلف آن اشتراک ورزیده اند، با مساعی مشترک خود در زیبایی آموی خروشان و کناره های آن افزوده اند اظهار سپاسگزاری و قدردانی نمایم. خلاصه می توان گفت این پل نه تنها سواحل آمورا به هم پیوند داد، بلکه قلب های مارا، قلب های مردمان ما را با رشته محکم تر به هم پیوست.

احترام و افتخار به انسان زحمتکش و کارآن!

رفقای گرامی، برادران!

برای ما جای مسرت و خشنودی بزرگ است که ملاقات ما در آستانه شصتمین سالگرد تشکیل اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در این ماه در خاک اتحاد شوروی، در سرزمین باستانی ولی شگوفان واز نو اعمار یافته ازبکستان که مانند دیگر جمهوری های شوروی در مدت زمان کوتاه تاریخی به موفقیت های شگفت انگیز در همه عرصه های حیات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نایل شده است، صورت می گیرد. باز دید اخیر رفیق لیونید ایلچ بریژنف از تاشکند برای همه مردمان، مخصوصاً برای مردمان شرق ثبوت روشن و قانع کننده بی از توجه عظیمی است که حزب کمونیست اتحاد شوروی و حکومت شوروی دائماً به رشد همه جمهوری های برادر سوسیالیستی اتحاد شوروی معطوف می دارند. آنچه جمهوری های آسیای میانه شوروی به دست آورده اند، مثال عالی و شایان تحسین برای همه کشور هایی است

که در راه ترقی اجتماعی و اعمار جامعه فارغ از استثمار انسان به وسیله انسان کام نهادهاند.

یقین کامل داریم که زحمتکشان ازبکستان شوروی تحت رهبری حزب کمونیست ازبکستان به دستاوردهای نوین در رشد جمهوری خود نایل می گردند و همه دستور ها و مشوره های رفیق لیونید ایلیچ بریژنف را که در تاشکند اظهار نموده اند، با موفقیت در عمل پیاده خواهند کرد.

رفقا و دوستان گرامی!

به تاریخ هفت ثور مطابق بیست و هفت اپریل سال جاری مردم افغانستان چهارمین سالگرد انقلاب ثور را جشن گرفتند. انقلاب ثور در کشور عقبمانده و فیودالی، در جایی که رژیم حاکم نمی توانست حداقل زنده گی شایسته انسانی را برای مردم تأمین نماید، به وقوع پیوست.

بعد از پیروزی انقلاب ملی و دموکراتیک، حزب دموکراتیک خلق افغانستان پیشاهنگ طبقه کارگر و کلیه زحمتکشان کشور ما اقدامات بسیاری را به منظور تحقق تحولات وسیع اجتماعی، اقتصادی و بهبود زنده گی مردم به عمل آورد. اما چنانکه شما به خوبی می دانید پدیده کهنه و رو به زوال هیچگاهی بدون مبارزه و مقاومت از عرصه زنده گی خارج نمی شود و ایجاد نو پیشرو، روند دشوار و پیچیده است و هنگامی که بر مقاومت ارتجاع داخلی مداخلات ارتجاع خارجی علاوه گردد، این روند دشوار تر میگردد.

بیش از سه سال است که جنگ اعلان نشده نیروهای متحد ارتجاع داخلی و بین المللی، امپریالیزم امریکا، هژمونیزم چین و متحدین آن ها علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان ادامه دارد. در نتیجه اعمال خرابکارانه آن ها انسان ها به قتل میرسند و به اقتصاد ما صدمه وارد میشود. ولی ما با قاطعیت تمام میدانیم که نیروهای امپریالیزم قادر نیستند مردم افغانستان را درهم شکنند و چرخ تاریخ را به عقب برگردانند.

کنفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان که چندی قبل دایر گردید، باروشنی و وضاحت خاص پخته گی رشد یابنده سازمانی و ایدیالوژیک حزب مارا، وحدت آن را به مردم و قابلیت آن را برای ارزیابی عینی و واقعیت ها نشان داد. حزب دموکراتیک خلق افغانستان در آینده نیز تمام مساعی لازم را به منظور بسیج همه نیروهای سالم کشور در امر دفاع از دستاوردهای انقلاب به عمل خواهد آورد.

رفقای گرامی!

سیاست پیگیر و قاطع انتر ناسیو لیستی اتحاد شوروی به مردم افغانستان که مصروف

اعمار حیات نوین اند، به ما نیرو و اعتماد می بخشد. چنانچه ضرب المثل افغانی می گوید: «دشمن چه کند چو مهربان باشد دوست» ما با قاطعیت می دانیم که سعادت و آزادی افغانستان بدون دوستی خلل ناپذیر با اتحاد شوروی تأمین شده نمی تواند.

موفقیت های عظیم کشور شما در امر اجرای تصامیم بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی و موفقیت های سایر کشورهای سوسیالیستی تأثیر عظیم و بزرگی بر سرنوشت تمام بشریت دارد. ما برای مردم اتحاد شوروی که در پیشاپیش بشریت مترقی قرار دارند تحکیم و نیرومندی بیشتر اقتصادی، تقویت قدرت دفاعی، شکوفایی بیشتر فرهنگی و زنده گی معنوی را آرزو مندیم، ما برای مردم شوروی سعادت، رفاه کامل، پیروزی های نوین و پرشکوه را در امر اعمار کمونیسم آرزومی نمائیم. برای این کار قبل از همه، صلح بر روی زمین ضرور است.

اتحاد شوروی همراه با همه نیروهای صلحدوست به طور پیگیر و استوار به خاطر جلوگیری از تهدید جنگ هستوی جهانی، جلوگیری از مسابقات تسلیحاتی مبارزه می نماید. امروز یکباردیگر می خواهیم اعلام داریم که جمهوری دموکراتیک افغانستان از سیاست صلحجویانه دولت شما پشتیبانی می نماید و ابتکارات جدید صلح آمیز را که به وسیله رفیق لیونید ایلچ برژنف مطرح شده است، بسیار عالی ارزیابی می کند.

رفقای گرامی!

اجازه دهید، یک بار دیگر به نماینده گی از رهبری جمهوری دموکراتیک افغانستان، کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و تمام مردم افغانستان به مردم شوروی، حزب کمونیست لنینی اتحاد شوروی در رأس شخصیت برجسته دولتی و سیاسی معاصر، دوست بزرگی مردم افغانستان رفیق لیونید بریژنف به خاطر کمک های همه جانبه با افغانستان، سپاسگزاری عمیق خود را ابراز نمایم. ما به پیروزی کامل انقلاب افغانستان اعتقاد راسخ داریم، زیرا حقانیت این امر را احساس می کنیم و میدانیم که اتحاد شوروی و همه نیروهای مترقی جهان با ماست و به حزب ما و به مردم ما در میان عادلانه شان به خاطر سعادت مردم و شکوفایی وطن محبوب مان افغانستان دموکراتیک و مستقل، کمک می نمایند.

زنده باد اتحاد شوروی بزرگ، این اتکای مطمئن خلق ها در مبارزه علیه امپریالیسم و به خاطر آزادی و استقلال شان!

زنده باد دوستی خدشه ناپذیر میان مردمان افغانستان و اتحاد شوروی!

**رهبری حزب ما معتقد است که ارگانهای امنیتی جمهوری دموکراتیک
افغانستان اعتماد عالی حزب و مردم را کسب نموده، سهم شایسته
خویش را در امر پیروزی نهایی انقلاب ایفا میکنند**

بیانیه در جلسه سراسری کارمندان خدمات اطلاعاتی دولتی

۲۶ ثور ۱۳۶۱

رفقای گرامی!

کارمندان محترم خدمات اطلاعات دولتی!

قبل از همه اجازه دهید شادباشهای صمیمانه و قلبی خود را به شما اشرک کنندگان این جلسه باشکوه و از طریق شما به همه کارمندان خدمات اطلاعات دولتی این رزمندگان گان بیباک و جسور، سر سپرده و فداکار برسانم.

جلسه شما در مرحله خاص زنده گی حزب و کشور دایر میگردد که برای مردم و وطن محبوب مان افغانستان انقلابی اهمیت تاریخی دارد. درست دوماه قبل از امروز کنفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان به مثابه واقعه عظیم و پراهمیت در زنده گی حزب، دولت و مردم ما دایر گردید.

کنفرانس با تحلیل عمیق و همه جانبه واقعیت های موجود جامعه ما و بر مبنای اندیشه های پیشرو عصر ما برنامه عمل حزب را برای مرحله کنونی انقلاب تصویب نمود.

همه اسناد مصوب کنفرانس و برنامه عمل حزب دموکراتیک خلق افغانستان، وظایف جدی و پرمسئولیتی را در برابر قوای مسلح ما اعم از اردو، خاندوی و ارگانهای خدمات اطلاعات دولتی قرار داده است. این وظایف ناشی از اوضاع و احوال کنونی کشور و دورنمای تکامل بعدی جامعه می باشد.

اجازه دهید جهات عمومی این وظایف را در ارتباط با وضع کنونی بر شمارم.

علی الرغم آنکه تحول انقلابی افغانستان از عقب مانده گی به سوی شاهراه ترقی همه جانبه باعث خشم شدید و مقاومت دیوانه وار و وحشیانه امپریالیزم و ارتجاع گردیده است و آنان با استفاده از همه وسایل کثیف و غیر انسانی علیه انقلاب ما می جنگند، در امور داخلی ما به طور وسیع و گسترده مداخله مینمایند، راه ترور و تجاوز

را برگزیده اند، جنگ و برادر کشی را تحریک میکنند و از هیچ اقدامی در تلاش خود برای احیای حاکمیت استثمارگران و محروم ساختن مردم ما از حق سعادت و ترقی ابا نمی ورزند، اما مردم افغانستان با کمک و پشتیبانی قاطع مردم برادر کشور بزرگ شوراها، مبارزه خود را بر ضد این نیروهای اهریمنی و تجاوزکار یعنی ارتجاع و امپریالیزم در راه دفاع از دستاوردهای انقلاب، دفاع از آزادی، استقلال و حاکمیت ملی کشور با استواری و متانت به پیش میبرند و سنگرهای نوین را در مبارزه حماسه آفرین، هستی ساز و دشمن سوز فتح مینمایند.

از جانب دیگر ایالات متحده امریکا و متحدین جنایتکار آن به دامن زدن آتش تشنج در اطراف افغانستان ادامه میدهند. و اشنگتن و پیکن با همکاری فعالانه پاکستان سلاح ابزار جنگی و اشرار تربیت شده را به خاک ما می فرستند تا به خونریزی و قتل و قتل ادامه دهند و آرامش مردم شریف و زحمتکش ما را برهم زنند. سی. آی. ای سازمان جهانی جاسوسی ایالات متحده امریکا این سردمدار جنایتکاران و وحشت آفرین جهان سرمایه و دشمن درجه یک خلقهای سراسر گیتی، تنظیم به اصطلاح کمک بین المللی به افغانستان یعنی تهیه سلاح مرگزا برای اشرار جنایت پیشه را به عهده گرفته است.

در عین زمان همین نیروهای سیه کار و جنگ طلب به غرض نیل به مقاصد شوم و غارتگرانه خویش در برابر حل و فصل سیاسی اوضاع اطراف افغانستان که براساس پیشنهادهای سازنده و ابتکاری جمهوری دموکراتیک افغانستان تنها از طریق مذاکرات صلح آمیز و قطع هرگونه مداخلات و تجاوزات امپریالیستی در امور داخلی کشور ما ممکن است و بس، سنگ اندازی و ممانعت می نمایند.

خلاصه اینکه ساختمان زنده گی نوین در افغانستان در شرایط جنگ اعلان نشده بی که از جانب ضدانقلاب داخلی و خارجی بر ما تحمیل گردیده است، جریان دارد که خواهان کار و پیکار بی امان و خسته گی ناپذیر در همه عرصه ها و جهات مبارزه است.

چنین وضع از حزب دموکراتیک خلق افغانستان و تمام ارگان های دولتی فعالیت قطعی را در راه دفاع از دستاوردهای انقلاب ثور میطلبد.

بنابراین برنامه عمل حزب دموکراتیک خلق افغانستان به امر تأمین دفاع قاطع و مؤثر از وطن و دستاوردهای انقلابی مردم، تحکیم مطمئن آن و قطع تلاشهای نیروهای امپریالیستی و ارتجاعی که میخواهند نظام همه جانبه و استثمار را در کشور ما احیا نمایند، اهمیت درجه یک قایل شده است. در عین زمان درین برنامه سیستم تدابیر مؤثر جهت تحکیم همه جانبه اردوی انقلابی، خارتدوی و ارگانهای امنیتی، ارتقای سطح قابلیت محاروبی و مسلکی و درک سیاسی صفوف آنها پیشبینی شده و بر تحکیم ارتباط آنها با توده های مردم تأکید صورت گرفته است.

در شرایط کنونی مسئله دفاع از انقلاب و سرکوبی کامل و قطعی ضدانقلاب، جبهه عمده و مقدم مبارزه ما را تشکیل می‌دهد.

این جبهه مبارزه علیه اعمال ضدانقلابی، ترور، مقاومت مسلحانه دشمن، علیه دسایس دشمنان داخلی و خارجی، نوکران ارتجاع و امپریالیسم و خلاصه علیه تمام نیروهایی که تلاش‌های مذبحانه را جهت جلوگیری از پیشروی انقلاب به خرچ می‌دهند، می‌باشد. برای اجرای موفقانه این امر و پیروزی‌های بیشتر و حفظ و حراست این پیروزی‌ها، انقلاب ما به ارگان‌هایی ضرورت دارد که فعال، نیرومند، متحد، یکپارچه، با انضباط و خدمتگوار مردم بوده و بتواند پلان‌های دشمن را به موقع افشا نموده در برابر تخریب‌های نیروهای ارتجاعی و امپریالیستی از خود عکس‌العمل قاطع و سریع به اتکا و پشتیبانی توده‌ها نشان دهد.

رفقا!

خدمات اطلاعات دولتی باید چنین ارگانی باشد. اشکال مختلف تجاوز و تخریب ایدئولوژیک، ترور، تخریب‌های در ساحات اقتصادی، ترانسپورت، زراعت و دیگر اشکال فعالیت‌های ضدانقلابی علنی و مخفی یکبار دیگر این گفتار بزرگی را به اثبات می‌رساند که: «انقلابیون نه تنها باید قدرت دولتی را به دست گیرند بلکه آنرا حفظ و از آن دفاع نمایند و در برابر نیروهای ضدانقلاب و نیروهای انقلابی را در یک سطح عالی متشکل سازند.»

به منظور دفاع از دستاوردهای انقلاب ثور و تأمین امنیت جمهوری دموکراتیک افغانستان در برابر تخریب‌ها و تجاوزات ارتجاعی و امپریالیستی ارگان‌های امنیتی به حیث ارگان‌های دولتی تأسیسی گردیده‌اند که در جریان مبارزه آگاهانه از میتودها و وسایل تخصصی خود جهت برآوردن اهداف بالا استفاده مینمایند. از جانب دیگر خدمات اطلاعات دولتی و تمام بخش‌های آن تمام وظایف خود را تحت رهبری و کنترل کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان اجرا مینمایند.

خدمات اطلاعات دولتی در برابر حزب، دولت و مردم مسؤولیت عام و تام را در امر تأمین امنیت و وطن عزیزمان افغانستان انقلابی دارد.

حزب به ارگان‌های امنیتی به حیث ارگان مهم و شمشیر بران انقلاب مینگرد که مؤظف است مطابق به اهداف و وظایف انقلاب که انعکاس آرمان‌های توده‌های وسیع مردم می‌باشد، به نام مردم و به نفع مردم از انقلاب و دستاوردهای انقلابی مردم دفاع قاطع و مطمئن نماید. این موضعگیری روشن و انقلابی موجب اعتماد و پشتیبانی مردم میگردد.

خدمات اطلاعات دولتی حین فعالیت عملی خود متکی بر تضامیم و مصوبات کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، بیرونی سیاسی آن، برنامه عمل حزب

واصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان، قوانین کشور، دایرکتیف‌ها و تصامیم شورای انقلابی و شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان بوده از آنها توأم با رعایت اکید قانونیت انقلابی پیروی کامل مینماید.

کمیته مرکزی معتقد است که ارگان‌های خدمات اطلاعات دولتی به آرمانهای انقلاب و امر دفاع از منافع مردم کاملاً وفادار بوده میتوانند در امر دفع و طرد حملات و دسایسی دشمنان، شکست و محوکامل آنان و تأمین پیروزی کامل نظام دموکراتیک و مردمی در وطن ما به موفقیت‌های هرچه بیشتر دست یابند.

در شرایط تشدید فعالیت تخریبی امپریالیزم مسؤولیت ارگان‌های امنیتی در امر دفاع از جامعه و وطن در برابر دسایس و توطئه‌های ارتجاع بین المللی و ضدانقلاب داخلی افزایش می‌یابد. کارمندان خدمات اطلاعات دولتی باید با تمام جدیت و احساس مسؤولیت درک نمایند که فعالیت تخریبی دشمن علیه انقلاب ما از ورای مرزها، خود به خود خاتمه نخواهد یافت، بلکه باید فعالیت مذکور را طوری خنثی نمود که دشمن بیش از پیش به بی نتیجه بودن و مذبحخانه بودن تلاش‌های خود متقاعد گردد. پروسه انقلابی در کشور برگشت ناپذیر است و ما حاضریم مبارزه برحق خود را علیه دشمن تا پیروزی نهایی ادامه دهیم. اراده حزب و مردم برای خاتمه بخشیدن به فقر و عقب مانده گی که از گذشته به میراث مانده است و تأمین سعادت و رفاه تمام مردم ضامن پیروزی ماست.

کمک همه جانبه و برادرانه اتحاد شوروی بزرگی، همبستگی تمام کشورهای سوسیالیستی نیروهای مترقی جهان با افغانستان انقلابی، ضامن دیگر رشد موفقیت آمیز انقلاب شکوهمند ثور میباشد.

رفقا!

کارمندان ارگان‌های امنیتی که بنابر وظیفه و رسالت خویش در خط مقدم جبهه مبارزه با دشمنان انقلاب قرار دارند همیشه باید نام شریفانه پاسداران انقلاب، شرف، ناموس و حیثیت مردم را گرامی بدارند و حفظ نمایند. آنان باید هوشیاری سیاسی خود را ارتقا بخشیده و وظایف محوله را با قاطعیت و شجاعت، رزمجویی و عزم راسخ انجام دهند و خدمتگزار مردم و سپاهیان دلیر حزب خود باشند.

توأم با تقویت ارگان‌های امنیتی، کمیته مرکزی حزب و دولت انقلابی تدابیر لازم را جهت جلوگیری از وقوع حوادث ناشی از تخلف از قانون اتخاذ نموده و تضمین‌های محکم سیاسی و حقوقی را جهت تأمین قانونیت انقلابی به وجود آورده است

رفقای محترم!

اصل اساسی موفقیت آمیز و سالم ارگان‌های امنیتی عبارت از رهبری آنها از جانب

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان میباشد. تطبیق بلاانحراف این اصل در عمل برای خدمات اطلاعات دولتی جمهوری دموکراتیک افغانستان شرایطی را فراهم می آورد که در امر مبارزه علیه باندهای اشرار، سازمانهای مخفی ضدانقلابی و دسایس سرویس های جاسوسی کشورهای امپریالیستی و نوکران آنها، به موفقیت های قابل ملاحظه نایل گردد.

باید فعالیت وسیعتر سازمان داده شود و چهره کثیف امپریالیزم و نوکران آن در برابر مردم به طور گسترده و هرچه روشنتر رسوا گردد و به مردم هرچه بیشتر تفهیم گردد که چه کسانی برای باندهای قاتلان و دزدان سلاح و مهمات تهیه مینمایند.

کارمندان خدمات اطلاعات دولتی باید نمونه عالی در امر اجرای وظیفه حزبی و انقلابی بوده در امر ترتیب و تنظیم اشتراک مساعی و کوردناسیون با اردو، خاندوی، ارگان های دولتی و حزبی در مسایل مبارزه علیه باندیتیزم، تأمین قدرت دولتی در مناطق آزادشده از خود ابتکار نشان دهند. ارگان های خدمات اطلاعات دولتی باید در امر تأسیس هسته های قدرت دولتی، کمیته های حزبی، ارگانهای محلی، گروپ های دفاع از انقلاب و نیز در تطبیق تصامیم حزب و دولت منجمله جلب و جذب در اردو، اشتراک مستقیم داشته باشند.

باید یادآور شد که برای پیروزی، پاک ساختن یک منطقه از وجود دشمن کافی نیست، بلکه پیروزی نهایی وقتی میسر شده میتواند که در آن مناطق اقدامات مؤثر در جهت تأمین حاکمیت دولتی به نفع توده های مردم و با اشتراک فعال آنها در تطبیق و دفاع از این اقدامات صورت بگیرد. تنها در این صورت است که قدرت دولتی میتواند به طور برگشت ناپذیر تأمین گردد.

در چنین مناطق باید سیستم دفاع از انقلاب و مردم تأسیس گردد و در سیستم مذکور بر علاوه قطعات اردو و خاندوی باید گروپهای دفاع از انقلاب، ملیشه و گروپهای وطنپرست اشتراک داشته باشند. باید کار تأسیس و تقویت گروپهای جدید و وطنپرستان و مدافعین انقلاب ادامه یابد. این گروپها در تمام ولایات ولسوالی ها، و علاقه داریها میتوانند وظایف تأمین امنیت را به صورت موفقانه انجام دهند. گروپهای مذکور طوری در تمام مؤسسات تولیدی و محلات مسکونی ایجاد گردند و فعالیت نمایند که زمین در زیر پای اشرار به آتش مبدل گردد.

تأمین پیروزی نهایی علیه ضدانقلاب توأم با فعالیت هماهنگ ارگان های خدمات اطلاعات دولتی، اردوی انقلابی افغانستان و خاندوی میسر شده میتواند. کمیته مرکزی حزب، شورای انقلاب و شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان توجه دایمی را به تقویت اردو و خاندوی معطوف مینمایند، یکی از وظایف عمده خدمات اطلاعات دولتی و خاندوی تأمین امنیت مؤسسات مهم تولیدی، ترانسپورتی و زراعتی میباشد. در سازماندهی این امر نقایصی به مشاهده میرسد که باید آنرا

برطرف نمود. نیروی دولت انقلابی ما در آنست تا بتواند از امکانات موجود در جهت حل مسایل مهم سیاسی و اقتصادی به نفع توده های وسیع مردم استفاده هرچه کاملتر نماید، بنابراین ارگان های امنیتی باید در کمترین زمان ممکن تدابیر مکمل و مؤثر را جهت تأمین امنیت مطمئن و کار بلا انقطاع مؤسسات مهم صنعتی، ترانسپورتی و زراعتی اتخاذ و تطبیق نمایند. این امر به نفع تمام توده ها و دولت انقلابی ما میباشد.

رفقا!

ارگان های خدمات اطلاعات دولتی موظف اند تا از سعی و تلاش دشمنان که می خواهند دین اسلام را به غرض مقاصد شوم خویش مورد سوء استفاده قرار دهند و انقلاب افغانستان را از مسیرش منحرف سازند جلوگیری به عمل آورند. ما باید در کار عملی به اثبات برسانیم که ترقی ملی و اجتماعی مخالف اسلام نبوده، برعکس فعالیت های جنایتکارانه آنانی که میخواهند از اسلام سوء استفاده نمایند با دین اسلام مغایرت کامل دارد.

انکشاف موفقیت آمیز و تحولات بعدی در کشور ما از یکطرف به شرایط داخلی و از جانب دیگر به شرایط بین المللی وابسته میباشد. به این علت حزب و دولت ما کوشش مینماید تا شرایط هرچه مساعدتر بین المللی برای انجام چنین تحولات به نفع مردم ما میسر گردد و ارگان های امنیتی موظف می باشند که تمام تدابیر لازمه را جهت مساعد نمودن تطبیق مشی دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان در این زمینه اتخاذ نمایند.

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان امکان نخواهد داد که فعالیت ارگان های خدمات اطلاعات دولتی از مسیر مطابق به محتوای حقیقی آن منحرف گردد. در آینده نیز مشی رعایت و تقویت قانونیت انقلابی را به صورت پیگیر تعقیب خواهد نمود. متأسفانه حوادث ناشی از عدم رعایت قانون یکی نیست.

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان خواهان بازپرس و مجازات اشخاصی که از راه قانون عدول نموده اند، بدون توجه به خدمات، سابقه و مقام رسمی و دولتی شان میباشد.

تخطی از قانون برای کارمندان حزبی و دولتی منجمله و مخصوصاً کارمندان ارگان های امنیتی باید به حیث جرم ناشی از وظیفه انحراف از اصول و آرمانهای انقلاب ثورشمردن شود. عمل مذکور با نام شریف عضو حزب و کارمند نجیب خدمات اطلاعات دولتی مطابقت ندارد.

کارمندان خدمات اطلاعات دولتی باید دائماً به یاد داشته باشند که آنان سربازان حزب خود بوده از این لحاظ باید وضع موجود را به خوبی بررسی و مطالعه کرده حقایق لازم را در نمایند و مطابق به آن تضامیم درست و به موقع اتخاذ کنند. برای اجرای

موفقانه این امر آنان باید همیشه سطح دانش ایدیولوژیک و تخصصی خود را ارتقا بخشند، وفاداری به حزب و مردم، انترناسیونالیزم پرولتری، آشتی ناپذیری در مبارزه با دشمنان انقلاب، هوشیاری عالی سیاسی، قهرمانی، رعایت جدی قانونیت، انسان دوستی، رفاقت و کلکتویزم باید خصلت هر کارمند پرافتخار خدمات اطلاعات دولتی بوده صفات مذکور مشعل راه زنده گیشان باشد، هر کارمند خدمات اطلاعات دولتی باید تمام نیروی خود را و در صورت ضرورت جان خود را به خاطر اجرای وظیفه مقدس در برابر حزب و دولت به نفع سعادت، رفاه و آینده درخشان افغانستان مستقل و آزاد قربانی نماید.

اعضای خدمات اطلاعات دولتی تا کنون قربانی های فدا کارانه، حماسه آفرین، جانبازانه و قهرمانانه داده اند. افتخار به چنین شهیدان و مبارزان اصیل خدمات اطلاعات دولتی!

ارگانهای امنیتی در چنان جبهاتی فعالیت مینمایند که در آنجا هیچگاه «آتش بس»، صورت نگرفته و وظیفه شان ختم نمیکردد. بر عکس ما شاهد آنیم که دشمن روز به روز از میتودهای ماهرانه تر و حيله گرانه استفاده مینماید. این وضع از ما می طلبد که کار ما نیز به سطح عالیتر و منظم تر ارتقا یابد.

کارمندان خدمات اطلاعات دولتی موظفند حین اجرای وظایفی که حزب به ایشان میسپارد، در مقام خود، در حدود صلاحیت خود، مسایل را طوری تنظیم کنند و خودطوری رفتار نمایند که مردم افغانستان باروشنی و وضاحت احساس کنند که فعالیت ارگان های امنیتی به منظور دفاع از آرمانها و منافع آنان است و کارمند خدمات اطلاعات دولتی یعنی خدمتگار صدیق مردم و وطن.

وفاداری به حزب و وطن، شعور عمیق سیاسی، هوشیاری دایمی سیاسی و احضارات محاروبی دوامدار، سطح عالی دانش تخصصی، آشتی ناپذیری با دشمنان انقلاب، ایجاد روابط انسانی با مردم، اوصافی است که کارمندان خدمات اطلاعات دولتی باید روز به روز آنها را در وجود خود تقویت بخشند و پرورش دهند.

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان به گردان رزمنده یعنی خدمات اطلاعات دولتی اعتماد عمیق داشته و معتقد است که جلسه حاضر کارمندان خدمات اطلاعات دولتی یکباردیگر ثابت می سازد که ارگان خدمات اطلاعات دولتی باز هم پیروزی های مهم را در امر اجرای وظیفه انقلابی به دست خواهند آورد.

بیروی سیاسی کمیته مرکزی و شورای انقلابی دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان معتقد هستند که ارگانهای امنیتی جمهوری دموکراتیک افغانستان اعتماد عالی حزب و مردم را کسب کرده سهم شایسته خویش را جهت از بین بردن دشمنان و پیروزی کامل انقلابی ایفا خواهند نمود.

احترام و افتخار به قوای مسلح قهرمان جمهوری دموکراتیک افغانستان اعم از اردوی
قهرمان، څارندوی مبارز و خدمات اطلاعات دولتی قهرمان، خدمات اطلاعات دولتی
مبارز و خدمات اطلاعات دولتی پیکارجو!

د شاه پیر چچ

دوستی خدشه ناپذیر و برادرانه جمهوری دموکراتیک افغانستان و جمهوری دموکراتیک آلمان روز تا روز استحکام مییابد

بیانیه در ضیافتی که به افتخار هیات عالیرتبه حزبی و دولتی ج.د. افغانستان از جانب ارایش هونیگر منشی عمومی کمیته مرکزیج سوسیالیست متحده آلمان ترتیب شده بود

۲۹ ثور ۱۳۶۱

رفیق محترم ارایش هونیگر منشی عمومی کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحده آلمان و رئیس شورای دولتی جمهوری دموکراتیک آلمان!
رفقای گرامی!

اجازه میخوام به خاطر دعوت برای بازدید از کشور زیبای شما وبه خاطر سخنان صمیمانه شما و پذیرایی گرمی که از ما نماینده گان جمهوری دموکراتیک افغانستان به عمل آورده اید سپاسگزاری عمیق خود و هیات نماینده گی حزبی و دولتی جمهوری دموکراتیک افغانستان را ابراز بدارم.

بازدید ما از کشور شما یک گام نوین در جهت بسط وتوسعه مناسبات طراز عالی برادرانه میان جمهوری دموکراتیک افغانستان و جمهوری دموکراتیک آلمان است که با پیروزی انقلاب ثور بخصوص مرحله نوین وتکاملی آن آغاز یافته است. احساسات وعلاقه صمیمانه ودوستی برادرانه یی که نسبت به کشور ما، انقلاب ما و مردم ما در روزهای دشوار از جانب شما متجلی گردید، بیان عملی آن سنن والایی است که بنیانگذاران داهی اندیشه های پیشرو عصر ما آنرا تأکید میکردند. این رشته های دوستی عمیق است که دو کشور مارا به صورت گسست ناپذیر باهم پیوند داده، سهم هر دو کشور را در امر عمومی بهبود مناسبات بین المللی افزایش داده ومیدهد.

تغییر روز افزون تناسب نیروهای طبقاتی در عرصه بین المللی به نفع نیروهای صلح وسوسیالیزم ورشد ظفرنمون سوسیالیزم پیشرفته در کشور بزرگ شوراها شرایط عینی برگشت ناپذیری پروسه دگرگونی های عظیم انقلابی را که هم اکنون در جهان ادامه دارد، تأمین نموده است.

درست بر همین مبنا وبه اتکای نیروی لایزال توده های مردم است که تحکیم، توسعه و تعمیق دستاوردهای انقلاب ثور میسر گردیده است. البته مشکلات و پیروبلمهای

متعددی در راه پیشرفت اجتماعی کشور ما وجود دارد که ادامه جنگ اعلان نشده امپریالیزم بین المللی به سرکرده گی امپریالیزم ایالات متحده امریکا، هژمونیست های چین، ارتجاع منطقه و عرب در مرکز آن قرار دارد .

باوجود ادامه این وضع، پروسه دگرگونیهای انقلابی در کشور ما ادامه دارد . کار کنفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان که «برنامه عمل» حزب را تصویب نمود، بیان دقیق و مشخص سیاست اصولی ما در عرصه تحولات ملی و دموکراتیک در کشور است. این امر نشان میدهد که پروسه برگشت مسیر زنده گی به حالت عادی از میان دشواری ها راه خود را به پیش می گشاید. تجربه مشخص ما بیانگر آنست که حزب ما باچه توانایی شگرف و انعطاف پذیری لازم، اصول و موازین اندیشه های پیشرو عصر ما را که عظیمترین سلاح تغییر انقلابی جهان است، با نیازهای پراتیک جامعه ما تلفیق داده است. حزب و دولت انقلابی ما اکنون در پروسه عملی کردن «برنامه عمل» است و بدون تردید این امر افق های کاملاً نوینی را در برابر ما گشوده است که بهروزی و شگوفانی اقتصاد و فرهنگ کشور را نوید می دهد. باید تأکید شود که سیر تکامل بین المللی به خوبی صحت اصول سیاست خارجی ما را که بر پایه اصول همبستگی رزمجویانه بین المللی، همزیستی مسالمت آمیز و عدم انسلاک بنیان دارد، ثابت نموده است.

اکنون ندای عظیم پشتیبانی از افغانستان انقلابی در سرلوحه حتی جنبش های ملی صلح در سراسر جهان از برجسته گی خاص برخوردار است. این امر از یکطرف نشان میدهد که سیاست ماجراجویانه سیاست پیشه گان امپریالیستی و تمام ارگان ارتجاع بین المللی در ارتباط با کشور ما به شکست اقتضاح آوری مواجه گردیده است و از جانب دیگر این وضع بیانگر آنست که مسئله پشتیبانی از انقلاب افغانستان به وظیفه عمده تمام قدرت های صلح و ترقی اجتماعی در سراسر جهان مبدل گردیده است.

رفقای گرامی!

نقش و اهمیت جمهوری دموکراتیک آلمان در طی سی و سه سالی که قهرمانانه در کار عظیم ساختمان سوسیالیزم مصروف است، در امر تأمین صلح در اروپا و سراسر جهان از اهمیت چشمگیری برخوردار است.

وفاداری به سند نهایی هلسنکی که امپریالیزم امریکا و شرکای ناتوی این کشور آنرا پیوسته نادیده می انگارند، دال بر توجه جدی شما به امر صلح و همزیستی مسالمت آمیز در اروپا و جهان است.

باید تأکید کرد که در این مدت زمان از لحاظ تاریخی کوتاه، در نتیجه کار عظیم و خلاقانه صلح آمیز دولت جمهوری دموکراتیک آلمان به رهبری حزب سوسیالیست

متحد آلمان این نخستین دولت صلحدوست که در سرزمین آن، نسلی کاملاً نوین از زنان و مردان که تمام انرژی و توان خویش را وقف آرمان‌های ساختمان سوسیالیسم و صلح نموده اند، رشد یافته است.

نابودی هیولای مهیب فاشیسم توسط ارتش قهرمان آزادیبخشی اتحاد شوروی که زحمتکشان کشور ما آنرا به دیده سپاس بیکران می‌نگرند، این امکان عظیم تاریخی را فراهم نمود تا زحمتکشان آلمان دموکراتیک سنگ بنای جامعه سوسیالیستی راکه پروسه رشد و تکامل خود را می‌پیماید، نهاده بتوانند.

در تحت رهبری حزب سوسیالیست متحده آلمان، طبقه کارگر آلمان دموکراتیک در اتحاد با دهقانان، روشنفکران مترقی و دیگر زحمتکشان در یک پروسه واحد انقلابی تحولات دموکراتیک ضد فاشیستی را تحقق بخشیده، انقلاب سوسیالیستی را در جمهوری دموکراتیک آلمان به پیروزی رسانید.

در راه پرافتخار ساختمان جامعه پیشرفته سوسیالیستی و کمونیستی، کنگره دهم حزب سوسیالیست متحده آلمان که پروگرام وسیع ساختمان اقتصادی و اجتماعی را به تصویب رسانیده، ارزش به سزایی دارد.

تاریخ موجودیت سوسیالیسم به مثابه یک سیستم جهانی به صراحت نشان میدهد که نقش زحمتکشان آلمان دموکراتیک در کنار کشور بزرگ شوراها که وزنه اساسی را در امر نابودی فاشیسم به عهده داشت، بزرگ و شایسته است. بشریت صلحدوست به این نقش بزرگی تاریخی شما پیوسته به دیده احترام مینگرد. اکنون سیاست خارجی صلح آلمان دموکراتیک و دیگر کشورهای سوسیالیستی، صلحی که تمام جهانیان مساویانه به آن نیاز دارند، از پرستیژ بزرگی برخوردار است.

پیشنهادها و ابتکارات صلح اتحاد شوروی مصوب کنگره بیست و ششم حزب کمونیست اتحاد شوروی در زمینه تأمین صلح در اروپا و جهان مورد تأیید جدی ماست و آنرا یگانه‌ترین تأمین برای تأمین و حفظ صلح جهانی میدانیم. حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دولت انقلابی ما همزمان با ارج نهادن به این سیاست، افتخار دارد که در صف واحد نیروهای صلح و ترقی اجتماعی که اتحاد شوروی در رأس آن قرار دارد، در راه تأمین صلح و امنیت بین‌المللی، خلع سلاح، تعمیق دیتانت و کاهش تنش بین‌المللی و علیه جنگ، امپریالیسم، صهیونیسم، استعمار نو، راسیسم و هژمونیسم، قاطعانه می‌رزمند، کشور ما افتخار دارد که نقش خویش را به عنوان یک کشور صلحدوست و انقلابی ایفا میکند.

رفقای محترم!

حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان در نگرانی شما و دیگر کشورهای سوسیالیستی و تمام نیروهای صلحدوست جهان به خاطر

سیاست ماجراجویانه حکومت واشنگتن و متحدین پیمان تجاوزگر ناتوی آن شریک است. پروگرام حکومت ریگن مینی بر تمرکز وجابجا کردن راکت‌های هستوی با منزل مؤثر متوسط واسلحه مرگبار کیمیاوی امریکایی در اروپا و رجزخوانی غیر مسؤولانه کشورهای غربی از «جنگ محدود هستوی» در اروپا خطری برای صلح جهانی است. ما این برنامه های ماجراجویانه را تقبیح میکنیم. باید تأکید کرد که تشکیل قوای تمرکز سریع بحریه پنجم امریکا، نظامی ساختن بیشتر بحر هند وتوسعه شبکه پایگاه های نظامی در حوزه خلیج و شاخ افریقا همه وهمه حلقه های سیاهی از یک زنجیر وسیع توطئه امپریالیستی علیه نیروهای صلح است، باید به این برنامه های خطرناک پایان داده شود، جنبش عظیم صلح در اروپا و اعتراضات عظیم مردم آسیا، افریقا و امریکای لاتین همه بیان مخالفت آشکار مردمان و کشورهای این قاره ها در مورد برنامه های حکومت واشنگتن است. به همین گونه تحریکات و مداخلات امپریالیستی در قاره افریقا و حمایت امپریالیزم بین المللی از رژیم نژادپرست پرتوریا، نادیده انگاشتن خواست عادلانه نامیبیا برای تعیین سرنوشت و حمایت از دیکتاتوری های فاشیستی خونین امریکای لاتین و مداخله امریکا در امور داخلی کشورهای امریکای مرکزی وحوزه کارابین، پشتیبانی، سهمگیری عملی ایالات متحده امریکا در تجاوزات پیهام صهیونیست های اسرائیلی علیه کشور مستقل لبنان ومهاجرین فلسطین، ادامه تسلط رژیم اشغالگر در سرزمین های اشغالی عرب و سنگ اندازی خاینانه در برابر حق تعیین سرنوشت برای مردم فلسطین و تأسیس دولت مستقل دموکراتیک فلسطین، به مبارزه طلبیدن آشکار افکار عامه جهان است که به طور قطع خواستار پایان دادن فوری آن اند.

با تأکید ابراز میداریم که باید مداخله امپریالیستی در امورد داخلی پولند سوسیالیستی قطع گردد. ما عمیقاً معتقد هستیم که رهبری حزب متحده کارگری پولند و جمهوری مردم پولند توانسته ومیتوانند مشکلات موجود را بر طرف کنند. ما از تمامی اقدامات حزب متحد کارگری پولند و جمهوری مردمی پولند تحت رهبری رفیق گرامی یاروزلسکی قاطعانه پشتیبانی نموده آنرا تأیید میداریم.

اوضاع در منطقه جنوب وجنوب غرب آسیا وضع بهتری از سایر نقاط متشنج جهان ندارد.

تسلیح خطرناک رژیم نظامیگر پاکستان که تهدید مستقیم به حاکمیت واستقلال ملی کشورهای همجوار آن است ادامه دارد. جنگ اعلان نشده امپریالیزم بین المللی به سر کرده گی امپریالیزم ایالات متحده امریکا وهژمونیت های چین، ارتجاع عرب وارترجاع منطقه که از قلمرو پاکستان به مثابه تخته خیز تجاوز ومداخله نظامی علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان استفاده میکند، وضع را خطرناکتر نموده است. ما یکباردیگر تأکید میکنیم که ادامه وضع موجود به هیچ صورت با منافع صلح و امنیت در منطقه وجهان سازگار نیست. در زمینه رفع این حالت باید تأکید نماییم که

جمهوری دموکراتیک افغانستان بر پایه پیشنهادهای مؤرخ چهارده می ۱۹۸۰ و بیست چار اگست ۱۹۸۱ خویش که از محتوای غنی پیشنهادهای واقع‌بینانه مشخص و عملی برخوردار است پروبلم‌ها و قضایای منطقه راحل و فصل میکند. بر زمامداران مسؤول کشورهای همسایه است تا به ندای صلحجویانه ما پاسخ مشخص و مثبت ارائه دهند.

رفقای محترم!

بازدید از کشور زیبای جمهوری دموکراتیک آلمان، نخستین دولت کارگری دهقانی در سرزمین آلمان و تبادل تجارب و آشنایی با کار عظیم حزب سوسیالیست متحده آلمان ما را در امر ساختمان جامعه نوین فراوان کمک خواهد کرد. پیروزیهای شما بدون تردید میتواند منبع الهام عظیم برای ما باشد. پیروزی های عظیم و عظیمتری برای کشور شما تحت رهبری حزب سوسیالیست متحده آلمان و شخص شما رفیق گرامی اریش هونیگر منشی عمومی کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحد آلمان و رئیس شورای دولتی جمهوری دموکراتیک آلمان صمیمانه آرزوی نمایم.

زنده باد دوستی خدشه ناپذیر و برادرانه جمهوری دموکراتیک افغانستان و جمهوری دموکراتیک آلمان!

زنده باد صلح در سراسر جهان!

حزب ما آموزش ایدیولوژی طبقه کارگر را وظیفه جدی و تأخیر ناپذیر تمام اعضای خود میداند

بیانیه هنگام ملاقات با محصلان افغانی مکتب حزبی شهر پوتسدام ج. د. آلمان

۳۰ ثور ۱۳۶۱

رفقا و دوستان عزیز!

اجازه بدهید، نخست درودهای گرم خویش و هیات همراهانم را به شما رفقای عزیز که در آینده مسؤلیت های بزرگی را در جبهه مبارزه ایدیولوژیک به عهده خواهید داشت، ابراز بدارم.

ما با علاقه و افری که ناشی از توجه عمیق حزب ما به مسایل ایدیولوژی و پرورش کادرهای آینده در این زمینه میباشد، به دیدن این مکتب عالی آموزش اندیشه های پیشرو عصر خود آمده ایم.

حزب ما به همان اندازه بی که به مسئله تأمین کار، مسکن، نان، لباس و صحت برای مردم عذابید کشور ما اهمیت قایل است، به مسئله کار وسیع فرهنگی و ایدیولوژیک در میان توده های مردم و بالنتیجه پرورش آنان با فرهنگ نوین انقلابی که متکی بر ایدیولوژی پیشرو عصر ما باشد، توجه لازم را همواره مبذول داشته در آینده هم از طریق این مأمول عدول نخواهد ورزید.

حزب ما در طول موجودیت خویش به مسئله پرورش کادرهای فعال حزبی که به ایدیولوژی طبقه کارگر وسیع مسلط باشد، جداً توجه داشته و در این زمینه به ابتکارات و مساعی لازم نیز متوسل گردیده است. ما حتی در شرایط تسلط رژیم های جبار گذشته، تدویر کورسهای آموزشی اندیشه های پیشرو عصر خود را به مثابه وظیفه جدی و تأخیر ناپذیر تلقی نموده ایم.

امروز که حزب ما در جامعه مبدل به حزب حاکم گردیده خود را مؤظف میدانیم و همچنان در نظر داریم تا کار در زمینه پرورش کادرهای ایدیولوژیک را توسعه دهیم و موجودیت عده بی از رفقای ما در این مکتب عالی نمونه بی ازین توجه حزب ما میباشد. در اینجا لازم میدانم مراتب تشکرات عمیق حزب و مردم ما را از حزب سوسیالیست متحده آلمان و دولت جمهوری دموکراتیک آلمان به خاطر پذیرش همه سآله رفقای ما در مکاتب عالی آموزشی حزبی ابراز بدارم.

حزب ما در کشور، بانی جنبش نوین سیاسی و فرهنگی بوده و امروز با امکانات گسترده‌ی بی که در اثر پیروزی انقلاب ملی و دموکراتیک ثور و بخصوص مرحله نوین آن در کشور به وجود آمده است این جنبش را وسعت، غنا و تحکیم بیشتر خواهیم بخشید و در کشور ما که راه انقلابی و نوسازی در پیش گرفته شده است، محافل ارتجاعی و باندهای ضدانقلابی که ممثل اراده و مجری دسایس امپریالیزم و هژمونیزم در زمینه ادامه جنگ اعلان نشده علیه انقلاب و مردم ما می باشند، در برابر تحولات انقلابی دست به مقاومت لجوجانه می زنند.

ضدانقلاب که خود فاقد برنامه مشخص اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی میباشند، به پیروزی از آمال امپریالیزم مبنی بر ایجاد موانع بر سر راه رشد پروسه انقلابی در کشور ما به خرابکاری و دهشت افگنی سیاه کارانه و کور می پردازد.

ضدانقلاب با وحشت و بیرحمی خاصی به خرابکاری علیه بهترین مظاهر فرهنگ ملی ما می پردازد. ولی انقلاب ما با اتکا به نیروی لایزال توده های مردم، زیبا ترین فرآورده های فرهنگی را ایجاد نموده عالیترین نوع مناسبات نوین انسانی را در جامعه برقرار میسازد. ما به شما رفقا و دوستان اطمینان میدهیم که افغانستان انقلابی بیباک و هوشیارانه در راه ساختمان جامعه نوین انسانی که در تاریخ کشور ما سابقه نداشته است، به پیش میرود. ما در این راه تجارب غنی کشورهای برادر سوسیالیستی منجمله کشور پرافتخار آلمان دموکراتیک را به کار بسته از کمکهای همه جانبه و بزرگی آنان برخوردار هستیم. در واقع در قبال کشور ما عالیترین نمونه دوستی طراز نوین برادرانه که مبتنی بر انترناسیونالیزم پرولتری میباشد از جانب کشورهای برادر سوسیالیستی تبارز نموده است.

به شما کادر های ایدیولوژیک بهتر معلوم است که امپریالیزم باچه سبعیتی و با استفاده از چه امکانات نا جایزی پا در گلوی خلقها میگذارد تا منافع مثنی از انحصارات غارتگر را حراست نموده باشد. با در نظر داشت همین واقعیت انکار ناپذیر باید بدانید که اگر کمک به موقع و انترناسیونالیستی اتحاد شوروی به مردم ما جهت طرد و دفع تجاوز تدارک دیده شده ارتجاع و امپریالیزم و هژمونیزم نمی بود، امروز افغانستان در قعر بدبختی ها و در دامن پلید امپریالیزم امریکا با هزاران رنج و محنت، با سرنوشت شومی دست و گریبان می بود. بیجا نیست که ما نسبت به همه کشورهای برادر سوسیالیستی بخصوص اتحاد شوروی بزرگی سپاس بیکرانه در قلب خود داریم.

امروز افغانستان، پیروزمندانه در راه پیشرفت، صلح و همبستگی با تمام خلقهای جهان با اردوگاه صلح و سوسیالیزم، با جنبش جهانی طبقه کارگر و جنبش های آزادیبخش ملی به پیش می رود و نقش آن به مثابه منبع امید و الهام در قلوب همه

زحمتکشان منطقه ما بیشتر از پیش تثبیت و تحکیم گردیده پرستیز بین المللی آن اعتلا می یابد.

تدویر کنفرانس سرتاسری حزب ما در این اواخر که راه های علمی ساختمان جامعه نوین راطی سالهای بعدی در کشور ما مطرح می سازد نمونه بی ازین کوشش مسؤولان حزب ما به خاطر مردم میباشد. کنفرانس سرتاسری نشان داد که حزب ما به درجه مطلوبی از رشد و پخته گی سیاسی وایدیولوژیک و وحدت صفوف خویش نایل آمده و قادر است با درایت و هوشیاری نقش رهبری کننده خود را در جامعه ایفا نماید.

اما از دیدار دوستانه خویش از کشور پرافتخار آلمان سوسیالیستی و از مهمان نوازی های مردم این کشور و سخنان گرم رفیق اریش هو نیکر وسایر رفقا خاطرات نیک و خوش فراوان را با خود می بریم دیدار از مکتب عالی حزبی که تحصیل در آن آرزوی همه کادرهای انقلابی واقعی است، خاطرات خوش مارا ازین سفر رنگینتر خواهد ساخت.

رفقا!

اجازه بدهید، برای همه شما موفقیت در کار، تحصیل وزنده گی پرافتخار انقلابی تان آرزو نمایم به پیروزی از آن ماست!

روابط دوستی و برادری میان مردم افغانستان انقلابی و مردم جمهوری دموکراتیک آلمان تحکیم مییابد

بیانیه از شبکه سراسری تلویزیون ج.د. المان

۲ جوزای ۱۳۶۱

مردم زحمتکش و نجیب کشور برادر جمهوری دموکراتیک آلمان، رفقا و دوستان!

نخست از همه اجازه دهید، دروهای پرشور و صمیمانه خلقهای زحمتکش افغانستان انقلابی، تمام اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان را به شما تقدیم دارم.

روابط دوستی و برادری خدشه ناپذیر میان مردم، کشورها و احزاب ما که با پیروزی انقلاب ثور بخصوص مرحله نوین و تکاملی آن تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان آغاز گردید، اکنون در عالیترین سطح کیفی خود بر پایه انترناسیونالیزم پرولتاری ارتقا نموده است که این امر باعث مباحثات عظیم ماست. بازدید هیات حزبی و دولتی جمهوری دموکراتیک افغانستان از کشور زیبا و پرافتخار شما، ملاقاتها و مذاکرات با رفیق محترم اریش هونیکر و سایر رهبران جمهوری دموکراتیک آلمان، گام مهم و بزرگی در رشد مناسبات دوستی و برادرانه ما بود. امضای قرارداد دوستی و همکاری و سایر اسناد، بنای مستحکم و نیرومند را برای رشد آتی مناسبات به وجود آورد.

مردم زحمتکش افغانستان انقلابی بر تاریخ غنی، جنبشهای انقلابی و بالاخره کار و مبارزه خستگی ناپذیر زحمتکشان جمهوری دموکراتیک آلمان در جهت ایجاد اقتصاد سوسیالیستی که توأم با از بین بردن دشواریهای عظیم بود، به خوبی آگاهی دارند.

در طی سی و سه سال که از ایجاد جمهوری دموکراتیک آلمان، این نخستین دولت کارگری، دهقانی در سرزمین آلمان میگذرد، نه تنها چرخش اساسی در سرنوشت تاریخی زحمتکشان جمهوری دموکراتیک آلمان پدیدار گردید، بلکه تمام فضای سیاسی رادر اروپای مرکزی در جهت صلح و امنیت در اروپا و جهان تغییر داد. در این مدت زمان از لحاظ تاریخی کوتاه، جمهوری دموکراتیک آلمان به کشور نیرومند سوسیالیستی مبدل گردیده است.

ما در ظرف شش روز اقامت در جمهوری دموکراتیک آلمان به رای العین دیدیم که مردم جمهوری دموکراتیک آلمان به چه پیروزیهای بزرگ در عرصه های صنعت، زراعت و فرهنگ نایل شده است. ما این واقعیت عینی وانکارناپذیر را در کمیتهات موثر سازی «لودویگرفیلد» در کوپراتیف زراعتی در ایالت ایرفورت و در مرکز تحقیقاتی تاریخی ادبیات کلاسیک آلمان، ضمن بازدید از خانه های دهقانی و عبور از جاده ها و در استقبال گرم مردم مهمان نواز برادر آلمان دموکراتیک از هیات حزبی و دولتی افغانستان مشاهده نمودیم. ما از یک طرف با یکی از آثار تراژیدی بزرگ خلق آلمان یعنی تسلط فاشیسم در برخن و والد آشنا شدیم و از جانب دیگر ایجاد زنده گی نوین بر خرابه های امپراطوری های گذشته را در برلین، پوتسدام و ایرفورت بچشم سردیدیم. همه اینها شاهد حوادث عظیم در تاریخ بشریت است که آینده اروپا و جهان را بعد از جنگ خانمانسوز جهانی دوم تعیین نموده. ما از سرحدات مستحکم صلح و سوسیالیسم بازدید به عمل آوردیم و یکباردیگر بیش از پیش معتقد شدیم که آلمان دموکراتیک در خط مقدم دفاع از صلح و امنیت در اروپا قرار دارد.

ما معتقدیم که همه پیروزی های بزرگ تنها در نتیجه رهبری خرد مندانه حزب سوسیالیست متحده آلمان می توانست به دست آید. ما به این دستاوردهای بزرگی کار خلاقانه شما ارج فراوان قایل هستیم. ما برآنیم که این مساعی بزرگ شما با امر تأمین صلح پیوند ناگسستنی دارد زیرا صلح و سوسیالیسم با هم پیوند سرشتی دارند و از هم تفکیک ناپذیر اند.

رفقا و دوستان محترم! اوضاع اروپا در نتیجه برنامه های حکومت ایالات متحده امریکا به تشنج گراییده است. تصمیم مبنی بر جابه جا کردن راکت های امریکایی با منزل مؤثر متوسط در قاره اروپا با پروسه صلح در اروپا و جهان به طور قطع در تضاد است و ما قاطعانه آنرا تقبیح مینماییم.

مسئله تأمین صلح و امنیت در اروپا و جهان مسئله مبرم و حیاتی است. برای تأمین این امر پیشنهادها و ابتکارات اتحادشوروی را یگانه الترناتیف می دانیم و از آن قاطعانه پشتیبانی میکنیم. نقش جمهوری دموکراتیک آلمان و دیگر کشورهای سوسیالیستی و نیروهای صلح در زمینه تأمین صلح، خلع سلاح و تعمیق دیتانت بزرگ است.

رفقا و دوستان محترم!

جمهوری دموکراتیک آلمان بر پایه سیاست انترناسیونالیستی پرولتری، از انقلاب ثور و بخصوص مرحله نوین و تکاملی آن از نظر مادی و معنوی پشتیبانی نموده و مردم زحمتکش افغانستان را در امر غلبه بر مشکلات کمک کرده است. ما به این امر ارج فراوان قایل هستیم و در وجود جمهوری دموکراتیک آلمان دوست و همرمز مطنئن خود را می بینیم.

با اطمینان میتوان گفت که این دوستی بزرگ مردمان، احزاب و کشورهای ما اکنون در عالیترین شکل برادری طراز نوین ارتقا نموده است.

رفقا و دوستان عزیز!

همانگونه که اطلاع دارید، امپریالیزم جهانی به سرکرده گی امپریالیزم ایالات متحده آمریکا با شرکای بین المللی خود هژمونیت های چین، ارتجاع عرب و منطقه، جنگ اعلان ناشده را، علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان ادامه میدهد. با استفاده از قلمرو پاکستان به مثابه تخته خیز تجاوز و مداخله نظامی و تسلیح و تمویل ضدانقلاب افغانستان، تلاش دارد از یکطرف اوضاع منطقه را در حالت تشنج حفظ کند و از جانب دیگر در برابر رشد عادی پروسه انقلابی کشور ما موانع ایجاد نماید.

در مرکز فعالیت های ضدانقلابیون برهم زدن زنده گی آرام مردم صلحدوست ما، آتش سوزی مؤسسات فرهنگی، مساجد، شفاخانه ها، قتل بیرحمانه زنان، پیر مردان و اطفال معصوم ما و غارت ثروت های علمی و فرهنگی ما و دیگر جنایات و غارتگری های ضد انسانی قرار دارد. علت این فعالیت های ضد انسانی کاملاً روشن است، زیرا پیروزی انقلاب ثور بخصوص مرحله نوین و تکاملی آن حاکمیت طبقات استنمارگر را سرنگون ساخت و منافع اربا بان امپریالیستی آنها را با خاک یکسان کرد.

انقلاب ثور که حلول مرحله نوین در تاریخ کهنسال وطن ماست، امکانات عظیم سهمگیری هموطنان زحمتکش و عذابیده مارا در امر ساختمان جامعه نوین که در متن آن خوشبختی و سعادت آنها قرار دارد فراهم نمود. از بدو پیروزی انقلاب، حزب و ملت انقلابی ما پروگرام وسیع تحولات ملی و دموکراتیک را به منصفه اجرا گذاشت که در نتیجه آن به تسلط مناسبات کهنه فیودالی و ماقبل فیودالی پایان داده شد. پروسه سهمگیری مردم در حیات اجتماعی به صورت دامنه داری گسترش یافته است. مردم ما اکنون از طریق جبهه ملی پدروطن که به مثا به تکیه گاه اجتماعی دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان عمل میکنند، در پروسه تحقق پروگرام های حزب و دولت انقلابی ماشر کت می کنند.

کنفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان که در ماه مارچ سال جاری برگزار شد، مصوبات پر ارزش آن صفحه نوین دیگری را در حیات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور ما گشوده است. ما اکنون با گام های مطمئن و سنجیده و احتراز از هرگونه شتاب در کشاندن پروسه دگرگونی انقلابی جامعه ما به سوی تحقق «برنامه عمل» که کنفرانس سرتاسری حزب ما آنرا تصویب نمود، به پیش میرویم.

پیروزی های حاصله مردم ما تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان به درستی نشان میدهد که انقلاب ما میتواند از خود قاطعانه دفاع کند. این پروسه هر روز نسبت به روز پیش ابعاد دامنه دار تر کسب میکند. اما اکنون در شرایطی که با جنگی اعلان ناشده امپریالیزم و ارتجاع مواجه هستیم، با کار خستگی ناپذیر در جهت ساختمان جامعه نوین که مسئله ارتقای سطح حیات مادی و فرهنگی زحمتکشان وطن ما در مرکز آن قرار دارد، قهرمانان نه پیکار مینماییم.

در این مبارزه که از پشتیبانی عظیم توده های زحمتکش کشور ما برخورداریم، همبستگی پیکارجویانه بین المللی کشور شما جمهوری دموکراتیک آلمان و دیگر کشورهای سوسیالیستی و در قدم اول اتحاد شوروی، جنبش بین المللی طبقه کارگر، جنبش های آزادیبخش ملی در سه قاره آسیا، افریقا و امریکای لاتین را با خود داریم که نقش بزرگی را در تضمین و صیانت دستاوردهای انقلاب ثور ایفا میکند.

در خاتمه با استفاده از این فرصت بزرگ دروهای بی پایان و سلام های صمیمانه مردم زحمتکش افغانستان انقلابی، شخص خود و رفقایم را به شما مردم صلحدوست جمهوری دموکراتیک آلمان تقدیم نموده پیروزی های بزرگ شما را در امر تکامل جامعه رشد یافته سوسیالیستی، آرزو مینمایم.

مستحکم باد پیوندهای عمیق دوستی میان مردم صلحدوست افغانستان انقلابی و آلمان دموکراتیک!

گزارش در پلینوم نهم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

در باره وظایف حزب در رابطه با تقویت کارسیاسی در میان توده ها

۵ اسد ۱۳۶۱

رفقا!

کنفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان که در ماه حوت سال گذشته دایر گردید، حادثه بس مهم و برجسته در تاریخ حزب، جامعه و دولت ما بود.

در تصامیم کنفرانس، در برنامه عمل حزب دموکراتیک خلق افغانستان و سایر اسناد مصوبه، تحلیل همه جانبه و عمیق از مرحله کنونی انقلاب ملی و دموکراتیک به عمل آمده، تدابیر لازم جهت سرکوبی ضدانقلاب تعیین گردیده و وظایف عمده رشد اقتصادی و اجتماعی افغانستان، ارتقای سطح زنده گی مادی و فرهنگی مردم، تحکیم بیشتر وحدت حزب و افزایش نقش رهبری کننده آن در جامعه و دولت طرح و تدوین شده است. کنفرانس سرتاسری حزب، تجربه فعالیت ایدیولوژیک سیاسی حزب دموکراتیک خلق افغانستان را در مرحله نوین انقلاب تعمیم بخشیده، هم جهات مثبت و نیرومند آن و هم نقایص آن را خاطر نشان ساخت.

در طی مدتی که از کنفرانس سپری شده در سازمانهای حزبی جلسات و گردهمایی های متعدد اعضا و فعالین حزبی تشکیل گردیده که در آنها فیصله های کنفرانس مورد غور و ارزیابی قرار گرفته است. اعضای حزب نتایج کار کنفرانس را عالی ارزیابی می کنند و پیشنهادها و نظریات خود را جهت تحقق بخشیدن سریع فیصله های آن و بهبود کارسیاسی در میان توده های مردم به مثابه یکی از شرایط عمده پیشروی مؤفانده ما مطرح می سازند،

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان با قایل بودن اهمیت در چه يك به این امر، تصمیم گرفت تا در این پلینوم مسئله «وظایف حزب در رابطه با تقویت

کارسیاسی در میان توده ها» را جهت بررسی، طرح نماید. ضمن باید خاطر نشان ساخت که اتخاذ این تصمیم بر مبنای یک سلسله احکام اصولی تئوری پیشرو انقلابی که رهنمای عمل ماست، تجربه روند انقلابی جهان و واقعیت انقلابی موجود افغانستان استوار است.

بدهی است که وظیفه جلب توده های مردم، پیشبرد کار فعال ودایمی در میان آنها از خصلت حزب واقعاً انقلابی ناشی می گردد. زیرا چنین حزبی اراده وخواست توده ها و منافع اساسی آنانرا به شکل تمرکز یافته منعکس می سازد. بنابر همین خصوصیات نیز است که چنین حزبی می تواند پیشاهنگ و رهبرسیاسی مردم باشد. احزاب طراز نوین بنابر اعتماد، خوشبینی وپشتیبانی فعال توده ها، نیرومند و پرتوان اند و همین امر نیز ضامن همه پیروزی ها و موفقیت های آنها به شمار میرود.

آیا تجربه حزب بزرگ کمونیست اتحاد شوروی که بر توده های وسیع مردم اتکا داشت و در پیچیده ترین و بحرانی ترین لحظات تاریخ خویش به برکت پشتیبانی و فداکاری همین توده های مردم پیروزی را کسب نمود، مؤید این حرف نیست؟ و آیا مثال حزب کمونیست ویتنام حاکی از حقانیت این نتیجه گیری نیست؟

تنها پشتیبانی توده ها به این حزب، کمک نمود تا نیروهای به مراتب بزرگتر، نخست فرانسویها و بعد امریکایی ها را باشکست کامل مواجه سازد و تا اکنون با موفقیت در برابر سیاست تجاوزگرانه هژمونیت های پیکنگ مقاومت نماید. تاریخ و زمان معاصر مثال های زیادی از اینگونه را نشان میدهد.

اما جانب دیگر پروبلم «حزب و توده ها» نیز وجود دارد که باید آن را برای همیشه در نظر داشته باشیم، حرف برسر اینست که اعتماد، خوشبینی وپشتیبانی توده ها از حزب انقلابی حاکم به یکباره گی و برای همیشه به دست نیاید. حزب موظف است تا هرروز سزاوار بودن و شایسته گی خودرا برای این اعتماد مردم ثابت سازد. اگر حزب خود برای توسعه و تقویت پایه اجتماعی خویش و بهبود هرچه بیشتر کار سازمانی و سیاسی در میان توده ها سعی نکند، از پشتیبانی آنان محروم خواهدشد. در آن صورت حزب نمی تواند پیروز گردد، رسالت تاریخی خودرا انجام دهد و آرزوها و خواست های مردم را بر آورده سازد.

رفقا!

نباید فراموش کرد که در تاریخ جنبشهای انقلابی جهان از اینگونه مثال ها فراوان وجود دارد. ما باید از آنها نتیجه گیری نماییم و همیشه به یاد داشته باشیم که قابلیت و قادر بودن حزب برای کار در میان توده ها یکی از مهمترین معیارهای جدی بودن و احساس مسؤولیت حزب و مهمترین شرط پیروزی نهایی آنهاست.

رفقا!

به من اجازه دهید، تا با قوت تمام خاطر نشان سازم که این امر برای ما اعضای حزب و انقلابیون افغانستان اهمیت استثنایی و فوق العاده دارد. به ارتباط آنکه چگونه انقلاب ثور پیروز گردید یکبار دیگر حقانیت این حرف های رهبر زحمتکش جهان به اثبات میرسد که میگفت:

«در شرایط معین و در صورت اوضاع و احوال مساعد (چنانکه هفتم ثور در کشور بود) حزب کاملاً کوچک کافی است تا توده های مردم را به دنبال خویش بکشاند. در لحظات معین احتیاجی به سازمانهای بزرگ نیست. اما برای پیروزی هوا داری توده ها را باید باخود داشت.» با غور و تفکر عمیق بر این حرف ها ما حوادث گذشته نزدیک خود را بهتر درک می نمایم.

به یاد بیاورید که در نخستین روزهای انقلاب، کابل و سراسر کشور چگونه سرشار از شور و هیجان مردم بود. به یاد بیاورید که چه فضای فراموش ناشدنی و پر از سرور و امیدواری در کوچه ها، خیابان ها، میدان ها و در خانواده های انسان ساده هموطن ما حکمفر ما بود.

چنین اوضاع از آن سبب به وجود آمد که مردم ما از دیر زمانی منتظر و خواهان تغییرات بودند و احساس می نمودند که مبارزات حزب ما به خاطر این تحولات بوده است.

چنین برخورد مردم باعث پیروزی انقلاب ثور گردید. اما برای اداره کشور و تحقق تحولاتی که مردم از دیر زمان بر حق انتظار آنرا دارند پشتیبانی دایمی، زنده و فعال توده های وسیع براساس درک اهداف و سیاست ما ضرور است.

ولی این امر، کار پیگیر، مصرانه و دقیق در میان توده ها را میطلبد. حزب باید به زحمتکشان باز هم نزدیکتر گردد. باید فعالیت حزب عمقیا به توده ها تفهیم گردد.

تنها در این صورت حزب دموکراتیک خلق افغانستان می تواند امر پیشرفت بعدی مردم ما را رهبری کند. باز هم به حرف های رهبر زحمتکش جهان مراجعه می نمایم که خاطر نشان می ساخت:

«حزب انقلابی باید تمام فعالیت خود را در میان توده ها پیش ببرد. از میان توده ها بلا استثنا بهترین نیروها را جلب نماید و در هر گام با دقت و به طور عینی امتحان نماید که آیا رابطه با توده ها حفظ شده و این رابطه زنده است یا خیر؟»

ما نمیتوانیم هیچ یک از مسایلی را که در برابر ما قرار دارد، چه این مسایل بین المللی و نظامی و چه مسایل اقتصادی و اجتماعی و یا فرهنگی باشد، بدون پشتیبانی

توده ها حل نماییم.

عواملی که تقویت کارسیاسی را در میان توده هاضرور می سازد عبارت انداز:

۱ - انقلاب ما در شرایط عقب مانده گی شدید رخ داده است و لازم می افتند تا در جریان تحولات انقلابی اضافه بر پروبلم های عام اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و معضلات مذهبی، قومی، قبیله وی و غیره نیز حل گردند.

تعدد بیش از حد پروبلم ها ضرورت اشتراك وسیعتر توده های مردم را در حل آنها به وجود می آورد. بر علاوه توده ها باید از لحاظ سیاسی آگاه و از لحاظ سازمانی تربیت یافته باشند.

۲ - جامعه ما از لحاظ اجتماعی غیرمتجانس بوده و در آن مبارزه بسیار حاد طبقاتی در جریان است. این وضع جلب همه زحمتکشان وتوده های وسیع مردم را به طرف حزب و انقلاب می طلبد.

۳ - انقلاب در شرایط پیچیده بین المللی و داخلی تکامل می یابد. ضدانقلاب، ارتجاع منطقه و امپریالیزم اوضاع متشنج سیاسی ونظامی را در افغانستان و در پیرامون آن ایجاد نموده اند که این وضع خواهان تحکیم باز هم بیشتر وحدت ملی ووطنپرستانه واتحاد تمام مردم به دور حزب است.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان در فعالیت پراتیک خود همه این اوضاع و احوال را در نظر داشته ومشی آگاهانه تقویت وحدت وهماهنگی فعالیت های نظامی، اقتصادی، سیاسی و تربیتی و ارتقای مؤثریت تمام جهات مبارزه و کار را پیش می برد.

در نظر گرفتن و تعمیم همه جانبه تجارب نوین اجتماعی وتحلیل همیشه گی نیازمندی های مبرم مادی ومعنوی تکامل جامعه، اساس ومبنای کار ایدیولوژیک، تیوریک و کار عملی حزب را تشکیل میدهد.

در این امر، تمایل ومساعی حزب برای به کار بستن خلاق تیوری انقلابی در شرایط مشخص کشور و انقلاب ما منعکس می گردد.

اکنون برخی از جنبه های اوضاع موجود وبیش از همه وضع نظامی وسیاسی را مورد بررسی قرار میدهیم.

به برکت تدابیری که اتخاذ شده، باندهای بزرگ سرکوب وبسیاری از مناطق کشور از وجود شان پاک گردیده است. در اردوگاه خود دشمنان نیز شکست به مشاهده می رسد. تعداد زیادی از سرکرده گان باندها برای مذاکره به نماینده گان دولت انقلابی مراجعه نموده و از مخاصمت مسلحانه علیه دولت دست می کشند. صدها نفر از

اشرار بادرك اين واقعيت كه آنها فریب خورده اند می خواهند به آغوش خانواده ها و به کار صلح آمیز باز گردند.

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و شورای انقلابی از تصمیم چنین افراد استقبال مینمایند. از همین جهت نیز فرمان عفو چنین افراد نافذ گردید. اما فاکت ها نشان میدهد که در موارد زیادی محتوای این فرمان به گوش افراد مربوط نرسیده است. آیا ماهمه کار های لازم را انجام داده ایم تا حقیقت این فرمان و موقف حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان در این مسئله مهم برای افراد فریب خورده و گمراه که در باندها تعداد شان کم نیست واضح و روشن گردد؟ و آیا کار لازم توضیحی در قرار دیگر نقاط مسکونی، جایی که وابسته گان و خویشاوندان این عناصر وجود دارند و میتوانند در باره شرایط دولت انقلابی با آنان صحبت نمایند صورت گرفته است یا نه؟ از همه این امکانات در محلات باید استفاده وسیعتر نمود و کار توضیحی راقوی تروفعالتر به پیش برد.

توده ها هر قدر نتایج و ثمرات واقعی این سیاست و مواظبت و توجه حزب و دولت را نسبت به خود سریعتر و زودتر احساس نمایند به همان اندازه سیاست ما را خوبتر و بهتر درک نموده، خواهند پذیرفت.

باید ضربات خود را بر دشمنان تشدید بخشید. موفقیت های حاصله را تحکیم و توسعه داد و آن را قطعی و برگشت ناپذیر ساخت. همه اینها با تحکیم بیشتر نیروهای مسلح ما، تأمین واکمال آن از لحاظ تعداد افراد شایسته، ارتقای مورال جنگی و آگاهی سیاسی سربازان، خردضابطان و افسران ارتباط مستقیم و ناگسستگی دارد.

اکنون به بررسی وضع اقتصادی می پردازیم. علی الرغم دشواری های ناشی از فعالیت ضد انقلاب، در رشد اقتصادی کشور نتایج معین مثبت وجود دارد. مثلاً در سال ۱۳۶۰ در آمد تولید شده ملی به اندازه سه اعشاریه چار فیصد نسبت به سال ۱۳۵۹ افزایش یافته و رقم نود و چهار اعشاریه سه میلیارد افغانی را تشکیل میداد. مؤسسات و پروژه های جدید در ساحة صنایع گاز و مواد غذایی و مخابرات، انرژی و صحت عامه به فعالیت آغاز نموده و مؤسسات بزرگی چون فابریکه کود کیمیایی مزار شریف، خانه سازی کابل، کارخانه جات جنگلک، فابریکه های نان پزی و غیره بهتر و با ثبات بیشتر کار می کنند. تولید انرژی برق، زغال، سمنت، مواد ساختمانی و انواع دیگر محصولات افزایش یافته است.

تحلیل اجرای پلان سال ۱۳۶۰ نشان میدهد که جریان کاهش حجم تولید محصول ناخالص ملی که در سال های گذشته به مشاهده می رسید قطع گردیده است.

باید متذکر شد که تجدید ساختمان ارگان های اداره دولتی تحقق می پذیرد. سطح رهبری رشته های اقتصادی ارتقا مییابد.

پلان گذاری بهبود حاصل می کند. کنترل بر فعالیت وزرات ها و ادارات در امر اجرای پلان رشد اقتصادی کشور و تصامیم حزب و حکومت تقویت یافته است. سیاست عمومی اقتصادی حزب در برنامه عمل، توضیح شده است. ما پلان های سالانه سنجیده شده و واقعیهانه بی برای رشد اقتصاد کشور به طور کل داریم و اکنون پلان های کمپلکس برای هر ولایت که تدابیر معینی را در عرص اقتصادی نیز در برمی گیرد وجود دارد. به این ترتیب برای همه باید واضح باشد که چه کار هایی را انجام دهند. اکنون وظیفه اینست که تمام میکانیزم اداره دولتی وزرات ها، ادارات، کمیته ها و سازمانهای حزبی و بالاخره سراسر حزب به طور پیگیر، مصمم و استوار در راه تحقق عملی اهداف مطروحه و حصول نتایج لازم سعی و تلاش نمایند. ما همه باید کار را بیاموزیم، در وجود خود تحمل ناپذیری و آشتی ناپذیری نسبت به مظاهر بیروکرانیزم و پراکنده گی، بی انضباطی، اسراف، بی تفاوتی و بیکاره گی را که متأسفانه هنوز هم دیده می شود، پرورش دهیم. گرچه همه این معایب مولود نظام های گذشته استعماری می باشد، اما بقایای آن هنوز هم در ذهن بخشی از کارمندان قویا زنده است.

سرشت انقلاب، حزب و دولت ما با این امراض سازگار نیست. آن مسؤولیت تاریخی که حزب به عهده گرفته است، برخورد نوین و آهنگی دیگر حرکت را می طلبد. تحقق رسالت کبیر ما باید در زمان هرچه کوتاه تر صورت گیرد.

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، شورای انقلابی و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان کارمندان سهل انگار را شدیداً مورد بازپرس قرار خواهند داد. ما حتماً باید به این امر نایل آییم و بدون شک نایل خواهیم آمد که احساس عالی مسؤولیت، دسپلین محکم و سطح بلند مطالبات نسبت به انجام وظایف به صورت پایدار و مستحکم در زنده گی حزب و دولت استقرار یابد. تنها در این صورت مثنی ما مؤثر و کار ما مشخص خواهد بود و تنها به این ترتیب ما تأثیر و نفوذ واقعی را بر توده ها خواهیم داشت.

البته تا هنگام سرکوبی کامل و قطعی ضدانقلاب مشکلات زیادی وجود خواهد داشت. بنابراین مردم باید بدانند که: اگر وضع مادی آنان بهبود نیافته است و برعکس، در بعض موارد زنده گی شان پیچیده شده ناشی از اعمال جنایتکاران و ضدانقلابی و مزدوران ارتجاع و امپریالیزم است که فابریکه ها، کارخانه ها و معادن را صدمه می زنند، راه ها را تخریب می کنند و شفاخانه ها، مساجد و مکاتب را به آتش می کشند.

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان هر اقدام ممکن را جهت رشد و تحکیم اقتصاد، انجام خواهند داد تا کار

صنایع زراعت و تمام رشته های تولید اجتماعی و خدمات اجتماعی با ثبات بوده مردم کشور بهتر زنده گی نمایند.

رفقا!

قبل از همه وضع حزب، وضع داخلی سازمان آن و درجه رشد وحدت صفوف آن تأثیر قاطع را بالای کار سیاسی در میان توده ها دارد.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان با وجود شرایط دشوار مبارزه، رشد و تحکیم می یابد. اکنون تعداد اعضای اصلی و آزمایشی حزب بیش از هفتاد هزار نفر می باشد. ترکیب کیفی حزب بهبود یافته و سهم کارگران و دهقانان در بین اعضای حزب از بیست و سه به بیست و هشت فیصد رسیده است.

بعد از کنفرانس سرتاسری حزب این شاخص در میان اعضای آزمایشی جدید الشمول به چهل و هشت فیصد بالا رفته و حتی در بعض ولایات به شصت الی هشتاد فیصد می رسد. روند بهبود کیفی حزب دموکراتیک خلق افغانستان فوق العاده پراهمیت است.

این پروسه را باید رشد داد و تشویق نمود. کمیته های حزبی موظف اند به این جهت کار توجه دایمی و فزاینده داشته باشند.

مسئله تنها بر سر آن نیست که افراد جدیدی به حزب جذب می گردند، بلکه اهمیت آن قبل از همه در اینست که آنان مستقیماً نماینده گان و وسیعترین قشرهای توده های زحمتکش می باشند.

جلب تعداد قابل ملاحظه کارگران و دهقانان تا حدودی پدید جدیدی در تاریخ حزب ماست و البته تعدادی از کارمندان حزبی طوری که لازم است همه جهات آن را به خوبی و روشنی درک نمی کنند، در واقعیت امر جذب کارگر، دهقان و سرباز به حزب فقط آغاز کار است. جلب آنان به اشتراك فعال در زنده گی سازمانهای حزبی و دولتی، به کار وسیع سیاسی در میان توده ها که خود بخشی از آن می باشند، ضرورت کاملاً جدی و روشن است. در حالیکه آنان روحیه طرز تفکر، آرزو ها و امیدهای مردم را بهتر و خوب تر میدانند و احساس می کنند و برایشان حرف زدن با مردم سهلتر است. اعضای کارگر و دهقان حزب امکانات بزرگی برای تأثیر بالای توده ها دارند، زیرا مردم به حرف آنان بهتر گوش فرا میدهند، در حزب به صورت قطع باید برخورد توأم با نا باوری و عدم اطمینان نسبت به این بخش از اعضای حزب از بین برده شود.

اکنون در باره یک روند مهم دیگر صحبت می کنیم و ساختار سازمانی حزب به طور متداوم بهبود و توسعه می یابد. کمیته ها و سازمانهای جدید منجمله سازمانهای

اولیه بی که در اعماق مردم فعالیت می کنند ایجاد گردد. نسبت به سال ۱۳۶۰ صدها سازمان جدید ایجاد گردیده و این افزایش هنوز هم ادامه دارد. کمیته های حزبی باید به افزایش تعداد سازمانهای حزبی مخصوصاً در ولسوالی ها، علاقه داری ها، قرا در مؤسسات تعلیمی و بهبود رهبری فعالیت و تحکیم این سازمان ها توجه دایمی داشته باشند. به هر اندازه بی که تعداد آن ها بیشتر باشد و از استحکام بهتر برخوردار گردند، به همان اندازه حزب دموکراتیک خلق افغانستان برای کار در میان توده ها امکانات بیشتری خواهد داشت. به يك جمله رفاقا هر روز باید راه ها و طرق جدید بسط و توسعه نفوذ سیاسی حزب رادر جامعه جستجو نمود و دریافت.

يك پروبلم دیگر زنده گی درون حزبی نیز وجود دارد که باید روی آن صحبت شود و آن عبارت است از پرابلم وحدت. در این مورد بارها و منجمله در پلینوم های کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و در کنفرانس سرتاسری حزب صحبت صورت گرفته است.

در این زمینه تغییرات مثبت به وجود آمده است، ولی کافی نمی باشد. ما هنوز به این امر توفیق نیافته ایم که در تمام حلقه های حزب فضای اعتماد کامل، تفاهم متقابل و صمیمیت کامل و کار مشترک دوستانه به وجود آمده باشد. ما میدانیم که عواقب و بقایای ناگوار عدم توافق چندین ساله، رنجشهای متقابل و بی حوصله گی را نمیتوان فوراً از بین برد. اما نباید گذاشت که این احساس بر معقولیت مسلط گردد. آن چه که دیروز ما را از هم جدا می نمود، امروز دیگر وجود ندارد و گذشته هیچگاه باز نمیگردد. برای انقلابی اصیل و حزبی واقعی منافع حزب و امر حزب باید بالاتر از همه چیز باشد و این به آن معنی است که امروز ما اعضای حزب باید متحد تر و یکپارچه تر از همیشه باشیم. برای اعمال کسانی که به وحدت لطمه وارد می کنند هیچگونه توجیه وجود داشته نمی تواند. اما هنوز هم چنین افرادی وجود دارند که تلاش می ورزند هرگونه واقعیت و حتی فاکت های مثبت را به صورت مسخ شده توضیح و تفسیر نمایند تا باعث تشویق احساسات و هیجانات غیرضروری گردیده توجه اعضای حزب را از مسایل عمده برگردانند. بگذار همه بدانند که ما با اصولیت، پیگیری و قاطعیت فیصله کنفرانس سرتاسری حزب را در این مورد عملی خواهیم ساخت. یعنی آنانی را که اشتباه می نمایند، تربیت خواهیم کرد و آنانی را که نمیخواهند از تلقینات و طرز تفکر گذشته امتناع ورزند، مجازات خواهیم نمود.

رفقا!

اکنون بعض جهات مشخص کار در میان توده ها را مورد بررسی قرار می دهیم. در حال حاضر بعد از انقلاب ثور رابطه متقابل حزب دموکراتیک خلق افغانستان با توده های مردم مختصات نوین را کسب نموده و باید رهبری توده ها را طور دیگری سازمان داد امروز سعی باید نمود تا امر حزب واقعاً به امر تمام مردم مبدل گردد

وتوده های مردم به طور آگاهانه و در همه جا به کار اعمار افغانستان نوین و شگوفان و دفاع از آن جلب کردند. چنانکه رهبر زحمتکش جهان خاطر نشان می ساخت:

«توجه دایمی به ارتقای متداوم سطح آگاهی و فعالیت توده ها پایه و محتوای عمده کار حزبی» می باشد.

کارسیاسی حزب در میان توده ها باید بیش از همه متوجه توضیح ماهیت و مفهوم

سیاست حزب دموکراتیک خلق افغانستان، تبلیغ و ترویج دستاوردهای ما، ضرورت تقویت مبارزه با ضد انقلاب، رفع پراکنده گی و استقرار مناسبات دوستی و همکاری میان ملیت ها، اقوام و قبایل باشد. اما دشواری های موجود را از توده ها پنهان نمیکنیم و نخواهیم کرد. حقیقت، نیرومند ترین سلاح در امر جلب توده های مردم است و همیشه چنین خواهد بود، حقیقت همیشه راه خود را در قالب انسان ها باز می نماید و آنان را در راه انجام اعمال درست و نیک رهنمایی میکند.

ما باید هنگام پیشبرد کارسیاسی در میان توده ها دقیقاً بدانیم که با چه کسانی مواجه هستیم؟ خصلت، پسیکولوژی طبقاتی و روحیه آنان چگونه است؟ موفقیت کار تا حد زیادی مربوط به آن نیز است که کدام یک اشکال، میتودها و وسایل برای پیشبرد کارسیاسی در میان توده ها انتخاب شده است. باید آموخت که چگونه قابل قبول ترین میتود ها و اشکال کار برای گروپ های اجتماعی مختلف اعم از دهقانان، کارگران و پیشه وران روشنفکران و غیره جستجو گردد. این وضع باید بالای نتایج کار تربیت سیاسی و اخلاقی تأثیر به سزایی نماید.

یکی از مهمترین اهداف کارسیاسی در میان دهقانان باید کمک به آنان جهت درک منافع اساسی شان در انقلاب روشن شدن مفهوم اصلاحات ارضی و آب برایشان و جلب دهقانان به اشتراك فعال در این اصلاحات باشد. ضرورت است که خود توده ها در حل این پرابلم ها سهم فعال گیرند. اینکار فعالیت بزرگ سازمانی و سیاسی کمیته های ولایتی حزبی و ارگانهای محلی قدرت و اداره دولتی را می طلبد. متأسفانه بعضی از مسؤولین کمیته های حزبی ولایتی و والیان هنوز چگونگی استفاده از زمین و زمینداری را عمیقاً تحلیل ننموده کار سازمانهای حزبی و دولتی ولسوالی ها و علاقه داری ها را در این زمینه کنترل درست نمیکنند. قرار معلوم بعضی از رفقای ما هنوز اهمیت بزرگی سیاسی و اجتماعی و نقش طبقاتی اصلاحات ارضی و آب را در امر جلب دهقانان به سوی انقلاب و پشتیبانی از سیاست حزب و دولت مردمی به قدر کافی درک نکرده اند.

در این موضوع از آن جهت نیز ضروری است که در نتیجه فعالیت های ضدانقلاب اصلاحات ارضی در بعض مناطق کشور بطی ویا کاملاً متوقف گردیده است. در بعضی از ولایات تعداد زیادی از خانواده های دهقانان تحت تأثیر ترور، تهدید

ودروغبافی های ضدانقلاب وزمینداران بزرگ از قطعات زمینی که بعد از انقلاب دریافت نموده بودند، محروم شده اند. نتیجه گیری فقط یکی است. باید به صورت پیگیر و دایمی مناطق اجرای اصلاحات ارضی و آب را توسعه داد و اینکار راطوری سازمان داد تا دهقانان بدانند و بفهمند که حزب و دولت در کنار آنان است و دولت انقلابی دولت خودشان میباشد.

رفقا!

نیروی پیگیر انقلابی جامعه ما عبارت است از طبقه کارگر پرافتخار کشور که تعداد آن رو به افزایش می باشد. اکنون در افغانستان در سه صد مؤسسه کارگری به تعداد یکصد و پنجاه هزار کارگر وجود دارد. نقش کارگران در تولید اجتماعی و همه عرصه های حیات اجتماعی کشور را به افزایش است. سرعت تحولات انقلابی کشور تا حد زیادی مربوط به درجه فعالیت و پخته گی سیاسی طبقه کارگر است. این روند خواهان تقویت کارسیاسی حزب در میان کارگران میباشد. سطح آگاهی سیاسی و فعالیت کارگران باید مطابق به نقش عینی باشد که آنان بنابر سازمان پذیری، روحیه کار دسته جمعی و سنن مبارزه ضد استثمار دارند. باید به کارگران کمک شود تا امکانات اشتراک خود را در رشد تحولات انقلابی و دفاع از آن بهتر و کاملتر درک کنند.

ما باید به هریک از کارگران تفهیم نماییم که امروز کار وی برای همه کشور اهمیت حیاتی دارد و جبهه اقتصاد اهمیت کمتری از جبهه جنگ ندارد. اکنون باید نسبت به وجایب و تعهدات تولیدی خود و ملکیت اجتماعی برخوردار غیر از دیروز داشت و ثروت عامه را حفظ و نگهداری نمود. همه این وظایف از مسؤولین مؤسسات تولیدی و سازمانهای حزبی، اجتماعی و حرفه وی می طلبد تا کارسیاسی در میان گروه های کارگری را دایماً تقویت بخشند.

پیشه و ران از لحاظ خصلت کار و موقف خود در جامعه به طبقه کارگر قرابت دارند. در شرایط کشور ما پیشه و ران نقش قابل ملاحظه بی را در اقتصاد ایفا مینمایند که آنرا نباید فراموش کرد. بنابراین باید با آنان نیز مانند کارگران کارسیاسی را پیشبرد. اما در بین صورت ضرورت است تا از اشکال متداول و سنتی سازماندهی فعالیت پیشه و ران استفاده بیشتر کرد.

ما باید در این باره فکر کنیم که چگونه این اشکال را بسط و تحکیم بخشیم و از آنها در کارسیاسی با پیشه و ران استفاده نماییم. در کارسیاسی ماجای مهمی را کار با تاجران کوچک و سرمایه داران ملی دارد، ما متکی بر آن مبنای اصولی هستیم که در اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان و در ترهای پلینوم کمیته مرکزی

به مناسبت دومین سالگرد انقلاب نور انعکاس یافته است. در برنامه عمل حزب دموکراتیک خلق افغانستان این موقف تأیید و تکمیل گردیده است. به این ترتیب ما در رابطه خود با سکتور خصوصی ملی در تجارت و صنایع از سیاست پیگیر و طولی مدت که هم منافع دولت و جامعه و هم منافع این سکتور را مد نظر میگیرد، پیروی میکنیم.

کار کمیته های حزبی، ارگانهای دولتی و رسانه های گروهی دایم باید متوجه توضیح این سیاست و همکاری شرافتمندانه باشد. نتیجه سیاسی که به دست می آید باید افزایش نقش و فعالیت سکتور خصوصی ملی (تاجران، سرمایه داران و صاحبان وسایل ترانسپورتی) در امر عمومی تحکیم وحدت ملی و وطنپرستانه باشد. البته این وضع پاسخگوی منافع اساسی همه جامعه است.

رفقا!

همه ما از نقش بزرگ روشنفکران و وطنپرست در زندگی معنوی و فرهنگی جامعه و رشد جریانات مترقی و دموکراتیک در آن بسیار خوب آگاهی داریم. در افغانستان نوین و انقلابی برای روشنفکران امکانات جدید جهت به کار انداختن نیرو و استعداد خلاق شان فراهم گردیده است. دانش و کار روشنفکران از شناسایی و احترام عالی برخوردار است. اما سوال در اینجاست که سازمان ها و کمیته های حزبی ما تا چه حد کار دایمی، هدفمند و عمیق را در میان روشنفکران به پیش می برند.

باید ارگان های حزبی کار تربیت سیاسی روشنفکران را نظم و ترتیب بهتر دهند. استادان، معلمان، کارمندان، ژورنالیستان، نویسندگان، هنرمندان، متخصصان و دوکتوران و دیگران که مفهوم زنده گی و کار شانرا خدمت به ترقی جامعه می سازد، باید با وضاحت و روشنی ببینند و به خوبی بدانند و درک نمایند که فقط بر اساس سیاست حزب ما این ترقی به طور مطمئن تأمین شده واقعاً تحقق می پذیرد و افغانستان به کشور پیشرفته و شگوفان مبدل میگردد.

کمیته های حزبی باید با گروه های مختلف روشنفکران به طور دقیق، با توجه و مصممانه کار نمایند. پرویلیم های خاص شانرا بدانند و در جهت حل آن کمک کنند. توسعه اشتراک روشنفکران و وطنپرست و سالم رادر امر پیشبرد نه تنها کار تنویری و فرهنگی، بلکه فعالیت بسیار ضروری یعنی کارسیاسی و ترویجی مدنظر داشته باشند.

ضرورت است تا کارسیاسی در میان استادان بهبود یابد. به افزایش و فعالیت اجتماعی آنان مساعدت گردد و خود شان با روحیه وفاداری به آرمان های انقلاب ثور تربیت یا بند.

رفقا!

کارسیاسی در میان توده ها در عین زمان کار در میان جوانان نیز است. جوانان نه تنها پرحده ترین کتگوری اهالی ما را بلکه فردای مردم ما را میسازند. فردای جامعه ما مربوط به آنست که امروز ما چگونه جوانان را تربیت میکنیم. بنابراین کار با جوانان بخش ضروری مهم امر عمومی حزب است.

در کار با جوانان ضرورت به میتودها و اشکال خاصی است که با در نظر داشت خصوصیات آنان چون هیجانی بودن، احساساتی بودن و تحمل ناپذیری در برابر بیعدالتی و دروغ، سازش نا پذیری، سعی برای تثبیت شخصیت، خون گرم بودن در حرکات و سکنات، کمبود تجربه سیاسی و غیره باید در پیش گرفته شود. اینها فقط بعضی از عوامل نام است که خصوصیات کار با جوانان را معین می سازد.

قبل از همه کمیته های حزبی مؤظف اند فعالیت کمیته های سازمان دموکراتیک جوانان را در جهت توسعه صفوف آن از کارگران، دهقانان، سربازان و پیشه وران در جهت گسترش کارسیاسی با آنان سوق دهند.

شاگردان مکاتب، لیسه ها، محصلان تخنیکم ها و مؤسسات عالی گروه نسبتاً کثیرالعدده، جوانان ما را تشکیل میدهند. خصوصیت این بخش جوانان در آنست که با داشتن دانش معین و فعالیت اجتماعی قابل ملاحظه ولی نداشتن تجربه سیاسی لازم، زود در دام تما یلات و احساسات خام و انجام اعمال اشتباه آمیز میافتند. درین جا برخورد بخصوص و کاملاً سنجیده شده در کار است. باید دلایل و براهین در برابر آنان واضح و عمیق و پاسخ به مسایل مورد نظر شان روشن و صریح باشد و مهمتر از همه نیرو، انرژی و فعالیت آنانرا باید در جهت درست و معقول سوق داد. واقعیت انقلابی ما وسیعترین امکانات را به وجود می آورد تا جوانان خودرا اشتراک کننده گان بلاواسطه روند انقلابی احساس نمایند و همراه با تمام مردم رشد یابند و پخته گی لازم را کسب کنند.

سازمانهای حزبی و جوانان و مسؤولین مکاتب، لیسه ها، تخنیکم دعا و مؤسسات عالی تعلیمی و وزارت های مربوط مؤظف اند تا این امکانات را تحقق بخشند و محتوا و مفردات کار تعلیمی و تربیتی را با مسایل و وظایف مبرم تکامل انقلابی پیوند دهند.

کمیته مرکزی سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان باید اشتراک وسیع شاگردان و محصلان جوان را در حل و اجرای این مسایل و وظایف تأمین نماید.

رفقا! توضیح و ترویج سیاست حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دولت انقلابی در رابطه با اسلام و کار در میان روحانیون و توده های مؤمن باید به موضوع مورد توجه دایمی حزب مبدل گردد.

حزب ما وظیفه خدمت به همه مردم را دارد. فقط همین وظیفه هم به تنهایی خود از ما برخوردار احترام کارانه نسبت به عنعنات و سنن مذهبی همه خلقها و ملیت های ساکن کشور را می طلبد.

در مرحله نوین انقلاب ثور در این جهت کار عظیمی صورت گرفته است و اساس های قانونی و حقوقی دولت و اصول سیاسی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در رابطه با اسلام و روحانیون افغانستان طرح و تدوین و در عمل پیاده میگردد. به تفاهم با بخش دموکراتیک روحانیون و جلب آنان در جهت انقلاب توجه جدی صورت میگردد. دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان به حفظ مساجد، زیارتگاه ها و دیگر اماکن مقدس مسلمانان و مساعدت به روحانیون و طنپیرست را از لحاظ مادی و معنوی پشتیبانی میکند. در سال ۱۳۶۰ کمک فوق العاده به روحانیون و مؤسسات مذهبی، مبلغ بیش از بیست و شش ملیون افغانی را تشکیل میداد و در سال ۱۳۶۱ این رقم افزایش خواهد یافت. دولت انقلابی مصئونیت زمین های موقوفه را حفظ نموده به ترمیم مساجد تخریب شده به وسیله ضدانقلاب اعمار مساجد جدید توجه زیاد می نماید. به این منظور در سال ۱۳۶۰ مبلغ پنجاه و یک ملیون افغانی به مصرف رسید و در بودجه سال ۱۳۶۱ مبلغ پنجاه و سه ملیون تخصیص داده شده است.

شمار این فاکتهای انکارناپذیر را میتوان ادامه داد. اما باز هم سوال به میان می آید که آیا ما همه مساعی لازم را به خرج میدهیم که این فاکت ها به گوش همه گان برسد؟ آیا مسلمانان مؤمن کشور ما از همه اقدامات که حزب و دولت برای آنان انجام میدهد، اطلاع و آگاهی دارند؟ و آیا ما کار کافی را انجام میدهیم تا توده ها از واقعیت اعمال جنایتکارانه و خونریزی های به اصطلاح «مدافعین اسلام» باخبر گردند؟ همین عناصر اند که مساجد و زیارت ها را تخریب میکنند. همین عناصر بعد از انقلاب ثور بیش از صد نفر روحانی و ملای مورد احترام را به شهادت رسانده اند که در میان آنان میتوان از مولوی نصرالله گردیزی، شیخ علی حسین نطاق، مولوی اسدالله نصرت و دیگران نام برد. اعمال این جنایتکاران و قاتلان نابخشودنی است. بگذار خشم و نفرت مردم همیشه بر آنان فرود آید!

در رابطه با به اصطلاح «دفاع از اسلام» از جانب آنها ما باید به توده های مردم تفهیم نماییم که این شعار فقط روپوش و بهانه برای خفه ساختن انقلاب ماست. در همه این سروصداهای که تبلیغات ضدانقلاب در باره به اصطلاح تعقیب و آزار مؤمنان در افغانستان کنونی به راه انداخته است، ذره یی از حقیقت وجود ندارد و سراسر دروغ است.

توده ها باید ببینند و بدانند که شعار به اصطلاح «دفاع از اسلام» با دورویی و فریبکاری از جانب همان نیروهای امپریالیستی پخش میگردد. اگر صحبت بر سر منافع خودشان باشد فوراً دفاع از اسلام را فراموش میکنند. آیا همین ایالات متحده

امریکا نیست که تجاوز اسرائیل علیه کشورهای اسلامی را تشویق و ترغیب میکند؟ آیا همینها نبودند که علیه انقلاب اسلامی در ایران قرار گرفتند؟ و آیا عین کار را نوکران و اجیران امپریالیزم و ارتجاع در سرزمین ما انجام نمیدهند؟

حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دولت انقلابی هیچگاه با تلاشهایی سازش نخواهد کرد که از طریق استفاده از دین مقدس اسلام به غرض مجبور ساختن مردم افغانستان به ترک راهی که انتخاب نموده است به عمل میاید.

رفقا!

ما باید همراه با گسترش کارسیاسی در میان توده ها نقش و اهمیت عوامل ملی و قبیله وی را در تاریخ و ساختار اجتماعی موجود جامعه خود به طور کامل مد نظر داشته باشیم. این یک امر بسیار مهم و جدی است و نه فقط به آن سبب که در کشور ما تعداد زیاد ملیت ها، اقوام و قبایل زنده گی میکنند، بلکه مخصوص به خاطر اینکه رژیم های استثماری و استبدادی گذشته به منظور اهداف خودخواهانه خویش همیشه در بین آنها دشمنی و مخاصمت ایجاد نموده یکی را علیه دیگر برمی انگیختند. اکنون بقایا و میراث این سیاست شوم برای ما باقیمانده است. برخورد اصولی با نسبت به ایجاد مناسبات نوین عادلانه و برابر میان ملیت ها، اقوام و قبایل و طن واحد و محبوب با افغانستان در نخستین اسناد بنیادی مرحله نوین انقلاب ثور یعنی اصول اساسی جدا و تزه های قبلاً یاد آوری شده انعکاس یافته است.

بعداً ما این موقف را در خطاب به ملیت ها و اقوام جمهوری دموکراتیک افغانستان و خطاب به قبایل، در برنامه عمل حزب دموکراتیک خلق افغانستان و سایر اسناد و مواد کنفرانس سرتاسری حزب و در یک سلسله اقدامات قانونگذاری بسط و تکامل بخشیدیم.

اگر بخواهیم ماهیت برخورد خویش را نسبت به این پروبلم به صورت مختصر و فشرده بیان نماییم، می توانیم بگوییم که:

۱ - حزب و دولت انقلابی معتقد به این اصل است که همه ملیتها، اقوام و قبایل افغانستان در تمام ساحات و منجمله در امر نیل به ترقی اقتصادی، اجتماعی و معنوی و استفاده از دستاوردهای انقلاب ثور و دارای حقوق مساوی میباشند.

ماهیت شریفانه و نجیبانه انقلاب به طور یکسان مربوط به همه گان است. این اصل برابری و تساوی حقوق نه تنها رسماً به وسیله حزب و دولت انقلابی اعلام شده است، بلکه به وسیله قوانین کشور و فعالیت عملی حزب و دولت به طور مطمئن نیز تضمین گردیده است.

اما روند تکامل ملیتها، اقوام و قبایل کشور و رسیدن آنها را به ترقی همه جانبه به مثابه روند طولانی، از لحاظ تاریخی دوامدار و کاملاً داوطلبانه می‌شماریم. در این امر مهم و دقیق به شتاب وی حوصله‌گی اجازه داده نخواهد شد و تلاش به غرض تسریع بی‌موجب و تحمیل مقررات و نظم غیرواقعیانه بر انسان‌ها صورت نخواهد گرفت. ارزش‌ها، سنن، عنعنات و عادات تاریخی و معنوی با اقدامات اداری از بین برده نخواهد شد. برعکس حزب و حکومت انقلابی احترام و برخورد محتاطانه نسبت به این سنن و ارزش‌ها را تضمین می‌نماید.

روند تکامل و ترقی همه جانبه و تدریجی همه ملیتها و اقوام و قبایل کشور متوجه ایجاد و استقرار مناسبات نوین، اعتماد، همکاری، تفاهم متقابل، دوستی و برادری میان آنها و تحکیم وحدت منی و وطنپرستانه است.

چنانکه می‌بینیم برخورد ما کاملاً روشن است. اکنون می‌بینیم که در رابطه با این موضوع وظایف عمده ارگانهای حزبی و دولتی کدام اند؟

فکر می‌کنم قبل از همه باید به این هدف نایل آمد که در قریه ما و دهات و در میان قبایل ماهیت و محتوای مشخص سیاست ملی به درستی درک گردد. برای این کار موازی با استفاده وسیع از مطبوعات، رادیو تلویزیون، اوراق تبلیغاتی و سایر وسایل باید به جلب افراد و نماینده‌گان صاحب نفوذ و محترم ملیت‌ها، اقوام و قبایل در وجود سران و بزرگان قبایل، علما و روحانیون، بزرگان دهات، معلمان و سایر افراد با تجربه و موسفید اهمیت بیشتر داده شود. درینجا نیز مانند دیگر عرصه‌های کارسیاسی حقیقت، مؤثرترین و قوی‌ترین سلاح ماست. به همین سبب کار آن کمیته‌های حزبی که با افراد محترم و متنفذ رابطه‌ایم نموده‌اند برای بحث پیرامون مسایل میرم و مورد علاقه دعوت میکنند به ایشان اطلاعات و مشوره‌های لازم را میدهند و به‌تعمیل تقاضای شان مساعدت مینمایند، درست و مورد تأیید است.

بر علاوه در محلات باید سیستم مشخصی از تدابیر جهت ایجاد مناسبات نوین و محور بقایای منفی عدم اعتماد و خصومت به میان آید و کاملاً عملی گردد. باید کار پرحوصله، پیگیر و مصرانه را انجام داد تا در ترکیب سازمانهای حزبی و دولتی و ارگانهای رهبری جبهه ملی پدروطن آن ملیت‌ها، اقوام و قبایلی که اکثریت را در مناطق مربوط میسازند به ترتیب لازم نماینده‌گی داشته باشند. هنگامی که انسانها ببینند و در عمل معتقد گردند که حزب و دولت ما در عمل بیانگر منافع اساسی شان بوده و این منافع را به‌طور کامل در نظر میگیرد با نفرت و غضب ادعاهای دروغین ضدانقلاب را رد نموده نمی‌گذارند که این عناصر، مناسبات لازم و عادلانه همه وطنپرستان را از هم بپاشد.

همچنان سیاست ما در رابطه با مسایل ملی باید مشخص و دربرگیرنده همه جهات

باشد. در این امر تنها به کار تبلیغی، ترویجی و توضیحی اکتفا نباید کرد. باید اینکار را با تدابیر اقتصادی و اجتماعی مشخصی که امروز میتوان عملی نمود، پیوند داد. مثلاً به مناطقی که شدیداً نیاز دارند قطارها و کاروانهای مواد غذایی، البسه و ادویه فرستاده شود. کمکهای صحتی جهت جلوگیری از شیوع اپیدمی و مبارزه با آن صورت گیرد. و به مردم در امر اعمار مجدد راههای سرکها، شفاخانهها، مکاتب، مساجد و غیره کمک به عمل آید. هنگامی که انسانها نتایج مشخص و زنده سیاست حزب و دولت را در مناطق خویش مشاهده نمایند خود را در اجرای آن خواهند کوشید. به یک کلمه، در این امر نیز باید مانند دیگر مسایل حیاتی و اساسی عمل نمود، جستجو کرد و دریافت، مبارزه نمود و پیروز شد.

حین صحبت در باره تحکیم رابطه با مردم و تقویت کارسیاسی باید ضرورت ارتقای سطح رهبری حزبی سازمانهای اجتماعی را نیز خاطر نشان نمود. فعالیت اتحادیههای صنفی، سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان، سازمان دموکراتیک زنان افغانستان و سایر سازمانهای اجتماعی و توده‌یی باید در مرکز توجه حزب قرار داشته باشد. سازمانهای اجتماعی هم اکنون در فعالیت خویش موفقیت‌های زیادی را به دست آورده‌اند و بدون مبالغه میتوان گفت که این سازمانها به سازمانهای واقعه توده‌یی مبدل شده‌اند. حالا لازم است تا این سازمانها بر اساس تصامیم و فیصله‌های کنفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان به خاطر تربیت سیاسی فعال اعضای خود با روحیه وفاداری به آرمانهای انقلاب مؤظف گردند تا آبدیده‌گی و پخته‌گی جنگی، تولیدی و اخلاقی اعضای خود را تقویت بخشند و در بین آنان آماده‌گی برای فعالیت اجتماعی و تولیدی دفاع از انقلاب و سعی برای کسب دانش و ارزشهای فرهنگی را پرورشی دهند.

در مورد فعالیت جبهه ملی پدروطن تأکید بخصوصی باید نمود. این سیستم سازمانهای اجتماعی و توده‌یی که وظیفه دارد مساعی همه وطنپرستان را متحد و هماهنگی سازد روز تا روز قوت میگیرد. در جبهه ملی پدروطن پانزده عضو دسته جمعی و صدها هزار عضو انفرادی شامل میباشند. هم اکنون کمیته‌های جبهه ملی پدروطن در بیست و سه ولایت، پانزده ولسوالی و سه شهر وجود دارد و در کابل هفتاد و هشت شورای آن تشکیل گردیده است.

اکنون که ساختار سازمانی جبهه تقریباً شکل گرفته است، باید آنرا از محتوای عملی و مشخص برخوردار ساخت. جبهه باید با پروبلم‌های زمان و مردم، زنده‌گی و پیکار کند. توده‌های اعضای جبهه را باید برای اجرای مبرمترین و حادثترین وظایف بسیج نمود. قبل از همه این وظایف باید با استقرار صلح سراسری و همه‌گانی در کشور بر اساس سرکوبی ضدانقلاب مسلح، رابطه داشته باشد. بر علاوه انرژی و نیروی

اعضای جبهه باید در جهت عادی ساختن اوضاع در مناطق آزاد شده و کمک به دولت در تأمین مسئولیت و امنیت مطمئن مؤسسات و اهالی سوق داده شود.

بالاخره در چارچوب خود جبهه باید به تفاهم عمیقتر و عمل متقابل بهتر و هماهنگتر بین سازمانهای اجتماعی عضو نایل آمد. جبهه باید به آنچه که ضرورت است مبدل گردد. جمع میخانیکى سازمانهای عضو نه، بلکه سیستم ارگانیک واقعه واحد و یکپارچه و بیانگر ومظهر وحدت ملی و وطنپرستانه در عمل باشد. بنابراین ضرورت شدید احساس میگردد که تأثیر ونفوذ حزب همه اعضای سازمانهای اجتماعی و جبهه را دربر گیرد و آنان درست سمتهی گردند و به اشتراك فعال در تحقق تحولات انقلابی ودفاع ازین تحولات جلب شوند.

رفقا!

امروز درین پلینوم می خواهم در باره یکعده مسایل دیگری مربوط به کارسیاسی در میان توده ها نیز صحبت نمایم. از آنجمله در باره آژیتاسیون (تبلیغ) سیاسی یعنی صحبت ها و گفتگوهای شفاهی ونظایر آن در بعضی از ولایات چنین معمول شده است که در یکی از روزهای معین ویر طبق پلان قبلاً تهیه شده کارمندان حزبی و دولتی و نماینده گان نیروهای مسلح در برابر زحمتکشان و اهالی صحبت و سخنرانی مینمایند این تجربه مفید است و آنرا باید در همه جا توسعه بخشید.

کار گروه های سیار تبلیغی و ترویجی نیز مثبت است. تجربه کار این گروه ها در بلخ، پروان و یکعده دیگر ولایات نشان دهنده مفید وموثر بودن کار آنهاست. این گروه ها به ارگان های محلی حزبی ودولتی کمک بزرگی مینمایند. آنها لکچرها، صحبت ها و گفتگوهای نمایشگاه ها، کنسرت ها ونمایش فلم ها را سازمان میدهند. ورقه های تبلیغاتی وسایر مواد مطبوع را پخش مینمایند وهمچنان کمک های طبی و مادی را به مردم می رسانند. ما باید فعالیت و تعداد این گروه ها را هرچه بیشتر توسعه و افزایش بخشیم.

میخواهم خاطر نشان سازم که میتود آزمایش شده ونیرومند تأثیر بالای توده ها عبارتست از صحبت و ملاقات شخصی وگفتگوی مستقیم و رویاروی عضو حزب با آنان. بنابراین امروز در پلینوم مسئله ضرورت پیش برد کار تربیتی در میان توده ها را به وسیله هر عضو حزب بدون در نظر داشت موقف، مقام، نوع فعالیت، شغل وغیره مطرح میسازیم. هر سازمان حزبی مکلف است تا شکل ونحوه این کار را برای اعضای خویش معین ساخته به آنان برای پیشبرد کار تبلیغی، ترویجی، توضیحی و دادن لکچر ها وغیره وظایف مشخص بسپارد. حتی اگر اعضای حزب وظایف ومسئولیت های دیگر حزبی دارند، باز هم مکلف اند در تماس دایمی باتوده ها بوده، با آنان ملاقات نمایند. در برابر شان صحبت کنند واعتماد و حرف حزبی را به آنان برسانند.

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ضمن دعوت به این امر توجه کمیته های حزبی را به تأمین کیفیت عالی کار معطوف می نماید. زیرا متأسفانه بعضی فقط به تعداد میتنگی ها، صحبت های ملاقات ها و سایر فعالیت ها توجه بی مورد و اضافی، میگردد. در سخنرانی های بعضی از مبلغین و صحبت کننده گان، فاکتها و مواد ثابت کننده، کمتر و جنبه عام بیشتر به نظر میرسد که این سخنرانی ها اغلب شکل اعلامیه و بیانیه عام را دارد بعد از چنین سخنرانی ها غالباً سامعین سوالاتی ننموده و به موضوعات مطروحه علاقه مندی نشان نمیدهند. تأثیر چنین صحبت ها و سخنرانی ها غالباً ضعیف و زودگذر است.

کمیته های حزبی مؤظف اند، جهت ارتقای سطح تبلیغ سیاسی، تعمیق محتوای آن و بهبود بیشتر اشکال و میتودهای پیشبرد آن تدابیر مؤثر را اتخاذ نمایند. باید به مبلغین و مروجین کمک همه جانبه صورت گیرد و مواد و اطلاعات لازم جهت آماده گی برای سخنرانی و صحبت و مشوره های میتودیک لازم در اختیارشان گذاشته شود. مفید خواهد بود اگر برای کار سیاسی با توده ها، محلات معین و مجهز وجود داشته باشد و برای اینکار از مکاتب، مهمانخانه ها، چاپخانه ها و غیره مؤسسات اجتماعی استفاده گردد. تبلیغ سیاسی شفاهی باید با پخش دائمی ورقه های تبلیغی، پلاکاتها، سایر مواد مطبوع و مصور، ترتیب ویتربین ها، ستندها و غیره تقویت گردند.

شکل مهم دیگر کار را تنویر سیاسی و در درجه اول تنویر سیاسی اعضای اصلی و آزمایشی حزب می سازد. ارتقای متداوم سطح دانش سیاسی، فراگیری تیوری علمی - انقلابی و اسناد حزب، وظیفه هر عضو حزب میباشد که در اساسنامه حزب درج گردیده است. این وظیفه را هر عضو حزب باید بدون در نظر داشت سابقه حزبی، سطح آماده گی عمومی، مقام و مسؤولیت انجام دهد.

حزب ما همیشه حتی در دشوارترین مراحل تاریخ خویش به این امر توجه جدی داشته است. در شرایط کنونی آموزش سیاسی اعضای اصلی و آزمایشی حزب دموکراتیک خلق افغانستان اهمیت باز هم جدی تر کسب مینماید. کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان با درک اهمیت این موضوع یک سلسله مصوبات و منجمله مصوبه ماه سنبله ۱۳۶۰ را در باره آموزش سیاسی اعضای اصلی و آزمایشی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در سال تعلیمی ۱۳۶۰-۱۳۶۱ پذیرفته است. این مصوبه تأثیر بزرگ و مثبتی بالای بهبود کار تنویر سیاسی نمود.

در حال حاضر اکثریت اعضای اصلی و آزمایشی حزب در حلقه های مختلف سیاسی مسائل میرم سیاست داخلی و خارجی را مورد مطالعه قرار میدهند. اعضای جوان حزب اساسنامه و اسناد پروگرامی حزب را مطالعه میکنند. کمیته های حزبی ولایتی، لوی ولسوالی، شهری و ناحیه وی، سیمینار تیوریک در باره اساس های ساختمان حزب دایر گردیده است.

درس سیاسی در بعضی از قطعات و جزواتام های اردو و خاندوی به شکل جالب و دلچسپ پیش برده میشود. با در نظر داشت اوضاع پیچیده سیاسی - نظامی کنونی در کشور، در ضمن این در سها مسایل مربوط به خصلت نیرو های محرکه، دور نمای انقلاب ثور، نقش حزب د رهبری جامعه، سیاست اجتماعی - اقتصادی و نظامی حزب و غیره مورد مطالعه قرار میگیرد.

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان جهت بذل کمک مؤثر و مشخص به کمیته های حزبی، گروه های تبلیغی و ترویجی را سازمان داده بود که به ولایات کشور سفر مینمودند. اعضای این گروه ها جلسات مشورتی، سیمینارها و صحبت های توضیحی را با مبلغین و مروچین محل تشکیل داده و در برابر فعالین ایدیولوژیک سخنرانی نموده اند. فکر میکنم که چنین شکل مساعدت عملی به سازماندهی کار تبلیغی و ترویجی در محلات باید در آینده نیز ادامه یابد. کمیته های حزبی در روشنی مصوبات کمیته مرکزی به کار مبلغین توجه بیشتر را مبذول میدارند. در جلسات کمیته های حزبی مسایل مربوط به انتخاب مبلغین، سازماندهی آموزش و اطلاعات برای آنان مورد بررسی قرار گرفته و در بسیاری جاها سیمینارهای مبلغین دایر گردیده است.

در سال جاری تعلیمی پایه آموزش میتودیک، سیستم آموزش سیاسی تقویه یافته و تهیه پروگرامها و مفردات برای همه حلقه های آموزشی بهبود حاصل نموده است. نخستین مدد درسی برای مطالعه اساسنامه حزب و همچنان ده رساله در مورد مواد کنفرانس سرتاسری حزب تهیه گردیده است. این کار تحت رهنمایی شعبه تبلیغ، ترویج و آموزش کمیته مرکزی به وسیله جمعی از استادان انستیتوت علوم اجتماعی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان انجام یافته است.

امروز در آموزش و تعلیمات سیاسی اعضای حزب نکات جدید و مهمی بروز نموده است. در سال های اخیر هزاران نفر عضو اصلی و آزمایشی جدید از میان کارگران، دهقانان، پیشه وران، سربازان و خردصابطان اردو و خاندوی و نماینده گان روشنفکران انقلابی به صفوف حزب پذیرفته شده اند. این افراد از میان مبارزات گرم و انقلاب البته با اعتقاد عمیق به آرمانهای حزب دموکراتیک خلق افغانستان و بادرک از سیاست و اهداف آن به سوی ما آمده اند. ولی بنابر شرایط موجود همه آنها نتوانسته اند آماده گی لازم تیوریک را منجمله در بخش ساختمان حزبی کسب نمایند. عده یی از آنان نتوانسته اند تعلیمات و تحصیلات خود را به پایان رسانند و هنگام سازماندهی آموزش سیاسی این وضع را باید در نظر داشت تا تجربه زنده گی این افراد با دانش در باره حزب، درک و فهم مقررات و نورمهای زنده گی درون حزبی و محتوای اسناد اساسی حزب یعنی برنامه عمل و اساسنامه حزب دموکراتیک خلق افغانستان پیوند یابد و همراه گردد.

در باره یک چیز دیگر هم باید صحبت کرد. ضمن سازماندهی آموزش حزبی در حال حاضر باید به فردا و به دورنمای کار نیز فکر کنیم. به نظر ما زمان آن فرارسیده است تا پیشنهادهای مربوط جهت بهبود و تکمیل بیشتر تعلیمات و آموزش اساسی های تیوری پیشرو انقلابی طرح و تدوین گردد. البته این کار ساده نبوده و برای انجام آن کادرهای ورزیده، مواد درسی و مهد آن ضرور است. اما ما باید در این عرصه به فردا فکر کنیم و آماده گی لازم را اتخاذ نماییم.

کمیته های حزبی با مصروفیت در امر ارتقای سطح آگاهی و تنویر سیاسی اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان هیچگاه نباید مسائلی مربوط به ارتقای سطح تعلیمی، فرهنگی و سیاسی توده های مردم را از نظر دور نگاهدارند. یکی از وظایف درجه یک، امحای بیسوادی است. انقلاب باید به مردم روشنی و نور دانش را بدهد. طور دیگری نمیتواند باشد.

در حال حاضر در کشور بیست و هفت هزار کورس و مرکز مبارزه با بیسوادی وجود دارد که در آنها ششصد هزار نفر به سواد آموزی مشغول اند. سواد آموزی سربازان اردو و خارتدوی فعالانه پیش برده میشود. ما در حین سازماندهی این امر مسئله را اینطور طرح مینماییم که هر باسواد حداقل سه تا پنج بیسواد را مورد آموزش قرار دهد. البته در اینجا نیز حوصله فراخ و رعایت خواست و تمایلات انسان ها ضرور و لازمی است و باید از میتوذهای اجباری جداً امتناع به عمل آید.

اعضای اصلی و آزمایشی حزب در امر امحای بیسوادی نقش بزرگی دارند. ما اشتراك فعال جوانان را نیز در پیشبرد این وظیفه بزرگ مدنظر داریم. فکر میکنم که تحقق پلان مشخص مبارزه با بیسوادی از طرف سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان سهم بزرگی را در حل این پروبلم خواهد گرفت.

رفقا!

در عین زمان میخواستم خاطر نشان نمایم که جنبش امحای بیسوادی را نباید محدود به فراگرفتن خواندن و نوشتن نمود. در این جریان باید انسان ما مجموع معینی از دانستنی ها و قدرت فهم و درک درست پروسه ها و پدیده های جاری در کشور و جهان رافرا گیرند.

دشمنان از این وضع شدید در هراس افتیده اند. آنها میدانند بهر اندازه بی که افراد باسواد در کشور بیشتر باشند، به همان اندازه تعداد بیشتر افراد اوضاع را درک نموده و فریب دادن مردم و سیاه را سفید جلوه دادن مشکلتر میگردد و اندک مدتی قبل در ولایت ارزگان سه نفر مرد را در آتش سوختند. زنی را سنگ باران نمودند و نوجوانی را کشتند. مقتولان افراد حزبی نبودند و به فعالیت سیاسی هم دست نزده بودند. گناه آنان فقط همین بود که جرأت نمودند خواندن و نوشتن را فراگیرند اما هر

چند دشمنان وحشت و دهشت را به راه اندازند قادر نخواهند بود تمایل و سعی مردم را به سوی دانش و ترقی متوقف سازند.

رفقا!

وسایل اطلاعات جمعی یا رسانه های گروهی باید نقش بزرگی را در کارسیاسی با توده های مردم ایفا نمایند.

در حال حاضر در کشور یازده روز نامه و جریده مرکزی و هجده روزنامه ولایتی و چهل و دو مجله به چاپ میرسد، پروگرام های رادیو افغانستان به شمول نشرات برای اقلیت های ملی و نشرات خارجی بیست و هفت ساعت را دربر میگیرد. تلویزیون جوان افغانستان نیز نیرو میگیرد.

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان محتوای ایدیولوژیک، سیاسی و سمت فعالیت مطبوعات، رادیو و تلویزیون را معین میسازد. در این اواخر نشرات این ارگان ها مشخصتر و پر محتوا و اپراتیفی گردیده است و خصوصیات زبانی، حرفی و سنن اهالی را بیشتر مد نظر میگیرند.

رسانه های گروهی در فعالیت خود توجه عمده را به ترویج سیاست حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دولت انقلابی معطوف مینماید. جهت مهم کار رسانه های گروهی را تربیت و طنپرستانه، نظامی و بسیج مردم به مبارزه باضد انقلاب، تبلیغ قهرمانی های سربازان و عملیات قطعات و جزواتم های قوای مسلح تشکیل میدهد. در صفحات روز نامه ها، در نشرات رادیو تلویزیون درباره کار سازمانهای حزبی، دولتی، اجتماعی و مؤسسات تولیدی مطالب زیادی وجود دارد.

نشر مواد انتقادی که وضع نامساعد و نادرست بعضی از مؤسسات، ادارات و سازمانهای حزبی را بر ملا میسازد نیز عملی میگردد. مثلاً روزنامه «حقیقت انقلاب ثور» مقالات انتقادی را به نشر سپرده، همچنان رادیو صدای مردم شکایات و انتقادات مردم را پیوسته به اطلاع مقامات حزبی و دولتی می رساند. ضرورت ایجاب میکند که همه رسانه های گروهی باجرات و شجاعت کمبودها و نقایص قابل ملاحظه را بر ملا سازند و ارگانهای حزبی و دولتی با سرعت و به موقع تدابیر لازم را جهت رفع آن اتخاذ نمایند.

وسایل تبلیغ، ترویج و اطلاعات ما هنوز به تریبون همه مردم مبدل نگردیده است. علت آن تا حدود زیادی کار غیرقناعتبخش هیأت های تحریر مسؤولین این ارگانها میباشد. آنان مؤظف اند مبارزات مردم ما را به خاطر آرمان های انقلاب ثور و موفقیت در امر اعمار جامعه نوین بهتر و روشنتر انعکاس دهند. برای اینکار ژورنالیست ها باید زنده گی را خوبتر بشناسند و عمیقتر مورد مطالعه قرار دهند. باید حجم اطلاعات از ولایات را افزایش بخشید و تعداد مصاحبه ما با افراد ساده و عادی

را بیشتر ساخت و مواد نشراتی را با ارائه فاکتها و مثالهای روشن بیش از پیش قابل فهم برای وسیعترین قشر ها ساخت.

سطح نشرات روزنامه های ولایتی باید تا حد قابل ملاحظه بالا برده شود و تعداد بیشتر نویسنده گان به کار آن جلب گردند. جلب کارمندان حزبی، مسؤولین و کارمندان امور اقتصادی، اعضای سازمانهای جوانان و زنان دیگر سازمانهای اجتماعی زحمتکشان به کار رسانه های گروهی، مؤثریت و قدرت رزمنده گی این وسایل را تقویت میبخشد. باید کار تربیت نامه نگاران و خبرنگاران را از میان کارگران و دهقانان و آموزش آنانرا فعالتر و بهتر ساخت.

در کشور ما عملاً هنوز کار چاپ کتب و رسالات، نظم و ترتیب لازم و دایمی نیافته است. طبع آنها به وسیله موسسه «بیهقی» خصوصیت تصادفی و غیر پلان شده دارد، کنترل بالای فعالیت های چاپ و نشر کتب و هماهنگ ساختن این امر تقریباً وجود ندارد، زمان آن فرا رسیده است که در این امر مهم نظم و نسق واقعی به میان آید.

زمان آن فرا رسیده است که بالاخره سیستم مطمئن انتقال و توزیع مطبوعات منظم ایجاد گردد. در بین ساحه، وضع نهایت خراب است. انتقال مطبوعات مرکزی به ولایتی چون کندز، بدخشان، بغلان، کندهار، فراه و غیره کاملاً غیر قناعتبخش است. وظیفه و هدف آنست که سطح کار مطبوعات، رادیو و تلویزیون ارتقای قابل ملاحظه حاصل نماید و ندای حزب عمر چه نیرومندتر طنین اندازد تا به دور افتاده ترین نقاط کشور و به گوش هر فرد هموطن ما برسد.

رفقا!

موفقیت کار سیاسی، به طور قطع به کادرهای ایدیولوژیک، انتخاب انتصاب و تربیت آنان وابسته گی دارد. امروز اردوی بزرگ کارمندان حزبی، مبلغین، مروجین، لکچر دهنده گان و ژورنالیستان حرف حزب را به توده های انقلابی می رسانند. در مرحله کنونی تکامل روند انقلابی در جمهوری دموکراتیک افغانستان سطح توقعات از کادرهای ایدیولوژیک به طور قابل ملاحظه بالا رفته است. شرایط امروز خواهان اعتقاد، شور و شوق و صلاحیت آنان است. کارمندان جبهه ایدیولوژیک باید دارای دانش عمیق باشند و درک مسایل مربوط به سیاست داخلی و خارجی حزب وزنده گی اقتصادی و فرهنگی جامعه تسلط کامل داشته باشند و ترویج اندیشه های انقلابی و آرمانهای انقلاب را با وظایف عملی موفقانه پیوند دهند. آنان همیشه باید پدیده های اجتماعی را به درستی روشنی توضیح دهند و از موقف و موضع حزبی ارزیابی و از دستاوردهای انقلابی دفاع نمایند. ناروایی اعمال ضدانقلاب داخلی و خارجی را با پیگیری و به طور مستدل افشا کنند.

بدیهی است که رزمنده پرتجربه سیاسی شدن کار ساده و سهل نیست، چنانکه رهبر

زحمتکشان جهان می آموخت: «چنین کارمندان را باید به طور فوق العاده انتخاب نمود، رشد داد، کارشناس ساخت و حفظ نمود.»

حزب دموکراتیک خلق افغانستان کار معینی را درین جهت به پیش میبرد. انستیتوت علوم اجتماعی کمیته مرکزی حزب در کابل به مرکز شناخته شده تربیت کادرهای حزبی مبدل گردیده است. هم اکنون بیش از دوهزار و پنجصد نفر از اعضای حزب درین انستیتوت آموزش حزبی را فرا گرفته اند. نقشی انستیتوت در این امر مهم باید به طور دایمی افزایش یابد. در این رابطه باید خاطر نشان نمود که کمیته های حزبی و ارگان های مربوط قوای مسلح موظف اند به امر انتخاب افراد برای انستیتوت علوم اجتماعی و همچنان تقسیم فارغان آن با مسؤولیت بیشتر برخورد نمایند. هر فارغ انستیتوت از دانشی که فرا گرفته است برای بهبود کار حزبی در محلات باید به طور کامل استفاده نماید. و این بهبود تنها با کدام بخش علیحده و جداگانه کار ارتباط ندارد. همه جهات فعالیت سازمانهای حزبی اعم از سیاسی، تربیتی، سازمانی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی باید در یک نقطه به هم پیوند یابد. یک دیگر را تکمیل نموده غنای کیفی بخشید و منتج به اجرای مجموع وظایفی که در برابر ما قرار دارد، گردد. ما باید چنین برخورد را بیاموزیم و عمیقاً درک نماییم که هر موفقیت و یا ناکامی به طور ناگزیر بالای نتیجه کار در مجموع تأثیر می اندازد. به همین سبب بهبود کار سیاسی در میان توده ها امر صرف مربوط به کارمندان ایدیولوژیک نیست. این امر مشترک سراسر حزب، هر کمیته حزبی، هر سازمان حزبی و بالاخره هر عضو حزب دموکراتیک خلق افغانستان است.

رفقا!

ما باید در کار سیاسی خود بر علاوه اوضاع داخلی، وضع منطقه و جهان را نیز مدنظر داشته باشیم.

اوضاع بین المللی متشنج باقی مانده است، مداخله مسلحانه از خارج کشور که خصلت جنگ اعلان تاشده واقعی را به خود گرفته و همچنان کمپاین خصمانه و دروغین علیه افغانستان انقلابی قطع نگردیده است. امپریالیزم جهانی از تلاش های خود به غرض استفاده از به اصطلاح «مسئله افغانستان» جهت تشدید تشنج بین المللی صرف نظر نکرده است.

ولی امروز به هر انسان دارای افکار سالم کاملاً واضح است که امپریالیزم، ارتجاع منطقه و هرژمونیزم چین قادر نیستند انقلاب افغانستان را بدنام و خفه کنند و جمهوری دموکراتیک افغانستان را در عرصه بین المللی تجرید نمایند.

کشور ما هرروز پشتیبانی و شناسایی بیشتر نیروهای مترقی و صلحخواه جهان را کسب مینماید. اکنون جمهوری دموکراتیک افغانستان با بیش از شصت کشور جهان

روابط دیپلوماتیک دارد. مناسبات ما با همسایه بزرگ شمالی اتحاد شوروی و کشورهای جامعه سوسیالیستی مخصوصاً مفید ثمربخش و همه جانبه می باشد. بازدید رسمی و دوستانه هیات عالی رتبه حزبی و دولتی کشور ما از جمهوری دموکراتیک آلمان که اخیراً صورت گرفت مظهر روشن این مناسبات است.

مناسبات با بسیاری از کشورهای در حال رشد و مخصوصاً هند، سوریه، جمهوری دموکراتیک مردم یمن، ایتوپیا، لیبیا و امثال آنها با موفقیت رشد و توسعه می یابد. حزب دموکراتیک خلق افغانستان روابط و همکاری خود را با جنبشی بین المللی کارگری، احزاب و سازمانهای مترقی و دموکراتیک و جنبش آزادیبخش ملی با موفقیت رشد و توسعه می بخشد.

ما حق داریم بر همه اینها افتخار نماییم.

مخصوصاً می خواهیم اهمیت مجموع مناسبات با اتحاد شوروی را که در همه عرصه ها اعم از سیاسی، تجارتی، اقتصادی، علمی، تخنیکی، فرهنگی و غیره با موفقیت بسط و توسعه می یابد، خاطر نشان سازیم.

جمهوری دموکراتیک افغانستان و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در اجلاسهای اسامبله عمومی ملل متحد و سایر جلسات و گردهمایی های بین المللی همکاری نزدیک داشته اقدامات و گامهای خود را در ساحه حل و فصل اوضاع اطراف افغانستان و تحکیم صلح و امنیت در منطقه شرق میانه و جنوب شرق آسیا هماهنگ ساخته توحید می بخشند.

روابط رشد یابنده و استحکام پذیرنده میان حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حزب کمونیست اتحاد شوروی مهمترین عنصر مناسبات افغان شوروی را تشکیل میدهد.

ما به نام حزب دموکراتیک خلق افغانستان، شورای انقلابی و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان و تمام مردم افغانستان از کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، حکومت شوروی و از شخص لیونید ایلچ بریژنف به خاطر کمک های همه جانبه و پشتیبانی وسیع از جمهوری دموکراتیک افغانستان ابراز امتنان عمیق و صمیمانه مینماییم. خاطره سپاسگزار همه وطنپرستان افغانستان این کمک هارا به مثابه مثال درخشان تبارز همبستگی برادرانه و انترناسیونالیستی هیچگاهی فراموش نخواهد کرد.

با ارزیابی عالی و ابراز رضایت کامل از سطح مناسبات با اتحاد شوروی و کمک همه جانبه، برادرانه، حیاتی، ضروری و انترناسیونالیستی شوروی به افغانستان، ما باید از جانب خود همه اقدامات مربوط را برای ارتقای مؤثریت هرچه بیشتر همکاری افغان شوروی انجام دهیم و وظیفه و وجوب هر عضو حزب و هرکارمند دستگاه دولت است تا سعی نماید که کمک عظیم اتحاد شوروی کاملاً مورد استفاده

قرار گیرد و مردم ما درباره آن همه چیز را بدانند و اهمیت آنرا ارزیابی درست نمایند

رفقا! ما بارها اظهار نموده ایم و باز هم اعلام میداریم که آرزوی ماست تا بر مبنای اراده نیک، تعقل و خردمندی و از طریق مذاکرات سازنده مناسبات متقابل خود را با همسایه های شرقی و غربی یعنی پاکستان و ایران عادی و حتی دوستانه سازیم. ما به طور پیگیر و مصمم به مساعی خویش جهت حل و فصل سیاسی اوضاع پیرامون افغانستان و عادی ساختن مناسبات با کشورهای همسایه ادامه میدهیم.

ما بارها پیشنهادهای سازنده و مفید را که هم منافع کشور ما و هم منافع دیگران را مد نظر داشته است، مطرح ساخته ایم. در مذاکرات اخیر وزرای خارجه جمهوری دموکراتیک افغانستان و پاکستان در ژنیو از طریق نماینده خاص سرمنشی ملل متحد ما با پیشنهادهای مفید اشتراک ورزیدیم. مذاکرات نشان دادند که اساسهای جهت حصول توافقات قابل قبول برای هر دو طرف در مجموع مسایل مربوط به حل و فصل سیاسی همه جانبه وجود دارد و فقط اراده نیک و حسن تفاهم لازم است تا اختلافات موجود راحل نمود. ما حاضریم تا آنجایی که مربوط به جمهوری دموکراتیک افغانستان میگردد نیمه راه مربوط به خود را به خاطر بهبود اوضاع در منطقه و عادی ساختن مناسبات با پاکستان و ایران طی نماییم.

ما با پیروی از مشی سیاست خارجی خود در برابر مسایل مربوط به شرق نزدیک موقف روشن و صریح داریم. چنانکه معلوم است جهان در چند هفته اخیر شاهد تجاوز جدید و خونین صهیونیست ها و الهام دهنده گان و کمک کننده گان مستقیم شان یعنی امپریالیستهای امریکا علیه لبنان و مردم عرب فلسطین بودند. در عقب تجاوز اخیر اسرائیل طرح های استراتژیکی تل ابیب و واشنگتن جهت مطیع ساختن کشورهای عربی به تسلط و حکمروایی امپریالیستی یکی بعد از دیگر، تضعیف ویرانگندگی باز هم بیشتر عربها، خفه ساختن مبارزات رهایی بخش ملی خلقها درین منطقه پنهان است.

مردم افغانستان همراه با همه نیروهای مترقی جهان رهزنی و تجاوز بیشرمانه اسرائیل را در لبنان و مشی ماجراجویانه ایالات متحده امریکا را در شرق نزدیک شدیداً تقبیح نموده قطع فوری تجاوز و خروج کامل و بدون قید و شرط عساکر اسرائیلی را از خاک لبنان می طلبند.

افغانستان انقلابی که خود آماج تجاوز و مداخله مسلحانه نیروهای امپریالیستی و ارتجاعی قرار گرفته است، همبستگی و پشتیبانی کامل خود را با خلق لبنان، نیروهای ملی و وطنپرست آن کشور، جنبش مقاومت فلسطین و دیگر خلقهای عرب در مبارزه عادلانه شان به خاطر حقوق قانونی خود، علیه امپریالیسم و صهیونیسم اعلام میدارد.

رفقا!

ما با رضایت میتوانیم خاطر نشان سازیم که کشور مادر حل مثبت پروبلمهای منطقه و جهان نقش کوچک ولی شایسته خود را ایفا میکند این سهم ما تنها در ارائه ابتکارات سیاست خارجی تبارز نمیکند، بلکه تحکیم و توسعه دستاوردهای انقلابی ما، تکامل بیشتر انقلاب ثور، استحکام نظام نوین در افغانستان و تأمین برگشت ناپذیری از راهی که انتخاب نموده ایم، عمده ترین مظاهر این سهم میباشد.

به پیش در این راه پرافتخار و رهایی بخش، بدون تزلزل و هراس.

رفقا ما مسلماً پیروز میشویم!

**بهبود وضع اردو، حل مسایل داغ انقلاب و تحکیم قدرت دولتی با وفاداری
افسران به آرمانهای حزب و مردم و فعالیت فداکارانه و مبارزه پیگیر آنان
ارتباط ناگسستگی دارد**

بیانیه در جلسه وسیع هیات سوق و اداره اردوی ج.د افغانستان

۲۱ اسد ۱۳۶۱

رفقای گرامی!

برای من صحبت و ملاقات با جنرالان و افسران اردوی قهرمان و انقلابی همیشه موجب رضایت و خشنودی عمیق میگردد. مسرت دارم که در این گردهمایی باشکوه، شادباش ها و آرزومندی های نیک کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، شورای انقلابی و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان شخص خود را به شما نماینده گان اردوی قهرمان و از طریق شما به همه منسوبین قوای مسلح انقلابی می رسانم.

بهبود وضع اردو، حل و فصل مسائل داغ انقلاب و تحکیم قدرت دولتی با وفاداری افسران، به آرمانهای حزب و مردم و فعالیت فداکارانه و مبارزه پیگیر آنان ارتباط ناگسستگی دارد.

رفقا!

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و بیروی سیاسی آن تدابیر مشخص را جهت تحکیم و توسعه قدرت دولتی اتخاذ نموده به امر تحکیم قدرت دفاعی کشور و تأمین احضارات محاربوی عالی قوای مسلح توجه و مواظبت دایمی معطوف میدارد. خدمت در قوری مسلح، در راه دفاع از انقلاب به حیث کار ضروری اجتماعی تلقی گردید جزء لاینفک امور عمومی دولتی جهت رشد همه جانبه جامعه ما و تأمین امنیت در جمهوری دموکراتیک افغانستان می باشد.

در شرایط کنونی مسایل نظامی یکی از مهمترین بخش های فعالیت ما را تشکیل میدهد که حل و فصل آن شرایط مساعد را جهت تحقق برنامه اجتماعی و اعمار زنده گی نوین در افغانستان فراهم می سازد.

رهبری حزبی و دولتی جمهوری دموکراتیک افغانستان به تطبیق تصامیم کنفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان و پلینوم های کمیته مرکزی، مشی مبنی

بر سرکوبی و محو عناصر ضدانقلاب و بهبود سطح زنده گی اجتماعی و اقتصادی مردم ورشد فرهنگ ملی را ادامه میدهد

نهمین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، مسایل مبرم حیاتی را در رابطه با ارتقای سطح کارسیاسی فعال در میان توده ها و بسیج مردم واردو جهت دفاع از انقلاب شکوهمند ثور و مرحله نوین و تکاملی آن مورد غور و بررسی دقیق قرار داد. تدویر پلینوم نهم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رویداد عظیم درزنده گی حزب وکشور ما بوده و در تصامیم آن وظایف مبرم کارسیاسی و سازماندهی ارگان های حزبی و دولتی، کادرهای قوماندانی وسیاسی قوای مسلح در میان تمام اقشار مردم و منسوبین قوای مسلح کشور ما تعیین شده است.

علی الرغم مشکلاتی که از طرف عناصر ضدانقلاب به وجود آمده است، مردم ما به موفقیت های انکار ناپذیر در انکشاف اقتصاد ملی نایل گردیده اند. در کشور تولید محصولات عمده صنعتی مانند انرژی برق، زغال، سمنت و گاز طبیعی افزایش یافته است.

در سال ۱۳۶۰ کارهای انکشافی جیالوجیکی برای تمدید لین برق ولتاز بلند از اتحاد شوروی به کابل به پایان رسید. استخراج گاز طبیعی به اندازه دو اعشاریه شش میلیارد متر مکعب بود.

همین اکنون تدابیر ضروری جهت انکشاف زراعت عملی می گردد. اصلاحات دموکراتیک ارضی و تقسیم زمین و آب به نفع دهقانان با پیگیری پیش برده میشود. بیش از (یکهزار و دوصد) کوپراتیف زراعتی که اضافه از دوصد هزار دهقان را متشکل می سازد، به وجود آمده است.

دولت به دهقانان از طریق دادن قرضه ها، تهیه وسایط تخنیکی، تخم بذری و کود کیمیاوی مساعدت می نماید. در سال گذشته در حدود دواعشاریه پنج ملیون دهقان از دولت قرضه دریافت نموده اند، این امر موجب آن گردید تا محصولات خوب جمع آوری گردیده در ساحه مالداری وضع ثابت حفظ گردد.

در ساحه تجارت تحولات مثبت رونما گردیده است. در این زمینه همکاری با اتحاد شوروی و سایر کشورهای شورای تعاون اقتصادی اهمیت بزرگی داشته و دارد. تنها از مدرک فروش گاز طبیعی به اتحاد شوروی، دولت مبلغ بیش از دوصد و شصت و هشت ملیون دالر مفاد به دست آورده است.

حجم صادرات در سال ۱۳۶۰ افزایش یافته در مجموع معادل ۵، ۷۱۷ ملیون دالر را تشکیل میدهد. این رقم مبلغ سه صد و ده ملیون دالر بیشتر از اندازه واردات کشور بوده شاخص مهم رشد اقتصادی را می سازد.

جای مسرت است که علی الرغم تلاش ها و خرابکاری های دشمنان انقلاب ، حیثیت و اعتبار جمهوری دموکراتیک افغانستان در عرصه بین المللی ارتقا و استحکام می یابد. در ین امر روابط مستحکم برادرانه ما با اتحاد شوروی بزرگ و تمام کشورهای جامعه سوسیالیستی و همبستگی انقلابی خلق های جهان با انقلاب ما، زمینه مساعد را ایجاد نموده است.

سیاست خارجی جمهوری دموکراتیک افغانستان بر اساس اصول صلح، عدالت و احترام به معیارهای بین المللی استوار است. ما در جهت برقراری مناسبات عادی و متقابلاً مفید با کشورهای همسایه و سایر کشورهای جهان سعی می ورزیم.

شورای انقلابی و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان، ابتکارات مهمی را در عرصه سیاست خارجی به عمل آورده اند. در ارتباط به این موضوع که مداخله مسلحانه در کشور انقلابی ما عمدتاً از خاک پاکستان صورت میگیرد، باز هم به دولت پاکستان پیشنهاد شده است که در مورد مسایل مربوط به عادی ساختن مناسبات طرفین مذاکره صورت گیرد. ما پیشنهاد خود را به حکومت ایران جهت پیشبرد مذاکرات به منظور برقراری مناسبات دوستانه بین دو کشور تأیید می نماییم.

هدف از این ابتکارات خاتمه دادن به مداخله مسلحانه ارتجاع امپریالیستی در امور داخلی افغانستان و تضمین بین المللی امنیت کشور ما می باشد.

تحکیم مداوم مواضع داخلی و موقف بین المللی جمهوری دموکراتیک افغانستان، آتش به جان امپریالیزم جنایتکار امریکا، همدستان چینایی آن و تمام محافل ارتجاع بین المللی افکنده است. آنان پیوسته و مذبحخانه تلاش می ورزند که با استفاده از تمام وسایل و ذرایع، مانع نوسازی انقلابی و وطن باستانی وزنده گی اجتماعی ما گردند.

پروسه مترقی رشد و تکامل انقلاب ما مخصوصاً موجب خشم و دیوانه گی نیروهای امپریالیستی ایالات متحده امریکا شده و اعمال ارتجاعی امپریالیست های امریکایی برضد افغانستان انقلابی به جزء لاینفک سیاست عام و تجاوزکارانه آن کشور مبدل گردیده است.

امپریالیست های ایالات متحده امریکا با زیر پا نمودن حقوق بین المللی و نادیده گرفتن همه معیارهای حیات بین المللی، با بیشرمی خاص مناطق مختلف جهان را به نام ساحه منافع حیاتی خویش و خود را به نام مدافعین آزادی اعلان می نمایند. اما سیاست تجاوزکارانه را نمی توان با اصطلاحات جعلی پنهان کرد.

مردمان جهان به خوبی می دانند امپریالیست های ایالات متحده امریکا مدافعین رژیم های فاشیستی و خونخوار ، سازمان دهنده تجاوز علیه کشورهای آزاد شده و الهام دهنده جنگ اعلان ناشده علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان می باشند.

ایالات متحده امریکا در همدستی با هژمونیست های چینیایی، خاک پاکستان را به مرکز تربیت عناصر ضدانقلاب مبدل کرده ومانند سابق از طریق سرحدات، انتقال عناصر ضدانقلاب، ارسال اسلحه ومهمات به سرزمین انقلابی ما، سازمان داده میشود. باید دقیقاً درک کنیم که عناصر ضدانقلاب به حمایت وسیع اقتصادی و نظامی ارتجاع بین المللی تلاش می ورزند تا وضع متشنج را در کشورما حفظ نمایند، خرابکاری اقتصادی را به طور دوامدار سازمان دهند وتأمین مردم از لحاظ مواد ارتزاقی وکار ترانسپورتی و تجارتي را با مشکلات مواجه سازند.

روی این منظور، دشمن، اعمال تروریستی وخرابکارانه خودرا بیشتر از همه متوجه خطوط مواصلاتی وراه ها نموده به ایجاد مخفی گاه ها و ذخیره نمودن اسلحه ومواد ارتزاقی در مناطق صعب العبور ادامه میدهد.

در عین زمان اشرار تلاس میورزند تا از طریق فریب، ایجاد ترس و سوءاستفاده از احساسات مذهبی مسلمانان، بالای اهالی کشور تأثیر وارد نمایند.

بنابراین وضع موجود از ما میطلبد تا بیداری وهوشیاری اردو ومردم را ارتقا بخشیم. مردم ما از ظلم وستم وچورو چپاول اشرار به ستوه آمده و خواهان زنده گی صلح آمیز هستند تقاضا دارند که باندهای اشرار به سرعت نابود گردند. لذا وظیفه نزدیک ودرجه اول ما عبارت از تأمین زنده گی آرام، امحای عناصر ضدانقلاب در مناطق مهم حیاتی کشور ودفاع اطمینان بخش از انقلاب است.

کنفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان، دفاع از انقلاب را به مثابه وظیفه درجه یک حزب و تمام مردم افغانستان و وجبیه پرافتخار وعالی قوای مسلح نامیده است. کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، اردو را به مثابه نیروی اصلی ومنظم در سرکوبی دشمنان وعادی شدن وضع در کشور می شمارد.

اردو شمشیر بران انقلابی مردم زحمتکش ماست که دست و پای دشمنان طبقاتی را قطع وسد راه اعمال وحشیانه آنان می گردد. جزءتام ها وقطعات اردو همراه با جزءوتامهای خارندوی، خاد وفعالین حزبی نمونه های بی شماری از وفاداری به وطن وانقلاب را از خود نشان داده اند.

در رشد قوای مسلح بخصوص در سال جاری موفقیت های مهم به دست آمده است. با کمک بیشاییه اتحاد شوروی ومواظبت کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان وشورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان، قدرت آن ها استحکام یافته وامکانات اوپراتیفی وتکنیکی ارتقا می یابد. ساختار تشکیلاتی قوت ها و فعالیت سیاسی ومحاربوی منسوبین نظامی بهبود می یابد.

در مرحله کنونی، وظایف اساسی وشریفانه اردو رادفاع از سرزمین مقدس ما در برابر تجاوز، قطع دسایس وتحریکات مسلحانه عناصر ضدانقلاب وسرکوبی قاطعانه

باند‌های جنایتکار تشکیل می‌دهد. با رضایت کامل باید اظهار کرد که این وظایف تاریخی با افتخار انجام می‌پذیرد که عملیات مؤثر محاروبی در مناطق مهم حیاتی کشور نمایانگر آنست.

ضرباتی که بالای دشمن در مناطق قندهار، پنجشیر، غزنی و لغمان وارد گردیده، گروه‌های متعدد اشرا را محو و سرکوب ساخته است. با پیروزی قوای مسلح یک تعداد باندها حاضر شده اند تا سلاح خود را بر زمین گذارند و در عین زمان آن نیروها و اقوام که قبلاً جانب بیطرفی را داشتند، فعلاً به طرفداری از انقلاب برخاسته اند. این جریان باید جهت تأمین تحولات کامل در مبارزه علیه ضدانقلاب استفاده گردد.

ضرورت عینی دفاع از انقلاب به طور قطعی توجه جدی ارگانهای حزبی و دولتی و کادرهای رهبری کننده نظامی را به امر تحکیم دوامدار قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان می‌طلبد.

تحقق این وظیفه مهم باحل پرابلمهای زیاد سیاسی، تشکیلاتی، نظامی، کادرها و غیره ارتباط دارد. می‌خواهم توجه شما را به جهات اصلی و عمومی تحکیم قوای مسلح که عبارت از بلند بردن قدرت محاروبی و فعال بودن پرسونل نظامی است، جلب کنم.

یکی از عمده ترین جهات در تحکیم قدرت محاروبی قوای مسلح عبارت از کار فعال سیاسی در میان توده های نظامیان و اهالی است. باید خاطر نشان ساخت که در شرایط کنونی کارسیاسی اهمیت قاطع را در بسیج توده ها و جهت سرکوبی عناصر ضدانقلاب دارد و مفهوم آن را پرورش مدافعین ثابت قدم انقلاب باروحیه وفاداری به حزب و مردم تشکیل می‌دهد.

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در مورد ترتیب و تنظیم عالی کار سیاسی و پرورشی در قطعات و تحکیم روحیه انقلابی سربازان و افسران، اقدامات لازم اتخاذ کرده است. به طور عموم پرسونل قوای مسلح سیاست حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دولت انقلابی خویش را درست درک کرده در عمل پیاده می‌نمایند. هزاران سرباز، خردضابط و افسردر مبارزه با ضدانقلاب از خود قهرمانی ها نشان داده با شجاعت و مردانه گی وظیفه وطنپرستانه خویش را در برابر وطن و انقلاب انجام می‌دهند. این امر نتیجه کار بزرگ و برخورد جدی بسیاری از قوماندانان و کارکنان سیاسی، سازمانهای حزبی و جوانان، جنرالان و افسران میباشند که در این تالار حضور دارند. مگر طوری که در کنفرانس سرتاسری ونهمین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ذکر شده است، محتویات کارسیاسی و مطالبات زمانی عقب مانده است و نیازمند بهبود جدی می باشد. در سازماندهی کارسیاسی باید خصوصیات ذیل در نظر گرفته شود:

نخست از همه باید خصلت و قایع داخلی کشور، وحدت مبارزه طبقاتی که قوای مسلح

در آن سهم مستقیم دارد، در نظر گرفته شود. همیشه باید به خاطر داشت که دشمن طبقاتی در تلاش نفوذ در اردو و تضعیف قدرت و توانایی و عدم اشتراك آن در دفاع از انقلاب می باشد.

ثانیاً باید عنعنات و رسوم ملی، فرهنگی و مذهبی مردم افغانستان را جداً مدنظر گرفت و بر مبنای این عنعنات می توان و باید هم روحیه وطنپرستی و برخورد درست نسبت به انقلاب را پرورش داد و هم تلاش های دشمنان را به غرض سوءاستفاده از احساسات مذهبی و ملی و بیسوادی سراسری اهالی خنثی نمود.

ثالثاً اینکه پشتیبانی بین المللی از انقلاب و کمک برادرانه اتحاد شوروی برای ما اهمیت خاص دارد. اتحاد شوروی یکی از منابع مطمئن تربیت و پرورش مردم با روحیه اعتقاد کامل به پیروزی بر دشمنان و برگشت ناپذیری تحولات انقلابی در جمهوری دموکراتیک افغانستان میباشد.

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان با در نظر داشت خصوصیات فوق، بهبود متداوم کارسیاسی را تسریع کننده قوی مبارزه علیه عناصر ضدانقلاب می شمارد. این بهبود با حل یکعده مسایل مهم ارتباط دارد.

نخست از همه باید به تشکل آگاهی و شعور انقلابی سربازان، خردضابطان و افسران به مثابه هسته کارسیاسی و تربیتی توجه نمود. محتوای اصلی و عمده آن را پرورش روحیه وفاداری به وطن، نفرت نسبت به دشمنان طبقاتی، در سیاست حزب دموکراتیک خلق افغانستان و اهداف و دورنماهای انقلاب ثور و ضرورت دفاع قاطعانه از آن تشکیل میدهد، در ذهن بسیاری از منسوبین عسکری در باره اهداف انقلاب و دشمنان تصور دقیق وجود ندارد. در کشور ما مبارزه حاد طبقاتی در جریان است. اما متأسفانه بعضی شدت اهمیت آن را درک نمی کنند.

لذا به کارسیاسی و تربیتی در قوای مسلح باید خصلت تعرضی و رزمی عالی داده شود. باید در نظر گرفت که ایدیولوژی انقلابی ما از لحاظ روحیه، تعرضی می باشد. ریاست عمومی امور سیاسی، قوماندانان و کارکنان سیاسی تمام فرقه ها و سازمانهای حزبی باید به افسران، خردضابطان و سربازان حساس بودن وضع کشور و مقاصد پلید اشرار را به طور قناعتبخش تشریح و توضیح نمایند. باید نظامیان را با روحیه نفرت نسبت به دشمنان انقلاب و قاطعیت پرورش نمود تا در هر لحظه برای سرکوبی باندهای ضدانقلاب حاضر باشند.

مسئله دوم عبارت از تقویه نقش و تأثیر سازمانهای حزبی در حل مسایل نظامی و تحکیم انضباط و دسپلین در قطعات می باشد. سازمانهای حزبی اردو بخش عظیم حزب دموکراتیک خلق افغانستان را تشکیل میدهند که در صفوف آن بیش از بیست هزار عضو اصلی و آزمایشی موجود است. قوماندانان و کارکنان سیاسی باید از

نیرو و اعتبار آن‌ها به طور فعال استفاده نمایند. باید در نظر داشت که برای سازمانهای حزبی وظیفه اساسی تمام فعالیت شان را کار پرورشی تشکیل میدهد. از طریق سازمانهای حزبی باید آرمان‌های حزبی را بین توده‌ها پخش نموده و همه اعضای حزب و تمام پرسونل قوای مسلح را جهت امحای عناصر ضدانقلاب بسیج نمود.

وحدت و همبستگی صفوف حزب در اردو به منظور تحکیم قوای مسلح و دفاع مطمئن انقلاب ثور اهمیت مبرم و عظیم دارد.

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان تحکیم مزید وحدت حزب را به حیث پرابلم اساسی و عمده انکشاف موفقانه دولت ما تلقی می‌نماید. قابل یادآوری است که بعد از کنفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان، ارگانهای سیاسی قوای مسلح کار وسیع را جهت تحکیم همبستگی صفوف حزب و تأمین فضای رفیقانه در کلکتیف‌های حزبی به پیش می‌برند. این امر تأثیر مثبت را در تحکیم اعتبار حزب ما داشته‌نمود آنرا در میان توده‌ها گسترش می‌بخشد.

مسئله سوم، قوماندانان و کارکنان سیاسی باید ارتباط مستحکم کارسیاسی را با زنده‌گی و عملیات محاربوی قوت‌ها تأمین نمایند. در امور پرورشی و تربیتی عناصر شکل‌گرای و برخورد سطحی با کار مجاز نیست. ارتباط مستحکم کارسیاسی با وضع کشور و با مجموع فعالیت‌قطعات و جزوئام‌ها، امکان آن را میسر می‌سازد که مسایل مربوط به تعلیم و تربیه و پرورش، تحکیم دسپلین و قدرت رزمی و طرح پیشنهادهای مشخص در مورد بلند بردن مورال سیاسی و روحی سربازان و افسران برای اشتراک در عملیات محاربوی به شکل بهتر حل گردد.

در تجربه مثبت فرقه هجده پیاده، نتایج ابتکار عمل و تحقق پرنسیپ و ارتباط با اجرای وظایف عملی به خوبی به مشاهده می‌رسد. قوماندانان و آمران سیاسی آن، مناسبات نیک را با ریش سفیدان اقوام برقرار ساخته اغلب با آنان ملاقات می‌نمایند و به خواسته‌های اهالی منطقه جواب قناعتبخش میدهند. در نتیجه آن، وظایف سیاسی و پرورشی نظامی و مبارزه با باندهای‌های اشرار به صورت بهتر اجرا و پلان داده شده جلب و احضار برای فرقه، تقریباً عملی گردید.

همچنان بسیاری از قطعات و جزوئام‌های قوای مسلح در فراگیری فن محاربه مدرن به نتایج قناعت بخش نایل آمده و در مبارزه با اشرار از خود فعالیت جدی نشان داده و میدهند که می‌توان از لوای سی و هفت کوماندو، فرقه‌های یازده و هفده و هجده، لوای بیست و یک میکانیزه، لوای هفت و پانزده زره‌دار، لوای هشتاد و هشت توپچی، غند چهارصد و چهل و چار کوماندو، غند‌های سه صد و پنجاه و پنج و سه صد و شصت و شش هوایی و غیره نام برد. بدون تردید درین موفقیت‌ها قوماندانان، کارکنان سیاسی، تمام کادر افسران، سازمانهای حزبی و جوانان سهم فعال داشته و

دارند. مهمترین جهات تحکیم اردو با بلند بردن سطح احضارات محاربوی و ارتقای فعالیت محاربوی قطعات و جزعوتامهای بزرگ ارتباط دارد.

وضع فعلی قطعات و جزعوتامها و فعالیت محاربوی آنها علیه ضدانقلاب نشان میدهد که بعضی از جزعوتامها، فعالیت محاربوی را به شکل ضعیف پیش برده، اراده خود را بر اشرار تحمیل نکرده و یک محیط غیرقابل تحمل را برای اشرار به وجود نمی آورند. این وضع برای اشرار امکان تجمع قوت ها را میدهد. بعضی از قوماندانان به شیوه های مؤثر تکنیکی آشنایی نداشته و معلومات شان در باره دشمن ضعیف و نامکمل بوده و در اثنای فعالیت محاربوی از خودابتکار نشان نداده، به شکل یکنواخت عمل می کنند.

باید خاطر نشان سازم که در امر احضار قوت ها برای اجرای عملیات محاربوی یکعده نواقص جدی موجود است. هیات رهبری قوای مسلح، قوماندان و کارکنان سیاسی نباید سطح احضارات مجار به وی را کاهش دهند. پرسونل اردو باید از سلاح خود استفاده ماهرانه نمایند و کادر افسران باید سوق و اداره قطعات و جزعوتام ها را با هنر عالی انجام دهند.

به برکت کمک های برادرانه و ی شایبه اتحاد شوروی، قوای مسلح ما اسلحه و تخنیک محاربوی مدرن را که برای دفاع از انقلاب شکوهمند ثور و پیشبرد فعالانه عملیات محاربوی ضروریست، در اختیار دارد.

ولی متأسفانه در بعض موارد، در نگهداری، مراقبت و استعمال اسلحه و تخنیک محاربوی در قطعات و در جریان محاربه برخورد غیرمسئولانه صورت می گیرد که غیرقابل عفو بوده نمایانگر عدم توجه قوماندانان، آمرین سیاسی و ضعف کار سازمانی، سیاسی و تربیتی درین مورد می باشد.

هیات رهبری اردو و همه جنرالان و افسران باید اولتر از همه کنترل و نظارت جدی را در مورد محاسبه محافظه و مراقبت اسلحه و تخنیک محاربوی در قطعات ترتیب و تنظیم نمایند.

ثانیاً باید سیستم تعلیم و تربیه پرسونل را به خاطر فراگیری معلومات نظامی که جوابگوی مقتضیات زمان باشد تکمیل نمایند و بهبود بخشند. هر سرباز، خرد ضابط و افسر باید به طور عالی بر سلاح و تخنیک محاربوی دست داشته خویش، مسلط باشد.

ثالثاً باید تبلیغ وسیع و نمایش عملی قدرت و امکانات عالی محاربوی اسلحه و تخنیک محاربوی که در صفوف مختلفه اردو موجود است، سازمان داده شود. کار با کادر افسران یکی از وظایف اساسی کار سیاسی در قوای مسلح و ارتقای قابلیت محاربوی قوت ها را تشکیل میدهد. ما این مسئله را چندین بار با هیات رهبری، قوماندانان

وکارکنان سیاسی مورد بحث و بررسی قرار داده ایم. این مسئله امروز هم بسیار مبرم و عمده است. کادر افسران هسته و حلقه‌های اساسی قوای مسلح می‌باشد. بدون مسئله تعلیم و تربیه و پرورش سیاسی افسران مسلکی و بلند بردن ابتکارات و حس مسؤولیت‌شان در برابر و وظیفه باید در مرکز توجه قوماندانان، آمرین سیاسی و همه سازمانهای حزبی قرار داشته باشد.

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان به افسران توجه دایمی داشته و از وضع آنان مواظبت می‌نمایند. تنها در آستانه چهارمین سالگرد انقلاب شکوهمند ثور به ده هزارمنسوبین عسکری تر فیه داده شد و بیش از سه هزارافسر که در میدان محاربه قهرمانی و شجاعت از خود نشان داده اند، مفتخر به دریافت نشان‌ها و مدالهای دولتی گردیدند همچنان به تأمینات مادی جنرالان و افسران قوای مسلح توجه زیادی مبذول گردیده است. کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان برحق می‌تواند که مطالبات زیادی از جنرالان و افسران قوای مسلح داشته باشد. افسران و جنرالان باید حس مسؤولیت شخصی‌مادونان خود را در مورد بلند بردن سطح احضارات محاربوی و سرنوشت انقلاب ارتقا بخشند.

یکی از نواقص جدی که در فعالیت بعضی از جنرالان و افسران به نظر میرسد اینست که آنان با مادونان و سربازان خود کمتر ملاقات می‌کنند و با آنان پیرامون مسایل مبرم مبارزه حیاتی در وطن انقلابی ما صحبت به عمل نمی‌آورند، لازم است که هیات رهبری در کارسیاسی و تربیتی شخصیه اشتراک ورزند. باید به قطعه، جزءتام و نزد سربازان رفت و با کلمات ساده و قابل فهم به طور مستقل مصوبات کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان را به مغز، شعور قلب هر سرباز رساند به نحوی که خود به صورت داوطلبانه این مصوبات را در عمل پیاده نمایند.

کارسیاسی در قوای مسلح نمی‌تواند از فعالیت عمومی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در میان مردم جدا باشد. وظایف اردو در مرحله کنونی گوناگون و زیاد است. مبارزه اردو علیه باندهای ضدانقلاب و اشتراک در جلب و احضار جوانان به قوای مسلح با تحکیم قدرت دولتی در مناطق آزاد شده و با کار وسیع تبلیغی و ترویجی در میان اهالی توأم می‌باشد.

در اجرای وظایف فوق تحکیم ارتباط بین اردو، خاندنوی، خاد، سازمانهای حزبی و ارگانهای محلی دولتی اهمیت قابل ملاحظه را داراست.

باید به امر تشکیل و تربیه گروپهای مسلح از میان اهالی برای اجرای وظایف محافظه‌وی در مناطق و قریه‌های شان کمک و همکاری نمود که در نتیجه آن قوت‌های قابل ملاحظه‌یی از اردو برای مبارزه اکتیف بر علیه اشراغ فارغ می‌گردند.

سازماندهی جلب واحضار جوانان به خدمت مقدس عسکری یکی از جهات عمده تحکیم قابلیت محاربوی قوای مسلح می باشد. کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان برای ترتیب و تنظیم جلب واحضار جوانان به قوای مسلح تدابیر معینی اتخاذ نموده اند. ضمایم قانون مکلفیت عمومی عسکری که دارای اهمیت می باشد، تصویب شده است.

روند زنده گی صحت، حقانیت و به موقع بودن تدابیر مذکور را ثابت کرد، ما موفق شدیم که در سال جاری تعداد عمومی پرسونل قوای مسلح را تدریجاً بالا ببریم.

حل موفقانه مسئله جلب واحضار مستلزم آنست که کار تبلیغ و ترویج میان اهالی و در زون ها مسؤولیت جزو تمام های بزرگی بهبود یابد. درین کار باید از خود ابتکار نشان داد. به ریش سفیدان، روحانیون و وطنپرست و نماینده گان تماس های نزدیک برقرار کرد. اعتماد مردم را نسبت به حزب و دولت انقلابی خویش جلب نمود. بدون شك این کار باید دوشادوش با نماینده گان خاندنوی، خاد و ارگانه های قدرت دولتی پیش برده شود. زیرا که مسؤولیت آنها در امر جلب واحضار جوانان قوای مسلح وارد و یکسان است. در قطعات و جزو تمام ها باید نظم و دسپلین عالی نظامی را برقرار نمود و از وضع معیشتی، اباته و اعاشه ما دونان و سربازان مواظبت دایمی به عمل آورد و تعلیم و تربیه عالی محاربه وی و سیاسی آنان را سازمان داد.

رفقای عزیز!

در مرحله کنونی یعنی مرحله دگرگونی ها و تحولات عظیم انقلابی در وطن ما، اردو، خاندنوی، خاد و همه نیروهای وطنپرست کشور افتخار بزرگی دارند که سلاح به دست از منافع عادلانه زحمتکشان کشور دفاع می نمایند. کادرهای رهبری و هرکسی که وطن و انقلاب برایش گرامی است باید عظمت و وظایف تاریخی را که در برابر حزب، مردم و قوای مسلح پر افتخار ما قرار دارد به خوبی درک نمایند.

شما جنرالان و افسران مسؤولیت بزرگی را در امر تعلیم و تربیه منسوبین و تحکیم قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان در برابر حزب و مردم به عهده دارید.

هر قدری که این مسؤولیت را دقیقاً درک کنید هر قدری که فعالانه کار نمایید به همان اندازه وظایف دفاع از انقلاب پیروزمندانه و موفقانه اجرا می شود.

بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان اطمینان کامل دارد که قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان در اجرای وظایفی که کنفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان در برابر شان مطرح ساخته است، به پیروزی های نوین نایل می گردند.

فقط کار دوامدار، پیگیر و خستگی ناپذیر هر یک از حلقه های ارگانیزم حزبی، دولتی

و نظامی باعث می گردد که ما با غرور و افتخار وظایف و طنپرستانه انقلابی خویش را اجرا کنیم و زنده گی صلح آمیز و مرفه را برای هموطنان خود تأمین نماییم.

پیروزی باد قوای مسلح قهرمان ما این پاسداران و مدافعین واقعی انقلاب ثور و مرحله نوین و تکاملی آن!

زنده باد حزب دموکراتیک خلق افغانستان این نیروی رهبری کننده و سازمان دهنده جامعه ما!

به پیش در راه پیروزی نهایی و کامل! ما مسلماً پیروز می شویم!

حماسه قیام رهایی بخش مردم افغانستان برای همیشه در خاطره همه وطن پرستان میهن انقلابی ما زنده میماند

بیانیه به مناسبت ۶۳ مین سالگرد استرداد استقلال کشور

۳۷ اسد ۱۳۶۱

هموطنان عزیز، خواهران و برادران!

اجازه دهید، قبل از همه به مناسبت شصت و سومین سالگرد استرداد استقلال کشور، از چنگ امپریالیسم خونخوار انگریز به شما هموطنان عزیز، به شما وطنپرستان کشور شادباش ها و تمنیات نیک کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، شورای انقلابی و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان و شخص خود را تقدیم دارم و با غرور و افتخار بر تاریخ پر جلال، سرشار از شهامت و مشحون از قهرمانی های مردم زحمتکش افغانستان و تمجید از حماسه آفرینی بی مانند نیروهای ملی و وطنپرست این مرزوبوم که داغ ننگ بر جبین بزرگترین استعمارگر امپریالیست جهان نهادند، دروهای بی پایان و سپاسگزاری بیکران را نثار روان پاک همه شهدای راه آزادی وطن نمایم.

هموطنان و خواهران و برادران!

حماسه قیام رهایی بخش مردم افغانستان که در زمان خود از حوادث پراهمیت و بینظیر در آسیا و در قلب آن به شمار میرفت و منتج به استرداد استقلال سیاسی کشور گردید و بزرگترین امپراطوری استعماری جهان را با برتری غیرقابل مقایسه از لحاظ نیروهای مسلح به زانو درآورد، برای همیشه در خاطر همه وطنپرستان افغانستان زنده و مایه افتخار جاویدانی مردم ما خواهد بود.

پیروزی مردم افغانستان در نبرد نابرابر با امپریالیسم انگلیس که تازه در جنگی غارتگرانه امپریالیستی فاتح گردیده بود، در نتیجه عوامل مساعد ملی و بین المللی میسر گردید. قیام گسترده و متحدانه خلقهای قهرمان و حماسه ساز افغانستان اعم از پشتونها، تاجکها، هزاره ها، بلوچها، ازبکها، ترکمنها، نورستانی ها و غیره در یک جبهه ملی که با جانبازی ها و از خودگذری های فراوان صورت گرفت در نقطه اوج خود، شکست مفتضح را نصیب تجاوزکاران انگلیس نمود و به تسلط آنان خاتمه

بخشید. و باید یکباردیگر تأکید نمود که رمز پیروزی مردم ما را در برابر بزرگترین قدرت استعماری وقت وحدت در راه آزادی کشور و اتحاد همه مردم به خاطر این هدف بزرگ و ملی تشکیل میداد.

باید خاطر نشان نمود که پیروزی انقلاب کبیر اکتوبر تأثیر بزرگی معنوی و عملی را بر جنبش آزادیخواهان مردم ما وارد کرد، شکست مداخله گران انگلیسی در ماورای کسپین و بیرون راندن آنان از آسیای میانه به دست اردوی سرخ شوروی و پشتیبانی قاطع جمهوری جوان شوروی از حق استقلال و حاکمیت مردم افغانستان پشتوانه مطمئن مردم افغانستان در مبارزه علیه نیروهای امپریالیستی بود و شرایط مساعد را از لحاظ بین المللی تأمین نمود. دولت جوان شوروی از آوان ایجاد خود تحت رهبری دوست بزرگ خلقهای افغانستان و همه زحمتکشان جهان و لادیمیر ایلیچ لنین، دست نیرومند دوستی و کمک را به مردم آزاد افغانستان دراز نمود که تا امروز عامل قطعی در حفظ حاکمیت و استقلال ملی و تمامیت ارضی کشور در برابر دسایس و توطئه های گوناگون امپریالیزم به شمار میرود.

هموطنان گرامی!

درین هنگام تجلیل از شصت و سومین سالگرد استرداد استقلال کشور، مردم افغانستان به حق بر کارنامه های تاریخی مبارزان راه آزادی کشور مباحثات و فخر می نمایند و از نام فرزندان وطن غازی امان الله که استقلال کشور در زمان وی با پیکار مقدس توده های مردم و به قیمت جان های شیرین و ارزشمند شهیدان راه آزادی حاصل گردید، با نیکویی و تمجید فراوان یادآوری می کنند.

این امر که پیکار دلیرانه و موفقانه مردم افغانستان در برابر امپریالیزم انگلیس و استرداد استقلال کشور ضربه محکمی بر زنجیر استعمار وارد نمود و موجب گسترش مبارزات آزادیخواهی در کشورهای آسیا گردید، مایه افتخار همیشگی ما بوده و خواهد بود.

خواهران و برادران هموطن!

استقلال افغانستان که باجانبازی و از خودگذری فرزندان برومند وطن و سرسپرده گان راه آزادی و قهرمانی توده های مردم به دست آمد، با توطئه ها و دسایس استعمارگران مکار انگلیس به همراهی ارتجاع سیاه داخلی، در معرض خطر نابودی قرار گرفت و تا دیرزمانی آرمان های پاک این شهیدان راه استقلال و خواستهای وطنپرستان برآورده نگردید.

امپریالیزم انگلیس برای سقوط امان الله شاه و به قدرت رساندن چاکران خویش و جلوگیری از رشد مستقل افغانستان آزاد به کمک عمال ننگین خود و با استفاده از عقب مانده گی کشور و ایجاد عقب مانده گی کشور و ایجاد تفرقه، دامن زدن به

تعصبات و خرافات و سوء استفاده بیشتر ما نه از احساسات مذهبی مردم و نام دین مقدس اسلام و با حيله و نیرنگ های گوناگون حقایق و ماهیت نهضت امانی را به توده های مردم و ارو نه جلوه داده موفق گردید پلان های شوم و اسارت بار خود را عملی سازد. به این ترتیب وطن محبوب ما و مردم سلحشور و با شهامت ما برای ده ها سال در قید نفوذ و دام نیرنگ نیروهای امپریالیستی و ارتجاعی حاکمیت جباران، مستبدان، جانب و استثمارگران باقی ماند و جلو رشد مستقل و ملی کشور گرفته شد. اما مبارزات دلیرانه و پیکار مقدس مردم ما علیه وابسته گی به امپریالیزم و علیه تسلط دودمان مستبد سلطنتی و اشرافی نادر هیچگاهی متوقف گردید. در فرجام همین مبارزات هستی ساز و دشمن سوز انقلاب ملی و دموکراتیک ثور تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان به پیروزی رسید و به حکمروایی محافل ارتجاعی و وابسته به ارتجاع و امپریالیزم خاتمه بخشید.

تنها بعد از پیروزی انقلاب ثور و بخصوص مرحله نوین آن زمینه های واقعی برای برآورده شدن آرمانهای شریفانه و انسانی و وطنپرستان کشور آماده گردید و اکنون ما با استواری و متانت به سوی اهداف عالی و انسانی، در راه ایجاد جامعه شگوفان و عادلانه و در راه تأمین زنده گی شایسته و مرفه برای هموطنان گام بر میداریم. البته شرط اساسی تحقق کامل و سریع این آرمان ها و اهداف سرکوبی کامل و قطعی ضدانقلاب و ایجاد آرامش کامل سراسری و همه گانی در کشور می باشد که عمده ترین جهت فعالیت حزب و دولت انقلابی مارادر وضع کنونی تشکیل می دهد.

باید به اطلاع هموطنان گرامی برسانم که علی الرغم تلاش های مذبحانه ارتجاع و امپریالیزم به سرکردگی امپریالیزم امریکا، علی الرغم تشدید توطئه ها و فعالیتهای آنها و جنگ اعلان نشده علیه افغانستان انقلابی، با وجود بسط و گسترش تبلیغات این محافل دیوانه گی و هستری بیحد ضدانقلاب، باز هم در طی سال گذشته و سال جاری در عرصه های مختلف اعم از نظامی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی پیروزی ها و موفقیت های مهم و بزرگ به دست آمده است.

در نتیجه قهرمانی ها و رشادت افسران و سربازان قوای مسلح قهرمان ما، ایثار و فداکاری و وطنپرستان، اعضای حزب و سازمانهای اجتماعی، باندهای زیادی از اشرار جنایتکار و وحشی در مناطق مختلف کشور سرکوب شده و زنده گی صلح آمیز و پر از آرامش به مناطق مذکور باز گشته است.

هر روز تعداد بیشتری از هموطنان ما ماهیت اصلی دشمنان دیرینه سعادت و آزادی خود یعنی نیروهای ارتجاعی و امپریالیستی به سردمداری امپریالیزم امریکا و هژمونیزم چین را بهتر و بیشتر درد می نمایند و به صفوف مدافعین فعال انقلاب می پیوندند. تعداد زیادی از هموطنان ما و حتی تعدادی از باندهای مسلح از ضدانقلاب بریده سلاح خویش را بر زمین می گذارند. هزاران هموطن فریب خورده ما بادرک

حقانیت انقلاب مشی دولت انقلابی به خانه، ده و سرزمین خود بازمی گردند و به کار صلح آمیز و شرافتمندانه می پردازند. با گذشت هر روز این جریان و پروسه ها تقویت می یابد. این وضع نتیجه قانونمند پیروزی های قوای مسلح ما در برابر ضدانقلاب و کار خسته گی ناپذیر همه ارگان های حزبی و دولتی در جهت توضیح اهداف و آرمان های حزب و دولت انقلابی به مردم می باشد.

با درک همین امر نیز حزب ما در آخرین پلینوم کمیته مرکزی خویش مسئله تقویت کارسیاسی در میان توده ها را مطرح ساخت و مورد ارزیابی قرارداد و تصامیم مهم و مفید اتخاذ کرد. باید خاطر نشان نمود که حزب ما به مثابه پیشاهنگ سیاسی کارگران و کلیه زحمتکشان کشور معتقد به این اصل است که اجرای وظایف تاریخی ما در امر اعمار جامعه نوین و عادلانه و تحقق اهداف شریفانه و انسانی حزب در عرصه های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بدون پشتیبانی و اشتراك فعال و مستقیم توده های مردم ممکن نیست. روی همین منظور هم توسعه و تشدید کارسیاسی در میان توده های مردم به مثابه پشتوانه مطمئن تحولات انقلابی وظیفه عمده و درجه یک کنونی ما به شمار می رود.

در آینده طبق طرح قانون ارگان های محلی قدرت و اداره دولتی که به آرای عامه جهت ابراز نظر گذاشته شده است. سیستم جرگه ها از قرا تا ولایات به صورت آزاد دموکراتیک و عنعنوی تشکیل خواهد گردید که اشتراك همه جانبه و فعال توده های مردم را در امر اداره دولتی و فعالیت های اقتصادی و اجتماعی، سیاسی و فرهنگی به بهترین وجه و دموکراتیک ترین شکل تأمین خواهد کرد.

در نتیجه اقدامات و تصامیم بموقع و با اهمیت و توجه و مواظبت دایمی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، شورای انقلابی و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان، قوای مسلح قهرمان افغانستان به مثابه پاسدار استقلال و حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور، مدافع حیثیت و ناموس وطن، آرامش مردم و نیروی اساسی در سرکوبی ضدانقلاب هم از لحاظ وسایل و وسایط حربی مدرن و هم از لحاظ سطح اکمال پرسونل دارای آماده گی کافی نظامی ارشد و تقویت یافته است. این امر موجب شده است که قوای مسلح ما ضربات مرگباری را بر ضدانقلاب وارد سازد و بسیاری از پلان های شوم شانرا نقش بر آب نماید.

ما قاطعانه تصمیم داریم تا این پروسه تقویت یابد و با تکیه بر توده های مردم و پشتیبانی آگاهانه و شعوری آنان و جب و جب خاک مقدس و دامن وطن را از وجود کثیف و آلوده به ننگی و جنایت ضدانقلاب و عمال امپریالیزم و ارتجاع پاک سازیم و وطن عزیزو باستانی خود را شگوفان و آباد نماییم.

همین اکنون به موازات دفاع مسلحانه از انقلاب در امر تحقق تحولات عمیق اقتصادی و اجتماعی با حداکثر استفاده از امکانات موجود گام های متین و استوار برداشته

میشود. کار اصلاحات ارضی و آب در اکثر ولایات کشور طبق پلان های مطروحه ادامه دارد و وضع اقتصادی کشور از استقرار لازم برخوردار است و در عرصه های اجتماعی و فرهنگی اقدامات مؤثر و مفید صورت میگیرد.

اما طوری که بارها خاطر نشان نموده ایم باز هم تکرار می نمایم که اگر فعالیت های ضدانقلابی وجود نمی داشت، اگر صدور باندهای مسلح ضدانقلاب از آن طرف سرحدات قطع می گردید و مداخلات صریح و بیشرمانه امپریالیزم در امور داخلی کشور خاتمه می یافت گام های به مراتب فراتر در جهت تحقق تحولات و ساختمان جامعه نوین و تأمین رفاه مردم برداشته میشد و دستاوردهای ما در این عرصه ها وسیعتر و عظیمتر می بود.

ازینرو هدف عمده سیاست خارجی ما را در وضع کنونی نیز، قطع مداخلات در امور داخلی و تأمین شرایط بین المللی لازم جهت کار صلح آمیز در راه آبادانی کشور می سازد. تحقق کامل تحولات انقلابی و اجرای موفقانه همه وظایف مرحله کنونی تکامل کشور ما بدون استقرار صلح و آرامش کامل میسر نیست. بنابراین تأمین صلح دوامدار و پایدار در رأس همه اهداف ما قرار دارد.

به این منظور کشور ما به پیشنهادها و ابتکارات مهمی جهت عادی ساختن اوضاع اطراف افغانستان و تأمین مناسبات نیکو حسن تفاهم میان کشور ما و پاکستان و ایران و حل همه پروبلم های موجود از طریق مذاکرات دست زده است. یکبار دیگر موقف اصولی و سازنده خود را تأیید مینماییم. اما در مقابل، امپریالیزم جهانی و وابسته گان ارتجاعی آن از تلاش های خود به غرض استفاده از به اصطلاح "مسئله افغانستان"، باز نیستاده اند.

ولی اکنون به همه گان واضح شده است که امپریالیزم، ارتجاع منطقه و هژمونیزم چین قادر نیستند جلو روند پیشرفت انقلابی را در کشور ما بگیرند درین زمینه همه تلاش های شان به غرض خفه ساختن انقلاب و بدنام نمودن جمهوری دموکراتیک افغانستان محکوم به شکست حتمی است.

مواضع بین المللی کشور ما هرروز تقویت بیشتر می یابد. اکنون جمهوری دموکراتیک افغانستان با بیش از شصت کشور جهان روابط دیپلماتیک دارد. مناسبات ما با اتحاد شوروی و سایر کشورهای جامعه سوسیالیستی مخصوص مفید، ثمربخش و همه جانبه می باشد. مناسبات با بسیاری از کشورهای در حال رشد و مخصوصاً هند، سوریه، جمهوری دموکراتیک یمن، ایتوپیا، لیبیا و غیره با موفقیت بسط و توسعه می یابد.

با ارزیابی عالی و ابراز رضایت کامل از سطح مناسبات با اتحاد شوروی و کمک همه جانبه، برادرانه حیاتی و ضروری و انترناسیونالیستی آن کشور به افغانستان، ما

یکباردیگر از مردم، حزب و دولت شوروی ابراز امتنان می نماییم.

ما با پیروی از مشی اصولی در سیاست خارجی خود در برابر مسایل شرق نزدیک و مخصوصاً در مورد تجاوز بیشرمانه و خونین صهیونیست ها و الهام دهنده گان و کمک کننده گان مستقیم شان یعنی امپریالیست های امریکا علیه لبنان و مردم عرب فلسطین موقف روشن و صریح داریم. ما این تجاوز رهنانه بر کشور دارای حاکمیت را، با شدت هرچه تمامتر تقبیح می نماییم و قطع فوری تجاوز و خروج کامل و بدون قید و شرط عساکر اسرائیلی را از خاک لبنان می طلبیم و پشتیبانی و همبستگی کامل خود را با خلق لبنان، نیروهای ملی و وطنپرست این کشور، جنبش مقاومت فلسطین و سایر خلقهای عرب در مبارزه عادلانه شان به خاطر حقوق عادلانه خود علیه امپریالیزم و صهیونیزم اعلام میداریم.

با استفاده از فرصت یکباردیگر همبستگی رزمجویانه مردم و دولت افغانستان انقلابی را با تمام خلقهای مبارز جهان که به خاطر صلح، دموکراسی، آزادی و استقلال ملی و ترقی اجتماعی بیکار می نمایند، ابراز میداریم.

در فرجام یکباردیگر به مناسبت سالروز استرداد استقلال وطن محبوب به همه هموطنان، به همه فرزندان دلیر و غیور وطن، به همه رزمجویان ملی و وطنپرست کشور، به همه خواهران و برادران هموطن که در هر گوشه و کنار وطن، در خم و پیچ دره ها، در کشتزارها و فابریکه ها، مؤسسات دولتی، در مکتب و مدرسه، مسجد و شفاخانه مصروف انجام وظایف انسانی در راه اعمار وطن محبوب اند، دروهای گرم و شادباش های قلبی خود را می فرستم.

زنده و شگوفان باد وطن انقلابی ما افغانستان!

زنده باد مردم آزاده و شرافتمند افغانستان!

زنده باد صلح و آزادی در سراسر جهان!

درود پرشور و آتشین به روان پاک شهدای راه آزادی و استقلال افغانستان انقلابی و پرافتخار ما!

با پیروزی ششم جدی، تمامیت ارضی، استقلال و حاکمیت ملی، انقلاب و زحمتکشان ما، از خطر نابودی نجات یافت

پیام به هموطنان مقیم در خارج از کشور

۲ سنبله ۱۳۶۱

برادران!

انقلاب ملی و دموکراتیک ثور ضربه مرگباری بر تسلط جابرانه فیودالها و بیروکرات های فاسد زد که سالهای متمادی مردم ما را در فقر، مرض و بیسودی نگهداشتند و به شایسته گی مردم ما و حقوق حقه آنها هیچگونه اعتنایی نمی کردند. انقلاب ثور سر آغاز راه نوین و بزرگی است که مردم ما را به سوی خوشبختی، آزادی کامل از قید و بند هر نوع مناسبات ظالمانه فیودالی و ماقبل فیودالی به سوی فرهنگ نوین، صحت، تمدن و پیشرفت میبرد.

با پیروزی انقلاب کسانی که دارای زمین های فراوان و سرمایه های بزرگ و قدرت بی پایان بودند، منافع خود را در خطر دیدند جنگ و کینه جویی علیه انقلاب را به راه انداختند. در این جنگ بیرحمانه علیه وطن شما، امپریالیزم جهانی به سرکرده گی امپریالیزم ایالات متحده امریکا، رژیم های ارتجاعی منطقه و چین عظمت طلب، مرتجعین و فیودالها و صاحبان سابقه قدرت در کشور ما دست به دست هم داده و از ارتکاب هیچ نوع جنایت و خرابکاری علیه مردم ما دریغ نورزیده اند.

از جانب دیگر در درون حزب و دولت انقلابی در اولین روزهای پیروزی انقلاب، امین و باند وی دست به توطئه علیه نیروهای اصولی، سالم، انساندوست و واقعبین حزب دموکراتیک خلق افغانستان زدند. آنان بعد از غضب کامل قدرت، بدترین انواع شکنجه، جنایت و آزار را بر مردم ما روا داشتند. این دسیسه، کمکی بود به دشمنان انقلاب که در انتظار چنین اشتباهات مرگباری از جانب ما بودند تا ضدیت خود را با انقلاب ما توجیه نمایند. ولی هموطنان!

شما آگاه باشید، که این جنایات و انحرافات با ماهیت انقلاب ما در مغایرت کامل قرار دارد. امروز ما قانونیت دموکراتیک را به معنی واقعی آن در کشور مستقر ساخته به حقوق و آزادی های مردم خود قانونیت خدشه ناپذیر بخشیده ایم. پیروزی ششم جدی تمام دسایس کشورهای ارتجاعی منطقه و امپریالیزم را به خاک یکسان کرد. آنان در پی توطئه گری وسیعی علیه کشور ما برخاستند.

در نتیجه، تمامیت ارضی، استقلال و حاکمیت ملی و دستاوردهای انقلابی مردم ما با خطر جدی روبرو گردید. ما به خاطر دفاع از وطن در برابر تجاوز بیگانه گان ناگزیر شدیم از دوست دیرینه و واقعی مردم افغانستان یعنی اتحاد شوروی طلب کمک عاجل نماییم.

دشمنان انقلاب که به این ترتیب نقشه های شوم خود را مواجه به شکست دیدند، تبلیغات را به راه انداختند و ادعا نمودند که گویا افغانستان تحت اشغال اتحاد شوروی در آمده است. این تهمت است ناجوانمردانه و بکلی دور از واقعیت. کمک برادرانه اتحاد شوروی موافق با قرارداد دوستی افغان شوروی مورخه ۵ دسامبر ۱۹۷۸ و ماده ۵۱ منشور ملل متحد صورت گرفته است.

هموطنان!

ما از برادر کشی، نفاق و کینه در میان مردم خود نفرت داریم. ما همیشه در راه وحدت عمل و تحکیم برادری میان تمام قباایل اقوام و ملیت های ساکن کشور محبوب و واحد ما افغانستان مبارزه کرده ایم و در آینده نیز از هیچگونه تلاشی در این راه دریغ نخواهیم ورزید.

در طول دو نیم سالی که از سر نگونی رژیم خونبار امین می گذرد، ما نشان داده ایم که خدمتگزاران واقعی و سرسپرده مردم خود هستیم.

به شما هموطنان اطمینان میدهم که در کشور ما وضع رو به بهبودی است. کسی به خاطر معتقدات مذهبی و تمایلات سیاسی و ایدئولوژیک خود تا وقتی که دست به توطئه و عملیات خرابکارانه علیه مردم و انقلاب ما نزده است، مورد آزار، پیگرد و باز پرس قرار نمیگیرد. حقوق، آزادی ها، ملکیت و شخصیت افراد محفوظ است. ما به این امر با گذشت صلحجویانه خویش در قبال هموطنانی که فریب خورده اند با فرمان عفو عمومی مؤرخ ۳۲۸ ر ۱۳۶۰ هیات رئیسه شورای انقلابی قوت قانونی بخشیده ایم.

شما در غربت و دور از وطن، بازنده گی دشوار، بی محتوا، دور از کانون گرم خانواده گی و در توهین دایمی به سر میبیرید. در حالیکه انقلاب برای شما زمین، امکان کار، تحصیل و سهمگیری در سرنوشت جامعه را مهیا میسازد.

آیا میدانید که امپریالیزم امریکا رژیم های پاکستان و چین از شما مانند وسیله آسان و ارزان استفاده به عمل می آورد؟

شما از خود هیچ اختیار ندارید. این به اصطلاح رهبران احزاب نام نهاد جمعیت و حرکت اسلامی و غیره است که خود در کاخ های مجلل مانند شاهان به سر میبرند

و شما را مورد معامله قرار میدهند. به شما اطمینان میدهم که ما به هر حال امنیت کامل را در کشور برقرار خواهیم ساخت.

انقلاب ما روبه استحکام است و صفوف هرچه وسیعتری از مردم به دور آن حلقه میزنند.

زنده گی نشان میدهد که حزب ما روز بروز نیرومندتر و پیوند آن با مردم محکمتر میشود و دشمن زبونتر میگردد.

به نام ننگ و غیرت افغانی، به نام وطن بیدار شوید و به وطن بر گردید. به وطن تان که در انتظار شماست و برگردن شما دین و حق دارد، بر گردید! وطن شما را در آغوش خود می پذیرد. هنوز هم دیر نشده است از راهی که به خطا و در اثر فریب دشمن رفته اید، منصرف شوید!

به صدای پر عظمت و وطن جواب بدهید و زنده گی عادی، انسانی پر غرور و آزاد را در وطن آبایی و پرافتخار خویش از سر بگیرید. درین جهت هیچ مانعی در سر راه شما وجود ندارد. دولت و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان برای شما شرایط لازم را جهت اشتغال به کار ثمر بخش و مفید اجتماعی و زنده گی شایسته انسانی تأمین مینماید. از این امکان واقعی که میتواند سرنوشت شما و کودکان تانرا به طور مطلوب و پرافتخار تغییر بدهد استفاده کنید.

بیاوید! با هم وطن زیبای خود را معمور و شگوفان سازیم. وطن به شما ضرورت دارد.

شعور عالی انقلابی و وفاداری به آرمانهای انقلاب باید به مشخصه خصلت سربازان و افسران مبدل گردد

بیانیه هنگام ملاقات با سربازان و افسران فرقه ۱۸ پیاده

۲۵ سنبله ۱۳۹۱

رفقای محترم!

برای من جای مسرت بزرگی است که با سربازان، خردضابطان و افسران دلیر قوای پرافتخار پیاده بلخ ملاقات می‌کنم. سپاهیان قوای پیاده بلخ مانند تمام منسوبین قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان، فعالانه و قهرمانانه در عملیات محاربوی علیه باندهای ضدانقلاب اشترک ورزیده و با وارد آوردن ضربات قطعی بالای آنها شرایط مساعد را برای تحکیم هرچه بیشتر حکومت مردمی و دفاع اطمینان بخش از دستاوردهای انقلاب شکوهمند ثور میسر ساخته‌اند. بسیاری از افسران خردضابطان و سربازان غیور شما به پاس شجاعت، دلاوری و از خودگذری که حین مبارزات سخت علیه نیروهای ناپاک اشترار از خود تبارز داده‌اند، به دریافت نشان‌ها و مدال‌های دولتی مفتخر گردیده‌اند.

شک نیست که هر فرد، هر خانواده افغان و تمامی مردم نجیب و غیور افغانستان به قهرمانی‌های بینظیر آنان مباحات میکنند.

وفقاً!

اعمار زنده‌گی نوین در جمهوری دموکراتیک افغانستان در شرایط اوضاع متشنج سیاسی و نظامی صورت می‌گیرد. نیروهای اشغالگر امپریالیزم و به نوبه اول امپریالیزم جها نخوار امریکا سعی و تلاش دارند تا مناسبات بین المللی را از راه راستین تخفیف تشنجات به راه دامن زدن مناقشات و تضادها و نوسان خطرناک بین جنگ و صلح منحرف سازند.

در حال حاضر نیروی بالقوه جنگی پیمان ناتو افزایش یافته است. جاپان، چین و پاکستان به طور تب آلود خود را مسلح می‌سازند.

امپریالیزم بین المللی به کوشش‌هایی دست می‌یازد که از به اصطلاح "مسئله افغانستان"، برای تشدید تشنجات بین المللی استفاده نماید.

نیروهای امپریالیستی که در رأس آن ایالات متحده امریکا قرار دارد با اتکا به

دستیاران خویش در پیکنگ و اسلام آباد، جنگ اعلان نشده را علیه کشور محبوب ما به راه انداخته اند. در خاک افغانستان با پشتیبانی این نیروهای سیاه باندهای اجیران ضدانقلابی به اعمال غیرانسانی خویش میپردازند. آنها مردم شریف ما را ترور نموده اعمال وحشیانه و ضد انسانی را مرتکب میشوند. آنها با ارتکاب جنایات بیشمار چون قتل و قتل مردم بیگناه، اعمال زجر و شکنجه، آتش زدن مساجد و مکاتب، اساس های دین مقدس اسلام را پایمال می کنند. اکنون به جرم سرکرده گان باندهای ضدانقلابی در سرزمین کشور محبوب ما، خون گرم فرزندان شریف مردم آزادیخواه و زحمتکش ما ریخته میشود.

اعضای سازمانهای ضدانقلابی ۱۴۷۹ مکتب را ویران کردند چنانچه مبلغ ۲۱۳ میلیون افغانی خساره وارد آوردند و امکان تحصیل را برای در حدود ۱۵۰ هزار شاگرد مکاتب از بین بردند. آنها سی شفاخانه را سوختند در حالیکه در کشور به وجود شفاخانه ها، دکتوران و بهبود صحت عامه ضرورت نهایی احساس میگردد.

راهزنان، معلمین را به قتل می‌رسانند، به این گناه که آنان اطفال را با سواد می‌سازند. راهزنان روحانیون را به قتل می‌رسانند گویا گناه آنها این است که به صورت صحیح اهداف انقلاب ثور را درک کرده و طرفدار دولت مردمی شده اند.

عناصر ضدانقلاب سعی و تلاش دارند فضای ترور و احساس ترس و وحشت را برقرار کرده دولت و رژیم را سرنگون ساخته و رژیم فیودال ها و استثمارگران را باز گردانند.

درین شرایط، کمیته مرکزی ج. د. خ. ا، شورای انقلابی و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان پیگیرانه خط مشی اصولی خود را برای نابودی کامل ضدانقلاب، بهبود مزید شرایط زنده گی توده های وسیع زحمتکش، بلند بردن سطح کلتوری مردم و انکشاف همه جانبه تمام ملیت ما، اقوام و قبایل افغانستان تعقیب مینمایند. تمام مسایل مذکور در برنامه عمل که در کنفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان تصویب شده، انعکاس یافته است.

پروبلم های نضج یافته، ارتقای سطح آگاهی توده ها و فعالیت های سیاسی شان در امر دفاع از انقلاب ثور و تکامل مزید آن، چندی پیش از طرف نهمین پلینوم کمیته مرکزی ج. د. خ. ا مورد بحث همه جانبه قرار گرفت و تصامیم لازم در مورد اتخاذ گردید.

پلینوم کمیته مرکزی ج. د. خ. ا. پدیده مهم در زنده گی حزب و کشور بود. در فیصله های آن وظایف مبرم فعالیت سیاسی و سازماندهی ارگان های دولتی و حزبی، مرکزی و محلی و تمام سازمانهای اجتماعی افغانستان تعیین شده است. تصامیم پلینوم وظایف صحیح را در برابر کادرهای حزبی، دولتی و نظامی در مورد فعالیت سیاسی میان

مرد، ارتقای سطح تولیدات صنعتی، زراعتی و تحکیم مزید قابلیت محاربه‌ی قوای مسلح مطرح نمود.

تمام مردم شرافتمند افغانستان تصامیم حزب را منحصراً پروگرام رزمی خویش پذیرفته مصمم اند تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان به آرمان قدیمی بهترین نماینده گان خود مبنی بر اعمار افغانستان صلح آمیز، آزاد و پرشکوه، جامه عمل ببوشانند.

باوجود دشواریها و مصایبی که از طرف عناصر ضدانقلابی به میان آمده است، کشور ما به موفقیت بلاشک در امر انکشاف اقتصاد ملی نایل میاید.

تولید انواع اصلی فرآورده های صنعتی یعنی انرژی الکتریک، زغال و گاز افزایش یافته است. تدابیری در خصوص تقویت کشاورزی اتخاذ میگردد. اصلاحات ارضی و توزیع آب بر اصل دموکراتیک صورت می گیرد که طی آن دهقانان، زمین و ابزار زراعتی و غیره را از دولت دریافت می دارند. دگرگونیهای مثبت و ثمر بخش در رشته تجارت به چشم میخورد.

ما از این واقعیت مسروریم که علی الرغم اعمال خرابکارانه دشمنان انقلاب مواضع و حیثیت جمهوری دموکراتیک افغانستان در صحنه بین المللی تحکیم می یابد. مناسبات برادرانه محکم با همسایه کبیر ما اتحاد شوروی و کلیه کشورهای سیالیستی، همبستگی و یکپارچه گی انقلابی مردمان با مبارزه ما به این امر مساعدت مینمایند. توجه خاص را ما جهت تحکیم دوستی افغان- شوروی مبذول میداریم. اتحاد شوروی کمک و یاری همه جانبه و بی شائبه را برای ما میرساند. در اثر این کمک، اقتصاد کشور، علم، فن و فرهنگ به پیش میروند و قدرت نظامی و تکنیکی قوای مسلح هرچه بیشتر استحکام میبذیرد و امکانات رزمی آنها افزایش حاصل می کند.

این دوستی برادرانه، ضامن پیروزی نهایی انقلاب ثور و امنیت بین المللی جمهوری دموکراتیک افغانستان و اعمار زنده گی نوین در افغانستان میباشد.

رفقا، سربازان، خردضابطان و افسران!

تحکیم قابلیت تدافعی کشور قوای مسلح، یکی از جهات اصلی فعالیت های کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و بیروی سیاسی آن را تشکیل میدهد و در اثر مواظبت دایمی حزب، حکومت انقلابی و مردم ما، قوای مسلح کشور ما با سربازان و خردضابطان، افسران و جنرالان وفادار به وطن اکمال گردیده است.

آنها با تخنیک و اسلحه معاصر مجهز اند و کلیه وسایل مادی را در اختیار خود دارند و قدرت کوبنده را در برابر دشمنان انقلاب می سازند. فرمان شورای انقلابی در باره تغییرات در مدت سپری نمودن دوره مکلفیت و همچنان در باره امتیازات اضافی برای

منسوبین و اشخاص احتیاط، شاهد جدید مواظبت دایمی حزب و حکومت از مدافعین مسلح وطن میباشد. همان طوریکه شما مستحضردید، مطابق فرمان فوق الذکر دوره خدمت در قوای مسلح الی سه سال تمدید گردیده است. این اقدام خصلت موقتی دارد و با آمال و تقاضا های مردم برای سرکوبی سریع باندهای ضدانقلابی و برقراری زنده گی صلح آمیز و آرام دارای ارتباط ناگسستنی می باشد. در عین زمان حکومت امتیازات متعدد را به دسترسی منسوبین عسکری میگذارد.

سربازان قوای مسلح از اقدامات حزب و دولت استقبال و پشتیبانی کردند. آنان در مواظبت حزب و دولت، بیدریغانه به نفع پدر وطن و مردم زحمتکش و شریف آن خدمت نموده با بذل فداکاری ها و قربانی ها به خاطر ناموس، آزادی و تمامیت ارضی و استقلال افغانستان پیکار مینمایند.

از آنجایی که نیروهای امپریالیزم و ارتجاع سیاه جنگ اعلان نشده را علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان ادامه میدهند و باندهای ضدانقلابی هنوز سلاح خود را به زمین نگذاشته اند، تحکیم قدرت دفاعی کشور و ارتقای قابلیت محاروبی جزو تمام های بزرگ و قطعات اردو، نخستین و جیبیه حزب، مردم و قوای مسلح بوده است و خواهد بود.

همانطوریکه به شما معلوم است ارتقای قابلیت محاروبی اردو نباید خصلت موقتی و فصلی داشته باشد، قابلیت محاروبی قوت ها باید به طور دوامدار ارتقا یابد.

موضوع صحبت ما بر سر این است که باید فعالیت سوق و اداره قوماندانان و قرارگاه ها و ارگان های سیاسی و کیفیت ملکه و ممارثه اوپراتیفی، تکتیکی و محاروبی قوتها بهبود و مؤثریت عملیات محاروبی ارتقا یابد.

ارگان های سیاسی و سازمانهای حزبی قرارگاه ها نقش مهم را در امر مکملتر ساختن قابلیت محاروبی ایفا مینمایند.

آنها مؤظف اند فعال بودن مسؤولیت اعضای حزب را در قرارگاه ها و سایر ارگان های سوق و اداره و در برابر تعلیم و تربیه افسران و تمام پرسونل بالا ببرند.

حفظ و ارتقای قابلیت محاروبی جزو تمامهای بزرگ قطعات و وظیفه مقدس کلیه افسران، اعضای حزب، سازمان جوانان، خردضابطان و سربازان میباشد.

آموختن عمیق و استعمال مؤثر سلاح و وسایل دست داشته یکی از مهمترین وظایف عساکر قوای مسلح را تشکیل میدهد. اسلحه و تخنیک محاروبی زیربنای مادی قابلیت محاروبی جزو تمام های بزرگ و قطعات میباشد.

این سلاح فقط در آن صورت اثر بخش است که در دست ماهر وبا تجربه قرار داشته باشد.

به این علت وظیفه هر عسکر، سرباز، خرد ضابط و افسر، استفاده ماهرانه از سلاح و تخریک محاربوی در هرگونه شرایط و در هرگونه وضع میباشد.

کارهای افسران نقش مهمی را در امر بالا بردن قابلیت محاربوی قوت ها ایفا مینمایند.

رویهمرفته قوای مسلح ما افسران با تجربه را که قادر هستند مادونان خویش را بیاموزانند و تربیه نمایند در اختیار دارد. اما زنده گی و فعالیت محاربوی تقاضای بازهم بالاتر را در برابر کادرهای قوماندانی سیاسی، انجیری و تخریکی مطرح میکند. همه اینها هر افسر را مؤظف مینماید که آگاهی سیاسی، تعلیم و تربیه مسلکی خویش را ارتقا داده مهارت خود را به حیث معلم و مربی تکمیل نماید.

وظیفه اساسی تمام قوماندانان، ارگان های سیاسی، سازمانهای حزبی و جوانان عبارت از آنست که امور ایدیولوژیکی، سیاسی و پرورش را به سوبه ایجابات سری و پلینوم نهم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ارتقا داده و پرسونل خود را با روحیه وحدت کامل به دور کمیته مرکزی وفاداری بی پایان به حزب، حکومت انقلابی وطن محبوب و مردم زحمتکش کشور خود داشتن احضارات دایمی برای دفاع مسلحانه از منافع میهن پرورش دهند. این مساعی باید طوری تنظیم گردد که تمام کار سیاسی و پرورش با وظایفی که در برابر جزعوتامها و قطعات در امر تحکیم دسپلین و انضباط قرار دارند، پیوند ناگسستنی داشته باشد.

منافع دفاع از انقلاب ثور ایجاب مینماید تا تمام منسوبین اردو با آگاهی سیاسی عالی و جیبیه مقدس عسکری خود را عمیقاً درک نموده و در ارتقای مهارت محاربوی و انضباط و دسپلین خویش بکوشند. شعور انقلابی عالی و اعتماد راسخ به آرمان های والای انقلاب، شناخت درست دشمنان طبقاتی و داشتن احساس انزجار و نفرت عمیق نسبت به آنان، باید به خصوصیات فارقه سربازان مامبدل گردد.

برحق میگویند که سرباز خود به خود به وجود نیامده هیچ کسی از بدو پیدایش سرباز نمی باشد. بلکه از اثر مساعی خستگی ناپذیر است که میتوان سرباز خوب شد. خواص آنرا به دست آورد. این پروسه در صورتی سرعت بیشتر به خود کسب میکند که ما، دانش عظیم انقلابی را هرچه عمیقتر بیاموزیم. ما باید اصول ساختمان زنده گی نوین و فن نظامی را برای امحای قاطعانه دشمنان فرا گیریم.

رفقا! اجازه بدهید، به نماینده گی از کمیته مرکزی ح. د.خ. اظهار امیدواری نمایم که سربازان دلیر قوای پرافتخار پیاده بلخ در آینده نیز وظایف مقدس محوله خود را در برابر وطن انقلابی خویش ادا نموده از دستاوردهای تاریخی انقلاب شکوهمند

ثور با شجاعت و ايستاده گي دفاع كرده شرايط اطمينان بخش اعمار جامعه نوين را فراهم سازند.

زنده باد انقلاب ظفرآفرين ثور!

زنده باد حزب دموكراتيك خلق افغانستان، اين نيروي الهامبخش پيروزي هاي ما!

افتخار جاويدان به قواي مسلح قهرمان ما!

طبقه کارگر افغانستان، تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان در اتحاد با سایر زحمتکشان، انقلاب را به پیش میبرد

بیانیه در فابریکه کود و برق مزار شریف

۲۵ سنبله ۱۳۶۱

رفقا! زنان و مردان کارگر فابریکه کود و برق بلخ باستانی!

کارگران پیشاهنگ خلق افغانستان! از طرف خود و از طرف مقامات رهبری حزب و دولت دروهای آتشین و گرم انقلابی کارگری را به شما تقدیم میدارم.

رفقای کارگر!

حزب شما که به نام حزب دموکراتیک خلق افغانستان شهرت ملی و بین المللی دارد در واقعیت امر حزب شما حزب طبقه کارگر و تمام زحمتکشان افغانستان است.

زهی افتخار و احترام به طبقه کارگر زحمتکش، دلیر، شجاع، انترناسیونالیست و وطنپرست افغانستان. جنبش های پرافتخار و عظیم کارگری افغانستان قبل از سرنگونی سلطنت، ثبت صفحات زرین تاریخ نهضت کارگری افغانستان گردیده است. در واقعیت امر قبل از سرنگونی طبقات حاکمه ستمگر و استثمارگر نیروی محرکه همانا نهضت کارگری افغان ها بود که حزب دموکراتیک خلق افغانستان یعنی حزب طبقه کارگر افغانستان توانست درفش انقلاب ثور را در اهتزاز آورد و برای نخستین بار و در مدت کوتاهی طبقات حاکمه را سرنگون سازد.

برادران و خواهران کارگر!

امروز جهان ارتجاع، استعمار، استثمار نوین، امپریالیزم، صهیونیزم، فاشیسم و تمام ارتجاع بین المللی از نام طبقه کارگر یعنی پرولتاریا، از تمام اعماق جان و روح خود در لرزش است و تب لرزه آنها را فرا گرفته است. زیرا ایدیولوژی طبقه کارگر و آرمان های طبقه کارگر برای تمام بشریت، تمام زحمتکشان، تمام خلق های جهان نجاتبخش است.

حرف مشهور رهبر کارگران جهان است که شعار داد: «کارگران جهان با هم متحد شوید»؛ در وقت قیام کارگران پاریس در اروپا اعلان کرد که این عمل قهر مانا نه مظهر فتح و پیروزی تمام زحمتکشان جهان است، مگر رهبران احزاب طبقه کارگر در اروپا و در غرب در بعضی کشورها مرتکب خیانت گشتند و به استثمارگران

تسلیم شدند. تنها و تنها حزب طبقه کارگر تحت رهبری ولادیمیر ایلیچ لنین در روسیه، درفش پیروزمند تمام کارگران و زحمتکشان جهان را بر افراشت و چهره جهان را دگرگون ساخت. این امر به پیشاهنگی طبقه کارگر یعنی پرولتریای روسیه برای جهانیان جنبش های آزادیبخشی را مژده داد. به تاسی از آن بود که در سراسر جهان در قاره آسیا افریقا و امریکای لاتین جنبش های آزادیبخش ملی آغاز گردید و استقلال افغانستان در اثر تأثیرات انقلاب کبیر اکتوبر و به اراده خود مردم زحمتکش افغانستان حاصل شد.

رفقای کارگر!

اکنون در افغانستان کارگران قهرمان و زحمتکش انقلابی ما به اتحاد میلیون ها دهقان کشور ما و سایر زحمتکشان، روشنفکران مترقی و صاحبان ملکیت کوچک و متوسط ملی و روحانیون، در اتحاد با تمام خلقها، ملیت ها، اقوام و قبایل کشور یکجا امر انقلاب ثور را شجاعانه و دلیرانه به پیشاهنگی حزب خود یعنی حزب دموکراتیک خلق افغانستان به پیش می برند.

رفقای کارگر! بدون اتحاد کارگران و دهقانان ایجاد جامعه نوین، آزادی، ترقی، دموکراسی و رفاه ناممکن است. لذا باید این شعار جزء شعار زنده گی طبقه کارگر جوان ما باشد، زنده باد اتحاد کارگران و دهقانان و سایر زحمتکشان!

رفقای کارگر!

بدون طبقه کارگر در یک کشور، بدون صنعتی ساختن کشور، امر انقلاب آزادیبخش ایجاد جامعه نوین مرفه و جامعه دموکراتیک و عادلانه ناممکن است. با کمال افتخار طبقه کارگر جوان افغانستان متحد و فشرده نقش بزرگی انقلابی خود را هم در جبهه مبارزه علیه ضدانقلاب و هم در جبهه اقتصاد و تولید موفقانه و پیروزمندانه به پیش میبرد.

طوری که تجربه انقلاب های کارگری جهان، انقلاب های آزادیبخش ملی و اجتماعی بخصوص تجربه دوست صدیق و برادر تاریخی ما اتحاد شوروی نشان میدهد، تنها و تنها طبقه کارگر یک کشور است که میتواند در اتحاد با دهقانان، علیه گروه های اشرار مبارزه کند. از صنایع و فابریکه خود دفاع نماید. به کمک دهقانان بشتابد، اصلاحات ارضی و توزیع آب را برای دهقانان ادامه دهد و درین زمینه به آنان کمک نماید و عملاً بفهماند که این کارگران اند که واقعا پیشاهنگی انقلاب میباشند و تمام مردم زحمتکش را از چنگال وحشیانه، ددمنشانه و شیطانی طبقات جبار، ستمگر و استثمارگر نجات میدهند.

این طبقه کارگر افغانستان آزاد و مستقل است که به پیشاهنگی حزب خود، به کمک اتحادیه های کارگری خود در یک جبهه ملی پدر وطن دوشادوش سایر سازمانهای

اجتماعی، اتحادیه های کارگری خود کوپراتیف های دهقانی و سایر سازمانهای اجتماعی، سازمانهای دموکراتیک جوانان و زنان و روشنفکران در راه تحقق بخشیدن و پیاده کردن آرمان های انقلاب نور، آرمانهای نجاتبخش حزب دموکراتیک خلق افغانستان میتواند که تمام این نیروها را رهبر و پیشاهنگ باشد.

رفقای کارگر!

تاریخ جامعه، وطن و مردم رسالت عظیم و بزرگ تاریخی را به عهده شما طبقه جوان کارگر افغانستان و حزب شما یعنی حزب دموکراتیک خلق افغانستان گذاشته است، امروز ارتجاع منطقه، امپریالیزم و در رأس امپریالیزم جها نخوار امریکا و هژمونیزم عظمت طلب چین و متحدین ارتجاعی بین المللی آنها یک جنگ اعلان ناشده را علیه افغانستان انقلابی، علیه انقلاب ملی و دموکراتیک ضد فئودالی و ضد امپریالیستی، علیه قیام پرشکوه و پر جلال کارگران و زحمتکشان افغانستان در وجود انقلاب ثور و مرحله نوین آن، به پیش می برند. نسبت به هر وقت دیگر وظیفه حاد و مبرم ماست. وظیفه جدی ماست که باید تمام مردم افغانستان تحت رهبری طبقه کارگر جوان خود و به پیشاهنگی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در یک جبهه ملی پدروطن به مثابه یک مشت آهنین کارگری باهم یکجا، علیه ضدانقلاب و تجاوزات خارجی پیکار آزادیبخش و مبارزه بی امان را به پیش ببرند.

رفقای کارگر!

آرمان مردم زحمتکش افغانستان و آرمان ایجادیک وطن سر بلند و پرافتخار در وجود کنفرانس سرتاسری حزب ما، در وجود برنامه عمل و در فیصله های نهمین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، واضح و علماً تدوین گردیده است. انقلاب ما نقطه توقف ندارد. گام به گام و مرحله به مرحله تحول میکند تا طبقه کارگر به اتحاد دهقانان کاملاً حاکمیت سیاسی و اجتماعی خود را در افغانستان تحکیم بخشد.

زنده باد طبقه کارگر افغانستان! زنده باد تمام کارگران جهان، برادران طبقه کارگر ما!

طبقه کارگر افغانستان با اتحاد دهقانان و سایر زحمتکشان و متحدین خود، تمام مردم زحمتکش افغانستان گام به گام و مرحله به مرحله انقلاب ثور را رشد و تکامل میدهند و جامعه بی را به وجود می آورند که در آن کشور شگوفان می شود. کشور کاملاً صنعتی میگردد. اصلاحات ارضی دموکراتیک و عادلانه کاملاً تطبیق میشود انقلاب فرهنگی به انجام می رسد. کارگران ما، زحمتکشان ما مرحله به مرحله از یک پیروزی و به پیروزی دیگر بی امان، شجاع و دلیر با قدرت و شعور و آگاهی کارگر پرولتری به پیش میروند.

زنده باد انقلاب!

تجارب ارزشمند حزب سوسیالیست کارگری مجارستان،

ما را در امر ساختمان جامعه نوین کمک می نماید

بیانیه در ضیافت بوداپست

۱۲ میزان ۱۳۶۱

رفیق گرامی یا نوش کادار منشی اول کمیته مرکزی حزب سوسیالیست کارگری مجارستان، رفیق گرامی پال لوشانسی رئیس شورای ریاست جمهوری مردم مجارستان، رفقای محترم!

اجازه دهید، مقدم بر همه به مناسبت دعوت برای بازدید از کشور زیبای مجارستان و به خاطر سخنان رفیقانه و مملو از صمیمیت شما و پذیرایی گرمی که از ما نماینده گان حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان به عمل آمده، مراتب سپاس عمیق خود و هیات نماینده گی حزبی و دولتی جمهوری دموکراتیک افغانستان را به شما رفیق گرامی یانوش کادار منشی اول حزب سوسیالیست کارگری جمهوری مردم مجارستان، همه کمونیست ها و زحمتکشان صلحدوست، صمیمی و مهمان نواز مجارستان سوسیالیستی تقدیم بدارم.

برای ما جای نهایت مسرت است که از کشور زیبای شما بازدید می کنیم. ما عمیقاً معتقد هستیم که ملاقات های ما با شما و دیگر رهبران کشور شما در جهت بسط و توسعه مناسبات برادرانه طراز عالی ما که با پیروزی انقلاب ثور آغاز یافت و مرحله نوین و تکاملی انقلاب آن را به مرحله عالی تکامل کیفی ارتقا داد، نقش مهمی را ایفا میدارد.

رفقای مجاری ما نیز میدانند که ما به ابراز همبستگی رزمجویانه حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان اکنون قاطعانه و مصمم، با وجود ادامه جنگ اعلان ناشده امپریالیزم و ارتجاع علیه کشور ما و اقدامات جنایتکارانه نیروهای ضدانقلاب همزمان با تأمین امنیت و قانونیت دموکراتیک پروگرام تحولات ملی و دموکراتیک را به نفع مردم عذابدیده و زحمتکش جمهوری دموکراتیک افغانستان با قوت و نیرومندی تعمیل می کند.

سیاست خارجی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان به اساس اصول دوستی، همزیستی مسالمت آمیز، انترناسیونالیزم پرولتری و عدم انسلاک استوار است. این سیاست پیوند ارگانیک با ماهیت ساختمان جامعه نوین در کشور ما دارد.

درست بر پایه این سیاست خارجی صلحجویانه است که کشور ما دوباره پیشنهاد های چهارده می ۱۹۸۰ و بیست و چهار اگست ۱۹۸۱ را در ارتباط با حل معضلات منطقه ما مطرح نمود که تا کنون کشورهای همسایه ما ایران و پاکستان موضع مشخص و سازنده اتخاذ ننموده اند. مساعی ما برای حل پروبلم های منطقه ما قاطعانه دوام دارد که مذاکرات اخیر ژنیو میتواند نمونه مهم و صریحی در زمینه باشد.

رفقای گرامی!

ما در فعالیت سیاست خارجی خود نه تنها پیشنهاد های صلح اتحاد شوروی مصوب کنگره بیست و ششم حزب کمونیست اتحاد شوروی را در زمینه تأمین صلح در اروپا و جهان پشتیبانی و تأیید می کنیم، بلکه قاطعانه در راه تحقق آن نیز مبارزه می نماییم. باید تأکید بداریم به تطبیق پیشنهاد های پنج فقره یی اتحاد شوروی که از طرف رفیق گرامی و دوست بزرگ مردم زحمتکش جمهوری دموکراتیک افغانستان رفیق لیونید ایلیچ برژنف در پارلمان هند در سال ۱۹۸۰ مطرح گردید، می تواند صلح را در آسیا تأمین کند. اما عمیقاً معتقد هستیم که تعمیم در خواست تاریخی ۲۲ فبروری ۱۹۸۱ اتحاد شوروی به کشورهای آسیا و جنوب شرق آسیا به خاطر تبدیل منطقه به منطقه صلح پیشنهاد مشخص و عملی سه کشور هند و چین، ویتنام، کمپوچیا، لاوس جهت تأمین صلح واقعی در منطقه و پیشنهاد جمهوری مردم مغلستان مبنی بر عقد يك کنوانسیون بین المللی عدم تجاوز و عدم استعمال قوه در مناسبات کشورهای آسیایی نقش مهمی را در تأمین صلح و ثبات در آسیا و جهان ایفا میدارد.

رفقای محترم!

در این اواخر جلسه سنای حکومت و اشنگتن سندی را به تصویب رسانید که به اساس آن امپریالیزم جها نخوار امریکا صرف سنای انحصارات سرمایه داری را برای تجاوز نظامی علیه کیوبای قهرمان نیکار آگوا و دیگر نیرو های صلح و ترقی اجتماعی و امریکای لاتین، مرکزی و حوزه کرابین به دست آورد. اما این اقدام تحریک آمیز مداخله گرانه امریکای تجاوزگر را تقبیح میکنیم پشتیبانی و همبستگی کامل خود را با کیوبای انقلابی و دیگر نیرو های مترقی این قاره اعلام میداریم. به همین گونه ما مداخلات امپریالیستی را در قاره افریقا و اقدامات جنایتکارانه رژیم نژادپرست پریتوریا را علیه کشور جای جبهه مقدم افریقا تقبیح نموده پشتیبانی کامل خود را از مبارزه مردم نامیبیا تحت رهبری «سواپو» ابراز می کنیم.

جهان اخیر شاهد جنایات فجیع امپریالیزم ایالات متحده امریکا و رژیم خونریز متعصب و فاشیست اسرائیل صهیونیست علیه مردم عذابدیده فلسطین و لبنان بود. ما از مبارزه مردم فلسطین تحت رهبری یگانه نماینده قانونی سازمان آزادیبخش فلسطین به خاطر تعیین سرنوشت و تشکیل دولت مستقل دموکراتیک فلسطین و مبارزه مردم لبنان برای دفع و طرد تجاوز اسرائیل - امریکا قاطعانه پشتیبانی می

کنیم. ما خواستار اخراج اسرائیل از سازمان ملل متحد و اتخاذ تدابیر تعزیری همه جانبه علیه دولت طراز فاشیستی بیگن هستیم.

مسئله صلح و تأمین آن نیازمیرم زمان ماست. عمیقاً معتقد هستیم که نقش کشور شما در مبارزه به خاطر تأمین صلح و امنیت بین المللی و خلع سلاح، تعمیق دینانت و کاهش تنش بین المللی و علیه جنگ، امپریالیزم، صهیونیزم و هژمونیزم پیکن، در جبهه جهانی ترق اجتماعی که در رأس آن اتحاد شوروی قرار دارد بزرگ است.

بدون تردید این نقش از ماهیت نظام سوسیالیستی شما که زحمتکشان کشور شما اکنون در راه ساختمان جامعه پیشرفته سوسیالیستی گام های استوار و بلند بر میدارد، منشا می گیرد.

رفقای محترم!

بازدید از کشور زیبای شما و تبادل تجارب و آشنایی با تجارب ارزشمند حزب سوسیالیست کارگری مجارستان، ما را در امر ساختمان جامعه نوین فراوان کمک نموده است. ما معتقد هستیم که مجارستان سوسیالیستی تحت رهبری خردمندانه حزب سوسیالیست کارگری مجارستان و تطبیق خلاقانه تصامیم دوازدهمین کنگره حزب سوسیالیست کارگری مجارستان به پیشرفت ها و ترقیات مزیدی نایل خواهد آمد.

زنده باد صلح در سراسر جهان!

**مرحله نوین و تکاملی انقلاب ثور مناسبات دوستانه و برادرانه میان
مردمان، احزاب و حکومت کشورهای افغانستان و هنگری را
به سطح عالی ارتقا بخشید**

بیانیه از شبکه سراسری تلویزیون ج.م. مجارستان

۱۳ میزان ۱۳۶۱

رفقا و دوستان جمهوری مردم مجارستان!

اجازه بدهید، به نماینده گی از هیات حزبی و دولتی جمهوری دموکراتیک افغانستان، درودها و شادباش های پرشور مردم زحمتکش افغانستان و همه اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان را به شما تقدیم نمایم.

استقبال گرم و صمیمانه یی که در جریان بازدید کنونی از هیات حزبی و دولتی جمهوری دموکراتیک افغانستان در کشور زیبای شما صورت گرفت، ما را و امیدارد تا مراتب امتنان عمیق خود را به پیشگاه زحمتکشان جمهوری مردم هنگری، کمیته مرکزی حزب سوسیالیست کارگری هنگری و شخص رفیق یانوش کادار منشی اول کمیته مرکزی حزب سوسیالیستی کارگری هنگری ابراز نمایم. پیروزی انقلاب ثور و بخصوص مرحله نوین و تکاملی آن، مناسبات دوستانه و برادرانه میان مردمان، احزاب و حکومت کشورهای ما را وارد مرحله کیفی نوینی مبنی بر همبستگی انقلابی بین المللی نموده است که برای ما حایز افتخار و اهمیت عظیم میباشد.

مسافرت کنونی هیات حزبی و دولتی جمهوری دموکراتیک افغانستان به جمهوری مردم مجارستان گام بسیار مهم در راه گسترش و تحکیم هرچه بیشتر روابط طراز عالی برادرانه و دوستانه میان کشورهای ما بوده که بدون شك ثمرات بزرگی را به سود خلقهای زحمتکشی هر دو کشور به بار خواهد آورد.

دوستان گرامی!

بیش از چهارسال از پیروزی انقلاب ثور در افغانستان تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان حزب طبقه کارگر و همه زحمتکشان کشور ما میگذرد. انقلاب افغانستان راه دشوار و ناهمواری را پشت سر گذاشته است. اما طی این مدت حزب ما موفق گردیده به مثابه نیروی رهبری کننده جامعه بر مبنای سیاست علمی و هدفمند، گامهای استواری به سوی تحکیم دستاوردهای انقلاب و مقابله با توطئه های ضدانقلاب بردارد. حزب ما بخصوص پس از پایان دادن به انحرافات و اشتباهات و وارد نمودن انقلاب به مرحله نوین و تکاملی آن، زمینه های وسیعی را جهت ایجاد پایه های جامعه نوین و عادلانه در کشور مساعد نموده است.

هم اکنون در کشور ما علی الرغم دشواری های ناشی از مداخله امپریالیستی در امور داخلی ما، موفقیت های عمده در عرصه رشد اقتصادی، اجتماعی، ارتقای سطح زنده گی زحمتکشان، دموکراتیزه نمودن زنده گی سیاسی و اجتماعی و جلب توده های ملیونی زحمتکشان به سوی انقلاب رونما گردیده است. این موفقیت ها به طور عمده پیدایش عناصر مهم نوینی را در ساختمان اقتصادی، اجتماعی کشور نشان میدهد.

یکی از پیروزی های عمده ما طی سال جاری عبارتست از نابودی مراکز عمده ضدانقلاب در سراسر کشور. قوای مسلح قهرمان ماموق گردید تالانه های اساسی دشمنان انقلاب را سرکوب نماید و ضربات سنگینی بر پیکر نماینده گان ارتجاع و امپریالیزم وارد آورد. در مجموع با صراحت میتوان گفت که پس از مرحله نوین انقلاب ثور در نتیجه سیاست اصولی، خلاق و علما سنجیده شده حزب ما که به طور عمده در اسناد جلسات و پلینوم های کمیته مرکزی حزب و مخصوصاً در تصامیم و فیصله های فوق العاده مهم کنفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان و سند اساسی مصوب آن «برنامه عمل» حزب انعکاس یافته روند انقلابی در کشور ما روز تاروز استحکام بیشتر کسب نموده و بیش از پیش نیرومندتر گردیده است. در نتیجه همین اقدامات است که همین حالا صدها هزار تن از هموطنان ما در جبهه ملی پدروطن این تکیه گاه اجتماعی دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان، متحدانه از انقلاب و آرمانهای والای آن دفاع مینمایند و جواب دندان شکن به دشمنان انقلاب میدهند. در یک کلام، سیاست حزب ما میان طبقات و اقشار ملی، دموکراتیک جامعه مورد استقبال گرم قرار گرفته است.

مردم زحمتکش و نجیب مجارستان؛ همانگونه که اطلاع دارید، امپریالیزم بین المللی به سردمداری امپریالیزم تجاوز کار ایالات متحده امریکا در تبنانی با ارتجاع منطقه و هژمونیت های پیکن، هنوز از مداخله در امور داخلی جمهوری دموکراتیک افغانستان دست نکشیده است. جنگ اعلان ناشده ارتجاع و امپریالیزم علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان ادامه دارد.

امپریالیزم تلاش می نماید تا با تشدید تشنج در منطقه و تسلیح باندهای ضدانقلاب افغانستان به مداخلات عریان و شرم آگین در امور داخلی کشور ما بهای بیشتر بدهد. ستراتیژی مداخله گرانه امپریالیزم در کشور ما محکوم به شکست قطعی است. مادر برابر اوضاع پیرامون کشور ما موقف اصولی، صریح و آشکار داریم. سیاست ما در قبال اوضاع منطقه و مناسبات با کشورهای همجوار ایران و پاکستان در پیشنهادهای چهارده می ۱۹۸۰ و بیست و چهار اگست ۱۹۸۱ بازتاب همه جانبه دارد. حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان سعی نموده تا از طریق این پیشنهادهای مبتکرانه با انعطاف همه جانبه خود، زمینه های واقعی حل مسایل کشور های همسایه را از طریق مذاکرات مساعد سازد اما متأسفانه بنابر مداخلات و تحرکات امپریالیزم تاهنوز تلاش های ما در زمینه حل مسایل از طریق مذاکره و مفاهمه به نتایج لازم نرسیده است.

دوستان محترم! سیاست تجاوزکارانه امپریالیزم در شرایط کنونی تهدید جدی راعلیه داعیه صلح به وجود آورده است. در این اواخر جهانیان یکی از مظاهر عمده سیاست جنایتکارانه صهیونیست های فاشیست مشرب اسرائیلی را که از پشتیبانی حکومت ریگن برخوردار اند، مشاهده نمودند و دیدند که چگونه تراژیدی لبنان یک بار دیگر از روی اعمال وحشیانه صهیونیزم و امپریالیزم در مقابله با خلق های قهرمان فلسطین و لبنان پرده برداشت و صهیونیست های اسرائیل در تبنانی با امپریالیزم در لبنان یکی از حوادث خونین را در تاریخ معاصر تکرار نمودند. ما سیاست جنایتکارانه امپریالیزم امریکا را که در همدستی با صهیونیست های اسرائیل صورت می گیرد با قاطعیت محکوم نموده معتقدیم که خلق قهرمان فلسطین را نمی توان به زانو در آورد. فلسطینی ها به اتکا حمایت وسیع نیروهای صلح و ترقی به مبارزه در راه حقوق حقه خود ادامه داده مسلماً پاسخ دندان شکن به توطئه های امپریالیزم خواهند داد. و حزب و دولت ما در اوضاع کنونی بین المللی، تلاش های امپریالیزم را مبنی بر تشدید تشنج در اروپا و فعالیت ها به منظور استقرار انواع سلاح های هستوی در این قاره و سایر نقاط جهان محکوم نموده ابراز عقیده میداریم که در شرایط جاری عمده ترین وظیفه همه نیروهای صلحخواه و مترقی را هم پیوستگی هرچه گسترده تر در جهت تشدید مبارزه برای صلح، تشنج زدایی و کاهش مسابقات تسلیحاتی تشکیل میدهد. ما معتقدیم که سیاست میلیتاریستی محافل جنگ طلب امپریالیستی را تنها می توان بر پایه پروگرام صلح کشورهای سوسیالیستی و بخصوص پیشنهادها و ابتکارات صلح آمیز اتحاد شوروی بزرگ این پاسدار واقعی صلح و سوسیالیزم جهانی، لگام زد و از خطر جنگی جلوگیری به عمل آورد. اما به نقش حزب سوسیالیست کارگری مجارستان و سیاست معقول آن که در مصوبات کنگره دوازدهم نیز وسیع انعکاس یافت و به نقش دولت مجارستان در راه تحکیم صلح و مقابله با خطر جنگ ارج فراوان قایلیم، مجارستان سوسیالیستی نقش مهمی را به خاطر تقویت داعیه صلح و کاهش تشنجات بین المللی ایفا نموده است ما اطمینان

داریم که کشور شما نقش خود را در زمینه به طور شایسته در آینده نیز ایفا خواهد نمود.

رفقا و دوستان!

مردم زحمتکش افغانستان و در پیشاپیش آنان حزب دموکراتیک خلق افغانستان به خوبی درک می نمایند که رشد پیروزمندانه تحولات انقلابی در افغانستان و تعمیق سمتگیری اجتماعی نوین در کشور ما با مساعدت ها و کمک های بیشایه همه نیروهای مترقی جهان و بخصوص کشورهای سوسیالیستی ارتباط ناگسستی دارد. مردم ما به خوبی میدانند که نقش کشور های سوسیالیستی بخصوص اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در دفاع از روند انقلابی در کشور ما عظیم و برجسته است. زحمتکشان افغانستان برای همیشه سپاسگزار از مساعدتها و کمکهای عظیم و بی شایه یی هستند که حزب کمونیست و مردم اتحاد شوروی در دشوارترین روزگار زنده گی جامعه، به ما مبنوذ داشته اند. افغانها درک می نمایند که دوستی افغان- شوروی عامل مهمی در راه مقابله با تجاوزات عریان و شرم آگین امپریالیزم علیه افغانستان انقلابی و ساختمان جامعه نوین می باشد. ما به کمک های برادرانه و دوستانه حزب سوسیالیست کارگری و مردم قهرمان مجارستان که بر مبنای انترناسیونالیزم پرولتاری با حزب و مردم جمهوری دموکراتیک افغانستان صورت میگیرد، به دیده قدر نگریده در برابر آن احساس امتنان عمیق خود را ابراز میداریم، در جریان مسافرت به مجارستان سوسیالیستی نه تنها تجارب گرانبهای ساختمان سوسیالیزم را فرا گرفتیم، بلکه در عمل و با چشم سر، یک بار دیگر همبستگی نیرومند و انقلابی حزب و دولت و مردم مجارستان را نسبت به انقلاب در کشور خود احساس نمودیم.

بازدید هیات حزبی و دولتی جمهوری دموکراتیک افغانستان از جمهوری مردم مجارستان گام نوین و تازه در راه رشد مناسبات دوستی و همکاری برادرانه و رفیقانه بین کشورها، مردمان و دول ما بود. صحبت ها، ملاقات ها و مذاکرات بارفیک گرامی یانوش کادار و دیگر رفقای محترم رهبران حزبی و دولتی مجارستان مناسبات دو همه جانبه میان کشورهای ما را انکشاف مزید بخشید. آشنایی ما را با مجارستان سوسیالیستی وسیعتر و بیشتر ساخت و فرصت لازم را مساعد نمود تا یک بار دیگر اشتراک موضع و وحدت موقف خود را در مسایل عمده بین المللی ابراز داریم.

ما یقین کامل داریم که ثمرات این مذاکرات و ملاقات ها بسیار مثبت، سودمند و بزرگ خواهد بود و برای مدت طولانی تأثیرات عمیق و مطلوب بر مناسبات دو جانبه خواهد داشت.

دوستان محترم!

در پایان می‌خواهم بار دیگر به نماینده‌گی از کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان و مردم قهرمان افغانستان به مناسبت استقبال گرم و صمیمانه بی‌که از هیات حزبی و دولتی جمهوری دموکراتیک افغانستان در کشور شما صورت گرفته است، احساس امتنان و تشکرات عمیق خود را ابراز دارم.

زنده باد دوستی خلل‌ناپذیر میان احزاب، حکومت و خلق‌های افغانستان و مجارستان!

خارندوی به حیث مدافع منافع مردم وظیفه دارد از حقوق،

کرامت و آرامش اتباع ج. د. ا حراست کند

بیانیه در جلسه سراسری فعالین حزبی خارندوی

۲۵ میزان ۱۳۶۱

رفقای محترم!

من بارضایت خاطر دعوت برای سخنرانی در برابر شما اعضای حزبی وزارت امور داخله، قوماندانان خارندوی ولایات و قطعات جزو تآمهای خارندوی را پذیرفتم.

امروز درینجا بهترین نماینده گان خارندوی پرافتخار ما که به مثابه بخش قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان سلاح به دست و با اطمینان علیه دشمنان خارجی و داخلی وطن میرز مند و از دستاوردهای انقلاب ثور و منافع مردم آزاده ما دفاع میکنند، جمع شده اند. چنین جلسه یی در تاریخ وزارت امور داخله، برای نخستین بار دایر میگردد. مادرین سالون نماینده گان هر ولایت، همه قطعات و جزو تآم های خارندوی رامی بینیم. فکر میکنم این جلسه به انگیزه جدید برای بهبود بیشتر کارتان مبدل خواهد شد.

من یقین کامل دارم هنگامی که شما به قطعات تان باز میگردید، با رفقای پیکار جوی خویش در باره وظایفی که حزب در برابر خارندوی ما قرار میدهد، صحبت خواهید کرد. البته نه تنها صحبت خواهید نمود بلکه دستور های حزب و وظایفی را که امروز تعیین میگردد، در عمل پیاده خواهید کرد و تحقق خواهید بخشید.

شما رفقای محترم، منسوبین خارندوی نوین، من تأکید مینمایم که خارندوی نوین ما، خارندوی امروزی، چگونه نیرویی است و چه چیزی ماهیت آنرا از دستگاه پولیسی و ژاندارمی سابق متفاوت می سازد؟

نخست اینکه، خارندوی کنونی، سازمانی است نوین و مولودا انقلاب ما که از ریشه با پولیس سابق تفاوت دارد. این تفاوت بیش از همه از لحاظ وظایف طبقاتی میباشد. قبل از انقلاب ثور پولیس در افغانستان ابزار دفاع از منافع طبقات حاکم استثمارگر و ستمگر و مثنی از فیودالان و سودخوران طفیلی و اریستوکراتها بود. این سازمان به حیث وسیله ستم بر مردم و انسان های ساده وطن ما را بازور و ادار به آن می ساخت تا چیزی را که موافق به منافع و خواسته های فیودالان و سودخوران و

اریستوکراتهاست انجام دهند. مردم از پولیس ترس و هراس داشتند، زیرا پولیس عامل حق شکنی و خودسری بود.

څارندوی امروزی به حیث مدافع واقعی منافع مردم، وظیفه دارد از امر آزادی، حقوق، کرامت و شایسته‌گی اتباع جمهوری دموکراتیک افغانستان حراست کند. نظم و امنیت اجتماعی شهرها و محلات را تأمین و به امر تحقق تحولات اجتماعی و اقتصادی فعالانه مساعدت نماید و حامل اندیشه‌ها و سیاست حزب دموکراتیک خلق افغانستان، این پیشاهنگی رزمنده زحمتکشان کشور باشد.

ثانیاً اینکه، څارندوی امروز از لحاظ ترکیب اجتماعی ساتونکی‌های، ساتنمن‌ها و افسران خود نیز از پولیس سابق متفاوت میباید. در گذشته اکثر فرزندان خانواده‌های متمدن و ثروتمند و نماینده‌گان محافل حاکم می‌توانستند افسر پولیس گردند که فقط به خاطر سودجویی شامل دستگاه پولیس میشدند و اکثر در موقعیت و مقام خویش با شیوه‌ها و میتودهای نادرست و غیرمجاز به خاطر ثروتمند شدن شخصی استفاده مینمودند. اختلاس، رشوه‌دستانی و قانون شکنی وسیع وجود داشت. ولی در حال حاضر هستند منسوبین سابق که در څارندوی با روح انقلابی، شرافتمندانه کار و بیکار می‌نمایند.

څارندوی امروزی از میان مردم بر خاسته، جزء مردم است در خدمت مردم میباید و باید در خدمت مردم باشد. در حال حاضر بخشی اساسی څارندوی را افراد جوانی که به گرمی به امر انقلاب وفادار بوده و از خانواده‌های زحمتکش برخاسته و در گذشته خود ستم و قانون شکنی پولیس را احساس کرده‌اند، تشکیل میدهد.

کادر افسری څارندوی در اکثریت خود متشکل از قوماندانان و کارمندان سیاسی‌اند که بعد از انقلاب آبدیده‌گی سیاسی و جنگی کسب نموده و تربیت شده‌اند. بسیاری از آنان از میان سربازان به رتبه افسری ارتقا یافته‌اند که در گذشته حتی به فکر سرباز ساده نیز خطور نمیکرد. این نسل نوین کادر افسری څارندوی، سیاست حزب را در میان مردم اشاعه داده و مادونان خود را برای اشتراک در تحولات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در کشور فعالانه بسیج می‌سازند. تغییرات در ساختار اجتماعی پرسونل څارندوی به نوبه خود روابط متقابل میان افسران و ساتونکی‌ها را نیز تغییر داد.

آیا در گذشته ممکن بود که سربازان همراه با افسران در زیر یک سقف نشسته و به بحث پیرامون موضوعات مهم، ارتقای قابلیت محاروبی قطعات و جزو تانک‌های وزارت امور داخله پردازند؟ چنین رفاقت رزمی و ایدیولوژیک تنها در نتیجه انقلاب ثور که بنابر اراده و مطابق منافع مردم به وقوع پیوست، ممکن گردید.

ممیزه سوم څارندوی نوین عبارت از اینست که ارگان‌های امور داخله به حیث جزء متشکله قوای مسلح کشور در شرایط جنگ اعلان نشده ارتجاع داخلی و خارجی،

علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان و علیه حاکمیت مردم دارای وظیفه بس پر مسؤولیت و مهم دفاع مطمئن از نظام دموکراتیک میباشد. اکنون وظیفه اشتراک در عملیات جنگی برای محور سرکوب باندها از اهمیت درجه یک برخوردار است.

اما مهمترین امر اینست که فعالیت خاندوی امروزی از جانب حزب دموکراتیک خلق افغانستان تنها و تنها از جانب حزب دموکراتیک خلق افغانستان هدایت و رهبری میشود. رهبری متداوم خاندوی از جانب حزب منبع نیرو و ضامن پیروزی های آنست.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان، کمیته مرکزی آن و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان به رشد، تقویت و تحکیم خاندوی، ارتقای سطح قابلیت محاروبی و پختگی سیاسی ورزومی آن توجه دایمی مبذول میدارند. در مدت زمان اخیر کمیته مرکزی حزب دو بار مصوباتی را در باره تکمیل بیشتر کار حزبی، سیاسی و بهبود همه فعالیت ارگان های وزارت امور داخله پذیرفته است.

ایجاد ارگان های سیاسی خاندوی که وظیفه دارند کار سیاسی و تربیتی را در میان سربازان، ساتنمن ها و افسران پیش برند، نیز یکی از مظاهر توجه و مواظبت حزب به شمار میرود.

شاهد دیگر مواظبت جدی نسبت به رزمندگان خاندوی که وظیفه وطنپرستانه خود را با شجاعت فداکاری انجام میدهند، تفویض نشانها و مدالهای جمهوری دموکراتیک افغانستان به بیش از هزار نفر ساتونکی، ساتنمن و افسر است. بسیاری از شرکت کنندگان جلسه امروزی نیز مفتخر به دریافت نشانها و مدالهای دولتی و رتبه های افسری شده اند.

امروز حزب و حکومت همه تدابیر لازم را اتخاذ مینمایند تا خاندوی ما با جدیدترین سلاحهای خفیه، مهمات، زرهپوش، وسایط ترانسپورتی و دیگر وسایل جنگی مجهز باشد. تأمین مادی سربازان، ساتنمنان و افسران و همچنان وضع معیشت پرسونل در داخل قطعات بهبود قابل ملاحظه یافته است. این امر تنها به برکت کمک برادرانه و بی شایبه و انترناسیونالیستی اتحاد شوروی ممکن گردیده است. در نتیجه مجموع تدابیر اتخاذ شده از طرف حزب و دولت برای تحکیم و تقویت خاندوی و همچنان کار فعالانه وزارت امور داخله تعداد پرسونل خاندوی به حد قابل ملاحظه افزایش یافته است.

صفوف حزب در خاندوی نیز تقویت یافته است، در تمام قطعات اوپراتیفی و جزو تامهای ولایات، سازمانهای حزبی و سازمان جوانان ایجاد شده فعالیت مینمایند. بیشتر از دو ثلث ترکیب این سازمانها را سربازان و داوطلبان می سازد. رفقا! این نیرو و اتکای بزرگی است.

در فعالیت خاندنوی جنبه ها و جهات دلچسپی به نظر میرسد که شاهد برخورد قابل توجه نسبت به حل بسیاری از مسایل مربوط به سازماندهی، خدمت به بهبود شرایط زنده گی پرسونل است. مثلاً کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ابتکار وزارت داخله را در امر سازماندهی، آموزشی و تربیت سربازان بیسواد مفید و ارزشمند ارزیابی میکند. طرح این وظیفه کاملاً درست است که هر سرباز بیسواد، در جریان مدت خدمت، تعلیمات ابتدایی را فراگیرد تا افرادی که از صفوف خاندنوی ترخیص میگردند و به سواد، از لحاظ سیاسی آگاه و وفادار به اندیشه های انقلاب ثور که مسلمانانین جمهوری دموکراتیک افغانستان را میدانند، رعایت و احترام میکنند، سیاست حزب و دولت را پشتیبانی مینمایند و در تحمل تحقق می بخشند، باشند.

خدمت در صفوف خاندنوی باید به مکتب واقعی آموزش و تربیت سیاسی مبدل گردد. درین رابطه باید گفت که کمیسیون های سربازان برای کنترل از اموراتعاشه و زنده گی پرسونل میتواند مثال خوب برای تقویت روحیه احساس مسؤولیت در برابر امر سپرده شده و ایجاد فضای رفیقانه در بین پرسونل باشد. این کمیسیون ها اعتبار زیاد را کسب نموده و به برکت فعالیت آنها وضع اعاشه اباته و زنده گی سربازان بهبود محسوسی یافته است. ما این ابتکار را که در ارگان های وزارت امور داخله به وجود آمده است، کاملاً تایید میکنیم. باید ابتکارات سربازان را بیشتر رشد داد و آنان را در امر حل مسائل اساسی زنده گی و فعالیت قطعات وسیعتر جلب نمود.

قطعات و جزء و تاهای خاندنوی در عملیات نظامی در مناطق مهم حیاتی کشور: غزنی، پغمان و ولایات شمال که به اشرار ضربات سنگین وارد شد، سهم فعال گرفتند و به نیروهای ضدانقلاب صدمات قابل ملاحظه وارد نمودند.

اما رفقا! ما باید با وضاحت و صراحت بدانیم که این هنوز کافی نیست. ضدانقلاب داخلی با پشتیبانی دوامدار مالی و نظامی امپریالیزم هنوز هم تلاش می ورزد که حالت تشنج را در کشور حفظ نماید و جنگ طولانی را به غرض ورشکست ساختن اقتصاد و ایجاد دشواری ها در تأمین مردم از لحاظ مواد غذایی، کار، ترانسپورت و تجارت ادامه دهد. آنها هنوز هم بالای بخش قابل ملاحظه اهالی کشور از طریق فریب و سوء استفاده از احساسات مذهبی هموطنان مسلمان ما تأثیر میان دازند. مردم ما از جبر، ستم و خودسری باندها به ستوه آمده و خواهان زنده گی صلح آمیز و سرکوب هرچه سریعتر باندهای ضدانقلاب اند. تأمین زنده گی آرام و صلح آمیز، سرکوبی ضدانقلاب در مناطق مهم حیاتی کشور و دفاع مطمئن از انقلاب مهمترین و مبرم ترین وظیفه ما را تشکیل میدهد. ما معتقدیم که باید خاندنوی در آینده نیز قابلیت محاروبی، سعی پیگیر و سهم خود را در سرکوب ضدانقلاب ارتقا و افزایش و باز هم ارتقا جامعه برای کار در شئون مختلف اقتصاد ملی تقدیم میشوند، و افزایش بخشند.

در خاندنوی برای این کار همه امکانات وجود دارد. در قدم اول وزارت امور داخله مؤظف است نواقص و کمبودی هایی را رفع نماید که ثمربخشی فعالیت خاندنوی را کاهش میدهد. هنوز هم قطعات و جزعوتامهای دارای سطح نازل آماده گی جنگی و استواری سیاسی وجود دارند. در ذهن يك تعداد منسوبین خاندنوی هنوز هم تصور دقیق و روشن نسبت به اهداف و وظایف دولت انقلابی وجود ندارد. در کشور مبارزه طبقاتی جریان دارد، اما بخشی از سربازان، ساتنمنان و افسران حدت و شدت آنرا درک نمی کنند و بعضاً نمی دانند که چه کسانی و کی ها دشمن واقعی نظام نوین اند؟

این حقیقت و فاکت تلخ تشویش آور است. وزارت امور داخله، ریاست سیاسی آن، قوماندانان و کارکنان سیاسی و سازمانهای حزبی باید نتیجه گیری های لازم و جدی را بنمایند. ضرورت است تا کار سیاسی و تربیتی در میان پرسونل خاندنوی بهبود قابل ملاحظه یافته و در جهت ارتقای روحیه جنگی و مورال منسوبین، تربیت احساس و وطنپرستی، شجاعت و مردانگی در آنان تقویه گردد. لازم است تا به تحکیم دسپلین، وحدت و انضباط نظامی در قطعات توجه بیشتر شود و تعمیل دقیق دستورها تأمین گردد. باید سطح مطالبات از قوماندانان در امر تربیت مادونان و وضع انضباط، دسپلین و وحدت در قطعات و جزعوتامها ارتقا یابد. معیار ارزیابی از فعالیت هر قوماندان باید وضع و قابلیت محاربه و ی، روحیه عالی سیاسی و مورال سربازان و ثمربخشی فعالیت جنگی آن باشد.

در اجرای این وظایف مهم ارگانهای سیاسی و سازمانهای حزبی خاندنوی نیز نقش بزرگی را به عهده دارند. باید از آنها چنین کاری را مطالبه کرد که هر عضو حزب نمونه دسپلین پذیری، وفاداری به اندیشه های انقلاب و فداکاری در راه انجام وظیفه انقلابی باشد. اعضای اصلی و آزمایشی حزب دموکراتیک خلق افغانستان باید در پیشاپیش همه امور دشوار و خطرناک قرار داشته و مثال و نمونه شجاعت و مردانه گی باشند. سازمانهای حزبی باید بر همه جوانب زنده گی و فعالیت خاندنوی تأثیر داشته باشند. قوماندانان و آمرین باید همیشه به کمک و پشتیبانی سازمانهای حزبی اتکا داشته و در حل همه مسایل مربوط نظریات آنها را با دقت شنیده و مدنظر گیرند

قوماندانان و آمرین خاندنوی باید در ارتباط به قرارگاه های ولایات، والی ها، نماینده گان خاد، اردو و حزب مطابق قانون و اصول اداری عمل نمایند. از خود سری احتراز کنند و در همکاری و کوردناسیون کامل باشند.

رفقا! باید همه تدابیر ممکن برای تحکیم سازمانهای حزبی اتخاذ گردد و صفوف حزب به حساب پذیرش بهترین سربازان، ساتنمنان و افسران که وفاداری خود را به امر انقلاب ثور ثابت ساخته اند، توسعه یابد. بهبود و تکمیل کار ارگانهای سیاسی و سازمانهای حزبی خاندنوی تنها و تنها در صورت رابطه محکم آنها با کمیته های حزبی محلی ممکن است و بس. باید اظهار داشت که هنوز در همه جا چنین رابطه

محکم برقرار نشده است، این نقیصه باید به صورت جدی وقایع رفع گردد. سازمانهای حزبی، خاندنوی و کمیته های حزبی ولایات، شهرها، ولسوالی ها و علاقه داری ها و وظایف مشترک و واحد را انجام میدهند. بنابراین باید با دوستی دست به دست هم، مشترکاً با کمک همه جانبه کار کرد. رفقا این خواست و دستور کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان است.

قابلیت محاربوی خاندنوی تنها بر مبنای تکمیل و بهبود کار حزبی سیاسی و تربیتی، تحکیم روابط با کمیته های محلی حزبی و ارگانهای محلی دولتی میتواند ارتقا حاصل نماید و این یکی از مهمترین و جدی ترین وظایف شماسست. برای اجرای موفقانه آن همچنان ضرورت است تا تدابیری به منظور همبستگی، یکپارچه گی و وحدت قطعات و جزوئاتها، استقرار نظم و دیسپلین استوار نظامی در آنها، بهبود آماده گی رزمی پرسونل، ارتقای مهارت فنی کادرهای قوماندانی اتخاذ گردد.

ما میدانیم که قطعات و جزوئاتهای خاندنوی در سال جاری نسبت به سال گذشته فعالیت محاربوی را به طور قابل ملاحظه افزایش بخشیده اند. این دستاورد بسی مهمی است اما بیابید ثمربخشی این فعالیت های نظامی را ارزیابی کنیم. در نتیجه واضحاً معلوم میشود که هنوز کافی نیست. اوضاع کنونی تقویت بیشتر فعالیت نظامی تمام قوای مسلح و منجمله جزوئاتهای خاندنوی را در برابر ضدانقلاب داخلی و خارجی میطلبد. ما اطمینان داریم که سهم خاندنوی پرافتخار ما در مبارزه مسلحانه با دشمنان انقلاب افزایش خواهد یافت.

موازی با آن وزارت امورداخله باید توجه زیادی را به کمک و مساعدت فعال در امر استقرار و رشد اقتصاد کشور مبذول دارد. در حال حاضر تعداد قابل ملاحظه مؤسسات صنعتی و زراعتی به وسیله قطعات خاندنوی محافظت می شود که با اجرای این وظایف، خاندنوی را قابل تقدیر و ستایش میدانیم. حفاظت مطمئن مؤسسات بزرگ مجال کار نورمال و ثمربخش آنها را میسر می سازد. به این ترتیب خاندنوی در رشد اقتصاد ملی افغانستان سهم میگیرد. این جنبه مهم فعالیت وزارت امورداخله را باید به طور دایمی در مرکز توجه قرار داد. از امر حفاظت مؤسسات همکاری اقتصادی افغان شوروی که بنیاد اقتصادی کشور ما را تشکیل میدهد، باید مواظبت بخصوص نمود.

حزب و دولت مساعی بزرگی را در امر تحقق اصلاحات ارضی و آب، این یکی از عمده ترین دستاوردهای انقلاب ثور به خرج میدهند. کثیرالعدده ترین طبقه کشور ما را دهقانان تشکیل میدهند. آنان باید صاحب زمین و آب گردند و به این ترتیب بهبود شرایط زنده گی را واقع احساس نمایند. حکومت مردم سعی می ورزد همه تدابیر لازم را اتخاذ نماید تا دهقانان زنده گی مرفه و شایسته داشته باشند. دشمنان ما با هروسیله یی میخواهند مانع این هدف انسانی و بزرگی ما شوند. خاندنوی باید به

ارگانهای حزبی و دولتی در امر تحقق اصلاحات ارضی و آب مساعدت فعال نماید و از کار صلح آمیز دهقانان به طور مطمئن دفاع کند.

اشترک خاندوی در روزهای او داوطلبانه «حشر» بازحمتکشان و منسوبین اردو، اشترک در پاک کاری جویها، کاریزها، کانالها، تجدید ساختمان مکاتب، شفاخانه ها و مساجد که تخریب شده و کمک به اهالی در کار جمع آوری محصولات زراعتی دارای اهمیت زیاد سیاسی میباشد. این تدابیر باید با کار تبلیغی و ترویجی توأم گردد. لازم است تا از تجربه موجود فعالیت گروههای تبلیغاتی و ترویجی مشترک و هماهنگی کمیته های محلی حزبی و خاندوی برای توضیح فعال اهداف و وظایف انقلاب ثور، سیاست حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان در جهت بهبود زنده گی مردم، رشد اقتصاد، فرهنگی و حل مسایل ملی استفاده وسیع صورت گیرد. این کار یکی از اشکال مؤثر تحقق فیصله های نهمین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان که وظایف مهم کارسیاسی در میان توده ها را معین ساخت، میباشد.

خاندوی باید در امر توسعه و تحکیم قدرت دولتی مردم در محلات از مراکز ولایات، ولسوالی ها و علاقه داری ها دفاع مطمئن نماید و به کار هسته های سازمانی مساعدت و امنیت و مصئونیت کار نورمال مکاتب، شفاخانه ها و دیگر موسسات را تأمین کند. مخصوصاً اشترک فعال خاندوی در استقرار و توسعه قدرت مردمی در دهات امری مهم است.

قطعات خاندوی در صف مقدم مبارزه به خاطر نظم نوین قانونی قرار دارند. جلوگیری از جرایم و جنایات، حفظ حقوق و آزادیها، داریی و مصئونیت آنان، مصئونیت جاده ها و حرکت وسایل ترانسپورت و غیره امور مهم وظایف و مکلفیتهای مستقیم خاندوی را تشکیل میدهند. چه خاندوی مؤظف است تا موازی با اشترک در عملیات محاربوی علیه ضدانقلاب، این جهات فعالیت خویش را نیز تکمیل کند و بهبود دایمی بخشد. مخصوصاً این که با توسعه و تحکیم قدرت دولتی مردم، این جهان و جوانب همیشه اهمیت بیشتر و بزرگتر کسب مینماید.

کارکنان خاندوی در میان توده های مردم خدمت مینمایند و مردم با مشاهده کار خاندوی تا حدود زیادی در باره همه فعالیت دولت قضاوت میکنند در رابطه با این موضوع میخواهم به طور خاص خاطر نشان سازم که کارمندان خاندوی باید در کار خود قانونیت انقلابی را به طور بلاانحراف رعایت نمایند. برخورد خوب، سعی برای کمک به اتباع کشور، در لحظات دشوار دفاع قاطع از آنان در برابر عناصر جنایتکار و ضدانقلاب، آن مواردی را تشکیل میدهد که کارمند خاندوی مؤظف است همه نیرو و انرژی خود را از صمیم قلب و با تمام قهرمانی و فداکاری صرف نماید.

درینصورت کارمند څارندوی احترام و خوش بینی زحمتکشان را جلب نموده در میان آنان، دوستان و دستیاران مطمئن خواهد یافت.

رفقای عزیز!

زهی افتخار، زهی احترام به څارندوی نوین ما که به آن نقطه رشد و تکامل خود برسد که محبوب در قلوب و وجدان فرد فرد مردم افغانستان گردد و محبوبیت عظیم و بزرگی داشته باشد.

رفقای گرامی!

بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ابراز اطمینان کامل مینماید که څارندوی، څارندوی مبارز ما با عزم بیشتر بر مهارت حرفه یی و پخته گی ایدیولوژیک و سیاسی و وحدت پرسونل خودخواهد افزود. انضباط آهنین را در سراسر څارندوی تأمین خواهد بخشید تا با هوشیاری دایمی و قاطعیت در همه جا از موضع و موقف دولت انقلابی دفاع نماید.

رفقای عزیز! به همه شما موفقیت‌های بزرگ، افتخارات بزرگی را در این امر آرزو می‌کنم.

رفقا، پیروزی ما حتمی است!

آگاهی سیاسی منسوبین قهرمان اردو و صداقت به وطن، انقلاب و حزب نبرو و قدرت اردوی ما را افزایش می بخشد

خطاب به سربازان و افسران فرقه ۱۷ هرات

۲۹ میزان ۱۳۶۱

رفقای عزیز!

جای مسرت است که امروز با شما رزمندگان راه انقلاب ثور، که بر ضد دشمنان سوگند خورده مردم آزادی دوست ما، در راه تحولات زنده گی اجتماعی و مبارزه به خاطر آینده درخشان و تابناک وطن محبوب ما قرار گرفته اید و جانبازانه می رزمید، ملاقات میکنیم.

اجازه دهید تا به نماینده گی از بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان و از طرف خود به شما سربازان و خردضابطان و افسران دلاور و وطنپرستان با شجاعت فرقه (هفده) پیاده با رضایت کامل شادباش های گرم و انقلابی را تقدیم بدارم. شما مانند سایر منسوبین اردوی پرافتخار جمهوری دموکراتیک جوان ما، به طور فعالانه و قهرمانانه علیه باندهای ضدانقلاب جنگیده و سهم شایان خود را در امر سرکوبی دشمنان داخلی و خارجی حکومت مردمی خویش ادا میکنید. بسیاری از افسران، خردضابطان و سربازانی که امروز در این تالار حضور دارند به خاطر شجاعت، مردانه گی و از خودگذری که در نبردهای خونین با باندهای ضدانقلاب از خود نشان داده اند، مفتخر به اخذ نشان ها و مدالهای دولتی گردیده اند که این امر حاکی از وفاداری و صداقت منسوبین اردوی ما به میهن و به امر عادلانه انقلاب شکوهمند ثور و آرمان های حزب دموکراتیک خلق افغانستان میباشد.

رفقای محترم!

منسوبین اردوی قهرمان ما مانند سایر اتباع شرافتمند کشور تحت رهبری کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، شورای انقلابی و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان، سعی و تلاش زیادی به خرج داده و میدهند تا اوضاع سیاسی و نظامی را در داخل کشور به تدریج عادی سازند و باید تذکر دهیم که اوضاع کنونی رو به عادی شدن است و حوادث اخیر تأییدکننده این ادعای ما میباشد.

به طور مثال میتوان از دفع حملات باندهای بزرگی ضدانقلاب و همچنان حاضر شدن بسیاری از باندهای اشراار جهت مذاکره با نماینده گان حکومت مردمی یادآوری کرد.

هر روز تعداد بیشتر از کسانی که فریب تبلیغات زهر آگین دشمنان را خورده اند، بیش از پیش درمیابند که امپریالیزم بین المللی و سرکرده گان ضدانقلاب، آنان را به سوی پرتگاه نیستی، جنگ و برادرکشی میکشانند آنان بادرک حقانیت اهداف و وظایف انقلاب ثور، از ضدانقلاب میبرند و به زنده گی صلح آمیز باز میگردند. گرچه تاکنون این پروسه بطی است ولی به پیش میروند و وسعت می یابد و در آینده نزدیک روزی فرا خواهد رسید که همه مردم زحمتکش وطن ما به عدالت، امری که به خاطر آن حزب دموکراتیک خلق افغانستان و تمام اتباع آگاه کشور افغانستان پیکار میکنند، اعتقاد حاصل نموده از سیاست حزب و تدابیر آن جهت بالا بردن سطح زنده گی توده های وسیع مردم و رشد اقتصاد و فرهنگ جمهوری دموکراتیک افغانستان پشتیبانی نمایند.

لیکن باوجود نتایج مثبت و معین که در سال جاری به دست آمده است اوضاع سیاسی و نظامی در کشور تا هنوز کاملاً استقرار نیافته است و دسایس امپریالیزم بین المللی مانع اساسی در راه عادی ساختن آن می باشد.

نیروهای تجاوزکار امپریالیزم در رأس آن امپریالیزم امریکا از هیچ تلاش دریغ نمیورزند تا از پیشرفت توده ها در مسیر رشد اجتماعی جلوگیری نمایند. به این منظور است که آنها مسابقه تسلیحاتی را تشدید می بخشند و می خواهند با زورگویی نظامی، آرزوهای سودجویانه و موردعلاقه خویش را بالای مردم گیتی تحمیل نمایند.

وقایع وحشتناک در لبنان جایی که متحدین امپریالیزم امریکا یعنی اشغالگران صهیونیستی سیل خون باشنده گان غیرنظامی و بیگناه شهر بیروت و جنوب لبنان را جاری ساخته اند، شاهد این مطلب است. اشغالگران اسرائیلی میخواهند تا سازمان آزادیبخش فلسطین را محو نموده و مردم رنجدیده فلسطین را از تکیه گاه مبارزه به خاطر تعیین سرنوشت خود و تأسیس دولت خویش محروم کنند. آنها جهت به دست آوردن این هدف شوم و ناپاک از میتودها و اسلوب فاشیستهای هتلری کار میگیرند.

امپریالیستها در افغانستان نیز از تلاشهای خود به غرض تغییر جریان حوادث به سودخویش صرف نظر نکرده اند. آنها در صدد وخامت هرچه بیشتر اوضاع متشنج جهانی بوده برای اینکار به اصطلاح پرابلم افغانستان را، به طور دوامدار بهانه قرار میدهند.

نیروهای امپریالیزم جهانی به سرکردگی ایالات متحده امریکا و شرکای جرم آنها در اسلام آباد و پیکن، جنگ اعلان ناشده را علیه وطن محبوب ما به راه انداخته اند

وادامه میدهند.

علاوتاً آنها از تبلیغات بیشرمانه استفاده نموده اشخاص شریف و ساده را فریب داده تلاش می ورزند ایشانرا بر ضد حکومت مردمی تحریک کنند. با کمک این نیروهای سیاه فعالیت های خرابکارانه باندهای اجبران، اوباشان وقاتلین در سرزمین مقدس افغانستان دوام دارد. این باندها اهالی بیگناه را ترور نموده مکاتب و شفاخانه ها را ویران میکنند وبنابر ضدیت خود با علم، معرفت و دانش، معلمان وروحانیون شریف ووطنپرست را به قتل میرسانند.

نیروهای ارتجاع، لبه نیز اعمال جنایتکارانه خویش را متوجه اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان، سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان، نمایندگان حکومت، روشنفکران مردمی و منسوبین عسکری ساخته اند. هدف اصلی آنها نگهداشتن مردم در ترس و هراس دایمی، ایجاد بی اعتمادی مردم نسبت به حکومت ج. د. ا و قابلیت آن برای تأمین شرایط صلح آمیز کار برای زحمتکشان و احیای مجدد نظام فئودالی و سیطره استثمارگران میباشد. اما تلاش های دشمنان انقلاب بیهوده و محکوم به شکست حتمی است. سیاست و فعالیت حزب و دولت انقلابی ما سرعت هرچه بیشتر این روند را تضمین مینماید.

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، شورای انقلابی و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان، برنامه عمل حزب و مشی مبتنی بر سرکوب کامل ضدانقلاب، بهبود شرایط زنده گی توده های وسیع زحمتکشان، ارتقای سطح فرهنگ مردم و رشد همه جانبه تمام ملیت ها و اقوام کشور را تحقق می بخشند.

نهمین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان وظایف سنگینی را در برابر رزمندگان ما قرار داده است. در فیصله های آن وظایف مبرم سازمانهای حزبی، ارگانهای دولتی و سازمانهای اجتماعی در عرصه کار با کادرهای حزبی، نظامی و مؤسسات دولتی، کارسیاسی و تربیتی در میان توده ها، افزایش تولیدات زراعتی و صنعتی و تحکیم قوای مسلح ما تعیین شده است.

در فیصله های پلینوم، طرق مشخص تطبیق وظایف فوق الذکر نیز تعیین شده است. وطنپرستان کشور فیصله های پلینوم را با گرمی استقبال نمودند و هم اکنون به آن جامه عمل می پوشانند. علی الرغم جنگ اعلان ناشده امپریالیزم، اقتصاد ملی کشور ما به رشد خویش ادامه میدهد. در سال جاری تولید انواع اساسی محصولات منجمله استخراج گاز و زغال سنگ افزایش یافته است و تدابیر اتخاذ شده باعث افزایش تولید بعضی انواع محصولات زراعتی گردیده است. ناگفته نباید گذاشت که بدون کمک بی شایبه و بردارانه اتحاد شوروی و سایر کشورهای جامعه سوسیالیستی، تحکیم بیش از پیش همبستگی انترناسیونالیستی با خلقهای آنکشورها حصول همه این موفقیت ها ناممکن می بود.

در اثر کمکهای اتحاد شوروی، اقتصاد ملی، علم و تکنیک ما انکشاف نموده، قوای مسلح ما تحکیم و امکانات محاروبی آن ارتقا یافته است. دوستی و همبستگی ما با اتحاد شوروی و کشورهای جامعه سوسیالیستی، ضامن مطمئن آزادی و تمامیت ارضی افغانستان، پیروزی کامل انقلاب ثور و برقراری صلح در میهن ماست که مهمترین شرط پیشرفت و شگوفانی تمام ملیتها، اقوام و قبایل وطن ما را تشکیل میدهد. یکبار دیگر سپاسگزاری خویش را از کمکهای بی شایبه و همه جانبه همسایه بزرگ شمالی خود اتحاد شوروی ابراز مینماییم .

رفقا، سربازان، خردضابطان و افسران !

دشمنان تازمانی سلاح خویش را به زمین نخواهند گذاشت که بیهوده گی مقاومت خود و بزرگی نیروی ما رادرك و احساس نکنند. ما هم اکنون این نیرو را داریم. امروز، اردوی منظم، اردوی طراز نوین که قادر است از دستاوردهای انقلاب دفاع مطمئن نماید، در اختیار ماست.

آگاهی سیاسی سربازان و خردضابطان رزمنده و قهرمان همراه با صداقت به وطن، مردم و حزب، وفاداری به خدمت نظامی و آرمانهای بارز آنان، نیرو و قدرت اردوی ما را بارها افزایش بخشیده است. ازینرو وظیفه قوماندانان، کارکنان سیاسی، سازمانهای حزبی و جوانان است تا به طور منظم و سیستماتیک کار و سיעتر را در جهت ارتقای هر چه بیشتر سطح آگاهی سربازان سازمان دهند و از صرف هیچ نیرو و دقت برای این منظور دریغ نورزند.

وظایف مهم در امر بهبود و تکمیل قابلیت محاروبی قطعات، مطالبات جدی را برای کسب دانش عمومی به وسیله منسوبین قوای مسلح مطرح میسازد. اردو باید نتنها به مدرسه پخته گی سیاسی، بلکه به مکتب امحای بیسوادی برای همه سربازان نیز مبدل گردد. نیروی اردوی ما در موجودیت کادرهای ورزیده افسری که از آبدیده گی عالی سیاسی برخوردار اند، میباشند. افسرانی که عضو حزب دموکراتیک خلق افغانستان و عضو سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان اند، هسته مرکزی و پیکارجوی کادرهای افسری اردوی ما را میسازند و بیش از هفتاد و پنج فیصد افسران اردو اعضای اصلی و آزمایشی حزب و یا اعضای سازمان دموکراتیک جوانان اند. با رضایت کامل خاطر نشان می سازیم که افسران ما در سالهای اخیر از برکت مواظبت دایمی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دولت انقلابی بهتر رشد نموده و بر مهارت و قابلیت خود به حد قابل ملاحظه افزوده اند..

بسیاری از افسران دارای سطح عالی آماده گی تکنیکی و نظامی بوده و اسلوب و میتودهای ترتیب و تنظیم محاربات و سوق و اداره قوتهای تحت امر خویش و تعلیم و تربیه پرسونل را با مهارت فرا گرفته در عمل پیاده میکنند. در میان مادونان خود از حیثیت و اعتبار زیاد برخوردار اند. قبلاً در کشور ما چنین کادرهای ورزیده

افسری وجود نداشت. با چنین افسران مجرب و دارای مورال عالی، سربازان ما شجاعانه و بی هراس به جنگ علیه دشمن می روند و پیروزی را به دست میاورند. ولی زنده گی و فعالیت های محاربوی قطعات و جزو تمام ها مطالبات و خواست های جدید و بیشتر از کادرها، قوماندانان، کارکنان سیاسی، پرسونل انجینیری و تخنیک کی دارد. این وضع هر افسر را مکلف می سازد تا آبدیده گی سیاسی، آماده گی تیوریك و مهارت آموزشی و تربیوی خویش را بهبود و تکامل بخشد.

نیروی اردوی ما، در داشتن تخنیک، وسایط مدرن و مورال آن است. امروز قطعات و جزو تمامهای ما با وسایط تخنیک و اسلحه عصری مجهز است. این اسلحه پر قدرت زمانی میتواند تأثیر مطلوب را بر دشمن وارد کند که در دست های توانا و مطمئن قرار داشته باشد. از این رو وظیفه هر سرباز، خرد ضابط و افسر است که فن استفاده مؤثر از سلاح و وسایط دست داشته خویش را با مهارت فراگیرد و از کلیه امکانات محاربوی آن به نفع دفاع از افغانستان دموکراتیک استفاده نماید.

در شرایطی که اردوی ما بر علیه باندهای ضدانقلاب مبارزه میکند باید از نظم عالی، اطاعت کامل و دسپلین آهنین و متین عسکری و حزبی برخوردار باشد. کوچکترین غفلت و لاقیدی، عدم اطاعت از اوامر سپرده شده نتیجه وخیم و مرگباری را با خود دارد.

منافع وطن از هر سرباز مطالبه مینماید، تا همه احکام قانون مکلفیت عمومی عسکری، اصول نامه ها و تعلیمات تنامه های عسکری، تحلیف عسکری، اوامر قوماندانان و امران خویش را دقیقاً رعایت نماید دسپلین مشخصاً و طنپرستی، آگاهی سیاسی و خصلت مردانه گی سرباز است.

دوستی خلل ناپذیر و همکاری محاربوی با منسوبین قطعات محدود اتحاد شوروی اردوی ما را به مراتب نیرومندتر ساخته است. این دوستی سمبول درخشان دوستی بزرگ مردمان ما بوده و برای همیشه جاویدان خلقهای ما را با هم پیوند ناگسستنی داده است. آماده گی برای تجلیل از شصتمین سالگرد تأسیس اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی زمینه بهتری را جهت گسترش همه جانبه دوستی و برادری بین احزاب، مردم و اردوهای هر دو کشور مساعد میسازد.

قوماندانان، ارگانهای سیاسی، سازمانهای حزبی، جوانان و تمام کلکتیف های عسکری باید مطابق مصوبه بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان به منظور بهبود هر چه بیشتر امرتربیه منسوبین بارو حیه عالی و طنپرستی، انترناسیونالیستی و روحیه وفاداری بی پایان به دوستی بی شایبه افغان شوروی سهم لازم در این تجلیل بزرگی بگیرند.

نیرو و استحکام اردوی ما ناشی از اینست که حزب دموکراتیک خلق افغانستان

ساختمان نظامی اردو را رهبری می نماید و نقش و تأثیر ارگانهای سیاسی و سازمانهای حزبی در تمام جوانب زنده گی و فعالیت قطعات ارتقا مییابد. این نقش در آنصورت مؤثرتر خواهد بود که وحدت و همبستگی صفوف حزب مستحکمتر باشد. نهمین پلینوم کمیته مرکزی ح.د.خ.ا باز هم با صراحت این مطلب را خاطر نشان ساخته است.

کمیته مرکزی ح.د.خ.ا اطمینان دارد که اعضای حزبی فرقه (هفده) پیاده از سربازان تا قوماندانان به طور مصرانه و خستگی ناپذیر وحدت حزب را تحکیم بخشیده تمام اقدامات راجهت بلندبردن دسپلین حزبی اتخاذ نموده و سربازان را به سوی موفقیت های جدید در پیشبرد تعلیم و تربیه، خدمت عسکری و مبارزه انقلابی به دنبال خویش میکشانند. بگذار تا در عرصه پیکار، در کوه ها و میدان های تعلیمی این شعار گرم و آتشین حزب که: «اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان به پیش»، بلند و بلند تر طنین اندازد.

کمیته مرکزی ح.د.خ.ا همچنان اعتقاد کامل دارد که تمام منسوبین قهرمان فرقه هفده پیاده به طور صادقانه و فداکارانه به میهن خود خدمت کرده و علیه عناصر ضدانقلاب جانبازانه مبارزه نموده و سهم از زنده در امر پیروزی نهایی انقلاب ثور و مرحله نوین تکاملی آن به جا گذارند.

زنده باد انقلاب شکوهمند ثور!

زنده باد حزب دموکراتیک خلق افغانستان، حزب طبقه کارگر و کلیه زحمتکشان افغانستان!

افتخار به قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان!

ما می‌خواهیم که تمام شهرها و ولایات میهن انقلابی ما صنعتی، پیشرفته و شگوفان گردد

بیانیه در گرد همایی وسیع زحمتکشان شهر هرات

۲۹ میزان ۱۳۶۱

رفقای هم‌رزم انقلابی!

نماینده گان محترم سازمانهای اجتماعی، جبهه ملی پدروطن، اتحادیه های صنفی، سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان، سازمان دموکراتیک زنان افغانستان!

نماینده گان وباشنده گان محترم ووطنپرست شهر ولایت هرات! ازینکه امکان یافتیم باشما ملاقات نمایم و شادباشهای کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، شورای انقلابی و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان را به شما برسانم، احساس مسرت مینمایم.

در این اواخر کارمندان رهبری کشور، اعضای کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، اعضای شورای انقلابی ووزرای جمهوری دموکراتیک افغانستان به دفعات وهرچه بیشتر از گذشته از ولایات، شهرها وولسوالی ها دیدن نموده با مردم ملاقات میکنند. این دیدارها، یکی از اشکال تحقق عملی تصامیم کنفرانس سراسری ونهمین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، یکی از مظاهر سرشت وماهیت دموکراتیک دولت انقلابی ماست که هدف عمده آن مواظبت دایمی از رفاه مردم میباشد. ما می‌خواهیم که با چشم خود ببینیم که مردم ما چگونه زنده گی مینمایند ودر باره حوادثی که رخ میدهد، هرچه عمیقتر وبهتر بدانیم.

البته چنین مسافرت ها وملاقاتها با مردم تنها هدف ساده آشنایی را ندارد. این دیدارها کمک میکنند تا وظایف عملی را انجام دهیم ونواقص را بر طرف سازیم و تدابیری را در جهت پیشرفت هرچه موفقانه در راه اعمار جامعه نوین اتخاذ نماییم. از جانب دیگر هر یک ازین ملاقاتها شکلی از گزارش دهی حکومت میباشد.

زیرا مردم باید بدانند که وضع در کشور چگونه است؟ وحزب و دولت انقلابی برای رفاه افراد رحمتکش به چه اقداماتی دست میزنند؟

به همین سبب اکنون من در هرات پرافتخار، شهر پر ازسنن بزرگ تاریخی و فرهنگی، در شهری که تا دوردستهای خارج از کشورما نیز شهرت دارد، در شهر باستانی با آینده درخشان قراردارم وهرات باستانی در طی قرون متمادی جنگها، مصایب وآلام بی‌شمار بشری را از سر گذشتانده است. متأسفانه در سالهای بعد از

انقلاب ثور نیز مردم هرات متحمل دشواری ها و آزمایشهای سخت شدند. در رابطه با این میخوامم خاطر نشان سازم که ما همه، همراه با هم و با مساعی مشترک باید تلاش ورزیم تا دیگر هیچگاهی چیز مشابه آن تکرار نگردد.

رفقای محترم!

انقلاب ثور که توسط حزب دموکراتیک خلق افغانستان، بنابر اراده و خواست مردم و پشتیبانی شان پیروز گردید، اصول برابری و عدالت اجتماعی را اعلام داشت.

به خاطر همین هدف بزرگ و شریفانه ما به تحقق تحولات عمیق اجتماعی و اقتصادی به نفع توده های زحمتکش افغانستان پرداختیم و ما میخوایم که وطن مان افغانستان انقلابی کشور نیرومند و شگوفان باشد و مردم ما از نعمات مادی و معنوی ضروری برخوردار باشند تا هیچکس متحمل محرومیت و توهین نشده و عدالت، به قانون بلا تغییر ثابت زنده گی جامعه ما مبدل گردد. میخوایم که در شهر های افغانستان صنایع رشد یابد و در دهات و قرا کشور دهقانان زحمتکش با آرامی و آزادی به کار شریفانه در قطعه زمین مربوط به خود مشغول باشند. هدف ما اینست که هر افغان دارای سرپناه شایسته، زنده گی انسانی و همه کس دارای غذا و لباس کافی باشد و نور دانش و فرهنگ، زنده گی هر هموطن ما را روشنایی بخشد. ما با احترام و رعایت دین مقدس اسلام ضمن تحقق تحولات انقلابی در عین زمان رسوم و عادات مردم، حقوق و سنن هر ملیت، هر قوم و هر ولایت افغانستان را احترام و رعایت میکنیم. من میخوامم با صراحت و مسؤلیت بگویم که حزب و حکومت همه اقدامات ممکن را انجام میدهند تا زنده گی هر تبعه افغانستان بهبود یابد و اگر ما تا کنون در اینجا در هرات و یا در کدام محل دیگر کاملاً به این هدف دست نیافته ایم، گناه آن قبل از همه به دوش دشمنان انقلاب و دشمنان مردم و وطن است.

کسانی علیه سیاست مردمی ما قرار گرفته اند که در گذشته عادت نموده بودند تا مردم را مورد سرکوب و ستم قرار دهند و به حساب استعمار شدید و غیر انسانی زحمتکشان افغانستان زنده گی نمایند. امپریالیزم، هژمونیزم و ارتجاع منطقه به کمک همین عناصر ضد مردمی جنگ اعلان ناشده را علیه مردم و دولت انقلابی افغانستان به راه انداختند. پاسخ امپریالیزم و دست نشانده گان آنرا در برابر مساعی مردم ما برای تغییرات و بهبود زنده گی شان، سوق سیل سلاح، تخریب سرپناه های مردم و مکاتب، شفاخانه ها و سایر اعمال کثیف و وحشیانه تشکیل میدهد، دشمنان مردم زحمتکش ما همراه با به کار انداختن زور، از فریب نیرنگی و تبلیغات دروغین برای گمراه نمودن مردم ما نیز استفاده کرده و میکند اما علی الرغم حملات ددمنشانه امپریالیزم، هژمونیزم و نوکران آنها دولت مردمی با گذشت هر روز استحکام مییابد و اردوی با افتخار افغانستان، ضربات کشنده را بر بقایای باندها که هنوز هم تلاش دارند آرامش و زنده گی مردم زحمتکش افغانستان را برهم زنند، وارد میسازند.

انقلاب ثور بر اراده مردم افغانستان و کمک و پشتیبانی دوست دیرین و همسایه بزرگ ما اتحاد شوروی و همبستگی و همکاری همه کشورهای مترقی و نیروهای صلح اتکا دارد و این به آن معنی است که انقلاب ما شکست ناپذیر میباشد.

هرچند دشمنان تلاش ورزند جلو پیشرفت ما را بگیرند، ما با قاطعیت میدانیم که روزهای عمر شان به پایان رسیده است. البته مبارزه هنوز ادامه دارد و ما ضربات خود را بر ضد انقلاب مسلح و باندهای اجیر امپریالیزم تشدید خواهیم بخشید. اما همین اکنون همه وظایف رشد اقتصادی، نیروهای مولده، افزایش تولید محصولات زراعتی و صنعتی و کالاهای مورد ضرورت مردم با وضاحت و به طور کامل در برابر ما قرار دارد. زیرا این همان مبنایی است که بدون آن بهبود زنده گی مردم و اجرای موفقانه وظایف انقلاب ملی و دموکراتیک ناممکن میگردد و من با صراحت باید بگویم که کمکهای بی شایبه و سخاوتمندانه اتحاد شوروی بزرگ برادر دوست مطمئن ما نقش پر ارزش و بینظیر را در رفع دشواریهای موجود اقتصادی ما ایفا مینماید.

اتحاد شوروی به ما کمک مینماید تا به وضع اقتصاد خویش سروسامان دهیم. مؤسسات لازم را اعمار نماییم و شعب مهم اقتصاد ملی یعنی ترانسپورت، صنایع خفیفه، انرژی، آبیاری مواد غذایی و دیگر حقوق ضروری را که برای رفاه مردم افغانستان اهمیت بزرگی دارد، ایجاد کنیم.

در سال گذشته افزایش معین محصول ناخالص و درآمد ملی در حدود سه فیصد تأمین گردید. محصول ناخالص زراعت نیز نسبت به قبل، رشد معین حاصل نمود.

در عین زمان بنابر اعمال جنایتکارانه ضد انقلاب، هنوز هم کار بعضی از مؤسسات صنعتی لینهای برق و ارتباطات ترانسپورته متوقف و یا مختل شده است و کار اعمار مؤسسات جدید با کندی پیش میرود. هدف دشمنان روشن است. آنها که نتوانستند با زور سلاح به تقوی نایل گردند، اکنون تلاش میورزند اقتصاد کشور را مختل و تولید، ترانسپورت و تجارت را بینظم سازند تا موجب گرسنه گی گردیده و مردم را علیه دولت انقلابی تحریک نمایند. ما وظیفه داریم در برابر این توطئه ها و تلاشهای دشمن، تصمیم قاطع، سازماندهی لازم و پیگیری در تحقق سیاست اقتصادی را قرار دهیم. در برابر دشواریهای موقت اقتصادی نباید غیرفعال و بی تفاوت بود. برعکس رفع فعالیت آنها، بسیج مردم در مبارزه با آنها، نخستین وظیفه حزبی هر عضو حزب و هر کارمند اداری است. این خواست کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، شورای انقلابی و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان است.

در رابطه با این میخواستم توجه شما را به بعضی از مسایل مربوط به وضع اقتصاد شهر و ولایت هرات که یکی از مهمترین مناطق اقتصادی افغانستان است، معطوف نمایم. صنایع شهر و ولایت متشکل از مؤسسات پروسس پخته، مؤسسات ترانسپورته

وبافنده گی قالبین ویکتعداد مؤسسات صنایع غذایی است. آنها به صورت عموم بدکار نمیکنند، اما در تمام مؤسسات هرات وضع چنین نیست. کار ساختمان پروژه های مهم اقتصادی چون بند سلما، فابریکه نساجی و فابریکه سمنت هرات به پایان نرسیده است. زغال در معدن سیزک استخراج نمیگردد، مسلخ هرات کار نمیکند. البته علی برای آن وجود دارد و این علل در هر مورد مختلف است اما بیابید سوال را چنین طرح نماییم:

آیا رهبری حزبی، ولایت و ارگانهای قدرت دولتی توان آنرا دارند که تکمیل ساختمان این پروژه ها و آغاز کار در همه مؤسسات را تأمین نمایند؟ مادر باره پخته گی سیاسی، استعداد سازماندهی و خصوصیات عملی کارمندان رهبری بر اساس اینکه با چه موفقیت و سرعت این دستورالعمل کمیته مرکزی حزب و حکومت را در عمل پیاده مینمایند قضاوت میکنیم علل وضع موجود را در رابطه با هر پروژه بادقت مطالعه کنید.

پلان مشخص کار را ترتیب دهید و تطبیق بلانحراف آنرا تأمین نمایید و مرکز به نوبه خود سعی میکند کمک لازم را مبذول دارد و فعالیت شما را تقویت بخشد. من مطمئن هستم که سازمانهای حزبی ولایت و شهر هرات طرح چنین مسئله را پشتیبانی نموده همه آنچه را که مربوط به آنهاست برای اجرای وظیفه انجام خواهند داد.

لازم است چند کلمه هم در مورد تحقق اصلاحات ارضی صحبت شود. ولایت شما همه شرایط لازم را برای رشد موفقانه زراعت به نفع زحمتکشیان دارد. اما به نظر ما امور مربوط به پیشبرد اصلاحات ارضی و آب هنوز با کندی پیش میرود و باید آهنگ اجرای تدابیری را که در فیصله های کمیسیون مشترک کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان برای ادامه اصلاحات ارضی پیش بینی میگردد، سرعت بخشید. رفقا شرایط و دشواریهای عینی را پیش میکشند. واقعاً دشواریها وجود دارد. اما اگر آنها را رفع نکنیم همینطور باقی میمانند. اگر عمل صورت نگیرد، نتایجی هم وجود نخواهد داشت. رفقا میخواهم شما را به فعالیت بزرگ و پیگیر قاطع در امر اصلاحات ارضی، یکی از وظایف اساسی انقلاب ما، دعوت نمایم که تحقق و به ثمر رساندن آن وظیفه انقلاب ما و شماست.

میخواهم روی یکی دیگر از جوانب کار ما در عرصه اقتصاد که با تحکیم رابطه حزب با توده ها ارتباط ناگسستگی دارد صحبت نمایم. در زمان سابق حاکمان افغانستان قرنهای این فکر را در ذهن انسان های ساده نفوذ میدادند که تنها به کار فابریکه و کارخانه و لیسوالی، شهر، ولایت و دولت هیچ رابطه ای ندارند. آنها این اندیشه را اشاعه میدادند که کارگر فقط باید کار خود را انجام دهد. دهقان اگر قطعه زمینی دارد آنرا کشت کند و گرنه برای فیوودال عرق بریزد، پیشه ور باید محصولات

خود را بسازد، در باره دیگر چیزها حاکمان، سرداران و والیان فکر خواهند کرد و مواظبت نشان خواهند داد. حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان معتقدند که تبعه افغانستان باید برای بهبود زنده گی در کشور سهم بگیرد. اگر در فابریکه بینظمی است و یا تولید درست سازمان نیافته، سازمان اولیه حزبی و کارگران نباید خاموش باشند و دهقانان نباید بگذارند که دشمنان محصولات شانرا آتش زنند. ارگانهای قدرت، والیان و کمیته های حزبی حق ندارند که هنگام مراجعه مردم برای طلب کمک بی تفاوت باقی بمانند و عمل نکنند. باید با صراحت اعلام داشت که حزب و دولت در خدمت مردم است و باید هم صادقانه و با تمام فداکاری، تواضع و فروتنی در خدمت مردم باشد.

ما باید به انسانها کمک کنیم تا این حقیقت را درک کنند که صاحب واقعی کشور مردم اند و نه فیودالان، طبقات ممتاز، استثمارگران و جانب. یعنی لازم است که هر زحمتکش مسؤولیت خود را در برابر آنچه که رخ میدهد احساس کند و به دولت مردمی خود هر نوع کمک را میبذول دارد. کمیته ها و سازمانهای حزبی موظف اند تا همه این امور را رهبری کنند. لازم است تا زحمتکشان را به امر تأمین امنیت هر چه وسیعتر جلب نمود. اکنون تعداد فابریکه ها، کارخانه ها و دهاتی که در آنها گروه های مقاومت وجود دارد، کم نیست. اگر دشمن بخواهد شرایط کار صلح آمیز را در این محلات اخلال کند، از جانب زحمتکشان و اهالی با جواب دندان شکن و قاطع رو به رو میگردد. به يك کلمه، هنگامی که در برابر باندیت ها همه مردم به پا می خیزند، ما هر چه سریعتر به عمر آنها خاتمه میبخشیم. هیچ نیرویی از خارج نمیتواند به آنها کمک کند.

هموطنان گرامی!

هرات در محل تقاطع دو خط مواصلاتی که هر کدام آن به سرحد یکی از دو کشور همسایه می انجامد، قرار دارد. هرات در همسایه گی با اتحاد شوروی و ایران واقع است.

از جانب اتحاد شوروی برادر، ترکمنستان شوروی با هرات همسرحد است. مردم ترکمنستان شوروی که به سطح عالی رشد رسیده اند مانند سایر خلقهای اتحاد شوروی کمک انترناسیونالیستی و برادرانه خویش را به افغانستان میبذول میدارند. سرحد با اتحاد شوروی با جمهوری ترکمنستان شوروی، سرحد دوستی، صلح و همکاری برادرانه است و ما مطمئنیم که این همکاری میان کشورهای ما با موفقیت رشد مییابد و خواهد یافت.

ما آرزو داریم که با همسایه دیگر، جمهوری اسلامی ایران نیز چنین سرحدی داشته باشیم. متأسفانه ما با ایران چنان مناسباتی که باید میان دو همسایه وجود داشته باشد، نداریم. البته موجودیت این وضع ناشی از تقصیر ما نیست. شما هراتیان شریف

و وطنپرست خوب میدانید که مدتهاست از این همسایه نه دوستی و نه سعی برای همکاری، بلکه بر خورد خصمانه و عدم شناخت و واقعیت موجود در کشور ما، تبارز مییابد. بسیار بد است اما من فکر میکنم که این موضوع نمیتواند دیر دوام کند زیرا نه تنها با منافع مردم ما، بلکه با منافع مردم ایران نیز مطابقت ندارد. ما متکی بر این واقعیت هستیم که سمتگیری ضدفیودالی و ضدامپریالیستی انقلاب ایران هماهنگی با منافع انقلاب ماست. البته بین ما تفاوت ها نیز وجود دارد که یک امر طبیعی است میان بسیاری از کشورهای همسایه جهان تفاوتها در سیستم ها و مشی سیاسی وجود دارد. اما این وضع مانع آن نمیشود که مانند دو همسایه نیک زنده گی نکنند. ما معتقدیم که در هر حالت میان همسایه گان باید همکاری عادی اقتصادی، تماس ها و گفتگو های سیاسی سازنده روی مسایل ذات البینی و مسایل میرم اوضاع در جهان و منطقه وجود داشته باشد. چنین همکاری و تماس و گفتگو هنوز میان ما و ایران وجود ندارد، گرچه منافع مشترك اقتصادی هم داریم و بر علاوه در عده زیادی از مسایل سیاست جهانی مواضع ما مطابقت دارد ما بارها آمادگی خود را برای استقرار مجدد مناسبات نیک با ایران اعلام داشته ایم و آماده ایم باردیگر آنرا ابراز نمایی، ما با تعمیل سیاست خارجی خود به طور انکارناپذیر به اثبات رسانیده ایم که جمهوری دموکراتیک افغانستان دولت صلحدوست، مترقی و غیرمنسلك است. مادر عرصه بین المللی و در جنبش عدم انسلاک علیه تهدید جنگ، خواه ذره وی و خواه عادی قرار گرفته ایم. اعمال تجاوزکارانه را تقبیح و ابتکارات صلح آمیز اتحاد شوروی را که متوجه جلوگیری از تصادفات عمومی یا محلی است پشتیبانی کرده ایم. اکنون هنگامی که جریان حوادث در جهان خصوصیت تشویش را به خود میگیرد. ما کاملاً در کنار نیروهای صلح به سر کرده گی اتحاد شوروی قرار داریم و در محافل بین المللی به پشتیبانی از عدم استفاده از سلاح اتمی، محدود ساختن و بالاخره محو سایر انواع سلاحهای مرگبار، به خاطر اینکه تخفیف تشنج به عامل تعیین کننده در مناسبات بین المللی مبدل گردد، رای میدهیم. ما در امور منطقه خود نیز از سیاست صلحدوستانه پیروی میکنیم. در دو سال اخیر ما دوبار پیشنهادهای مشخص را برای حل و فصل سیاسی اوضاعی که در اطراف افغانستان به وجود آمده است، ارائه نمودیم. راه دیپلماتیکی که از آن زمان تاکنون طی شده است پیچیده و دشوار بود. اما زنده گی صحت و حقانیت موقف اصولی ما را به اثبات رسانید. چنانکه معلوم است مذاکرات میان نماینده گان جمهوری دموکراتیک افغانستان و پاکستان از طریق نماینده خاص سر منشی سازمان ملل متحد، آغاز گردیده است. گرچه پیشنهادهای ما گامهای وسیعتر و عمیقتر را در راه حل و فصل مسایل تقاضا میکند، ولی باز هم ما آغاز مذاکرات با پاکستان را به حیث گامی در جهت درست تلقی میکنیم. متأسفانه رهبری ایران از این تماسها با ما و بحث روی مسایل مربوط به حل و فصل سیاسی کنار مانده است. باید دانست که جمهوری دموکراتیک افغانستان موجود خیالی و شبح نیست، بلکه واقعیت سیاسی و فزیکمی میباشد که آنرا باید پذیرفت. بدون وابسته گی به آن که کسی

راخوشش می آید و یا نمی آید، ماموجود هستیم ، رشد می یابیم، مبارزه میکنیم، پیروز میشویم وزنده گی نوین را اعمار مینماییم . این حق انفکاک ناپذیر مردم ماست. در رابطه به این هر ساله در اینجا، در هرات باستانی که در بسیاری جهات سمبول قرابت تاریخی وفرهنگی ما با ایران است، من ابراز آرزومندی میکنم که مناسبات میان دو کشور ما باز هم در راه دوستی وهمسایه گی نیک قرار گیرد واطمینان میدهم که افغانستان نصف راه مربوط به خود را به صداقت و صمیمیت طی خواهد کرد.

رفقای محترم!

در اخیر گفتار خویش میخواهم در باره یک مسئله دیگر یعنی رشد حزب دموکراتیک خلق افغانستان به مثابه نیروی رهبری کننده و هدایت کننده جامعه ما، پیشاهنگ طبقه کارگر و کلیه زحمتکشان کشور صحبت نمایم. اکنون حزب ما دوره رشد سریع و تکمیل صفوف خود را به حساب پذیرش بهترین واما مهمترین کارگران، دهقانان، سربازان، روشنفکران، جوانان محصل، نماینده گان همه اقوام و ملیت ها طی میکند. آنانی که حزب دموکراتیک خلق افغانستان شامل میگرددند که با همه عقل، وجدان و قلب خویش اهداف شریفانه ونجیبانه آنرا میپذیرند وآماده اند با کار وپیکار خود اهداف و پلانهای حزب را تحقق بخشند. این حاکی از اعتبار افزایش یابنده حزب در میان مردم ورابطه هرچه محکمتر آن با توده هاست. تحکیم حزب وار تقای وحدت ویکپارچه گی صفوف آن، روند پیچیده وکثیرالجوانب است که اکنون میخواهم از میان بسیاری آن یک جنبه را برجسته سازم: مسئله بر سر تحکیم دسپلین، انضباط وار تقای مسؤولیت هر عضو حزب است.

ما مسؤولیت تاریخی سرنوشت و طن مان افغانستان عزیز، سرنوشت انقلاب ثور وسرنوشت مردم زحمتکش وشرافتمند خود را به عهده گرفتیم. نیروی ما، ضامن موفقیت های امروز وفردا های ما، در دسپلین آهنین، سازماندهی درست ووحدت عمل ماست. ما با اطمینان و خوشبینی به آینده درخشان مینگریم ودر پیروزی قطعی و سریع امر عادلانه خود، هیچ تردیدی نداریم.

زنده باد انقلاب ثور!

زنده باد حزب دموکراتیک خلق افغانستان!

پیروزی از آن ما، از آن مردم با شهامت افغانستان محبوب ماست!

ما مؤلف هستیم در همه مقامات پر مسؤولیت، افرادی را انتخاب و تعیین نماییم که در عمل مستحق اعتماد حزب و قادر به عملی ساختن سیاست آن باشند

بیانیه در جلسه وسیع کارمندان عالی‌رتبه حزبی ودولتی برای بررسی مسئله کادرها

۸ عقرب ۱۳۶۱

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان شما را به این جلسه دعوت نموده است تا مسایل علمی مهم در رابطه با انتخاب، انتصاب و جا به جا ساختن کادرها، مورد بحث قرار گیرد و همچنان تدابیر مشخص به منظور بهبود و تنظیم این امر بسیار جدی و مهم اتخاذ گردد. اگرچه امروز فقط مسایل عملی مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد، اما من فکر می‌کنم مفید باشد اگر از احکام اساسی تیوریک در رابطه با مسئله کادرها نیز یاد آوری شود.

تیوری علمی انقلابی نقش عمده را در روند تاریخی و ایجاد صورت بندی های نوین اجتماعی و اقتصادی مربوط به توده های مردم میداند. همراه با آن در تحقق تحولات انقلابی و سازماندهی عملی سیاست، اهمیت فوق العاده کار کادرهای رهبری که توده هارا سازمان داده فعالیت شانرا هدایت می نمایند، نیز نفی نمی‌گردد. پراتیک کار و پیکار همه احزاب انقلابی حاکم، بدون استثناء باصراحت و وضاحت کامل این نتیجه گیری تیوری علمی - انقلابی را که تحقق موفقانه مشی سیاسی مبنی بر تکامل جامعه، تاحد قطعی مربوط به انتخاب درست و جا به جا ساختن درست کادرهاست تأیید میکند. این حقیقت را تجربه حزب ما، حزب دموکراتیک خلق افغانستان نیز تأیید می نماید.

حزب ما با به پیروزی رساندن انقلاب ثور و قبول مسؤولیت تاریخی سرنوشت وطن و مردم افغانستان، تنها از طریق انسانهای مورد اعتماد و قادر به اجرای وظایف دشوار می تواند سیاست خودرا عملی سازد. حکم مشهور رهبر پرولتاریاست که می گوید: برای تحقق سیاست، انسان هایی لازم است که ضرورت این سیاست را درک کنند و بتوانند آنها در پراتیک اجرا نمایند. هیچ سیاستی را نمی توان بدون بیان و تجلی آن در تعیین، انتصاب و تبدیلی کادرها عملی ساخت. به همین سبب انتخاب، انتصاب، تعیین و جا به جا ساختن، تبدیل درست، به موقع و معقول کادرها امر حیاتی حزب و یکی از مهمترین و مبرم ترین وظایف آنست. حزب این امر مهم را کاملاً به دست می گیرد. بنابراین تحقق سیاست کادرها یکی از عمده ترین مسایل را در فعالیت

بیروی سیاسی و دارالانشا کمیته مرکزی و سایر ارگان های حزب تشکیل میدهد. بدون درک واضح و روشن این موضوع از جانب فعالین حزبی، کارمندان رهبری دستگاه دولتی، عملی ساختن درست سیاست کادرها نیز ممکن نیست، و به نوبه خود بدون این کار حصول اهداف ما، تکامل انقلاب و دفاع موفقانه از آن نیز، امکان پذیر نیست. به این ترتیب میان سیاست و فعالیت کادرها ارتباط متقابل و وابستگی متقابل محکم و گسست ناپذیر وجود دارد.

در رابطه با این موضوع میخواهم درباره فهم تفسیر کلمه یا اصطلاح کادرها در حزب ما صحبت نمایم. همه ما میدانیم که در جریان سال های متمادی قبل از انقلاب در حزب دموکراتیک خلق افغانستان اصطلاح «کادرها» به گروه بالنسبه محدود عناصر حرفوی، یعنی اعضا و فعالین حزبی که دارای زیادتین سابقه وستاز حزبی بوده ووظایف پراهمیت وپرمسؤولیت حزب را به دوش داشته وخدمات ارزنده و بارزی را برای حزب انجام داده بودند، اطلاق می شد. چنین درک مسئله کاملاً طبیعی و قابل فهم بود. با استفاده از فرصت میخواهم تأکید نمایم که خدمات این افراد واقعاً پر ارزش بود و حزب ما هیچگاه آنرا فراموش نخواهد کرد. و امروز نیز بسیاری از این افراد استخوانبندی اساسی و اتکای حزب ما و مایه افتخار بزرگی ما اند.

اما اکنون که حزب دموکراتیک خلق افغانستان مبدل به حزب حاکم شده، هرچه بیشتر خصلت توده یی را به خود می گیرد. مسلم که تأثیر و نفوذ آن بر همه عرصه های زنده گی کشور ما، بر همه طبقات و اقشار جامعه ما گسترش می یابد، به تعداد بیشتر کادرها و کارمندان رهبری که سیاست حزب را درست درک نمایند و به طور بلاانحراف تحقق بخشند، ضرورت احساس می گردد.

اکنون اصطلاح و مفهوم «کادرها» نیز مملو از محتوای نوین گردیده و توسعه بیشتر یافته است. با اتکا بر احکام تیوری علمی- انقلابی و تجربه احزاب حاکم انقلابی مفهوم «کادرها» را میتوان چنین تعریف کرد :

کادرها عبارت از ترکیب اساسی کارمندان دارای آماده گی در کار رهبری در ارگانهای حزبی، دولتی و اقتصادی هستند که وظیفه دارند امر تحقق مشی سیاسی مطروحه حزب دموکراتیک خلق افغانستان را سازمان دهند.

با در نظر داشت این تعریف از «کادرها» ما باید سیاست کادر را به حیث عملی ساختن اصول، اشکال و میتودهای انتخاب، جا به جا ساختن و تربیت کادرهای رهبری در شرایط مشخص تاریخی فعالیت حزب، درک نماییم.

بیروی سیاسی و دارالانشا کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان دایماً توجه زیادی را به بهبود کار با کادرها در همه سطوح داشته سعی می ورزند تا همه اصول مربوط به انتخاب و نصب کادرها جداً رعایت گردد در سال های اخیر، حزب یک

سلسله تدابیر را به منظور رفع نواقص و تخلفاتی که قبلاً از اصول رهبری حزبی و منجمله در عملی ساختن سیاست کادرها وجود داشت، اتخاذ نموده است. این مسایل در اسناد پلینوم های کمیته مرکزی حزب و کنفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان منعکس گردیده و در جلسات بیروی سیاسی و دارالانشا مورد ارزیابی قرار گرفته است.

شما میدانید که بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، فهرست مقاماتی را که در اپارات حزبی، دولتی و سازمان های اجتماعی شامل نومنکلاتور کمیته مرکزی یعنی بیروی سیاسی، دارالانشا و شعبات کمیته مرکزی میباشد، ترتیب و تصویب نموده است.

بیشتر از یکسال، از زمانی می گذرد که مصوبه بیروی سیاسی در باره طرز انتخاب و تعیین کادرهای شامل فهرست مقامات مورد منظوری کمیته مرکزی پذیرفته شده است. بر اساس این مصوبه شعبات کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، آمران وزارت ها، ادارات و سایر سازمان ها موظف اند این طرز العمل را جداً رعایت نمایند.

امروز باید با صراحت گفت که اجرای سیاست درست در مورد کادرها با دشواری های زیادی مواجه می گردد. نخست اینکه مادر شرایط کشور عقیمانده کار می کنیم. این عقب مانده گی میراث سنگین گذشته است که هنوز نتوانسته ایم آنرا رفع نماییم. بر علاوه ما مجبوریم کار در جهت رفع این عقب مانده گی را در شرایط جنگ اعلان نشده که از سوی امپریالیزم و ارتجاع تحمیل گردیده است، پیش ببریم. البته این وضع پیشرفت ما را با کندی و دشواری مواجه می سازد.

رفقای محترم!

دشواری ها در کار ما وجود داشته و دارد و خواهد داشت. همه انقلابات با درد و رنج پا به عرصه وجود گذاشته و تکامل آنها ساده نبوده است.

انقلابیون اصیل به همین مناسبت هم نیرومند میباشند که بر هرگونه دشواری غلبه می نمایند. برای ما منبع الهام آموزش و فراگرفتن تجارب وجود دارد. پس بیایید به شکل انقلابی، با برخورد حزبی و با طرز واقعی، نظم و ترتیب لازم را در کار خود و بیش از همه در مورد کادرها ایجاد کنیم. بر دشواریها و مشکلات عینی موجود، نباید عدم سازماندهی خود، پراکنده گی و عدم توافق در فعالیت ها را علاوه کنیم، ما باید نسبت به خود و رفقا در مطالبات حزبی جدی و سختگیر باشیم، دائماً انضباط و دسپلین حزبی را تحکیم بخشیم و سطح مسؤولیت در برابر تصامیم و فیصله هایی را که خود اتخاذ می نماییم ارتقا دهیم. ما موظف هستیم در همه مقامات پر مسؤولیت،

افرادی را انتخاب و تعیین نماییم که در عمل مستحق اعتماد حزب و قادر به عملی ساختن سیاست آن باشند.

حزب ما اسناد حزبی پرارزشی را به تصویب رسانید که در آنها احکام اصولی در مورد سیاست کادرها، جهات اساسی آن و میتودهای کار منعکس و معین گردیده است. چندی قبل بیروی سیاسی، مقرره‌یی را در زمینه طرز توافق و منظوری کارمندان که وظایف شان شامل فهرست مقامات مورد منظوری بیروی سیاسی، دارالانشا و شعبات کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و سایر کمیته‌های حزبی می‌باشد، به تصویب رسانید. در این مقرره تصامیم کنفرانس سرتاسری حزب در مورد مسایل مربوط به سیاست کادرها در نظر گرفته شده است. این تصویب متوجه بهبود بیشتر کار کمیته‌های حزبی و ارگان‌های دولتی در زمینه انتخاب و جا به جا ساختن کادرهای رهبری کننده می‌باشد.

**بدون درك عميق ایدیالوژی انقلابی، يك حزب پیشاهنگ
موفق به شناخت جامعه، سیاست و ایجاد سازمان و
رهبری مستحکم بوده نمی تواند**

بیانیه شفاهی هنگام ملاقات با مشمولین سیمینار وسیع تشکیلاتی و تبلیغ، ترویج و آموزش

وکنترول حزبی

۱۲ عقرب ۱۳۶۱

رفقای عزیز!

مسرورم از اینکه با هم ملاقات میکنیم، در زمینه کارمعی و مشخص با هم تبادل نظر مینماییم و از نزدیک از تجارب یکدیگر می آموزیم. من مخصوصاً ضرورت آنرا احساس میکنم که از حقایق و چگونگی مسایل حزبی مطلع شوم. قراری که به من گزارش دادند، سیمینار شما رفقای اشتراک کننده با موفقیت جریان داشت. در این زمینه به شما شادباش و تبریک میگویم. این يك سنت شایسته است که باید همیشه و پیوسته روابط مقامات رهبری با فعالین و کدرها و از طریق فعالین و کدرها با توده حزبی تحکیم یابد و آن خود از طریق چنین ملاقات ها میتواند میسر شود.

موضوع سیمینار شما رفقا، اشتراک کننده گان سیمینار، يك مسئله مهم و حیاتی حزبی بود که عبارت از وحدت ایدیولوژیک و سازمانی می باشد. در هر مرحله تاریخ نهضت های انقلابی و درسیر تاریخ احزاب طبقه کارگر بخصوص مراحل می رسد که یکی از وظایف به صورت وظیفه عمده حلقه اساسی به شمار می رود. در شرایط موجود مسئله مهم و حیاتی و تعیین کننده، مسئله وحدت حزبی است. البته مسئله وحدت حزبی کار همیشه گی و دوامدار يك حزب طبقه کارگر به شمار میرود. لیکن بنابر عواملی و قنأوقنأ مسئله وحدت حزبی به حیث يك اصل عمده تجسم میکند. این در شرایطی است که احزاب مترقی و کارگری یعنی حزب طبقه کارگر در پروسه تکامل خود و قنأوقنأ به بحران های فرکسیون و انشعابی مواجه میگردد. این پروسه فرکسیون و انشعابی تقریباً در سرنوشت تمام احزاب برادر کارگری وجود داشته، لیکن آن احزاب چه در وقت اپوزیسیون و چه در هنگامی که حزب حاکم بودند، بنابر برخورد اصولی توانسته اند که بالای عدم وحدت حزبی غلبه کنند. البته جهت عمده وحدت، وحدت ایدیولوژیک و سازمانی است. لیکن به عباره دگر چهار عنصر در وحدت حزب نقش و تأثیر اساسی دارد:

اول وحدت ایدیولوژیک، وحدت ایدیولوژیک یعنی چه؟ یعنی تمام اعضای حزب و

سازمانها به صورت یکپارچه آگاهی کامل از ایدئولوژی طبقه کارگر داشته و به آن اعتقاد و ایمان راسخ داشته باشند. از همه اولتر باید سطح آگاهی تمام اعضای حزبی و سازمانهای حزبی از لحاظ ایدئولوژی، یعنی از لحاظ فراگرفتن تیوری علمی انقلابی به حد لازم و مطلوب رشد و تکامل کند. بدون درک عمیق ایدئولوژی انقلابی هیچگاه يك حزب انقلابی چه در هنگام اپوزیسیون، چه در وقتی که حزب حاکم باشد و چه در شرایط انفجار انقلابی، موفق به شناخت جامعه و سیاست و ایجاد سازمان و يك رهبری مستحکم بوده نمیتواند. ما می بینیم، در تاریخ احزاب مترقی که انحراف از ایدئولوژی به وجود آمده است، در آنجا فرکسیون ها و انشعابات به وجود آمده است. هر وقتی که سطح آگاهی ایدئولوژیک يك حزب پایین و یا ناچیز بوده است، بخصوص در وقتی که حزب حاکم بوده، با بحران های بزرگی مواجه شده است. رهبری اشتباهات کرده، سازمانها پراکنده گردیده و اصل سیاست یعنی ستراتیژی و تاکتیک، درک و تشخیص نشده است.

یکی از عوامل بحرانها عام تربیت و پرورش ایدئولوژیک اعضای حزب و سازمانهای حزبی بوده است. به این مناسبت من یقین دارم که رفقا در این سیمینار با حقایق سرسختی در زمینه درک ایدئولوژیک و ارتقای سطح ایدئولوژی پی برده و آموزش گرفته باشند. این امر را در محلات و ولایات و سازمانهای مربوط بسط و توسعه بدهید و توجه تمام اعضای حزبی و سازمانهای حزبی را معطوف به امر مهم ایدئولوژی بنمایید. موضوع ایدئولوژیک را نه تنها در بین اعضای حزب، بلکه باید از طریق سازمانهای اجتماعی و سازمان دموکراتیک جوانان آهسته آهسته با متانت، به تدریج و هوشیارانه در بین مردم پیاده کنیم. در زمینه از شعار های چپروانه جلوگیری به عمل آید. باید متن و مفهوم ایدئولوژی با مردم در میان گذاشته شود، مثلاً نقش طبقه کارگر توضیح گردد. نقش اتحاد طبقه کارگر و طبقه دهقان را، اهمیت این مسئله را زیر عنوان زحمتکشان، حاکمیت زحمتکشان و اینگونه مطالب در زنده گی، در عمل، در سطح فهم مردم باید تبلیغ و ترویج کرد، تا گام به گام توده های مردم به طرف حزب کشانیده شوند، نه باشعار های چپروانه. این تجربه را ما در حزب خود بعد از انقلاب ثور داریم. ما باید از این اشتباهات حزب خود و از اشتباهات دیگر احزاب و کشورها بیاموزیم. درینجا من جداً توصیه میکنم که رفقا از فرصت های خود حد نهایی استفاده کنند. همیشه آثار مترقی را مطالعه نمایند و به صورت خلاق در شرایط مشخص جامعه افغانستان آنرا مورد تطبیق قرار بدهند. بدون تیوری انقلابی، بدون ایدئولوژی طبقه کارگر، شما نمیتوانید درست و اصولی در راه پیروزی، انقلاب و ساختمان جامعه نوین موفق باشید، حتی در وقتی که حزب ما در حال اپوزیسیون بود کار ایدئولوژیک و تیوریک در حوزه ها خوبتر و بهتر پیشبرده می شد. يك عده کدرهایی که امروز در حزب موجود هستند و ستون فقرات حزب را تشکیل میدهند، در واقعیت محصول همان دوره های اپوزیسیون اند که تا امروز همان ایدئولوژی و تیوری آنها را کمک میکند. باز هم با تأکید و جداً به پیشگاه رفقای عزیز خود توصیه

میکنم که باید از وقت استفاده نهایی شود. فعالین و کدرها و مسئولین ایدیولوژیک، بلکه تمام فعالین و مسئولین و اعضای حزب باید خود را با آموزش تیوری انقلابی معتاد سازند. این عنصر تعیین کننده، مهم و اساسی وحدت حزبی است.

نقطه دیگر، وحدت سازمانی است. سازمان های پراکنده یا فرکسیون های مختلف که از خود محافل و سازمانهای متفاوت داشته باشند، به صورت علنی، مخفی یا به صورت ارتباط زنجیری تماسی های انفرادی داشته باشند، این امر، خیانت صریح به امر وحدت است. رهبر پرولتاریای جهان بخصوص در سال های اخیر زنده گی خود در راه وحدت حزب از لحاظ سازمانی تأکید بسیار نموده است.

لهذا ستون فقرات حزب ما را وحدت سازمانی تشکیل میدهد که البته از بالا تا به پایین، از عالیترین مقام رهبری حزب تا به صفوف، تمام اعضای حزبی مسؤولیت دارند که وحدت سازمانی را استحکام بخشند. همان حرف مشهور رهبر پرولتاریاست که در وقت اپوزیسیون انقلابی می گفت که به من یک سازمان یکپارچه بدهید، من جامعه کنونی روس را دگرگون می سازم.

مسئله وحدت سازمانی در حزب طراز نوین، در حزب طبقه کارگر و تمام زحمتکشان در افغانستان بخصوص در اوضاع و احوال و شرایط موجود که ما از یک طرف با جنگ اعلان ناشده ضد انقلاب، ارتجاع و امپریالیزم مواجه هستیم، از طرف دیگر در شرایطی قرار داریم که ما باید از انقلاب دفاع بکنیم، ما باید صلح و امنیت را در کشور تأمین بکنیم و به موازات آن در راه ساختمان جامعه نوین سعی و مجاهدت و رژیم، یک امر تعیین کننده دیگری در سرنوشت حزب ما، مردم ما، انقلاب ما و وطن ما می باشد. این مسئله نه تنها یک مسئله ملی است، بلکه یک مسئله مسؤولیت انترناسیونالیستی میباشد. برای اینکه امروز در عرصه بین المللی دوستان مادر یک جبهه، آرزومند وحدت حزب استند، و از جانب دیگر دشمنان ما سعی میکنند که حزب را از درون منفجر بسازند. به این جهت امر وحدت سازمانی یک امر جدی است که بخصوص شعبه تشکیلات حزب، تمام شعبات مربوط و تمام اعضای حزب در اینجا مسؤولیت جدی دارند. البته این مسؤولیت تنها مربوط به تشکیلات نیست، بلکه این مسؤولیت دسته جمعی تمام شعبات و اعضای حزب، مقامات رهبری، کادرها و صفوف حزب میباشد.

در ارتباط به مسئله ایدیولوژیک و سازمانی که موضوع سیمینار شما بود، دو عنصر دیگر را یادآوری میکنیم که در وحدت حزب نقشی و تأثیر بسیار مهم دارند. و آن وحدت سیاسی حزب است. وحدت سیاسی یعنی چه؟ وحدت سیاسی متشکل از دو عنصر است، وحدت تاکتیکی و وحدت ستراتیژیک. یعنی وحدت مشی سیاسی به این معنی که حزب چه سیاستی را طرح میکند، خواه در وجود برنامه عمل، مصوبات و غیره، در وقت طرح مشی سیاسی تاکتیکی و ستراتیژیک باید در زمینه مسئله

شناخت مراحل انقلاب و جامعه که در کدام شرایط قرار دارد، در زمینه برخورد با اقشار و طبقات، در برخورد با ملیت ها، اقوام و قبایل و در برخورد با سیاست اقتصادی از لحاظ وظایف نزدیک که این را تاکتیک می گوئیم و وظایف دور که هدف ستراتیژیک می گوئیم، باید وحدت نظر عمل در بین رفاقا موجود باشد.

عنصر چهارم وحدت که شاید در سیمینار شما مطرح نشده باشد، وحدت رهبری است. اغلب اختلافات، انشعابات، فرکسیونبازی ها و دیگر انحرافات گوناگونی که رخ میدهد، از مقامات بالایی حزبی نشأت میکند. یعنی از اعضای کمیته مرکزی و اعضای بیروی سیاسی. وقتی که وحدت رهبری می گوئیم تنها کمیته مرکزی مطرح نیست، البته کمیته مرکزی اصل عمده است که باید در آنجا وحدت نظر و عمل و وحدت همه جانبه موجود باشد. اگر در بالا ها انحرافات و اشتباهات به وجود بیاید بنابر رشته های معین، بالای کدرها و از کدرها به صفوف تأثیر خود را وارد میکند. چه تاریخ دیگر احزاب انقلابی طبقه کارگر، احزاب دموکرات های انقلابی، احزاب نشنل دموکرات ها که ضد ارتجاع و امپریالیزم می رزمند یا رزمیده اند، اغلب بنابر اختلافات مقامات عالی رهبری بر آنها انشعاب رخ داده است که آن از عدم درک، عدم شناخت جامعه، فقر تیوری، فقدان شعور سیاسی و آگاهی سیاسی، زشتی کرکتر، خودخواهی ها، جاه طلبی ها و ده ها عنصر منفی دیگر سرچشمه میگیرد، ارتجاع و امپریالیزم هم، به واسطه دستگاه های جاسوسی خود در این احزاب نفوذ میکنند و وحدت آنها را بر هم می زنند و انشعاب را به وجود می آورند. چنانچه در حیات حزب مانیز حادثه تلخ، غم انگیز و تراژیک وجود داشت. دشمن در وجود شخص جاه طلب و خودخواه مثل حفیظ الله امین رسوخ میکند و آنچه را که عامل بدبختی برای کشور ما، مردم ما و حزب ماست به وجود می آورد. اینرا مردم ما و حزب ما به پوست و گوشت خود لمس کرده اند. مسئله وحدت ایدیولوژیک و سازمانی مسئله یی است که در مرکز توجه سیمینار شما قرار گرفته، لیکن در زمینه به این دو عنصر دیگر هم شما باید توجه مبذول دارید.

بعضاً ممکن است تفاوت ها، یا اختلافات نظر یا اندیشه های نامطلوب در مقامات رهبری ظهور کند. هر گاه خود کارگر های آگاه و باشعور، اعضای حزبی، کادرها به صورت هماهنگ و متحد با رهبری در موضع اصولیت قرار داشته باشند و با آن همکاری و کمک کنند، قهرأ اندیشه عنصری که در مقامات رهبری قرار داشته باشد و بخواهد که ذهن را مسموم سازد، به واسطه قدرت دماغی نیرومند و اصولی کادر ها، سازمانها و اعضای حزبی، فاقد اثر در میان اعضای حزب می گردد. اگر شما زیر تأثیر اندیشه های انحرافی این و آن قرار بگیریید، این اندیشه ها مثل يك مرض ساری در تمام رگ و پوست و عضلات و اعصاب و دماغ حزب نفوذ میکنند. وحدت توأم با دسپلین آهنین، اصل اساسی احزاب طراز نوین است یعنی وحدت و دسپلین آهنین با هم ارتباط ناگسستگی و دیالکتیکی دارد که بدون دسپلین آهنین يك حزب اصیل

انقلابی نه قادر به انقلاب است، نه قادر به دفاع از انقلاب و نه قادر به ساختمان جامعه نوین.

سوال میشود که چرا با این موارد، برخورد قاطع نمی کنند؟ رفقا، روزی میرسد که سرانجام مقامات عالی رهبری حزبی و همچنین دولتی، که حزب آنرا رهبری میکند، دسپلین آهنین را در حزب و در دولت پیاده کند. مگر ما یک مرحله شکیب، توضیح، تجدید تربیت و یک مرحله انتقالی را بعد از آن چیزی که پس از شش جدی برای ما میراث مانده بود، میگذرانیم. ایجاب میکرد که ما با یک مهارت بخصوص بایک برخورد درست باید گام به گام دسپلین آهنین را در حزب رشد و تکامل بدهیم. لیکن دسپلین آهنین وظیفه یک فرد یا چند نفر یا دارالانشا یا در بیروی سیاسی، یا در کمیته مرکزی نیست. ایجاد دسپلین آهنین در حزب مربوط به تمام کمیته های حزبی، فعالین، کادرها و تمام حزب است. بخصوص وظایف شما رفقا است که شما این دسپلین حزبی را نه خشک، نه با برخوردهای خشن و درشت، بلکه با برخوردهایی به اساس فکت به اساس حقایق، با برخورد اصولی رفیقانه و پاک با مغز سرد، با برخورد کاملاً ابژکتیف و شریفانه، نه ذهنی گرانه، در حزب تأمین کنید. ما وقتی می توانیم که وحدت خود را در عرصه ایدیولوژیک و سازمانی و همچنین وحدت سیاسی، خط مشی تاکتیکی و ستراتیژیک و وحدت رهبری را تأمین کنیم که مسئله کادرها را در داخل حزب و دولت صحیح و درست حل و فصل نماییم. چند روز قبل در یک جلسه راجع به کادرها صحبت های دقیق صورت گرفت. مسئله سیاست کدري یک اصل سیاسی و عمده دیگری است که ما بدون حل درست آن نمیتوانیم وظایف بزرگ و پرمسئولیت خود را در برابر حزب، مردم، انقلاب و کشور در عرصه ملی و بین المللی تأمین کنیم. سعی فراوان باید مبذول داشت که کادرهای سابقه دار و همچنین کادرهای جوان را صحیح و درست جا به جا کنیم. این وظیفه رفقا است که در مسئله جا به جا کردن کادرها، در مسئله بیرون کشیدن کادرها، در انتصاب و انتخاب کادرها بسیار دقت کنند. باز هم برخورد شان ابژکتیف باشد. باید بر اساس کفایت، لیاقت، شخصیت، کاردانی، کار فهمی و آگاهی برخورد صورت بگیرد. بزرگترین جرم و نابخشودنی ترین جرم این خواهد بود که در انتصاب و انتخاب و جا به جا کردن کادرها، مسایل ذهنی و شخصی دخالت پیدا کند. یا مسئله این ولایت و یا آن ولایت، این ملیت و آن ملیت، این قوم و آن قوم یا به اساس رفاقت های شخصی و شناخت های خصوصی یا خانواده گی در مورد انتصاب و انتخاب کادرها برخورد صورت بگیرد. در این مسئله حزب، کمیته مرکزی جدی است و خواست مردم اینست که کسانی که آنان را رهبری می کنند، که در آخرین تحلیل همین کادرها و همین رهبران حزبی و دولتی اند، باید انسان های سالم، با کرکتر، با تقوا، خدمتگزار صدیق مردم، متواضع و فروتن باشند. توجه رفقا را در شناخت، انتصاب و انتخاب کادرهای واقعی جداً معطوف میدارم.

باید مسایل و موضوعات سیمینار را در تمام سازمان ها انتقال دهید. از طرف مقامات رهبری حزب، از طرف کمیته مرکزی، بیروی سیاسی و دارالانشا و شخصاً از جانب من مکلف هستید مسایلی را که من خاطر نشان ساختم و چیزهایی را که در سیمینار فراگرفتید واقعاً و از صمیم قلب، با عشق فروزان در عمل پیاده کنید.

رفقا!

عنصر دیگر، احساس مسؤولیت است. از همین جا باید احساس مسؤولیت را شناخت و آغاز کرد. یکی از عواملی که یک حزب را به فساد و انحراف میکشاند، مسئله ضعف یا عدم احساس مسؤولیت در حزب است و ضعف احساس مسؤولیت در حزب ناشی از عقب مانده گی کشور یا ناشی از خصلتهای روشنفکری، ناشی از اندیشه های نامطلوب گذشته و ایمان راسخ نداشتن به انقلاب ملی و دموکراتیک، عدم درک ایدیولوژیک و ضعف کرکتر شخصی می باشد. اینجا مسئله مهم وجدی این است که ما باید سطح احساس مسؤولیت را در اجرای وظایف محوله، ارتقا بخشیم، ما برای چه حزب را تشکیل دادیم؟ چرا عضو حزب شدیم و چرا انقلاب کردیم؟ چرا حزب ما مسؤولیت بزرگ تاریخ را در برابر جامعه و وطن و مردم به عهده گرفت؟ چرا اعضای حزب پرمسؤولیت ترین اشخاص و پروقف ترین اشخاص میباشند؟ اینها هرگز برای خود کار نمی کنند. اصلاً سطح احساس مسؤولیت در بین اعضای حزب طراز نوین به پیمانه بی می باشد که بسیاری اوقات حتی خود را فراموش میکنند. ما نه تنها در برابر حزب و انقلاب، دولت، جامعه، وطن، مردم و از لحاظ بین المللی در برابر سیستم جهانی سوسیالیزم در برابر روابط عمیق افغان شوروی، در مبارزه علیه ارتجاع و امپریالیزم، استعمار، صهیونیزم، فاشیزم، راسیزم و غیره احساس مسؤولیت داریم، بلکه در برابر اوضاع کنونی جهان، علیه تحریکات جنگ افروزانه امپریالیزم بین المللی بخصوصی امپریالیزم ایالات متحده امریکا که جهان را در یک وضع بسیار مغلق و پرمخاطره قرار داده، علیه تسلیحات ذره وی، در دفاع از دیتانت و صلح نیز مسؤولیت داریم.

لهذا توجه رفقا را به ارتقای سطح احساس مسؤولیت، وقف و فداکاری معطوف میدارم و میتوان گفت که احساس مسؤولیت یک فقره یا دو فقره ندارد، این مسئله ممکن به صدها موضوع ارتباط بگیرد.

رفقا!

مسئله دیگر مسؤولیت کمیته های حزبی اعم از ولایتی، شهری و لسوالی و شما رفقای که به محلات میروید، مسئله کار در عرصه اقتصاد است. ما امروز باید به موازات هم، در دوجبه کار و پیکار کنیم: یکی جبهه بی است که در وحدت با مردم، در جلب و جذب مردم به خارتدوی واردو با اتکا به مردم، از انقلاب پاسداری مینماییم. در پهلوی آن ما لحظه بی هم نباید کار و مبارزه را در عرصه اقتصاد فراموش کنیم.

آخر رفقا هدف ما چیست هدف ما ساختمان حیات نوین اقتصادی واجتماعی در افغانستان است که جداً وبا صراحت اعلام میشود که این سمتگیری به طرف جامعه نوین است که در آن استثمار فرد از فرد از بین برده میشود و سطح زنده گی توده ها ارتقا پیدا میکند. چگونه این هدف برآورده میشود؟ فقط از طریق رشد سریع، درست و عملی حیات اقتصادی کشور!

رفقا!

وظیفه و مرکز ثقل انقلاب ملی و دموکراتیک مسئله اصلاحات دموکراتیک ارضی است، توأم با جنبش کوپراتیوی. تمام کمیته های حزبی همه اعضای حزب در راه تطبیق آن باید توجه معطوف دارند. ما تجربه یی را که اعضای سازمان جوانان در معادن رفتند و کار کردند داریم. شما سازمان جوانان را متشکل بسازید، حزب را متشکل بسازید. بروید در میان دهاقین، در فابریکه و در ساختمان ها کار داوطلبانه بکنید و مردم را تشویق کنید. بروید در ترمیم مکاتب، سرکها، پلچک ها کار نمایید. پیکار در عرصه اقتصاد يك مسئله مرگ و زنده گی است.

این بود بعض نکات مهمی که به پیشگاه رفقای عزیز خود، رفقای پیکارجوی خود، رفقای هم‌رزم، رفقای شجاع و دلیر، رفقای که خود را در امر انقلاب و خدمت برای مردم وقف کرده اند، خاطر نشان ساختم. من موفقیت و پیروزی شما را در اجرای خدمات و وظایف محوله تان خواهان هستم شما فرزندان اصیل مردم و وطن مسؤولیت ساختمان جامعه نوین را به عهده دارید و این از لحاظ تاریخی و نسل های آینده و فرزندان تان مایه افتخار بزرگ به شماست.

اگر مداخلات مسلحانه امپریالیزم بر علیه انقلاب ما وجود نمی داشت.

دگرگونی عظیم انقلابی ما به مراتب بیشتر می بود

بیانیه در مراسم افتتاح کنفرانس بین المللی انکشاف اقتصادی، اجتماعی وعلیه خطر جنگ

۲۰ عقرب ۱۳۶۱

رفقا و دوستان عزیز! مهمانان گرامی! ما گردهم آمده ایم تا با قلب های پر از عشق و عطوفت نسبت به انسان، به سرنوشت و آینده آن ببیندیشیم. ولی با تأسف عمیق که یکی از بهترین انسان های قرن ما، ادامه دهنده صدیق راه لنین، مبارز پرشور و قهرمان راه صلح و امنیت خلق ها، خدمتگزار پر عطوفت و خسته گی ناپذیر راه سعادت بشریت لیونید ایلیچ بریژنف دیگر در میان ما نیست. نام بزرگ لیونید بریژنف برای همیشه در قلوب زحمتکشان و تمام نیروهای ترفیخواه و صلحدوست جهان زنده جاوید باقی خواهد ماند. در گذشت لیونید ایلیچ بریژنف ضایعه بزرگی است که بشریت مترقی و جنبش جهانی صلح متحمل میگردد.

مردم افغانستان با فقدان لیونید ایلیچ بریژنف یکی از بهترین و عزیزترین دوستان خود را از دست داد. مردم سپاسگزار و قدرشناس افغانستان خاطره گرامی لیونید ایلیچ بریژنف را که نقش عظیمی در امر تحکیم و توسعه دوستی بزرگی برادرانه میان خلق های شوروی و افغانستان ایفا نموده است، هیچگاهی از یاد نخواهند برد. لیونید ایلیچ بریژنف همواره و شخصاً در امر کمک به مردم افغانستان از هیچگونه مواظبت و تلاش دریغ نمی ورزید. خاطره گرامی لیونید ایلیچ عزیز ما چون مشعل جاویدان همیشه زنده باقی خواهد ماند.

اجازه بدهید، یک بار دیگر عمیقترین مراتب تسلیت مردم و حزب و دولت افغانستان و شخص خود را به حزب کمونیست اتحاد شوروی، مردم و دولت شوروی و بازمانده گان آن دوست گرانمایه مردم افغانستان تقدیم بدارم.

به خاطر بزرگداشت خاطره نجیبانه لیونید ایلیچ بریژنف از همه خواهشمندم به پاخاسته و یک دقیقه سکوت کنند.

رفقا و دوستان عزیز! مهمانان عالیقدر!

اجازه بدهید، تشریف آوری همه نماینده گان صلح و انسانیت، این خدمتگزاران واقعی و صدیق بشریت را در کشور انقلابی و صلحدوست ما از صمیم قلب خیرمقدم بگویم.

اجازه بدهید، مراتب تشکرات عمیق مردم، حزب و دولت انقلابی کشور خود را به شما پیشاهنگان راه شریفانه صلح به مناسبت انتخاب کشور انقلابی ما جهت تدویر کنفرانس حاضر، ابراز بدارم.

مردم ما به این ابتکار بسیار دوستانه رهبری شورای جهانی صلح ارج فراوان قایل می باشند.

تدویر کنفرانس شورای جهانی صلح در کشور ما از یکسو يك حادثه بسیار با اهمیت بین المللی و برای مردم ما يك حادثه مهم تاریخی و از جانب دیگر با در نظر داشت آرزوهای دیرینه مردم ما مبنی بر صلحخواهی، برادری و احترام به حقوق دیگران و نورم های معنوی حیات بشری امریست طبیعی، منطبق با واقعیت سیاست کنونی حزب و دولت انقلابی ما.

مردم افغانستان که سابقه دیرینه درخشانی در زمینه مبارزه به خاطر محو بیعدالتی، زور گویی، تجاوز، بی امنیتی و دريك کلمه، تلاش برای صلح را، پشت سر گذاشته است اکنون تمام مساعی و ابتکار ما در جهت صلح و آرامش مردم ما، خلق های منطقه و جهان معطوف است.

دوستان و رفقای عزیز!

شما در کشوری قدم گذشته اید که راه دگرگونی های عمیق و بنیادی به نفع زحمتکشان یعنی اکثریت مطلق افراد جامعه را در پیش گرفته است. ما کار بسیار بزرگی را در جهت نوسازی همه جانبه، واقعی و عمیق جامعه خود آغاز نهاده ایم.

رفقا و دوستان عزیز!

شما به خوبی میدانید که هدف هر انقلابی، دگرگون ساختن نظم کهنه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه و ایجاد نظم نوین، پاسخگوی خواستها و نیازمندی های مردم، است. اما این پروسه بدون مشکلات و نواقص صورت نمی گیرد و کشور ما نیز از این امر مستثنی نبوده است. دشواری های در هم شکستن نظم کهنه و استقرار نظم نوین در کشور ما در مقایسه با دگرگونی های عظیمی که رخ داده است میتوانست به مراتب کمتر باشد، اگر مداخلات مسلحانه امپریالیزم و ارتجاع منطقه وجود نمی داشت. در ضمن باید یادآور شد که انقلاب مادر شرایط عقبمانده اقتصادی و اجتماعی به پیروزی رسید و عدم تجربه کافی و موجودیت ضعف در سطح رهبری سابق حزب، در پهلوی مداخلات امپریالیستی و دشمنی وحشیانه ضدانقلاب که در پاکستان لانه گزیده بود، انقلاب ما را به بیراهه کشاند و موجب عدم اعتماد مؤقتی مردم گردید. ما به موقع به این جریان نامطلوب و مرگبار خاتمه بخشیدیم و انقلاب ما راه اصولی رشد و تکامل خود را در پیش گرفت.

ما به مثابه انسان‌های با مسؤولیت و دارای عاطفه و آزمون شده در برابر زحمتکشان، تمام کوشش خود را معطوف بر این امر میداریم تا مردم ما در جریان انجام تحولات انقلابی و مقاومت لجوجانه دشمنان و تخریبات آنان زیاد صدمه نبینند.

بر این امر نیز عمیقاً واقف هستیم که در اثر سیاست‌های ماجراجویانه محافل جنگ طلب امپریالیستی بخصوص اداره ماجراجوی حکومت ریگن، جهان به سوی تشنج و ماجراهای بربادکننده کشانیده میشود. در این وضع عمومی جهان است که پیروزی‌های قانونمند مردم ما، خشم و غضب وحشیانه ارتجاع بین‌المللی را برانگیخته و سببه بهانه قرار می‌گیرد. جنگ اعلان‌نشده بی‌رحمانه‌یی از جانب امپریالیزم، هژمونیزم چین و ارتجاع منطقه علیه مردم ما به راه افتاده است. باندهای ضدانقلابی و آدمکشان مزدور حرفه‌وی صادر شده از خارج با سلاح‌های امریکایی، چینی، مصری، پاکستانی و غیره، مکاتب، مساجد، شفاخانه‌ها، پل‌ها، پایه‌های برق و وسایل ترانسپورتی را تخریب می‌کنند. کودکان، زنان و کهنسالان ما را بی‌رحمانه به قتل می‌رسانند. به زعم خود به شکست انقلاب ما کمر بسته‌اند. ولی مردم ما هر روز بیشتر از روز قبل به حقانیت و پیروزی اجتناب‌ناپذیر انقلاب ما معتقد می‌شوند و به دفاع از آن بر می‌خیزند. هم اکنون ده‌ها هزار نفر بخصوص دهقانان کشور سلاح به دست از زمین وزنده‌گی خود در برابر تجاوزات باندیت‌ها دفاع می‌کنند.

ما امروز بیشتر از هر وقت دیگر به صلح نیاز داریم. دشمنان انقلاب و با بهانه قرار دادن کمک قانونی و برادرانه اتحادشوروی به کشور ما از یکسو جنگ خونین و بی‌رحمانه را علیه ما به راه انداخته و از جانب دیگر جهت توجیه جنایات خویش کارزار وسیع تبلیغات را علیه ما با سازوبرگ بی‌سابقه‌یی که بدترین روزگاران و دوران جنگ سرد را به یاد می‌آورد، تشدید بخشیده‌اند. هم اکنون تبلیغات لجام‌گسیخته پس از افترا و دروغ علیه واقعیت‌های جامعه ما در مطبوعات رسمی کشورهای امپریالیستی و دارای رژیم‌های ارتجاعی وجود دارد که هدف از آن ایجاد بغض و کینه و نفرت علیه مردم به پا خاسته و انقلاب ماست.

در طول هر بیست و چهار ساعت، رادیوهای دشمن بیشتر از نود و پنج ساعت به نشرات به زبانهای کشور ما می‌پردازند. از «صدای امریکا گرفته تا بی.بی.سی» و «صدای آلمان» و رادیوی اسرائیل و رادیوهای بی‌مایه پاکستان، همه و همه یک هدف را تعقیب می‌کنند و آن عبارتست از خدشه دار ساختن حقانیت و اعتبار انقلاب ما. ما افتخار داریم که برای اولین بار در تاریخ کشور خود توانستیم قانونیت دموکراتیک را در حیات سیاسی و اجتماعی مردم خود علی‌الرغم مشکلات ناشی از تجاوزات، تحریکات و مداخلات دشمنان در امور داخلی کشور ما و علی‌الرغم تبلیغات دروغین و اغواگرانه آنان، با قاطعیت و حوصله‌مندی تطبیق کنیم. به موقع و با صداقت شعار صلح سراسری ملی و همه‌گانی را مطرح ساخته در جهت تطبیق آن از هیچ‌گونه کوششی دریغ‌ناورزیده‌ایم. در کشور کثیرالمله و دارای ساختار

پیچیده و مغلق اجتماعی ما، امروز عده هرچه بیشتری از نماینده گان مردم با سهمگیری در فعالیت های وطنپرستانه جبهه ملی پدر وطن، به تعمیل دموکراسی به نفع توده های وسیع مردم می پردازند و هرچه بیشتر به عامل انفکاک ناپذیر و اساسی سیستم سیاسی کشور ما مبدل میگردند. در کشور ما علی الرغم دوام جنگ اعلان نشده امپریالیستی، چنان وضع اقتصادی و جود دارد که قادر است در برابر تمام ویرانی های ناشی از این جنگ بی رحمانه مقاومت کند. ما توانسته ایم از قحطی، بلندرفتن غیرقابل تحمل قیمت های مواد مورد ضرورت اولیه مردم، رکود ترانسپورت، تقلیل قابل ملاحظه خدمات اجتماعی، جلوگیری کنیم. ما هم اکنون در گرماگرم انجام فعالیت های بزرگ اقتصادی قرار داریم. درینجا می توان از موارد ذیل ذکر نمود:

تکمیل پروژه اصلاحات ارضی و آب، تسریع فعالیت های پروژه بند برق و آبیاری سلما در هرات، ادامه کار معدن مس عینک، ساختمان سیلوی عظیم شهر مزار شریف، پروژه انتقال برق از سرحدات اتحاد شوروی تا کابل، احداث شبکه های بزرگ و کوچک آبیاری، ایجاد مؤسسات جدید و مجهز ترانسپورتی دولتی، ورکشاپ های تخنیکی، اعمار پل عظیم دوستی بر فراز دریای آمو بین اتحاد شوروی و افغانستان، نصب دستگاه اخذ تلویزیونی و مخابراتی «شمشاد»، ایجاد شبکه های وسیع انواع مختلف کوپراتیف های دهقانی و مامورین واحداث بیشتر از هشتصد مکتب و نظائر آن.

ما از تطبیق پلان انکشاف اقتصادی و اجتماعی سال گذشته چنین استنباط می کنیم که گرایش نزولی که در حجم تولیدات داخلی سال های اول انقلاب به صورت طبیعی موجود بود، در سال گذشته مرتفع شده و نه تنها رو به بهبودی نهاده بلکه پدیده های مثبتی از قبیل محدود ساختن عوامل منفی در مسیر عادی انکشاف اقتصادی، ضعیف ضدانقلاب خرابکار، سهمگیری وسیعتر مردم در امر انکشاف اقتصادی و ادامه کمکهای برادرانه کشورهای سوسیالیستی بخصوص کشور کبیرشوراها را بار آورده است. همچنین زمینه های لازم جهت استقرار وضع اقتصادی کشور ما را فراهم ساخته است. جامعه ما بار سنگین عقب مانده گی های قرون و عدم رشد آگاهی عمومی را به دوش می کشد. ما راه دور و درازی را در جهت ایجاد فر هنگ نوین مبتنی بر دستاوردهای همه جانبه علمی و فنی بشریت در پیش رو داریم.

یکی از عوامل اساسی مشکلات موجود در کشور ما عمدتاً ناشی از همین عقب مانده گی فرهنگی متمادی قرون است.

همچنان قبل از پیروزی مرحله نوین انقلاب در کشور ما در اثر اشتباهات سنگین گذشته، روحیه عدم اعتماد، ترس، بدبینی و نفرت علیه مظاهر تمدن بشری در جامعه ما به صورت غیرطبیعی رشد نموده بود. ما به امر از ریشه کن ساختن بیسوادی

آغاز کرده ایم. به جنگ با بی تفاوتی در برابر مسایل عام مربوط به همه مردم، بی باوری نسبت به آینده خوشبخت، مرفه و شگوفان و سطح نازل شعورسیاسی توده ها برخاسته ایم. هم اکنون جنبش وسیع مبارزه علیه بیسوادی در سراسر کشور ما به راه افتاده است.

امروز در سراسر کشور ما بیست و دو هزار کورس محو بیسوادی بیست هزار معلم مبارزه با بیسوادی و هزاران نفر داوطلب وجود داشته به تدریس یک میلیون نفر میپردازند. ما تا کنون توانسته ایم در حدود ششصد هزار نفر را باسواد بسازیم و در طول کمتر از سه سال ما به ایجاد ده ها روزنامه، جریده، مجله، تیتر، نمایشگاه و غیره مبادرت ورزیده ایم و تغییرات محسوسی را از لحاظ کمی و کیفی در مجموع سیستم اطلاعات جمعی و سیستم تعلیم و تربیه کودکان کشور وارد ساخته ایم. ما به تدریج توانسته ایم باور از دست رفته مردم را نسبت به انقلاب دوباره احیا کنیم و نیروی بزرگ آنان را در جهت رشد انقلاب به کار اندازیم.

ولی همه اینها به این معنی نیست که ما توانسته ایم به حل به مشکلات نایل آییم. برعکس ضدانقلاب داخلی و خارجی موانع عظیمی را بر سر راه رشد عادی و ممکن اقتصادی اجتماعی کشور ما ایجاد نموده است.

یکی از اهداف عمده جنگ اعلان نشده علیه کشور ما را ایجاد موانع بر سر راه پلان های انکشافی در جهت بهبود وضع زنده گی زحمتکشان و در نتیجه، بی اعتبار ساختن انقلاب ما در زمینه حل مسایل مبرم مطروحه تشکیل میدهد. تاکنون یکصد و دوازده مکتب و ده ها شفاخانه به وسیله ضدانقلاب تخریب شده است.

صدها پل و پلچک، صدها پایه بزرگ انتقال برق، ده ها کتابخانه و عمارات عام المنفعه به وسیله باندهای ضدانقلابی تخریب شده است. اکنون هزاران نفر از معلمین، داکترها، متخصصین، ملاحای شریف کشور ما از جانب باندهای خرابکار تروریستی به شهادت رسیده اند.

ضد انقلابیون به شیوه راهزنان واقعی، مانع انتقالات و زنده گی عادی روزمره مردم ما می گردند. دهقانان کشور ما مجبور شده اند تا تقریباً در سراسر کشور به خاطر دفاع از زمین، کار و خانواده خود، گروههای مسلح مدافعین انقلاب را به وجود آورند.

مردم ما از جنگی و غارت ضدانقلابیون به ستوه آمده اند. امروز بیشتر از هر وقت دیگر برای مردم ما مبارزه در راه صحیح به معنی مبارزه در راه زنده گی، آرامش و ترقی است. مردم ما در تجربه روزمره خویش دریافته اند که صلح و دیعه گرانمایی است که فقط از راه وحدت عمل، مبارزه قاطعانه و به کار بست اصول شریفانه می تواند تأمین گردد. برای مردم ما مبارزه یعنی صلح، صلح یعنی مبارزه است.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان به اتکای اراده مردم و با خدمتگزاری صادقانه به منافع آنان بیانگر آرزوهای آنان بوده و در زمینه تأمین صلح در سطح داخل کشور و سطح بین المللی همواره طرح های منطبق با واقعیت عملی مشخص و قابل قبول را برای همه گان در صورت موجودیت نیت صلح طلبانه آنان مطرح ساخته است. ما مدتها قبل به همه هموطنان اعلام داشتیم که خواهان تأمین صلح سراسری میهنی و پایان بخشیدن به وضع دردناک ناشی از جنگ اعلان ناشده امپریالیستی هستیم و در این راه از اقدامات مقتضی منجمله اعلام عفو عمومی حتی در مورد کسانی که علیه دولت انقلابی به فعالیت های خصمانه مسلحانه مبادرت ورزیده بودند دریغ نورزیدیم. ما پایه اساسی مستحکمی را در وجود اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان به خاطر تأمین فضای سالم سیاسی و احترام به شخصیت، کرامت، حقوق و آزادی های دموکراتیک مردم به وجود آورده به آن عمیقاً وفادار هستیم.

برای اولین بار در کشور ما سیاست برابری واقعی ملی دفاع از منافع حیاتی زحمتکشان تعمیل می گردد، بناء به صورت طبیعی پایه های اجتماعی انقلاب به طور روبه تزايد در حال توسعه و تحکیم می باشد. راهی را که ما از پیروزی انقلاب بخصوص از پیروزی مرحله نوین تکاملی آن تاکنون پیموده ایم راهی است که ما را نسبت به آینده نوین تکاملی آن تا آینده امیدوار می سازد. مردم ما با گوشت و پوست خود اعتقاد پیدا کرده اند که در صورت موجودیت صلح، پیشرفت های حاصله به مراتب بیشتر و دردهای مردم ما به صورت غیرقابل مقایسه یی کمتر از وضع کنونی می بود.

ما بارها کوشیده ایم همسایه گان خود به خصوص پاکستان و ایران را متقاعد سازیم که مداخلات غیرقانونی تحریکات و تجاوزات آنان علیه کشور ما نه به نفع خلق های منطقه و نه به نفع صلح در جهان می باشد. ما پیشنهاد های مشخصی و عملی در زمینه حل مسائل مربوط به اوضاع متشنج کنونی در منطقه خود به موقع و با صراحت ارائه نموده ایم ولی در برابر این اداره صادقانه ما جواب لازم داده نشده است. ما معتقدیم که ابتکار عمل در زمینه تأمین صلح در منطقه ما، در اختیار ما قرار دارد.

شما مبارزین شریف راه صلح از بهانه ها و تبلیغات جنون آمیز امپریالیزم و دیگر نیروهای دشمن علیه انقلاب و کشور ما به خوبی واقف هستید. آنان کمک اجتناب ناپذیر انترناسیونالیستی و قانونی اتحاد شوروی را به کشور ما قلب و واقعیت می کنند. میک بار دیگر با بانگ رسا از بین تریبیون با اهمیت بین المللی اعلام میداریم که قطعات محدود نظامی شوروی که به خاطر طرد و دفع تجاوز تدارک دیده شد؛ دشمنان خارجی انقلاب ما در دشوارترین لحظات تاریخ معاصر کشور ما بنابه دعوت مقامات باصلاحیت و قانونی حزبی و دولتی ما به کمک مردم ما شتافته اند، نه تنها منبع تولید خطر به همسایه گان ما نیستند، بلکه مانع بزرگی در برابر تبدیل

افغانستان به پایگاه تجاوزی امپریالیزم علیه خلق های منطقه ما می باشد. ما حفظ استقلال و حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور خویش را در برابر نقشه های آزمندانه و ماجراجویانه امپریالیزم امریکا مدیون مردم قهرمان سرزمین انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر میدانیم .

ما یک بار دیگر به اتکای پیشنهادهای مشخص مورخه چهارده می ۱۹۸۰ و بیست و چهار اگست ۱۹۸۱ خویش تأکید می ورزیم که در صورت ارائه تضمین قابل اعتبار بین المللی مبنی بر ختم تجاوزات و مداخلات از سرزمین های پاکستان و ایران علیه کشور ما، قطعات محدود نظامی شوروی به کشور صلح آمیز خویش عودت خواهند نمود و ما حاضریم به اتفاق هم جداول برگشت آن ها را تنظیم کنیم . امر مسلم اینست که از نظر ما پایان بخشیدن به وضع متشنج کنونی در منطقه با ختم تجاوزات از سرزمین های پاکستان و ایران علیه کشور ما ارتباط ناگسستگی دارد.

باید علاوه نمایم که ما دارای بیشتر از (۲۴۰۰) کیلومتر سرحد قابل نفوذ یعنی متشکل از کوهها با پاکستان استیم که این امر تسهیلات غیرقابل تصویری را در برابر نیت مداخله گرانه بیگانه گان علیه کشور ما فراهم می آورد.

جهت اطلاع مزید شما باید تذکر داد که تنها در ناحیه سرحدات کشور ما با پاکستان هم اکنون بیشتر از هشتاد کمپ پرورشی نظامی باندهای ضدانقلابی وجود دارد که به مثابه زرادخانه جنگی امپریالیزم و منبع جنگ اعلان نشده علیه کشور ما به تولیدی بلاوقفه آدمکشان و خرابکاران حرفه وی می پردازند.

ارتجاع و امپریالیزم با استفاده از نام دین مقدس اسلام به غارت و ویرانی کشور ما می پردازند و ما را متهم به دشمنی با دین اسلام می سازند، در حالیکه مسلمانان واقعی را در صبرا و شطیلا قتل عام می کنند. تا کنون نزدیک به هزار نفر ملا و روحانی شریف و وطنپرست کشور ماحتی در حال اجرای عبادت از جانب ضدانقلاب به شهادت رسیده اند و بسیار مساجد ویران شده است. کتاب مقدس مسلمانان جهان یعنی قرآن کریم به آتش کشیده شده است و باز هم ادعا دارند که به اصطلاح مدافع اسلام هستند. این «اسلام امریکایی» با اسلام واقعی و باروح انساندوستی اسلام در مغایرت کامل قرار دارد. دشمنان ما در زیر نقاب به اصطلاح دفاع از حقوق بشر، دشمنی خود را با ما اعلام میدارند در حالیکه در السلوادور، در نامیبیا در فلسطین و ده ها کشور دیگر بدترین انواع جنایت علیه بشریت را مرتکب می شوند. مضحک است که حتی زمامداران نظامیگر پاکستان نیز دم از حقوق بشر و دموکراسی می زند در کشوری که اعلام مخالفت با رژیم به اساس قوانین جاری آن کشور ، محکومیت به اعدام و در دست داشتن نشرات مخالف رژیم سال های متمادی زندان ، و به اصطلاح شرکت در جرم یعنی عدم ارائه معلومات

خصمانه درباره دیگر افراد جامعه نیز، حبس را به همراه داشته باشد، آیا باز هم زمامداران آن حق دارند از حقوق بشر، دموکراسی و امثالهم دم بزنند؟

رفقا و دوستان عزیز!

ما صلح می خواهیم. ما علیه هیچ کشوری اعلان جنگ نداده ایم و در امور داخلی آنها مداخله نمی کنیم. ما حق داریم در صلح و آرامش مردم خود را خوشبخت، جامعه خود را شگوفان و کشور خود را آباد ساخته پرستیژ آنرا اعتلا بخشیم و به همین جهت ما مبارزه عادلانه و بزرگی را در پیش گرفته ایم. ولی آنانی که با خوشبختی واقعی مردم ما منافع خود را در خطر می بینند، ما را راحت نمی گذارند. آنان با استفاده از سطح نازل آگاهی توده های مردم و با استفاده ناجوانمردانه از معتقدات مذهبی مردم ما، این جنگ غارتگرانه را ادامه می دهند. ما حق داریم به خاطر دفاع از وطن و تأمین آینده صلح آمیز نسل های بعدی کشور، مبارزه همه جانبه بی راسازمان دهیم. ما هم اکنون دارای اردوی مجهز، منضبط، آگاه و نیرومندی هستیم که به مثابه مدافع نیرومند دستاوردهای بزرگی انقلاب، به آن افتخار داریم. ما توانسته ایم ده ها هزار انسان را در گروپ های مدافعین انقلاب تنظیم کنیم. ارگانهای امنیتی کشور ما به مثابه سپر دفاع از انقلاب، آگاهانه عمل می کنند.

رفقا و دوستان عزیز!

امروز جهان در وضع خطرناک و متشنجی به سر می برد. سیاست های ماجراجویانه و غیرمسئولانه سردمداران و اشنگتن و ناتو بشریت را به سوی تباهی ابدی می کشاند. خطر جنگی هیچگاهی به اندازه امروز وحشتناک و جدی نبوده است. محافل امپریالیستی به تسلیح جنون آمیز نیروهای جنگ طلب و ایجاد انواع جدید سلاح های مرگزا می پردازند. مصارف سرسام آوری که بنابر مسابقات تسلیحاتی از طرف محافل امپریالیستی بر بشریت تحمیل میشود، موجب تلف شدن وجوه فراوانی به ضرر پروژه های انکشافی می گردد.

در نتیجه عدم انکشاف سریعتر اقتصادی و اجتماعی در سطح جهانی ناشی از جنون تسلیحاتی محافل امپریالیستی می باشد.

امروز همه بشریت مترقی در برابر وظیفه عظیمی قرار دارند که عبارتست از مبارزه بیدرنگ و شدید علیه خطر جنگ، مبارزه به خاطر آینده سعادت مند نسل های بعدی.

ما مردم افغانستان علی الرغم اینکه در برابر جنگ اعلان نشده امپریالیستی قرار داریم، لحظه یی هم وظایف عظیم خود را در قبال مسئله اساسی دوران کنونی یعنی مسئله تأمین صلح از یاد نخواهیم برد:

مهمانان محترم!

شما از بهترین دوستان مردم ما هستید. ما خاطره شریفانه شما و این کنفرانس بزرگ بین‌المللی را که هدف از آن پشتیبانی رفیقانه از سیاست صلح‌آمیز و دست‌آورد انقلابی مردم ماست، از یاد نخواهیم برد. نسل‌های خوشبخت آینده کشور ما، شما را به یاد خواهند داشت.

ما یقین کامل داریم که تدویر این کنفرانس در پایتخت کشور انقلابی ما گام بسیار با اهمیتی در جهت مبارزه در راه صلح خواهد بود. اما امیدواریم صدای رسای صلح را که از ورای این کنفرانس از کشور ما بلند می‌شود، همسایه‌گان غرب و شرق کشور ما با گوش هوش بشنوند. ما یک بار دیگر فرصت یافتیم تا نیات عمیق قلبی خود را بر جستجوی راه‌های حل برای معضلات کنونی وضع اطراف کشور خود را بران بداریم. ما همسایه‌گان خود را به صلح فرامی‌خوانیم. شما نماینده‌گان صلح و انسانیت نیز آنها را به خاتمه بخشیدن به مخاصمات، تجاوزات و مداخلات علیه کشور ما فراخوانید.

رفقا، دوستان!

ما یقین کامل داریم که این کنفرانس نتایج جدی خود را بر سر حوادث متشنج منطقه در جهت تفاهم و صلح به بار خواهد آورد. نیروی این کنفرانس، عظیم و انکارناپذیر است و همسایه‌گان مجبور خواهند شد به آواز پرطنین آن گوش بدهند.

به نماینده‌گی از مردم افغانستان، از تشریف‌آوری شما در کشور ما صمیمانه تشکر می‌کنم.

زنده باد صلح در سراسر جهان!

یکی از خصوصیات دوران ما، تعرض صلح علیه نیروهای جنگ طلب است

بیانیه هنگام ملاقات با مشمولین کنفرانس بین المللی انکشاف اقتصادی و علیه خطر جنگ

۲۲ عقرب ۱۳۹۱

محترم رامش چندرا مبارز راه صلح در جهان و رئیس شورای جهانی صلح، رفقا و دوستان مبارز صلح در سراسر جهان!

یکباردیگر از جانب حزب دموکراتیک خلق افغانستان، شورای انقلابی و هیات رئیسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان، شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان و مردم صلحدوست افغانستان تشریف آوری شما را در افغانستان انقلابی از صمیم قلب شاد باش می گویم. همچنین از طرف خود مراتب تشکرات قلبی و عمیق خود را نسبت به شما ابراز میدارم.

دوستان گرامی!

امروز فرصت خوبی به دست آمد تا با دوست محترم رئیس شورای جهانی صلح، رامش چندرا، ساعتی با هم تبادل نظر و صحبتی داشته باشیم و من از نظریات و تجارب شان در عرصه بین المللی، ملی و منطقه وی و در عرصه دفاع از صلح استفاده نمایم. نسبت به خدمات اعضای شورای جهانی صلح و نقش آنها، دوست محترم رامش چندرا توضیحات مفصلی دادند و واقعاً نقش شما مبارزین صدیق راه صلح چه در عرصه ملی در کشورهای تان و چه در عرصه منطقه و جهان بسیار با اهمیت است. به شما دوستان معلوم است که امروز بشریت در برابر خطر تهدید جنگ جهانسوز و جنگ تباه کن، جنگی که بشریت را کاملاً محو خواهد ساخت، یعنی جنگ ذره وی قرار دارد که بیشتر از طرف امپریالیزم و اداره ریاست جمهوری ریگن، باروچیه و حشیانه، تحریک میشود. امروز جهان سرمایه داران، مواجه با يك بحران عمیق است و کامپلکس صنعتی - نظامی امریکا، امروز خواهان تسلیحات جدی و تهدید بشریت به جنگ بوده حتی بیشرمانه اعلان جنگ محدود ذره وی را مینماید. امروز در سراسر نقاط جهان، نقاط بستر داغ تحریکات جنگی وجود دارد که دیروز دوست محترم ما رامش چندرا تماس عمومی در سراسر کر زمین به آن گرفتند و به صورت بسیار عمیق و عملی نیروهای جنگ طلب و ارتجاع بین المللی و امپریالیزم را افشا نمودند.

واقعاً اکنون، بشریت در اوضاع و احوالی زنده گی میکنند که باید بر اساسی شعار سیاست تعرضی صلح به پیش برویم. صلح مفهوم دفاع را ندارد. حالا در دورانی

زنده گی میکنیم که باید تعرض صلح راعلیه نیروهای جنگ طلب آغاز نمایم به طوریکه به همه شما دوستان صدیق صلح و مبارزین صلح معلوم است و شما ماهیت نیروهای جنگ طلب را عمیقاً تشخیص داده اید، امروز سه قوه بزرگ جهانی: سیستم جهانی سوسیالیزم، جنبش های مترقی ودموکراتیک در کشورهای سرمایه داری، جنبش های آزادیبخش ملی و اجتماعی در آسیای افریقا و امریکای لاتین و همچنین تمام نیروهای صلح در یک جبهه وسیع، مانع تحریکات جنگی استعمار، استعمار نوین امپریالیزم، صهیونیزم، فاشیزم، راسیزم واپارتاید میباشد. اگر چه چنین نیرویی که در رأس آن اتحادشوروی بزرگ قرار دارد، بایک نیروی قوی دفاعی به حیث یک قلعه مستحکم، یک دژ مستحکم، علیه تهدید جنگ و علیه تجاوزات امپریالیزم مجهز است، ما نسبت به هر وقت دیگر میتوانیم قاطعانه بر اساس سیاست تعرضی از صلح از تمدن، از رفاه، از سعادت، از عدالت، آزادی، دموکراسی، استقلال ملی، ترقی اجتماعی و اقتصادی دفاع نماییم. واقعیت امر این است که نسل های آینده کره زمین هم اکنون به ما به نسل کنونی خطاب مینماید که ما را از تهدید جنگ، از خطر جنگ ذره وی نجات دهید. وظایف ما تنها برای نجات خود ما نیست، بلکه وظایف و رسالت تاریخی ما در برابر فرزندان ما و نسل های آینده کره زمین است. تمدن بشریت، تمدن کره زمین با زحمات و رنج ها و آلام، طی قرون متمادی تا امروز به وجود آمده است.

از آنجایی که وظیفه اصلی شورای جهانی صلح، دفاع از صلح است، نباید فراموش کنیم که بعد از انقلاب اکتوبر اولین فرمان واقعی صلح در جهان به ابتکار رهبر کارگران جهان صادر گردید. از آن تاریخ تا کنون اتحادشوروی به کمک دوستان و متحدین خود همیشه مدافع صلح بوده است. البته در اینجا نقش صدها میلیون انسان کره زمین که شجاعانه و دلاورانه در دفاع از صلح مبارزه میکنند فراموشی ناشدنی است.

دوستان، رفقا و مهمانان گرامی!

انکشاف اقتصادی و اجتماعی و از بین بردن فقر و بیماری و بیسوادی از جهان، ارتباط نزدیک و ناگسستگی با صلح جهان دارد. امروز ما می بینیم که بودجه سرسام آوری در راه تسلیحات جنگی به مصرف می رسد. اگر این مقادیر منابع طبیعی و انسانی در خدمت بشریت قرار داده شود، هم اکنون میتواند که با سرعت مناطق عقبماند جهان از لحاظ اقتصادی و اجتماعی رشد و آنکشاف نماید. تا جایی که به جمهوری دموکراتیک افغانستان تعلق میگیرد، طوریکه دیروز ابراز داشتیم، تمام سعی و تلاش ما، سرلوحه مبارزات ما و شعار اساسی مبارزه ما صلح است. صلح چه در شرایط داخل کشور، چه در منطقه، چه در آسیا و چه در جهان؛ البته به موازات این امر، تمام مردم جمهوری دموکراتیک افغانستان تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان در یک جبهه ملی پدروطن علی الرغم جنگ اعلان نشده از طرف ارتجاع

وامپریالیزم و هژمونیزم چین بخصوص تحریکات امپریالیزم امریکا به حد نهایی سعی میکنند. درین نزدیکی ها شما شنیده باشید که سنای امریکا يك تصویب ضدانسانی، ضد بشری، ضد صلح، علیه افغانستان اتخاذ نموده بیشرمانه اعلام داشتند که از مزدوران اجیر رسیده گی و پشتیبانی میکنند. یعنی آنها علناً علیه انقلاب ملی ودموکراتیک افغانستان، تمام نیروهای ارتجاعی و امپریالیستی را در يك جبهه نامقدس، يك جنگ اعلان نشده علیه ما به پیش می برند.

رفقا، دوستان گرامی!

ما در این لحظه، رشد و انکشاف اقتصادی و اجتماعی کشور خود را فراموش نمی کنیم، طوری که سر لوحه کار کنفرانس کنونی بود. البته هر گاه مداخلات و تجاوزات بی شرمانه از خارج به داخل کشور ما نمی بود، امروز به جرأت گفته می توانستیم که طی نزدیک به پنج سال انقلاب ثور، معادل بیست و پنج سال در عرصه رشد اقتصادی و اجتماعی، کلتوری و فرهنگی خود به پیش میرفتیم. ما اطمینان داریم که انقلاب ما پیروز میگردد و در شرایط عادی ما میتوانیم بنابر منابع بزرگی طبیعی و انسان های شرافتمند و زحمتکش افغانستان راه صد ساله را در پانزده بیست سال از لحاظ رشد اقتصادی، اجتماعی طی کنیم.

دوستان گرامی! نکته یی که موضوع تبلیغات دروغین و زهر آگین وبی شرمانه ارتجاع و امپریالیزم بین المللی است و رسانه های گروهی شان به شدت علیه افغانستان انقلابی تبلیغ میکنند و در پهلوی بعضی کشورها و نقاط داغ جهان افغانستان را بهانه قرار میدهند، عبارت است از موجودیت قطعات محدود نظامی اتحاد شوروی؛ این يك بهانه است. ما به صراحت و به بانگ رسا به جهان اعلان داشتیم که اگر کمک قطعات محدود نظامی اتحاد شوروی در افغانستان بنابر درخواست حکومت قانونی افغانستان صورت نمی گرفت، امروز استقلال ملی افغانستان، حاکمیت ملی افغانستان، تمامیت ارضی افغانستان و انقلاب آزادیبخش خلق افغانستان بنابر توطئه و پلان امپریالیزم کاملاً نه تنها محو می شد، بلکه افغانستان، امروز بر روی نقشه وجود نمی داشت. حتی احتمالاً جنگ آسیایی، منطقه وی و جهانی برده می شد. ولیکن بنابه کمک خلاق و اصولی اتحاد شوروی تمام نقشه شوم و خاینانه ارتجاع و امپریالیزم و هژمونیزم نقش بر آب گردید.

رفقا و دوستان!

قطعات محدود اتحاد شوروی در افغانستان تا آنوقت خواهد بود، که عوامل و فاکتور هایی که موجب دعوت قطعات صلحدوست اتحاد شوروی گردیده، از بین برود. یعنی تجاوزات، مداخلات و تحریکات از خارج کشور علیه افغانستان انقلابی به صورت کامل قطع گردد و تضمین بین المللی دائر بر اینکه دیگر هیچگاه تجاوز و تحریکات در داخل خاک افغانستان صورت نمی گیرد. در پهلوی تمام نیروهای صلح به حیث

يك نیروی بزرگ انقلابی دريك جریان بزرگی انقلابی سراسر جهان نقش خود را
ووظیفه خودراطوری که در راه حفظ صلح و امنیت منطقه و بین المللی ایفا کردیم
باز هم به مثابه یک نیروی انقلابی دوش به دوش در راه صلح، آزادی، ترقی و سعادت
بشریت مبارزات پر قدرت تر خواهیم کرد.

گزارش در پلنوم دهم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در باره تکامل و استحکام هرچه بیشتر حزب

۲۱ قوس ۱۳۶۱

رفقا!

در مدت زمانی که از کنفرانسی سرتاسری حزب سپری شده در حزب، جامعه و دولت تغییرات معین و مثبتی رخ داده است. نفوذ و اعتبار حزب دموکراتیک خلق افغانستان به طور متداوم ارتقا و افزایش مییابد. بر مبنای «برنامه عمل» و فیصله های نهمین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان کارسیاسی و سازمانی در میان توده ها تقویت می یابد و عادی شدن اوضاع در کشور ادامه دارد. به نیروهای ضدانقلاب ضربات هرچه قوی تر وارد شده است ناگزیری شکست قطعی آنان با وضاحت هرچه تمامتر آشکار می گردد. مؤسسات صنعتی، ترانسپورتی و ساختمانی با ثبات بیشتر کار میکنند و انتظار میرود که سال جاری از لحاظ وضع زراعت با موفقیت انجام یابد. مواضع بین المللی کشور ما نیز استحکام می پذیرد. علی الرغم تلاش ها و توطئه های نیروهای ارتجاعی، روند حل و فصل سیاسی اوضاع اطراف افغانستان آغاز شده است. همه اینها با وضاحت و صراحت حقانیت مشی سیاسی ما را به اثبات میرساند. ما به آینده با اطمینان و خوشبینی می نگریم.

رفقا!

موفقیت ها و دستاوردهای ما و همچنان عدم موفقیت ها با جریانات ساختمان حزبی یعنی با این که حزب ما تا چه اندازه سازمان یافته با دسپلین، متحد و یکپارچه است، ارتباط ناگسستگی داشته و دارد. به همین سبب نیز مسئله تکامل و استحکام هرچه بیشتر حزب دموکراتیک خلق افغانستان در پلینوم حاضر مطرح می گردد، ضمناً می خواستم نکات اصولی ذیل را خاطر نشان سازم:

نخست اینکه مشی سیاسی، خود به خود نمی تواند موفقیت امر را تأمین نماید. برای تحقق آن در عمل اشکال متناسب سازمانی و میتودهای معین فعالیت عملی حزب لازم است. همه زنده گی و کار حزب باید به نحوه لازم و مطابق به شرایط مشخص تاریخی سازمان داده شود.

ر هبر کارگران جهان می گفت:

«حزب بخش آگاه و پیشرو طبقه، پیشاهنگ آن است، نیروی این پیشاهنگ ده، صد مرتبه و بیش از آن بزرگتر از تعداد آن است.»

آیا این ممکن است؟ آیا نیروی صدتن میتواند بیشتر از نیروی هزار تن باشد؟ البته میتواند و بزرگتر هم میتواند باشد، در صورتی که صد تن سازمان یافته باشند. سازمان، نیروی ما را ده برابر می سازد.»

میخواهم يك قول دیگر از انقلابی کبیر عصر ما را نیز بیان نمایم:

«آگاهی گردان پیشرو بر علاوه سایر موارد در این امر تبارز میباشد که توانایی سازمان یافتن را دارد و با سازمان یافتن خود صاحب اراده واحد می شود و این اراده واحد صدها، هزاران و میلیون ها به اراده طبقه، اراده مردم مبدل می گردد.»

گردان پیشرو، پیشاهنگ سیاسی جامعه فقط و فقط به این ترتیب می تواند به اهداف مطروحه برسد و ترقی ملی و اجتماعی را تأمین نماید.

وضع دیگری که ارزیابی مسایل استحکام سازمانی سیاسی حزب دموکراتیک خلق افغانستان را میطلبد عبارتست از تکامل خود حزب و حل پروبلم های ناشی از آن.

یک نکته دیگر نیز وجود دارد و آن اینکه سطح عمومی کارسازمانی و سیاسی در حزب ما با ایجابات زمان و اوضاع، مسؤولیت ها و جدیت وظایف مطروحه در برابر حزب تطابق ندارد. این سطح به حد کافی بلند نیست و اگر ما وضع را اصلاح نکنیم آنچه را که طرح نموده ایم انجام داده نخواهیم توانست. به یاد داشته باشید که لنین چه می گفت:

«در باره احزاب سیاسی نباید بر اساس نامها، اعلامیه ها و برنامه های بلکه باید بر اساس عمل آنها قضاوت نمود.»

اکنون بیایید، به کار و عمل خود رجوع کنیم. من قصد ندارم آنچه را که واقعاً انجام پذیرفته است، نادیده بگیرم و یا کوچک جلوه دهم. اما حقایق نشان میدهد که کمتر از آنچه که باید میشد عملی گردیده است و آنهم دیرتر از آن وقتی که باید صورت می گرفت.

کمیته مرکزی با وضع امور در محلات به خوبی آشناست. در جریان مسافرت های اخیر خویش در کشور، من یکبار دیگر معتقد شدم که اوضاع آنقدر بد نیست که تحولات اعلام شده و ضروری برای مردم عملی نگردد و کار در مؤسساتی که قطعاً صدمه ندیده است، جریان نداشته باشد. البته فعالیت ضدانقلاب مسلح و مداخله آشکارا از خارج کشور مانع تحقق کامل پلان ها می گردد. اما در آن جاهایی که زنده گی عادی صلح آمیز استقرار یافته و تلاش های جدا گانه دشمنان نیز به وسیله اهالی و

مدافعین دلیر با موفقیت دفع می گردد، باز هم متأسفانه ارگان های حزبی و دولتی وظایف متعلق به خود را به صورت همیشه گی و لازم به طور شاید و باید اجرا نمی نمایند.

این بود بعضی از ملاحظات دارای خصوصیت اصولی که به نظر بیروی سیاسی باید برخورد ما را نسبت به مسئله مورد بحث یعنی تقویت کار سازمانی سیاسی حزب معین سازد. اکنون اجازه بدهید، به تحلیل پروبلمهای مشخص زنده گی و فعالیت حزب دموکراتیک خلق افغانستان و جریان ساختمان حزبی بپردازم.

رفقا!

یکی از مسایل بنیادی تیوری و پراتیک ساختمان حزب را مسئله عضویت در حزب، اصول و طرق تکمیل صفوف حزبی تشکیل میدهد.

ما با رضایت می توانیم خاطر نشان سازیم که مخصوصاً در مرحله نوین تکامل انقلاب ثور، سیاست حزب دموکراتیک خلق افغانستان و همه فعالیت آن که بیانگر منافع اساسی کارگران، دهقانان و کلیه زحمتکشان است، امکان داد تا توده های وسیع مردم به سوی حزب جلب گردند. این روند با قوت فزاینده ادامه دارد.

اکنون در حزب ما بیش از هشتاد هزار عضو اصلی و آزمایشی وجود دارند. تنها در نیمه اول سال جاری بیش از پانزده هزار نفر به عضویت آزمایشی حزب پذیرفته شده اند.

این نتایج خوبی بود و با صراحت شاهد آنست که زحمتکشان افغانستان به حزب ما اعتماد دارند و اندیشه ها و سیاست آنرا فعالانه پشتیبانی می نمایند و به همین سبب به آن می پیوندند.

ما رشد سریع صفوف حزب را به مثابه پدیده مثبت و ارزشمند ارزشیابی می کنیم که ثابت می سازد جریان تکامل اجتماعی در جهت درست سیر می نماید. زیرا سیاست حزب دموکراتیک خلق افغانستان سالم، درست و اصولی است. ما بعد از این نیز به رشد صفوف حزب توجه جدی مبذول خواهیم داشت. زیرا افزایش تعداد اعضای حزب توسعه و تأثیر و نفوذ آنرا در میان توده ها تأمین می نماید.

در عین زمان ما نباید به این جریان اهمیت بیش از حد قایل باشیم. برای ما همیشه باید امر عمده، بهبود تر کیب کیفی حزب باشد. در رابطه مصوبه هشتمین کنگره حزب کمونیست سراسری روسیه (بلشویک) که در زمان حیات و ای لنین در مورد مسایل سازمانی پذیرفته شده بود بسیار آموزنده است. در قسمتی از مصوبه آمده است که:

«توسعه ترکیب عددی سازمانهای حزبی به هیچ وجه نباید به بهای بدتر شدن ترکیب کیفی تمام گردد.» حزب ما نیز چنین روشی را اتخاذ نموده و کنفرانس سرتاسری نیز بر آن صحنه گذاشته است.

برای بهبود ترکیب کیفی حزب به چه چیزی نیاز وجود دارد؟ قبل از همه باید بهبود دایمی و پیگیر ترکیب اجتماعی حزب مد نظر باشد. بنابراین هنگام پذیرش به حزب لازم است تا توجه اساسی به کارگران و دهقانان آگاه و پیشرو و سربازانی که منشاء کارگری و دهقانی دارند صورت گیرد. به همین منظور نیز کنفرانس سرتاسری حزب شرایط جدید را که حاوی یک سلسله سهولت ها و امتیازات برای زحمتکشان است به تصویب رسانید.

البته تدابیر حزب نتایج محسوسی را به بار آورد. در ترکیب اعضای آزمایشی که جدیداً در نیمه اول سال ۱۳۶۱ پذیرفته شده است (۴۷/۷) فیصد آن کارگران و دهقانان می باشند و در ولایات بغلان، بدخشان، بلخ، هرات، ننگرهار، تخار و بعض دیگر این نسبت بیشتر از پنجاه فیصد است. در نیروهای مسلح نیز کار پذیرش به حزب فعالانه پیش برده می شود و بیشتر از (چهل و نه) فیصد اعضای آزمایشی جدیدی که پذیرفته شده اند، قبل از خدمت در اردو، خاندوی و خاد، کارگر و یا دهقان بوده اند.

کمیته های حزبی و سازمان های اولیه حزب موظف اند در آینده نیز به برآوردن مطالبات کنفرانس سرتاسری در مورد بهبود ترکیب اجتماعی صفوف حزبی توجه دایمی داشته باشند. در ضمن نباید به افراط گرایید و از ورود بهترین و شایسته ترین نماینده گان روشنفکران و وطنپرست و اقشار اجتماعی دیگر به حزب جلوگیری کرد.

اکنون در باره مسئله بسیار مهم دیگر در رابطه با کار در جهت بهبود ترکیب کیفی حزب دموکراتیک خلق افغانستان یعنی در باره پذیرش جوانان به عضویت حزب صحبت می نماییم. مثنی اصولی ما در این رابطه روشن و بلاانحراف است. ما پذیرش جوانان را به حزب به مثابه بیان توالی و توارث نسل ها، روحیه انقلابی حزب و سنن پیکارجویانه آن و همچنان اطمینان به فردای حزب ارزیابی می کنیم. جوانان باید کار انقلابی نسل کنونی را ادامه دهند.

تصمیم در باره آن که جوانان تا سن بیست ساله گی تنها از طریق سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان به حزب پذیرفته شوند، متوجه آنست تا نیروهای جوانی که به حزب می آیند قبل بر آن مدرسه مبارزه سیاسی و کارسازمانی را در چارچوب سازمان جوانان سپری نمایند.

کمیته های ولایتی حزب و سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان باید در آینده نیز کار آماده ساختن فعالین جوان را برای شمول به صفوف حزب دموکراتیک خلق

افغانستان با توجه ودقت تحت مواظبت گرفته در جلسات خود طرق بهبود این کار و تدابیر لازم در زمینه را مورد مطالعه قرار دهند.

کمیته ها و سازمان های حزبی باید کار در جهت پذیرش زنان به حزب را نیز تقویت بخشند.

کار در زمینه پذیرش پیشروترین نماینده گان ملیت ها، اقوام و قبایل مختلف کشور ما به حزب نیز نیازمند بهبود و توجه بیشتر است. تکمیل صفوف حزب نه تنها بر اساس طبقاتی، بلکه بر مبنای انترناسیونالیستی در کشور کثیر المللیت چون افغانستان نیز، یکی از اصول مهم ساختمان حزبی است. انترناسیونالیزه ساختن حزب وسیله مطمئن تحکیم و توسعه روابط با توده های مردم ومظهر مشخص سیاست حزب مبنی بر تساوی، دوستی وبرادری خلق های وطن محبوب مان افغانستان است. انتر ناسیونالیزه ساختن حزب به اعتبار آن میافزاید و نقش رهبری کننده آنرا در جامعه و دولت تقویت می بخشد.

رفقا!

کمیته مرکزی معتقد است که تشدید کار در زمینه پذیرش اعضای جدید به حزب و نتیجه آن یعنی رشد سریعتر صفوف حزبی وظایف جدی را در برابر حزب، در برابر کمیته ها وسازمان های حزبی ودر برابر هر عضو حزب قرار میدهد، که قبلاً با این وسعت و حجم طرح نشده بود.

قبل از همه هنگام پذیرفتن اعضای جدید باید خصوصیات سیاسی، عملی و اخلاقی آنان مورد ارزیابی دقیق قرار گیرد وبه نفوذ عناصر غیرآماده وتصادفی و اپورتونیست های مقام پرست به حزب اجازه داده نشود. البته سختگیری در انتخاب افراد برای عضویت در حزب همیشه ضرور است واساسنامه ما نیز آنرا پیشبینی می نماید.

نخست به این دلیل که هم تاریخ وهم تجربه خود ما نشان میدهد معمولاً عناصر بیگانه یعنی افراد مقام طلب وسازشکار وحتى دشمنان تلاش می ورزند در حزب حاکم نفوذ نمایند.

دلیل دوم اینست که هنگام زیاد بودن تعداد کسانی که به حزب پذیرفته میشوند و احتمال اشتباه ما در ارزشیابی خصوصیات آنان افزایش می یابد.

بر علاوه، کمیته های حزبی وسازمان های اولیه باید سعی همه جانبه ورزند با نقش واهمیت دوره عضویت آزمایشی ارتقا یابد. این دوره واقعاً هم باید جدی ترین آزمایش و امتحان واقعی خصوصیات عضو آزمایشی باشد، نه اینکه به صورت فورمالیته وشکلی سپری میگردد. این مطالب از آن جهت نیز مهم است که برای بخش قابل

ملاحظه اعضای آزمایشی دوره عضویت آزمایشی شش ماه تعیین شده است. برای اینکه عضو آزمایشی در ظرف شش ماه آماده شمول به عضویت اصلی حزب گردد، ضرورت به صرف مساعی پیگیر و هدفمند است. کار را باید طوری تنظیم نمود که عضو آزمایشی حزب دموکراتیک خلق افغانستان از نخستین روزهای شمول خویش مدرسه واقعی آبدیده گی حزبی و سیاسی را سپری نماید. یک وسیله آزمایش شده و مطمئن تربیت اعضای جوان حزب وجود دارد و آن جلب ایشان به کار فعال روزمره حزبی و اجتماعی و امتحان کردنشان در امور عملی و در اجرای وظایف مشخص می باشد. رابطه و برخورد با وظیفه حزبی، اجرای مسؤولانه و وجدانی آنست که آماده گی افراد را برای عضویت در حزب و مبدل شدن به پیکارجوی واقعی آن، نشان میدهد. وظیفه مهم هر سازمان اولیه حزبی اینست که همه اعضای آزمایشی حزب را تحت توجه قرار داده به آنان کمک نماید تا خود را برای عضویت اصلی در حزب آماده سازند.

کمیته مرکزی کار با اعضای آزمایشی و جوان حزب را یکی از مهمترین جهات فعالیت درون حزبی می شمارد. توجه همه کمیته ها و سازمان های حزبی، باید به این جهت کار متمرکز گردد. البته در این کار نباید با معیارهای سابق برخورد نمود. در هر سازمان اولیه با ید فضای بذل توجه و علاقمندی به این امر را ایجاد کرد که عضو آزمایشی چگونه رفتار می نماید و چطور خود را برای کسب عضویت اصلی حزب دموکراتیک خلق افغانستان آماده می سازد.

میخواستم يك مطلب دیگر را نیز خاطر نشان سازم و آن اینکه ضرورت است تا به موازات تأثیر دسته جمعی سازمان اولیه، مسؤولیت هر عضو حزب را نیز در امر رشد و آبدیده گی سیاسی اعضای جوان حزب ارتقا بخشید. درینجا نقشی معرفی کننده گان، مخصوصاً مهم است. تضمین و معرفی هنوز آغاز امر است. میتوان گفت که معرفی کننده پدر سیاسی، مربی و آموزنده هر عضو جوان حزب است و باید در برابر سرنوشت حزبی وی جداً احساس مسؤولیت کند.

اکنون در حزب تعداد زیاد عضو آزمایشی وجود دارد که تقریباً نصف کمیت آنرا می سازد. و اعضای آزمایشی حزب تنها در صورتی خواهند توانست و جایب و حقوق خود را به روشنی درک کنند و نام پرافتخار عضو حزب را با شایسته گی نگهدارند که هر عضو اصلی به کار فعال برای تربیت آنان بپردازد و سهم خود را در این امر مهم ایفا نماید.

چنین است خواست و مطالبه حزب و باید کار به این ترتیب انجام پذیرد. اما ببینیم در عمل چگونه است؟ این مهمترین پروبلم ها هنوز هم در فعالیت روزمره بسیاری از کمیته های حزبی به طور لازم منعکس نمی گردد. مسایل پذیرش در حزب و کار با اعضای آزمایشی در جلسات و گردهم آیی های سازمان حزبی به ندرت مورد بحث

و ارزیابی قرار می گیرد. در آن حالاتی که مورد بررسی قرار می گیرد، تصمیم اتخاذ شده به حد کافی عمیق و مشخص نمی باشد و در نهایت این تصمیم بنابر ضعف کنترل بر بهبود کار در سازمان های اولیه حزبی تأثیر لازم را وارد نمی کند چنین وضع بعد از این قابل تحمل نیست. زیرا مسئله بر سر جریان نیروی حیاتی به حزب و مبنای اولیه رشد و تحکیم آنست.

رفقا!

مسئله رشد شبکه سازمان های حزبی، ایجاد سازمان های جدید و بهبود رهبری آنها با توسعه کمی حزب و افزایش تعداد اعضای جدید آن نیز ارتباط دارد. ارتقای بیشتر مؤثریت کار حزب و تقویت تأثیر آن در میان توده ها با تکمیل و بهبود ساختار سازمانی ارتباط ناگسستگی دارد.

میخواهم در رابطه با مطلب بالا توجه را به کرکترستیکی که لنین از مفهوم «حزب» از نظر ساختار آن بیان داشته است، جلب نمایم. لنین می نویسد:

«حزب مجموعی از سازمان هایی است که با هم پیوند واحد یافته اند.» در عین زمان وی توضیح می نمود که این «مجموعه، ساده نیست و چون در یک واحد با هم پیوند یافته است به همین سبب نیز حزب خود سازمان واحد و یکپارچه سیاسی است که به شبکه کامل انواع سازمانهای محلی، اختصاصی، مرکزی و عمومی تقسیم می گردد.»

امروز حزب ما يك ارگانیزم بزرگ و دارای شبکه وسیع سازمان هاست. در ترکیب آن سی کمیته و لایبی، دو کمیته لوی و لسوالی، هفتاد کمیته شهری و ناحیه وی، یکصد و چهل و چار کمیته و لسوالی علاقه داری و بیش از دو هزار سازمان اولیه وجود دارد. به نظر ما چنین ساختار به طور کلی مطابق به محتوا و خصوصیات مرحله جاری تکامل انقلابی و اوضاع و شرایط مشخص فعالیت حزب است.

اما پراتیک اجرا و تحقق وظایفی که کنفرانس سرتاسری حزب طرح نموده است، ضرورت بهبود و تکمیل هرچه بیشتر این ساختار را مسلم می سازد امکانات آنرا نیز نشان میدهد. این مسئله از همه بیشتر به سازمانهای و لسوالی و علاقه داری و همچنان سازمانهای اولیه حزبی ارتباط می گیرد.

باید اعتراف نمود که بنابر یک سلسله علل ما تا هنوز نتوانسته ایم توجه لازم را به کمیته های حزبی و لسوالی و علاقه داری مبذول داریم. وضع در این بخش کار غیرقناعتبخش است.

اکنون زمان آن فرا رسیده است که حزب به طور جدی و عملی به این امور بپردازد. اهمیت این ارگان ها هم از لحاظ کار در ولایات و هم از لحاظ اجرای وظایف مبرم

ما بسیار عظیم است.

باید از آغاز این امر را در نظر داشت که این ارگان ها در محلات و دهات جایی که اکثریت قاطع اهالی کشور در آن زنده گی دارند، تشکیل می گردد و فعالیت می نماید. این ارگان ها نظر به موقعیت و وضع طبیعی خود نسبت به کمیته های حزبی سطوح دیگر، به توده های مردم نزدیکتر است. آنها فعالیت سازمان های اولیه را که در میان انبوه مردم کار می کنند، مستقیم رهبری می نمایند کمیته های حزبی ولسوالی ها و علاقه داری ها از این جهت نیز حایز اهمیت است که آنها دو برسه تعداد همه کمیته های حزبی منطقه وی را می سازند.

اکنون در باره سازمانهای اولیه صحبت می کنم، ما بارها، در کنفرانس سرتاسری حزب ودر پلینوم های کمیته مرکزی در باره اهمیت فوق العاده کار سازمانهای اولیه حزبی اشاره نموده ایم، اما باز هم تأثیرات و فعالیت آنها غیرکافی است. علل زیادی وجود دارد و یکی از آن این وضع است که شبکه سازمانهای اولیه، همه مناطق و مؤسسات تولیدی لازم را در بر نمیگیرد. در نتیجه از امکانات توسعه نفوذ حزب در بین توده های مردم استفاده به عمل نمی آید. گرچه تعداد عمومی سازمانهای اولیه افزایش می یابد، اما اکنون تقسیم و آرایش درست نیروهای حزبی اهمیت به سزایی دارد تا در بخشی های مهم و حیاتی تأثیر و نفوذ حزب تأمین گردد. مثلاً، یکی از مهمترین جهات فعالیت حزب را عرصه اقتصاد تشکیل می دهد.

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و ارگان های محلی حزبی وظیفه دارند برای تحکیم سازمانی - سیاسی و ارتقای سطح رزمنده گی سازمانهای اولیه و تکمیل و بهبود شبکه و ساختار آنها تدابیر لازم را اتخاذ نمایند. باید به سازمانهای اولیه در تنظیم کار درون حزبی و گسترش فعالیت توده یی سیاسی در میان اقشار وسیع زحمتکشان و اهالی کمک صورت گیرد. در رابطه با این موضوع چه وظایف مبرم را باید اجرا کرد؟

نخست اینکه باید امکانات ایجاد سازمانهای اولیه در بین گروههای تولیدی و زحمتکشان به جدی ترین شکل مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد. کار را باید طوری تنظیم نمود که اعضای موجود حزب در یک مؤسسه تولیدی عمدتاً شامل سازمان اولیه حزبی خود باشند. اگر تعداد اعضای حزب برای تشکیل سازمان اولیه کافی نباشد، پس باید کار فعال و هدفمند در جهت جذب بهترین کارمندان مؤسسه به حزب دموکراتیک خلق افغانستان سازمان داده شود. این کار به حزب امکان خواهد داد تا در آن مؤسسه سازمان اولیه داشته باشد. و اساساً در همین کار هدفمند هم تأثیر تنظیم کننده حزب بالای رشد صفوف آن انعکاس می یابد. در ضمن ایجاد سازمانهای حزبی در قراوقصبات نیز باید با عین برخورد صورت گیرد.

تکرار می کنم، هر سازمان حزبی که جدیداً ایجاد می گردد، توسعه نفوذ حزب و

امکانات آنرا برای جلب نشر چه بیشتر مردم در مبارزه به خاطر تحقق آرمان های انقلاب ثور در بر دارد. شعبه تشکیلات کمیته مرکزی موظف است اینکار را تحت کنترل دایمی قرار دهد.

دوم اینکه، باید ترکیب منشی های سازمانهای اولیه تقویت گردد و از تغییرات و تبدلات غیرضروری آنان جلوگیری به عمل آید. تاکنون تعداد تغییرات و تبدلات بسیار زیاد است و تقریباً نیمی از منشی های سازمان ها کسانی اند که مدت اشتغال شان به این وظیفه کمتر از یکسال بوده است.

در چنین وضع افراد موفق نمیشوند تجربه لازم را فرا گیرند. بر کارخویش مسلط گردند و اوضاع را مورد مطالعه دقیق قرار دهند. خلاصه اینکه نمی توانند به مسؤولین واقعی حزبی مبدل گردند.

سوم اینکه، باید به ارتقای سطح کار درون حزبی جدی ترین و دقیقترین توجه صورت گیرد. به این منظور باید سعی ورزید تا کار پیشبرد و جریان جلسات حزبی بهبود قابل ملاحظه حاصل نماید، تا این جلسات به مدرسه واقعی تربیت اعضای حزب مبدل گردد. ضرور است تا اجرای دقیق فیصله های اتخاذ شده کنترل جدی بر آن سازمان داده شود. باید این امر را تأمین نمود که همه اعضای اصلی و آزمایشی حزب به عرصه های متنوع کار عملی جلب گردند و قبل از همه از طریق اشتراك فعال در حیات سازمانی خویش، گسترش انتقاد و انتقاد از خود و اشتراك در طرح و تدوین نظر دسته جمعی سازمان، تربیت حزبی حاصل نمایند. بالاخره، کمیته های حزبی باید رهبری سازمانهای اولیه را بهبود بخشند. در این رابطه می خواهم خاطر نشان سازم که بهبود رهبری سازمانهای اولیه را نباید به حیت اقدام مهم مؤقتی تلقی نمود. این روند باید دایمی باشد. زیرا رشد آن با تکمیل و بهبود فعالیت حزب در مجموع ارتباط دارد. کارمندان کمیته های حزبی موظف اند از کار و فعالیت سازمان اولیه به خوبی مطلع باشند. به کثرت از آنها دیدن نمایند و در حل پروبلم های شان کمالاً مشخص کنند. در مجموع باید کمیته های حزبی با سازمانهای اولیه ارتباط محکمتر و بهتر داشته باشند و بیشتر بر آنها اتکا نمایند.

باید با فعالین و مخصوصاً منشی های سازمانهای اولیه کار منظم صورت گیرد. درست خواهد بود که کمیته های حزبی در هنگام تعیین این یا آن عضو حزب به مقامات معین، نظر مسؤولان سازمان اولیه را هرچه کاملتر مد نظر داشته باشند.

رفقا!

حزب ما تنها از طریق افراد مورد اعتماد و دارای توانایی واقعی برای انجام وظایف دشوار می تواند سیاست خود را در عمل تحقق بخشد. رهنمای ما حکم مشهور است که برای تحقق سیاست انسان هایی لازم اند که ضرورت این سیاست را درک کنند

و بتوانند آنرا با موفقیت در عمل پیاده نمایند. هیچ سیاستی را بدون انعکاس و تجلی آن در تعیین و تبدیل افراد نمیتوان به پیش برد. به همین سبب نیز انتخاب، جابه جاساختن، تعیین، تقرر و تبدل درست کادرهای رهبری کننده، امر حیاتی حزب و یکی از با اهمیت ترین و فوق العاده ترین وظایف است. به همین سبب نیز تحقق سیاست کا درها یکی از عمده ترین مسایل را در فعالیت بیروی سیاسی و دارالانشا کمیته مرکزی و سایر ارگان های حزبی تشکیل میدهد. بدون درك دقیق و روشن این موضوع از جانب فعالین حزبی و کارمندان رهبری دستگاه دولت، عملی ساختن درست سیاست کادرها نیز ممکن نیست. به نوبه خود بدون این امر حصول اهداف ما، تکامل انقلاب و دفاع موفقانه از آن نیز امکان پذیر نیست. به این ترتیب بین سیاست و فعالیت کادرها ارتباط متقابل و وابستگی متقابل محکم و گسست ناپذیر وجود دارد.

همه ما میدانیم که در جریان سال های متمادی در حزب دموکراتیک خلق افغانستان اصطلاح «کادرها»، به گروه بالنسبه محدود اعضا و فعالین حرفه یی دارای زیاد ترین سابقه عضویت یا ستاژ حزبی اطلاق می شد که وظایف پراهمیت و پرمسئولیت حزب را به دوش داشته خدمات ارزنده بزرگ را برای حزب انجام میدادند. چنین تفسیر از کلمه «کادرها» در آن زمان درست، طبیعی و قابل فهم بود. اما اکنون که حزب دموکراتیک خلق افغانستان مبدل به حزب حاکم شده و هرچه بیشتر خصلت توده یی را به خود می گیرد، هنگامی که نفوذ و تأثیر آن بر همه عرصه های زنده گی جامعه ما، بر همه طبقات و اقشار گسترش می یابد، به تعداد هرچه بیشتر کارمندان رهبری که سیاست حزب را درست در نمایند و به طور بلانحرف در عمل پیاده کنند، ضرورت جدی احساس می گردد. اکنون اصطلاح و مفهوم «کادرها» نیز مملو از محتوای نوین گردیده و توسعه بیشتر یافته است. با اتکا بر احکام تیوری علمی- انقلابی و تجربه عملی احزاب حاکم انقلابی مفهوم «کادرها» را میتوان چنین تعریف کرد:

کادرها عبارت از ترکیب اساسی کارمندان دارای آماده گی در کار رهبری در ارگان های حزبی، دولتی و اقتصادی است که وظیفه دارند تحقق مشی سیاسی مطروحه حزب دموکراتیک خلق افغانستان را سازمان دهند. به اساس این تعریف ما باید «سیاست کادرها» را به حیث عملی ساختن اصول، اشکال و میتوذهای انتخاب، جا به جا ساختن، تعیین و تربیت کادرهای رهبری در شرایط مشخص تاریخی فعالیت حزب درك نماییم.

پیروزی انقلاب ثور و سیاست کادرها که به وسیله حزب دموکراتیک خلق افغانستان طرح و تدوین شده است، امکانات و شرایط اساساً نوین را برای بالا کشیدن کادرها در کار رهبری و تربیت کادرها به وجود آورد. این امکانات و شرایط چگونه است؟

اکنون نماینده گان همه افشار زحمتکشان می توانند در همه ارگان های رهبری بدون استثنا قرار داشته باشند. اکنون حزب با اتکا بر برخورد طبقاتی در حل پروبلم های مربوط به کادرها به این امر آغاز نموده و باید آنرا با پیگیری ادامه بدهد تا سازمان دهندگان پر استعدادی که از میان توده های مردم بر خاسته اند، هرچه بیشتر در مقامات رهبری بالا کشیده شوند. اینان نماینده گان طبقه کارگر و دهقانان و روشنفکران اند که آبدیده گی انقلابی حاصل نموده و وفاداری به امر انقلاب و توانایی کار رادر خود به هم پیوند داده اند.

اکنون محدودیت های قومی و ملی که در گذشته مانع رسیدن نماینده گان تمام ملیت ها، اقوام و قبایل و طن ما به مقامات رهبری می گردید دیگر وجود ندارد. سیاست ما در این زمینه روشن و مبتنی بر حل پیگیر مسایل کادرها از موقف برابری همه ملیت ها و اقوام افغانستان است. حزب این سیاست را به مثابه اساس مطمئن برای متحد شدن تدریجی زحمتکشان ملیت های مختلف کشور ارزیابی می کند.

اکنون معیارهای عمده برای انتخاب کادرها را خصوصیات سیاسی و عملی افراد تشکیل میدهد. حالا این اصل در حزب ما شهرت یافته و در اسناد و دستورالعمل های آن درج و اعلام گردیده است. اما متأسفانه مواردی زیادی از عدم رعایت آن نیز وجود دارد و مفهوم «خصوصیات سیاسی و عملی» به طور دلخواه و اکثر نادرست توجیه و تفسیر می گردد. پس بیاوید، در رابطه با این وضع به یگانه درک درست این مفهوم که وای. لنین ضمن طرح و اساسگذاری اصول انقلابی سیاست کادرها، توضیح میدارد، مراجعه کنیم. لنین تحت مفهوم خصوصیات سیاسی، وفاداری به انقلاب و حزب را مد نظر داشت و خصوصیات عملی را عبارت از توانایی سازمان دادن کار دوستانه، رفقانه، صمیمانه و مشترک، داشتن صلاحیت کار و تسلط بر امور میدانست.

تاریخ، مؤثریت و عملی بودن این معیارها را به اثبات رسانیده است و ما حق نداریم یک گام هم از آن عقب رویم، هدف عمده بی که با سیاست حزب در مورد کادرها تعقیب می گردد عبارت از اینست که همه بخشهای کارحزبی، دولتی، اقتصادی، فرهنگی و تربیتی را کسانی رهبری کنند که به حزب و مردم وفادار و به امور مربوط وارد بوده و استعداد لازم را داشته باشند. در مرحله نوین انقلاب در این جهت کار قابل ملاحظه صورت گرفته است.

اپارات کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، کمیته های ولایتی، لوی ولسوالی، شهری، ناحیه وی ولسوالی، ایجاد و با تعدادی از کادرها تکمیل گردیده است. تعداد زیادی از اعضای شایسته حزب برای کار رهبری در ارگانهای اداره دولت و به سازمانهای اجتماعی- توده بی فرستاده شده اند.

اما کار در زمینه ایجاد و رشد تر کیب کیفی لازم کادرهای رهبری کننده به تکمیل و

بهبود دایمی وتوجه روزمره کمیته مرکزی، کمیته های ولایتی وسایر کمیته های حزب دموکراتیک خلق افغانستان ضرورت دارد.

مسئله استقرار کادرها وباقی ماندن آنها در مقام معین برای مدت لازم هنوز هم حل نشده باقی مانده است. هویداست که هر سازمان ومخصوصاً سازمان حزبی واجتماعی فقط در صورت پایدار ماندن معین ترکیب اساسی کادرهای که با امور سازمان آشنایی داشته با اطمینان به آن می پردازند، میتواند به طور عادی کار کند. دقت ونظم در کار همه حلقه ها یکباره گی نه، بلکه با مرور زمان و آشنایی مسؤولان به وظایف و به هم جوش خوردن گروه کارمندان و ایجاد رابطه محکم، اعتماد وتفاهم متقابل بین مسؤولان و کارمندان به وجود میاید.

در رابطه با تغییر وتبديل کادرها باید گفت اینکه: یا کادرها درست و باغور وبررسی عمیق بر خصوصیات و امکانات شان انتخاب نمی شوند یا اینکه در تبدیلی آنان شتابزده گی بی موجب صورت می گیرد. به این ترتیب به افراد موقع داده نمی شود تا به نخستین نتایج کار خود برسند. در نخستین عدم موفقیت به جای اینکه به ایشان کمک صورت گیرد، سعی به عمل می آید تا آنرا تبدیل نمایند.

اکثر شنیده می شود که دشواری عمده در حل مسایل مربوط به کادرها، عدم کفایت کارمندان دارای آماده گی لازم است. البته از لحاظ عینی چنین دشواری واقعاً هم وجود دارد، ولی ما نباید ضمن جستجوی کادرها به یک گروه محدود افراد اکتفا نماییم. آیاما افراد جدیدی را که صفوف حزب را تکمیل مینمایند، به خوبی می شناسیم؟ در حزب ما که اکنون چندین هزار عضو دارد بدون تردید تعداد قابل ملاحظه سازمان دهنده گان با استعداد که می توانند بخش های از کار را رهبری کنند وجود دارد.

وظیفه شعبات کمیته مرکزی، کمیته های ولایتی وسایر کمیته های حزبی است تا چنین افراد را جستجو کنند و دریابند وبا جسارت و دلیری ومواظبت بیشتر آنانرا رشد دهند وبه کار بگمارند.

چنانکه در کنفرانس سرتاسری حزب خاطر نشان گردید ضرورت است تا به منظور تحقق موفقانه سیاست کادرها سیستم منظم آماده ساختن وتجدید آماده گی کادرها طرح گردد. البته هم اکنون این سیستم بوجود می آید.

انستیتوت علوم اجتماعی کمیته مرکزی حزب به ایفای نقش هرچه فعالتر در آماده ساختن کادرهای سطوح متوسط ارگانهای حزبی، ارگان های محلی دولتی، سازمانهای جوانان وزنان واتحادیه های صنفی آغاز نموده است. يك تعداد قابل ملاحظه کادرها دوره آماده گی را در اتحاد شوروی، بلغاریا، جمهوری دموکراتیک آلمان و چکوسلواکیا وسایر کشورهای سوسیالیستی سپری می نمایند. کمیته های

حزبی مؤظف اند تا کار انتخاب افراد را برای شمول به مؤسسات تعليمی حزبی بهبود بخشند. استفاده درست تر و بهتر از فارغان این مؤسسات نیز اهمیت کمتر ندارد. متأسفانه تا کنون به این مسئله توجه لازم صورت نگرفته است.

شعبه تشکیلات کمیته مرکزی مؤظف است تا همراه با کمیته های حزبی مربوط، نظم و ترتیب جدی را در این عرصه برقرار سازد.

قادر بودن به انتخاب درست و تربیت کارمندان جدید مهمترین جهت کار حزبی و شرط حتمی رهبری مؤثر را تشکیل می دهد. برخورد دقیق، پرمواظبت و توجه به کادرهای حزب باید همراه با سطح عالی مطالبات خواست جدی نسبت به امر سپرده شده و اجرای تصامیم حزب و دولت باشد.

رفقا!

برای رهبری موفقانه تکامل جامعه و کشور ضرور است تا حزب ما کمیته ها و سازمانهای حزبی و تمام فعالین حزب نسبت سازماندهی فعالیت خود و ارزیابی نتایج آن برخورد جدید و متفاوت از گذشته داشته باشند اشکال، طرق، اسلوب و میتودهای نوین کار را که امکان حصول موفقیت را به بهترین وجه تأمین می نماید، فراگیرند.

مشخصه بارز فعالیت همه حلقه های حزبی از کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان تا سازمان اولیه را باید نظم و ترتیب در کار، فهم امور، برخورد خلاق و در عین زمان واقعینانه نسبت به حل مسایل حیات اجتماعی- سیاسی، ارتقای دایمی سطح مطالبات نسبت به کادرها و همه اعضای حزب و رشد مداوم سطح کار سازمانی و ایدئولوژیک تربیتی، در بین توده ها، تشکیل دهد. این موضوع محتوای عمده و روح شیوه انقلابی کار را که امروز از ما مطالبه می گردد، می سازد. در شرایط کنونی درین شیوه کار خصوصیات و مشخصاتی چون پیروی بلاانحراف از تیوری انقلابی در برخورد با همه پدیده های حیات اجتماعی، فهم امور و احساس مسؤولیت عالی در قبال تحقق سیاست حزب و جلب هرچه بیشتر اعضای حزب در طرح و عملی ساختن تصامیم و فیصله های حزبی بر جسته تر و متبازتر می گردد. منجمله مصوبه دارالانشا کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در باره توسعه ترکیب کمیته های حزبی که چندی قبل پذیرفته شد متوجه این هدف است.

انقلاب از ما می خواهد که هر عضو حزب حامل خصوصیات عملی نوین و کرکتر نوین باشد. در محیط ما میراث گذشته چون بیروکراتیزم، عدم فعالیت، عدم توجه و بی تفاوت بودن نسبت به نیازمندی ها و توقعات انسان های ساده وطن غیرقابل تحمل است.

مسئله تنها بر سران نیست که از لحاظ تیوریک ماهیت انقلاب درک و روشن گردد، بلکه باید با پیگیری و توانایی و به طور مصرانه همه مطالبات آنرا در تمام عرصه

های زنده گی اجتماعی اعم از سیاسی، ایدئولوژیک و اقتصادی برآورده ساخت.

رفقا!

مسئله وحدت صفوف حزبی را باید به طور خاص خاطر نشان ساخت. این مسئله، اساس تمام کار ایدئولوژیک، سیاسی و سازمانی حزب است. کمیته مرکزی و حزب در مجموع اهمیت در جه يك را به آن قایل بوده میتوان گفت که همه ما مصروف آن هستیم. این حرف مبالغه نیست. وضع وحدت صفوف ما شاخص سلامت همه حزب و قدرت پیکار جویی آن است.

وحدت صفوف حزب قبل از همه در کار انقلابی مشترك اعضای حزب تحکیم می یابد. به همین سبب نیز کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان از کسانی که خوب کار نمی کنند، و از خود ضعف دسپلین و عدم احساس مسؤولیت در اجرای فیصله های حزبی نشان می دهند با جدیت تمام و پیگیری لازم باز پرس به عمل خواهد آورد. نه تنها تعداد زیاد فیصله های سازمانهای اولیه و کمیته های حزبی و لایته بلکه حتی بعضاً مصوبات دارالانشا و بیروی سیاسی کمیته مرکزی نیز مورد اجرا قرار نمی گیرد. باید اجرای بلاقید و شرط و حتمی فیصله های اتخاذ شده به قانون انحراف ناپذیر برای همه حزب و به نیازمندی درونی هر عضو حزب مبدل گردد.

مظهر دیگر بی انضباطی، انحراف از معیار های حیات حزبی و تخلف از اساسنامه حزب دموکراتیک خلق افغانستان است.

بسیار درست است که سختگیری و سطح مطالبات نسبت به متخلفین از دسپلین حزبی که با اعمال و رفتار خویش نام عضو حزب را لکه دار می سازند، ارتقا می یابد. اما این مسئله باید ما را وادارد تا برای بهتر شدن وقایه و کار تربیتی در سازمانهای حزبی فکر کنیم.

ما باید کار در جهت ارتقای هر چه بیشتر سطح ایدئولوژیک اعضای حزب را گسترش دهیم. توجه به مطالعه و آموزش آثار کلاسیک های تیوری علمی انقلابی و پروبلم های میرم تیوری انقلابی را تقویت بخشیم و اجرای تصامیم نهمین پلینوم کمیته مرکزی را تأمین نماییم.

شعبه تبلیغ، ترویج آموزشی کمیته مرکزی وظیفه دارد وضع این کار را در سازمانهای اولیه به طور منظم کنترل نماید و به کمیته های حزبی کمک لازم میتودیک را مبذول دارد.

از نظر تأمین وحدت عمل در حزب لازم است تا فعالیت توده های حزبی تقویت یابد. کمیته مرکزی حزب ضرور می شمارد که در کار کمیته های حزبی باید گزارشدهی منظم از فعالیت خویش به سازمان حزبی معمول گردد. این کار یک نوع بازرسی

از آنست که کمیته های حزبی منشی های سازمانهای حزبی چگونه کار خود را مطابق فیصله های کنفرانس حزبی، پلینوم ها و جلسات فعالین پیش برده و تا چه حد در فعالیت خویش نظرات اعضای حزب را مد نظر می گیرند. این گزارشدهی به فعال شدن توده های حزبی و توسعه دموکراسی درون حزبی مساعدت خواهد کرد.

اما مطلع ساختن به موقع اعضای حزب از ماهیت و انگیزه های فیصله های اتخاذ شده، یقین حاصل کردن به آنکه این فیصله ها درست درک و پذیرفته شده به آن معنی است که به موقع و در عمل از انواع شایعات، آوازه ها، تعبیرات و تفسیرات ذهنی گرانه و غیرمسئولانه جلوگیری می شود که در غیر آن ممکن است وحدت سازمان مربوط، توافق واراده و عمل مشترک اعضای آن تضعیف گردد.

در عین زمان باید گفت که لنین بزرگ خاطر نشان می نمود و هم تجربه به اثبات می رساند که بدون بررسی حزبی و علنی مسایل وحدت حزبی آگاهانه در عمل تأمین شده نمی تواند. لنین مسئله را چگونه مطرح می نمود؟ او می آموخت که قبل از همه باید مسئله مورد بررسی عمیق و همه جانبه قرار گیرد. نظرات مختلف بیان و شنیده شود. نظر اکثریت اعضای حزب روشن گردد. و این نظر در تصمیم عمومی بیان گردد این فیصله از روی وجدان و با مسئولیت اجرا شود. لنین نتیجه گیری میکرد که:

«اینست آنچه که همه جا در جهان، در میان انسان های معقول به نام وحدت یاد می شود. همه اینها برای ما نیز ضرور است و اهمیت حیاتی دارد تا بتوانیم وحدت حرف و عمل را تأمین نماییم. و وظیفه تمام کار ایدیولوژیک تربیتی و سازمانی سیاسی ما امروز در آنست که این حقیقت های بزرگ و ساده به طور ارگانیک داخل زنده گی حزبی ما گردد و به شیوه بلاانحراف کار حزبی ما مبدل شود.

ما باز هم به این مسئله بر میگردیم که مبارزه به خاطر یکپارچه گی ایدیولوژیک و سازمانی حزب بر مبنای اصول تیوری انقلابی یکی از مهمترین قانونمندی های تکامل حزب بوده و باقی خواهند ماند. اما باز هم به این مسئله بر می گردیم. زیرا حزب با سعی در جهت استحکام هرچه بیشتر صفوف خود امکان می یابد تا اهمیت و سطح همه فعالیت خویش را ارتقا بخشد. بیابید مطالباتی را که زمان و مردم ما مطرح می سازند در عالیترین سطح ممکن برآورده سازیم.

رفقا!

امروز ما درین باره به خاطر تکرار صحبت نمی کنیم. بلکه قصد ما تقویت فعالیت عملی درین جهت است.

تربیت اعضای حزب با استواری ایدیولوژیک، جلب همه اعضای اصلی و آزمایشی به امور عملی سازمانهای حزبی خودشان، باز پرس از رعایت مطالبات اساسنامه

حزب دموکراتیک خلق افغانستان وسایل آزمایش شده بی است که با استفاده از آنها حزب ما می تواند صفوف خود را به خاطر پیروزی آرمان های انقلاب ثور هرچه بیشتر مستحکم و یکپارچه سازد.

رفقا!

مسایل استحکام سازمانی حزب ما از لحاظ اهمیت خویش تنها در چارچوب مسایل ساختمان حزبی باقی نمی ماند. تحکیم سراسر نظام انقلابی ما و تکامل هرچه بیشتر انقلاب ملی و دموکراتیک ثور نیز با حل مثبت و درست این مسایل ارتباط دارد.

اما این مسایل برای حل پروبلم هایی که راساً و مستقیماً در برابر ما قرار دارد نیز حائز اهمیت حیاتی است. تقویت فعالیت سازمان ها و کمیته های حزبی در محلات و بالنتیجه تقویت عمومی نفوذ حزب نیز به آنها بسته گی دارد. فعال شدن بیشتر گروه های دفاع از انقلاب، گروه های مقاومت و دفاع خودی و جلب هرچه بیشتر توده های وسیع برای اشتراك در امور عاجل و مبرم چون کمک به قطعات اردو، خاندوی و مساعدت به ارگانهای محلی قدرت انقلابی در اعمار مجدد سرکها، پلها، مکاتب، مساجد، پروژه های تولیدی و غیره نیز به مسایل استحکام سازمانی حزب بسته گی دارد. بهبود کار سازمانهای محلی جبهه ملی پدروطن، همه سازمانهای اجتماعی- توده بی عضو آن نیز به این مسایل ارتباط می گیرد. بالاخره تقویت کار سازمانی حزب و استحکام سازمانی آن موجب ارتقای مؤثریت فعالیت سازمان ها و کمیته های حزبی در وزارت ها و ادارات، در ارگان های مرکزی و محلی دولتی، در اردو، خاندوی و خاد می گردد. خلاصه همه حلقه های سیستم سیاسی، نیرو و انگیزه مهم برای اجرای موفقانه تر و سریعتر وظایف مطروحه می یابند.

صریح حرف می زنیم. ما میتوانیم و باید هم این وظایف را هرچه سریعتر و هرچه بهتر عملی سازیم. فراموش نکنید که در تعداد زیاد ولسوالیها، علاقه داریها، قرا و قصبات تا هنوز مردم اهمیت پیروزی انقلاب ثور و مزیت های نظام انقلابی را احساس ننموده اند. آنان هنوز آزادی از قید باندهای ضد انقلاب، استقرار پایدار قدرت انقلابی و تحقق تحولات ضرور به نفع زحمتکشان را انتظار دارند. به مفهوم وسیع کلمه، این موضوع نه تنها مربوط به ساحات و مناطقی می شود که در آن امحای باندهای ضدانقلاب صورت می گیرد، بلکه مناطق وسیعتر کشور را که ما هنوز فرصت نیافته ایم مجموع تحولات ذکر شده در بالا را در آنها عملی سازیم و تحکیم بخشیم، نیز در بر می گیرد. البته ما تصمیم اداره ریگن را برای توسعه بیشتر مداخله امریکا در امور داخلی کشور و امور منطقه نیز فراموش نمی کنیم و برای لحظه بی هم نادیده نمی گیریم.

همه این اوضاع چنان تدابیر سازمانی و سیاسی را خواهان است که نظام ملی و دموکراتیک را دفاع و تضمین نماید و امکان تحقق برنامه اعلام شده تحولات را تأمین

کند. ما اکنون بیش از هر وقت دیگر به وحدت، یکپارچه گی و قاطعیت ضرورت داریم. ما به وحدت استوار، مؤثر و پایدار صفوف حزبی، اقدامات متحدانه و توافق یافته همه حلقه های دستگاه دولت و وحدت خلل ناپذیر ملی و وطنپرستانه بر اساس اصول تکامل ملی و دموکراتیک نیازمند می باشیم. دوست بزرگ و فراموش ناشدنی ما لیونید ایلیچ بریژنف می گفت:

«برای انقلابیون نه تنها هنگامی که انقلاب را آماده می سازند نه تنها هنگامی که توده ها را برای یورش به نظام کهنه اجتماعی رهنمایی می کنند وحدت ضرور است، بلکه در روند ساختمان حیات نوین ضرورت وحدت کمتر از آن نمی باشد.»

رفقا!

اجازه بدهید، ابراز اطمینان نمایم که کار و تصامیم دهمین پلینوم کمیته حزب دموکراتیک خلق افغانستان سهم جدی و عملی در تحکیم وحدت صفوف حزبی و وحدت ملی و وطنپرستانه مردم ما در مجموع خواهد بود. همچنان ابراز اطمینان نمایم که ساختمان بعدی و تکامل حزب ما با مطالبات زنده گی و تکامل اجتماعی- سیاسی کشور ما در مجموع مطابقت هرچه بیشتر خواهد داشت. و بالاخره ابراز اطمینان و اعتقاد راسخ نمایم که با استحکام هرچه بیشتر حزب از لحاظ سازمانی و سیاسی ما وظایف مطروحه و رسالت تاریخی خود را در عالیترین سطح و به صورت کامل انجام خواهیم داد.

رفقا!

یکبار دیگر اعلام میداریم که ما با قاطعیت انقلابی در سنگر عظیم صلح، آزادی، دموکراسی و ترقی اجتماعی، در سنگر استوار و در همبستگی بین المللی با کشورهای جامعه سوسیالیستی، جنبش های مترقی و کارگری و آزادیبخش ملی و اجتماعی، در مبارزه علیه ارتجاع، استعمار و امپریالیزم بین المللی در رأس امپریالیزم امریکا دلیرانه و بی هراس قرار داریم و به انترناسیونالیزم پرولتری و به تیوری علمی انقلابی وفادار باقی خواهیم ماند.

رفقا!

در فرجام اجازه بدهید، به نماینده گی از کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و همه حزب ما، عمیقترین و صمیمانه ترین امتنان و سپاسگزاری را به حزب کمونیست اتحاد شوروی و حکومت شوروی به خاطر کمک و پشتیبانی بینظیر و همه جانبه انترناسیونالیستی که به ما در مبارزه به خاطر ترقی ملی و اجتماعی نیرو و الهام می بخشد، ابراز نمایم.

ما در آینده نیز به سنن خلل ناپذیر دوستی افغان- شوروی پایبند و وفادار بوده سعی

خواهیم ورزید آنرا به مثابه ثروت بینظیر و گرانبها حفظ و هر چه بیشتر تقویت نماییم.
پیروزی از آن آرمان های ملی و دموکراتیک انقلاب ثور است .
رفقا! در جهت هدف به پیش!

مردم افغانستان، تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان

پروسه تغییرات و تحولات انقلابی کشور را پیگیرانه.

استوار وگام به گام به پیش میبرند

مصاحبه مطبوعاتی با ژورنالیستان کشورهای سوسیالیستی و سرمایه داری

۲۹ قوس ۱۳۶۱

خانمها، آقایان، ژورنالیستان، رفقا و دوستان!

مسرورم از اینکه در آغاز کنفرانس مطبوعاتی هیات های کشورهای خارجی که به مناسبت تأسیس اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در مسکو گردهم جمع آمده اند، باشما صحبت مینمایم.

تأسیس اتحاد شوروی سوسیالیستی در جهان يك امری سابقه و عظیم به شمار میرود. برای نخستین بار يك کشور کثیرالملت به صورت واحد و یکپارچه با ایجاد حاکمیت زحمتکشان در کره زمین تأسیس گردید. به این مناسبت، سالگرد تأسیس اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی را نه تنها مردم کبیر اتحاد شوروی تجلیل می نمایند، بلکه در سراسر جهان تمام نیروهای مترقی و صلحدوست از آن تجلیل به عمل می آورند.

در این تجلیل ما یکجا با تمام بشریت مترقی و صلحدوست به مناسبت شصتمین سالگرد تأسیس اتحاد شوروی یکجا، با یک صدا هماهنگی دروهای گرم، شادباش های فراوان به خلق قهرمان اتحاد شوروی تقدیم میداریم.

در این کنفرانس مطبوعاتی یقین دارم که سوالهایی در مورد افغانستان مطرح میگردد. لذا منحیث مقدمه و به صورت عمومی برای پاسخ به سوالهای ژورنالیستان محترم يك سلسله مسایل را ارائه مینمایم.

در واقعیت امر با انقلاب ثور در افغانستان انقلاب ملی و دموکراتیک ضد فئودالی و ضد امپریالیستی مردم افغانستان آغاز یافت. اکنون روند انقلابی در افغانستان رشد، بسط و توسعه می یابد و تکامل مینماید. تغییرات و تحولات در تمام شئون و عرصه های زنده گی مردم افغانستان انقلابی، مردم آزاد قهرمان افغانستان در تمام عرصه های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، کلتوری و غیره رشد می یابد. اگر در ساحة اقتصادی چند رقم را ارائه کنیم معلوم میشود که علی الرغم جنگ اعلان نشده از

طرف امپریالیزم در رأس امپریالیزم ایالات متحده امریکا، سبوتاژ و مداخلات، باز هم پروسه اقتصاد ما به پیش میرود.

یکی از وظایف عمده و اساسی انقلاب ملی و دموکراتیک ما عبارت است از اصلاحات عادلانه ارضی و آب که امروز در افغانستان به يك حقیقت سرسخت تبدیل شده است.

بعد از مرحله نوین انقلاب ثور، اصلاحات ارضی و آب وارد مرحله متکاملتر خود گشته است. اسناد ملکیت به دهقانان توزیع گردیده است. اصلاحات آب صورت میگیرد. جنبش کوپراتیفی در سراسر کشور به پیش میرود. ستیشن های میکانیزه ایجاد میگردد. کود، تخم بذری، ماشین آلات زراعتی توزیع میشود و دیگر سببایدی ها و کمک ها به دهقانان از طرف دولت صورت میگیرد.

طوریکه قبلاً یاد آوری شد، علی الرغم تمام تخریب ها، سبوتاژ، مداخلات خارجی و تجاوزات از خارج کشور با پشتیبانی و کمک امپریالیست ها در رأس امپریالیزم امریکا، می بینیم که نه تنها پروسه پیشرفت ما در عرصه اقتصاد به عقب نمیرود، بلکه به پیش میرود و سال به سال تغییرات رشد و تکامل آن هویدا میگردد.

منحیث نمونه افزایش ساحه تحت کشت در شش ماه اول امسال نسبت به سال گذشته صفرا عشریه پنج فیصد بوده است. افزایش کمک به دهقانان منجمله توزیع کود کیمیای، تخم بذری، ماشین آلات و اعطای قرضه های دولتی به دهقانان پنج فیصد افزایش یافته، در توسعه خدمات و ترنری سی و شش فیصد و توزیع ادویه ضد آفات نباتی هفتاد فیصد افزایش رونما گردیده است.

تولید گندم یکصد و پنج اعشاریه چهار فیصد پلان و با افزایش پنج اعشاریه يك فیصد نسبت به سال گذشته همراه بوده است.

رشد مجموعی زراعت و مالداری در شش ماه اول امسال نسبت به همین مدت سال گذشته سه فیصد ییاشد. در ساحه معادن و صنایع وانرژی در مجموع افزایش سه اعشاریه هفت فیصد نسبت به شش ماه اول سال گذشته و یا تطبیق یکصد و سه اعشاریه سه فیصد پلان امسال را نشان میدهد. افزایش تولید زغال سنگ نسبت به شش ماه اول سال گذشته هشت فیصد، سمنت یکصد و چهل و دو فیصد پلان، کود کیمیای یکصد و چهار اعشاریه هفت فیصد، پخته یکصد و سه فیصد بوده است.

تمام مؤسساتی که در اثر تخریب با ندیت های صادر شده از خارج کشور به خصوص از ساحه پاکستان تخریب شده بودند دوباره به کار تولیدی آغاز نمودند. در سال گذشته زده اعشاریه دو فیصد رشد قیم موجود بوده ولی افزایش دستمزد کارگران از بیست و شش الی پنجاه فیصد و قیم ثابت شکر، پترول، آرد و غیره مواد مورد ضرورت اولیه در نتیجه سببایدی دولت صورت گرفته است. قیم مواد خوراکیه با مقایسه با

کشورهای منطقه و سه بار کمتر از ایران و حد اقل دو بار کمتر از پاکستان حفظ شده است.

افزایش تولید ناخالص ملی در سال ۱۳۶۰ نسبت به سال قبل، یک اعشاریه پنج فیصد و افزایش تولید عاید ملی در سال ۱۳۶۰ نسبت به سال قبل دو اعشار به چهار فیصد بود.

مردم افغانستان، مردم انقلابی و زحمتکش افغانستان همه با هم یکجا در راه ایجاد جامعه ملی و دموکراتیک به پیش میروند.

در تمام سیر تاریخ افغانستان برای نخستین بار دموکراسی واقعی در افغانستان تحقق می یابد. مظهرزنده آن ایجاد بیش از پانزده سازمان اجتماعی و توده یی در سراسر کشور میباشد.

اتحادیه های صنفی، اتحادیه های کوپراتیف های دهقانی، سازمان دموکراتیک جوانان، سازمان دموکراتیک زنان و اتحادیه های هنرمندان، نویسندگان، ژورنالیستان شورای اقتصادی مرکب از تشیئات خصوصی، مختلط دولتی، شورای روحانیون و علما، شورای جرگه عالی قبایل، سازمان صلح همبستگی و دوستی و نظائر آن.

تمام این سازمانها به شمول حزب دموکراتیک خلق افغانستان، حزب حاکم، حزب زحمتکش افغانستان، در جبهه ملی پدروطن شرکت دارند.

امروز به شمول سازمانهای اجتماعی، توده یی و افراد، بیش از نیم ملیون نفر در جبهه ملی پدروطن جمهوری دموکراتیک افغانستان فعالانه شرکت دارند.

برای نخستین بار در تاریخ کشور حزب دموکراتیک خلق افغانستان به مثابه حزب حاکم ورهبری کننده، نقش عظیم و بزرگی انقلابی را در راه خدمت به وطن ایفا مینماید.

طی چندسال اخیر تعداد اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان چهار چند افزایش یافته است.

حزب در جبهه ملی پدروطن دوش به دوش، متحدانه با سازمانهای اجتماعی و توده یی از دستاوردهای انقلاب، از کشور، از آزادی و استقلال کشور از تمامیت ارضی کشور دفاع میکند و در راه ساختمان جامعه نوین، دموکراتیک و عادلانه شجاعانه میروند.

اجازه دهید، چند حقیقت راجع به حل مسئله ملی در افغانستان ابراز نظر کنم :

افغانستان یک کشور کثیرالملیت است. در حدود بیست ملیت و قوم در افغانستان زنده گی مینمایند که عمده ترین ملیت های آن پشتون، تا جیک، هزاره، ازیک، ترکمن، بلوچ، نورستانی و غیره میباشد. در سابق رژیم های ستمگر و استثمارگر جبار و ظالم که همیشه میان ملیت ها و اقوام وطن واحد مان افغانستان تفرقه ایجاد می کردند تبعیض و حشیانه را در افغانستان تطبیق می نمودند.

برای نخستین بار تساوی واقعی حقوق، واصل برابری و برادری و اتحاد تمام ملیت های افغانستان بعد از انقلاب ثور بخصوص بعد از مرحله نوین آن مورد تطبیق قرار گرفت. زبان، کلتور، عنعنات، رسوم و تمام حقوق دموکراتیک تمام ملیتهای افغانستان مورد رعایت و احترام جدی دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان می باشد.

تمام نماینده گان ملیت های اقلیت در تمام دستگاه اداری دولت، حزب، جبهه و سازمانهای اجتماعی سهم مشترک و مساویانه دارند.

همچنین یکی از پرابلم های مهم افغانستان مسئله قبایل بود که میراث حکومت های مستبد سابق افغانستان بود. طی سال های اخیر بیش از دوصد جرگه قبایل در افغانستان ایجاد شده است که بر اساس رسوم عنعنه وی، خود جرگه های قبایل، مسایل خود را حل و فصل میکنند.

چند نکته راجع به مسئله روحانیون، علما و دین اسلام در افغانستان ارائه مینمایم:

امروز در جهان دو نوع اسلام وجود دارد: یکی اسلام امریکایی دیگر اسلام واقعی، همان اسلام امریکایی که در سرزمین اعراب علیه مسلمانان فلسطین و لبنان با تحریک صهیونیسم و حشیانه ترین اعمال را مرتکب میشوند. امروز آقای ریگن و اداره ریاست جمهوری وی، کانگرس و مجلس سنای آن و محافل حاکم امریکا و انحصارات کمپلکس اقتصادی، صنعتی- نظامی امریکا و امپریالیسم عموماً و کشورهای وابسته به آن، مدافع اسلام در افغانستان شده اند.

بیا بید، حقایق را بشنویم و حقایق را انتشار دهیم. در اینجا هدف و مقصد من آقایان و خانم ها ژورنالیستان کشورهای غربی هستند. با وصف اینکه چند نفر ژورنالیست از کشورهای امریکا و اروپای غربی و اعضای ناتو به یکی از سفرای ما در یکی از کشورهای رجوع کرده طالب ویزه بودند که به افغانستان بیایند و وضع را مطالعه کنند. از ژورنالیست ها سوال شده است که شما در افغانستان برای چه می روید گفتند: در باره افغانستان چیزی مینویسیم. سفیر به ایشان گفته است اکنون هم می نویسید، همان دروغی را که حالا می نویسید اگر به افغانستان هم بروید عین دروغ را می نویسید. لیکن کسانی که در این محفل قرار دارند، من امیدوار هستم که حقایق را به جهانیان انعکاس دهند.

از ساحه خاک پاکستان و قسمت ایران، بخصوص پاکستان در هر ماه هزاران باندیت که از طرف مریبون امریکایی تعلیم و تربیت مخصوص میگیرند و می آموزند که چطور در افغانستان هزاران مکتب، مسجد، شفاخانه و پل را منفجر بسازند و هزاران کارگر و دهقان را باید به قتل برسانند، صدها و هزارها معلم و بخصوص روحانیون را که از جمهوری دموکراتیک افغانستان دفاع میکنند، در وقت عبادت به شکل فجیع، از میان ببرند و چطور از سلاح کیمیاوی و از انواع مختلف سلاح های ضد تانک ضد هوا و از سلاح های اتومات استفاده کنند، به کشور ما صادر میشوند.

آنها زیر نام به اصطلاح مجاهدین مدافع اسلام برای ترور و وحشت داخل افغانستان میشوند در حالتی که جمهوری دموکراتیک افغانستان در سطح اصول اساسی، دفاع، احترام و رعایت از دین اسلام را تضمین نموده است. زیرا خلق زحمتکش افغانستان، مردم زحمتکش و مسلمان میباشند.

چند نکته راجع به سیاست خارجی افغانستان خاطر نشان میشود:

افغانستان سیاست اصولی و صلحجویانه را از صمیم قلب تعقیب می نماید. زیرا این اراده مردم افغانستان است، ما می خواهیم با همه کشورهای جهان بخصوص با کشورهای همسایه و همجوار خود بر اساس اصول همزیستی مسالمت آمیز روابط دوستانه داشته باشیم.

این اراده مردم افغانستان و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان و حزب دموکراتیک خلق افغانستان در اعلامیه چهارده می ۱۹۸۰ و بیست و چار اگست ۱۹۸۱ به صراحت و روشنی واضح گردیده است.

ما در این مورد نیم راه خود را طی کرده ایم، حالا مسئله به درک سلیم و حسن نیت مقامات حاکمه پاکستان و ایران مربوط است که نیم راه خود را به خاطر صلح و مذاکرات سیاسی و حل موضوعات اطراف افغانستان ببینند. ما باید بالای یک میز بنشینیم و مسایل راحل و فصل نماییم. لیکن باید توجه داشت که امپریالیزم امریکا نمی خواهد که در مناطق مختلف جهان صلح، امنیت، ثبات و دینانت تأمین گردد. طبعاً پاکستان بدون اجازه و دستور اداره ریاست جمهوری امریکا از خود ابتکار اقدامی تاکنون نکرده است.

خاتم ها، آقایان، ژورنالیستان، رفقا و دوستان!

اکنون در يك فضای کاملاً آزاد و دموکراتیک هرگونه سوالی اگر داشته باشید من حاضر هستم به آن پاسخ بدهم.

سوال نماینده فرانسپرس:

آیا هیات نماینده گی شما با نماینده گان حکومت شوروی در باره مسئله اطراف افغانستان ملاقات خواهد کرد یا نه؟ و شما راجع به اطلاعاتی که از اسلام آباد راجع به پلان الحاق افغانستان به اتحاد شوروی، میرسید، چه گفته می توانید؟

جواب:

این سوالی است که اول انسان باید به آن بخندد و بعد به آن پاسخ بدهد.

باز هم ما میبینیم که چه نیاتی در این سوال نهفته است و این خودیك جنبه تبلیغاتی دارد. حقیقت امر اینست که هیچگاه و هرگز از طرف مقامات عالیه حزبی ودولتی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی چنین موضعی راجع به اصل مسئله الحاق افغانستان آزاد و مستقل و غیرمتعهد صورت نگرفته است.

اگر هم کدام دیوانه بی در افغانستان پیدا شود که مخالف اراده مردم افغانستان عمل کند و چنین پیشنهادی را به اتحاد شوروی بنماید اتحاد شوروی آنرا محکوم خواهد ساخت و آنرا از بیخ و بن رد خواهد مقامات رهبری حزبی ودولتی اتحاد شوروی همیشه با مقامات رهبری حزبی و دولتی افغانستان به کرات تأکید و تکرار کرده اند که افغانستان به پای خود ایستاده میشود، افغانستان یک کشور آزاد، مستقل و افغانستان یک کشور غیرمتعهد بوده است و خواهد بود.

روابط افغان شوروی روابط دوستانه و برادرانه و توأم با احترام به حاکمیت و استقلال یکدیگر است. فراموش نکنیم که این روابط بر مبنای سیاست لنینی استوار است و بنیادگذار این دوستی ولادیمیر ایلیچ لنین است که هرگز اتحاد شوروی مخالف این روابط افغان- شوروی اصلاً اندیشه بی نمی کند. گمان می کنم که کافی باشد.

سوال خبرنگار شوروی از روزنامه هیات زراعتی : لطفاً چند کلمه راجع به حل مسئله ملی در افغانستان بگویید؟

جواب:

باوصف این که در مقدمه کنفرانس مطبوعاتی راجع به حل مسئله ملی در افغانستان خاطر نشان گردید، معهدا باردیگر تکرار می شود که بعد از انقلاب ثور بخصوص مرحله نوین و تکاملی آن، حزب دموکراتیک خلق افغانستان که رهبری کننده جامعه افغانستان می باشد و همچنان دولت و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان بر حسب اصول مردمی خود و خط مشی تغییر ناپذیر سیاست داخلی خود، در راه حل مسئله ملی مبارزات سرسخت کرده و این پروسه جریان دارد که مسئله ملی در افغانستان به طرز دموکراتیک و عادلانه از بیخ و بن حل و فصل گردد. منحصت نمونه، یکی از ملیت ها و اقوام اصیل افغانستان به نام هزاره یاد میشود که قیافه مغولی دارند و این قوم در طول تاریخ افغانستان بخصوص طی صد سال اخیر در تحت بیشرمانه

ترین و وحشیانه ترین ستم ملی قرار داشت. این ها حق نداشتند که در وزارت دفاع به حیث افسر کار کنند و یا در وزارت خارجه و دستگاه حکومت به حیث عضو باشند و یا در خارج کشور به حیث نماینده سیاسی و دیپلماتیک ایفای وظیفه کنند و غیره و غیره.

لیکن امروز صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان یعنی رئیس شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان سلطانعلی کشتمند یکی از هموطنان هزاره افغانستان میباشد.

فکر می کنم که این نمونه کافی باشد.

سوال نماینده ای. پی. آن:

ارزیابی شما از فیصله نامه یی که چندی پیش از طرف هیات کمیسیون امور خارجی سنای امریکا تصویب شده است و اداره حکومت امریکا را دعوت میکند که کمک خود را به ضدانقلابیون افغانستان توسعه بدهد چیست؟ این قطعنامه در سپتمبر سال جاری در کنگره نیز مطرح شده بود.

جواب:

خوب، این همان حقیقت را ارائه میکند که ما می گوئیم جنگ اعلان نشده علیه افغانستان انقلابی از طرف امپریالیزم در رأس امپریالیزم امریکا به راه انداخته شده است چنانچه اکنون هم جریان دارد. خود همین مسئله مبین و ثابت کننده این حقیقت است که امپریالیزم امریکا و اداره ریگن و کانگرس امریکا بیشتر مانع و با وضاحت در امور داخلی افغانستان مداخله میکنند و در هر نقطه جهان منجمله در افغانستان سیاست تجاوزکارانه و جنگ افروزانانه ضد صلح را تعقیب می نمایند.

ما باید سیاست جنگ طلبانه و تسلیحاتی امریکا را از روی این نمونه ها تشخیص بدهیم که چه در شرق نزدیک، چه در شرق میانه، چه در جنگ بین ایران و عراق و چه در منطقه از مصر تا پاکستان، تعقیب میکند.

برای سیاست تجاوزکارانه در برابر افغانستان انقلابی، پاکستان را سراپا مسلح می سازد. اینها همه و همه بیانگر حقیقت سیاست ضد صلح و جنگ طلبانه امریکا میباشد. فیصله سنای امریکا خود یک نمونه مشهود و زنده از مداخله و جنگها اعلان نشده علیه افغانستان است.

سوال نماینده روزنامه بلژیک:

آیا شما دارای کدام معلومات راجع به استعمال اسلحه کیمیاوی توسط شوروی در

افغانستان میباید و مخصوصاً اخباری که در وسایل نشراتی کشورهای غربی به چاپ میرسد و آیا این اطلاعات مطابق به حقیقت است یا نه ؟

جواب: در این شک نیست که در این اواخر جهان امپریالیستی و محافل حاکمه ایالات متحده امریکا سروصدای بسیار دروغین و بیشرمانه را راجع به استعمال سلاح کیمیاوی، علیه اتحاد شوروی به راه انداخته اند.

این ناشی از کجاست؟ از لحاظ سایکالوژیکی، چون ایالات متحده امریکا خود مرتکب جنایات استعمال سلاح کیمیاوی در بعض قسمت ها بخصوص در ویتنام و جهان گردیده، حالا این مطلب به شکل یک کمپلکس تبلیغات زهر آگین علیه اتحاد شوروی استعمال میگردد.

فکر میکنم که قرارداد سال ۱۹۲۵ ژنیو بود که تا سال ۷۵ امریکا حاضر نشد در قرارداد منع سلاح ذره وی تعهد بسپرد و امضا کند. در افغانستان به صورت قطع و قطع اصلاً مسئله استعمال سلاح کیمیاوی از طرف اتحاد شوروی یا افغان ها علیه باندیت های اشرار و مزدوران اجیر شده از خارج، مطرح نیست و لیکن سلاح های کیمیاوی استعمال شده است از طرف کی؟ از طرف مزدوران اجیر امپریالیزم امریکا که به سرزمین ما صادر میگردد و در مکاتب اطفال، پسران، دختران و شاگردان را مسموم می سازند. در هرات و بعضی مناطق کشور ما آنها سلاح کیمیاوی را استعمال کرده اند گرفتار شده اند. این جنایتکاران به محاکمه سپرده شده اند و خود در محاکمه اعتراف نموده اند. بر حسب تصادف یک عکس آن نزد من هست.

سوال یکی از ژورنالیستان غربی: آقای رئیس جمهور، طبق بعضی معلومات حاصله، سی هزار عسکر شوروی از سال ۱۹۷۹ به این طرف در افغانستان از بین رفته اند، آیا شما به این سوال جواب داده میتوانید که آیا این حقیقت دارد و نظر عمومی شما در باره جنبه نظامی موجودیت قطعات نظامی اتحاد شوروی در افغانستان چگونه میباید؟

جواب :

اول سوال را با سوال پاسخ میدهم که شما این رقم را از کجا پیدا کرده اید یا همان مراجعی که تبلیغ می کنند، این رقم را چطور در افغانستان به دست آورده اند، و شمرده اند که سی هزار عسکر شوروی در افغانستان تلف شده اند؟

واقعیت امر این است که اکنون ما با غرور و سربلندی ابراز میداریم که قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان قادر است که در برابر باندیت ها، اشرار و تروریست ها مبارزه کند. قطعات محدود اتحاد شوروی که بر اساس معاهده دوستی، همکاری و همسایه گی نیک دسمبر ۱۹۷۸ افغان - شوروی، بر اساس ماده (۵۱) منشور ملل متحد که حق دفاع جمعی را به هر کشور داده است، بر اساس دعوت

حکومت قانونی افغانستان بر ضد تجاوزات و جنگ اعلان نشده که از طرف ارتجاع و امپریالیزم علیه کشور ما به نقطه اوج خود رسیده بود، صورت گرفته و این دعوت از طرف اتحاد شوروی سرانجام پذیرفته شد. باید یاددهانی کرد که تقریباً چهارده بار از طرف حکومت افغانستان بعد از انقلاب ثور بخصوص بعد از واقعه هرات در جون ۱۹۷۹ دعوت به عمل آمد که باید اتحاد شوروی کمک های اقتصادی و نظامی خود را به افغانستان ارسال دارد. مقامات رهبری حزبی و دولتی اتحاد شوروی بارها و به کرات به جانب افغانی خاطر نشان ساختند که شما خود و با قدرت خود در برابر تجاوزات باندیت ها و اشراک میارزه کنید و از انقلاب دفاع نمایید و لیکن این موضوع سرانجام منجر به این شد که حفیظ الله امین، نورمحمد تره کی فقید را به قتل برساند و قدرت را غضب کند او می خواست در تیبانی نیروهای مرتجع ضدانقلاب فراری افغانستان از جمله «حکمتیار» باهم متحدانه از قوای امریکا و کوماندوهای امریکایی دعوت به عمل آورد که به افغانستان داخل شوند بعد از آن روی این ملاحظات انجام کمک نظامی مقدور گشت.

سوال یکن از ژورنالیستان:

ارزش یابی شما از دورنمای مذاکرات افغانستان و پاکستان چطور میباشد و موقف شما در مورد دولت مستقل فلسطین که در رأس آن سازمان آزادیبخش فلسطین میباشد، چه گونه است؟

جواب: قسمت اخیر را اول پاسخ میدهم: حزب دموکراتیک خلق افغانستان وجبهه ملی پدروطن جمهوری دموکراتیک افغانستان، دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان و تمام مردم افغانستان از ابتدای امر به وجود آمدن سازمان آزادیبخش فلسطین همیشه پشتیبانی عام و تام خود را اعلام داشته اند و تا اخیر از جنبش آزادیبخش فلسطین در وجود سازمان آزادیبخش فلسطین پشتیبانی میکنند و خواهند کرد و همچنین افغانستان از ایجاد دولت مستقل فلسطینی پشتیبانی می نماید.

در باره مذاکرات نماینده جمهوری دموکراتیک افغانستان با پاکستان باید خاطر نشان ساخت و تکرار کرد که افغانستان همیشه با آغوش باز برای مذاکرات مستقیم بین افغانستان و پاکستان نه تنها حاضر و آماده است، بلکه یک سیاست سالم و سلیم و پر از انعطاف را با عقل سلیم تعقیب می نماید. برای مذاکرات مستقیم سیاسی جهت حل و فصل موضوع اطراف افغانستان در دو اعلامیه ما به صراحت تذکر داده شده است که قبلاً ابراز داشتیم اعلامیه می ۱۹۸۰ و اعلامیه اگست ۱۹۸۱ طوری که قبلاً تذکر دادم، متأسفانه پاکستان یا بگویم حکومت نظامی پاکستان از خود استقلال و تصمیم و اراده بی ندارد بدون تجویز، اشاره و اجازه ایالات متحده امریکا، نمیتواند که در این زمینه برای مذاکرات مستقیم با افغانستان انقلابی گام بردارد. اینجا منافع تسلیحاتی و سیاست جنگی امریکا مطرح است و این که باید یک بهانه علیه اتحاد شوروی و

افغانستان داشته باشد، سعی میکند که بحران اطراف افغانستان را در جهان دامن بزند. با وصف آن در نتیجه سیاست انعطاف پذیر جمهوری دموکراتیک افغانستان و مساعی سرمنشی ملل متحد نماینده آن آقای کوردوویز که به اسلام آباد و کابل آمدند، راه مذاکرات غیر مستقیم باز گردید.

ما این گام را یک آغاز خوب می‌شماریم. ما امیدواریم که این پروسه دیالوگ غیر مستقیم، سرانجام به مذاکرات مستقیم تبدیل شود. ما حوصله داریم و شتابی نداریم، زمان مسایل را حل میکند.

سوال مجله تایمز:

آیا امکان آن موجود است که از سال ۱۹۸۳ به بعد گام به گام اخراج عساکر شوروی از خاک افغانستان شروع شود و این گام در تحت چه شرایطی میسر می‌باشد؟

سوال نیوزویک:

عساکر شوروی چقدر دیر در افغانستان مانده میتوانند؟

جواب:

از این نقطه ساده ولی پر مفهوم شروع می‌کنیم: قطعات محدود نظامی اتحاد شوروی آن وقت به کشور صلحدوست خود عودت خواهند کرد که امپریالیزم امریکا تصمیم بگیرد. اما امپریالیزم امریکا آرزو ندارد و نمی‌خواهد چنانچه موانع عظیمی ایجاد میکند که قطعات محدود نظامی اتحاد شوروی به کشور صلحدوست خود عودت نمایند.

طوری‌که قبلاً گفتیم و ما اطلاعات دقیق داریم که امریکا بالای پاکستان فشار جدی وارد می‌نماید که نباید افغانستان و پاکستان بالای میز مذاکرات سیاسی باهم بنشینند و موضوعات اطراف افغانستان را حل نمایند.

واقعیت امر این است که همان فکتور و علتی که موجب دعوت قطعات نظامی اتحاد شوروی به افغانستان انقلابی شده است، تا از بین نرود، آنها هم به موافقه جمهوری دموکراتیک افغانستان، قطعات محدود اتحاد شوروی در افغانستان باقی خواهد ماند. یعنی تا وقتی که تضمینات جدی و قوی به وجود نیاید که دیگر تجاوزات و مداخلات ارتجاع و امپریالیزم علیه افغانستان صورت نمی‌گیرد یا تجاوزات به صورت کامل قطع نگردد، قطعات محدود اتحاد شوروی در افغانستان باقی خواهند بود.

توجه بفرمایید، طوری‌که به یکی از سوالهای سابق پاسخ صورت گرفت و به دستور ایالات متحده امریکا در دفاع از اشرار، از اجبران مزدور ضدانقلاب افغانستان هم اکنون بیش از هشتاد پایگاه ضدانقلاب برای پرورش و تربیت نظامی اشرار در خاک

پاکستان موجود است و هزاران نفر در آنجا تربیت می شوند که تعداد آنها تاکنون طی چندسال اخیر به بیش از صد هزار می رسد که به افغانستان صادر شده اند . تا که چنین پایگاه های تجاوز و چنین تحریکاتی از طرف ارتجاع پاکستان و امریکا موجود باشد، ما برای حفظ استقلال خود برای تمامیت ارضی کشور خود و حاکمیت ملی کشور خود حق داریم که از دوست دیرینه و تاریخی کشور خود اتحاد شوروی بزرگ کمک بخواهیم و کمک نظامی داشته باشیم.

سوال مبصر ای.دی.ان: چه ضررهایی توسط باندهای خرابکار متوجه جمهوری دموکراتیک افغانستان شده و به چه مقدار بالغ میگردد؟

جواب:

مزدوران اجیر خارجی و ضدانقلاب افغانستان با سلاحهای ثقیل، متوسط و خفیف به شمول سلاح کیمیاوی و توپ پس لگد، ده شکه، ماشیندار ثقیل و خفیف، هاوان و سلاح ها و مین های ضد پرسونل، مین های ضد تانک که در سرکها فرش می نماید و همچنان سلاحهای ضد هوایی، زمینی و انواع سلاحهای امریکایی مجهز هستند و همچنان به اصطلاح سلاح غنیمت گرفته مصر که ساخت اتحاد شوروی است نیز به اینها تحویل داده میشود و داخل افغانستان می گردد.

اینها روستاها، مزارع و کشتزارها را طعمه حریق می سازند. دهاقین را که به کار صلح آمیز بالای زمین خود مشغول اند ترور می نمایند. زنان و اطفال را اختطاف می کنند. جاده ها را مین گذاری میکنند و در نتیجه موترهای حامل افراد معصوم ملکی را که از یک منطقه به منطقه دیگر می روند منفجر می سازند. پل ها و پلچک ها را از میان می برند. آنها شفاخانه ها، مساجد و مکاتب را تخریب و منفجر می سازند و روحانیون، معلمان، کارگران و دیگر کسانی را که مدافع دولت میباشند به صورت ترور انفرادی چه در مسجد، چه در راه، چه در جاده ، همچون کانگسترها، به شهادت میرسانند. سعی میکنند سیم های برق را قطع نمایند. سعی می کنند که به بندها و زراعت و آبیاری صدمات وارد نمایند و همچنین سعی می نمایند که صنایع را فلج کنند . ضرری که به افغانستان متوجه شده به میلیاردها میرسد. از طرف دیگر این در واقعیت امر دفاع ایالات متحده امریکا و کشورهای ناتوی وابسته به آن در زیر عنوان دفاع از آزادیخواهان و مجاهدین و استقلال افغانستان و آزادی افغانستان صورت میگیرد. بالعکس دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان پل هارا میسازد. شفاخانه ها اعمار می کند . صدها شفاخانه و مکتب را به وجود می آورد. فابریکه ها را به دوران می اندازد. صدها پروژه را ایجاد میکند و به کار می اندازد. همچنین طوری که در مقدمه تذکر دادم روز به روز پایه های اجتماعی و انقلابی دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان، حزب، جبهه ملی پدروطن و انقلاب ما در سراسر کشور استحکام می یابد. علی الوصف تمام تخریب، سبوتاژ و ضررهایی که

متحمل می شویم به کمک مردم افغانستان، به کمک دوستان بین المللی خود بخصوص اتحاد شوروی بزرگی ما در راه ساختمان جامعه نوین، علی الرغم تخریب و سبوتاژ فاجعه انگیز به پیش میرویم و انقلاب ما دیگر انقلاب شکست ناپذیر شده است.

سوال خبرنگار نیویارک تایمز:

بسیاری از ادعاهای اخیر حاکی از این است که مشکلات جنگی در داخل افغانستان علیه حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان به اثبات می رساند که باید یک سازش سیاسی با شورشیان صورت گیرد. آیا این به نظر شما همین طور است و یا حکومت افغانستان کماکان اصرار میکند که با شرط قبلی که به رسمیت شناخته شود و بعد از آن حل و فصل سیاسی صورت گیرد.

جواب:

در برابر مزدوران اجیر و اشرار سیاست جمهوری دموکراتیک افغانستان کاملاً روشن است. ما کسانی که آله و افزار و وسیله کشورهای خارجی ارتجاعی و امپریالیزم هستند، هیچگاه با رهبران آنها سر سازش نداریم ولیکن تا جایی که به داخل کشور تعلق می گیرد:

تا کنون ما موفق شده ایم که باصدها باند کوچک و متوسط مذاکره کنیم. آنها ندامت میکشند و اعتراف میکنند که به کشور خود، به مردم خود مرتکب جنایت شده اند. سلاح را به زمین می گذارند و به دولت تسلیم میشوند که در آن صورت بر اساس فرمان عفو عمومی آنها به زندگی خود مانند سایر افراد کشور ادامه میدهند و حتی خود آنها از محلات خود دفاع می نمایند و علیه اشرار و باندها مبارزه می کنند. این شیوه به مفهوم سازش با اشرار و یاسران اشرار نیست، بلکه ماسعی می کنیم از راه مذاکره و جرگه، صلح و آرامش سراسری ملی خود را تأمین کنیم. افغانستان عادت ندارد که با کانگسترها سازش کند، این باید در امریکا معمول باشد.

سوال روزنامه ایزویستیا:

شایعه پخش میشود که در جمهوری دموکراتیک افغانستان اسلام در خطر است، آیا شما میتوانید بر وضعیت حقیقی دین اسلام در افغانستان روشنی بیندازید؟

جواب: طوری که قبلاً ابراز داشتم مردم افغانستان مردم زحمتکش و مسلمان اند. بعد از تأمین حاکمیت زحمتکشان، بعد از انقلاب ثور بخصوص بعد از مرحله نوین و تکاملی آن، رعایت و احترام به دین اسلام در سطح اصول اساسی تضمین گردیده است. نه تنها رعایت و احترام دین اسلام تضمین گردیده، بلکه در سطح قانون هرگاه شخصی یا گروهی ضد اسلام به تخریب، یاضد روحانیون و علما به بی احترامی می

پردازد، در پیشگاه قانون مورد مؤاخذه قرار می‌گیرد، لذا رفیق سوال کننده ما مطمئن باشند که در افغانستان اسلام محفوظ است و حفظ می‌گردد. این تبلیغات دشمنان انقلاب و جنبش‌های آزادیبخش ملی و اجتماعی این تبلیغات ارتجاع و امپریالیزم است که می‌گویند در افغانستان اسلام در خطر است. ما نباید در پی حرف دشمنان خود برویم. ما مثالی بسیار عامیانه وطنی داریم که کسی می‌گوید که بینی ات را پشک برد اول دست را به بینی ات ببر که بینی ات است یا نه، بعد از آن پشت پشک برو امروز ده ها هزار روحانی و ملا از انقلاب، از جمهوری دموکراتیک افغانستان، از حزب و جبهه ملی پدروطن دفاع می‌نمایند. برای نخستین بار در طول سیر تاریخ افغانستان ریاست عمومی شئون اسلامی افغانستان در چارچوب شورای وزیران و شورای علما و روحانیون در جبهه ملی پدروطن تأسیس گردیده فعالانه در حیات سیاسی- اجتماعی کشور شرکت می‌ورزند. به همین مناسبت ضدانقلاب که ماسک اسلام را به چهره سیاه خود زده است تا کنون بیش از صد تن از بهترین علمای روحانی ما را ترور کرده اند. صدها مسجد را منفجر نموده‌اند. حتی کتاب آسمانی یعنی قرآن را مورد حریق قرار داده اند. لیکن حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حکومت از منافع و مصالح روحانیون و علما و دین اسلام دفاع کرده و می‌نمایند.

سوال نماینده مجله پولی نگلی از یوگوسلاویا:

آیا شما فکر می‌کنید که در آینده نزدیک مردم افغانستان به یک موافقه ملی یا مصالحه ملی برسند، و خود مردم افغانستان از تغییرات و تحولات داخلی که بعد از انقلاب به وجود آمده، دفاع کنند؟

سوال نماینده ای. بی. سی نیوز یوگوسلاویا: آیا شما به قدرت می‌مانید؟ آیا مسئله افغانستان را به طور دایمی حل کرده می‌توانید؟

جواب:

در قسمت به اصطلاح مصالحه ملی باید خاطر نشان ساخت که در افغانستان مصالحه ملی در داخل کشور مطرح نیست. در افغانستان یک انقلاب ملی و دموکراتیک در اپریل ۱۹۷۸ رخ داد که مورد پشتیبانی عام و تام و قاطع مردم افغانستان و جهان مترقی و اغلب کشورهای قرار گرفت. این سوال کننده که خود از یوگوسلاویاست و پروسه انقلاب را گذرانده اند، این قانونمندی انقلاب یا قانون اساسی انقلاب را باید دانسته باشند که بعد از هر یک انقلاب اجتماعی، ملی و طبقاتی، نیروهای ضدانقلاب از لحاظ داخلی، منطقه‌وی و بین‌المللی به وجود می‌آید لذا در افغانستان اکنون طی دو سه سال تحولات اخیر، طوری که قبلاً تذکر دادم پایه‌های اجتماعی انقلاب در اعماق توده‌های مردم بسط و توسعه و استحکام پیدا می‌کند و پیدا کرده است. لذا در افغانستان به موازات مبارزه علیه اشرار و ضدانقلاب صادر شده از خارج، خود مردم افغانستان تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان و به کمک دولت

جمهوری دموکراتیک افغانستان پروسه انقلاب را پروسه تغییرات و تحولات را پیگیرانه، دایمی، دوامدار، استوار و گام به گام به پیش می برند.

اینجا سوال شده که هر گاه این جانب در قدرت باشم ثبات را در کشور تأمین کرده میتوانم یا نه؟ اصلاً بر اساس اصول ایدئولوژیک ما چنین سوالی مطرح شده نمی تواند چه اینجانب مثل فلان به همان حاکم نظامی در اثر یک توطئه و کودتای ارتجاعی و امپریالیستی روی کار نیامده ام.

اینجا یک حزب بود، یک حزب است و یک حزب خواهد بود. تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان، انقلابی صورت گرفت. تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان و به کمک قوای مسلح افغانستان به اساس اراده دیرینه تاریخی و خواست و اراده مردم افغانستان انقلاب صورت گرفت و اکنون در افغانستان یک نظام جمهوری دموکراتیک مستقر است. حاکمیت زحمتکشان در افغانستان مستقر و مستحکم است و در آنجا اساس دموکراتیک رهبری دسته جمعی حکومت می شود که عبارت از شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان، هیات رئیسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان و در رأس آن کمیته مرکزی حزب، بیروی سیاسی و دارالانشأ قرار دارد. در کشور ما رهبری دسته جمعی است. این به اراده این یا آن فریاد این جانب تعلق نمی گیرد. من از خط مشی حزب و دولت و اراده مردم افغانستان اطاعت می کنم لذا خود مردم افغانستان، حزب، سازمانهای اجتماعی در یک جبهه ملی پدروطن ثبات را در افغانستان تأمین نموده، پروسه آن را طی می کند و اکنون اثبات نسبی به وجود آمده است و به صورت قطع ثبات را خود مردم افغانستان تحت رهبری حزب به وجود می آورند.

چنین پاسخ داده میشود، حزب دموکراتیک خلق افغانستان که دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان را رهبری می نماید به حیث یک نیروی زنده، دینامیک، ارگانیک و واقعی و به حیث یک حقیقت سرسخت در افغانستان وجود دارد. در رسم و تیپ انقلابیون مترقی که مسلح با ایدئولوژی زحمتکشان اند به مثابه انقلابیون اصیل با احساس مسؤلیت تاریخی در پیشگاه مردم و وطن خود در برابر حزب و دولت خود یک گام از راه انقلابی که اتخاذ کرده به عقب نمی روند، بلکه به اساس خط مشی حزب خود و اراده مردم خود وظایف انقلابی خود را ایفا می کنند.

سوال:

سوال خبرنگار در مجله چکوسلواکیا ملادوفونت و سمیره: آیا شما مثالها آورده می توانید، که جوانان افغانستان در اعمار جمهوری نوین چه کمک می کنند؟

جواب:

جوانان در هر کشور، مردان آینده کشور اند و همچنین در وضع موجود و چه برای آینده، جوانان در واقعیت امر سازنده گان کشور می باشند و سازنده گان جامعه نوین در افغانستان جوانان در تحت رهبری سازمان مومکراتیک جوانان افغانستان، متشکل اند. اکنون تعداد اعضای سازمان مومکراتیک جوانان افغانستان به تقریباً صد هزار نفر میرسد. جوانان از یک طرف دانش و درس می آموزند درس می گیرند و از جانب دیگر در سنگرها علیه قطاع الطریقان، دزدان و تروریست ها می رزمند و از فابریکه ها، صنایع، از مزارع، از پروژه های آبیاری از مکاتب، مناطق حیاتی اقتصادی، مسلحانه دفاع می نمایند و از طرف دیگر خود داوطلبانه در فابریکه ها و مزارع یکجا با کارگران و دهقانان و سایر زحمتکشان خلاقانه کار می نمایند. با ابراز تشکر از خانم ها و آقایان ژورنالیست ها، رفقا و دوستان دیگر به تاکید خاطر نشان می نمایم که پروسه انقلاب افغانستان با اصولیت و متانت، با احساس انسانی و بشردوستی و با میتود و شیوه های مومکراتیک گام به گام به پیش میرود و انقلاب ما شکست ناپذیر است. چون مردم افغانستان از انقلاب ملی و دموکراتیک خود همه جانبه دفاع می نمایند و هم افغانستان تنها نیست، دوستان ما، کشورهای سوسیالیستی در رأس دوست بزرگی ما اتحاد شوروی و تمام نیروهای مترقی صلحدوست جهان، جنبش های آزادیبخش ملی و اجتماعی، جنبش های کارگری، نیروهای صلحدوست و همچنین کشورهای مترقی و پیشقدم و دوستان بسیار صمیمی و تاریخی چون هندوستان کشورهای مترقی عربی، افریقا، امریکای لاتین، آسیایی، با ما و با انقلاب ما هستند لذا انقلاب ما شکست ناپذیر است.

بگذار، امپریالیست ها با همانقدر نبوغ شیطانی که در تبلیغات دروغین و زهرآگین دارند، علیه انقلاب افغانستان، علیه دوستی خدشه ناپذیر جاودان و برادران اتحاد شوروی و افغانستان و دیگر کشورهای دوست تلاش کنند. بگذار آنها تبلیغ زهرآگین کنند. ما استوار راه خود را، راه اصولی خود را تعقیب می نمایم.

تاریخ اتحاد شوروی، تقویم کا رنامه های بزرگ و پرشکوه و شاهد روشن نیروی حیاتی و پیروزی سیاست لنینی ج. ک. ا ش است

بیانیه به مناسبت شصتمین سالگرد تأسیس دولت شوروی، کرملین

اول جدی ۱۳۶۱

رفقا و دوستان گرامی!

برای ما جای افتخار است که در این روزهای پر جلال در کشور شوراها همراه با مردم کبیرشوروی هستیم. شصتمین سالگرد ایجاد اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی را مردمان کشورهای برادر و دوست، مردمان کشورهای از بند رسته و همه بشریت مترقی، به پیمانہ وسیع و پرشکوه تجلیل مینمایند. این سالگرد در وطن ما در سراسر افغانستان انقلابی نیز تجلیل میگردد. در مرکز، ولایات و ولسوالی های کشورما، کارگران و دهقانان و همه اقشار زحمتکش و وطنپرست نسبت به حادثه عظیم تاریخی یعنی تأسیس نخستین دولت طراز نوین و عالی کثیر الملت و واحد زحمتکشان در تاریخ، که آرزو های دیرین بشریت در باره آزادی، برابری، برادری و سعادت را تحقق بخشیده، ادای احترام میکنند.

اجازه دهید، به نماینده گی از کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، شورای انقلابی و شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان و از جانب همه زحمتکشان کشور کثیر الملت و از جانب خود به مناسبت شصتمین سالگرد تأسیس اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، تبریکات قلبی مملو از صمیمانه ترین و عمیقترین احساسات دوستی و همبستگی را ابراز بدارم و به حزب کمونیست اتحاد شوروی، شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، شورای وزیران اتحاد جماهیر شوروی و به همه مردم کبیر قهرمان شوروی درودهای گرم و برادرانه را برسانم.

حزب بلشویک تحت رهبری لنین بزرگ در ادامه امر اکتوبر کبیر شصت سال قبل از امروزسنگ بنای اتحاد خلل ناپذیر خلق های برادر و آزادی را که در سرزمین خویش حاکمیت شوراها را برقرار ساخته بودند، گذاشت. در آن هنگام وضع اتحاد شوروی سهل و ساده نبود. اما اندیشه های کبیر لنینی در مورد خانواده خلق های زحمتکش که روی هدف عالی اعمار جامعه سوسیالیستی متحد شده اند، مردم شوروی را الهام بخشیده، امکان داد تا در کوتاه ترین مدت زمان تاریخی که در سیاره ماسابقه نداشت، به موفقیت معمای عظیم الشان در همه عرصه های زنده گی

نایل آیند. در تمام سیرتاریخ بشریت تأسیس نظام طراز نوین اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی تشکل و اتحاد نیرومند و خرابین بیش از یکصد ملت و قوم یکی از اکتشافات خلاق لنینی در حل مسئله فوق العاده بفرنج و مشکل در جهان یعنی مسئله ملی میباشد. تاریخ اتحاد شوروی تقویم کارنامه های بزرگی، پرشکوه و شاهد روشن نیروی حیاتی و پیروزی سیاست لنینی حزب کمونیست اتحاد شوروی است. ما میدانیم که مردم شوروی بر مبنای قوانین تساوی کامل حقوق برادری و دوستی خلق ها و توجه و مواظبت از شگوفانی وطن واحد سوسیالیستی خویش با اطمینان جاودانی زنده گی مینمایند.

کارنامه های مردم شوروی مثال الهامبخش برای همه مال و خلقهای جهان است.
رفقای گرامی!

اتحاد شوروی تکیه گاه استوار و نیرومند برای همه مال و خلقهایی است که به خاطر استقلال، آزادی و ترقی اجتماعی و اقتصادی به نفع زحمتکشان مبارزه میکنند. مظهر درخشان این گفتار کمک برادرانه و انترناسیونالیستی اتحاد شوروی به جمهوری دموکراتیک افغانستان است.

بعد از پیروزی انقلاب ملی و دموکراتیک در افغانستان در اپریل ۱۹۷۸ مناسبات بین کشورهای ما به سطح دوستی و برادرانه، همکاری همه جانبه و همبستگی انقلابی انترناسیونالیستی ارتقا یافت. هنگامی که نیروهای امپریالیزم و ارتجاع جنگ اعلان نشده را علیه مردم افغانستان و انقلاب آن به راه انداختند، اتحاد شوروی قاطعانه در پشتیبانی از استقلال و آزادی افغانستان در دفاع از حق آن برای انتخاب آزادانه راه رشد قرار گرفت. اکنون مردم قهرمان افغانستان به مبارزه خود به خاطر آینده روشن و تابناک ادامه میدهند. آزمایش دشواری نصیب ما شده است. ما مجبوریم هم پیکار کنیم و هم حیات نوین را اعمار نماییم. در این مبارزه، حزب دموکراتیک خلق افغانستان از لحاظ سیاسی و سازمانی، استحکام می پذیرد، صفوف آن رشد می یابد و ارتباط آن با توده ها هرچه محکمتر میگردد.

مردم ما تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان همه دشواری ها و آزمایش هارا پشت سر گذاشته به طور قطع پیروز خواهند شد.

ما به این امر اعتقاد راسخ داریم زیرا ما دوستان مطمئن داریم، زیرا ما اتحاد شوروی بزرگ را با خود داریم. جمهوری دموکراتیک افغانستان در برابر مشی ضد انسانی نیروهای امپریالیستی و دستیاران آن در جهت تشدید تنشج بین المللی سیاست شرافتمندانه صلح، همسایه گی نیک و حسن نیت و عقل سلیم را قرار داده است. در رابطه با منطقه باید گفت که زمان با وضاحت تمام انعطاف پذیری و سازنده بودن پیشنهادهای ما را در مورد حل و فصل سیاسی اوضاع اطراف افغانستان نشان داد.

هیچ پروبلمی وجود ندارد که از طریق صلح آمیز و به وسیله مذاکرات حل نگردد. ما از حل و فصل شرافتمندانه، واقعینانه و عادلانه طرفداری می نماییم، چنین است موقف اصولی ما. چندی قبل رفیق یوری ولادیمیریویچ اندروپوف منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در پلینوم ماه نوامبر کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی اظهار داشتند که همبستگی با خلق هایی که از استقلال خویش دفاع مینمایند یکی از اصول بنیادی سیاست خارجی اتحاد شوروی بوده و باقی میماند.

این سخنان به ما الهام می بخشد و در مبارزه به خاطر به سر رسانیدن سرکوبی نیروهای ضدانقلاب و ارتجاع، به خاطر تحقق برنامه تحولات بنیادی، اجتماعی و اقتصادی به نفع خلق های زحمتکش افغانستان و ساختمان جامعه نوین که در آن استثمار فرد از فرد محو خواهد شد نیرو و قوت شکست ناپذیر میدهد. می خواهم از این تربیون عالی صمیمانه ترین سپاسگزاری و امتنان قلبی را به حزب کمونیست پرافتخار اتحاد شوروی، حزب لنین، حکومت شوروی و مردمان شوروی به خاطر کم و پشتیبانی همه جانبه و کمک اقتصادی بزرگ شان ابراز نمایم. ما هیچگاه این مظهر درخشان همبستگی واقعی انترناسیونالیستی را فراموش نخواهیم کرد

فرخنده باد شصتمین سالگرد تأسیس اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، این نخستین دولت کثیرالملت و احد زحمتکشان در جهان!

زنده باد دوستی خلل ناپذیر برادرانه میان خلق های افغانستان و اتحاد شوروی!

بگذار دوستی، همبستگی و همکاری میان خلق های سراسر جهان استحکام یابد.

زنده باد صلح، آزادی و ترقی اجتماعی!

برافراشته باد درفش گلگون انترناسیونالیزم پرولتری که اتحاد شوروی عالیترین مظهر تحقق آن است!

جمهوری دموکراتیک افغانستان

قدرت آنرا دارد که از دستاوردهای انقلاب ثور علی الرغم افزایش مداخلات

ارتجاع و امپریالیزم قاطعانه دفاع نماید

مصاحبه با خبرنگار روزنامه «پاتریات» هند

دلو ۱۳۶۱

سوال:

به اساس گزارشهای اخیر، سه گروه اشرار حرکت اسلامی، جهاد اسلامی و محاذ اسلامی که علیه حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان فعالیت میکنند، از حل صلح آمیز مسئله جانبداری می کنند، آیا این نشانه آن نیست که حداقل بخشی از اشرار اعتقاد شانرا نسبت به حل نظامی از دست میدهند؟ در این زمینه شما چگونه تصمیم اخیر سنای ایالات متحده امریکا را در ارتباط با افزایش کمک نظامی به شورشیان ارزشیابی میکنید؟

پروسه انقلابی در کشور ما پیروزمندانه رشد می یابد و دستاوردهای مهمی را به سود همه زحمتکشان افغانستان به بار می آورد. مشخصات عمده مرحله کنونی رشد پروسه انقلابی در جمهوری دموکراتیک افغانستان عبارت است از درهم شکستن مقاومت های عمده دشمنان انقلاب و مردم، نابودی مراکز اساسی ضدانقلابی، تضعیف روحیه ضدانقلاب مسلح در مقابل قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان ومدافعین انقلاب، پیوستن هرچه گسترده تر افراد فریبخورده به دولت انقلابی، روی آوری کتله های وسیع مردم به آغوش نظام نوین، تحکیم پایه های اقتصاد ملی ونظم نوین ملی ودموکراتیک ، احیا وتقویت اعتماد مردم به حزب و دولت، تأمین سهمگیری توده ها در زنده گی سیاسی و اجتماعی و تعمیل قانونیت دموکراتیک در کلیه عرصه های زنده گی اجتماعی . من فکر میکنم که اگر هر کسی عاقلانه بیندیشد می تواند حقیقت انکار ناپذیر رشد پیروزمندانه انقلاب ما را درک نماید. تجربه بخصوصی سه سال اخیر انقلاب ما علی الرغم دشواری های آن نشان داد که تنها راه حل مسایل اطراف افغانستان عبارت از حل صلح آمیز آن در پرتو پیشنهادهای صلحجویانه حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان وسیاست اصولی

مادرین زمینه. این واقعیتی است که همه گان، بخصوص همسایه گان جمهوری دموکراتیک، افغانستان باید آن را بدانند.

بر پایه همین واقعیت است که اشرار و افرادی که فریب دشمنان انقلاب را خورده اند روزتاروز به گفته شما، اعتقاد شانرا نسبت به ادامه تلاشهای مسلحانه علیه قدرت انقلابی در کشور ما از دست میدهند. بر علاوه حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان فرمان عفو عمومی را در مورد آن افرادی که فریب دشمنان را خورده و علیه دولت انقلابی به فعالیت های خصمانه پرداخته اند، صادر نموده که نقش مهمی را در عرصه پیوستن آنان به آغوش نظام انقلابی ایفا مینماید. ما در این زمینه نمونه های مهمی در اختیار داریم و می توان از آخرین مثالهای عمده، یعنی پیوستن دو هزار و پنجصد نفر از افراد فریبخورده در میربچه کوت، پیوستن هزاران تن از این افراد در دره صوف، هرات، بلخ، ننگرهار، پکتیا و غیره، اعلام آماده گی ریش سفیدان سپین بولدک جهت تسلیح ده هزار جوان به کمک دولت به خاطر دفاع از سرحدات مربوطه و غیره یاد آوری کرد. به طور مجموعی بیست و یک هزار تن از افراد فریبخورده که قبلاً به فعالیت ضدانقلابی می پرداختند، همراه با مقادیر بزرگی سلاحهای مختلف النوع خودرا به مقامات دولتی تسلیم نموده اند. ارزشیابی ما در این زمینه عمدتاً متکی بر دو نکته میباشد

یکی اینکه سیاست انسان دوستانه انعطاف پذیر ما بعد از ششم جدی ۱۳۵۸ نتایج منطقی خودرا به بار آورده و دیگر اینکه در نتیجه توسعه پشتیبانی توده ها از سیاست انسان دوستانه ما باعث تقویت نیروی لازمی انقلاب و در نتیجه تضعیف دشمن گردیده است. ما یقین داریم که امروز دیگر افسانه های رنگین جلوگیری از پروسه انقلابی و به قدرت رسیدن باندهای ضدانقلابی در کشور مارنگ و رخ خودرا بیشتر از پیش باخته و کمتر خریدار دارد. رهبران باندهای ضدانقلابی قادر نیستند دیگر به این بهانه ها آنعده مردم فریب خورده ما را که در دور و پیش آنها قرار دارند، امیدوار نگه دارند.

در زمینه پرسش شما در مورد تصویب اخیر مجلس سنای ایالات متحده امریکا مبنی بر تشدید کمک ها به ضدانقلاب افغانستان می خواهم تصریح نمایم که افغانستان از آغاز دهه پنجاه آماج توطئه ها، دسایس و مداخلات امپریالیزم قرار گرفت. تلاش امپریالیزم در این جهت متمرکز بود تا افغانستان را از مسیر غیرمنسلك منحرف گردانیده و آنرا به بلاکهای تجاوزگر نظامی بکشاند. این مداخله امپریالیزم امریکا در امور داخلی جمهوری دموکراتیک افغانستان درست از زمانی وارد مرحله فعال و جدیدی گردید که انقلاب ثور به پیروزی رسید و منافع طبقات حاکم، ستمگر را در کشور ما مورد ضربت قطعی قرار داد. امپریالیزم در آغاز کوشید با ترکیب تجاوز خارجی و منفجر ساختن درونی انقلاب و به بیراهه کشاندن آن، مانع انجام تحولات عمیق بنیادی در کشور ما گردد. امپریالیزم در رأس امپریالیزم ایالات متحده در

چار چوب استراتیژیک مقابله با انقلاب افغانستان مدت هاست که ضدانقلاب افغانستان را تسلیح، اكمال و تربیه نموده تحت نظر مریبان خاص به کشور ما صادر مینماید. امپریالیزم جنایتکار ایالات متحده سهم اساسی را در زمینه مداخله در امور داخلی جمهوری دموکراتیک افغانستان داشته است. عمده ترین بخش کمک ها به ضدانقلاب افغانستان همواره از جانب ایالات متحده امریکا تأمین شده است. فیصله اخیر مجلس سنا بیانگر تشدید سیاست تجاوزکارانه اداره ریگن و تبدیل سیاست رهبری ضدانقلاب افغانستان توسط امریکا به سطح سیاست دولتی آنکشور و برداشتن آخرین پرده ها از روی نیات تجاوزکارانه و اشنگتن در قبال انقلاب و مردم ما میباشد. این امر به معنی آنست که اداره ریگن میخواهد جنگ اعلان ناشده علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان را علناً ادامه دهد و سیاست ضد انسانی، ضد بشری و ضد صلح را در منطقه ابعاد وسیعتری بخشد.

فیصله مجلس سنای ایالات متحده با منافع مردم افغانستان، با منافع خلقهای منطقه و امر صلح در منطقه و جهان مغایرت دارد. مردم در حالیکه میخواهند دست های مداخله گران از کشور انقلابی ما کوتاه گردد، عمیقاً اعتقاد دارند که انقلاب افغانستان بر گشت ناپذیر است و از میان همه دشواری ها راه خود را به پیش هرچه بیشتر خواهد گشود.

سوال:

با تصمیم اخیر سنای ایالات متحده امریکا تشنج در افغانستان و اطراف افغانستان میتواند بیشتر تسریع گردد و این امر میتواند نفوذ قابل ملاحظه بر ادامه موجودیت عساکر اتحاد شوروی در افغانستان بگذارد. اما در عین زمان موجودیت عساکر اتحاد شوروی در افغانستان مستقیماً با اکتساب قدرت کافی جمهوری دموکراتیک افغانستان ارتباط دارد که آنرا قادر خواهد کرد تا از کشور و دستاوردهای انقلاب ثور بدون موجودیت فزیزی عساکر اتحاد شوروی دفاع کند. آیا حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان تا کدام حد در جهت این هدف پیش رفته و دورنمای حداقل رجعت مرحله یی عساکر شوروی در آینده نزدیک چیست؟

جواب: تصمیم مجلس سنای ایالات متحده امریکا به تاریخ نهم میزان ۱۳۶۱ توسط «بال سنگر» عضو مجلس سنا در فاصله نسبتاً زمانی با یکی از پیروزی های بزرگ اردوی قهرمان و نیروهای امنیتی جمهوری دموکراتیک افغانستان در یکی از مناطقی که دشمن آنرا دژ شکست ناپذیر میدانست، اعلام گردید که این خود به نظر ما بازتاب مستقیم شکست نمایی است که عناصر فروخته شده امپریالیزم جهانی، ارتجاع بین المللی و هژمونیزم از جانب نیروهای توانمند مردم افغانستان متحمل میشوند. در همه موارد این تصادفی نیست که وقتی ضدانقلاب ضربتی هولناکی میخورد، فریاد آن از اشنگتن یا مراکز دیگر بلند میشود. ما این فیصله را در عین حال اذعان غیر مستقیم

مراکز امپریالیزم جهانی میدانیم که باگذشت بیش از چار سال نتوانستند با به اصطلاح کمک های دزدانه خود ضدانقلاب را در برابر سیلاب خروشان انقلابی روی پایش نگه دارند و اعترافی تلقی میکنیم که امپریالیست ها موفق نشدند پوششی را که روی مداخلات صریح خود در امور داخلی افغانستان گسترده بودند، در برابر تندبادی از اقتضای و رسوایی بین المللی به جایش نگه دارند.

امپریالیزم جهانی در رأس امپریالیزم امریکا این همه نقاب ها را از چهره کریه مداخلات و قیحانه در امور داخلی ما به دور کرده است و به نظر ما این تصمیم یک پیامد طبیعی تثبیت روزافزون وضع در داخل کشور ما و ثبات استقرار و تحکیم حاکمیت دولتی در دور افتاده ترین نقاط قلمرو جمهوری دموکراتیک افغانستان می باشد.

ما بارها گفته ایم که وظیفه مبارزه و جنگ رویاری با ضدانقلاب داخلی کاملاً به دوش توانای اردوی مسلح، نیروهای امنیتی و مدافعین راستین انقلابی و در حساب کمی مردم آزاده و قهرمان ماست و قطعات محدود نظامی اتحاد شوروی که بر اساس درخواست حکومت قانونی جمهوری دموکراتیک افغانستان و مطابقت بق معاهده دوستی، همکاری و حسن همجواری منعقد پنجم دسامبر ۱۹۷۸ و طبق ماده (۵۱) منشور ملل متحد بر اساس وظیفه انترناسیونالیستی خود به کشور ما آمده اند، صرف یک نیروی ذخیره و ضمانت محکمی است در مجادله فعلی ما با تجاوزات پی در پی از خارج و هم در برابر نقشه های خطرناک آتش افروزان امپریالیستی و متحدین آنها که میخواستند و تا هنوز می خواهند که تمامی منطقه آسیای جنوبی و نیم قاره را در آتش يك جنگی منطقه وی و احتمالاً برخورد وسیعتر از ابعاد منطقه وی بسوزانند.

بنابراین به جواب سوال شما باید گفت که نقش اردوی قهرمان و نیروهای امنیتی افغانستان که عبارت از تحکیم حاکمیت دولتی، مبارزه با اشرار، دفاع از دستاوردهای انقلاب خلق ماست، با نقش قطعات محدود نظامی دوست بزرگی ما اتحاد شوروی که یک نیروی ذخیره و ضمانت کننده حفظ حاکمیت ملی و استقلال و آزادی کشور ما از هرگونه تجاوز نظامی نیروهای امپریالیستی و حافظ صلح و ثبات منطقه وی است، فرق دارد. موجودیت سربازان اتحاد شوروی آن طوری که در سوال مطرح شده است با اکتساب قدرت کافی جمهوری دموکراتیک افغانستان رابطه ندارد. جمهوری دموکراتیک افغانستان امروز قدرت آنرا دارد که از انقلاب و دستاوردهای انقلابی آن علی الرغم افزایش کمک های مداخله گرانه امپریالیزم، ارتجاع و هژمونیزم قاطعانه و مؤثرانه دفاع نماید.

قطعات محدود نظامی اتحاد شوروی در جمهوری دموکراتیک افغانستان بر اساس فکتورها و دلایل دیگری دعوت شده اند و تاحال وجود دارند و تا زمانی در کشور ما

باقی خواهند ماند که عواملی که موجب درخواست ما برای این کمک انترناسیونالیستی گردیده، باقی باشد.

ما در پیشنهادهای مورخ چهارده می ۱۹۸۰ و بیست و چهار اگست ۱۹۸۱ خود صریحاً برنامه وسیع و مشخص حل و فصل قضایای اطراف افغانستان را اعلان کردیم و گفتیم که حاضریم در مذاکرات صلح آمیز با کشورهای همجوار خود پاکستان و ایران این مسایل را مطرح نموده و در صورت حصول تضمینات بین المللی مبنی بر عدم تکرار تجاوزات و مداخلات با جوانب ذیدخل، جدول عودت قطعات محدود نظامی اتحاد شوروی را به سرزمین صلح آمیز شان ترتیب بدهیم ولی شما می بینید که این امپریالیستها اند که نمی خواهند در چارچوب یک حل همه جانبه مذاکرات دو همه جانبه عواملی که منجر به دعوت قطعات محدود نظامی اتحاد شوروی به افغانستان شده، از بین برود. فیصله جون سال گذشته مجلس سنای ایالات متحده امریکا یکی از نشانه های واضح این نیت آتش افروزانه آنهاست که به عوض آنکه در فکر چاره یی برای ختم تشنج در گوشه یی از جهان باشند، به تاسی از خصلت ماجراجویانه خود متوجه آن هستند تا چگونه پهنای بی ثباتی و تشنج را گسترش بخشند. بنابر آن دورنمای رجعت مرحله یی عساکر اتحاد شوروی را باید از دریچه نیات آنها دید نه ازین زاویه که ما چه قدرتی در دفاع از دستاوردهای انقلاب خود کسب کرده ایم که یک امر بلامنازع است. انطوری که در بیانیه در شهر هرات نیز گفتیم تا جایی که مربوط به ماست، ما نیمه راه خود را در جاده صلح رفته ایم، فعالیت سیاست اصولی خارجی مادر زمینه مبین موضع ماست. دروازه مذاکرات را باز میگذاریم و راه مقابله را مردود میدانیم.

سوال:

زمان که من در چارم فیروزی ۱۹۸۰ با شما مصاحبه کردم شما به نیت حکومت خود مبنی بر آغاز پروسه آشتی ملی تأکید نمودید، آیا چه پیشرفت های در این زمینه انجام یافته است، و تا کدام اندازه حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان پایه های پشتیبانی خویش را از ۱۹۸۰ به این طرف توسعه داده است؟

جواب:

مسئله تأمین صلح سراسری ملی یکی از مهمترین جهات سیاست داخلی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان را تشکیل میدهد. اکنون مسئله تأمین صلح سراسری در سرلوحه وظایف کلیه ارگانهای حزبی و دولتی در سرتاسر کشور قرار دارد.

ما صلح پایدار سراسری ملی و همه گانی را برای ایجاد فضای آرامش کامل برای آنکه هموطنان ما بتوانند آزادانه به نفع جامعه و وطن خدمت نمایند، برای آنکه دیگر

مردم ما همه مشکلات و مسایل شانرا از طریق همکاری و تفاهم، نه از طریق استفاده از سلاح حل نمایند، مطرح نموده ایم که مورد استقبال اکثریت مطلق هموطنان ما قرار گرفته است. مسئله تأمین صلح سراسری ملی یک شعار تبلیغی سیاسی محض نبوده، بلکه یکی از ضروریات اجتناب ناپذیرجا معه ما را تشکیل میدهد. این مسئله با اهداف انسان دوستانه و صلحجویانه حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان نیز مطابقت کامل دارد.

در این زمینه فاکت های روشن و انکار ناپذیر وجود دارد که به خوبی نمایانگر اعتماد واقعی مردم به حقانیت سیاسی حزب و دولت میباشد. مدتی است که در دوردست ترین نقاط کشور ما جرگه های مشورتی محلی، این عنعنه مثبت پذیرفته شده جامعه با محتوای نوین به خاطر مسایل از طریق مباحثه و مفاهمه و اعاده نظم و آرامش در کشور به عامل نیرومندی در راه تحکیم روند صلح سراسری ملی مبدل گردیده است. طبق آمارهای ابتدایی، تنها در ظرف سه سال اخیر بیش از چارصد جرگه محلی در تمام مناطق کشور به اشتراك نماینده گان حزبی و دولتی مشتمل بر جرگه های اقوام پشتون، تاجیک، هزاره، ازبک، ترکمن، نورستانی، پشه یی و غیره دایر گردیده که طی آنها اقوام مختلف کشور حمایت و پشتیبانی شانرا از اهداف انقلاب و حزب دموکراتیک خلق افغانستان اعلان نموده اند. در نتیجه رشد موففانه پروسه صلح سراسری ملی و تطبیق دگرگونی های انقلابی پایه های اجتماعی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان وسیع گسترش کسب نموده است. فعلا در کشور ما هزاران تن از زحمتکشان افغانستان تحت درفش واحد ملی در جبهه ملی پدروطن جمهوری دموکراتیک افغانستان متحد گردیده اند. جبهه ملی پدروطن جمهوری دموکراتیک افغانستان به مثابه تکیه گاه قدرت حاکمه انقلابی نیروهای وسیعی مشتمل بر اتحادیه های صنفی جمهوری دموکراتیک افغانستان با بیش از یکصدو شصت هزار عضو، کوپراتیف های دهقانی با بیش از یکصدو چهل هزار عضو، سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان با نودهزار عضو، سازمان دموکراتیک زنان افغانستان با بیش از چهارده هزار عضو و هزاران تن از اعضای اتحادیه های روشنفکران مبتکر مشتمل بر اتحادیه نویسنده گان و شعرا، اتحادیه هنرمندان، اتحادیه ژورنالیستان، شورای علما و روحانیون و اتحادیه های تاجران ملی و وطنپرست، جرگه ها و دیگر سازمان ها و افراد را تحت رهبری احتوا مینماید و می خواهم با صراحت ابراز نمایم که سهمگیری افشار وسیع زحمتکشان در زنده گی سیاسی و اجتماعی و در روند تحولات انقلابی در طول تاریخ کشور ما بیسابقه است. دولت های گذشته افغانستان بنابر ماهیت ضد مردمی و همه جانبه شان، دارای حداقل نفوذ میان مردم نبوده اند و به اتکای سیاست ضربه شمشیر، عمل کرده اند. اما امروز مردم زحمتکش ما بنابر ماهیت اصولی و مردمی سیاست حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان در شرایط دشوار ناشی از

جنگ اعلان نشده ارتجاع و امپریالیزم سرنوشت خود را با سرنوشت انقلاب پیوند می‌دهند و از آرمان‌های انقلاب قاطعانه دفاع مینمایند.

سوال:

شما چگونه مذاکرات ژنیو بین افغانستان و پاکستان را با موجودیت نماینده سازمان ملل متحد ارزیابی می‌کنید؟ شما برای مدت طولانی مذاکرات مستقیم با پاکستان را ربحان میدادید در حالیکه کشور اخیرالذکر با چنین مذاکرات مخالف است. آیا امیدوارند که پیشرفت‌های محسوس در جهت دایر کردن مذاکرات مستقیم سیاسی بین افغانستان و پاکستان به دست آید؟

جواب:

مذاکرات ژنیو بین جمهوری دموکراتیک افغانستان و پاکستان از طریق نماینده سرمنشی سازمان ملل متحد آقای دیگو کوردوویز که در جون ۱۹۸۲ صورت گرفت مطابق آرزوی ما بود. چنانکه همه میدانند جمهوری دموکراتیک افغانستان با پیروی از سیاست صلحجویانه خود همیشه طرفدار آن بوده که اختلافات بین افغانستان و همسایه‌گانش از طریق مذاکره و به صورت مسالمت آمیز حل گردد. از این رو طی پیشنهادهای مورخ چهارده می ۱۹۸۰ و بیست و چهار اگست ۱۹۸۱ ما از پاکستان و ایران خواستیم که به مذاکرات مستقیم با ما بنشینند تا برای رفع اختلافات راه حل سیاسی مناسب دریا بیم.

این مذاکرات که طی آن هیات نماینده‌گی ما از خود انعطاف‌پذیری لازم نشان داده، به نظر ما مفید و سازنده بوده میتوان آنرا قدمی به پیش خواند. باید گفت که ما در هر موقع طرفدار مذاکرات مستقیم بوده و هستیم چه به نظر ما این نوع مذاکرات بیشتر جدی و مؤثر بوده از این طریق می‌توان زودتر به نتیجه رسید. ما امیدواریم که نماینده سرمنشی ملل متحد در اثر مساعی اش بتواند زمینه را برای مذاکرات مستقیم کشورهای ذینفع آماده سازد. هر گاه جوانب دیگر مذاکره با واقعینی و حسن نیت لازم برای یافتن راه حل سیاسی موضوع از خود آماده‌گی نشان دهند، میتوان اظهار امید کرد که مذاکرات مستقیم و جدی اثرات ثمر بخش و مثبت را به بار خواهد آورد.

سوال:

اندازه مداخله خارجی علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان تاچه حد است آیا این درست است که شورشیان توسط مشاورین اسرائیلی آموزش می‌بینند؟ آیا در این اواخر پشتیبانی مادی چین به شورشیان تغییر نموده است؟

در جواب سوال شما به صورت مؤجز و فورمولبندی شده باید تذکر دهم که حدود پیمانانه کمک‌های نظامی، پولی و مالی ایالات متحده امریکا در رهبری ارتجاع بین

المللی، در جنگ اعلان ناشد؛ این قدرتهای شیطانی علیه کشور ما جمهوری دموکراتیک افغانستان ابعاد وسیعی کسب نموده است، کفایت به آخرین بیانیه رونالد ریگن رئیس جمهور ایالات متحده امریکا که در هفته اخیر ماه دسامبر ۱۹۸۲ از طریق رادیوی رسوا و بدنام صدای امریکا این ماشین پروپاگندی ولجن پراگنی درنده گان سبب انحصارات امریکایی پخش گردید، توجه شما را جلب کنم، رونالد ریگن گستاخانه تذکر داد که حکومت واشنگتن از حمایت ضد انقلابیون افغانستان فرسوده نگردیده آنرا ترک نخواهد کرد.

از نظر ریگن، توجه کنید، ریگن به عنوان فرد مسؤول درجه اول در ایالات متحده امریکا، سال ۱۹۸۳ سالی تعیین گردیده که مردم افغانستان که راه رشد مستقل ملی را انتخاب نموده‌اند، در آتش و خون غرق گردند و بالآخر آن بر طبق برنامه شیدانه امریکا و متحدینش موقعیتش را در کشورهای آزاد جهانی که مسلمانمظور ریگن جهان به اصطلاح آزاد، جهانی که چیلی پنوچت، دیکتاتوری خونین السلوادور، صهیونیسم تجاوزگر اسرائیلی و دیگر ارکان ارتجاع جهانی از سرسپرده گان آن اند، احراز نماید. کشورهای امپریالیستی دخالت و گستاخی را به حدی رسانده اند که آنان آشکارا در جلسه سی و هفتمین اسامبله عمومی ملل از ارسال کمک به اشرار ضدانقلابی سخن گفتند. توجه کنید ایالات متحده امریکا تا به حال به ضدانقلاب (دو صد و هجده) میلیون دالر کمک نموده و در سال ۱۹۸۳ (یکصد و پنج) میلیون دالر کمک دیگر را به باندیت ها تخصیص داده است.

آلمان فدرال شصت میلیون مارک و انگلستان هجده میلیون پوندسترلنگ به ضدانقلاب افغانستان کمک نموده اند.

موضع هژمونیت های چین را به ساده گی میتوان در سرمقاله ژین زیباو مورخ ۲۷ دسامبر ۱۹۸۲ ملاحظه کرد که طی آن نوشته شده است که دولت چین ارسال کمک مادی و معنوی را به ضدانقلاب افغانستان ادامه میدهند.

کمک ارتجاع بین المللی به رهبری ایالات متحده امریکا به نیروهای ضدانقلابی در سطح جهانی امر تازه نیست، امریکا و متحدین رنگارنگش از هژمونیت های چین تا اتحادیه اروپای غرب به سازمانهای تروریستی ضدانقلابی مانند باندهای ضد انقلابی افغانستان و اویتا و فنلا و بازمانده های دیکتاتوری سرنگون شده ساموزا پلپوت، ینگی ساری و صهیونیستان اسرائیلی و دیکتاتوری نظامیگر پاکستان و غیره و غیره وسیع کمک های نظامی و پولی را ارسال میدارند.

ایالات متحده امریکا و متحدین آن از اعضای پیمان تجاوزگر ناتو تا هژمونیت های چین، اسرائیل صهیونیست، پترودالر ورژیم های ارتجاعی حرف شنو منطقه وی آن در این کارزار نامقدس علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان به درجات گوناگون سهیم اند.

باید تذکر دهیم که جنگ اعلان نشده علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان بخشی از تهاجم وسیع امپریالیزم و ارتجاع علیه نیروهای صلح، دموکراسی و ترقی اجتماعی است. کمیته آنسجام وزرای خارجه کشورهای غیرمنسلك اخیر، درماناگوا مرکز نیکاراگوا انعقاد یافت که کمک های وسیع نظامی امریکا و اسراییل را به نیروهای ارتجاعی و ضدانقلابی در امریکای لاتین به شدت محکوم نمودند و آنرا زنگی خطر برای حاکمیت و استقلال ملی کشورهای امریکای مرکزی و لاتین و کاراییب اعلام داشتند.

افزایش در پیمانہ کمک های ارتجاع بین المللی به رهبری امپریالیزم ایالات متحده امریکا به باندهای ضدانقلابی افغانستان از یکطرف، دال بر نیرومندی و مقاومت مردم افغانستان و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان به رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان در برابر این جنگ اعلان نشده و از جانب دیگر این امر مظهر تشدید سیاست تشنج بین المللی، گرایش سریع به احیای جنگ سرد، مسابقه تسلیحاتی مقابله نظامی و پایمال نمودن دستاوردهای دیتانت در نتیجه مبارزه عظیم کشورهای صلحدوست جهان و در پیشاپیش آن اتحاد شوروی حصول گردیده است، میباشد.

تجربه نشان میدهد که علی الرغم تمام دسایس جنایتکارانه ضدانقلاب و حامیان بین المللی آن، پروس انقلابی در کشور ما دامنه وسیعتر کسب نموده و به پیروزی های نوین دست یافته است.

سوال:

پروپاگند غرب مدعی است که عساکر اتحاد شوروی بین سالهای ۱۹۷۹ و ۱۹۸۱ و چهل و هفت مرتبه اسلحه کیمیای را در افغانستان استعمال نموده اند که در اثر آن سه هزار نفر به قتل رسیده است، شما در این خصوص چه میگویید؟

جواب:

این یک دروغ محض است. دستگاه های تبلیغاتی کشورهای امپریالیستی و بخصوص وسایل ارتباط جمعی ایالات متحده امریکا سال هاست که شایعاتی را در مورد این که گویا اتحاد شوروی در لاوس، کمپوچیا و بعد در جمهوری دموکراتیک افغانستان اسلحه کیمیای استعمال نموده است، پخش میکنند. در این کارزار تبلیغاتی علاوه بر وسایل ارتباط جمعی، اعضای کانگرس ایالات متحده و مامورین عالیرتبه کشورهای ناتو نیز سهم دارند.

همه این سروصداها به خاطری به راه انداخته شده که اذهان عامه جهان از پروگرام وسیع تسلیحات پنتاگون، از تسریع تولیدات و افزایش مرمی های کیمیای به پنج ملیون واحد و از تخصیص دو اعشاریه پنج ملیارد دالر برای تولید چنین سلاحی طی پنج سال آینده منحرف و تدارک جنگ کیمیای پنتاگون توجیه گردد. آنها از جانب

دیگر می‌خواهند این واقعیت را پنهان کنند که ایالات متحده امریکا پنجاه سال تمام از پیوستن به کنوانسیون ژنیو سال ۱۹۲۰ درباره منع استعمال و ذخیره و امحای کامل اسلحه کیمیاوی احتراز کرده و از مذاکرات و امضای تعهد نامه در این مورد امتناع ورزیده است. این ایالات متحده امریکا بود که در سال های جنگی تجاوزگرانه علیه خلقهای هندوچین، تنها در شمال ویتنام یکصد هزار تن مواد کیمیاوی را استعمال کرد که اثرات وحشتناک این جنایت تاکنون بر تولیدات و محیط زیست در جمهوری سوسیالیستی ویتنام باقی است. همین اکنون نظامیان دیکتاتوری سلوادور علیۀ و پرنپرستان آنکشور از اسلحه کیمیاوی ساخت امریکا استفاده میکنند. به پافشاری ایالات متحده امریکا، سازمان ملل متحد هیاتی از متخصصین را به پاکستان فرستاد تا موضوع را مورد بررسی قرار دهد، آنان کوچکترین برگیه بی که دلالت بر استعمال اسلحه کیمیاوی از جانب قطعات محدود اتحاد شوروی کند در دست ندارند.

برعکس ما مدارک انکار ناپذیر در مورد استفاده از سلاح، از جانب مزدوران امپریالیزم امریکا در کشور خود ارائه کردیم و افرادی را که ازین بم ها استفاده میکردند با یم های دست داشته شان در برابر مطبوعات بین المللی قرار دادیم و استعمال سلاح کیمیاوی از طرف دشمنان مایک واقعیت انکار ناپذیر است، اما ادعای آنها پوچ و بی پایه است.

سوال:

شما دست اندر کار مبارزه برای ساختمان مجدد ملی و ایجاد دگرگونی اقتصادی و اجتماعی جامعه افغانی مبتنی بر رسوم، فرهنگ و ارزش های مذهبی آن هستید، آیا تاجه پیمانه همکاری هند افغان به مساعی انکشافی شما کمک خواهد بود، آیا چه گفتنیی درباره احیای کمیسیون مشترک هند افغان و افزایش اخیر در تعداد متخصصین هند که در افغانستان کار میکنند دارید؟ آیا درجه ساحات رشد همکاری هند افغان را متصور میدانید؟

جواب:

اهداف و مقاصد ما روشن و صریح است ما آن چیزی را می‌خواهیم که اکثریت قاطع مردم ما تقاضا دارند، یعنی ما حفظ آزادی و استقلال کشور و ترقی و شگوفانی وطن محبوب خود را آرزو داریم. ما به احساسات مذهبی هموطنان خود احترام می‌گذاریم و با تمام وسایل و امکانات سعی خواهیم کرد شرایطی تأمین گردد که در آنها هر فرد زحمتکش کشور بتواند آزادانه و سعادتمند زنده گی و کار کنند، نان، لباسی و سرپناه داشته باشد و از صلح در کشور و خوشبختی خانواده خود مستفید شود. اما در امر تحقق تحولات ملی و دموکراتیک علی الرغم ادامه جنگ اعلان نشده که از جانب امپریالیزم و ارتجاع منطقه علیه کشور ما آغاز گردیده است، پلان های کوتاه مدت و طویل المدت اعمار جامعه نوین را در کشور خود داریم. امر طبیعی است

که ما برای نجات مردم خود از این عقب مانده گی که در نتیجه حاکمیت رژیم های ضد مردمی و ارتجاعی و اثرات شوم تسلط طولانی استعمار و اداره استعماری به فضای صلح، وقت و نیروی کافی مادی و معنوی احتیاج داریم.

برای این منظور ما از همکاریهای دوستان و کمک های بی شبایه و بدون قید و شرط خارجی جهت ترین و پیشرفت جامعه خود کار خواهیم گرفت. مناسبات دوستانه و عنعنوی که با کشور هندوستان، داریم به ما امیدواری آنرا میدهد که به منظور انکشاف جا معه خود در ساحات گوناگون از آنها یاری بخواهیم وساحه همکاری های موجود را توسعه بخشیم

چنانچه از تاریخ ۱۴-۱۷ ماه می ۱۹۸۲ ششمین کمیسیون مشترک همکاری های اقتصادی، تجار تی و تخنیکي افغان هند در کابل دایر گردیده و نتایج کار آن سودمند بوده است. جانب افغانی پیشنهادهای مشخص در تمام ساحات از قبیل صحت عامه، صنایع، برق، زراعت، انکشاف دهات، تسهیلات ترانزیتی، حجم صادرات و واردات به دوستان هندی ارائه داشته اند. پیشنهادهای معینه جهت توسعه لازم و ممکن پروژه های مورد بحث قرار گرفته و دوستان هندی در پرنسیپ پذیرفته اند. باید خاطر نشان سازم که از نتایج پراهمیت مذاکرات اخیر بین کشور ما و هند، عقد پروتوکول ۲۵ ثور ۱۳۶۱ در ساحات همکاریهای اقتصادی، تجار تی و تخنیکي و عقد پروتوکول یازده قوس ۱۳۶۱ در زمینه همکاری طبی در کابل است افق های وسیع و نوین همکاری های متقابل به سودمند در پیش روی ما گسترده است. ما با گامهای استوار در جهت گسترش این همکاری ها به پیش میرویم. باید به یک نکته با اهمیت دیگر تأکید نمایم که تحکیم روابط بین کشور های ما عنصر بسیار حیاتی برای حفظ صلح و امنیت در منطقه ما و جهان است.

سوال:

رهبان غرب در باره اعاده موقف عدم انسلاک افغانستان سخن میگویند و به این طریق می پندارند که با موجودیت عساکر اتحاد شوروی در افغانستان این کشور موقف عدم انسلاک خود را از دست داده است، پاسخ شما در ارتباط به این چیست؟

جواب:

اظهارات و پندار برخی از رهبان غرب به کلی بی اساس و عاری از حقیقت است چه افغانستان نه تنها عضو جنبش عدم انسلاک، بلکه از جمله مؤسسين آن نیز است. جمهوری دموکراتیک افغانستان عضو فعال این جنبش بوده است و خواهد بود. موجودیت قطعات محدود نظامی اتحاد شوروی در افغانستان هیچگاه به موقف عدم انسلاک ما لطمه وارد نمی کند. همین حالا در بعضی کشور های عضو جنبش عدم انسلاک قوای خارجی وجود دارد. جمهوری دموکراتیک افغانستان به اساس يك

معاهده معتبر با اتحاد شوروی که در سازمان ملل متحد نیز مسجل شده است قطعاً محدود آن کشور را دعوت کرده تا مردم، قوای مسلح و قوای امنیتی افغانستان را در دفع و طرد تجاوز مسلحانه از خارج یاری رسانند. این اقدام جمهوری دموکراتیک افغانستان مطابق ماده پنجاه و یک منشور ملل متحد نیز است که دفاع دسته جمعی را جایز می‌شمارد. رهبران یادشده غربی با هر عملی که آن را ضد منافع خود تشخیص دهند، هر چند قانونی هم باشد، با آن مخالفت می‌ورزند. مخالف انعقاد معاهده دوستی و همکاری یک‌جمله کشورهای آسیایی و آفریقایی با اتحاد شوروی بوده اند. اما اگر آمریکا حق خود میدانند که با کشورهای موافقتنامه نظامی انعقاد کند و هر نوع سلاح پیشرفته در اختیار آنها قرار بدهد و پایگاه نظامی نیز در آن کشورها داشته باشد، اما نمی‌گویند که این امر مغایر موقف عدم انسلاک کشورهای است، در واقع این رهبران غربی مخالف سمتگیری مترقی جنبش عدم انسلاک اند، ازین لحاظ می‌خواهند در داخل جنبش تفرقه و دو دسته‌گی ایجاد کنند و آن را از دوستان واقعی آن دور سازند تا جنبش را ازین طریق تضعیف کرده وحدت آن را متزلزل سازند و از آن به نفع خود بهره برداری کنند، اینست واقعیت اندیشه و پندار بعض رهبران غرب.

سوال

انتظار شما از هند در جنبش غیر انسلاک که اکنون دهلی نوبه مثابه محل هفتمین کنفرانس سران کشورهای غیرمنسلاک انتخاب گردیده و خانم اندرا گاندی به عنوان رئیس حکومت هند به عوض رئیس جمهور کیو با فیدل کاسترو رئیس دوره سه سال بعدی این جنبش خواهد گردید، چیست؟ آیا شما می‌خواهید که در جلسه سران این کشورها که در اوایل مارچ دایر می‌گردد شرکت کنید؟ آیا شما علاقمندید که خانم اندرا گاندی برای حفظ وحدت و هم پیوسته‌گی غیرمنسلاک در برابر فشار خارجی، پیرامون موضوعاتی از قبیل مسئله افغانستان، این جنبش را تخریب کند، چه نقش را ایفا بنماید؟

جواب:

جمهوری دموکراتیک افغانستان به حیث عضو فعال و مؤسس جنبش عدم انسلاک و دوست دیرین و صمیمی هند نهایت مسرور است که دهلی جدید محل هفتمین کنفرانس سران دول و یا حکومت‌های غیرمتعهد تعیین شده است. این امر به خوشی ما می‌افزاید که خانم اندراگاندی صدراعظم هند و دوست صمیمی افغانستان برای یک دوره سه سال، ریاست جنبش را به جای یک دوست صمیمی دیگر افغانستان رفیق فیدل کاسترو رئیس دولت کیوبا عهده دار می‌گردد.

آرزوی صلحخواهی و در صلح و صفا زیستن و عدم تشدد در سرنوشت مردم بزرگ هند نهفته است. این خصلت حتی هنگام مبارزات آزادی و استقلال هند از یوغ استعمار، مشی سیاسی مهاتماگاندی و دیگر رهبران هند را تشکیل می‌داد، پندت

جوهر لعل نهر و صدراعظم سابق هند و شخصیت ممتاز بین المللی و یکی از مؤسسين نهضت در تمام مراحل تأسیس آن سهم فعال و بارز داشته است. خانم اندرا گاندی دختر صدیق نهر و سیاستمدار برجسته بین المللی که مساعیش در راه حفظ صلح و استقرار و رفع تنشج در منطقه و جهان مشهود است به یقین از انجام این عهد سنگین به شایسته گی بدر خواهد شد.

برای ما جای خوشی است که خانم اندرا گاندی از وضع منطقه و انکشافات آن و عوامل ایجاد تنشج در آن به خوبی آگاه است. سیاست معقول و واقعینانه هند در قبال اوضاع منطقه موجب رضایت خاطر ماست.

مسئله صلح و جنگ همیشه توجه جهانیان را به خود معطوف داشته است. نهضت عدم انسلاک که یکی از عوامل عمده در راه برقراری صلح پایدار در جهان محسوب می شود، باید در راه حفظ صلح سعی لازم به خرج داده به فعالیت حلقه های جنگ طلب مجال ندهد. جمهوری دموکراتیک افغانستان و هند هر دو از سیاست صلح و اصول همزیستی مسالمت آمیز، عدم تجاوز به هراسم و رسمی که باشد، عدم استعمال قوه در حل منازعات بین المللی و همسایه گی نیک و غیره پیروی می کنند. اینها همه از اصول قبول شده جنبش عدم تعهد اند. من یقین کامل دارم که خانم اندرا گاندی با تعقیب مشی اصولی سیاست کشور خود در جنبش عدم انسلاک خدمت ارزنده در راه تقویت این جنبش انجام داده و برای حفظ وحدت و هم پیوسته گی آن مساعی لازم به خرج دهد.

تا جایی که به ما مر بوط است از هر نوع همکاری با خانم اندرا گاندی در انجام وظایفش در جنبش دریغ نخواهیم کرد. ما خیلی مسرور خواهیم بود که در کنفرانس آینده سران دول ویا حکومت کشورهای غیرمتعهد در دهلی جدید اشتراک کرده در امر تحکیم وحدت این جنبش در مقابل دسایس امپریالیست ها سهم فعالی داشته باشیم.

سوال:

کشورهای غیرمنسلك توقع دارند که همسایه گان غیرمنسلك در صلح و توافق زنده گی کنند. جای بسیار تأسف است که در کشور غیرمنسلك ایران و عراق از مدت طولانی با هم می جنگند به صورت مساویانه تأسف آور است که خصوصیت بین سه کشور غیرمنسلك ایران، افغانستان و پاکستان به صورت ناگواری صلح و ثبات را در این بخش جهان متأثر نموده است. آیا هند میتواند به مثابه عضو عمده جنبش غیرمنسلك و همچنان کشوری که مناسبات حسنه با هندو کشور ایران و افغانستان دارد و می کوشد با پاکستان روابطش را بهبود بخشد، نقش مفید در اعاده موافقت بین ایران، افغانستان و پاکستان ایفا کند و همزمان به تقویت صلح منطقه وی کمک نماید؟

جواب:

ما عقیده داریم که ادامه جنگ بین کشورهای ایران و عراق فقط به سود امپریالیزم به سرکرده گی امپریالیزم ایالات متحده امریکا در منطقه تمام خواهد شد.

ما از همان آغاز این جنگ بر این باور بوده و هستیم که ادامه جنگ به زیان و تضعیف نیروهای بالقوه ضدامپریالیستی منطقه و منحرف ساختن ذهن مردمان منطقه از چپول ثروتهای این بخش از جهان به وسیله انحصارات غارتگر امپریالیستی و در نتیجه سرکوبی جنبش های آزادیبخش ملی منطقه مشتمل گردیده است.

ما عقیده مندیم که این بیهوده برادرکشی که موجب تقویت مواضع امپریالیزم و صهیونیزم در منطقه می شود باید هرچه زودتر پایان یابد و هر دو کشور اختلافات را از طریق مذاکره حل نمایند.

من با شما موافقم که اوضاعی که در نتیجه مداخلات امپریالیستی و جنگ اعلان نشده امپریالیزم علیه کشور ما در اطراف جمهوری دموکراتیک افغانستان ایجاد شده به شمول عوامل دیگری نظیر تسلیح بی سابقه پاکستان توسط ایالات متحده امریکا، تلاش های امپریالیزم ایالات متحده برای افزایش حضور نظامیش در این منطقه از جهان و بخرهند، تلاش دیوانه وار امپریالیزم ایالات متحده امریکا برای ایجاد پایگاه های نظامی در نزدیکی سرحدات جمهوری دموکراتیک افغانستان و هند، صلح و ثبات را نه تنها در منطقه بلکه در تمام جهان شدیداً به مخاطره افکنده است.

امپریالیزم امریکا بعد از سرنگونی رژیم شاه در ایران در صدد است جانشینی برای ژاندارم منطقه پیدا کند و اکنون این جانشین را که از منافع انحصارات غارتگر امپریالیستی در منطقه حمایت کند و در خدمت ستراتیژی جهانی ایالات متحده امریکا قرار داشته باشد سعی و کوشش می نماید تا رژیم نظامی حاکم بر پاکستان را به حیث تکیه گاه تدارکات نظامی خود و پاسدار منافع امپریالیستی مبدل کنند.

تمام این اوضاع و احوال کشورهای صلحدوست منطقه از جمله افغانستان و هند را وامیدارد تا در برابر این تهدیدات خطرناک بی تفاوت نباشد.

ما مساعی کشور دوست هند را در مورد حل قضایای منطقه و رفع بحران در این بخش مهم جهان به دیده قدر نگریسته و از آن حمایت می کنیم.

ما عقیده داریم که سیاست امپریالیزم در منطقه تنها بر ضد جمهوری دموکراتیک افغانستان نه، بلکه بر ضد جمهوری هند که از سیاست خارجی مستقل صلحجویانه پیروی می کند، نیز می باشد.

هدف امپریالیزم همچنان ایجاد تحریکات از بیرون و دامن زدن تخریبیات در درون هند می باشد.

ما عقیده داریم که تأمین صلح به نفع تمام کشورهای منطقه ماست، هند صرف نظر از سیاست صادقانه و صلحجویانه اش به خاطر امنیت خود نیز قویا مایل به حل مسایل منطقه می باشد.

دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان خواهان حل واقعبینانه قضایای منطقه و از جمله قضایای اطراف افغانستان است.

ضدانقلاب افغانستان زیر نام دفاع از آزادی و استقلال
عملاً برضد آزادی، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور و
بر ضد منافع زحمتکشان جمهوری دموکراتیک افغانستان می جنگد

بیانیه شفاهی هنگام پذیرش سرکرده گان گروه های مسلح پیوسته به دولت جمهوری

دموکراتیک افغانستان

۲۲ حوت ۱۳۶۱

برادران هموطن! اولتر از همه ورود شما را به کابل به پایتخت جمهوری دموکراتیک افغانستان انقلابی از صمیم قلب خوش آمدید می گویم. از طرف حزب دموکراتیک خلق افغانستان، جبهه ملی پدروطن، از طرف شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان و هیات رئیسه آن و حکومت باز هم بنا بر اینکه برادران هموطن به دولت خود، به آغوش پدروطن خود، به آغوش مردم خود، به حزب و انقلاب، به جبهه ملی پدروطن پیوسته اند و بخصوص از طرف خود، از صمیم قلب شاد باشی می گویم.

برادران هموطن!

طی چند روزی که در کابل تشریف داشتید، شما از تمام حقایق تلخ و واقعی، مردم افغانستان و دوستان ما را، بسیار عمیق آگاه نمودید، من تمام گزارش ها را تعقیب کرده ام.

انسان های شریف و نجیب وقتی که به حقایق پی می برند، هیچگاه دیگر خون را با خون نمی شویند و همچنین بر اساس سنن و عنعنات ملی افغانها وقتی که دو مخالف و دو دشمن سنگ دوستی را با هم می گذارند، از دشمنی خود می گذارند البته این امر در روابط اشخاص است. در رابطه بین ملت و دولت، يك دولتی که خدمتگزار مردم باشد، یک دولت ملی، يك دولت دموکراتیک هیچگاه در برابر مردم خود، ملت خود، از سلاح استفاده به عمل نمی آورد.

به اساس اراده مردم افغانستان و به رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان، به کمک قوای مسلح قهرمان افغانستان، انقلاب ثور رخ داد. ما در همان آغاز انقلاب ثور اعلام داشتیم که انقلاب ما ملی و دموکراتیک است و به دین مقدس اسلام نه تنها احترام می گذارد، بلکه اصول و اساس های آن را رعایت میکند. در همان بدو انقلاب ثور ابراز داشتیم که افغانستان کشوریست آزاد، مستقل و در جهان از خود بیرق

مستقل در حال اهتزاز دارد. مردم شرافتمند و زحمتکش و مسلمان افغانستان و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان به هیچ نیروی شیطانی در جهان اجازه نمی دهند که به ما درس اسلامیت بدهند، بلکه این افغان ها بودند که دیگران را در راه اسلام هدایت کردند. تمام تاریخ شاهد این قضیه است که در اطراف و اکناف ما، امروز کسانی که داد از اسلام می زنند، توسط افغان ها به دین اسلام مشرف شده اند.

پس برادران هموطن

امروز يك عده کسانی که در کشور بر اثر تحریکات دشمنان دیرین افغانستان، دشمنان پدروطن افغانستان زیر ماسک دروغین اسلام علیه اسلام، زیر نام آزادی افغانستان علیه آزادی افغانستان میزنند، در طول تاریخ دشمنان افغانستان بوده اند. امروز ما مصمم هستیم که از اسلام واقعی و حقیقی صیانت کنیم.

برادران هموطن!

از همان بدو پیدایش دین اسلام دو نوع اسلام بود: یکی اسلام واقعی و حقیقی، دیگری اسلام منافقین که آن وقت هم وجود داشت. از آن تاریخ تاکنون همیشه این دو سیر در اسلام وجود داشته است.

امروز یک نوع اسلام به نام اسلام امریکایی و امپریالیستی و چپنایی و دست نشانده گان آن و مرتجعین در جهان و دیگر اسلام واقعی و حقیقی است که افغانستان در سنگر مقدس آن قرار دارد. ما از بدو امر، وقتی که حزب ما تأسیس میگردید تا به امروز تعهد سپرده ایم که به چیزی که معتقد هستیم آن را خواهیم گفت و آن را عمل خواهیم کرد. آن عبارت از چیست؟ عبارت از حقیقت است. ما در راه حقیقت، حق و عدالت در کشور خود مبارزه کردیم، مبارزه می کنیم و تا اخیر مبارزه خواهیم کرد. ما به مردم خود، مردم شرافتمند و نجیب، دلیر و شجاع و زحمتکش خود اعتقاد راسخ داریم که مردم ما در پیوند با دولت مردمی خود، افغانستان را دفاع می کنند، آزادی و استقلال افغانستان را پاس میدارند و یک افغانستان مترقی، شگوفان، سربلند و آزاد و باز هم پیشرفته تر و مترقی تر ایجاد می نمایند. از جمله آرمان های انقلاب ثور به چند نکته باز هم تماس خواهیم گرفت و آن عبارت از این است که انقلاب برای خدمت به مردم زحمتکش به وجود آمد تا قدرت های جبار، ظالم، ستمگر و استثمارگر را از کشور محو بسازد و توده های عظیم مردم از یوغ استبداد نجات پیدا کنند و بتوانند به کمال آزادی به عبادت خود، به کار و زحمت در ساختمان جامعه، به رفاهیت خانواده، به تربیت کودک، حفظ ناموس، شرف و افتخارات خود کاروییکار نمایند. از بدو پیدایش جوامع بشری همیشه در کشورها، در جوامع بشری، در میان ملل، انقلاب هایی رخ داده است.

در افغانستان هم چنین جهشهای انقلابی رخ داده است. انقلاب ما از نوع انقلاب مردمی بود که برای تأمین سعادت، رفاه و عدالت در کشور به وجود آمد ولیکن از انقلاب مردمی افغانستان، از انقلاب ملی ودموکراتیک مردم زحمتکش مسلمان افغانستان، تیلرزه به جان دشمنان افتاد، دشمنان داخلی، سلاطین مستبد، والاحضرت ها سردارها، شاهزاده ها، اعیان، اشراف، سودخوران، قاچاقبران، افراد ظالم وستمگر در سراسر افغانستان از یک سو و دشمنان خارجی، ارتجاع و امپریالیزم به کمک دشمنان دیرین ما محافل حاکمه پاکستان که ما بین این دو باید فرق قایل باشیم به ایجاد یک جبهه متحد نامقدس را علیه انقلاب افغانستان، انقلاب ثور آغاز کردند و با کمال تأسف طوری که همه شما به تفصیل توضیح دادید در آنجا یکی از نماینده گان خودرا، یا یک گروه از نماینده گان خودرا در داخل حزب ما، انقلاب و دولت ما نفوذ دادند تاحزب، دولت و انقلاب که باید در خدمت مردم قرار می گرفت، شیوه انحرافی و کجروی را اتخاذ نمایند و ضد مردم قرار گیرد. به اراده فرزندان خودتان، فرزندان مردم افغانستان تحول شش جدی یا مرحله نوین انقلاب ثور ظهور کرد. مرحله جدید در بدو امر، در اولین اعلامیه یی که صادر کرد از جمله عفو عمومی زندانیان را اعلام داشت، بدون فرق اندیشه و مفکوره و اینکه به کدام حزب یا جمعیت یا قوم یا ملیت یا مذهب تعلق داشته باشد، بلا استثنا همه آزاد گردیدند. البته هموطنانی که از تیغ خونین امین جلاد زنده باقی مانده بودند. مگر ببینید، دشمنان قسم خورده مردم افغانستان به مجردی که از زندان آزاد شدند، به پاکستان فرار کردند و در آنجا به کمک دشمنان دوباره ضد مرحله نوین، مردم، دولتها، حزب، انقلاب و وطن ما به تحریکات و تخریبات آغاز کردند. همچنین بنابر تحریکات ارتجاع و امپریالیزم بخصوص وقتی که انقلاب آزادیبخش مردم افغانستان به پیروزی رسید تا يك افغانستان قوی، مقتدر نیرومند، غنی و پیشرفته ایجاد گردد. در این وقت محافل حاکم و دشمنان از ترس انقلاب آزادیبخش افغانستان، علیه افغانستان قرار گرفتند..

یکن از شما مسئله بسیار مهم تاریخ را بر ملا ساخت وگفت: اگر شش جدی، مرحله جدید ظهور نمیکرد، برای ما اطلاع رسیده بود که در هشت جدی گلبدین به کمک حفیظ الله امین قدرت دولتی را می گیرند، یا به عباره دیگر به کمک پاکستان، امریکا، و چین قدرت را در افغانستان تصرف می نمایند.

ما اطلاعات خاص داشتیم که سرنوشت افغانستان را به جایی کشانده بودند که هستی و نیستی مردم افغانستان مطرح بحث بود. پلان طوری بود که در افغانستان تا قسمت های هندو کش تحت نفوذ پاکستان قرار گیرد، یک قسمت تحت نفوذ کشور های غربی قرار گیرد، یک قسمت (بدخشان، تخار و غیره) تحت نفوذ چین قرار بگیرد و در کابل، در مرکز به واسطه حفیظ الله امین و متحدین او مثل گلبدین و غیره و غیره يك حکومت دست نشانده سی، آی، ای امریکا به وجود آید، این بود یک پلان. پلان دیگر این بود که اصلاً به نام افغانستان دیگر در کره زمین، در روی نقشه دنیا

کشوری وجود نداشته باشد. فقط این پلان چندروزه بود که باید اجرا میشد. اینجا بحث دفاع از انقلاب، دفاع از مردم، یک طرف قضیه، مسئله شرف ما، وطن ما، آزادی ما، استقلال ملی ما، حاکمیت ملی ما، تمامیت ارضی افغانستان، وطن، ناموس و شرف ما در طرف دیگر قضیه مطرح بحث بود، به این نسبت فرزندان صدیق مردم افغانستان وقتی که حفیظ الله امین را تشخیص دادند و درک کردند و دیدند که زیر عنوان انقلاب به کدام جهت و طرف می رود، شروع کردند به فعالیت های مخفی که در شش جدی حفظ الله امین سرنگون گردید.

امریکا چه پلان داشت؟ در تبنای با زمین وباند او ویا به اصطلاح سران ورهبران و امیران خود ساخته امریکا که در پاکستان هستند با کوماندوها، (گروپ های مخصوص تربیه شده امریکایی) با طیارات، همه آماده گی خود را گرفته بودند که در افغانستان از راه زمین از خاک پاکستان و از هوا به وسیله پراشوت داخل شوند.

خوب، سابقاً هم شورای انقلابی (بعد از قرارداد دوستی که با اتحاد شوروی عقد شد و در ملل متحد ثبت گردید و بر اساس ماده (۵۱) منشور ملل متحد یعنی قوانین بین المللی چندین بار (در حدود چهارده بار) قبل از شش جدی) از اتحاد شوروی دعوت به عمل آورده بود که بنابر خطر ارتجاع و امپریالیزم از طریق خاک پاکستان و چین و غیره باید به نجات خاک افغانستان بشتابند. لیکن اتحاد شوروی همیشه این پاسخ را داده بود که شما کوشش کنید که با مردم افغانستان مسايل را حل و فصل کنید. خود مردم افغانستان میتوانند از خاک و کشور خود دفاع نمایند. مگر افسوس که در آن وقت مردمان ما و هموطنان ما در کوه ها پناه برده بودند، هیچگونه وسیله و واسطه یی وجود نداشت که ما يك جرگه بزرگ وطنی رادایر میگردیم. ما بعد از شش جدی به همان خواسته تأکید کردیم برای اینکه در همان شب و روز اگر این اقدام صورت نمی گرفت یعنی کمک به وقت اتحاد شوروی نمی رسید نه تنها يك جنگ خونین داخلی در کشور به وجود می آمد، بلکه شرف و حیثیت و آزادی و استقلال افغانستان نیز از بین می رفت. این يك پهلوی قضیه پهلوی دیگر قضیه این که جنگی در داخل منطقه و حتی در جهان به وجود می آمد. در این جاست که نکته مهم دیگری را به پیشگاه برادران هموطن خود خاطر نشان میسازم که امپریالیستهای امریکایی مثل دوران فاشیسم هتلری همیشه تحریکات جنگی میکنند، کوشش می نمایند در هر نقطه جهان تشنج را به وجود بیاورند، در شرق میانه اسرائیل را تحریک میکنند، همینطور در امریکای لاتین، در افریقا و در آسیا که یکی از این نقاط افغانستان است. هدف آنها به راه انداختن جنگی تباه کن تمام بشریت است که دیگر انسان در کره زمین وجود نمی داشته باشد. این جنگی اتومی است، دو بم خورد اتمی در جاپان استعمال شد، دو صد تاسه صد هزار نفر را آنأ از بین برد.

برادران هموطن!

وقتی که یک دولت ایجاد شد و انقلاب صورت گرفت، دولت هم از خود و ظایفی دارد. آرزوی ماست که حکومت های محلی مردمی ما در سراسر افغانستان به وجود بیایند، یعنی در هر قریه و ده، علاقه داری و ولسوالی و ولایت خود مردم گرد هم جمع شوند. بر اساس جرگه های وطنی ما، مشوره های وطنی ما و جلسات وطنی، مسایل خود را حل و فصل کنند و حتی از میان خود همان هوشیارترین، فهمیده ترین و عادل ترین شخص را پیدا کنند به حیث ولسوال یا به حیث هیات رئیسه ده، پانزده، بیست نفر را انتخاب نمایند که مسایل داخل محل خود را حل و فصل کنند. این از آرمان های حزب دموکراتیک خلق افغانستان و جبهه ملی پدروطن افغانستان است. البته این داوطلبانه است، به زور و فشار نیست. آرمان انقلاب ثور بخصوص مرحله نوین تکاملی انقلاب ثور این است که وقتی دولت مردمی می گوئیم، خود مردم دولت خود را اداره کنند و ما بتوانیم که لویه جرگه یا یک شورای بزرگ از نماینده گان سراسر افغانستان را بدون تبعیض و تمایز، از تمام اقوام و ملیت ها و قبایل افغانستان اعم از پشتون، تاجک، ازبیک، هزاره، ترکمن، نورستانی، بلوچ و غیره و غیره به وجود آوریم و نماینده گان، درین شورای بزرگی شرکت کنند و حکومت خود را تشکیل دهند یا به نام هیات رئیسه یا رئیس جمهور خودشان دولت و حکومت خود را به وجود بیاورند. در چوکات جبهه ملی پدروطن به کمک و رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان که خدمتگزار شماست و باید باشد، یکجا همه در یک فضای صلح، برادری و برابری، آشتی و هموطنی و مسلمانی، همه در آغوش وطن خود جمع شویم و شروع کنیم به ساختمان یک وطن جدید، یک وطن آباد، یک وطن مرفه.

ما در اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان، در قوانین و سیاست خود اعلام داشتیم که هر کسی که در افغانستان ضد دین اسلام تبلیغ نماید سخت ترین جزا به اساس قانون به وی داده خواهد شد. خوب باز یک تأکید:

آرمان انقلاب ما چه است؟ چند مطلب را بر می شمارم، در این جا، آزاد و بسیار آزاد مثل یک جرگه وطنی کسی که با من مخالف باشد به جرأت برخیزد و بگوید من با تو مخالف هستم، دلایل ارائه کند من هم دلایل ارائه میکنم، باز به رأی گیری می پردازیم هر فیصله بی که شما میکنید من هم حاضر هستم.

خوب، آرمان ما چیست؟ ما میخواهیم که هر فرد دهقان و خانواده دهقان افغانستان صاحب زمین خود باشد و خودش بالای زمین خود کار کند و دولت برای دهقان کودکیماوی، تخم بذری، آب و غیره احتیاجاتی که دارد و تراکتور آماده بسازد و به او بدهد، برایش پول پیشگی بدهد حاصلاتش را وقتی که از احتیاجاتش زیاد است بخرد، به قیمت مناسب به قیمت خوب، بازار برای حاصلات زمینش پیدا بکند. در افغانستان در حدود دو صد میلیون جریب زمین بلکه بیشتر، زمینی داریم که با یک

سرمایه‌گذاری چه از دریای آمو یا کوکچه یا هلمند یا دیگر دریا‌های خود اگر آب بکشیم، کانال‌ها بکشیم و این زمین‌های بایر و بکر خود را آبیاری بکنیم می‌توانیم زنده‌گی دهقانان بیچاره و بدبخت خود را که به لباس دارند نه خوراک درست و به شما معلوم است که اولادشان به مکتب رفته نمی‌توانند خانه‌یی که در آن زنده‌گی میکنند مانند مگاره است که انسان در آن زنده‌گی کرده نمیتواند. اکثریت شما در مناطق هزاره جات، در بدخشان و غیره نقاط کشور دیده باشید، خوشبخت و مرفه سازیم.

حالا يك سوال ساده:

این، مخالف دین اسلام است؟ کجایش کفر است؟ اینجا مولوی‌ها هستند، مولوی‌های دیگر نیز ما داریم. بیایید يك جرگه بزرگ مولوی‌ها را به وجود آوریم. البته از داخل خود افغانستان، نی که گوش ما به طرف ایران و پاکستان باشد که چه می‌گویند، خود ما روحانیون داریم، دانشمندان داریم، مولوی‌ها داریم، ملاها داریم ما فتوای کشورهای خارجی را چرا بپذیریم، مگر از همین افغانستان بزرگترین علما و دانشمندان اسلام ظهور نکرده اند؟

خوب، ما برای دهقان خود می‌خواهیم در نزدیک ده قریه‌اش يك مکتب باشد که از امور دینی، دنیایی و مسایل جهان اطلاع حاصل کند، صاحب فهم، صاحب دانش باشد یعنی خط نوشته بتواند سواد داشته باشد، آیا این مخالف اسلام است، که مکتب وجود داشته باشد؟ ما می‌خواهیم برای ده خود شفاخانه بسازیم، در همان نزدیکی‌های ده يك ولسوالی، بند برق ساخته شود، برای کارگران باید کار پیدا شود، فابریکه باید ساخته شود، منابع زیرزمینی خود را باید استخراج کنیم، کوه‌های ما پر از منابع است باید آنها را به واسطه کارگران خود، به واسطه بازوان مردم خود بیرون بکشیم، ما ملیاردها ملیاردها ذخیره طبیعی داریم، چرا ما اینها را بیرون نکشیم، کشور خود را آباد نسازیم؟ ماسرک‌های بسیار خوب نداشته باشیم؟ ما دهات و خانه‌های خوب نداشته باشیم؟ لباس خوب برای مردم خود نداشته باشیم؟ کشور خود را صنعتی نسازیم؟ برق در تمام دهات خود نبریم؟ برق چیزی بد است؟

مثلاً کوپراتیف‌ها ساخته میشود. کوپراتیف چه است؟ چارنفر می‌نشینند می‌گویند بیایید ما و شما انداز می‌کنیم، یکجا می‌شویم با همدیگر کمک می‌کنیم به این ترتیب آنکه زحمت میکشد چارچند حاصل می‌گیرد. ما ملکیت را از بین نمی‌بریم هر کسی که گفته ملکیت را در افغانستان کسی از بین میبرد اوخاین به خلق افغانستان است. میراث حق مردم افغانستان است. مقدس نگهداشتن و احترام به خانواده از وظایف انسانی و مقدس ماست.

خوب، اگر ما شهرهای خوب داشته باشیم، خطوط آهن داشته باشیم که از کابل به هرات، از بلخ به جلال‌آباد پکتیا و دیگر مناطق امتداد یابد، چه بدی دارد؟

برادران هموطن!

دولت افغانستان دولت ضعیف نیست. مایک قوای مسلح نیرومند و قوی داریم این درست است که قبلاً ماضعیف بودیم، دولت ضعیف بود ولی حالا به واسطه قوای مسلح خود ما میتوانیم که در برابر دشمنان افغانستان مبارزه کنیم.

اگر ما به برادران هموطن خود که از دست ظلم و ستم امین و تحریکات دشمن به کوهها آورده شده اند، امروز دست صاف و صادقانه اسلامی، انسانی، افغانی پیش می کنیم این از ضعف نیست، هیچ قدرت اکنون در جهان نمیتواند از راهی که اکثریت مردم افغانستان از راه انقلابی که ما انتخاب کرده ایم ما را بگرداند.

اکنون به پاکستان، نه امریکا با قدرت بزرگ بین المللی خود، دیگر جرأت این را ندارد که به اندازه یک و جب چشم سوء به خاک مقدس افغانستان داشته باشند. افغانستان از نظر ملی، منطقه وی و بین المللی موقف بلند و پراعتبار دارد. هم اکنون صدر اعظم کشور و زیرخارجه ما از دهلی، از کنفرانسی کشورهای غیرمنسلك به کابل آمدند. گزارشی که به من دادند نشان میدهد که موقف افغانستان درین کنفرانس بسیار آبرومندانه و موفقیت آمیز بود.

برادران محترم هموطن!

قبلاً عرض کردم که یک دولت واقعی خدمتگزار مردم همیشه هدفش اینست که اتحاد برادرانه سراسر کشور خود را و مردم خود را تأمین بکند، بدون تبعیض و تفاوت، و از اتحاد و اتفاق آنها صلح و برادری و آشتی را در سراسر وطن بر قرار سازد. یکی از وظایف مهمی که اکنون شما به کابل تشریف آورده اید و پیوندتانرا با دولت تان اعلام داشته اند، این است که به تبلیغات بزرگ در سراسر افغانستان دست بزنند و به مردم ابلاغ کنید. به یک اعلامیه با ید اکتفا نشود، باید با قبول قربانی و قبول وقف جان خود به ده، به قبول وقف جان خود به ده، به قریه، به قشلاق، به کوه، به دره بروید، برای مردم حقیقت را برسانید که هموطنان! تفنگ های تانرا برای حفظ ناموس تان نگه دارید، در برابر اشرار، در برابر اجیران مزدوری که از خارج تربیه و فرستاده میشوند، به کار برید.

برای آنها پیام ما بفرستید، تبلیغ کنید که هرچه زود تر صلح سراسری در افغانستان به وجود بیاید و برادرکشی از افغانستان کاملاً و برای همیشه محو گردد.

هموطنان محترم و گرامی!

بعد از تحول شش جدی ما هزارها هیأت خود را به سراسر افغانستان فرستادیم و به اساس عفو عمومی که از طرف هیات رئیسه شورای انقلابی توضیح شده دعوت کردیم که برادران بیابید، مسایل را دور یک میز مذاکره حل و فصل کنیم، ببینیم بین

ما و شما چه اختلاف است. ما اطلاع حاصل کردیم که در فلان قریه وده و قشلاق اشرا و وجود دارد و جای شان هم معلوم است، لیکن ما علیه شان اقدام نکردیم از توپ، تفنگ و طیاره استفاده نکردیم برای اینکه می فهمیدیم که آنجا اگر پنج نفر شری و قطاع الطریق و دزد از بین میرود صدها نفر طفل معصوم ما، مادران ما، پدران ما از بین میروند. اکنون وقت آن رسیده که بر اساس مذاکرات، جلسات و جرگه ها با هم یک مشت آهنین افغانی شویم.

برادران هموطن!

ما صلح و برادری سراسری تمام مردم افغانستان انقلابی، افغانستان آزاد، مستقل و سربلند را خواهیم. سیاست خارجی جمهوری دموکراتیک افغانستان از آنجایی که ماهیتاً مردم افغانستان مردم صلح دوست اند، سیاست صلح آمیز است. ما می خواهیم که روابط نیک سیاسی بر اساس اصول همزیستی مسالمت آمیز و دوستانه با تمام خلقهای جهان بخصوص خلقهای مسلمان جهان داشته باشیم.

خلق پاکستان و خلق ایران برادران خلق افغانستان می باشند ما می خواهیم مردم ما به حیث همسایه گان نیک برادرانه و دوستانه با این خلق ها زنده گی کنند.

ما دو اعلامیه صادر کردیم، در دو اعلامیه دولت خوانده باشید یا شنیده باشید من از شما خواهش می کنم که، عین همان متن ها را ببینید اگر بتوانید به دسترس دیگر برادران ما هم بگذارید به حکومت های پاکستان و ایران پیشنهاد کردیم که بیایید، بفرمایید باهم پشت میز مذاکره بنشینیم، برادرانه بنشینیم که چه مورد اختلاف است؟ بر اساس مذاکرات سیاسی و مسالمت آمیز ما میتوانیم تمام مسایل را بدون استثنا حل و فصل کنیم، روابط را درست بسازیم مسئله مهاجرین است خوب خود شما توضیحات بسیار وسیع دادید که این خود پاکستان است که مانع آمدن آنعه هموطنان ما از پاکستان می شود. بگذارید که هموطنان ما دوباره به وطن خود بیایند و میگویند که « انسانی زنده نیست که بیوطن است» هیچ انسان بیوطن بوده نمیتواند.

دشمنان انقلاب تبلیغات دروغین پخش می کنند، هر روز در رادیو ها دروغ می گویند، پیش ما اعتماد آنها سلب است. اینجا باید يك ضمانت داده شود، یک تضمین بین المللی وجود داشته باشد. قرارداد امضا شود که دیگر علیه افغانستان مداخله و تحریک صورت نمی گیرد و هیچگاه علیه یکدیگر تجاوز نمی کنیم.

ما هیچ وقت ایرانی ها را علیه ایران، پاکستانی را علیه پاکستان تحریک نمی کنیم و حکومت پاکستان هم هیچ افغانی شرافتمند ورنجکشیده ما را که اکثریت شان از سواد محروم هستند و هنوز حقایق را نمی فهمند علیه و طنش، مردمش، برادرانش استعمال نکنند، همینطور ایرانی ها هیچوقت افغان ها را علیه افغان ها استعمال نکنند این سیاست، سیاست استعماری قدیم انگریز و امپریالیست ها در رأس امپریالیزم

امریکاست که در داخل یک کشور يك هموطن را علیه هموطن دیگر استعمال کند تا دولت را از بین ببرد و دولت دست نشاندۀ خود را به وجود بیاورد. باز هم می گویم که ما با تمام مردم جهان بخصوص مسلمانان جهان و خاصیت مسلمانان پاکستان و ایران می خواهیم در فضای دوستی، همسایه گی نیک و برادری زنده گی کنیم.

نتیجه آخری این است که اتحاد شوروی طوری که خود شما در بیانیه های تان توضیح کردید، يك دوست صدیق و بی شایبه است.

هموطنان!

يك افغان بنا بر خصوصیت و کمرکز خاصی که دارد هیچوقت با کسی دست نمی دهد که دستش صادقانه نباشد.

وقتی که تضمین بین المللی به وجود آمد، مناسبات ما طوری با همسایه گان ما نیک شد که دیگر تجاوزات از بین رفت، آزادی، استقلال ملی، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی ما تضمین گردید، دیگر بالای افغان ها تجاوز خارجی صورت نگرفت در آنوقت قطعات محدود اتحاد شوروی با اطمینان، به کشور صلح آمیز خود پس عودت میکنند.

برادران محترم هموطن!

اجازه دهید، در اخیر بگویم که:

پاینده باد صلح و برادری و آرامش در سراسر افغانستان!

گزارش در پلینوم یازدهم

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

در باره وظایف تأخیر ناپذیر حزب

در زمینه تطبیق سیاست اقتصادی مطروحه در برنامه عمل ج. د. خ. ۱

۲۸ حوت ۱۳۶۱

رفقا!

مسئله‌یی که امروز در پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان مطرح می‌گردد، برای کشور و حزب ما اهمیت عظیم و حتی میتوان گفت حیاتی دارد. من میخواهم فقط بر بعضی از جوانب اصولی قضیه و در گام نخست مستقیماً بر فعالیت حزب در عرصیه اقتصاد و کار کمیته‌ها و سازمانهای حزبی در این ساحه صحبت نمایم.

مسائل اقتصادی مبرم انقلاب ما، سیاست حزب در عرصه اقتصاد، در کنفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان به طور جدی، همه جانبه، دقیق و مشخص مورد بررسی قرار گرفت. این موضوع در اسناد کنفرانس و قبل از همه در سند اساسی آن یعنی برنامه عمل حزب دموکراتیک خلق افغانستان انعکاس یافته است. در پلینوم‌های نهم و دهم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان خاطر نشان گردید که تشدید کار اقتصادی حزب، تحقق پیگیر و بلاانحراف تدابیری در جهت بهبود زندگی مردم، به مثابه عامل ضروری توسعه پایه اجتماعی رژیم انقلابی و تجرید اجتماعی و سیاسی نیروهای ضدانقلابی به شمار می‌رود. به این ترتیب واضح است که ما ساحه مهم و پرمسئولیتی چون اقتصاد و کار اقتصادی حزب را هیچگاه از نظر دور نداشته ایم.

چرا بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان مسئله تقویت و رشد اقتصاد کشور و ارتقای نقش حزب را در فعالیت اقتصادی غرض بررسی به یازدهمین پلینوم کمیته مرکزی پیشنهاد مینماید؟ زیرا، وضع اقتصاد برای ما به هیچوجه قناعتبخش نیست و همچنین وضع کنونی اقتصاد نیازمندی‌های دولت و مردم را از لحاظ محصولات زراعتی و صنعتی و عواید مالی به اندازه لازم مرفوع نمی‌سازد. البته، در طی پنجسال بعد از انقلاب کارهای زیاد صورت گرفته است. اما بدون تقویت، توسعه و رشد بیشتر اقتصاد یعنی پایه مادی جامعه ما، چون هر جامعه مترقی دیگر، که انقلاب میکند، بدون رشد تولید زراعتی و صنعتی و تجارت،

ترانسپورت، امور ساختمانی و استخراجی و غیره، ایجاد زنده گی نوین و بهتر از گذشته برای مردم امکان پذیر نیست.

آیا ممکن است مردم از خوراک و پوشاک بیشتر و ارزانتر مستفید گردند در حالیکه حاصلات گندم، و سایر حبوبات کچالو، سبزیجات، میوه جات، پنبه و غیره تعداد حیوانات کمتر گردد؟

آیا دولت می تواند دستمزد زحمتکشان را افزایش بخشد فابریکه ها و کارخانه ها، سرکها و جاده های جدید اعمار نماید و تعداد مکاتب و شفاخانه ها را بیشتر سازد، در حالیکه عواید مالی دولت و حجم تجارت خارجی کاهش یابد؟ جواب روشن است: در صورت کاهش تولید در کشور، وضع زندگی مردم خرابتر می گردد. اینست دلایلی که بنابر آن اقتصاد باید به حیث وظیفه مبرم در مرکز توجه همیشه گی حزب و حکومت قرار گیرد. عطف توجه و مواظبت نسبت به ترقی اقتصادی در عین حال توجه و مواظبت نسبت به سرنوشت انقلاب، توسعه پایه اجتماعی آن، توجه و مواظبت نسبت به مردم و فردای آنست. این امر باید جداً کار هر روز و هر لحظه سراسر حزب، همه کمیته ها و سازمانهای آنرا تشکیل دهد.

بعضاً ما به نکته اصلی مواجه می گردیم که می گویند اکنون سرکوبی ضدانقلاب امر عمده است، به اقتصاد بعد از امحای باندها می پردازیم. چنین طرح مسئله یعنی موکول ساختن وظایف اقتصادی به سرکوبی کامل ضدانقلاب از ریشه نادرست است. این کار انقسام مصنوعی دو وظیفه متقابلاً به هم مرتبط و ناگسستنی یعنی سرکوبی ضدانقلاب و رشد اقتصاد است که هر دو پیوند ضروری و ارگانیک با هم دارند.

زیرا مبارزه با ضدانقلاب خواهان بسیج نه تنها نیروهای بشری، بلکه منابع اقتصادی و مادی نیز است. به این مفهوم هر دستاورد اقتصادی ما نیز ضربه یی است به دشمن که در بسیاری حالات اهمیت کمتری از عملیات موفقانه نظامی ندارد. در نظر اول چنین معلوم می شود که همه چیز روشن و واضح است. لیکن ما باید صریح و نقادانه اعتراف نماییم که هنوز کمیته ها و سازمانهای حزبی شعبات آپارات حزبی و قبل از همه شعبات اقتصادی و بالاخره همه حزب طوری که شاید و بایند به امور اقتصادی نمی پردازند و نقش و مسؤولیت خود را در تحقق سیاست اقتصادی و این امر که باید در زمینه توجه و مساعی لازم معطوف گردد، درست و به صورت انقلابی درک نمی کنند. رفقای ما هنوز عادت نگرفته اند که به فعالیت اقتصادی بپردازند. اهمیت واقعی حیاتی آنرا برای حزب و انقلاب به صورت علمی و عملی تشخیص نمی دهند و نمی دانند چگونه با این مسایل بر خور داصولی شود و باصلاحیت حل و فصل گردد. جداً باید گفت که این پدیده در حزب و حکومت ما بسیار و بسیار منفی است و از ریشه نادرست است. عضو حزب، با گذشت پنجسال از انقلاب ثور که هنوز هم نداند و یا نخواهد بداند که پیروزی ما بدون حل و فصل درست، پیگیر و هرچه کاملتر

پروبلمهای حاد اقتصادی که مستقیماً با منافع میلیون ها زحمتکش ارتباط دارد، امکان پذیر نیست، چنین عضو حزب مخصوصاً اگر به وی مقام پر مسؤولیت اعتماد شده باشد، باید تحت مؤاخذه و بازخواست جدی قرار گیرد. متوجه ساختن فکر و عمل همه اعضای حزب به سوی اقتصاد به معنی متوجه ساختن همه حزب به مردم و نیازمندی ها و آرزوهای اساسی آنها در عمل است و نه در حرف.

تیوریسن و سازمانده بزرگ انقلابی و رهبر پرولتاریای جهان می آموخت که اقتصاد، بهره دهی کار، تأمین رشد همه جانبه نیروهای مولده در آخرین تحلیل، مهمترین و عمده ترین مسئله برای پیروزی نظام اجتماعی نوین و پیشرو، برای محو عقب مانده گی و رسیدن به ترقی همه جانبه به شمار می رود. به اقتصاد، نقش و اهمیت فعالیت اقتصادی باید اینطور نگریست، و من صریحاً می گویم: اگر ما قبل از انقلاب ثور نتوانستیم کادرهای خود را با شیوه درست تفکر برمسایل اقتصادی و برخورد سالم نسبت به مسؤولیت اقتصادی حزب برای بعد از پیروزی انقلاب مجهز سازیم، اکنون دیگر این وضع غیرقابل تحمل است.

منجمله باید گفت که در کار سازمان ها و کمیته های حزب هنوز هم مسایل اقتصادی مقام لازم را اشغال نکرده است. نتایج بررسی نشان داده است که در مجموع مسایل مورد بررسی در سال جاری در بیست و یک کمیته ولایتی حزب مسایل اقتصادی فقط شش فیصد را تشکیل میدهد.

رفقا!

منشی های کمیته های حزبی ولایتی توجه شان جدا به این امر معطوف می گردد و کمیته های ولایتی لوگر، پروان، غور، وردک، پکتیا، ننگرهار، بغلان، بدخشان یا اینکه یک یا دومیته اقتصادی را مورد بررسی قرار داده و یا اینکه هیچ مسئله اقتصادی را مطرح نساخته اند. در صورت چنین وضع معلوم می شود که کمیته های حزبی نمی توانند مسایل مهم مربوط به بهبود شرایط زنده گی زحمتکشان را حل نمایند. درین صورت وظیفه مقامات رهبری حزبی است که در زمینه، تصمیم لازم در مورد چنین اشخاص و کمیتهها اتخاذ نماید.

در رابطه با این موضوع بجاست تذکرات رهبر پرولتاریای جهان را یاد آوری کرد. هنگامی که وی اطلاع یافت که در جلسات ارگان های حزبی و دولتی اکثریت مسایل مورد بررسی را صرفاً مسایل سیاسی و تبلیغاتی می سازد گفت: «باید برعکس، باشد. واقعاً هم مسایل اقتصادی در کار کمیته های حزبی مقام پایینتر از آنچه را که در زندگی مردم دارد نباید داشته باشد. در غیر آن مردم ما، حزبی ها را درک نخواهند کرد. در رابطه با این موضوع صریحاً باید گفت که کار شعبات اقتصادی حزب به بهبود قطعی ضرورت دارد. این شعبات هنوز به قرارگاه های رزمی حزب در امر تحقق سیاست اقتصادی آن در محلات، به مراکز کار در جهت بسیج مردم برای باز

سازی مؤسسات، سرک‌ها، پلها، افزایش تولید، بهبودی تأمین احتیاجات مردم و حفظ آنچه که تولید میشود و انتقال می‌یابد، مبدل نشده‌اند. درینجا تجدید نظر قطعی در امر برخورد رفقای مسؤول و کارمندان شعبات اقتصادی کمیته‌های حزبی نسبت به امور مربوط و نسبت به وظایف شان در برابر حزب و مردم ضروری است.

و بالاخره از کمیته‌های حزبی و ارگان‌های دولتی جداخواسته می‌شود که در برخورد خود نسبت به سازماندهی و تحقق کنترل بر اجرای تصمیمات اتخاذ شده تجدید نظر قطعی نموده تغییر ریشه‌یی وارد سازند. این سخن که بسیاری از تصمیمات اتخاذ شده تحقق نمی‌پذیرد يك واقعیت دردناک است. عدم موجودیت کنترل مؤثر بر اجرای تصمیمات اتخاذ شده در فعالیت اقتصادی ما پدیده کاملاً غیرقابل تحمل است. این پدیده نشانه ضعف کار اپارات حزبی و دولتی می‌باشد. فقط با مبارزه آشتی ناپذیر با این پدیده و برخورد جدی و قاطع با آن میتوانیم این نقص بزرگ و مرگ آور را رفع نماییم.

اینک تذکری در باره یک موضوع دیگر: بعد از این کار ایدیولوژیک باید مجدانه و به مراتب بیشتر از گذشته با حیات اقتصادی و فعالیت حزب و دولت در عرصه اقتصاد، ارتباط داشته باشد. سیاست حزب باید برای توده‌های وسیع مردم قابل فهم باشد و به جلب آنان در امر احیا و رشد اقتصاد مساعدت کند. تجارب سازمانهای حزبی پیشرو، ابتکارات و دستاوردها در عرصه کار باید دائماً از طریق رسانه‌های گروهی پخش و معرفی گردد. زمان آن فرارسیده است که آموزش منظم و پلان شده‌ی مبادی دانش اقتصادی هم از لحاظ تیوریک و هم از لحاظ عملی مشخص برای کادرهای حزبی سازمان داده شود. شعبه تبلیغ، ترویج و آموزش کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان موظف است همه این مسایل را بررسی و مجموعی از تدابیر را در زمینه طرح نماید.

رفقا!

به يك سوال جدی برمی‌خوریم، باید به صراحت لهجه گفت که موضع ما از لحاظ اقتصادی موضع انقلابی است، طوری که در دیگر شئون حیات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اداری، حقوقی، فلسفی و غیره و غیره منحصراً يك سیستم جامعه به آن معتقدیم ولیکن با کمال تأسف باید اعلان بدارم که عده‌یی از رفقا هستند که هنوز با آموزش اقتصادی تیوری علمی انقلابی بیگانه هستند. تا ما این آموزش را عمیقاً فرا نگیریم، نمی‌توانیم وظایف جدی و انقلابی خود را از لحاظ تیوری و پراکتیک در اوضاع و احوال و شرایط بخصوص جامعه افغانستان و کشور ما بخصوص در وضع مبرم روز درک و تشخیص نماییم. وقتی که ما وظایف مبرم اقتصادی را درست درک و تشخیص ندهیم و بخصوص کرکترستیک و خصوصیات جامعه خود را درست درک نکنیم، چگونه می‌توانیم اهداف ستراتیژیک اقتصادی حزب و انقلاب را درک کنیم و به آن تحقق ببخشیم.

رفقا !

همه میدانند که اعمار اقتصادی جامعه ما در شرایط پیچیده و دشوار جریان دارد. باندهای مسلح ضدانقلاب با کمک و پشتیبانی وسیع و همه جانبه امپریالیزم و ارتجاع منطقه به سیاهکاری های خویشی ادامه میدهند. این نیروها تلاش می ورزند بینظمی اقتصادی را به میان آورند. تولید و تأمین کالا هارامختل سازند. گرسنه گی را ایجاد نمایند، یا به اختصار بگوییم میخواهند به قیمت بدترساختن شرایط زنده گی مردم، اعتماد آنانرا نسبت به حاکمیت انقلابی زحمتکشان و توانایی این حاکمیت را برای عادی ساختن اوضاع، تضعیف نمایند.

خساراتی که به وسیله ضدانقلاب مسلح وارد شده است بالغ بر بیست و چارمیلیارد افغانی میگردد و شاید هم بیشتر به این خسارات حتماً تأثیرات منفی را بر پلان های ما وارد آورده، پیشرفت را کند نموده و مردم را از حصول آنچه که پیش بینی شده بود، محروم ساخته است. همه اینها واضح است. اما، اگر وضع را از لحاظ محاسبات کلی و عمومی نظامی سیاسی امپریالیزم بررسی کنیم، با اطمینان می توان گفت که این محاسبات و پلانهای آنان نقش بر آب شده است. ما یقین داریم که تاکتیک باندینیزم اقتصادی خرابکاری نیز با شکست مواجه خواهد شد. آنان موفق نشدند تولید زراعتی و صنعتی و کار ترانسپورت و مواصلات را فلج و نجریان زنده گی اقتصادی کشور را مختل سازند. ما توانایی آنرا داریم که وظایف جدی را در عرصه اقتصاد مطرح سازیم و به اجرای موفقانه آن نایل آیم.

امروز در پلینوم ما، یعنی در پلنوم یازدهم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان وظیفه بازسازی صنایع و زراعت را به مثابه وظیفه عمده سالهای نزدیک مطرح می سازد تا در جریان سال های ۱۳۶۳-۱۳۶۲ در رشته های اساسی اقتصاد به پیشرفت هایی نایل آیم. بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان از همه اعضای حزب، تمام وطنپرستان و همه زحمتکشان کشور دعوت به عمل می آورد که نیرو و انرژی خودرا صرف حصول این هدف شریفانه و انقلابی سازند.

اتحاد شوروی بزرگ و نیرومند، کمک اقتصادی عظیم و گرانبهایی به کشور ما میبذول میدارد. دشمنان ما مذبحخانه سروصداهایی را درباره موجودیت قطعات محدود نظامی اتحاد شوروی در کشور ما به راه می اندازند. آنان گلوی خویش را پاره خواهند کرد، ولی موفق نخواهند شد حقایق را ببوشانند. کمکاقتصادی و علمی-تخنیکی اتحاد شوروی به کشور ما تأثیرات مثبت و مفید را بر عادی ساختن اوضاع و حل پروبلم های حاد اقتصادی بجا می گذارد.

من از این امکان استفاده نموده، سپاسگزاری و امتنان عمیق قلبی خودرا به دوست بزرگی ما رفیق یوری ولادیمیر ویچ اندروپوف منشی عمومی کمیته مرکزی حزب

کمونیست اتحاد شوروی به خاطر کمک واقع حیاتی و مهم به افغانستان ابراز میدارم. مردم افغانستان و نسل های آینده جمهوری دموکراتیک افغانستان و فرزندان مردم زحمتکش افغانستان هیچگاه این کمک و همکاری را فراموش نخواهند کرد. وظیفه و وجیه ماست تا این کمک شریفانه و بیشایبه و برادرانه به طور کامل و مؤثر مورد استفاده قرار گیرد.

من در این باره برای آنانی صحبت می نمایم که در نزد بعضی شان چنین تصویری وجود دارد که گویا کمک های اتحاد شوروی خود به خود همه پرو بلمهای مارا حل می نماید این موضوع نادرست است. آری، اتحاد شوروی به ما در امر دفاع از حاکمیت ملی و استقلال کشور کمک همه جانبه میزود. از لحاظ اقتصادی پشتیبانی حیاتی و مهم می نماید و تجارب پیشرفته و مهم را در عرصه کار حزبی و دولتی در اختیار ما می گذارد، لیکن باز هم کمک دوستان تنها می تواند به رشد انقلاب مساعدت کند. وسیله عمده مساعی و کار خود ما و شما است. ما خود باید در مورد حل مسایل رشد اقتصادی تصمیم بگیریم و مسؤولیت این تصمیم نیز به عهده خود ماست. کمک دوستان مسؤولیت ما را سبکتر نمی سازد، بلکه برعکس افزایش میدهد. بنابراین هر عضو اصلی و آزمایشی حزب باید این مسؤولیت را واقع احساس و عمیقاً درک نماید و چنان کار کند که شایسته گی خود را برای این اعتماد دوستان ما ثابت سازد.

به همین سبب، رفقا یک بار دیگر از شما و از طریق شما از همه حزب دعوت به عمل می آید تا در حل پروبلم های اقتصادی از خود فعالیت ابتکار، خلاقیت شجاعانه و حتی از جانگذری نشان بدهید.

رفقا! مسایل اقتصادی حل نشده ما بسیار است و همه آنها حاد و مبرم بوده و تمام زحمتکشان و توده های وسیع مردم حل درست و به موقع آنها را انتظار دارند. اما توجه بی که از جانب کمیته ها و سازمانهای حزبی، دستگاه دولتی، وزارت ها و ادارات و سازمانهای اقتصادی به این پرو بلمها صورت می گیرد، واضحاً غیرکافی است. در نتیجه ما موفق به حل یک سلسله پرو بلمهای حاد اقتصادی نمی گردیم. منحیث مثال مسئله بازسازی و فعال ساختن مؤسسات اقتصادی تخریب شده یعنی فابریکه ها، کارخانه ها، دستگاه های تولید و لین های انتقال برق، خطوط مخابراتی، تأسیسات آبیاری و غیره را متذکر می شویم. من خودم در جریان مسافرتها به نواحی مختلف کشور و دیدار باز زحمتکشان متیقن شدم که آنان آماده اند سهم خود را در امر مبرم و نزدیک به خود شان ایفا نمایند و هم در محلات امکانات لازم وجود دارد. در عین زمان بازسازی و فعال ساختن مؤسسات تخریب شده و یا متوقف شده به طور غیرقابل تحمل بطی و در مقیاس محدود صورت می گیرد. بازسازی بسیاری از مؤسسات مذکور تحت آتش دشمن صورت می گیرد و این مسئله را نمیتوان نادیده گرفت. اما تعداد زیاد این مؤسسات در مناطقی غیر فعال اند که در آنجا هیچ باندی

وجود ندارد و ضمن این وضع مدت مدیدی است ادامه دارد. یکی از علل این وضع عدم احساس مسؤلیت انقلابی و وطنپرستانه، عدم نظم و ابتکار، بی تفاوتی و سهل انگاری، تنبلی و بی علاقه گی، عدم توانایی و یا نداشتن روحیه انقلابی و آرزو برای کار به شکل شاید و باید است. من فکر می کنم اعضای کمیته مرکزی توافق دارند که چنین کارمندانی را نمیتوان دیگر مجازات نکرد. بگذار دیگر هیچ کسی امیدوار نباشد که با ناکامی در يك عرصه کار به عرصه دیگر با حفظ امتیازات و یا حتی ارتقای مقام و افزایش معاش تبدیل می گردد. چنانچه متأسفانه تاکنون موارد زیادی از این قبیل به نظر می رسد، اما بعد از این دیگر چنین نخواهد بود.

دیگر اینکه تقویت فعالیت اقتصادی در محلات باید همراه با تحکیم دفاع خودی و جلب زحمتکشان به آن صورت گیرد. تا هنوز نتوانسته ایم این حقیقت ساده را در عمل پیاده نماییم. دهقانی که به کشت غله و چوپانی که به تربیه حیوانات می پردازد، ضرورت دارند که غله حیوانات و محصولات حیوانی شان از شر باندیت ها و دزدان مصئون باشد و به صورت محفوظ به بازار عرضه گردد. کسانی که به تولید محصولات می پردازند، خواه کارگر، خواه دهقان و یا چوپان باشد، در حفظ آن عمیقاً ذینفع اند. هر قدر هم درینجا نقش اردو و خارندوی بزرگ باشد، باز هم متصور نیست که هر کشتزار و هر رمه حیوانات فقط به وسیله نیروهای مسلح نظامی حفظ گردد. وظیفه ارگان های حزبی، دولتی و نظامی است که به زحمتکشان در این امر مهم کمک نموده گروه ها و گروههای دفاع خودی را وسیعتر و با شجاعت تنظیم کنند و مولدین را برای دفاع از آنچه که خود تولید می کنند، سازمان دهند. این کار هم بالای تولید و هم بالای تأمین اهالی از لحاظ محصولات اثر مفید و مثبت می گذارد. این وظایف تنها اهمیت اقتصادی ندارد و اجرای آن به نفع انقلاب به طور عموم نیز است.

رفقا!

اکنون در باره بعضی از پرو بلمهای مشخص اقتصاد کشور و وظایف حزب و دولت در این عرصه صحبت می کنیم.

در این رابطه قبل از همه در باره وظایف مبرم در ساحه تولید صنعتی مطالبی بیان میداریم. اگر تولید انرژی برق، گاز، نفت، سمنت، محصولات صنایع سبک و خوراکی را افزایش نبخشیم، ما به رشد اقتصادی نایل نخواهیم شد. همه این محصولات را سکتور دولتی تهیه میدارد که ما برای رشد آن اهمیت بخصوص را قایل هستیم. آینده اقتصاد ما به طور کاملاً گسست ناپذیر با این سکتور ارتباط دارد. حزب این وظیفه را مطرح می سازد که به تأمین رشد فزاینده، تقویه و پیشرفت سکتور دولتی رجحان داده شود و ساختار آن، بهبودی حاصل نماید. در این جهت منابع مالی و مادی ضروری و کمکهای سخاوتمندانه اتحاد شوروی و سایر کشورهای برادر تخصیص داده می شود.

رفقا!

مسئله سکتور دولتی یکی از مسایل جدی، مبرم، اصولی، تیوریک و پراتیک ماست. مسئله تقویه سکتور دولتی یکی از وظایف عمده و اساسی ما طوری که قبلاً گفتم، اساس مادی و فنی بزرگی تحولات اجتماعی را بعد از به پیروزی رساندن انقلاب ملی و دموکراتیک ضد فیودالی و ضد امپریالیستی تشکیل میدهد. حزب ما ارتقای سطح و رشد بیشتر و پلان شده سکتور دولتی را در ساحه اقتصاد ملی وسیله قاطع برای ارتقای سطح رفاه مادی و رشد ثروت اجتماعی به طور کل می شمارد. همه این وظایف خواهان آنست که کار کمیته ها و سازمانهای حزبی و ارگان های دولتی با آن اهمیتی که سکتور دولتی در حال حاضر و در آینده دارد، مطابقت نماید. و این کار البته قبل از همه وابسته به توانایی و استعداد ما و صلاحیت مادر پیشبرد امور و حل پروبلم های سکتور دولتی است. ما باید بیاموزیم که چگونه پیشبرد امور اقتصادی را مطابق به منافع مردم، با تأمین صرفه جویی در منابع دولتی، حفظ ثروت دولتی و تحکیم دسپلین حزبی و دولتی انجام دهیم. برای کمیته های حزبی این امر در عمل به معنی آنست که از وضع تولید باخبر باشند، علل دشواری هایی را که به وجود میاید، درک نمایند و حزب و همه زحمتکشان را برای رفع آن بسیج سازند. توجه بخصوصی باید به تقویت رهبری اتحادیه های صنفی، سازمان دموکراتیک جوانان و سایر سازمانهای اجتماعی مبذول گردد تا نقش آنها در تأمین کار بلاوقفه مؤسسات ارتقا حاصل نماید. بدیهی است که همه این مسایل باید در رابطه محکم و نزدیک و همکاری با اداره حل گردد. کار مؤسسات مربوط سکتور دولتی، اشتراک سازمانهای حزبی و اجتماعی این مؤسسات در امور تولیدی باید همیشه مورد توجه جدی کمیته های حزبی قرار داشته باشد. در این زمینه تأکید می نمایم که مورد توجه جدی و دایمی قرار داشته باشد. متأسفانه تاکنون اینطور نیست. خود قضاوت نمایید: از یکصد و ده مسئله اقتصادی که در طی سال جاری در بیست و یک کمیته ولایتی حزبی مورد بررسی قرار گرفته، بیشتر از ده موضوع آن مربوط فعالیت مؤسسات سکتور دولتی نبوده و باوجود آن یکبار هم مورد کنترول و بازرسی مجدد بر آنها صورت نگرفته است.

در باره یک مسئله دیگر میخواستم صحبت کنم. متأسفانه در نزد بسیاری از رفقا نسبت به سکتور دولتی برخوردی وجود دارد که بنابر آن سکتور دولتی منبعی است که از آن همه نعمات را میتوان حاصل نمود ولی به صرف نیرو، توانایی و تجربه نمی آزد. این برخورد و طرز تلقی از ریشه نادرست است. سراسر حزب باید بدانند که رشد مؤفقانه سکتور دولتی فقط در صورت اشتراک فعالانه و علاقه مندی وسیع آنها امکان پذیر است.

با مسایل مربوط به تولید صنعتی در سکتور مختلط و خصوصی نیز نمیتوان تماس نگرفت. یادآوری می کنم که در رابطه با آنها در اسناد حزب سیاست دقیق و واقعبینانه

بی طرح ریزی شده است. با پیروی از این سیاست، کمیته های حزبی و ارگان های دولتی باید مواظب آن باشند تا سطح تولید در این سکتور ها کاهش نیپذیرد و آنها محصولات ضروری کشور و مردم را تأمین نمایند. از جانب دیگر این ارگان ها، وظیفه دارند اجازه ندهند که به منافع جامعه و دولت لطمه وارد گردد و از هرگونه سوء استفاده صاحبان و مسؤولین این سکتورها جلوگیری به عمل آید. همکاری اقتصادی باید و به صورت واقعی متقابلاً مفید باشد.

اکنون در باره پلان گذاری اقتصادی: روشن است که پلان گذاری کارپیچیده و دشوار است و ما هم تا کنون تجربه زیادی در این عرصه نداریم و بر علاوه دشواری های عینی موانع زیادی را به وجود می آورد.

اما باید با صراحت اعتراف نمود که ما هنوز به طور واقعی نیاموخته ایم که چگونه پلان گذاری نمود و حتی آینده نزدیک را پیشبینی کرد. همچنان توانایی کنترل بر جریان اجرای پلان هارا نیز نداشته ایم. رفقا! ضرورت است که هرچه زودتر و هرچه جدی تر این امور را بیاموزیم. نواقص ما در ساحه پلان گذاری و امور مالی و اجرای پلان های پیشبینی شده را مختل می سازد و از پیشرفت جلو گیری می کند. ما اشد ضرورت به پلان گذاری معقول و واقعینانه داریم. اما برخورد نسبت به آن همیشه این طور نیست. آمران و روسای بعضی از وزارت ها و ادارات اجرای پلان را تأمین نموده نمی توانند، در عین زمان خوش دارند از دولت تقاضاهای اضافی و بیش از حد کنند.

رفقا!

ما به نام مردم افغانستان، بنابر اراده آنان و به خاطر منافع شان انقلاب نموده ایم تا زنده گی مردم بهتر گردد. نمیتوان در برابر صعود قیم، وقفه ها و اختلالات در تأمین مردم از لحاظ مواد غذایی و بعض محصولات صنعتی و مواد سوخت و غیره بی تفاوت باقی ماند.

البته در شرایط پیچیده مبارزه با ضدانقلاب هنگامی که روابط اقتصادی عادی بین مناطق مختل شده است، يك اندازه صعود قیم از لحاظ اقتصادی ناگزیر و قابل توجیه و توضیح است. اما آیا همین يك علت وجود دارد؟ روشن است که فعالیت ما، کنترل ما در این ساحه کاملاً غیرکافی میباشد. نباید فراموش کرد که زحمتکشان عمدتاً با در نظر داشت مشخصاتی چون سطح قیم و تأمینات در باره حکومت ما قضاوت می نمایند. مسئله قیم نه تنها در کشور ما بلکه در تمام کشورهای جهان در رابطه با زندگی مردم یکی از مسایل عمده و اساسی است. موجودیت خرد ترین نوسان در قیمتها بخصوص در کشورهایی که انقلاب ها به پیروزی رسیده باشد و از آن جمله در کشور ما سبب نارضایتی های بزرگ مردم میگردد. وظیفه است که از همه امکانات و منابع استفاده نماییم تا وضع آنانرا سهولت بخشیم. کمیته های حزبی ولایتی و

شهری، سازمانهای اولیه، ارگانهای دولتی در مرکز و محلات همه باید مستقیماً و به طور مشخص به این مسئله بپردازند.

ضمناً باید یادآور شد که در این عرصه باید سیستم کاملی از تدابیر که برای امروز و آینده مدنظر گرفته شده باشد، طرح و عملی گردد، زیرا در کشور ما امکانات کافی برای تأمین مردم از لحاظ کالا های داخلی منسوجات و پاپوش، غله و میوه جات و خوراکیهای کانسرو شده، شکر و نمک و وسایل کارآمد روزمره وجود دارد. ما باید منابع مواد غذایی، انرژی و سوخت، ترانسپورت و مواصلات و غیره را بسیج نماییم و در صورت لزوم برای بهبود تأمینات و استقرار قیم از تدابیر اداری استفاده کنیم.

از اشکال و انواع تأمین خودی استفاده ضعیف صورت می گیرد و تجربه آن خوب گسترش نمی یابد، در حالیکه در بعضی از مؤسسات نتایج خوبی را به بار آورده است. چندی قبل، هنگامی که من از کارخانه جنگلک دیدن نمودم از کارگران شنیدم که در آن کارخانه مغاز فروش مواد غذایی ایجاد شده است. مواد غذایی برای مغازه قبلاً به طور مستقیم از محلات زراعتی و اکنون از طریق اتحادیه کوپراتیف های دهقانی جمهوری دموکراتیک افغانستان خریداری می شود و به کارگران به قیمت نازلتر از بازار عرضه می گردد. این تجربه قابل عطف توجه جدی و پشتیبانی است. خوب است که این ابتکار در محیط کارگری صورت گرفته است.

ضروری است که در باره یک سلسله ابتکارات از جانب حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان نیز فکر شود. مثلاً در باره ایجاد ذخایر مخصوص حکومتی که به کمک آن میتوان بر سطح قیم بعضی از کالا های مورد ضرورت اولیه تأثیر بیشتر و بهتر وارد نمود. ضروری است تا تدابیر جدی جهت تنظیم مصارف اسعاری و خریداری تجهیزات، مواد و کالاهای خارجی اتخاذ گردد. مسایل مربوط به رشد منابع انرژی کشور نیز نیازمند توجه جدی است. عقب مانده گی صنایع سبک و صنایع غذایی را ازین بیشتر نمیتوان تحمل نمود. همه این تدابیر و تدابیر دیگری باید به طور عاجل و فوری طرح و تنظیم گردد و بدون عقب ماندن از وضع موجود اقتصادی به شکل اپراتیفی با اشتراك وسیع و فعال ارگانهای حزبی، سازمانهای اجتماعی و توده های وسیع زحمتکشانشان تحقق یابد.

اکنون در باره ترانسپورت: به مثابه رشته حیاتی و مهم اقتصاد ما صحبت می کنیم. من درینجا در باره پروبلم ها و دشواری های خالص تکنیکی حرف نمی زنم. فقط خاطر نشان می سازم که اکنون موفق شده ایم کار بزرگ دارای اهمیت حیاتی برای تأمین صنایع و مردم و برای همه اقتصاد کشور را آغاز نماییم. برای نخستین بار در کشور سکتور دولتی در ترانسپورت موثر ایجاد شده است. به برکت کمک اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، جمهوری سوسیالیستی چکوسلواکیا، جمهوری مردم بلغاریا و سایر کشورهای برادر سوسیالیستی چند هزار عراده موتر باربری قوی،

تانکرتیل و سایر وسایل ترانسپورتی به کار انتقالات بارها و اموال ضروری آغاز نموده اند. اما سهم موترهای سکتور دولتی در مجموع انتقالات اموال و بارها هنوز بسیار پایین بوده و مؤثریت کار آن باید به مراتب بهبود حاصل نماید. و بر علاوه همه اینها کمیته های حزبی، شعبات اقتصادی آنها، ارگان های دولتی هم در مرکز و هم مخصوص در ولایات هنوز به این امر مهم، نو و ضروری مواظبت و توجه لازم می پذیرند، در حالیکه وظیفه این ارگانهاست که باید علاقه مندی بخصوصی را نسبت به ایجاد شرایط برای کار بلاوقفه ترانسپورت دولتی نشان دهند.

رفقا!

اکنون در باره وضع اصلاحات ارضی و آب صحبت می نمایم: این اصلاحات از لحاظ ماهیت خود بیان و تجلی تراکم یافته سیاست حزب دموکراتیک خلق افغانستان و قدرت انقلابی نسبت به دهقانان در مرحله انقلاب ملی و دموکراتیک است. ما همه اسناد حزبی مربوط به اصلاحات ارضی و آب را بر مبنای چنین درک مسئله طرح و تدوین نموده ایم و همه فعالیت عملی ارگان های حزبی و دولتی در تحقق سیاست حزب نیز باید بر درک این مسئله استوار باشد.

ولی ناگزیر باید اعتراف نمود که هنوز چنین نیست. اصلاحات ارضی و آب در ولایات بسیار بطی و کاملاً غیرقناعتبخش، پیش می رود. هنوز نه ارگان های دولتی چون وزارت زراعت و اصلاحات ارضی و وزارت آبیاری و نه کمیته های حزبی هیچکدام در محلات به طور واقعی در پیشبرد اصلاحات سهم نگرفته اند. گرچه اینها اند که باید الهام دهنده گان و رهبران سازمانده اصلاحات دموکراتیک ارضی و آب باشند. اما ببینید که دهقانان از ما انتظار زمین و آب و انتظار کمک را دارند و وظیفه مقدس ماست تا آنچه را که وعده نموده ایم به آنان بدهیم.

چه چیزی مانع آن می گردد که ما وعده های خود را به طور کامل برآورده سازیم؟ به چه چیزی باید در درجه اول توجه نمود؟

یک - باید پراکنده گی، عدم هماهنگی و عدم توافق بین ادارات مختلف سهم در این امر، به طور قطع از میان برداشته شود. بر علاوه باید آنها در تماس نزدیک با ارگانهای حزبی کار نمایند. تا اکنون چنین به نظر می رسد که علاقه مندی واقعی به تحقق اصلاحات ارضی و وجود ندارد.

دو- به صراحت دیده می شود که در این عرصه کار پیگیر، پایداری و حالت تعرضی کافی وجود ندارد. حتی کارهای تخنیکی و مقدماتی چون مطالعه اسناد، بررسی وضع در محلات بدون دلایل موجه با کندی و تنبلی بسیار زیاد و در مقیاس بسیار کوچک پیش می رود.

سه - پیشبرد و تحکیم موفقانه اصلاحات ارضی و آب مستقیم با استحکام ارگانهای قدرت محلی ارتباط دارد. پایداری و اتوریته این ارگانها نه تنها به پیشبرد عملیه اصلاحات مساعدت می کند ، بلکه اعتماد دهقانان به برگشت ناپذیری اصلاحات را تأمین و به جلب توده های دهقانی در رشد بعدی و تعمیق اصلاحات و دفاع از نتایج آن نیز کمک می نماید.

چهار- هنوز هم کار توضیح اهداف و محتوای اصلاحات به طور ضعیف پیش برده می شود. به این مسئله که اقدامات و تدابیر درستی چون اصلاحات باید درست درک گردد کمتر اهمیت داده می شود. در حالی که این امر برای پیروزی و موفقیت حتمی می باشد.

در شرایط ما نه تنها عواقب نادرست گذشته، تلقینات و بی سوادی توده های اساسی باشندگان دهات، بلکه تبلیغات خصمانه و پلان شده دشمن نیز موانع ی را بر سر راه درک درست مسایل ایجاد می کند. در آنجایی که مستقیماً و عملاً سرنوشت اصلاحات ارضی و آب مطرح است، ما باید با تمام قوت ندای حقیقت و ندای حزب را بلند کنیم و همه وظایفی را که نهمین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان پیش کشیده است، انجام دهیم .

پنج - هنوز هم اصلاحات ارضی و آب عمدتاً بر اساس اصل «از بالا به پایین» صورت می گیرد. جلب توده های وسیع دهقانان در اینکار هنوز کافی نیست. روشن است که نمی توان اصلاحات را فقط با میتوذهای اداری پیش برد. از این جا هم وظیفه دیگر نشأت می کند: با تمام وسایل موجود و تدابیر ممکن باید دهقانان را به اشتراک در تحقق مستقیم اصلاحات جلب نمود. اجرای این وظیفه به معنی فیصله سرنوشت و مقدرات مجموع کار اصلاحات است.

در ارتباط با این موضوع به تحلیل مسایلی که در جلسات کمیته های حزبی ولایتی مورد بررسی قرار می گیرد، بازمی گردیم. باید گفت که وضع اصلاحات ارضی تقریباً در همه جا مورد بحث و ارزیابی قرار گرفته است. این واقعیت خود به خود بد نیست، ولی متأسفانه باید اعتراف و انتقاد نمود که تاکنون نتایج بحث و ارزیابی رضایتبخش نبوده است.

رفقا!

هر مسئله اقتصادی را که مطرح نمایم، کلید حل آنرا کادرها می سازند، زیرا آنان باید سیاست اقتصادی حزب را در عمل پیاده نمایند. همه چیز مربوط به آماده گی حرفه وی و پخته گی سیاسی آنان است. البته ما با کمبود کارگران، تخبیکران و انجنیران ماهر و کارشناسان ماهر زراعت و وترنری مواجه هستیم. اما، باید اعتراف نمود که از امکانات موجود نیز استفاده کافی و معقول صورت نمی گیرد.

منجمله این وضع در مورد تربیت کادرها در خارج از کشور، قبل از همه در اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی صدق می نماید. درینجا چند پروبلم وجود دارد. بعضاً در انتخاب آنها به قدر کافی فکر نمی شود بدون در نظر داشت ضرورت و نیازمندی به این یا آن رشته صورت می گیرد. بعضاً کسانی برای آموزش به خارج فرستاده می شوند که توانایی آنها ندارند و فقط در نتیجه تصادف و یا براساس روابط شخصی و خویشاوندی و دیگر عوامل غیر مفید انتخاب می گردند. وزارت ها و دارات مربوط برای جذب و به کار انداختن مؤثر متخصصانی که بعد از فراغت از تحصیل باز می گردند، آماده گی ندارند.

بعضاً امکان استفاده از آنان در اقتصاد ملی وجود ندارد. به این وضع باید خاتمه بخشید. دولت باید پلان دقیق تربیت و تقسیمات متخصصان را داشته باشد و آنها را پیگیری عملی سازد. ارگان های حزبی هم نباید از این کار به دور مانند.

در رابطه با تربیت کارگران و متخصصان دارای سطح متوسط و عالی تعلیمات در داخل کشور نیز پروبله های مبرم و حل نشده کم نیست.

فکر می کنم که باید وزارت تحصیلات عالی و مسلکی و وزارت تعلیم و تربیه همراه با سایر وزارت های ذی علاقه پیشنهادهای خود را در زمینه حل این مسایل طرح و به شورای وزیران تقدیم نمایند.

در باره یک مسئله دیگر باید صحبت نمود، من در جریان ملاقات ها و صحبت ها با کارگران دریافتم و متیقن شدم که مسایل مربوط به تکمیل قوانین کار سخت مورد نیاز و دلچسپی و علاقه مندی شان قرار دارد و حتی ازین رهگذر تشویش ها و پریشانی هایی دارند. علاقه مندی آنان کاملاً قابل درک است. طرح و تدوین مسوده های این قوانین جریان دارد و حتماً در آنها بر خورد و رابطه نوین نسبت به انسان زحمتکش افغانستان انعکاس خواهد یافت. باید کار طرح و تدوین قوانین مذکور را سرعت بخشید. جانب دیگر این پروبلم نیز وجود دارد. برخی از قوانین غیر عادلانه و مقررات که از گذشته، از زمان پیش از انقلاب باقی مانده با اینکه در تضاد با واقعیت موجود قرار گرفته و کهنه شده باز هم نافذ است. زمان آن فرارسیده است که همه سیستم قانونی و قانونگذاری کشور را مطابق به نیازمندی های مردم و واقعیت انقلابی و باز هم با در نظر داشت شرایط موجود در کشور عیار ساخت.

رفقا!

تنها داشتن ستراتیژی اقتصادی درست و کمک سخاوتمندانه دوستان و برادران ما کافی نیست. برای پیروزی در جبهه اقتصادی باید میکانیزم جدید، مؤثر و واحد اقتصادی داشت.

وزارت ها ، ادارات ، سازمانهای اقتصادی هنوز میکانیزم واحد نیست، این مهمترین اجزای آنست. همه ما می بینیم و میدانیم که این اجزا هنوز با عدم توافق، پراکنده و جدا از هم به وسیله موانع اداری، زیربار سنگین بیروکر اسیسم ومیراث گذشته کار می نمایند.

ارتقای سطح مسؤولیت ودسپلین در ارگانهای دولتی باید به قانون بلا انحراف فعالیت آنها مبدل گردد. ضرورت است تأثیر ورهبری حزبی بالای آنها تقویت گردد. تنها اراده حزب می تواند این اجزای متشکله موجود را در یک سیستم واحد در آورد و با هم پیوند محکم دهد تا به طور مؤثر وبا نظم و اتفاق کار نمایند. سیاست کادرهای حزب نقش بزرگی را در این امر ایفا می نماید. حزب باید به طور دایمی امور را به طرف ایجاد چنین میکانیزم اقتصادی انقلابی در افغانستان هدایت کند. چه چیزی برای اینکار لازم است؟ چه کاری باید همین امروز صورت گیرد؟

اجازه بدهید، با صراحت کامل یکباردیگر خاطر نشان سازم که حزب باید نقش خود را در زنده گی اقتصادی کشور درست وانقلابی ایفا نماید. اگر يك وزارت یا اداره تنها پاسخگوی کار در عرصه وجهت خود ودر حدود وظایف وخصوصیات مربوط به خود است، کمیته های حزبی ولایتی، شهری، ولسوالی وعلاقه داری در امر حل درست و به موقع مسایل اقتصادی در محلات مربوط به خود، در امر تحقق درست سیاست اقتصادی حزب در این محلات، در امر حفظ وحراست منافع زحمتکشان وارضای به موقع وهرچه بیشتر و کاملتر نیازمندی های آنان در حدود امکانات موجود مسؤولیت دارند.

چنانچه همیشه خاطر نشان ساخته ایم ارگان های حزبی نباید اداره را تعویض نمایند و نباید مستقیماً «اداره» تولید را به دست گیرند. کمیته ها وسازمانهای حزبی وظیفه دارند در ولایات، شهر ها، ولسوالی ها، علاقه داریها ومؤسسات تولیدی به بهبود همه جانبه حیات اقتصادی مساعدت نمایند ونقش تعیین کننده را در تأمین رشد اقتصادی از لحاظ سیاسی، تربیتی، تبلیغاتی وسازمانی ایفا کنند.

رفقا!

آموزش، طرز تفکر وعمل در امور اقتصادی باید بدون قطع و همراه با مبارزه اصولی ما به خاطر تحکیم وحدت حزب، به خاطر تحقق کامل وپیگیر سیاست آن در عمل، به خاطر تحقق مشی عمومی آن که در اسناد کنفرانس سرتاسری حزبی، پلینوم های نهم و دهم آن بیان شده است، صورت گیرد. بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان با دقت جریان اجرای تصامیم حزب را تعقیب نموده ورشد حیات درون حزبی را به طور عمیق مورد مطالعه و بررسی قرار داده و میدهد.

حزب ما روز تاروز قوت می گیرد. استحکام سازمانی، تجربه و آماده گی ایدیولوژیک آن رشد می یابد. اکنون ما می توانیم به حل پروبلم های بزرگ بپردازیم و همه مقدمات ضروری برای حل موفقانه آنها وجود دارد. ما در مبارزه، در کار و پیکار انقلابی خود تنها نیستیم، اتحادشوروی بزرگی، سایر کشورهای برادر، دول دوست و نیروهای مترقی بشریت با ما اند. خلق قهرمان و پرافتخار افغانستان از ما انتظار کارنامه های بزرگ و قهرمانانه را دارند، زیرا این مردم زحمتکش افغانستان است که تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان، پیشاهنگ طبقه کارگر و تمام زحمتکشان افغانستان، این حزب قهرمانان و شهیدان پس از سیزده سال تأسیس خود علی الرغم شرایط عقمانده کشور توانست بیرق انقلاب آزادیبخش خلق را در افغانستان برافرازد. لذا تکرار می کنیم خلق قهرمان و پرافتخار افغانستان از ما انتظار کارنامه های بزرگ و قهرمانانه را دارند و ما باید این خواست آنان را که براساس اراده آنان انقلاب کرده ایم، برآورده سازیم. حتماً برآورده سازیم و حتماً برآورده خواهیم ساخت!

فهرست

شماره	عنوان	صفحه
۱	۱- حزب دموکراتیک خلق افغانستان جزء جدایی ناپذیر خانواده احزاب طراز نوین طبقه کارگر است (بیانیه شفاهی در انستیتوت علوم اجتماعی کمیته مرکزی حزب کمونست اتحاد شوروی - ۲۲ فبر و ری ۱۹۸۱)	
۱۹	۲- اردوی طراز نوین و آزادیبخش خلق های افغانستان در جبهه وسیع جهانی صلح، آزادی و ترقی قرار دارد. (بیانیه شفاهی در اجتماع افسران، سربازان و فعالین حزبی فرقه ۱۱ ننگرهار - ۳۰ حمل ۱۳۶۰)	
۲۳	۳- خلق زحمتکش و مسلمان افغانستان تکیه گاه خلل ناپذیر دفاع از دستاوردهای انقلاب ماست (بیانیه در جلسه فوق العاده شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان به مناسبت سومین سالگرد انقلاب ثور(۶ - ثور ۱۳۶۰)	
۳۱	۴- جبهه ملی پدروطن، مظهر عملی وحدت نیروهای سازنده جامعه نوین افغانستان است - (بیانیه در کنگره مؤسس جبهه ملی پدروطن ۲۵ جوزای ۱۳۶۰)	
۴۷	۵- روابط برادرانه بین جمهوری دموکراتیک افغانستان و جمهوری سوسیالیستی چکوسلواکیا به نفع صلح در جهان و تحکیم مواضع جنبش جهانی کارگری می باشد. (بیانیه در ضیافت پراگ ۲ سرطان ۱۳۶۰)	
۵۵	۶- ما به دوستی بزرگی که با خلق چکوسلواکیا داریم، ارج فراوان قایلیم. (بیانیه در ضیافت براتیسلاوا - ۴ سرطان ۱۳۶۰)	

شماره	عنوان	صفحه
۷-	تبدیل قوای مسلح، به قوای مسلح توده‌ی، و دارای قابلیت عالی محرابوی از وظایف اساسی ما در عرصه نظامی است (بیانیه در جلسه فعالین حزبی قوای مسلحبه ۲۰ اسد ۱۳۶۰)	۵۸
۸ -	پیروزی مرحله نوین انقلاب، یکبار دیگر استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی ما را از خطر نابودی نجات داد. (بیانیه به مناسبت شصت و دومین سالگرد استرداد استقلال کشور ۲۷ اسد ۱۳۶۰)	۶۷
۹-	جوانان دلیر میهن، مدافعین سرسپرده انقلا، وطن و منافع زحمتکشان افغانستان اند . (بیانیه در جلسه فعالین س.د.ج. در قوای مسلح ۱۷ سنبله ۱۳۶۰)	۷۱
۱۰ -	تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان، خاندوی قهرمان و نمونه را در جمهوری دموکراتیک افغانستان خواهیم ساخت. (بیانیه شفاهی هنگام توزیع مدالها برای افسران و سر بازان خاندوی که از خود قهرمانی نشان داده اند ۲۳ سنبله ۱۳۶۰)	۸۱
۱۱-	افسران جوان و انقلابی ما نقش عمده‌ی در توده‌ی ساختن اردوی قهرمان ما دارند . (بیانیه در محفل تقویض دیپلوماها و مدالها برای فارغان مؤسسات تعلیمی نظامی ۱۷ عقرب ۱۳۶۰)	۸۶
۱۲-	مردم ما سازمان همبستگی خلقهای آسیا و مافریقا را مظهر اتحاد تمام جنبشهای انقلابی و مرهایی بخش این قاره میدانند (بیانیه هنگام افتتاح دهمین اجلاس هیات رئیسه سازمان همبستگی خلقهای آسیا و افریقا در کابل ۲۷ عقرب ۱۳۶۰)	۹۵
۱۳ -	روند انقلابی در جمهوری دموکراتیک افغانستان رشد و تعمیق مییابد (گزارش به پلینوم هفتم کمیته مرکزی ح.د.خ. ا. ۱۴ قوس ۱۳۶۰)	۱۰۳

شماره	عنوان	صفحه
۱۴	اهدای نشان «خورشید آزادی» مظهر سپاسگزاری عمیق مردم افغانستان به خلفهای اتحاد شوروی و دولت اتحاد شوروی است (بیانیه هنگام اهدای نشان «خورشید آزادی» به ل. ا. برژنف، ۲۵ قوس ۱۳۶۰)	۱۱۷
۱۵	پیوند های دوستی و برادری میان مردم افغانستان و مردم بلغاریای سوسیالیستی هر چه بیشتر گسترش و تحکیم مییابد. (بیانیه در ضیافت صوفیه د ۲۵ قوس ۱۳۶۰)	۱۲۰
۱۶	روابط میان جمهوری دموکراتیک افغانستان و جمهوری سوسیالیستی بلغاریا بر مبنای انترناسیونالیزم پرولتری رشد و تقویت مییابد. (بیانیه در ضیافت وارانای بلغاریا- ۲۸ قوس ۱۳۶۰)	۱۲۹
۱۷	کارت عضویت حزب دموکراتیک خلق افغانستان را چون شرف خود حفظ میکنیم و آنرا مظهر وحدت خدشه ناپذیر حزب قهرمان خود میدانیم. (بیانیه هنگام دریافت کارت عضویت نمبر يك ح. د. خ. ۱۳۱ جدی ۱۳۶۰)	۱۳۵
۱۸	دریافت کارت عضویت حزب محبوب مان برای هر عضو اصلی و صدیق آن حادثه پر اهمیت است و افتخار والایی به شمار میرود. (بیانیه هنگام توزیع کارت های عضویت حزبه اعضای کمیته مرکزی و یکتعداد نماینده گان زحمتکشان - ۲۰ جدی ۱۳۶۰)	۱۳۸
۱۹	انقلابیون واقعی آنچه را که در برابر خود طرح میکنند، به سر میسازند (بیانیه در کنفرانس سازمان حزبی شهر کابل. ۲۹ دلو ۱۳۶۰)	۱۴۰
۲۰	اتحاد کارگران و دهقانان ضامن رشد انقلاب ثور، تا آخرین مراحل تکاملی آن میباشد. (بیانیه در جلسه مسئولین وزارت ها و ارگانهای محلی حزبی و دولتی ج. د. در باره اصلاحات ارضی دموکراتیک در ج. د. ا. - ۲۴ حوت ۱۳۶۰)	۱۴۸

شماره	عنوان	صفحه
۲۱-	رزمنده گان سرسپرده راه توده ها، راه فرزندان گلگون کفن حزب پر افتخار دموکراتیک خلق افغانستان را ادامه میدهند - (بیانیه هنگام بر داشتن پرده از روی بنای یاد گاری قهرمانان انقلاب ۲۲ حوت ۱۳۶۰)	۱۵۵
۲۲-	کنفرانس سرتاسری حزب، انعکاس روشن تکامل حزب و افزایش نقش آن در جامعه و دولت است (بیانیه افتتاحیه کنفرانس سرتاسری ح. د.خ. ۲۳/۱ حوت ۱۳۶۰)	۱۵۷
۲۳-	گزارش کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان به کنفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان ۲۳ حوت ۱۳۶۰	۱۵۹
۲۴-	کنفرانس سرتاسری، پختگی و توانمندی حزب ما را در ارزیابی و تحلیل واقعیت‌های موجود و تعیین مشی اصولی نشان داد (بیانیه در مراسم اختتام کار کنفرانس سرتاسری ح. د.خ. ۱ ۲۴ حوت ۱۳۶۰)	۱۹۰
۲۵-	بهار نو و سال نو، بهار زنده گی سعادت‌مند خلق ما، بهار آبادانی وطن و بهار کار و افزایش محصولات برای دهقانان زحمتکش کشور خواهد بود. (بیانیه به مناسبت آغاز سال ۱۳۶۱ - ۲۹ حوت ۱۳۶۰)	۱۹۳
۲۶-	ما اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان تمام افتخارات زنده گی خود را به طور ارگانیک و بهم میپوسته با حزب، انقلاب و مردم خویش میدانیم (بیانیه هنگام بر یافت نشان « خورشید آزادی » ۵ ثور ۱۳۶۱)	۲۰۳
۲۷-	پل دوستی قلب های مردمان افغانستان انقلابی و شوروی بزرگ را با رشته های محکمتر دوستی می پیوندد. (بیانیه هنگام افتتاح «پل دوستی» - ۲۲ ثور ۱۳۶۱)	۲۰۶

- ۲۸ - رهبری حزب ما معتقد است که ارگانهای امنیتی جمهوری دموکراتیک افغانستان اعتماد عالی حزب و مردم را کسب نموده سهم شایسته خویش را در امر پیروزی نهایی انقلاب ایفا میکنند .
(بیانیه در جلسه سراسری کارمندان خدمات اطلاعات دولتی - ۲۶ ثور ۱۳۶۱)
- ۲۹ - دوستی خدشه ناپذیر و برادرانه جمهوری دموکراتیک افغانستان و جمهوری دموکراتیک آلمان روزتاروز استحکام مییابد .
(بیانیه در ضیافتی که به افتخار هیأت عالیرتبه حزب یو دولتی ج.د. افغانستان از جانب اریش هونیگر منشی عمومی کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحده آلمان ترتیب شده بود ۲۹ ثور ۱۳۶۱)
- ۳۰ - حزب ما آموزش ایدئولوژی طبقه کارگر را، وظیفه جدی و تأخیر ناپذیر تمام اعضای خود میداند
(بیانیه هنگام ملاقات با محصلان افغانی مکتب حزبی شهر پوتسدام ج.د. آلمان ثور ۱۳۹۱)
- ۳۱ - روابط برادری میان مردم افغانستان انقلابی و مردم جمهوری دموکراتیک آلمان تحکیم مییابد
(بیانیه از شبکه سراسری تلویزیون ج.د. آلمان- ۳ جوزای ۱۳۶۱)
- ۳۲ - گزارش در پلینوم نهم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان.
(در باره وظایف حزب در رابطه با تقویت کار سیاسی در میان توده ها ۲۱ اسد ۱۳۶۱)
- ۳۳ - بهبود وضع اردو، حل مسایل داغ انقلاب و تحکیم قدرت دولتی با وفاداری افسران به آرمانهای حزب و مردم و فعالیت فداکارانه و مبارزه پیگیر آنان ارتباط ناگسستگی دارد . بیانیه در جلسه وسیع هیأت سوق و اداره اردوی ج.د. افغانستان
(بیانیه در جلسه وسیع هیأت سوق و اداره ج.د. افغانستان ۲۱ اسد ۱۳۶۱)

شماره	عنوان	صفحه
۳۴	حماسه قیام رهایی بخش مردم افغانستان برای همیشه در خاطره همه وطنپرستان میهن انقلابی ما زنده میماند (بیانیه به مناسبت ۱۳ مین سالگرد استرداد استقلال کشور ۲۷ اسد ۱۳۶۱)	۲۶۷
۳۵	با پیروزی ششم جدی، تمامیت ارضی، استقلال و حاکمیت ملی، انقلاب و زحمتکشان ما، از خطر نابودی نجات یافت. (پیام به هموطنان مقیم در خارج از کشور - ۲ سنبله ۱۳۹۱)	۲۷۳
۳۶	شعور عالی انقلابی و فاداری به آرمانهای انقلاب باید به مشخصه خصلت سربازان و افسران مبدل گردد . (بیانیه هنگام ملاقات با سربازان و افسران فرقه ۱۸ پیاده ۲۵ سنبله ۱۳۹۱)	۲۷۶
۳۷	طبقه کارگر افغانستان ، تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان در اتحاد با سایر زحمتکشان، انقلاب را به پیش میبرد (بیانیه در فابر بیکه کود و بیری مزار شریف ۲۵ سنبله ۱۳۶۱)	۲۸۲
۳۸	تجارب ارزشمند حزب سوسیالیست کارگری مجارستان، ما را در امر ساختمان جامعه نوین کمک می نماید (بیانیه در ضیافت بوداپست ۱۲ میزان ۱۳۶۱)	۲۸۵
۳۹	مرحله نوین و تکاملی انقلاب ثور مناسبات دوستانه و برادرانه میان مردمان ، احزاب و حکومت کشورهای افغانستان و هنگری را به سطح عالی ارتقا بخشید (بیانیه از شبکه سراسری تلویزیون جمهوری مردم مجارستان ۱۳ میزان ۱۳۶۱)	۲۸۸
۴۰	خارندوی به حیث مدافع مردم وظیفه دارد از حقوق، کرامت و آرامش اتباع ج. دا حراست کند (بیانیه در جلسه سراسری فعالین حزبی خارندوی ۲۵ میزان ۱۳۶۱)	۲۹۳

- ۴۱ - آگاهی سیاسی منسوبین قهرمان اردو و صداقت به وطن ،
انقلاب و حزب نیرو و قدرت ار دوی مارا افزایش می بخشد -
(خطاب به سربازان و افسران فرقه ۱۷ هرات ۲۹ میزان ۱۳۹۱)
- ۳۰۱
- ۴۲ - ما میخواهیم که تمام شهرها و ولایات میهن انقلابی ما صنعتی،
پیشرفته و شگوفان گردد
(بیانیه در گرد همایی وسیع زحمتکشان شهر هرات ۲۹ میزان ۱۳۶۱)
- ۳۰۷
- ۴۳ - ماموظف استیم در همه مقامات پر مسؤولیت، افرادی را انتخاب
و تعیین نماییم که در عمل مستحق اعتماد حزب و قادر به عملی ساختن
سیاست آن باشند
(بیانیه در جلسه وسیع کارمندان عالیرتبه حزبی و دولتی برای بررسی
مسئله کادرها ۸ عقرب ۱۳۶۱)
- ۳۱۴
- ۴۴ - بدون درک عمیق ایدیالوژی انقلابی، یک حزب پیشاهنگ، موفق
به شناخت جامعه، سیاست و ایجاد رهبری مستحکم بوده نمی تواند
(بیانیه شفاهی هنگام ملاقات با مشمولین سیمینار وسیع تشکیلاتی و تبلیغ،
ترویج و آموزش و کنترل حزبی ۱۲ عقرب ۱۳۶۱)
- ۳۱۸
- ۴۵ - اگر مداخلات مسلحانه امپریالیزم بر علیه انقلاب ما وجود
نمیداشت، دگرگونی عظیم انقلابی مابه مراتب بیشتر میبود
(بیانیه در مراسم افتتاح کنفرانس بین المللی انکشاف اقتصادی،
اجتماعی و علیه خطر جنگ ۲۰ عقرب ۱۳۶۱)
- ۳۲۵
- ۴۶ - یکی از خصوصیات دوران ما، تعرض صلح علیه نیروهای
جنگ طلب است .
(بیانیه هنگام ملاقات با مشمولین کنفرانس بین المللی انکشاف
اقتصادی، اجتماعی و علیه خطر جنگ ۲۲ عقرب ۱۳۶۱)
- ۳۳۴

- ۳۳۸ - ۴۷ - گزارش در پلینوم د هم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان .
(در باره تکامل و استحکام هرچه بیشتر حزب ۲۱ قوس ۱۳۶۱)
- ۳۵۶ - ۴۸ - مردم افغانستان، تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان پروسه تغییرات و تحولات انقلابی کشور را پیگیرانه، استوار و گام به گام به پیش میبرند
(مصاحبه مطبوعاتی با ژورنالیستان کشورهای سوسیالیستی و سرمایه داری ۲۹ قوس ۱۳۶۱)
- ۳۷۱ - ۴۹ - تاریخ اتحاد شوروی، تقویم کارنامه های بزرگ و پرشکوه و شاهد روشن نیروی حیاتی و پیروزی سیاست لنینی حزب کمونیست اتحاد شوروی است
(بیانیه به مناسبت شصتمین سالگرد تأسیس دولت شوروی، کرملین - اول جدی ۱۳۶۱)
- ۳۷۴ - ۵۰ - جمهوری دموکراتیک افغانستان قدرت آنرا دارد که از دستاوردهای انقلاب ثور علی الرغم افزایش مداخلات ارتجاع قاطعانه و امپریالیزم دفاع نماید
(مصاحبه با خبرنگار روزنامه «پاتریات» هند دلو ۱۳۶۱)
- ۳۸۹ - ۵۱ - ضدانقلاب افغانستان زیر نام دفاع از آزادی و استقلال عملاً برضد آزادی، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور و بر ضد منافع زحمتکشان جمهوری دموکراتیک افغانستان می جنگند -
(بیانیه شفا هی هنگام پذیرش سرکرده گان گروه های مسلح پیوسته بهه دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان ۲۲ حوت ۱۳۶۱)
- ۳۹۸ - ۵۲ - گزارش در پلینوم یازدهم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان .
(در باره وظایف تأخیر ناپذیر حزب در زمینه تطبیق سیاست اقتصادی مطروحه در برنامه عمل ح. د.خ. ۱. ۲۸ حوت ۱۳۶۱)

داده‌های
پایه

از متن کتاب:

«اینها [مجاهدین] روستاها، مزارع و کشتزارها را طعمه حریق می سازند. دهاقین را که به کار صلح آمیز بالای زمین خود مشغول اند ترور می نمایند. زنان و اطفال را اختطاف می کنند. جاده ها را مین گذاری میکنند و در نتیجه موترهای حامل افراد معصوم ملکی را که از یک منطقه به منطقه دیگر می روند منفجر می سازند. پل ها و پلچک ها را از میان می برند. آنها شفاخانه ها، مساجد و مکاتب را تخریب و منفجر می سازند و روحانیون، معلمان، کارگران و دیگر کسانی را که مدافع دولت میباشند به صورت ترور انفرادی چه در مسجد، چه در راه، چه در جاده، همچون کانگسترها، به شهادت میرسانند. سعی میکنند سیم های برق را قطع نمایند. سعی می کنند که به بندها و زراعت و آبیاری صدمات وارد نمایند و همچنین سعی می نمایند که صنایع را فلج کنند. . . .

ضرری که به افغانستان متوجه شده به ملیاردها میرسد.»

۲۹ قوس ۱۳۶۱

طبع نخست : مؤسسه نشراتی ح.د.خ.ا جدی ۱۳۶۲

نشر دیجیتال: صفحه انترنیتی راه پرچم - حمل ۱۳۶۷ / اپریل ۲۰۱۸